ترجمه مشكاة الانوار فى غرر الاخبار

مؤلف : ابوالفضل على بن حسن بن فضل طبرسى

مترجمان : عبداللّه محمّدى، مهدى هوشمند

تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

# پيشگفتار

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ و الصلاة على خاتم الا نبياء أ فضل المرسلين محمّد و آله الطاهرين و السّلام على أ صحابه المنتجبين .

دومين سند دين پس از قرآن مجيد حديث است ، اين سند معتبر بالاترين سهم را در اين زمينه در معرفى و يادگيرى معارف اسلامى داشته ، و ميراثى ماندگار از جانب معصومان عليهم‌السلام به پيروان و شيفتگان و تشنگان اين معارف عاليه مى باشد.

حفظ و حراست از اين ميراث ماندگار در حال حاضر كه زمان غيبت حجت حق و صاحب اصلى آن است به عهده عالمان و محدثان و ناشران حديث است ، كه اين مهم را به روشهاى متفاوت و گوناگونى از قبيل تصحيح كتب حديث ، ترجمه و شرح و تعليق بر احاديث و چاپ و نشر آن به گونه اى قابل توجه انجام مى دهند.

در حقيقت نتيجه اين حفظ و حراست است كه پاسخگوى بسيارى از پرسشها و نكات مبهم و نامفهوم در ذهن اصناف انسانها خصوصا نسل جوان مى باشد، كه مى توانند با مطالعه و دقت در تأ ليفات حديثى پاسخ مجهولاتشان را بدست آورده و از نورانيت كلام معصومين عليهم‌السلام نيز بهره مند گردند.

در زمينه اهميّت اين گوهر گرانبها علماء و اهل فن نظرات گويايى دارند، مثلا، مرحوم كلينى رحمه‌الله حديث با علم دين برابر است ، زيرا بدون توجه نمودن به احاديث شناخت معارف اسلامى ممكن نيست ، و شناخت دين بدون شناخت حديث غير ممكن خواهد بود.

اين مهم ، از يك طرف در طول تاريخ باعث شده كه در مقابل حركتى ضد ارزش و ضد دين پديدار گردد، و با تمام وجود سعى در محو و از بين رفتن اين ارزش دينى كند، و ما واقفيم كه حفظ و نگارش حديث در قرون اوليه به سختى انجام مى شده ، و حتى در طول تاريخ نيز انديشه دسالين همواره در پى وارد آوردن خدشه به پيكره اين ميراث بوده است .

با توجه به مطالب فوق مى توان به مطلب ديگرى نيز پى برد، و آن عبارت از نورانيّتى است كه اين احاديث در دل و روح انسان بوجود مى آورد، در زيارت جامعه مى خوانيم كه (كلامكم نور و امركم رشد)، كلام معصوم عليهم‌السلام نور است ، و باعث نورانيت در دلهاى مشتاقان و حاملانش ‍ مى شود، زيرا سخن معصوم سخن خداست ، شاهد بر اين مدعا سخن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است كه مى فرمايد: «من در بين شما دو گوهر گرانبها را به امانت گذاردم ، كتاب و سنت ، تا زمانى كه در پناه اين دو باشيد طعم گمراهى را نخواهيد چشيد».

پرواضح است كه مراد از سنّت كلمات معصومين عليهم‌السلام است ، همانانى كه حجت خدا بر زمينند، فرمانشان فرمان خداست ، و به همين دليل است كه در قرآن مجيد صريحا اشاره به وجوب اطاعتشان آمده ، همان جا كه مى فرمايد: از خدا و رسولش و اولو الامر اطاعت كنيد، زيرا كه نافرمانيشان موجب اضلال و بدبختى و پريشانى است .

و بدين جهت براى اجراى كامل احكام خداوند، وعده ظهور حضرت حجّت (عج) را به مسلمين داد تا دين خدا را نصرت و يارى نمايد، و حقايقى را كه بر ما پنهان است آشكار نمايد، و هنگامى كه آن منجى قيام كند اين عرصه خاكى به نور الهى منوّر گردد.

با اين وجود، در عصر غيبت وظيفه حفظ و حراست از اين ميراث پربها وظيفه اى بس دشوار و پرمخاطره است ، كه اين امر خطير و سنگين بر دوش ‍ تمامى كسانى كه پى به اهميّت مطلب برده اند، و توفيق پردازش به آن را دارند سنگينى مى كند.

اينجانب نيز در اين راستا سعى نمودم با همه تقصيرها و كاستى هايى كه دارم ، و بديهى است كه هيچ انسانى خالى از خطا و اشتباه نيست ، گام در اين مسير نورانى نهم ، و خوشه اى از اين خرمن پرفيض برچينم .

به همين جهت به سفارش بعض از بزرگان به احياى اين كتاب شريف «مشكاة الا نوار فى غرر الا خبار» همت گماشتم ، و با پشتوانه و كمك گرفتن از مدد الهى و مراجعه به مصادر اسلامى اين كتاب به زيور تحقيق و طبع مزيّن گرديد.

بنا بر اين ، اگر به راه راست و مستقيم رفتم به فضل و كرم حق بود، و اگر اشتباهى رخ داد از خداوند اجر كوششگران را آرزو دارم ، وَ ما تَوْفِيقِى إِلاّ بِاللّهِ.

# مختصرى از احوالات مؤ لّف

بزرگان تاريخ و زندگى نگاران در احوال مرحوم شيخ اجلّ مؤ لّف بزرگوار «مشكاة الانوار» زياد نوشته اند، صاحب رياض مى نويسد:

شيخ ثقة الا سلام أ بو الفضل على بن الشيخ رضى الدين أ بى النصر الحسن بن الشيخ أ بى على فضل بن حسن بن فضل طبرسى ، فاضل عالم فقيه محدّث جليل صاحب «مشكاة الا نوار» از سيد جلال الدين أ بى على بن حمزه موسوى و غيرش نقل حديث مى نمود آنچنان كه از «مشكاة الا نوار» برمى آيد.

و آن بزرگوار داراى تأ ليفاتى است ، از جمله آن كتاب «كنوز النجاح» در دعا و نيايش است كه از ابن طاوس در كتاب «المجتنى من الدعاء المجتبى » از اين كتاب نقل كرده است ، و همچنان شيخ اجل كفعمى نيز در كتاب «المصباح» از اين كتاب نقل مى نمايد .

و اين شيخ محترم فرزند شيخ أ بى على طبرسى صاحب تفسير جليل «مجمع البيان» مى باشد. و كتاب «مشكاة الا نوار» جهت تكميل كتاب پدرش ‍ ابو نصر حسن بن فضل «مكارم الا خلاق» نگاشته شد.

بنا بر اين نسب مؤ لف چنين است :

أ بو الفضل على بن رضى الدين أ بى نصر حسن بن امين الدين أ بى على الفضل بن الحسن الفضل الطبرسى است كه به غلط كتاب را نسبت به ابو على فضل بن حسن طبرسى داده شد.

و بنا بر اين توضيح ، نام مؤ لف «مشكاة الا نوار» مشخص گرديد، گرچه بر استاد اسناد در «بحار الانوار» مخفى مانده .

سپس مؤ لف كتاب «رياض العلماء» در شناساندن مؤ لف در ادامه فرموده : شيخ نعمت اللّه خاتون عاملى در كتاب شريف «الرسالة المعمولة لمعنى العدالة» بعضى از فتاواى شيخ أ بو الفضل طبرسى را نقل نموده ، و نيز امير سيد حسين مجتهد در پايان كتاب «دفع المناواة عن التفضيل و المساواة» از كتب ثقة الا سلام أ بو الفضل طبرسى بعضى از فوائد را نقل نموده كه ظاهرا مراد هر دو بزرگوار همين شيخ مؤ لف جليل القدر باشد.

و لذا مى شود گفت كه : اين عالم بزرگوار تأ ليفات ديگرى نيز داشته است .

بعضى اشكال كرده اند كه : لقب ثقة الا سلام از آن جدّ مؤ لف صاحب «مجمع البيان» است ليكن موضوع بسيار آسان است ، زيرا ممكن است كه اشتراك در لقب داشته باشند علاوه بر اين مى دانيم كه لقب جدّ او «امين الدين» مى باشد.

سپس مؤ لف كتاب «رياض العلماء» فرموده :

استاد سندشناس در اوّل كتاب «بحار الا نوار» و كتاب «مشكاة الا نوار» فرمود:

اين كتاب از آن فرزند شيخ أ بو على طبرسى صاحب مجمع البيان است كه در تكميل كتاب پدرش «مكارم الا خلاق» نوشته شده است ، سپس فرمود: كتاب «مشكاة الا نوار» كتابى است ظريف كه اخبار نايابى را در خود جاى داده است .

آنگاه مؤ لف كتاب رياض العلماء فرموده :

شخص مؤ لّف در اوّل كتاب «مشكاة الا نوار» پس از حكايت تأ ليف پدرش در مورد كتاب «مكارم الا خلاق»، و كتاب جامع كه تمامش نكرد، چنين فرمود: سپس گروهى از مؤمنين مشتاق از من تقاضا كردند كه در اعمال خير كتابى را تدوين نمايم ، و من هم با استعانت از خداوند متعال قربة إ لى اللّه عزّ و جلّ به تأ ليف اين كتاب همّت گماشتم ، و نوشتم آنچه بدان دست يافتم و مرتّب و بخش بخش قرار دادم .

و در آخر هر بابى اوراق اضافه نهادم كه چنانچه حديث جديدى بدست آمد در آن اوراق بگنجانم ، و اين كتاب را به «مشكاة الا نوار فى غرر الا خبار» نامگذارى نمودم .

برخى از سيره نگاران چنين گويند:

فرزند طبرسى أ بو الفضل على بن رضى الدين أ بى النصر الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسى در بيشتر كتب تراجم به بزرگوارى و تعظيم و ثناء و تكريم فراوان ياد شده .

و نيز صاحب كتاب «رياض العلماء» فرموده :

ثقة الا سلام عالم فاضل فقيه محدّث جليل صاحب «كتاب مشكاة الا نوار» از سيد سعيد جلال الدين ابو على بن حمزه موسوى و غير او نقل حديث نموده .

و همچنان محدث نورى در «خاتمه مستدرك» بدين منوال او را ستوده .

و در ترجمه پدر بزرگوار او گذشت كه : او و پدر بزرگوارش و فرزندش أ بو الفضل على بن الحسن صاحب «مشكاة الا نوار» از برجسته گان علماء و مشاهير فضلا بودند.

و ناگفته نماند كه كتاب «مشكاة الا نوار» او يك بار در سال هجرى قمرى در نجف اشرف در مطبعه حيدريّه به زيور چاپ آراسته گرديد، در اوّل آن چاپ چنين آمده است :

و بعد، همانا مولا و پدرم الشيخ الا مام الا جلّ السعيد، رضى الدين أ مين الا سلام و المسلمين حجّة الخلق أ با نصر الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسى نوّر اللّه حفرته و حشره مع مواليه الطاهرين هنگامى كه كتاب «مكارم الا خلاق» را تأ ليف كرد و همگان آن را پسنديدند، شروع بتأ ليف كتاب ديگرى كه جامع ديگر حالات ، و روشهاى نيكو باشد، نمود. كه در اين زمينه روايات زيادى را از بين كتب مشاهير رضي‌الله‌عنه اجمعين برگزيد، منتهى با فرا رسيدن مرگ او نتوانست كتاب را به اتمام رساند.

خداوند بحق محمّد و آل او صلّى اللّه عليهم أ جمعين او را در بهشت برين جاى دهد. و آرزوهاى او را از فضل خود برآورد.

سپس جمعى از مؤمنين مشتاق در اعمال خير، به دنبال كار والد مرحوم از من تقاضا نمودند كه اين كتاب را تأ ليف نمايم ، با تقرب به خداوند منّان آنچه در نظرم باقى مانده بود به نوشتن اين كتاب مبادرت ورزيدم .

علّامه مجلسى رحمه‌الله در كتاب «بحار الا نوار» فرمود: از اين عبارات دانسته مى شود كه «مشكاة الا نوار» جهت تكميل كتاب «مكارم الا خلاق» نوشته شده است .

علّامه تهرانى در «الذريعه» فرموده : «مشكاة الا نوار فى غرر الا خبار» از تأ ليفات شيخ أ بو الفضل على بن شيخ رضى الدين ابو نصر حسن بن ابو على مفسّر ملقب به «امين الاسلام» فضل بن حسن بن فضل طبرسى است ، و اين كتاب همانى است كه «بحار الا نوار» از او نقل مى كند و آن كتابى است ظريف شامل اخبار غريبه .

در ادامه فرموده : نسخه اى از آن نزد ميرزا محمّد على اردوبادى در نجف اشرف موجود مى باشد.

و آنچه از خطبه كتاب برمى آيد آن است كه : آن كتاب را جهت تكميل «مكارم الا خلاق» نوشته است .

آنچنان كه خود مى گويد: هنگامى كه پدرم كتاب «مكارم الا خلاق» را جمع آورى نمود و همگان آن را پسنديدند، شروع به تصنيف كتاب ديگرى نمود كه جامع ساير محاسن احوال باشد. و اخبار زيادى را در اين زمينه جمع آورى نمود تا آنجا كه فرمود مرگ او فرا رسيد و ادامه كار متوقّف گشت ، سپس جماعتى از مؤمنين مشتاق اهل خير از من تقاضاى ادامه تأ ليف اين كتاب را نمودند، و من هم آنچه در ذهنم حاضر بود جمع آورى نمودم و به ترتيب و تبويب آن همت گماشتم ، و نام آن را «مشكاة الا نوار فى غرر الا خبار» نهادم .

و در اوّل آن فهرست بابهاى دهگانه و بخشهاى او را به تفصيل آورده است و تاريخ كتابت آن نسخه سال مى باشد و اوّل آن : الحمد للّه أ هل الحمد و وليّه و منتهى الحمد و غايته ، نحمده على ما هدانا.

بابها و بحثهاى آن چنين است :

ايمان و اسلام در پانزده فصل .

نشانه هاى شيعه در نه فصل .

كارهاى نيك در شانزده فصل .

آداب معاشرت با مردم در دوازده فصل .

مكارم اخلاق در پنج فصل .

عيبهاى نفس و كوشش در رهائى از آن در هشت فصل .

مصيبت و گرفتاريها و ثواب بر آنها، و ياد مرگ در ده فصل .

نهى از خصلتهاى ناپسند در ده فصل .

پندها احاديث متفرقه .

ناگفته نماند كه بيشترين آن احاديث را از كتاب «المحاسن» برقى نقل مى كند كه در آن اخبار زيادى موجود است كه در «المحاسن» فعلى وجود ندارد، و همين دليل بر آن است كه «المحاسن» كنونى ناقص است ، و نسخه كامل آن در دسترس مؤ لّف بوده .

و همچنان مؤ لّف از كتاب «روضة الواعظين» و «عيون الا خبار» و «مجمع البيان» جدش شيخ طبرسى و غير آن نقل حديث مى نمايد.

# روش تحقيق :

روش كار در اين كتاب نخست بر اساس مطبوع آن و ثانيا: بر دو نسخه

مخطوط به انجام رسيد:

نسخه شماره كتابخانه مجلس شوراى اسلامى

نسخه شماره كتابخانه وزيرى يزد و ثالثا: با كاوش در كتب احاديث كه در دسترس بود همانند كافى ، محاسن برقى توحيد شيخ صدوق و ... و همچنان به كتابهائى كه مؤ لّف به آنها در طى كتاب «مشكاة الا نوار» استناد نموده مراجعه نمودم و با مقابله دو نسخه مخطوط با مطبوع اصحّ را در متن قرار دادم ، و نص احاديث را با كتب معتبر تطبيق نمودم و در پاورقى به فرقهاى آن اشاره شد.

و براى اطمينان بيشتر تمام احاديث را با برنامه هاى كامپيوترى مطابقت دادم ، چنانچه حديثى مصدر و مأ خذش بدست نيامد در پاورقى به آن اشاره شد.

همچنان اگر متن حديث به محاسن برقى و يا ديگر كتب ، استناد داده شد و در آن يافت نشد، حتى الا مكان از كتابهاى ديگر همانند كافى و تهذيب و ... مراجعه و استخراج شد.

ضمنا آيات و كلمات غريبه همانند نصوص روايات ضبط گرديد، و براى هر يك از آنها شماره خاصى در فهرست قرار داده شد تا پويندگان و خوانندگان به آسانى به آن دست يابند. و نيز براى منابع و مآخذ با ذكر نام ناشر و سال نشر و طبع فهرستى جداگانه تنظيم گرديد.

در پايان نخست از خداوند منان سپاسگزارم كه به من چنين توفيقى عنايت فرمود.

و ضمنا از دوستانى كه به من در اين كار كمك و راهنمائى كردند، تقدير و تشكر مى نمايم .

مهدى هوشمند

## مقدمه مترجمان

سپاس خداى را كه توفيق را رفيق ما نمود كه اين اثر گرانبها كتاب مستطاب «مشكاة الا نوار» را كه واقعا از افق نورانى مكتب اهل بيت عليهم‌السلام كسب انوار نمود ترجمه نماييم ، و ما به حمد اللّه در اين راستا از هيچ سعى و كوششى دريغ ننموديم ، نخست به ترجمه هايى كه پيشينيان زحمت آن را متحمّل شدند كه خداى كوششان را بپذيرد مراجعه نموديم و از آنها بهره ها جستيم . سپس گوياترين واژه هاى لغات را تا حدّ امكان برگزيده ايم و از دقّت و وسواسى كه لازمه تحقيق و ترجمه است فروگذارى نكرديم ، و احيانا بنا به تقاضاى نياز به كتب لغات و شروح احاديث مراجعه نموديم ، و با جدّ و جهد تمام از لغات سهل و آسان و رسا استفاده نموديم ، تا خوانندگان عزيز به بهترين و آسانترين راه ممكن ، به معانى احاديث واقف گردند. و براى دريافت بهينه از ترجمه در مقابل هر صفحه متن احاديث را با رعايت تقابل كلمات أحاديث و شماره هاى آن ، بدون آنكه ترجمه آن به صفحه بعد منتقل شود قرار داده ايم ، و اين تقابل حائز اهميّت فراوان مى باشد، از جمله :

زبان دانان عربى و فارسى يكسان از آن بهره خواهند جست .

تطابق لغات براى هر دو به آسانى ميسّر خواهد بود.

استفاده بهينه براى كسانى كه به هر دو لغت آشنايى كامل دارند.

اميد است خداوند منّان و اولياء پاكش اين عمل ناچيز را از ما به شايستگى قبول نمايند، و موجب افزايش توفيق و بركت در نخستين گام به سوى ترجمه ديگر آثار اهل بيت عليهم‌السلام بشود، آمين ربّ العالمين .

عبد اللّه محمّدى مهدى هوشمن 1/٧/٧٨

# باب اوّل : در ايمان و اسلام و آنچه به آن بستگى دارد

الباب الاول فى الايمان و الاسلام و ما يتعلق بهما خمسة عشر فصلا

و در آن پانزده فصل است

## فصل اول : در توحيد

الفصل الاول فى التوحيد

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ أَنَّ إِلى رَبِّكَ الْمُنْتَهى فَإِذَا انْتَهَى الْكَلَامُ إِلَى اللَّهِ فَأَمْسِكُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود كه : خداوند مى فرمايد: (همانا فرجام و پايان هر چيزى به سوى پروردگارت است) پس هر گاه سخن (به ذات) خداوند ختم شد خوددارى نماييد.

مِنْ كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجُويْبَارِيِّ فِى سَفَرِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا جَزَاءُ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالتَّوْحِيدِ إِلَّا الْجَنَّةَ

امام رضا عليه‌السلام در سفر مرو از حضرت على عليه‌السلام نقل فرمود كه : پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

جزاى كسى كه خداوند بعنوان پاداش ، نعمت توحيد را به او عطا فرموده بجز بهشت نخواهد بود.

عَنْ أَبِى ذَرٍّ رحمه‌الله قَالَ خَرَجْتُ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِى فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ يَمْشِى وَحْدَهُ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِنْسَانٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ يَكْرَهُ أَنْ يَمْشِيَ مَعَهُ أَحَدٌ قَالَ فَجَعَلْتُ أَمْشِى فِى ظِلِّ الْقَمَرِ فَالْتَفَتَ فَرَآنِى قَالَ مَنْ هَذَا قُلْتُ أَبُو ذَرٍّ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ تَعَالَ قَالَ فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً فَقَالَ إِنَّ الْمُكْثِرِينَ هُمُ الْأَقَلُّونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْراً فَنَفَحَ مِنْهُ بِيَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ وَرَاءَهُ وَ عَمِلَ فِيهِ خَيْراً قَالَ فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً فَقَالَ اجْلِسْ هَاهُنَا فَأَجْلَسَنِى فِى قَاعٍ حَوْلَهُ حِجَارَةٌ وَ قَالَ لِى اجْلِسْ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ قَالَ فَانْطَلَقَ فِى الْحَرَّةِ حَتَّى لَمْ أَرَهُ وَ تَوَارَى عَنِّى فَأَطَالَ اللَّبْثَ ثُمَّ إِنِّى سَمِعْتُهُصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ مُقْبِلٌ يَقُولُ وَ إِنْ زَنَى وَ إِنْ سَرَقَ قَالَ فَلَمَّا جَاءَ لَمْ أَصْبِرْ حَتَّى قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ مَنْ تُكَلِّمُ فِى جَانِبِ الْحَرَّةِ فَإِنِّى سَمِعْتُ أَحَداً يَرُدُّ عَلَيْكَ شَيْئاً قَالَ ذَلِكَ جَبْرَئِيلُ عَرَضَ لِى فِى جَانِبِ الْحَرَّةِ وَ قَالَ بَشِّرْ أُمَّتَكَ أَنَّهُ مَنْ مَاتَ وَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ إِنْ زَنَى وَ إِنْ سَرَقَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ إِنْ زَنَى وَ إِنْ سَرَقَ قَالَ نَعَمْ وَ إِنْ شَرِبَ الْخَمْرَ

ابوذر مى گويد: شبى از منزل بيرون آمدم ، ناگهان ديدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به تنهايى راه مى روند و هيچ كس با او همراه نيست ، گمان كردم كه دوست ندارند كسى با ايشان همراه باشد، لذا آهسته در زير سايه ماه ، پشت سرش شروع به راه رفتن كردم ، پيامبر متوجه من شد و فرمود: كيستى ؟ عرض كردم : فدايت شوم ، ابوذر هستم . فرمود: اى ابوذر! همراه من بيا. آنگاه ساعتى با ايشان راه رفتم ، سپس فرمود: ثروت اندوزان در روز قيامت در اقليّت قرار مى گيرند ، مگر كسى كه خداوند خير را نصيب او كرد و در دنيا از راست و چپ و از روبرو و پشت سر انفاق مى نمود، و با آن عمل خير انجام مى داد. سپس ابوذر گفت : ساعتى همراه پيامبر راه رفتم ، آنگاه فرمود: اينجا بنشين ! بعد مرا در زمينى كه سنگلاخ بود و در اطرافش كوهها و تپه ها قرار داشت نشاند و فرمود: اينجا بنشين تا برگردم . سپس پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به سوى مكانى كه «حرّه» نام داشت رفتند به طورى كه ديگر ايشان را نديدم و از ديده ام پنهان شده بود. سپس شنيدم كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالى كه به طرف من مى آمد مى فرمود: و اگر چه زنا كرده باشد؟! او اگر چه دزدى كرده باشد؟! ابوذر گفت : چون پيامبر آمد بى صبرانه از ايشان پرسيدم : اى پيامبر خدا! خدا مرا فدايت كند، با چه كسى در طرف «حرّه» صحبت مى كرديد؟ من شنيدم كه كسى جوابت را مى داد. فرمود: او جبرئيل بود كه در طرف «حرّه» بر من نمايان شده بود.

و گفت : امّت خود را بشارت بده كه : هر كس بميرد و شرك به خدا نورزيده باشد داخل بهشت خواهد شد.

به او گفتم : اى جبرئيل ! اگر چه زنا كرده باشد؟! اگر چه دزدى كرده باشد؟

گفت : بلى ، ديگر بار گفتم : اگر چه زنا كرده باشد؟ اگر چه دزدى كرده باشد؟ گفت : بلى ، اگر چه خمر نوشيده باشد.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً أَحْسَنَ أَوْ أَسَاءَ دَخَلَ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام از حضرت على عليه‌السلام نقل كند كه : پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس از دنيا برود و شرك به خدا نورزيده باشد، چه كار نيكو كرده باشد و چه كار بد، داخل بهشت خواهد شد.

عَنْ رَيَّانَ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِى وَ مَا عَرَفَنِى مَنْ شَبَّهَنِى بِخَلْقِى وَ مَا عَلَى دِينِى مَنْ يَسْتَعْمِلُ الْقِيَاسَ فِى دِينِى

امام رضا عليه‌السلام از حضرت على عليه‌السلام روايت كند كه فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال فرمود: كسى كه كلام مرا با رأ ى و نظر خود تفسير كند به من ايمان نياورده ، و نشناخت مرا كسى كه مرا تشبيه (به مخلوقاتم) نمايد، و بر دينم نخواهد بود آنكه قياس را در آن بكار گيرد.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعليه‌السلام يَقُولُ مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ وَصَفَهُ بِالْمَكَانِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَاذِبٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الاْيَةَ إِنَّما يَفْتَرِى الْكَذِبَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِآياتِ اللّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْكاذِبُونَ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: هر كس خداوند را به مخلوقاتش تشبيه نمايد مشرك است ، و هر كس براى خداوند مكانى را فرض كند كافر است ، و هر كس به خداوند آنچه را او از آن نهى فرموده نسبت دهد دروغگوست ، سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (همانا افترا مى بندند آن دروغگويانى كه ايمان به آيات خدا نياورده اند؛ آنها دروغگويانند).

عَنْ أَبِى هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثَّانِيَعليه‌السلام مَا مَعْنَى الْوَاحِدِ فَقَالَ الْمُجْتَمَعُ عَلَيْهِ بِجَمِيعِ الْأَلْسُنِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

ابو هاشم جعفرى گويد: از امام جواد عليه‌السلام پرسيدم : معنى واحد چيست ؟ فرمود: آن چيزى است كه با تمام زبانها به وحدانيت او اتفاق نظر دارند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّ أَسَاسَ الدِّينِ التَّوْحِيدُ وَ الْعَدْلُ وَ عَلَمَهُ كَثِيرٌ وَ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْهُ فَاذْكُرْ مَا يَسْهُلُ الْوُقُوفُ عَلَيْهِ وَ يَتَهَيَّأُ حِفْظُهُ فَقَالَ أَمَّا التَّوْحِيدُ فَأَنْ لَا تُجَوِّزَ عَلَى رَبِّكَ مَا جَازَ عَلَيْكَ وَ أَمَّا الْعَدْلُ فَأَنْ لَا تَنْسُبَ إِلَى خَالِقِكَ مَا لَامَكَ عَلَيْهِ

مردى از امام صادق عليه‌السلام سؤ الى پرسيد، امام در جواب فرمود: همانا اساس دين ، توحيد و عدل است ، و دانش آن بسيار است ، و هر عاقلى ناچار است كه آن را بياموزد، بنا بر اين بياد آور چيزى را كه رسيدن به آن علم را برايت آسان مى كند، و حفظ آن را برايت آماده مى كند.

سپس امام عليه‌السلام فرمود: اما توحيد به اين است كه : در مورد پروردگارت روا ندانى آنچه را كه بر خودت روا مى دانى ، و اما عدل ، به اين است كه : به آفريدگارت نسبت ندهى آنچه را كه تو را بر آن ملامت فرمود.

عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِى قَالَ سَأَلْتُ الرِّضَاعليه‌السلام عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ كُلُّ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آمَنَ بِهَا فَقَدْ عَرَفَ التَّوْحِيدَ قُلْتُ كَيْفَ يَقْرَؤُهَا قَالَ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ وَ زَادَ فِيهِ كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّى ثَلَاثاً

عبد العزيز بن مهتدى ، گفت : در مورد توحيد از امام رضا عليه‌السلام پرسيدم ، فرمود: هر كس (قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ) را بخواند و به آن ايمان آورد توحيد را شناخته است ، گفتم : چگونه آن را بخواند؟ فرمود: همان طور كه مردم مى خوانند، و زياد كرد در آن گفتن «كذلك اللّه ربّي» را سه بار.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِى مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ قَالَ مَا صَنَعْتَ فِى رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ وَ مَا رَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ قَالَ أَنْ تَعْرِفَهُ بِلَا مِثْلٍ وَ لَا شِبْهٍ وَ لَا نِدٍّ وَ أَنَّهُ وَاحِدٌ أَحَدٌ ظَاهِرٌ بَاطِنٌ أَوَّلٌ آخِرٌ لَا كُفْوَ لَهُ وَ لَا نَظِيرَ لَهُ فَذَلِكَ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ

ابن عبّاس گفت : مرد عربى از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسيد: اى رسول خدا! به من نكات غريب و مشكل علم را بياموز، فرمود: تو در مورد اصل علم چه مى دانى كه از مشكلات آن مى پرسى ؟ اعرابى گفت : اى رسول خدا! اصل علم چيست ؟ فرمود: شناخت خدا آن طور كه حقّ شناخت اوست . اعرابى گفت : شناخت واقعى و حقيقى خداوند چگونه است ؟ فرمود:

به اين است كه : خدا را بدون مثل و شبيه و همتا بشناسى ، و اينكه او يگانه و يكتاست ، در ظاهر و باطن وجود دارد، آغاز است و فرجام ، نه همتا دارد و نه مانندى ، اين است حقّ شناخت او.

أَيْضاً مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ فَضْلِ بْنِ يَحْيَى قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِعليه‌السلام عَنْ شَيْءٍ مِنَ الصِّفَةِ فَقَالَ لَا تُجَاوِزْ مَا فِى الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَوْ كانَ فِيهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللّهُ لَفَسَدَتا

فضل بن يحيى گفت : از امام كاظم عليه‌السلام از چيزى از صفت (توحيد) پرسيدم ، ايشان فرمود:

از آنچه كه در قرآن است تجاوز نكن ، خداوند متعال مى فرمايد: (اگر در آسمان و زمين آلهه اى غير از خدا بود هر آينه آسمان و زمين فاسد مى شدند).

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُشْبِهُ شَيْئاً وَ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ وَ كُلَّمَا وَقَعَ فِى الْوَهْمِ فَهُوَ بِخِلَافِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى متعال به هيچ چيزى شباهت ندارد و هيچ چيزى هم به او شبيه نيست ، و هر چه در وهم و خيال آيد او بخلاف آن است .

## فصل دوم : در اخلاص

الفصل الثانى فى الاخلاص

مِنَ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَنِيفاً مُسْلِماً قَالَ خَالِصاً مُخْلَصاً لَا يَشُوبُهُ شَيْءٌ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند متعال : (حنيفا مسلما) فرمود: يعنى : خالص و مخلص ؛ كه در كارهايش چيزى جز خدا در نظرش ‍ نباشد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقَّ حَقِيقِيَّةِ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلِ اللَّهِ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: براى هر مطلب حقّى حقيقتى است ، و هيچ بنده اى از بندگان خدا به حقيقت اخلاص نمى رسد مگر اينكه دوست نداشته باشد كه به خاطر كارى كه براى خداانجام مى دهد او را ستايش و تمجيد كنند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَيْرُ السَّمَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: همه چيز براى مؤمن فروتنى مى كند حتّى جنبنده هاى روى زمين و وحوش آن و پرندگان آسمان .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مَنْ أَشْرَكَ مَعِى فِى عَمَلٍ عَمِلَهُ لَا أَقْبَلُهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: من بهترين شريك هستم ، هر كس در عملى كه انجام مى دهد براى من شريك قرار دهد از او نمى پذيرم مگر آنچه را كه فقط خالص براى من انجام داده باشد.

وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَعْلَمْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ

و فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: هر كس دوست دارد كه بداند چه موقعيّتى نزد خدا دارد، پس بايد بفهمد كه موقعيت خدا نزد او چگونه است .

## فصل سوم : در يقين

الفصل الثالث فى اليقين

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّ فِى خُطْبَةٍ لَهُ طَوِيلَةٍ الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ التَّوْحِيدِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود كه : حضرت على عليه‌السلام در خطبه اى طولانى فرمود: ايمان بر چهار پايه استوار است : بر صبر و يقين و عدل و توحيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ايمان از اسلام برتر است ، و يقين از ايمان برتر است ، و هيچ چيزى عزيزتر و كميابتر از يقين نيست .

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَنِ الْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ فَقَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ وَ الْإِيمَانُ فَوْقَهُ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ لَمْ يُقْسَمْ بَيْنَ وُلْدِ آدَمَ شَيْءٌ أَقَلُّ مِنَ الْيَقِينِ قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ مِنَ الْيَقِينِ قَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِلَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّفْوِيضُ إِلَى اللَّهِ قُلْتُ مَا تَفْسِيرُ ذَلِكَ قَالَ هَكَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع

يونس بن عبد الرحمن گويد: از امام رضا عليه‌السلام در باره ايمان و اسلام پرسيدم ، ايشان فرمود: دين فقط اسلام است ، و ايمان درجه اى بالاتر از اسلام است ، و تقوى درجه اى بالاتر از ايمان ، و يقين درجه اى بالاتر از تقوى است ، و هيچ چيزى بهتر از يقين بين فرزندان حضرت آدم عليه‌السلام تقسيم نشده است ، پرسيدم : نشانه يقين و پديده آن چيست ؟

فرمود: توكل بر خدا، و تسليم در برابر خدا، و راضى بودن به قضا و قدر الهى ، و واگذار كردن امور به خداوند، پرسيدم : معناى اينها چيست ؟ فرمود: امام باقر عليه‌السلام [فقط] اين چنين فرمود.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الْجِدارُ فَكانَ لِغُلامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِى الْمَدِينَةِ وَ كانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُما فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مَا كَانَ ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً وَ إِنَّمَا كَانَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ يَضْحَكْ سِنُّهُ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ

صفوان جمّال گفت : از امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند متعال پرسيدم ، ترجمه آيه گفتگوى موسى و خضر: (و امّا ديوار؛ پس مربوط به دو پسر بچه يتيم در شهر بود كه زير آن گنجى پنهان بود كه به آن دو مى رسيد) فرمود: بدان كه (مقصود از) آن گنج ؛ طلا و نقره نبود، بلكه چهار كلمه بود: من خدا هستم ، معبودى غير از من نيست ، هر كس يقين به مرگ داشته باشد دندانهايش هنگام شادى نمايان نمى شود و هر كس يقين به حساب داشته باشد دلش شادمان نمى شود، و هر كس يقين به قضا و قدر داشته باشد فقط از خدا مى ترسد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّعليه‌السلام عَلَى الْمِنْبَرِ لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ يُصِيبُهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: حضرت على عليه‌السلام بر منبر مى فرمود: هيچ بنده اى از بندگان خدا طعم و مزه ايمان را نمى چشد مگر اينكه بداند آنچه قسمت او بود از آن او بود و به ديگرى نمى رسيد، و آنچه از آن ديگرى بود فقط به او مى رسيد و به اين شخص نمى رسيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تُرْضُوا النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لَا تَحْمَدُوهُمْ عَلَى مَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَذُمُّوهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكُمُ اللَّهُ إِنَّ الرِّزْقَ لَا يَجُرُّهُ حِرْصُ حَرِيصٍ وَ لَا يَرُدُّهُ كَرَاهَةُ كَارِهٍ وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَكَانَ رِزْقُهُ أَشَدَّ لَهُ طَلَباً وَ أَسْرَعَ إِدْرَاكاً مِنَ الْمَوْتِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الرَّوْحَ وَ الرَّاحَةَ فِى الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ فِى الشَّكِّ وَ السَّخَطِ

امام صادق عليه‌السلام از قول حضرت على عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: يكى از علائم يقين اين است كه : به خاطر خشنودى مردم ، خداوند را ناخشنود نكنى ، و آنان را به خاطر روزى كه خدا به توسط آنان به تو داده ستايش منمائى ، و آنان را به خاطر محروم نمودن خداوند تو را از روزى سرزنش ننمائى ، زيرا از هيچ آزمندى موجب جلب روزى نمى شود، و بخل هيچ بخيلى مانع از رسيدن روزى نخواهد شد، زيرا اگر از روزى همانند گريختن از مرگ بگريزد، روزى سريعتر از مرگ صاحبش را مى طلبد، همانا خداوند متعال آسايش و آرامش را در يقين و خشنودى ، و اندوه و ناآرامى را در ناباورى و خشم قرار داد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مِنْ صِحَّةِ يَقِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ ثُمَّ سَاقَ الْحَدِيثَ نَحْواً مِنْ حَدِيثِ مَيْمُونٍ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَأَدْرَكَهُ رِزْقُهُ قَبْلَ مَوْتِهِ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بِعَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ وَ عِلْمِهِ جَعَلَ الرَّوْحَ وَ الْفَرَجَ فِى الْيَقِينِ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ فِى الشَّكِّ وَ السَّخَطِ فَارْضُوا عَنِ اللَّهِ وَ سَلِّمُوا لِأَمْرِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از علائم كمال يقين مسلمان اين است كه : مردم را بواسطه خشم و غضب خدا خشنود نكند. در حديث ديگر آمده است كه فرمود: رزق و روزيش او را در مى يابد قبل از مرگش ، همان طور كه مرگش او را در مى يابد.

سپس فرمود: خداوند متعال به وسيله عدل و داد خود خرّمى و آسايش را در يقين و خشنودى مقرّر فرموده ، و غم و اندوه را در ناباورى و ناخشنودى ، پس راضى به قضاى خدا شويد و تسليم فرمان خداوند باشيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ قَنْبَرٌ غُلَامُ عَلِيٍّعليه‌السلام يُحِبُّ عَلِيّاً حُبّاً شَدِيداً فَإِذَا خَرَجَ عَلِيٌّ خَرَجَ عَلَى أَثَرِهِ بِالسَّيْفِ فَرَآهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ يَا قَنْبَرُ مَا لَكَ فَقَالَ جِئْتُ لِأَمْشِيَ خَلْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ وَيْحَكَ أَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ تَحْرُسُنِى أَمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالَ لَا بَلْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَطِيعُونَ لِى شَيْئاً لَوْ شَاءُوا إِلَّا بِإِذْنٍ مِنَ السَّمَاءِ فَارْجِعْ قَالَ فَرَجَعَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قنبر غلام على عليه‌السلام ، حضرت را بسيار دوست مى داشت ، پس هر گاه امام عليه‌السلام از منزل خارج مى شد با شمشير به دنبال او مى رفت ، شبى حضرت متوجه او شد، فرمود: قنبر چه قصدى دارى ؟ عرض كرد: به دنبال شما آمده ام اى امير مؤمنان ، حضرت فرمود: واى بر تو، آيا مرا از اهل آسمان محافظت مى كنى يا از اهل زمين ؟ عرض كرد: نه ؛ از اهل زمين ، فرمود: همانا اهل زمين توان هيچ چيزى را بر من ندارند مگر با اجازه اى از خدا، بنابر اين برگرد! قنبر برگشت .

عَنْهُعليه‌السلام لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا لَهُ حَدٌّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا حَدُّ التَّوَكُّلِ قَالَ الْيَقِينُ قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْيَقِينِ قَالَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ چيزى نيست مگر اينكه براى آن حدّى است ؛ راوى از حضرت پرسيد: فدايت شوم ، حدّ توكّل چيست ؟ فرمود: يقين است ، عرض كرد: حدّ يقين چيست ؟ فرمود: اين است كه : با وجود خدا از احدى نترسى .

قِيلَ لِلرِّضَاعليه‌السلام مَا حَدُّ التَّوَكُّلِ قَالَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ غَيْرَهُ

از امام رضا عليه‌السلام سؤ ال شد: حدّ توكّل چيست ؟

فرمود: اين است كه : با وجود خداوند از غير او نترسد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِيضِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدَرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: على عليه‌السلام مى فرمود: خدايا! بر من منّت گذار تا توان توكّل بر تو و واگذاردن امورم به تو، و خشنود شدن به قضا و قدر تو، و تسليم شدن به فرمانت را پيدا كنم ، به حدّى در برابر فرمانت تسليم و در آنچه برايم مقدر فرموده اى شتاب نداشته باشم و به داده هايت رضايت دهم ، اى مهربانترين مهربانان .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كَفَى بِالْيَقِينِ غِناً وَ بِالْعِبَادَةِ شُغُلًا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: بهترين ثروت يقين است ، و بهترين شغل عبادت و پرستش ‍ خداوند.

وَ قَالَعليه‌السلام إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنَفِيَّةِ كَانَ رَجُلًا رَابِطَ الْجَأْشِ وَ كَانَ الْحَجَّاجُ يَلْقَاهُ فَيَقُولُ لَهُ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَضْرِبَ الَّذِى فِيهِ عَيْنَاكَ فَيَقُولُ كَلَّا إِنَّ لِلَّهِ فِى كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ لَحْظَةً فَأَرْجُو أَنْ يَكْفِيَنِى بِإِحْدَاهُنَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: محمد بن حنفيه مردى شجاع و آرام دل بود، روزى حجّاج به او گفت : بارها قصد كردم كه گردنت را بزنم .

محمّد جواب داد: تو قدرت انجام اين كار را ندارى ، براى خدا در هر روز سيصد و شصت لحظه است ، اميدوارم خداوند در يكى از آن لحظات شرّ تو را از من دفع كند.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى بِالنَّاسِ الصُّبْحَ فَنَظَرَ إِلَى شَابٍّ فِى الْمَسْجِدِ وَ هُوَ يَخْفِقُ وَ يَهْوِى بِرَأْسِهِ مُصْفَرٌّ لَوْنُهُ وَ قَدْ نَحِفَ جِسْمُهُ وَ غَارَتْ عَيْنَاهُ فِى رَأْسِهِ وَ لَصِقَ جِلْدُهُ بِعَظْمِهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثُ فَقَالَ أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِناً فَقَالَ فَعَجِبَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ قَوْلِهِ وَ قَالَ لَهُ إِنَّ لِكُلِّ يَقِينٍ حَقِيقَةً فَمَا حَقِيقَةُ يَقِينِكَ فَقَالَ إِنَّ يَقِينِى يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ أَحْزَنَنِى وَ أَسْهَرَ لَيْلِى وَ أَظْمَأَ هَوَاجِرِى فَعَزَفَتْ نَفْسِى عَنِ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا حَتَّى كَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّى قَدْ نُصِبَ لِلْحِسَابِ وَ حُشِرَ الْخَلَائِقُ لِذَلِكَ وَ أَنَا فِيهِمْ وَ كَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ فِيهَا وَ يَتَعَارَفُونَ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئِينَ وَ كَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ النَّارِ فِيهَا مُعَذَّبُونَ وَ يَصْطَرِخُونَ وَ كَأَنِّى أَسْمَعُ الاْنَ زَفِيرَ النَّارِ يَدُورُ فِى مَسَامِعِى قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ فِى الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ الْزَمْ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ الشَّابُّ ادْعُ اللَّهَ لِى يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أُرْزَقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ قَالَ فَدَعَا لَهُ بِذَلِكَ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ فِى بَعْضِ غَزَوَاتِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَاسْتُشْهِدَ بَعْدَ تِسْعَةِ نَفَرٍ وَ كَانَ هُوَ الْعَاشِرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به همراه مردم نماز صبح را خواند، سپس به جوانى كه در مسجد بود و چرت مى زد و سر به زير داشت نگاهى كرد، رنگش زرد و بدنى لاغر و چشمانى فرو رفته در گودى سر داشت و پوست بدنش به استخوانش چسبيده بود.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به او فرمود: چگونه شب را به صبح رساندى اى حارث ! (كنايه از اينكه در چه حالى يا حالت چطور است)؟ عرض كرد: اى رسول خدا! در حال يقين شب را به روز آوردم . پيغمبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از حرف او تعجب نموده و فرمود: براى هر يقينى نشانه اى است ، نشانه حقيقى يقين تو چيست ؟ گفت : اى رسول خدا! نشانه يقين من همانست كه مرا غمناك ساخته و شبم را به بى خوابى كشيده ، و مرا به تحمل تشنگى وسط روز وادار كرده ، و نفسم از دنيا و آنچه در آن است روى گردان شده ، به درجه اى كه گويا عرش پروردگارم را براى حسابرسى برپا مى بينم ، و تمامى مردم براى حساب محشور شده اند، و من در ميان آنها هستم ، و گويا به اهل بهشت مى نگرم كه غرق در نعمت هستند، و در حالى كه بر پشتيها تكيه زده اند با همديگر آشنايى پيدا مى كنند، و گويا اهل دوزخ را مى بينم كه در آتش شكنجه مى شوند و فرياد مى زنند، و گويا من هم اكنون صداى نعره آتش دوزخ را كه در گوشم مى پيچد مى شنوم . رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به اطرافيان فرمود: اين بنده اى است كه خداوند دلش را به نور ايمان روشن ساخته است ، سپس [رو به آن جوان نمود]فرمود: به آنچه بر آن هستى ثابت باش . جوان عرض كرد: اى رسول خدا! از خدا براى من بخواه كه شهادت با تو و در ركاب تو را نصيبم گرداند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برايش چنين دعايى كرد، و طولى نكشيد كه در يكى از جنگها با پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به جبهه جهاد شتافت ، و پس از نه نفر به شهادت نايل شد، و او نفر دهم بود.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّعليه‌السلام يُقَالُ لَهُ قَيْسٌ يُصَلِّى فَلَمَّا صَلَّى رَكْعَةً تَطَوَّقَ أَسْوَدُ فِي مَوْضِعِ السُّجُودِ فَلَمَّا ذَهَبَ يُصَلِّى الثَّانِيَةَ نَحَّى جَبِينَهُ عَنْهُ فَتَطَوَّقَ الْأَسْوَدُ فِى عُنُقِهِ ثُمَّ انْسَابَ فِى قَمِيصِهِ وَ إِنِّى أَقْبَلْتُ يَوْماً مِنَ الْفُرْعِ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ أَنَا فِى بَعْضِ الطَّرِيقِ فَنَزَلْتُ فَصِرْتُ إِلَى ثُمَامَةٍ فَلَمَّا صَلَّيْتُ رَكْعَةً أَقْبَلَ أَفْعَى مِنْ تَحْتِ الثُّمَامَةِ فَلَمَّا دَنَا مِنِّى رَجَعَ إِلَى الثُّمَامَةِ وَ أَقْبَلْتُ عَلَى صَلَاتِى وَ لَمْ أُخَفِّفْهَا وَ عَلَى دُعَائِى وَ لَمْ أُخَفِّفْهُ ثُمَّ قُلْتُ لِبَعْضِ مَنْ مَعِى دُونَكَ الْأَفْعَى تَحْتَ الثُّمَامَةِ فَقَتَلَهُ وَ مَنْ لَمْ يَخَفْ إِلَّا اللَّهَ كَفَاهُ اللَّهُ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: يكى از ياران على عليه‌السلام به نام قيس ، در حال نماز خواندن بود كه وقتى يك ركعت خواند مار سياهى در محل سجودش آمد، چون خواست ركعت دوم را بخواند، پيشانيش را از طرف آن مار بطرف ديگر گرداند، آن مار به دور گردنش پيچيد، سپس به داخل پيراهنش رفت . امام عليه‌السلام فرمود: من روزى به مكانى كه نام آن (فرع) بود و جايى بين مكه و مدينه بود رفتم ، وقت نماز شد و من در بين راه بودم ، از مركب پياده شدم و به طرف گياهى كه (ثمامه) نام داشت رفتم . چون يك ركعت نماز خواندم يك افعى از زير ثمامه بطرف من آمد، وقتى نزديك من رسيد دوباره بطرف ثمامه برگشت و من شروع به نماز خواندن كردم و آن را كوتاه ننمودم و بعد شروع به دعا خواندن كردم و آن را هم كوتاه ننمودم ، سپس به بعضى از كسانى كه با من بودند گفتم : بگيريد افعى را كه زير ثمامه است ، آنها افعى را كشتند، هر كس از غير خدا نترسد خداوند او را يارى مى كند.

عَنْ أَبِى الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ اسْتَأْذَنَ رَجُلٌ مِنْ أَتْبَاعِ بَنِى أُمَيَّةَ عَلَى أَبِى جَعْفَرٍ وَ كَانَ مِنَ الْقَوْمِ سَيْلُ كَذَا فَخِفْنَا عَلَيْهِ فَقُلْنَا جَعَلَنَا اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا فُلَانٌ يَسْتَأْذِنُ عَلَيْكَ فَلَوْ تَوَارَيْتَ مِنْهُ وَ قُلْنَا مَا هُوَ هَاهُنَا قَالَ لَا بَلْ ائْذَنُوا لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ وَ يَدِ كُلِّ بَاسِطٍ فَهَذَا الْقَائِلُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقُولَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ هَذَا الْبَاسِطُ لَا يَسْتَطِيعُ بِيَدِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ اللَّهُ قَالَ ثُمَّ أُذِنَ لِلرَّجُلِ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ أُمِرَ فِيهَا ثُمَّ ذَهَبَ

ابى القداح از پدرش نقل مى كند كه گفت : مردى از پيروان بنى اميّه از امام باقر عليه‌السلام اجازه ملاقات خواست ، ما از او ترسيديم و گفتيم : جان ما فداى شما باد! اين فلانى است كه اجازه مى خواهد نزد شما بيايد، چرا خود را از او مخفى نمى سازيد، تا ما بگوئيم او اينجا نيست ؟

فرمود: نه ، به او اجازه دهيد داخل شود، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند سخن هر گوينده را مى شنود و دست هر ستمكارى را مى بيند، پس اين گوينده نمى تواند چيزى را بگويد مگر آنچه را كه خدا بخواهد، و اين دست نمى تواند كارى بكند مگر آنچه را خدا بخواهد.

سپس امام به مرد اجازه فرمود، پس آن مرد داخل بر امام شد و مسائل خود را مطرح كرد و پاسخش را گرفت ، سپس رفت .

سَأَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَعليه‌السلام فَقَالَ لَهُمَا مَا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَ الْيَقِينِ فَسَكَتَا فَقَالَ لِلْحَسَنِ أَجِبْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قَالَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ قَالَ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّ الْإِيمَانَ مَا سَمِعْنَاهُ بِآذَانِنَا وَ صَدَّقْنَاهُ بِقُلُوبِنَا وَ الْيَقِينَ مَا أَبْصَرْنَاهُ بِأَعْيُنِنَا وَ اسْتَدْلَلْنَا بِهِ عَلَى مَا غَابَ عَنَّا

حضرت على عليه‌السلام از امام حسن و امام حسين عليهما‌السلام پرسيد: فرق بين ايمان و يقين چيست ؟

پس آن دو بزرگوار سكوت كردند، سپس به امام حسن عليه‌السلام فرمود: اى ابا محمّد جواب بده ، فرمود: بين آن دو يك وجب فاصله است ، فرمود: اين چگونه است ؟ فرمود: چون ايمان آن چيزى است كه ما با گوشهايمان مى شنويم و به وسيله قلبهايمان آن را تصديق مى كنيم ، و يقين آن چيزى است كه آن را با چشمهايمان مى بينيم و استدلال مى كنيم به آن بر آنچه از ما پنهان است .

سُئِلَ الرِّضَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِإِبْرَاهِيمَصلى‌الله‌عليه‌وآله أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلى وَ لكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِى أَ كَانَ فِى قَلْبِهِ شَكٌّ قَالَ لَا كَانَ فِيهِ يَقِينٌ وَ لَكِنْ أَرَادَ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ عَلَى يَقِينِهِ

از امام رضا عليه‌السلام در باره قول خداوند متعال به حضرت ابراهيم عليهم‌السلام سؤ ال شد كه فرمود: (آيا ايمان نياورده اى گفت چرا ولى براى اطمينان قلبم مى پرسم) آيا در قلب او شكى بود؟ فرمود: نه ، در قلب او يقين بود، و لكن خداوند متعال اراده كرده بود كه بر يقين او افزوده شود.

## فصل چهارم : در توكل و واگذارى و تسليم امور به خدا

الفصل الرابع فى التوكل على الله و التفويض إ ليه و التسليم له

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْغِنَى وَ الْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَئَاهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بى نيازى و عزّت جولان مى كنند، هنگامى كه به جايگاه توكل دست يافتند آن را وطن خويش قرار مى دهند.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِعليه‌السلام سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ سُوَيْدٍ السَّائِيُّ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ فِى أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِياً تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ إِلَّا خَيْراً وَ فَضْلًا وَ تَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِى ذَلِكَ إِلَيْهِ وَ وَثِقْتَ بِهِ فِيهَا وَ فِى غَيْرِهَا

امام كاظم عليه‌السلام در مورد قول خداوند كه : (هر كس بر خدا توكل كند پس او را بس است) فرمود: توكل بر خدا داراى درجاتى است ، يكى اينكه : در همه كارهايت بر او توكل كنى ، و هر چه با تو انجام دهد به آن راضى باشى ، و بدانى كه غير از خير و سعادت تو را نخواهد، و بدانى كه : اختيار در اين امور با اوست ، و تو اطمينان به او داشته باشى چه در اين كارها و چه در غير اينها.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ أَنَّهُ مَا اعْتَصَمَ بِى عَبْدٌ مِنْ عِبَادِى دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِى عَرَفْتُ ذَاكَ عَنْ نِيَّتِهِ ثُمَّ تَكِيدُهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنِهِنَّ وَ مَا اعْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِى بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِى عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ أَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَ لَمْ أُبَالِ فِى أَيِّ وَادٍ تَهَالَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى به حضرت داود عليه‌السلام وحى كرد كه : هر يك از بندگانم با يأ س از مخلوقاتم به من پناهنده شود من از نيتش اين را مى فهمم ؛ و سپس همه آسمانها و زمين و هر كه در آنها هست براى او توطئه كنند من برايش راه چاره اى براى نجات از دست آنها فراهم خواهم كرد.

و هر يك از بندگانم به ديگرى پناهنده شود در حالى كه من بدانم قصدش ‍ همين است ، همه وسائل و اسباب آسمانها و زمين را از او مى گيرم و او را سرگردان خواهم نمود و او را به حال خودش واگذارم ، و باكى ندارم كه در كدام سرزمين نابود مى شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى وَ جَمَالِى وَ بَهَائِى وَ عُلُوِّى وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِى لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِى قَلْبِهِ وَ هَمَّهُ فِى آخِرَتِهِ وَ كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ ضَمَّنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: به عزت و جلال و جمال و بزرگى و عظمت و بلندى مرتبه ام و مقام والايم و به جايگاه بلندم سوگند، هيچ بنده اى خواست مرا بر دلخواه خود بر نگزيند مگر اينكه بى نيازى او را در قلبش قرار خواهم داد، و كوشش او را در آخرتش ، و سرگردانى را از او باز دارم ، و آسمانها و زمين را به روزيش فرمان دهم ، و من خود براى او بدنبال تجارت هر تاجرى باشم (و پشتيبان او هستم).

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى وَ عَظَمَتِى وَ كِبْرِيَائِى وَ نُورِى وَ عُلُوِّى وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِى لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتُّ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَّسْتُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَغَلْتُ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أُوتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى وَ عَظَمَتِى وَ كِبْرِيَائِى وَ نُورِى وَ عُلُوِّى وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِى لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِى وَ كَفَّلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: قسم به عزت و جلالم و بزرگى و عظمت و نور و برترى و به جايگاه بلندم ، هيچ بنده اى خواست خود را بر خواست من مقدم نكند؛ مگر اينكه كارش را پريشان كنم ، و دنيايش را درهم سازم و دلش را به آن مشغول نمايم ، و از آن به او ندهم مگر آنچه را برايش ‍ مقدّر كرده ام ، قسم به عزت و جلال و بزرگى و عظمت و نور و برترى و بلندى مقام و جايگاهم ، هيچ بنده اى خواست مرا بر خواست خود مقدّم نكند مگر اينكه ملائكه من از او محافظت كنند، و آسمانها و زمين را متكفل روزى او سازم ، و از پس تجارت و سودجوئى هر تاجرى من پشتيبان او هستم و دنيا بر خلاف انتظارش به آستان بوسى او آيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ لِشَيْءٍ قَدْ مَضَى : لَوْ كَانَ غَيْرُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله براى هر كارى كه واقع شده بود نمى فرمود: اى كاش غير آن واقع شده بود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلِّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءَ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سزاوارترين خلق خدا كه بدان چه خداوند برايش مقدر كرده تسليم باشد كسى است كه خدا را شناخته ، و هر كس ‍ راضى به قضا و قدر باشد قضا و قدر الهى شامل حالش شود، و خداوند پاداش بزرگى نصيب او گرداند، و هر كه ناخشنود از قضا و قدر الهى باشد قضا و قدر بر او بگذرد و خداوند پاداش او را بيهوده انگارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ الاْيَةَ قَالَ أَثْنُوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا لَهُ قُلْتُ فَكَيْفَ عَلِمَ الرَّسُولُ أَنَّهَا كَذَلِكَ قَالَ كُشِفَ لَهُ الْغِطَاءُ قُلْتُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ عَلِمَ الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ قَالَ بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرِّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ وَرَاءِ سَخَطٍ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند عز و جل (إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ...) فرمود: يعنى ستايش نمايند پيامبر را و درود بر او فرستند، پرسيدم : چگونه رسول بداند كه ملائكه بر او درود مى فرستند؟ فرمود: پرده ها براى او كنار مى رود، پرسيدم : به چه چيز مؤمن مى فهمد كه مؤمن است ؟

فرمود: به وسيله تسليمش در برابر قضاى خداوند و خشنودى او به آنچه بر او مى رسد، بدون غضب و ناراحتى .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتْقَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس دوست داشته باشد كه با تقواترين مردم باشد پس بايد توكل بر خدا كند.

وَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كس توكل بر خدا كند مغلوب نگردد و هر كه بخدا پناه آورد شكست نخورد.

قَالَ النَّبِيُّ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِى إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِى لَمْ أُعْطِهِ وَ إِنْ دَعَانِى لَمْ أُجِبْهُ وَ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِى دُونَ خَلْقِى إِلَّا ضَمَّنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ فَإِنْ سَأَلَنِى أَعْطَيْتُهُ وَ إِنْ دَعَانِى أَجَبْتُهُ وَ إِنِ اسْتَغْفَرَنِى غَفَرْتُ لَهُ

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: هيچ آفريده اى نيست كه از آفريده ديگرم كمك بخواهد، و از من كمك نخواهد مگر اينكه اسباب آسمانها و زمين را از او قطع نمايم ، چنانچه چيزى از من بخواهد به او نخواهم داد، و اگر مرا بخواند به او جواب نمى دهم .

و هيچ مخلوقى نيست كه متمسك به من شود نه به آفريده ام ؛ مگر اينكه آسمانها و زمين را وسيله تهيّه رزق و روزى او قرار مى دهم ، اگر از من چيزى بخواهد به او مى دهم ، و اگر مرا بخواند او را اجابت كنم ، و اگر از من طلب آمرزش كند او را بيامرزم .

وَ قَالَعليه‌السلام مَنِ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَئُونَتَهُ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنِ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَكَلَهُ إِلَيْهَا

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس اعتماد و اتكايش را از غير خدا ببرد خداوند بى نيازش كند و رزق و روزيش را بدون حساب و كتاب ؛ و از جايى كه فكرش نمى رسيد به او بدهد، و هر كس به دنيا متكى شود، خداوند او را به همان دنيا وامى گذارد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِى يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ فِى يَدَيْهِ

و پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس دوست مى دارد كه توانمندترين مردم باشد، بايد توكّل بر خدا كند، و هر كس كه دوست مى دارد و بخواهد كه گرامى ترين و محترمترين مردم باشد بايد پرهيزگار باشد، و هر كس كه دوست دارد كه بى نيازترين مردم باشد، بايد اطمينانش ‍ به آنچه كه در دست قدرت خداست بيشتر باشد تا از آنچه كه در دستان خودش است .

وَ قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ بِصِدْقِ النِّيَّةِ لَاحْتَاجَتْ إِلَيْهِ الْأُمَرَاءُ فَمَنْ دُونَهُمْ فَكَيْفَ يَحْتَاجُ هُوَ وَ مَوْلَاهُ الْغِنِيُّ الْحَمِيدُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر مردى بر خدا توكّل كند و در نيّتش صادق باشد، بطور قطع فرمانروايان و غير آنها محتاج به او مى شوند، چگونه او محتاج شود در حالتى كه مولاى او بى نياز و ستوده است ؟

أَيْضاً مِنَ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِيضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: ايمان داراى چهار ركن است : توكّل بر خدا، واگذار نمودن كارها به خدا، راضى بودن به قضا و قدر خدا، تسليم شدن به امر خدا.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَكِّمُوكَ الاْيَةَ قَالَ التَّسْلِيمُ وَ الرِّضَا وَ الْقُنُوعُ بِقَضَائِهِ

امام باقر عليه‌السلام در مورد اين كلام خداوند جلّ ثناؤ ه (فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَكِّمُوكَ) فرمود: تسليم بودن ، و راضى بودن ، و قانع بودن به قضا و قدر الهى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قِبَلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قِبَلَ كُلِّ مَا يُحِبُّ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ بِتَقْوَاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَقْبَلَ قَبِلَهُ وَ عَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ أَوْ كَانَتْ نَازِلَةٌ نَزَلَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَشَمِلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ وَ كَانَ فِى حِرْزِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَ لَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى مَقامٍ أَمِينٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر بنده اى به آنچه خداوند عزّ و جل دوست دارد روى آورد، خداوند به آنچه او دوست دارد متوجه شود، و هر كس به خدا و تقواى خدا پناهنده شود خداوند او را حفظ كند، و هر كه خدا به او رو كند و او را حفظ كند، باكى ندارد كه آسمان به زمين افتد، يا بلايى فرود آيد كه همه مردم زمين را فرو گيرد، او به وسيله تقوا در پناه خدا از هر بلايى محفوظ خواهد بود، آيا اين طور نيست كه خداوند مى فرمايد: (افراد با تقوا در مقام امن هستند).

وَ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ فِى بَعْضِ أَسْفَارِهِ رَكْبٌ فَقَالُوا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَا حَقِيقَةُ إِيمَانِكُمْ قَالُوا الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّفْوِيضُ إِلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عُلَمَاءُ وَ حُكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْبِيَاءَ فَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَ لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا الَّذِى إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا در يكى از سفرهايش به جمعى شترسوار برخورد، آنها گفتند: درود بر تو اى رسول خدا! ايشان فرمود: شما كيستيد؟

گفتند: ما مؤمنان هستيم اى رسول خدا! حضرت فرمود: حقيقت ايمان شما چيست ؟

گفتند: رضا به قضاى خدا، و واگذارى خود به خدا، و تسليم به امر خدا، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله (به اطرافيان خود) فرمود: اينها دانشمندانى حكيم هستيد كه نزديك است از مقام بلند حكمت خود انبياء باشند.

(سپس رو به آنها كرده) و فرمود: اگر راست مى گوئيد: نسازيد آنچه را كه در آن سكنى نمى گزينيد، و جمع نكنيد آنچه را كه نمى خوريد، و بترسيد از خدائى كه بسوى او بازگردانده خواهيد شد.

## فصل پنجم : در صبر و شكيبائى

الفصل الخامس فى الصبر

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَأْتِى عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ فِيهِ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَ التَّجَبُّرِ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَصْبِ وَ الْبُخْلِ وَ لَا الْمَحَبَّةُ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَ اتِّبَاعِ الْهَوَى فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الذُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صِدِّيقاً مِمَّنْ صَدَّقَ بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده اند: زمانى براى مردم بيايد كه به ملك و سلطنت نرسند جز به وسيله كشتار و ديكتاتورى و زور، و به توانگرى نرسند جز بوسيله غصب مال مردم و بخل ، و محبوب جامعه نشوند مگر بوسيله بيرون رفتن از دين و پيروى كردن هواى نفس ، هر كس چنين زمانى را درك كند و در مقابل فقر صبر كند با اينكه قادر بر تحصيل ثروت است ، و بر خوارى صبر كند در حالى كه مى تواند عزيز باشد؛ خداوند ثواب پنجاه صديق را كه مرا تصديق كرده اند به او مى دهد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَى قَوْمٍ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ فَشَكَا إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ فَقَالَ اخْتَرِ الْقِتَالَ أَوِ النَّارَ قَالَ يَا رَبِّ لَا طَاقَةَ لِى بِالنَّارِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِيكَ فِى سَنَتِكَ هَذِهِ فَقَالَ ذَلِكَ النَّبِيُّ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَمَرَنِى بِقِتَالِ بَنِي فُلَانٍ فَقُلْتُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِقِتَالِهِمْ فَقَالَ اخْتَرِ الْقِتَالَ أَوِ النَّارَ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا بِالنَّارِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِينِى فِي سَنَتِى هَذِهِ قَالُوا تَفْعَلُ وَ نَفْعَلُ وَ تَكُونُ وَ نَكُونُ قَالَ وَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً آخَرَ إِلَى قَوْمٍ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ فَشَكَا إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِيكَ بَعْدَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِى بِقِتَالِ بَنِى فُلَانٍ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الضَّعْفَ فَقَالُوا لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِينِى بَعْدَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً فَقَالُوا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِالنَّصْرِ فِى سَنَتِهِمْ تِلْكَ لِتَفْوِيضِهِمْ إِلَى اللَّهِ وَ قَوْلِهِمْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال پيغمبرى را به سوى قومى مبعوث نمود و او را امر كرد كه بايد با آنان بجنگيد، پس آن پيغمبر نزد خدا از ضعف شكايت كرد، خداوند فرمود:

يا جنگيدن يا در آتش جهنم رفتن را انتخاب كن ، گفت : پروردگارا من طاقت آتش ندارم ، پس خداوند به او وحى كرد كه : پيروزى تو در همين سال به تو مى رسد، آن پيغمبر به اصحابش گفت : خداوند عزّ و جل مرا امر به جنگيدن با بنى فلان كرده و من گفتم ما طاقت جنگيدن با آنها را نداريم ، لذا فرمود: انتخاب كن جنگيدن را يا آتش جهنم را، گفتند: ما طاقت جنگ با آنها را نداريم ، لذا فرمود: انتخاب كن جنگيدن را يا آتش جهنم را، گفتند: ما طاقت جنگ با آنها را نداريم ، پس به آنها گفت : انتخاب كنيد يا جنگ يا آتش را، گفتند: ما طاقت آتش نداريم ، به آنها گفت : خداوند وحى كرده كه نصرت و پيروزى من در همين سال است ، گفتند: هر كارى تو بكنى ما همراهيت كنيم ، امام عليه‌السلام فرمود: و مبعوث كرد خداوند پيغمبر ديگرى را بسوى قومى و به او امر كرد كه بايد با آنها بجنگد، او نزد خدا از ضعف شكايت كرد، خداوند عزّ و جل به او وحى كرد كه : پيروزى پس از پانزده سال نصيب تو مى شود، او به اصحابش گفت : خداى عزّ و جل مرا امر كرده به جنگيدن با بنى فلان ، و من به او شكايت از ضعف نمودم ، گفتند: لا حول و لا قوّة الّا باللّه ، آن پيغمبر گفت : خداوند وحى كرد به من كه پيروزى بعد از پانزده سال برايم حاصل مى شود، گفتند:

ما شاء اللّه ، لا حول و لا قوّة الّا باللّه ، گفت : خداوند متعال در همان سال پيروزى را نصيبشان گرداند بعلت اينكه كارهايشان را واگذار به خدا كردند، و گفتند: هر چه خدا بخواهد، و نيست حول و قوّه اى مگر حول و قوّه الهى .

عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ أَمَرَنِى أَبِى يَعْنِى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْ آتِيَ الْمُفَضَّلَ بْنَ عُمَرَ فَأُعَزِّيَهُ بِإِسْمَاعِيلَ وَ قَالَ أَقْرِئِ الْمُفَضَّلَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ إِنَّا أُصِبْنَا بِإِسْمَاعِيلَ فَصَبَرْنَا فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرْنَا إِنَّا إِذَا أَرَدْنَا أَمْراً وَ أَرَادَ اللَّهُ أَمْراً سَلَّمْنَاهُ لِأَمْرِ اللَّهِ

امام رضا عليه‌السلام از قول پدر بزرگوارش فرمود: پدرم مرا امر فرمود يعنى امام صادق عليه‌السلام كه به نزد مفضّل بن عمر بروم و او را در مورد مرگ اسماعيل تعزيت گويم ، و فرمود: به مفضّل سلام برسان و به او بگو كه ما مصيبت اسماعيل را ديديم و صبر كرديم ، پس صبر كن همان طور كه ما صبر كرديم ، ما هر گاه امرى را اراده كنيم و خداوند امر ديگرى را اختيار كند ما امر خود را تسليم امر او خواهيم كرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ مِنَ التَّوَكُّلِ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ غَيْرَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نشانه توكل اين است كه : با اينكه از خدا مى ترسى از ديگرى مترس .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الصَّبْرُ مِنَ الْيَقِينِ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: صبر از يقين است .

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ أُهْدِيَ إِلَى الرَّسُولِ بَغْلَةٌ أَهْدَاهَا كِسْرَى لَهُ أَوْ قَيْصَرُ فَرَكِبَهَا النَّبِيُّ فَأَخَذَ مِنْ شَعْرِهَا وَ أَرْدَفَنِى خَلْفَهُ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِى الرَّخَاءِ يَعْرِفْكَ فِى الشِّدَّةِ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَ إِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ قَدْ مَضَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِأَمْرٍ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْيَقِينِ فَافْعَلْ وَ إِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِى الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْراً كَثِيراً وَ اعْلَمْ أَنَّ الصَّبْرَ مَعَ النَّصْرِ وَ أَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً

عبد اللّه بن عباس گفت : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر قاطرى كه كسرى يا قيصر به او پيش كش كرده بود سوار شد، سپس موى آن قاطر را گرفت و مرا پشت سر خود سوار نمود، و فرمود: اى جوان ! بياد خدا باش تا خدا تو را حفظ كند، به ياد خدا باش تا همواره خدا را جلوى روى خود بينى ، خداى عزّ و جل را در سستى ها و لغزشها بياد آور تا خداوند تو را در سختيها اجابت و دستگيرى كند، هر گاه سؤ ال كردى از خدا سؤ ال كن ، و هر گاه طلب كمك كردى استعانت به خدا بجوى ، كه قلم تقدير مشخّص نموده آنچه را بايد انجام شود، اگر مردم كوشش كنند كه به امرى كه خداوند مقدر نفرموده به تو نفعى برسانند قادر بر آن نخواهند بود.

اگر مى توانى كه صبر نمائى به همراه يقين اين كار را بكن ، و اگر نمى توانى صبر كن كه در صبر كردن بر آنچه بر تو سخت است خير بسيار مى باشد. و بدان كه صبر به همراه پيروزى است ، و گشايش به همراه سختى ، و به دنبال هر سختى آسانى است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: صبر سر ايمان است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ

امام صادق عليه‌السلام : صبر نسبت به ايمان همانند سر نسبت به بدن است ، چون سر نباشد تن هم نخواهد بود، همچنين هر گاه صبر نباشد ايمان هم نيست .

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا حَفْصُ إِنَّ مَنْ صَبَرَ صَبَرَ قَلِيلًا وَ إِنَّ مَنْ جَزِعَ جَزِعَ قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّداً فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرِّفْقِ فَقَالَ وَ اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلًا. وَ ذَرْنِى وَ الْمُكَذِّبِينَ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ادْفَعْ بِالَّتِى هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِى بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَداوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. وَ ما يُلَقّاها إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ ما يُلَقّاها إِلاّ ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبَرَصلى‌الله‌عليه‌وآله حَتَّى نَالُوهُ بِالْعَظَائِمِ وَ رَمَوْهُ بِهَا تَمَامَ الْخَبَرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى حفص ! هر كه صبر كند، اندكى صبر كرده ، و هر كس بى تابى كند اندكى بى تابى نموده .

سپس فرمود: حتما در تمام كارهايت صبر را پيشه خود ساز، زيرا خداوند محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله را مبعوث نمود و او را به صبر و مدارا امر كرد، و فرمود: (بر آنچه مى گويند صبر كن و به زيبايى و نرمى آنها را ترك كن و مرا با نعمت خوارگانى كه تو را تكذيب مى كنند واگذار).

و خداوند تبارك و تعالى مى فرمايد: (دفاع كن كه به نيكوترين وجه در مقابل بديها، تا بناگاه آنكه ميان تو و او دشمنى است گويا او دوستى صميمى است ، و به آن برخورد نكنند مگر كسانى كه صابر باشند، و بر نخورد به آن مگر كسى كه صاحب بهره فراوان باشد) پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله صبر كرد بدرجه اى كه به او وصله هاى بزرگى چسباندند و او را به آنها متهم ساختند (مثل اينكه به او ساحر و مجنون و كذّاب گفتند).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام وُكِّلَ الرِّزْقُ بِالْحُمْقِ وَ وُكِّلَ الْحِرْمَانُ بِالْعَقْلِ وَ وُكِّلَ الْبَلَاءُ بِالْيَقِينِ وَ الصَّبْرِ

حضرت على عليه‌السلام فرمود: رزق و روزى به حماقت و نابخردى سپرده شده ، محروميت به عقل سپرده شده و بلاء به يقين و صبر سپرده شده .

عَنْ مِهْرَانَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِى الْحَسَنِ أَشْكُو إِلَيْهِ الدَّيْنَ وَ تَغَيُّرَ الْحَالِ فَكَتَبَ لِى اصْبِرْ تُؤْجَرْ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَصْبِرْ لَمْ تُؤْجَرْ وَ لَمْ تَرُدَّ قَضَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

مهران گويد: نامه اى به امام كاظم عليه‌السلام نوشتم و به ايشان از قرض و دگرگونى حال شكايت كردم .

ايشان در جوابم نوشتند: صبر كن تا اجر و ثواب ببرى ، زيرا اگر تو صبر نكنى ثواب و اجرى نصيب تو نگردد، و قضا و قدر خدا را مانع نتوانى شد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ وَ إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَ إِنْ تَدَاكَّتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَ إِنْ أُسِرَ وَ قُهِرَ وَ اسْتُبْدِلَ بِالْيُسْرِ عُسْراً كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ الْأَمِينُصلى‌الله‌عليه‌وآله لَمْ يَضْرُرْ حُرِّيَّتَهُ أَنِ اسْتُعْبِدَ وَ قُهِرَ وَ أُسِرَ وَ لَمْ تَضْرُرْهُ ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَ وَحْشَتُهُ وَ مَا نَالَهُ أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَاتِيَ لَهُ عَبْداً بَعْدَ أَنْ كَانَ مَالِكاً لَهُ فَأَرْسَلَهُ وَ رَحِمَ بِهِ أُمَّةً وَ كَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعْقِبُ خَيْراً فَاصْبِرُوا تَظْفَرُوا وَ وَاظِبُوا عَلَى الصَّبْرِ تُؤْجَرُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آزاده در هر حال آزاده است ، اگر مصيبتى براى او پيش آيد بر آن صبر خواهد كرد، و اگر مصائب بر او هجوم آورند او را درهم نشكنند، اگر چه اسير شود و اذيّت شود و آسايش او تبديل به سختى گردد، همان طور كه حضرت يوسف صدّيق امين عليه‌السلام بود كه با وجود اينكه تبعيد شد و اذيت و اسير شد ولى ضررى به حريّت او نزد، و تاريكى چاه و وحشت آن و آنچه بر سرش آمد به او ضررى نرساند، تا اينكه خدا بر او منّت نهاد و آن جبّار سركش را كه قبلا مالك او بود بنده او ساخت ، و خدا او را رسول خود نمود و به وسيله او به امّتى رحم كرد.

و اين چنين است صبر كه خير به دنبال دارد، شما هم صبر كنيد تا پيروز شويد، و صبر را پاس داريد تا اجر ببريد.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر در برابر مصيبت كه خوب و زيباست ، و نيكوتر از آن صبر است كه در برابر محرّمات خداوند است .

و ذكر به دو گونه است : ياد خداوند عزّ و جل در هنگام مصيبت ، و برتر از آن ياد خداست در برابر ارتكاب محرمات ، تا اينكه از كار حرام مانع تو شود.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام لَمَّا حَضَرَتْ أَبِى عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ الْوَفَاةُ ضَمَّنِى إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَيْ بُنَيَّ أُوصِيكَ بِمَا أَوْصَانِى بِهِ أَبِى حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَ بِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُعليه‌السلام أَوْصَاهُ بِهِ أَيْ بُنَيَّ اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ مُرّاً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه زمان فوت پدرم (على بن الحسين عليه‌السلام) فرا رسيد، مرا به سينه اش چسباند، سپس فرمود: اى پسر عزيزم ! سفارش مى كنم تو را به آنچه پدرم هنگام وفاتش مرا به آن سفارش فرمود، و به آنچه كه فرمود پدرانش او را به او وصيت نموده اند.

اى پسر عزيزم ! صبر بر حق كن گرچه تلخ باشد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَجَباً لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَقْضِى لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْراً إِنِ ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِنْ أُعْطِيَ شَكَرَ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه مى فرمود: من از كار مؤمن در شگفتم ، خداوند عزّ و جل مقدّر نمى كند براى او تقديرى را مگر اينكه برايش خير باشد، اگر گرفتار شود بردبار باشد، و اگر خيرى به او عطا شد سپاسگزار است .

قِيلَ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: گرامى ترين آفريده پيش خدا كيست ؟ فرمود: كسى كه هر گاه به او چيزى داده شد سپاسگزار و قدردان است و هر گاه گرفتار شد بردبارى پيشه كند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ أَغْبَطِ أَوْلِيَائِى عِنْدِى رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ ذَا خَطَرٍ أَحْسَنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ فِى الْغَيْبِ وَ كَانَ غَامِضاً فِى النَّاسِ جُعِلَ رِزْقُهُ كَفَافاً فَصَبَرَ عَلَيْهِ وَ مَاتَ فَقَلَّ تُرَاثُهُ وَ قَلَّ بَوَاكِيهِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: از رشك آورترين و موفق ترين دوستانم نزد من شخصى است كه سبك حال (يعنى كم مال و كم علاقه به دنيا) است ، داراى بهره اى از نماز است كه در نهان عبادت پروردگارش را به نيكوئى انجام مى دهد، و در ميان مردم گمنام و ناشناخته بسر مى برد، خداوند رزق و روزى او را به اندازه نيازش قرار داده ، و او بر آن صبر كند، و بميرد در حالى كه وارث و گريه كنانش كم باشند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَنْ صَبَرَ وَ اسْتَرْجَعَ وَ حَمِدَ اللَّهَ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ فَقَدْ رَضِيَ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّهِ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ جَرَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ هُوَ ذَمِيمٌ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كس هنگام مصيبت صبر كند و استرجاع نمايد (يعنى بگويد: إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)، راضى به امر خدا شده و اجر و مزدش بعهده خداست . و هر كس اين كار را انجام ندهد حكم خدا بر او جارى مى شود؛ در حالى كه او نكوهيده و مذموم است ، و خداوند اجرش را پائين آورده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ يُطْبَعُ عَلَى الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن با بردبارى بر ناگواريها و سختيها سرشته مى شود.

عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ الطَّاهِرُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ خَدِيجَةَ عَنِ الْبُكَاءِ فَقَالَتْ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَكِنْ دَرَّتْ عَلَيْهِ الدُّرَيْرَةُ فَبَكَيْتُ فَقَالَ أَ مَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَجِدِيهِ قَائِماً لَكِ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا رَآكِ أَخَذَ بِيَدِكِ فَأَدْخَلَكِ الْجَنَّةَ أَطْهَرَهَا مَكَاناً وَ أَطْيَبَهَا قَالَتْ فَإِنَّ ذَلِكَ كَذَلِكَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَسْلُبَ عَبْداً ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ فَيَصْبِرُ وَ يَحْتَسِبُ وَ يَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يُعَذِّبَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: زمانى كه طاهر فرزند رسول خدا فوت كرد ايشان خديجه عليها‌السلام را از گريه كردن منع فرمود، حضرت خديجه گفت : بلى اى رسول خدا! (كنايه از اينكه مطيع حرف شما هستم) و لكن شير در سينه ام جارى شد و من گريه كردم .

فرمود: آيا نمى خواهى كه او را جلوى درب بهشت ايستاده ببينى ، و هر گاه تو را ديد دستت را بگيرد و به پاكترين و خوشبوترين مكان بهشت ببرد؟ گفت : آرى اين چنين است ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند عزيزترين و با كرامت تر از آنست كه ميوه دل بنده اى را از او بگيرد و او صبر كند، و حسرت بخورد و حمد خدا را بگويد، آنگاه خداوند او را عذاب كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ وَلَدٌ يُقَدِّمُهُ الرَّجُلُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ وَلَداً يُخَلِّفُهُمْ بَعْدَهُ كُلُّهُمْ قَدْ رَكِبُوا الْخَيْلَ وَ جَاهَدُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فرزندى را كه انسان در راه خدا مى دهد، بهتر است از هفتاد فرزند كه از خود بجاى گذارد و تمام آنها بعد از مرگ او سوار بر اسبها شوند و در راه خدا جهاد كنند.

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّ قَرِينَكَ فِى الْجَنَّةِ خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ فَأْتِهَا وَ أَخْبِرْهَا وَ بَشِّرْهَا بِالْجَنَّةِ وَ أَعْلِمْهَا أَنَّهَا قَرِينُكَ فِى الاْخِرَةِ فَانْطَلَقَ دَاوُدُ إِلَيْهَا فَقَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ إِلَيْهِ فَقَالَ أَنْتِ خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَسْتُ بِصَاحِبَتِكَ الَّتِى تَطْلُبُ قَالَ لَهَا دَاوُدُ أَ لَسْتِ خَلَادَةَ بِنْتَ أَوْسٍ مِنْ سِبْطِ كَذَا وَ كَذَا قَالَتْ بَلَى قَالَ فَأَنْتِ هِيَ إِذًا فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَعَلَّ اسْماً وَافَقَ اسْماً فَقَالَ لَهَا دَاوُدُ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذِبْتُ وَ إِنَّكِ لَأَنْتِ هِيَ فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أُكَذِّبُكَ وَ لَا وَ اللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِى مَا وَصَفْتَنِى بِهِ قَالَ لَهَا دَاوُدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَبِّرِينِى عَنْ سَرِيرَتِكِ مَا هِيَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ إِنَّهُ لَمْ يُصِبْنِى وَجَعٌ قَدْ نَزَلَ بِى مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَائِناً مَا كَانَ وَ لَا نَزَلَ بِي مَرَضٌ أَوْ جُوعٌ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَ لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ حَتَّى هُوَ يَكُونُ الَّذِى يُحَوِّلُهُ عَنِّى إِلَى الْعَافِيَةِ وَ السَّعَةِ لَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمِدْتُهُ قَالَ لَهَا دَاوُدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَبِهَذَا النَّعْتِ بَلَغْتِ مَا بَلَغْتِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام هَذَا وَ اللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِى ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جل به حضرت داود عليهم‌السلام وحى كرد كه : رفيق و همراه تو در بهشت خلاده دختر اوس است ، به نزد او برو و به او خبر و بشارت را بده ، و به او اعلام كن كه همسر تو در آخرت است ، حضرت داود به طرف منزل او رفت و درب منزل را كوبيد و خلاده بيرون آمد. حضرت گفت : تو خلاده دختر اوس ‍ هستى ؟

گفت : اى پيغمبر خدا؛ من آن رفيق تو كه به دنبالش مى گردى نيستم ، حضرت داود به او گفت : آيا تو خلاده دختر اوس از نواده گان فلان و فلان نيستى ؟ گفت : چرا هستم ، فرمود:

پس تو خود او هستى ، گفت : اى پيغمبر خدا! شايد مشابهت اسمى با اسم ديگر شده ، حضرت داود عليه‌السلام فرمود: من دروغ نمى گويم ، به من هم دروغ گفته نشده و تو حقيقتا همان هستى ، گفت : اى پيغمبر خدا! من تو را تكذيب نمى كنم ولى قسم به خدا نمى بينم در خودم آنچه تو مرا به آن توصيف مى كنى ، حضرت داود عليهم‌السلام به او گفت : مرا از اخلاق و رفتار نيكويت خبر ده كه چيست ؟ گفت : اكنون از سرنوشت خود تو را با خبر سازم كه : هر چه به من رسد، و هر بلايى كه از ناحيه خدا باشد، اگر مريضى و گرسنگى به من روى آورد بر آن صبر كنم ، و هرگز از خدا طلب برطرف شدن آن سختى را نكرده ام تا اينكه خود او آن را از من به سلامت و گشايش مبدل نمايد، و هرگز عوض آن را طلب نكردم و خدا را شكر كردم و او را ستايش نمودم ، حضرت داود عليهم‌السلام به او گفت : به همين صفت به اين مقام رسيده اى .

سپس امام عليه‌السلام فرمود: بخدا قسم همين دين ، دين خداست كه براى بندگان شايسته اش برگزيد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام اصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النِّعَمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلَ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر دشمنان نعمتهايى كه خدا به تو داده صبر كن (منظور حسّاد هستند)، زيرا تو نمى توانى مجازات كنى كسى را كه نافرمانى خدا را در مورد تو كرده (يعنى حسادت ورزيده) برتر از اينكه خدا را در آن فرمان بردى (يعنى صبر در مقابل اذيّت آن حاسد كنى).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَلَى مَا تُحِبُّ وَ الصَّبِرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِى إِيمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر بر آنچه كه نمى پسندى و صبر بر آنچه كه دوست دارى ، و صبر نسبت به ايمان مانند سر است نسبت به بدن ، و بدنى كه سر ندارد خيرى در آن نيست ، و ايمانى كه صبر بهمراه ندارد خيرى در آن نيست .

وَ قَالَعليه‌السلام الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمَعْصِيَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: صبر بر سه قسم است : صبر بر اطاعت و بندگى خدا، صبر در مقابل مصيبت ، صبر در روياروئى با معصيت و گناه .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ أَمَرَ أَنْ يَحْرُثَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّهِ بَعْدَ الْجَنَّةِ وَ نَعِيمِهَا فَلَبِثَ يَجُولُ وَ يَبْكِى عَلَى الْجَنَّةِ مِائَتَيْ سَنَةٍ ثُمَّ إِنَّهُ سَجَدَ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلَيَالِيهَا ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ أَ لَمْ تَخْلُقْنِى بِيَدَيْكَ قَالَ اللَّهُ قَدْ فَعَلْتُ فَهَلْ صَبَرْتَ أَوْ شَكَرْتَ قَالَ آدَمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِى فَاغْفِرْ لِى أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَرَحِمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بُكَاءَهُ فَتابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند متعال زمانى كه حضرت آدم عليهم‌السلام را از بهشت به طرف زمين فرستاد، به او فرمان داد كه به وسيله دستانش كشت و كار كند، و از نتيجه دسترنجش ،بعد از بهشت و نعمتهاى آن بخورد.

آدم سرگردان مانده و مى گشت ، و بخاطر دورى از بهشت دويست سال گريه مى كرد، آنگاه براى خدا سجده كرد و سرش را سه شبانه روز بر نداشت ، سپس گفت : پروردگارا! آيا مرا با دستان خود خلق نكردى ؟ خداوند فرمود: چرا، ولى آيا تو صبر يا شكر كردى ؟ حضرت آدم عليه‌السلام عرض كرد: پروردگارى غير تو نيست ، من به نفس خود ظلم كردم ، تو مرا ببخش ، تو بخشنده و مهربانى ، خداوند تبارك و تعالى به گريه هاى او رحم كرد و توبه اش را پذيرفت ، خداوند توبه پذير و مهربان است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أُمِرَ النَّاسُ بِخَصْلَتَيْنِ فَضَيَّعُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ الصَّبْرِ وَ الْكِتْمَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم به دو خصلت امر شدند، و هر دو را ضايع كردند و به وسيله ضايع كردن اين دو؛ دستشان از همه چيز كوتاه شد، آن دو خصلت : صبر و راز نگهدارى بود.

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَا حَفْصُ إِنَّ مَنْ صَبَرَ صَبَرَ قَلِيلًا وَ إِنَّ مَنْ جَزِعَ جَزِعَ قَلِيلا وَ قَالَعليه‌السلام عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَ مُحَمَّداً فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرِّفْقِ فَقَالَ وَ اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلًا وَ ذَرْنِى وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولِى النَّعْمَةِ وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِى بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَداوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ ما يُلَقّاها إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ ما يُلَقّاها إِلاّ ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبَرَصلى‌الله‌عليه‌وآله حَتَّى نَالُوهُ بِالْعَظَائِمِ وَ رَمَوْهُ بِهَا فَضَاقَ صَدْرُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِما يَقُولُونَ. فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السّاجِدِينَ ثُمَّ كَذَّبُوهُ وَ رَمَوْهُ فَحَزِنَ لِذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِى يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا يُكَذِّبُونَكَ وَ لكِنَّ الظّالِمِينَ بِآياتِ اللّهِ يَجْحَدُونَ. وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلى ما كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتّى أَتاهُمْ نَصْرُنا فَأَلْزَمَ نَفْسَهُ الصَّبْرَ فَتَعَدَّوْا فَذَكَرُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذَّبُوهُ فَقَالَ صَبَرْتُ فِى نَفْسِى وَ أَهْلِى وَ عِرْضِى وَ لَا صَبْرَ لِى عَلَى ذِكْرِهِمْ إِلَهِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فِى سِتَّةِ أَيّامٍ وَ ما مَسَّنا مِنْ لُغُوبٍ. فَاصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ فَصَبَرَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ ثُمَّ بَشَّرَ بِالْأَئِمَّةِ وَ وَصَفَهُمْ بِالصَّبْرِ فَقَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ كانُوا بِآياتِنا يُوقِنُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنى عَلى بَنِي إِسْرائِيلَ بِما صَبَرُوا وَ دَمَّرْنا ما كانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ ما كانُوا يَعْرِشُونَ فَقَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّهُ الْبُشْرَى وَ الِانْتِقَامُ فَأَبَاحَ اللَّهُ لَهُ قَتْلَ الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ عَلَيْهِ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَلَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ جَعَلَ لَهُ ثَوَابَ صَبْرِهِ مَعَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الاْخِرَةِ فَمَنْ صَبَرَ وَ احْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقِرَّ اللَّهُ عَيْنَهُ فِى أَعْدَائِهِ مَعَ مَا أَخَّرَ لَهُ فِى الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام به حفص بن غياث فرمود: اى حفص ! هر كس ‍ صبر كند اندكى صبر كرده ، و هر كس بيتابى كند اندكى بيتابى نموده است [يعنى هم صبر كردن و هم جزع نمودن گذرا است و مدتش كوتاه است]

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تو را سفارش مى كنم كه در كارت صبر پيشه كنى ، خداوند عزّ و جل حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله را مبعوث كرد و او را به صبر و نرمش امر فرمود. و فرموده :

(صبر كن بر آنچه مى گويند و به خوشى از آنها كناره كن ، مرا با نعمت خوارگانى كه تو را تكذيب كنند واگذار).

و نيز فرمود: (دفاع كن بدان چه نيكوتر است نسبت به بدى ، تا به ناگاه آنكه ميان تو و او دشمنى است گويا دوستى صميمى شود، و بر نخورند به آن بجز آن كسانى كه صبر كردند و بر نخورد به آن مگر صاحب بهره فراوان).

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله صبر كرد به حدّى كه به او وصله هاى بزرگى چسباندند (مانند ساحر، مجنون ، كذّاب) و او را به آنها متهم كردند، همه را به سختى تحمل نمود، و خداوند عزّ و جل اين آيه را نازل فرمود: (به تحقيق مى دانم كه تو از آنچه مى گويند دلتنگ شده اى ، پس پروردگارت را تسبيح كن و از سجده كنندگان باش).

سپس حضرتش را تكذيب كردند و او به خاطر اين امر غمگين شد، سپس ‍ خداوند عزّ و جل اين آيه را نازل فرمود: (به تحقيق مى دانم كه حرفهايشان تو را اندوهگين مى كند، بدرستى كه آنها (در واقع) تو را دروغگو نمى شمارند، بلكه ستمكاران آيات ما را انكار مى كنند، به تحقيق چه بسيارند رسولانى كه پيش از تو تكذيب شدند ولى در مقابل صبر كردند و اذيّت شدند تا يارى ما به آنها رسيد).

پيغمبر صبر و شكيبايى پيشه نمود، سپس آنها از اين هم تجاوز نمودند، و وقتى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نام خداى تبارك و تعالى را به زبان آورد او را تكذيب نمودند، پيغمبر فرمود: من بر خودم و خاندانم و آبرويم صبر نمودم ، ولى نسبت به اينكه آنها ذكر معبودم را تكذيب كنند صبر ندارم ، لذا خداوند عزّ و جل اين آيه را نازل فرمود: (ما آسمانها و زمين و آنچه در ميان آنهاست در شش روز آفريديم ، و هيچ خستگى به ما نرسيد، پس تو بر آنچه مى گويند صبر كن)، پيامبر در همه حالات صبر كرد، سپس به او بشارت ائمه و توصيف آنها به صبر داده شد سپس خداوند جلّ ثناؤ ه فرمود: (آنها را ائمه قرار داديم تا به امر ما ديگران را هدايت كنند، زيرا آنها صبر نمودند و به آيات ما يقين داشتند).

در اين هنگام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: منزلت صبر نسبت به ايمان بمانند منزلت سر نسبت به بدن است ، پس خداوند از او تقدير نمود و اين آيه را بر او نازل فرمود: (بهترين فرمايش پروردگارت بر بنى اسرائيل بواسطه صبر كردنشان عملى شد، و آنچه را فرعون و قومش مى ساختند، و به دستگاه خود مى گستراندند واژگون ساختيم).

بعد فرمود صلى‌الله‌عليه‌وآله : اين مژده و انتقام است ، سپس خداوند براى او كشتن مشركين را مباح كرد و اين آيه را نازل كرد: (مشركين را هر كجا يافتيد بكشيد، و آنها را بگيريد و محاصره كنيد و در هر كمينگاهى بر سر راهشان بنشينيد).

سپس خداوند آنان را بر زبان پيغمبرش و دوستان پيغمبرش مورد لعن قرار داد، و آن را ثواب شكيبائيش قرار داد به علاوه آنچه در آخرت برايش ‍ ذخيره كرد.

پس هر كس شكيبائى كند و از خدا طلب تقرب نمايد از دنيا خارج نمى شود تا اينكه خدا ديده او را در باره دشمنانش روشن كند به علاوه آنچه در آخرت برايش ذخيره نموده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا أُدْخِلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ كَانَتِ الصَّلَاةُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الزَّكَاةُ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْبِرُّ مُطِلًّا عَلَيْهِ وَ يُنَحَّى الصَّبْرُ نَاحِيَةً فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ يَلِيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَالَ الصَّبْرُ لِلصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْبِرِّ دُونَكُمْ صَاحِبَكُمْ فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْهُ فَأَنَا دُونَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه مؤمن را داخل قبرش ‍ مى گذارند، نماز از طرف راست او، و زكات از طرف چپ او، و نيكى و احسان بر سر او سايه مى افكند، و صبر به گوشه اى كشيده شده ، و زمانى كه دو فرشته بر او در آيند كه متصدى سؤ ال و جواب از او هستند صبر به نماز و زكات و احسان مى گويد: رفيقتان را دريابيد، اگر از او عاجز شديد من همراه او هستم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَفْضَلُ الصَّبْرِ مِنَ الصَّابِرِينَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: صبر بر دو قسم است : صبر بر بلاء و مصيبت كه نيكو و زيباست ، و بهترين صبرها از صبركنندگان ،پرهيز و دورى جستن از كارهاى حرام است .

عَنْ جَابِرٍ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مُرُوَّةُ الصَّبْرِ فِى حَالِ الْفَاقَةِ وَ الْحَاجَةِ وَ التَّعَفُّفِ وَ الْغِنَى أَكْثَرُ مِنْ مُرُوَّةِ الْإِعْطَاءِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردانگى صبر در حال نيازمندى و تنگدستى و آبرودارى و بى نيازى بيشتر از مردانگى و بخشش است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا قَالَ اصْبِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند عزّ و جل : (اى مؤمنان صبر كنيد و همديگر را سفارش به صبر نمائيد) فرمود: در مصائب هم صبرى كنيد (يعنى با هم همدردى كنيد).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ ابْتَلَى قَوْماً بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: خداوند عزّ و جل بر قومى نعمت داد و آنها شكر نعمت نكردند، آن نعمت بر آنها تبديل به وزر و وبال شد، و قومى را گرفتار مصائب نمود و شكيبائى پيشه كردند، و آن مصائب بر ايشان نعمت شد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنِ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: هر مؤمنى كه گرفتار مصيبتى گرديد و در مقابل آن شكيبائى كرد اجر آن مانند اجر هزار شهيد است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ فِى الْجَنَّةِ لَمَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِبَلَاءٍ فِى جَسَدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در بهشت درجه اى است كه هيچ بنده اى به آن درجه نرسد مگر بواسطه بلاهايى (سختيهايى) كه براى بدنش پيدا مى شود.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ بَلَغَنِى أَنَّهُ مَا ذَهَبَ اللَّهُ بِكَرِيمَتَيْ عَبْدٍ فَجَعَلَ لَهُ عِوَضاً دُونَ الْجَنَّةِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَاهُنَا مَا هُوَ أَفْضَلُ وَ أَكْثَرُ مِنْ هَذَا فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا فَقَالَ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ

ابو بصير گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : فدايت شوم ، به من خبرى رسيده كه خداوند دو چشم بنده اى را از او نمى گيرد مگر اينكه عوضش را بهشت قرار مى دهد.

حضرت فرمود: آنجا (بهشت) چيزى هست كه بهتر و بيشتر از اين است ؛ گفتم : چه چيزى بهتر از اين است ؟ فرمود: ديدن روى خدا.

## فصل ششم : در شكر و سپاسگزارى

الفصل السادس فى الشكر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمْ يَنْزِلْ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ أَقَلُّ وَ لَا أَعَزُّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّسْلِيمِ وَ الْبِرِّ وَ الْيَقِينِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از آسمان چيزى عزيزتر و كمياب تر از سه چيز نازل نشد: تسليم در برابر خداوند، نيكى نمودن ، يقين .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهُ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خورنده شكرگزار اجرش مانند روزه دار خداجوست ، و تندرست شكرگزار اجر گرفتار دردمند صابر را دارد، و بخشنده شكرگزار اجر محروم قناعت كار را دارد.

عَنْ عَلَاءِ بْنِ الْكَامِلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام آتَانِيَ اللَّهُ بِأُمُورٍ لَا أَحْتَسِبُهَا لَا أَدْرِى كَيْفَ وُجُوهُهَا قَالَ أَ وَ لَا تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا مِنَ الشُّكْرِ

علا بن كامل گويد: به امام موسى بن جعفر عليه‌السلام گفتم : خداوند به من نعمتهايى را داده كه آنها را نمى توانم حساب كنم و دليل و علت اعطاء اين همه نعمت را هم نمى دانم ؛ فرمود:

آيا نمى دانى ؟ همانا اين به خاطر شكرى است كه مى كنى .

وَ فِى رِوَايَةٍ قَالَ لِى لَا تَسْتَصْغِرِ الْحَمْدَ

و در روايت ديگر، به من فرمود: سپاسگزارى را كوچك مشمار.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا فَتَحَ اللَّهُ لِعَبْدٍ بَابَ شُكْرٍ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ

امام صادق عليه‌السلام از پدرانش عليهم‌السلام نقل مى كند كه : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند بر بنده اى درى از شكر را نگشايد مگر اينكه درى از كثرت نعمت برويش گشوده شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَحْسَنْتُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ إِذَا أَسَأْتُمْ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: هر گاه نيكى كرديد خدا را سپاس ‍ گوئيد، و هر گاه كار ناشايستى انجام داديد، از خطا طلب آمرزش و بخشش ‍ كنيد.

عَنْ سِنَانِ بْنِ طَرِيفٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ خَشِيتُ أَنْ أَكُونَ مُسْتَدْرَجاً قَالَ وَ لِمَ قُلْتُ لِأَنِّى دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِى دَاراً فَرَزَقَنِى وَ دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِى أَلْفَ دِرْهَمٍ فَرَزَقَنِى أَلْفاً وَ دَعَوْتُهُ أَنْ يَرْزُقَنِى خَادِماً فَرَزَقَنِى خَادِماً قَالَ فَأَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ قَالَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ فَمَا أُعْطِيتَ أَفْضَلُ مِمَّا أُعْطِيتَ

سنان بن طريف گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : مى ترسم از اينكه مورد مؤ اخذه قرار گيرم . فرمود: چرا؟ گفتم : از خدا خواستم كه به من خانه اى بدهد؛ مرحمت فرمود، بار ديگر خواستم كه هزار درهم به من بدهد، باز عطايم فرمود، خواستم كه به من خادمى بدهد، آن را هم داد. فرمود: حال چه مى گوئى ؟ گفتم : الحمد للّه . فرمود: آنچه تو بخشيده اى به از آنى است كه به تو داده شد.

عَنْ سَعْدَانَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ إِنِّى أَرَى مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْحَالِ مُضَيَّقاً عَلَيْهِ الْعَيْشُ وَ أَرَى نَفْسِى فِى سَعَةٍ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا لَا أَمُدُّ يَدِى إِلَى شَيْءٍ إِلَّا رَأَيْتُ فِيهِ مَا أُحِبُّ وَ قَدْ أَرَى مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّى قَدْ صُرِفَ ذَلِكَ عَنْهُ فَقَدْ خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ لِى اسْتِدْرَاجاً مِنَ اللَّهِ لِي بِخَطِيئَتِى فَقَالَعليه‌السلام أَمَّا مَعَ الْحَمْدِ فَلَا وَ اللَّهِ

سعدان بن يزيد گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : من كسى را ديدم كه در حالت سختى بود و زندگانى بر او تنگ شده بود، و خودم را در گشايش از اين دنيا ديدم ، دستم را به سوى چيزى دراز نمى كنم مگر اينكه آن را محبوب خودم مى بينم ، و گاهى كسى را مى بينم كه او از من برتر است در حالى كه اين نعمتها به او نرسيده ، مى ترسم كه اين براى من آزمايشى از ناحيه خداوند باشد تا مرا به خطا و اشتباه اندازد.

امام عليه‌السلام فرمود: اگر در برابر نعمتها شاكر باشيد باكى نيست .

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِى يَخْرُجُ إِلَى السُّوقِ فَيَبْتَاعُ الْقَمِيصَ بِنِصْفِ دِينَارٍ أَوْ بِثُلُثِ دِينَارٍ فَيَحْمَدُ اللَّهَ إِذَا لَبِسَ فَمَا يَبْلُغُ رُكْبَتَهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مردى از امت من به بازار مى رود و پيراهنى به نصف دينار و يا به ثلث دينار مى خرد، و هر گاه آن را مى پوشد حمد خدا را مى گويد، اين پيراهن به زانوهايش نرسيده كه گناهانش آمرزيده مى شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطِى الصَّائِمَ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن هر وقت كه از خوردن غذا و آشاميدنى سير مى شود و حمد خدا مى گويد خداوند به او اجر و مزد شخص روزه دار را عطا فرمايد، خداوند شكرگزار است و دوست دارد كه ستايش شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ يَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيُسَمِّي ثُمَّ يَشْرَبُ فَيُنَحِّيهِ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ وَ يَشْرَبُ ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى از شماها شربت آبى مى نوشد و خداوند به وسيله آن بهشت را بر او واجب مى كند؛ سپس فرمود: ظرف آب را بر لبش نهد و نام خدا را ببرد، سپس آن را بنوشد و آن را از دهانش دور كند در حالى كه هنوز ميل به نوشيدن آن دارد، سپس حمد خدا بگويد و آن را نزديك دهان كند و بنوشد سپس آن را دور كند و حمد خدا گويد، به واسطه اين عمل خداوند بهشت را بر او واجب مى گرداند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كَانَ الْمَسِيحُعليه‌السلام يَقُولُ النَّاسُ رَجُلَانِ مُعَافًى وَ مُبْتَلًى فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ ارْحَمُوا أَهْلَ الْبَلَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: حضرت مسيح عليه‌السلام هميشه مى فرمود: مردم دو گروهند:

مردمى در حال سلامت ، و مردمى گرفتار بلاء و مصيبت ، براى عافيت و سلامتى حمد خدا كنيد و براى اهل بلا و مصيبت طلب رحمت كنيد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزُنُهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به كسانى كه به بلا و مصيبت گرفتارند نگاه نكنيد، زيرا اين كار آنها را اندوهگين مى كند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسْمَعَ مِنَ الْمُبْتَلَى التَّعَوُّذُ مِنَ الْبَلَاءِ

نقل شده كه امام باقر عليه‌السلام دوست نداشت كه از شخص گرفتار كلمه تعوّذ را بشنود، يعنى :. پناه بردن به خدا از بلا.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً لِيَشْكُرَ نِعْمَةً وَ هُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عِظَامٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس با وضو سجده شكر كند خداوند براى او ده حسنه مى نويسد، و ده خطا و گناه را از نامه اعمالش پاك مى كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَعَ أَصْحَابِهِ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ... ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّكَ ... مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ أَتَانِى جَبْرَئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسُوءَكَ فِيمَنْ وَالاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَ لَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّهُ ذَلِكَ إِلَّا وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَعليه‌السلام فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِى مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأُعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روزى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با اصحابش بودند زمانى كه به سجده رفتند سجودشان طولانى شد به حدّى كه گمان كردند ايشان ... سپس سرشان را بلند كردند. از ايشان پرسيدند: اى رسول خدا! سجده ات را طولانى نمودى به حدى كه ما گمان كرديم كه از دنيا رفته اى . فرمود: جبرئيل از نزد خداوند تبارك و تعالى نزد من آمد و گفت : اى محمد! پروردگارت تو را سلام مى رساند و به تو مى فرمايد، من هرگز در مورد بنده اى از امّتت كه تو را دوست دارد ناراحتت نكردم ، و بر مؤمنى امرى را كه ناراحتش كند يا خرسندش كند انجام ندادم مگر اينكه آن كار براى او خير بود.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: نه مالى نزد من بود كه آن را صدقه دهم و نه بنده اى كه او را آزاد سازم ، سپس براى خدا به سجده افتادم و او را شكر كردم و بر اين امر حمد او را گفتم .

عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِى جَعْفَرٍ فِى طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَعَ سَاجِداً لِلَّهِ فَقَالَ لِى حِينَ اسْتَتَمَّ قَائِماً يَا زِيَادُ أَنْكَرْتَ عَلَيَّ حِينَ رَأَيْتَنِى سَاجِداً فَقُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَجُوزَ حَتَّى أُؤَدِّيَ شُكْرَهَا

ابو عبيده حذاء گويد: در راه مدينه به همراه امام باقر عليه‌السلام بودم ، كه ناگهان ايشان مشغول سجده براى خدا شدند، زمانى كه تمام شد و ايستادند به من فرمود: اى زياد! از سجده كردن ناگهانى من در شگفت شدى ؟ گفتم : بلى فدايت شوم ؛ فرمود: به ياد نعمتى افتادم كه خداوند به من عطا فرموده بود، و بر من سخت آمد كه بگذرم و شكر آن را بجا نياورم .

عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِى الْحَسَنِ فِى بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِداً فَأَطَالَ وَ أَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَكِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَأَيْتُكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّى ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّى

هشام بن احمد گويد: من به همراه امام كاظم عليه‌السلام در اطراف مدينه گردش مى كردم ، به ناگاه پايشان را از مركب پائين نهادند و به سجده افتادند، و سجده را طول دادند، سپس سر بر داشتند و سوار مركب شدند؛ عرض كردم : فدايت شوم سجده را طول داديد؟ فرمود: من به ياد نعمتى افتادم كه خداوند به من عطا فرموده بود، و خوش داشتم كه پروردگارم را شكرگزارى كنم .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ ينفذ يَنْفَدْ كَلَامُهُ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ بِالزِّيَادَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَ عِزَّ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُم

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر بنده اى را كه خداوند بر او نعمتى عطا كند و او اين را قلبا بفهمد و با زبانش حمد خداوند را بگويد، كلامش هنوز تمام نشده كه خداوند امر به زيادى نعمتش مى كند، و اين قول خداوند عزّ و جل است كه : (اگر شكر كنيد هر آينه ما نعمت را بر شما افزون مى كنيم).

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: افزايش نعمت از خدا نمى گسلد مگر اينكه شكر بندگان بگسلد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَحْسِنُوا جِوَارَ النِّعَمِ قِيلَ وَ مَا جِوَارُ النِّعَمِ قَالَ الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَ أَدَاءُ حُقُوقِهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: همسايه خوبى براى نعمتها باشيد، سؤ ال شد: همسايه خوبى براى نعمتها بودن به چيست ؟ فرمود: سپاسگزارى از كسى كه نعمت داده .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ اللَّهِ وَ احْذَرُوا أَنْ تَنْتَقِلَ عَنْكُمْ إِلَى غَيْرِكُمْ أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَنْتَقِلْ عَنْ أَحَدٍ قَطُّ وَ كَادَتْ أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: همسايه خوبى براى نعمتهاى خدا باشيد و بپرهيزيد از اينكه اين نعمتها از شما به ديگرى منتقل شود، آگاه باشيد اگر نعمت رفت ديگر برگشتن آن مشكل است .

وَ كَانَ عَلِيٌّعليه‌السلام قَالَ قَلَّ مَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ

على عليه‌السلام مى فرمود: بسيار كم است كه نعمت از دست رفته دوباره بازگردد.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاضُعِ وَ الشُّكْرِ وَ الْحَمْدِ إِنَّهُ كَانَ فِى بَنِى إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَأَتَاهُ فِى مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ إِنَّ لَكَ نِصْفَ عُمُرِكَ سَعَةً فَاخْتَرْ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَ إِنَّ لِى شَرِيكاً فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِزَوْجَتِهِ قَدْ أَتَانِى فِى هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِى أَنَّ نِصْفَ عُمُرِى لِى سَعَةً فَاخْتَرْ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَ تَعَجِّلِ الْعَافِيَةَ لَعَلَّ اللَّهَ سَيَرْحَمُنَا وَ يُتِمُّ لَنَا النِّعْمَةَ فَلَمَّا كَانَ فِى اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ أَتَى الاْتى فَقَالَ مَا اخْتَرْتَ فَقَالَ اخْتَرْتُ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ لَكَ ذَاكَ فَأَقْبَلَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَكَانَ كُلَّمَا كَانَتْ نِعْمَةٌ قَالَتْ زَوْجَتُهُ جَارُكَ فُلَانٌ مُحْتَاجٌ فَصِلْهُ وَ تَقُولُ قَرَابَتُكَ فُلَانٌ فَتُعْطِيهِ وَ كَانُوا كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَتْهُمْ نِعْمَةٌ أَعْطَوْا وَ تَصَدَّقُوا وَ شَكَرُوا فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِى أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّ النِّصْفَ قَدِ انْقَضَى فَمَا رَأْيُكَ قَالَ لِى شَرِيكٌ فَلَمَّا أَصْبَحَ الصُّبْحُ قَالَ لِزَوْجَتِهِ أَتَانِى الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِى أَنَّ النِّصْفَ قَدِ انْقَضَى فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَ اللَّهُ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ قَالَ فَإِنَّ لَكَ تَمَامَ عُمُرِكَ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: از خدا بپرهيزيد و فروتن و شكرگزار و ستايش كننده باشيد، همانا در قوم بنى اسرائيل مردى زندگى مى كرد كه شبى شخصى به خوابش آمد و به او گفت :

نيمى از عمرت را در وسعت و راحتى خواهى گذراند، اينك هر كدام از نصف را كه مى خواهى انتخاب كن ؛ آن مرد گفت : مرا شريكى است ، پس ‍ چون صبح شد به همسرش گفت : امشب مردى به خواب من آمد و به من خبر داد كه نصف عمرم در آسايش است ، و گفت هر يك از دو نصف را كه مى خواهى انتخاب كن ؛ همسرش گفت : نصف اول را اختيار كن ، گفت : به خاطر تو همين كار را مى كنم . در اين هنگام دنيا به او روى آورد، دائما به او نعمت مى رسيد. همسرش به او گفت : فلان همسايه ات محتاج است به او برس ، و مى گفت : قوم و خويش تو فلانى است نيازش را بر آور.

و به همين حالت بودند و هر چه نعمت به آنها عطا مى شد مى بخشيدند و صدقه مى دادند و شكر مى كردند. چون شبى از شبها رسيد، آن مرد به خوابش آمد و گفت : اى مرد! نصف عمر تو گذشت ، نظرت چيست ؟ گفت : من شريكى دارم ، چون صبح شد به همسرش گفت : آن مرد به خوابم آمد و به من اعلام كرد كه نصف عمر من گذشت .

همسرش به او گفت : خداوند به ما نعمت داد و ما شكر كرديم و خداوند سزاوارتر به وفاست . آن مرد گفت : اكنون تمام عمرت در نعمت و رفاه خواهى بود.

عَنْهُ رحمه‌الله قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام ثَلَاثَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَ الِاسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز است كه چيزى به آن ضررى نمى رساند: دعا كردن هنگام سختيها، طلب آمرزش هنگام گناه ، شكر كردن هنگام برخوردارى از نعمت .

وَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَكْتُوبٌ فِى التَّوْرَاةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذْ شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِى النِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ التَّغَيُّرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در تورات نوشته شده است كه : هر كس به تو احسان كرد، سپاسگزارش باش و كسى را كه از تو سپاسگزارى نمود احسانش كن ، زيرا با سپاسگزارى نعمتها نابود نمى شود، و با ناسپاسى از نعمت بقائى براى نعمت نيست ، و شكرگزارى موجب زيادى نعمت ، و حفظ نعمت از دگرگونى است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ عَلَى مَا أُفِيدَ فَقَدِ اسْتَوْجَبَ عَلَى اللَّهِ الْمَزِيدَ وَ مَنْ أَضَاعَ الشُّكْرَ فَقَدْ خَاطَرَ بِالنِّعَمِ وَ لَمْ يَأْمَنِ التَّغَيُّرَ وَ النِّقَمَ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: هر كس خدا را به خاطر نعمتهايش ‍ شكر كند خدا نعمتش را زياد گرداند، و آنكه سپاسگزارى از نعمت نكرد، داده خدا را به خطر انداخته .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنِّى سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِى مَالًا فَرَزَقَنِى وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنِ اسْتِدْرَاجٍ فَقَالَ أَمَّا بِاللَّهِ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا

امام صادق عليه‌السلام مى فرمود: من از خداى عزّ و جل خواستم كه به من مالى عطا كند، او هم عطا كرد، و ترسيدم كه اين عمل وسيله امتحان و مؤ اخذه من شود. سپس فرمود: بخدا قسم كه با سپاسگزارى اين وضع در ميان نيست .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنِّى لا أ حب لَأُحِبُّ أَنْ لَا تُجَدَّدَ لِى نِعْمَةٌ إِلَّا حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا مِائَةَ مَرَّةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من دوست دارم كه هر نعمت جديدى به من عطا مى شود صد مرتبه خدا را بر آن حمد كنم .

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله سَرِيَّةً فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَيَّ إِنْ رَدَدْتَهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ أَحَقَّ الشُّكْرِ قَالَ فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاءُوا كَذَلِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى سَابِغِ نِعَمِ اللَّهِ

على عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عده اى را براى جنگ فرستاد، و فرمود: خدايا با تو عهد مى كنم كه اگر آنها را سالم و پيروز و با دست پر برگردانى تو را آنچنان كه سزاوار شكر توست شكر كنم . آنها بعد از چندى اين چنين بازگشتند، پس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

سپاس خدا را بر نعمتهاى گوناگونش .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا أَتَاهُ مَا يُحِبُّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ وَ إِذَا أَتَاهُ مَا يَكْرَهُهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نعمتى را كه دوست مى داشت مى رسيد مى فرمود: ستايش ويژه خداوند نيكوكار و زيباست . و هر گاه چيزى به او مى رسيد كه آن را دوست نداشت مى فرمود: حمد خداى را بر همه حال و حمد خداى را بر اين حال .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسُرُّهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ وَ إِذَا وَرَدَ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه امرى خوشحال كننده براى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پيش مى آمد مى فرمود: حمد خداى را بر اين نعمت ، و چون امرى برايش پيش مى آمد كه او را غمگين مى نمود مى فرمود: حمد خداى را در هر حال .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الشُّكْرُ لِلنِّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شكر نعمتها دورى از حرامهاست ، و نهايت شكر اين است كه بنده بگويد: حمد خدائى را كه پروردگار جهانيان است .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: هر كس خداى را بر نعمتها ستايش نمود شكر را بجاى آورد، و آن ستايش برتر از آن نعمت است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا مُوسَى اشْكُرْنِى حَقَّ شُكْرِى قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ النِّعْمَةُ مِنْكَ وَ الشُّكْرُ عَلَيْهَا نِعْمَةٌ مِنْكَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا عَرَفْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّى فَقَدْ شَكَرْتَنِى حَقَّ شُكْرِى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جل به موسى بن عمران فرمود: اى موسى ، حق شكر مرا بجاى آور. عرض كرد: پروردگارا! چگونه حق شكرت را بجاى آورم در حالى كه نعمت از توست و شكر بر آن باز نعمت ديگرى است از جانب تو. خداوند تبارك و تعالى فرمود:

همين كه شناختى كه اين (اداء شكر) نيز نعمت است حق شكر مرا بجاى آورده اى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ ثُمَّ عَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه خدا به او نعمتى داد و او آن نعمت را در دل شناخت ، حق شكر آن نعمت را ادا كرده .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ عَلَى الْعِبَادِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: افزايش نعمت از خدا نمى گسلد مگر اينكه شكر بندگان بگسلد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ ينفذ يَنْفَدْ كَلَامُهُ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر بنده اى كه خداوند به او نعمتى داد و او آن نعمتى را بوسيله دلش شناخت و با زبانش خدا را بر آن نعمت ستايش ‍ نمود، هنوز كلامش تمام نشده خداوند امر مى كند نعمتش را افزون نمايند، و اين معناى قول خداوند عزّ و جل است كه :

(اگر شكر كنيد هر آينه نعمت را بر شما افزون كنيم).

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَرَّ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجَراً فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَ أَقْوَانَا فَقَالَ أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَ أَقْوَاكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَشَدُّكُمْ وَ أَقْوَاكُمُ الَّذِى إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِى إِثْمٍ وَ لَا بَاطِلٍ وَ إِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخَطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از كنار گروهى مى گذشتند كه سنگى را بلند مى كردند؛ فرمود: اين چه كارى است ؟ گفتند: بوسيله اين كار نيرومندترين و قويترين را مى شناسيم ؛ فرمود: آيا خبر دهم شما را به قدرتمندترين و قويترين شما؟ گفتند: بلى اى رسول خدا؛ فرمود: قدرتمندترين و قويترين شما كسى است كه هر گاه راضى بود، راضى بودنش او را در گناه و باطل داخل نكند، و هر گاه خشمگين و ناراضى بود خشمش او را از گفتن حق خارج نكند، و هر گاه قدرت پيدا كرد كارى را كه حق نيست انجام ندهد.

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّعليه‌السلام مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ

امام حسين عليه‌السلام فرمود: هر كس رضايت خدا را به ناخشنودى مردم بخواهد، خداوند او را از مردم بى نياز مى كند، و هر كس رضايت مردم را به ناخشنودى خدا بخواهد، خداوند او را به مردم وامى گذارد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ ابْتَلَى قَوْماً بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جل به گروهى نعمت بخشيد و آنها شكر نكردند و براى آنها وزر و وبال شد، و مردمى را گرفتار مصيبتهايى كرد و آنها صبر كردند، و در اثر صبر به نعمت رسيدند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنَفِّرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: هر گاه اوايل نعمتها به شما رسيد، ادامه آن را با كمى شكر از دست ندهيد.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام لَا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّهُ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ

امام باقر عليه‌السلام : با توانگران همنشينى مكن ، زيرا بنده با آنها همنشينى مى كند در حالى كه عقيده اش اين است كه خداوند به او نعمت داده ، بر نمى خيزد مگر اينكه خيال مى كند كه خداوند به او نعمتى نداده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ اسْتَتِمُّوا نِعَمَ اللَّهِ بِالتَّسْلِيمِ لِقَضَائِهِ وَ الشُّكْرِ عَلَى نَعْمَائِهِ فَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَذَا فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَا إِلَيْنَا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: نعمتهاى خدا را به وسيله تسليم در برابر قضا و قدر خدا و شكر نعمتهاى او كامل كنيد، هر كس راضى به اين امر نشود از ما نيست و با ما نخواهد بود.

## فصل هفتم : در رضا و تسليم

الفصل السابع فى الرضا

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: داناترين مردم به خدا، راضى ترين آنان به قضا و قدر خداوند است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَ لَا يَرْضَى عَبْدٌ عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْراً لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اصل طاعت و بندگى خدا شكيبائى و خشنود بودن از خداست در آنچه كه بنده از آن خوشش آيد يا بدش آيد، و هيچ بنده اى در آنچه خوش دارد از خدا راضى نباشد، مگر آنكه برايش ‍ بهترين باشد، چه در آنچه دوست داشته باشد و چه در آنچه دوست نداشته باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَا قَضَى اللَّهُ لِمُؤْمِنٍ قَضَاءً فَرَضِيَ بِهِ إِلَّا جَعَلَ الْخِيَرَةَ لَهُ فِيمَا قَضَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند براى مؤمن هر عملى را كه مقرر فرمود، و مؤمن به آن راضى شد، در آن پيش آمد خير او را قرار داد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِى خَلْقاً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ وَ لِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِى مُؤْمِناً لِأُحَرِّمَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خِيَرَةٌ لَهُ مِنِّى وَ إِنِّى لَأُمَلِّكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خِيَرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِى وَ لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِى وَ لْيَشْكُرْ نَعْمَائِى أَكْتُبْهُ يَا أَحْمَدُ مِنَ الصِّدِّيقِينَ عِنْدِى

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه مى فرمود: خداوند جلّ ثناؤ ه مى فرمايد:

قسم به عزّت و جلالم كه از بندگان ؛ آفريده اى را محبوبتر نزد خودم از بنده مؤمنم نيافريدم و به همين دليل او را به نام خودم مؤمن ناميدم ، اگر آنچه ما بين مشرق و مغرب است به اختيار خود او را از آن محروم كنم ، يا از آنچه ميان مشرق و مغرب است به دلخواه خودم به او ببخشم ، بايد به قضاى من راضى شود، و بر بلاى من صبر كند و شكرگزار نعمتهاى من باشد. اى محمد! نام او را جزء صدّيقين نزد من بنويس .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَقِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍعليه‌السلام فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً وَ هُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ وَ يُحَقِّرُ مَنْزِلَتَهُ وَ الْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ فَأَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَا يَهْجُسُ فِى قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امام حسن مجتبى عليه‌السلام با عبد اللّه بن جعفر رحمه‌الله ملاقات نمود و به او فرمود: اى عبد اللّه ! مؤمن چگونه مؤمن باشد در حالى كه از قسمت و مقدرش ناراضى است ، و مقام و منزلتش را خوار و كوچك مى شمارد، با اينكه خدا بر او چنين حكمى را مقدّر كرده ، و هر كس در قلبش غير از خشنودى به قضاى خدا خطور نكند من ضمانت مى كنم كه دعايش مستجاب شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ الرَّوْحُ وَ الرَّاحَةُ فِى الرِّضَا وَ الْيَقِينِ وَ الْهَمُّ وَ الْحُزْنُ فِى الشَّكِّ وَ السَّخَطِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آسايش و راحتى در رضا و يقين است و غم و اندوه در شك و غضب خداوند.

وَ قَالَعليه‌السلام أُجْرِيَ الْقَلَمُ فِى مَحَبَّةِ اللَّهِ فَمَنْ أَصْفَاهُ اللَّهُ بِالرِّضَا فَقَدْ أَكْرَمَهُ وَ مَنِ ابْتَلَاهُ بِالسَّخَطِ فَقَدْ أَهَانَهُ وَ الرِّضَا وَ السَخَطُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَزِيدُ فِى الْخَلْقِ ما يَشاءُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قلم تقدير بر محبت خدا جارى شده ، هر كه را كه خداوند به رضايت انتخاب كرد گراميش داشت ، و هر كس را به غضب گرفتار كرد خوارش كند، و رضا و غضب دو خلق از مخلوقات خداوند هستند و خداوند هر چه بخواهد بر خلقش افزوده مى كند.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِعليه‌السلام يَنْبَغِى لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ لَا يَسْتَبْطِيهِ يَسْتَبْطِئُهُ فِى رِزْقِهِ وَ لَا يَتَّهِمُهُ فِى قَضَائِهِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: سزاوار است براى كسى كه غافل از خدا شد، از عقب افتادن روزيش ناراحت نشود، و خدا را در قضا و قدرش متهم نسازد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسْبَابُهَا إِلَى الْعِبَادِ فَمَنْ قُضِيَتْ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَقْبَلْهَا عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَ الصَّبْرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر آورده شدن حاجتهاى مردم در دست خداى عزّ و جل است ، و اسباب آن در دست بندگان ، هر كس حاجتش بر آورده شد بايد آن را از ناحيه خدا با رضايت و شكيبائى بپذيرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّمَا يَجْتَمِعُ الْيَأْسُ بِالرِّضَا وَ السَّخَطِ فَمَنْ رَضِيَ أَمْراً فَقَدْ دَخَلَ فِيهِ وَ مَنْ سَخِطَ فَقَدْ خَرَجَ مِنْهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: فقط نااميدى با رضايت و غضب جمع مى شود، هر كس به امرى خشنود شد آن را قبول مى كند، و هر كس نپسنديد از آن كناره مى گيرد.

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ رُفِعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ قَوْمٌ فِى بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنِ الْقَوْمُ فَقَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ مَا بَلَغَ مِنْ إِيمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنَ الْفِقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَ لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِى إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

امام رضا عليه‌السلام از قول پدران بزرگوارش عليهم‌السلام فرمود: در يكى از جنگها گروهى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رفتند، ايشان فرمود: اينها چه كسانى هستند؟

گفتند: اى رسول خدا! اينها مؤمنين هستند. فرمود: ايمان شما به چه حدى رسيده ؟

گفتند: به صبر هنگام مصيبت ، و شكر هنگام تنگدستى ، و رضا به قضاى خدا. فرمود:

دانشمندانى حكمت شعارند و نزديك است از مقام بلند همتشان خود پيغمبرانى باشند.

(سپس رو به آنها فرمود): اگر آن چيز كه مى گوييد هستيد، پس آنچه را جايگاه خود قرار نمى دهيد بنا نكنيد، و آنچه را نمى خوريد جمع نكنيد، و بپرهيزيد از خدايى كه به سوى او بازمى گرديد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَ مَنْ صَبَرَ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَقْضِ اللَّهُ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ

امام سجّاد عليه‌السلام فرمود: صبر و رضايت در برابر مقدرات خداوند بالاترين طاعت و بندگى خداست ، و هر كس در آنچه دوست دارد يا ناپسند اوست صبر كند و راضى به قضاى خدا باشد، خدا برايش چيزى را كه محبوب اوست يا ناپسند اوست مقدر نمى كند مگر اينكه خيرش در آنست .

دَخَلَ بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى مَرَضِهِ الَّذِى تُوُفِّيَ فِيهِ إِلَيْهِ وَ قَدْ ذَبُلَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا رَأْسُهُ فَبَكَى فَقَالَ لِأَيِّ شَيْءٍ تَبْكِي فَقَالَ لَا أَبْكِى وَ أَنَا أَرَاكَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ قَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ تَعَرَّضَ كُلَّ خَيْرٍ إِنْ قُطِعَ أَعْضَاؤُهُ كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ كَانَ خَيْراً لَهُ

يكى از اصحاب هنگامى كه ايشان بيمار بودند همان بيمارى كه بر اثر آن امام از دنيا رفت نزد امام صادق عليه‌السلام رفت ، امام را در حالى ديد كه بقدرى ضعيف شده بود، گويا فقط سر مبارك آن حضرت باقى مانده ، آنگاه گريه كرد، امام عليه‌السلام فرمود: چرا گريه مى كنى ؟ گفت :

گريه نكنم در حالى كه شما را به اين حال مى بينم ؟

فرمود: اين كار را مكن ، مؤمن در معرض خير است ، اگر اعضايش قطع شود براى او خير است ، و اگر هم مالك بين شرق و غرب شود باز هم براى او خير است .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: شكر هر نعمتى پرهيزكارى از حرامهاى الهى است .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ تُتْعِبُ نَفْسَكَ وَ قَدْ غُفِرَ لَكَ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَ لَا أَكُونُ عَبْداً شَكُوراً قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهُ يَقُومُ عَلَى أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ طه ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: شبى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حجره عائشه بود، پرسيد: اى رسول خدا! چرا اين قدر خودت را به زحمت مى اندازى در حالى كه تمام گناهان گذشته و آينده ات آمرزيده شده است ؟

فرمود: اى عايشه ! آيا بنده اى شكرگزار نباشم ؟ عايشه گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هميشه بر انگشتان پاهايش بلند مى شد. سپس خداوند اين آيه را نازل فرمود: (اى پيغمبر! ما قرآن را بر تو نازل نكرديم كه خودت را به مشقت بيافكنى).

## فصل هشتم : در حسن ظن به خدا

الفصل الثامن فى حسن الظن بالله

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ وَجَدْنَا فِى كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ هُوَ عَلَى مِنْبَرِهِ وَ اللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِناً بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرٍ مِنْ رَجَائِهِ لِلَّهِ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ يَسْتَحِى أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ وَ الرَّجَاءَ ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: در كتاب على بن ابى طالب عليه‌السلام يافتيم كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر روى منبر مى فرمود: سوگند به آن خدائى كه جز او معبودى نيست به هيچ مؤمنى خير دنيا و آخرت داده نشد مگر به خاطر گمان نيكويش به خدا و اميد به او، و به خاطر خوش ‍ اخلاقيش ، و خود دارى از بدگوئى و غيبت .

و سوگند به خدائى كه هيچ معبودى بجز او نيست ؛ خداوند هيچ بنده مؤمنى را بعد از توبه و طلب آمرزش عذاب نمى كند مگر به سوء ظنش به خدا و كوتاهى در اميدش به خدا و بد اخلاقيش و غيبت مؤمن كردنش ، و قسم به آن خدايى كه هيچ معبودى جز او نيست ، هيچ بنده مؤمنى خوش گمانى به خدا نكند مگر اينكه خدا به اندازه گمانش با او رفتار كند، چون خداوند كريم است و تمام خيرات در دست اوست ، و شرم دارد از اينكه بنده مؤمنش گمان خوبى به او ببرد سپس مخالف گمان و اميدش ‍ عمل كند، به خدا خوش گمان باشيد و مشتاق او باشيد.

وَ قَالَ أَيْضاًعليه‌السلام لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ ظَنَّ بِهِ خَيْراً إِلَّا كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِى ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْداكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخاسِرِينَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هيچ بنده اى گمان خيرى به خدا نمى برد مگر اينكه خداوند نزد گمانش حاضر است ، و اين همان است كه خداوند مى فرمايد: (و همين گمان باطل شما در باره خدا بود كه موجب (معصيت و) هلاكت شما گرديد و همه شما از زيانكاران شديد).

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ بَعَثَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ فِى حَاجَةٍ فَرَجَعَ أَحَدُهُمَا مِثْلَ الشَّنِّ الْبَالِى وَ الاْخَرُ شَحِماً وَ سَمِيناً فَقَالَ لِلَّذِى مِثْلُ الشَّنِّ مَا بَلَغَ مِنْكَ مَا أَرَى قَالَ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ وَ قَالَ لِلاْخَرِ السَّمِينِ مَا بَلَغَ بِكَ مَا أَرَى فَقَالَ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: عيسى بن مريم دو نفر از يارانش را براى كارى فرستاد، يكى از آنان همانند چوب خشكيده (و لاغر) برگشت ، و ديگرى در حالى كه چاق و پرگوشت بود، عيسى عليه‌السلام به آنكه همانند چوب خشك شده فرمود: چرا چنين شدى ؟ گفت : از ترس خدا. آنگاه به ديگرى كه چاق شده بود گفت : تو چرا چنين شدى ؟ عرض كرد: از حسن ظن به خدا.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ دَاوُدُ يَا رَبِّ مَا آمَنَ بِكَ مَنْ عَرَفَكَ فَلَمْ يُحْسِنِ الظَّنَّ بِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: داود پيامبر عليه‌السلام عرض كرد: پروردگارا! كسى كه گمان نيكو به تو ندارد ايمان به تو نياورد گرچه تو را شناخت .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ هُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از دنيا نرويد و نميريد مگر اينكه حسن ظن به خدا پيدا كنيد، زيرا گمان نيكو به خداوند، بهاى بهشت است .

وَ مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ فِى زَمَنِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ رَجُلَانِ فِى الْحَبْسِ فَأُخْرِجَا فَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَسَمِنَ وَ غَلُظَ وَ أَمَّا الاْخَرُ فَنَحِلَ وَ صَارَ مِثْلَ الْهُدْبَةِ فَقَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ لِلْمُسْمَنِ مَا الَّذِى أَرَى بِكَ مِنْ حُسْنِ الْحَالِ فِى بَدَنِكَ قَالَ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ وَ قَالَ لِلاْخَرِ مَا الَّذِى أَرَى بِكَ مِنْ سُوءِ الْحَالِ فِى بَدَنِكَ قَالَ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ فَرَفَعَ مُوسَى بِيَدِهِ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ يَا رَبِّ قَدْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُمَا فَأَعْلِمْنِى أَيُّهُمَا أَوْلَى فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ صَاحِبُ حُسْنِ الظَّنِّ بِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در زمان حضرت موسى بن عمران دو مرد زندانى بودند و آزاد شدند، كه يكى از آنها چاق و درشت هيكل و ديگرى لاغر بود و مانند حشره اى كوچك (خرخاكى) گرديده بود. موسى بن عمران به شخص چاق گفت : اين سرحال بودن بدنت را از چه مى بينم ؟ گفت : از خوش گمانى به خدا، و به ديگرى گفت : اين بدحالى را در بدنت از چه مى بينم ؟ گفت : از ترس خدا. موسى بن عمران دستش را بسوى خدا بلند كرد و گفت : پروردگارا! شنيدى قول اين دو را اينك آگاهم كن كداميك افضل است ؟

خداوند به او وحى كرد كه : آنكه به من خوش گمان است برتر است .

فصل نهم : در انديشه و تفكر

الفصل التاسع فى التفكر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ طُوبَى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْراً وَ نَظَرُهُ عِبَراً وَ كَلَامُهُ ذِكْراً وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ

امام صادق عليه‌السلام از پدر بزرگوارش نقل مى كند كه فرمود: عيسى بن مريم فرموده : خوشا به حال كسى كه سكوتش انديشه است ، و نگاهش ‍ عبرت ، و كلامش ذكر خدا است ، و بر گناهان خويش گريان است و مردم از دست و زبانش در امانند.

عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَمَّا يَرْوِى النَّاسُ تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قُلْتُ كَيْفَ يَتَفَكَّرُ قَالَ يَمُرُّ بِالْخَرِبَةِ وَ بِالدَّارِ فَيَتَفَكَّرُ وَ يَقُولُ أَيْنَ سَاكِنُوكِ أَيْنَ بَانُوكِ مَا لَكِ لَا تَتَكَلَّمِينَ

حسن صيقل مى گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم راجع به آنچه مردم روايت مى كنند كه :

يك ساعت فكر كردن بهتر از يك شب عبادت كردن است ؟ فرمود: بلى ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فكر كردن يك ساعت بهتر از عبادت يك شب است . گفتم : چگونه بايد فكر كرد؟

فرمود: اگر به ويرانه اى گذر كند يا از كنار خانه اى گذشت فكر كند و بگويد: ساكنان تو كجايند؟ سازندگان تو كجايند؟ چرا سخن نمى گوئيد؟

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فِى كَلَامٍ لَهُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِنَّ النَّدَمَ عَلَى الشَّرِّ يَدْعُو إِلَى تَرْكِهِ وَ لَيْسَ مَا يَفْنَى وَ إِنْ كَانَ كَثِيراً بِأَهْلٍ أَنْ يُؤْثَرَ عَلَى مَا يَبْقَى وَ إِنْ كَانَ طَلَبُهُ عَزِيزاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امير مؤمنان عليه‌السلام در يكى از سخنانش فرمود: اى فرزند آدم ! همانا انديشيدن انسان را بسوى كار نيك و عمل به آن مى كشاند، و پشيمانى بر كار بد انسان را وادار به ترك آن مى كند، و آنچه نابودشدنى است گرچه زياد هم باشد نزد عدّه اى ضررى نمى زند به آنچه كه باقى مى ماند و اگر چه كمياب باشد.

وَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِى ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَ السُّكُوتِ وَ الْكَلَامِ وَ كُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: تمامى خير در سه خصلت جمع شده : نگاه كردن ، و سكوت ، و حرف زدن ، و هر نگاهى كه در آن عبرت گرفتن نباشد خطاست ، و هر سكوتى كه در آن فكر نباشد غفلت است ، و هر كلامى كه در آن ذكر نباشد لغو و بيهوده است .

## فصل دهم : در ايمان و اسلام

الفصل العاشر فى الايمان و الاسلام

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى جِئْتُ أُبَايِعُكَ عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ عَلَى أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَقَبَضَ الرَّجُلُ يَدَهُ وَ انْصَرَفَ ثُمَّ عَادَ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى جِئْتُ لِأُبَايِعَكَ عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ عَلَى أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُرَى يَقِينُهُ فِى عَمَلِهِ وَ الْكَافِرَ يُرَى إِنْكَارُهُ فِى عَمَلِهِ فَوَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ فَاعْتَبِرُوا إِنْكَارَ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ بِأَعْمَالِهِمُ الْخَبِيثَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و گفت : اى رسول خدا! من آمده ام كه با تو بر اسلام بيعت نمايم . رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تا پدرت را بكشى ؟ مرد دستش را كشيد و منصرف شد، سپس برگشت و گفت : اى رسول خدا! من آمده ام تا بر اسلام با تو بيعت كنم . فرمود: تا پدرت را بكشى ؟ گفت : بلى ، رسول خدا فرمود: مؤمن يقينش را در عملش مى بيند و كافر انكارش را در عملش مشاهده مى كند. قسم به آنكه جانم در دست اوست ؛ موقعيت و شأ ن خود را نشناختند تا از انكار كافرين و منافقين بوسيله اعمال زشتشان عبرت گيرند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ وَ قِلَّةُ مُشَابَقَةِ النِّسَاءِ أَوْ قَالَ وَ قِلَّةُ مُؤَاتَاةِ النِّسَاءِ وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ السَّعَةُ وَ اتِّبَاعُ الْعِلْمِ وَ مَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى طُوبى لَهُمْ وَ حُسْنُ مآبٍ

امام صادق عليه‌السلام از امير مؤمنان نقل كند كه مى فرمود: براى اهل دين نشانه هائى است كه بوسيله آن شناخته مى شوند: راستگويى ، امانت دارى ، وفاء به عهد و پيمان ، صله ارحام ، مهربانى با ضعيفان و زيردستان ، كم آميختن با زنان ، بخشيدن چيزهاى خوب ، خوش اخلاقى و خوشرفتارى ، پيروى از علم ، و آنچه انسان را بسيار به خداوند نزديك كند، خوشا بحال آنها و خوش سرانجامى دارند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيْضاً كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ لَا يَطْعَمُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ فَإِنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام از امير مؤمنان عليه‌السلام روايت كند كه مى فرمود: هيچ بنده اى مزه ايمان را نمى چشد مگر اينكه بداند هر چه بايد به او برسد مى رسد و از او نمى گذرد، و هر چه بايد به او نرسد و از او بگذرد به او نمى رسد، پس زيانبخش سود دهنده همان خداست .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ سُئِلَ عَلِيٌّ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ أَوْ قَالَ الْإِيمَانُ مَبْنِيٌّ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: از امير مؤمنان عليه‌السلام در مورد ايمان سؤ ال شد، فرمود: خداوند ايمان را بر چهار ستون قرار داده يا فرمود: ايمان بر چهار ستون بنا شده بر صبر، و يقين ، و عدل ، و جهاد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَ أَبْغَضَ وَ إِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند دنيا را به دوست و دشمنش عطا مى فرمايد، و ليكن ايمان را فقط به كسانى كه دوستشان دارد عطا مى كند.

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَسْبَغَ وُضُوءَهُ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَ أَدَّى زَكَّاةَ مَالِهِ وَ كَفَّ غَضَبَهُ وَ سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَغْفَرَ لِذَنْبِهِ وَ أَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفَتَّحَةٌ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از امير المؤمنين عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: هر كس ‍ وضويش را صحيح و كامل بگيرد و نمازش را بصورت نيكو بجاى آورد، و زكات مالش را پرداخت نمايد، و خشم و غضبش را فرو نشاند و زبانش را نگهدارد و از گناهانش توبه كند، و خير انديشى براى خانواده اش كند؛ بحق حقائق ايمان را كامل كرده است ، و درهاى بهشت به رويش باز است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْماً حَارِثَةَ بْنَ مَالِكِ بْنِ النُّعْمَانِ الْأَنْصَارِيَّ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثَةُ قَالَ أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُؤْمِناً حَقّاً فَقَالَ إِنَّ لِكُلِّ إِيمَانٍ حَقِيقَةً فَمَا حَقِيقَةُ إِيمَانِكَ فَقَالَ عَزَفَتْ نَفْسِى عَنِ الدُّنْيَا فَأَسْهَرَتْ لَيْلِى وَ أَظْمَأَتْ نَهَارِى فَكَأَنِّي نَظَرْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّى قَدْ قَرُبَ الحساب لِلْحِسَابِ فَكَأَنِّى بِأَهْلِ الْجَنَّةِ فِيهَا يَتَزَاوَرُونَ وَ أَهْلِ النَّارِ يُعَذَّبُونَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنْتَ مُؤْمِنٌ نَوَّرَ اللَّهُ الْإِيمَانَ فِى قَلْبِكَ فَاثْبُتْ ثَبَّتَكَ اللَّهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَنَا عَلَى نَفْسِى مِنْ شَيْءٍ أَخْوَفَ مِنِّى عَلَيْهَا مِنْ بَصَرِى فَدَعَا لَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَذَهَبَ بَصَرُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روزى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله حارثة بن مالك بن نعمان انصارى را ديد و به او فرمود: اى حارثه چگونه شب را به صبح رساندى ؟ گفت : اى رسول خدا! صبح كردم در حالى كه مؤمن حقيقى بودم . فرمود: هر ايمانى حقيقتى دارد، حقيقت ايمان تو چيست ؟ گفت : خودم را از دنيا منع نمودم و شبم را تا صبح بيدار ماندم ، و سراسر روزم را تشنه بودم (كنايه از روزه بودن)، گويا به عرش پروردگارم نگاه كردم و روز حساب را نزديك شده ، و گويا داخل بهشتيان شدم در حالى كه آنها به ديدن هم مى رفتند، و اهل آتش عذاب مى شدند. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تو مؤمنى ، خداوند نور ايمان را در دلت انداخته ، پس ثابت بمان ، خداوند تو را ثابت بدارد! سپس گفت : اى رسول خدا! من بر خودم از هيچ چيزى هراسان نيستم مگر از چشمم ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برايش دعا كرد و آن چشم حقيقت بين از او گرفته شد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ فِى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ ما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّهِ إِلاّ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ قَالَ يُطِيعَ الشَّيْطَانَ مِنْ حَيْثُ يُشْرِكُ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند تبارك و تعالى (اكثر آنها به خدا ايمان نياورند در حالى كه آنها مشرك هستند) فرمود: آنان از هر طريقى كه شرك مى ورزند از همان طريق فرمانبردار شيطان مى باشند.

عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الْعِزَّ فِى الدُّنْيَا وَ فِى دِينِهِ وَ الْفَلَحَ فِى الاْخِرَةِ وَ الْمَهَابَةَ فِى صُدُورِ الْعَالَمِينَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند به مؤمن سه خصلت بخشيده : عزت در دنيا و دينش ، رستگارى اخروى ، هيبت و حشمت در دلهاى جهانيان .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنُ مَنِ ائْتَمَنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بِالْمُسْلِمِ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ تَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: آيا به شما بگويم مؤمن چه كسى است ؟ مؤمن كسيست كه مؤمنان بر مال و جانشان به او اعتماد كنند.

آيا مسلم را به شما معرفى كنم ؟ مسلم كسى است كه مسلمانان ديگر از دست و زبانش در امان باشند، و مهاجر كسى است كه از گناهان دورى جويد و آنچه را خدا بر او حرام كرده ترك كند.

سُئِلَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ إِيمَاناً فَقَالَ أَبْسَطُهُمْ كَفّاً

از پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: اى رسول خدا! چه كسى ايمانش از همه برتر است ؟

فرمود: كسى كه بخشنده تر است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُؤْمِنُ بَيْتُهُ قَصَبٌ وَ طَعَامُهُ كِسَرٌ وَ رَأْسُهُ شَعِثٌ وَ ثِيَابُهُ خَلِقٌ وَ قَلْبُهُ خَاشِعٌ وَ لَا يَعْدِلُ السلامة بِالسَّلَامَةِ شَيْئاً

پيغمبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خانه مؤمن از نى است و غذايش ‍ تكه هاى نان خشك و موى سرش پريشان و پيچيده ، و لباسش كهنه و دلش ‍ خاشع است و سلامتى را با هيچ چيز عوض نمى كند.

عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَ سَبْعُونَ بَاباً أَكْبَرُهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ

امام رضا عليه‌السلام از پدران بزرگوارش عليهم‌السلام نقل مى كند كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: ايمان هفتاد و خرده اى در دارد، بزرگترين آن درها شهادت دادن به اينست كه هيچ خدائى غير از معبود يكتا نيست ، و كوچكترين آنها برطرف كردن خار و خاشاك از بين راه است .

## فصل يازدهم : در تقيّه

الفصل الحادى عشر فى التقية

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَا مُعَلَّى اكْتُمْ أَمْرَنَا وَ لَا تُذِعْهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ لا لَمْ يُذِعْهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ جَعَلَهُ نُوراً بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِى الاْخِرَةِ يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَا مُعَلَّى مَنْ أَذَاعَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِى الاْخِرَةِ وَ جَعَلَهُ ظُلْمَةً تَقُودُهُ إِلَى النَّارِ يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِى وَ دِينُ آبَائِى وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِى السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِى الْعَلَانِيَةِ يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمُذِيعَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاحِدِ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى معلّى ! اسرار ما را نهان دار و فاش ‍ مكن ، زيرا هر كس امر ما را پنهان كند و فاش نكند خداوند او را در دنيا عزيز كند، و عزّتش را در آخرت به صورت نورى پيش رويش قرار دهد كه او را به سوى بهشت مى كشاند.

اى معلّى ! هر كس اسرار ما را فاش كند و آن را پنهان نكند خداوند او را در دنيا خوار سازد، و در آخرت نور را از پيش رويش بردارد و آن را تبديل به تاريكى سازد كه او را بسوى آتش بكشاند.

اى معلّى ! تقيّه دين من و دين پدرانم است ، هر كس تقيّه نكند دين ندارد، خداوند دوست دارد در نهان عبادت شود همان طور كه دوست دارد در عيان عبادت شود.

اى معلّى ! كسى كه امر ما را فاش كند، مانند كسى است كه منكر آن باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَذَاعَ عَلَيْنَا شَيْئاً مِنْ أَمْرِنَا فَهُوَ كَمَنْ قَتَلَنَا عَمْداً وَ لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَأً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس چيزى از اسرار ما را بر عليه ما فاش كند مانند كسى است كه ما را عمدا كشته باشد نه از روى خطا.

عَنْ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام سَمِعْتُ أَبِى يَقُولُ لَا وَ اللَّهِ مَا عَلَى الْأَرْضِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّقِيَّةِ يَا حَبِيبُ إِنَّهُ مَنْ كَانَتْ لَهُ تَقِيَّةٌ رَفَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ تَقِيَّةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ إِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا هُمْ فِى هُدْنَةٍ فَلَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كَانَ هَذَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از پدرم شنيدم كه مى فرمود: قسم بخدا هيچ چيز روى زمين نزد من از تقيّه عزيزتر نيست ، اى حبيب ! هر كه تقيّه كند خداوند مقام او را بالا برد، اى حبيب ! هر كس تقيه نكند خدا او را خوار كند. اى حبيب ! مردم در صلح و سازشند، پس اگر آن (حكم جهاد از طرف امام عليه‌السلام) باشد اين هم (رفع تقيّه از امت) هم هست .

عَنْهُعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أُولئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِما صَبَرُوا قَالَ بِمَا صَبَرُوا عَلَى التَّقِيَّةِ وَ يَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَ السَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداى عزّ و جل : (آنها پاداششان را دو بار مى گيرند بخاطر صبرشان) فرمود: به خاطر صبرشان بر تقيّه كردن . (و به وسيله كارهاى نيك زشت و ناپسند را بر طرف مى كنند) فرمود: كار نيك ، تقيه ، و كار زشت ، فاش كردن امر ماست .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا لَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِمَا يَكُونُ كَمَا كَانَ عَلِيٌّ يُخْبِرُ أَصْحَابَهُ فَقَالَ بَلَى وَ اللَّهِ وَ لَكِنْ هَاتِ حَدِيثاً وَاحِداً حَدَّثْتُكَ فَكَتَمْتَهُ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَوَ اللَّهِ مَا وَجَدْتُ حَدِيثاً وَاحِداً كَتَمْتُهُ

ابو بصير گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : چه مى شود شما هم مانند على عليه‌السلام كه اصحابش را به اسرار خبر مى داد ما را خبر دهى ؟ فرمود: به خدا راست مى گويى ، ولى تو يك خبر را به من نشان بده كه من به تو گفته ام و تو آن را پنهان داشته اى . ابو بصير گويد: به خدا قسم حتى يك حديث سراغ ندارم كه آن را پنهان كرده باشم .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ التَّقِيَّةُ فِى كُلِّ ضَرُورَةٍ وَ صَاحِبُهَا أَعْلَمُ بِهَا حِينَ تَنْزِلُ بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مورد تقيه هنگام اضطرار و ناچارى است ، و تقيه كننده خود داناتر به مورد تقيه است ؛ زمانى كه گرفتار آن مى شود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ خُلِقَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحْقَنَ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَ الدَّمَ فَلَا تَقِيَّةَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: تقيه براى جلوگيرى از خونريزى و حفظ جان انسانها است . هر گاه خونى ريخته شد ديگر جاى تقيه كردن نيست .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ حَدِيثٍ كَثِيرٍ فَقَالَ هَلْ كَتَمْتَ عَلَيَّ شَيْئاً قَطُّ فَبَقِيتُ أَذْكُرُ فَلَمَّا رَأَى مَا بِى قَالَ أَمَّا مَا حَدَّثْتَ بِهِ أَصْحَابَكَ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِنَّمَا الْإِذَاعَةُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَصْحَابِكَ

ابو بصير گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره احاديث كثير پرسيدم ، فرمود: آيا چيزى از آنهائى را كه به تو گفتم پنهان داشته اى كه بقيه اش را برايت بگويم ؟

چون حال مرا ديد، فرمود: امّا آنچه را براى يارانت گفته اى اشكالى ندارد، افشا كردن به اين است كه غير يارانت را به آنها خبر دهى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَظْمُ الْغَيْظِ عَنِ الْعَدُوِّ فِى دَوْلَاتِهِمْ تَقِيَّةٌ وَ حِرْزٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهَا وَ تَحَرُّزٌ مِنَ التَّعْرِيضِ لِلْبَلَاءِ فِى الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فرو نشاندن خشم از دشمن هنگام تسلّط دشمن تقيه مى باشد، و محافظى است براى كسى كه تقيه مى كند، و دورى جستن از افتادن در بلاى دنيوى است .

عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنِّى لَأَحْسَبُكَ إِذَا شُتِمَ عَلِيٌّ بَيْنَ يَدَيْكَ إِنْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَأْكُلَ أَنْفَ شَاتِمِهِ لَفَعَلْتَ فَقُلْتُ إِى وَ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّى لَهَكَذَا وَ أَهْلَ بَيْتِى قَالَ فَلَا تَفْعَلْ فَوَ اللَّهِ لَرُبَّمَا سَمِعْتُ مَنْ شَتَمَ عَلِيّاً وَ مَا بَيْنِى وَ بَيْنَهُ إِلَّا أُسْطُوَانَةٌ فَأَسْتَتِرُ بِهَا فَإِذَا فَرَغْتُ مِنْ صَلَاتِى أَمُرُّ بِهِ فَأُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ أُصَافِحُهُ

ابن مسكان گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: به گمانم كه هر گاه در پيش رويت كسى به على عليه‌السلام دشنام گويد و تو قدرت داشته باشى بينى آن دشنام دهنده را از بيخ قطع مى كنى ! گفتم : آرى بخدا فدايت شوم من و خانواده ام اين چنين هستيم .

فرمود: اين كار را نكن ، بخدا قسم چه بسيار شنيدم كه كسى به على عليه‌السلام دشنام مى داد در حالى كه بين من و او فقط ستونى بيش فاصله نبود، و من خودم را پشت آن پنهان مى نمودم ، و هر گاه نمازم را تمام مى كردم ، از كنار او مى گذشتم و بر او سلام مى دادم و با او مصافحه مى نمودم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ فِى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ مَا قَتَلُوهُمْ بِالسُّيُوفِ وَ لَكِنْ أَذَاعُوا سِرَّهُمْ وَ أَفْشَوْا عَلَيْهِمْ فَقُتِلُوا

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند تبارك و تعالى : (پيامبران را بناحق مى كشند) فرمود: بخدا قسم اينها پيامبران را با شمشيرهاى خود نكشتند بلكه اسرار آنها را فاش كردند و موجب كشته شدن آنها شدند.

مِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشِّيعَةِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَيْسَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ مَنْ لَا يَتَّقِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از پيروان على عليه‌السلام به حساب نمى آيد كسى كه تقيه نكند.

مِنْ كِتَابِ التَّقِيَّةِ لِلْعَيَّاشِيِّ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ إِنَّ التَّقِيَّةَ لَأَوْسَعُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه تقيه نداشته باشد دين ندارد، و تقيه از آنچه ما بين آسمان و زمين است گسترده تر است .

وَ قَالَعليه‌السلام مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ فَلَا يَتَكَلَّمُ فِى دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا بِالتَّقِيَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس به خدا و روز رستاخيز ايمان دارد در دولت باطل حرفى را نمى زند مگر اينكه تقيه كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ غير عَيَّرَ قَوْماً بِالْإِذَاعَةِ فَقَالَ وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند قومى را به خاطر تقيّه نكردن مورد سرزنش قرار داده و فرمود: (هر گاه به آنها امرى كه در آن امنيت يا ترس ‍ بود مى رسيد آن را فاش مى ساختند).

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه تقيه نداشته باشد خيرى در او نيست ، و كسى كه تقيه نكند ايمان ندارد.

مِنْ كِتَابِ الْكِفَايَةِ فِى النُّصُوصِ عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ فَقِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ هُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِى ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ تَمَامَ الْخَبَرِ أَخْبَرَنَا وَ حَدَّثَنَا بِذَلِكَ الْكِتَابِ السَّيِّدُ السَّعِيدُ جَلَالُ الدِّينِ أَبُو عَلِيِّ بْنُ حَمْزَةَ الْمُوسَوِيُّ عَنْ شُيُوخِهِ عَنْ ثِقَةٍ عَنِ النَّبِيِّ وَ الْأَئِمَّةِ ع

امام رضا عليه‌السلام فرمود: كسى كه پرهيز از گناه ندارد دين ندارد و كسى كه تقيه نداشته باشد ايمان ندارد، و گرامى ترين شما نزد خدا كسى است كه بيشتر تقيه كند. پرسيدند: اى پسر رسول خدا تا چه زمان ؟ فرمود: تا روزى كه زمان آن مشخص شده و آن روز، روز خروج قيام كننده ماست ، هر كس قبل از خروج قائم ما تقيه را ترك كند از ما نيست . پرسيدند: اى پسر رسول خدا! قائم شما اهل بيت كيست ؟ فرمود: چهارمين از اولاد من كه فرزند سيده كنيزان است ، خداوند به وسيله او زمين را از هر ستمى پاك مى سازد.

اين مطلب را سيد سعيد جلال الدين ابو على بن حمزه موسوى از اساتيدش ‍ از شخصى مورد اطمينان از پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و ائمه عليهم‌السلام در كتابش روايت كرده .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَبِى كَانَ يَقُولُ مَا شَيْءٌ أَقَرَّ لِعَيْنِ أَبِيكَ مِنَ التَّقِيَّةِ إِنَّ التَّقِيَّةَ جُنَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پدرم هميشه مى فرمود: هيچ چشم روشنى براى پدرت از تقيه نورانى تر نيست ، تقيه سپر مؤمن است .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قُلْتُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قَالَ إِى وَ اللَّهِ مِنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَقَدْ قَالَ يُوسُفُ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسارِقُونَ وَ اللَّهِ مَا كَانُوا سَرَقُوا شَيْئاً وَ لَقَدْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ إِنِّى سَقِيمٌ وَ اللَّهِ مَا كَانَ سَقِيماً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تقيه جزء دين خداست . پرسيدم : از دين خداست ؟ فرمود: بلى بخدا قسم از دين خداست و اينكه يوسف فرموده : (اى جماعت شما سارق هستيد) به خدا قسم آنها چيزى ندزديده بودند، و اينكه ابراهيم فرموده : (من بيمارم) (و با شما به جشن نمى آيم)، به خدا قسم او بيمار نبود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ التَّقِيَّةُ فِى كُلِّ ضَرُورَةٍ

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تقيّه در هر كار ضرورى است .

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر قدر اين امر (ظهور امام عليه‌السلام) نزديكتر شود تقيه سخت تر مى شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَفْشَى سِرَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ

هر كس سرّ ما اهل بيت را فاش نمايد خداوند گرمى آتش را به او بچشاند.

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ جَاءَتِ الشِّيعَةُ تَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ لُبْسِ السَّوَادِ قَالَ فَوَجَدْنَاهُ قَاعِداً عَلَيْهِ جُبَّةٌ سَوْدَاءُ وَ قَلَنْسُوَةٌ سَوْدَاءُ وَ خُفٌّ أَسْوَدُ مُبَطَّنٌ بِسَوَادٍ قَالَ ثُمَّ فَتَقَ نَاحِيَةً مِنْهُ فَقَالَ أَمَا إِنَّ قُطْنَهُ أَسْوَدُ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قُطْناً أَسْوَدَ ثُمَّ قَالَ بَيِّضْ قَلْبَكَ وَ الْبَسْ مَا شِئْتَ

داود رقّى گفت : شيعيان نزد امام صادق عليه‌السلام آمدند كه از پوشيدن جامه سياه بپرسند. داود گفت : امام را ديديم نشسته جبّه اى سياه و كلاهى سياه و كفشى كه داخل آن سياه بود پوشيده بود، سپس قسمتى از آن را باز كرد و فرمود: پنبه آن هم سياه است ، و از آن پنبه سياهى را خارج نمود، سپس فرمود: دلت را سفيد كن و هر چه خواستى بپوش .

## فصل دوازدهم : در پرهيزكارى و ورع

الفصل الثانى عشر فى التقوى و الورع

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اتَّقُوا اللّهَ حَقَّ تُقاتِهِ قَالَ يُطَاعُ وَ لَا يُعْصَى وَ يُذْكَرُ وَ لَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ

ابو بصير از امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند تبارك و تعالى (تقواى خدا را بجاى آوريد) پرسيد: فرمود: يعنى اطاعت شود و عصيان نشود، و ياد شود و فراموش نگردد، و شكر شود و مورد كفران قرار نگيرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام التَّقْوَى سِنْخُ الْإِيمَانِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: تقوى همتاى ايمان است .

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام صِفْ لَنَا الدُّنْيَا فَقَالَ وَ مَا أَصِفُ لَكُمْ مِنْهَا لِحَلَالِهَا حِسَابٌ وَ لِحَرَامِهَا عَذَابٌ لَوْ رَأَيْتُمُ الْأَجَلَ وَ مَسِيرَهُ لَلُهِيتُمْ عَنِ الْأَمَلِ وَ غُرُورِهِ ثُمَّ قَالَ مَنِ اتَّقَى اللّهَ حَقَّ تُقاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أُنْساً بِلَا أَنِيسٍ وَ غِنًى بِلَا مَالٍ وَ عِزّاً بِلَا سُلْطَانٍ

به امير مؤمنان عليه‌السلام عرض شد: براى ما دنيا را توصيف كن . فرمود: چگونه براى شما دنيائى را كه براى حلالش حساب و براى حرامش عذاب است توصيف كنم ، اگر مرگ و مسير آن را ببينيد از آرزوها و فريب آن دورى مى جوئيد. سپس فرمود: هر كس تقواى واقعى خدا را پيشه كند خداوند به او آرامشى بدون همدم ، و بى نيازى بدون مال ، و عزت بدون سلطنت عطا مى فرمايد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روز قيامت روز شادى متقين است .

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَا يَغُرَّنَّكَ بُكَاؤُهُمْ إِنَّمَا التَّقْوَى فِى الْقَلْبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: گريه آنان تو را فريب ندهد، همانا تقوى در قلب و دل است .

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ أَنَا أَهْلٌ أَنْ يَتَّقِيَنِى عَبْدِى فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَأَنَا أَهْلٌ أَنْ أَغْفِرَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند جلّ ثناؤ ه : (او اهل تقوى و اهل آمرزش است)، فرمود: (خداوند مى فرمايد) من سزاوارم كه بنده ام تقواى مرا پيشه كند، پس اگر هم اين كار را بجاى نياورد، من سزاوارم كه او را بيامرزم .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تقواى خدا را پيشه كنيد و دينتان را به وسيله پرهيزگارى حفظ نمائيد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اجتهادى كه در آن ترك از گناه نباشد سودى ندارد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَنْ أ خذ يَأْخُذَ أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ شَيْئاً إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هرگز كسى از كسى چيزى را نمى گيرد مگر به واسطه عمل ، و هرگز شما به آنچه نزد خداوند است نمى رسيد مگر به وسيله ترك گناه و ورع .

عَنْ فُضَيْلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام بَلِّغْ مَنْ لَقِيتَ عَنَّا السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ إِنَّ أَحَدَنَا لَا يُغْنِى عَنْهُمْ وَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس را ديدى سلام ما را به او برسان و به آنها بگو: بخدا قسم هيچ كدام از ما نفعى بحالشان ندارد مگر اينكه خود ترك گناه نمايند و پرهيزگارى پيشه كنند. اينك مواظب زبانهايتان باشيد و دستانتان را (از گناه) نگهداريد، از جمله صابران و نمازگزاران باشيد، زيرا خداوند ياور صابران است .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرموده است : اى فرزند آدم ! از آنچه بر تو حرام كردم بپرهيز تا از پارساترين مردم باشى .

سُئِلَ الصَّادِقُعليه‌السلام عَنِ الْوَرِعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِى يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد پارساترين مردم پرسيدند، فرمود: پارساترين مردم كسى است كه از محرّمات الهى خود را دور بدارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ

امام سجاد عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه مى فرمود: به واجبات الهى عمل كن تا با تقواترين مردم باشى .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الِاجْتِهَادِ فِى دِينِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِى عَنْكَ اجْتِهَادٌ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هميشه متقى باش و نسبت به دين خود كوشا، و آگاه باش ، سعى و كوشش بدون پرهيز از گناه تو را بى نياز نمى سازد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهِ مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرِّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِى فَإِنِّى أَمْنَحُهُمْ جِنَانَ عَدْنِى لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در پاسخ مناجات موسى عليه‌السلام خداوند متعال فرمود: اى موسى ! هيچ عملى به اندازه پارسائى و خويشتن دارى موجب نزديكى بندگان مؤمن به من نمى شود، من به آنها بهشت جاويدانم را بخشيدم و هيچ كس را با آنها در اين امر شريك قرار نخواهم داد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْفَخْرِ وَ الْبُخْلِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ وَ قِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سَعَةُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طُوبى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: براى پرهيزگاران نشانه هائى است كه به وسيله آنها شناخته مى شوند:

راستى در گفتار، اداء امانت ، وفاى به عهد و پيمان ، كمى مباهات و بخل ، صله ارحام ، دستگيرى ضعيفان ، معاشرت كم با زنان ، بخشيدن چيزهاى خوب ، خوش خلقى ، وسعت دانش آنچه انسان را به خدا نزديك مى كند. خوشا بحال آنان ، و چه عاقبت نيكوئى است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام ثَبَاتُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ وَ زَوَالُهُ الطَّمَعُ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: بقاء ايمان به پرهيزگارى و خويشتن دارى است و از بين رفتن آن به طمع است .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله جِمَاعُ التَّقْوَى فِى قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تعريف كامل تقوى در قول خداوند متعال است كه : (خداوند امر فرموده به عدالت و رفتار نيك داشتن).

وَ مِنْ كِتَابٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اعْمَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آن گونه عمل كن كه گويا به يقين و حقيقت رسيده اى .

وَ قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ

و فرمود صلى‌الله‌عليه‌وآله : هر كسى كه دوست دارد محبوبترين مردم باشد، بايد با تقوى باشد.

وَ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جِمَاعُ الْخَيْرِ

و فرمود صلى‌الله‌عليه‌وآله : با تقوى باشيد زيرا تقوى جامع خير است .

وَ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَ لَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه پيمان شكن است دين ندارد، و هر كه امين نيست ايمان ندارد و هر كه زكات مالش را نپردازد نمازش بى اثر است ، و هر كه پرهيزگار و خويشتن دار نباشد زكاتش اثر ندارد.

وَ مِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشِّيعَةِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَإِنَّ الْأَمَانَةَ مُؤَدَّاةٌ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال هرگز پيغمبرى را مبعوث نفرمود مگر به راستى در گفتار و اداء امانت ، زيرا امانت را بايد به نيكوكار و بدكار برگرداند.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ ابْنَ أَبِى يَعْفُورٍ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ وَ عليه‌السلام إِذَا رَأَيْتَ ابْنَ أَبِى يَعْفُورٍ فَأَقْرِئْهُ مِنِّى السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ انْظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَالْزَمْهُ فَإِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ

ابى بصير گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : ابن ابى يعفور سلامت مى رساند، فرمود:

بر تو و بر او سلام ، هر گاه ابن ابى يعفور را ديدى سلام مرا به او برسان و به او بگو: جعفر بن محمّد مى گويد: بنگر در آنچه على عليه‌السلام نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به آنان رسيد و آن را حفظ كن . همانا به آنچه بايد مى رسيد به وسيله راستى گفتار و اداء امانت به آن رسيد.

وَ عَنِ ابْنِ أَبِى يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الِاجْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ

ابن ابى يعفور گويد: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود: مردم را به غير از زبانتان دعوت به دين كنيد، تا سعى و كوشش و درستى و پرهيزگارى و خويشتن دارى را از شما مشاهده كنند.

عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُوَدِّعَهُ فَقَالَ أَبْلِغْ مَوَالِيَنَا السَّلَامَ عَنَّا وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَعْلِمْهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَّا لَا نُغْنِى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَنْ يَنَالُوا وَلَايَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ وَ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ

خيثمه گويد: به نزد امام رفتم تا با او خداحافظى كنم ، فرمود: به دوستان ما سلام ما را برسان و آنها را به تقواى خداوند بزرگ سفارش بنما، و به آنها اعلام كن كه نزد خداوند به مقامى نرسند مگر به واسطه عملشان ، و به ولايت ما نخواهند رسيد مگر به وسيله تقوى و خويشتن دارى ، و پر حسرت ترين مردم در روز قيامت كسى است كه از شخص عادلى تعريف كند، سپس در مقام عمل تخلف كند و به ديگرى رجوع كند.

عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَا فُضَيْلُ بَلِّغْ مَنْ لَقِيتَ مِنْ شِيعَتِنَا السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ إِنَّا لَا نُغْنِى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِينَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ مَنِ اسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا وَ آمَنَ بِنَبِيِّنَا وَ شَهِدَ شَهَادَتَنَا وَ دَخَلَ فِى دِينِنَا أَجْرَيْنَا عَلَيْهِ حُكْمَ الْقُرْآنِ وَ حُدُودَ الْإِسْلَامِ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى أَلَا وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلَ الثَّوَابِ وَ أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَ الْمَآبِ

فضيل گويد: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود: اى فضيل ! هر كدام از شيعيان ما را ديدى سلام برسان و به آنها بگو: ما از آنها نزد خداوند چيزى را شفاعت نمى كنيم مگر اينكه پرهيزگار و خويشتن دار باشند، پس زبانهايتان را نگه داريد، و دستهايتان را (از حرام) نگهداريد، و صبر و نماز را پيشه خود سازيد، خداوند ياور صبركنندگان است .

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كس رو به قبله ما كند و حيوان ذبح شده ما را بخورد، و به پيغمبر ما ايمان آورده باشد، و مانند ما به شهادت ما شهادت دهد و داخل در مذهب ما شود، ما بر او حكم قرآن و حدود اسلام را جارى مى كنيم . هيچ كس بر ديگرى برترى ندارد مگر به تقوى ، آگاه باشيد! پرهيزگاران در نزد خداوند بهترين ثواب و بهترين پاداش و عاقبت را دارند.

## فصل سيزدهم : در امر به معروف و نهى ازمنكر

الفصل الثالث عشر فى الامر بالمعروف والنهى عن المنكر

إ ن الله تعالى أ نعم على أ مة محمدصلى‌الله‌عليه‌وآله و أ كرمهم بأ ن جعلهم آمرين بالمعروف ناهين عن المنكر و وصفهم بذلك فى كتابه و أ ثنى عليهم فقال تعالى فى سورة آل عمران كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ فقرن الا مر بالمعروف و النهى عن المنكر بالا يمان بالله وَ الْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ و ذم قوما و عابهم و قبح فعلهم و أ وعدهم أ شد العذاب بتركهم الا مر بالمعروف و النهى عن المنكر و الا خذ على الظالم فقال تعالى فى سورة المائدة لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِى إِسْرائِيلَ عَلى لِس انِ داوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذلِكَ بِما عَصَوْا وَ كانُوا يَعْتَدُونَ. كانُوا لا يَتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ و قال فى هذه السورة تَرى كَثِيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ لَوْ لا يَنْهاهُمُ الرَّبّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَصْنَعُونَ فسوى الله تعالى بين المباشر للمعصية و التارك لنهيه عنها فى تهجين فعلهم و الوعيد لهم . ثم إ ن الله أ مرنا بالمعروف و نهانا عن المنكر فى غير موضع من كتابه و وعد عليه الثواب العظيم و واعدنا على تركه العذاب الا ليم فقال تعالى فى سورة آل عمران وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و قال تعالى فى سورة الا عراف وَ إِذْ قالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذاباً شَدِيداً قالُوا مَعْذِرَةً إِلى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. فَلَمّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذابٍ بَئِيسٍ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ

خداوند متعال بر امّت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله نعمت داد و آنها را گرامى داشت زيرا آنها را امركننده به معروف و نهى كننده از منكر قرار داد، و آنها را در كتابش توصيف نموده و بر آنان درود فرستاده . سپس در سوره آل عمران فرموده : (شما بهترين امتى هستيد كه براى اصلاح مردم قيام نمود، تا مردم را به نيكوكارى وادار و از كارهاى بد باز دارند و ايمان به خدا آورند). و امر به معروف و نهى از منكر را با ايمان به خدا همراه ساخت (اينها نگهبانان حدود الهى هستند و مؤمنان را به ثواب و سعادت بشارت ده). و گروهى را مذمّت و سرزنش كرد و از آنها عيب گرفت و عملشان را زشت شمرد و آنها را وعده به شديدترين عذابها داد، چون آنها امر به معروف و نهى از منكر را ترك نمودند و رويارويى با ظالم را ترك كردند در سوره مائده فرمود: (كافران بنى اسرائيل به زبان داود و عيسى و مريم از آن لعنت كرده شدند كه نافرمانى خدا نمودند و از حكم حق سركشى كردند، آنها هيچ گاه از كار زشت خود دست بر نداشتند، چقدر زشت است كارى كه آنها مى كنند). و در همين سوره فرمود: (بسيارى از آنها را بنگرى كه در گناه و ستمكارى خود و خوردن حرام مى شتابند، بسيار كار زشتى را پيشه خود ساخته اند، اگر علماء و روحانيون آنها را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند اينها كارى بسيار زشت مى كنند) خداوند متعال بين كسى كه بدون واسطه گناهى را مرتكب شود و كسى كه نهى از آن گناهان را ترك كند، در زشت شمردن عملشان ، و وعده عذاب بر آنها يكسان شمرده . سپس ما را به كار نيك امر فرمود، و از كارهاى زشت نهى فرمود و بر آن وعده ثواب بزرگ داده ، و بر ترك آن ما را از عذاب دردناكش ترسانده .

سپس خداوند متعال در سوره آل عمران فرمود: (بايد از شما امتى باشند كه مردم را به نيكى دعوت نموده و امر به معروف و نهى از منكر كند، و اينان رستگارانند). و در سوره

اعراف فرموده : (و چون جمعى از آن گروه گفتند چرا قومى را كه از جانب خدا به هلاكت يا عذاب سخت محكومند موعظه مى كنيد؟ ناصحان گفتند: پند ما معذرت و اتمام حجت است از جانب پروردگار و شايد اثر كند و تقوى پيشه كند، و چون هر چه به آنها تذكر داده شد در آن غفلت ورزيدند ما هم آن جماعت كه نصيحت مى كردند و خلق را از كار بد منع مى نمودند نجات بخشيديم ، و آنان را كه ظلم و ستمكارى كردند به كيفر فسقشان به بدترين عذاب گرفتار كرديم).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ مَنْ يَرَى عُدْوَاناً يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَراً يُدْعَى إِلَيْهِ وَ أَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِئَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُوجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِى أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِى قَلْبِهِ الْيَقِينُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اى مؤمنان ! هر كس كار خلافى را كه به آن عمل مى شود و منكرى را كه دعوت به آن مى شود، ببيند و آن را به وسيله قلبش جلوگيرى كند سالم مانده و از آن عمل دور مى شود. و هر كس كه آن عمل را به وسيله قلبش جلوگيرى كند سالم مانده و از آن عمل دور مى شود. و هر كس آن عمل را به وسيله زبانش منكر شود پاداش داده شود، و اين شخص از شخص اوّل برتر است ، و هر كس به وسيله شمشير آن عمل را منكر شود، تا كلام خدا را برتر و كلام ظالمين را پست تر گرداند، او همان است كه به راه هدايت منتهى مى شود و در راه رستگارى مى افتد و در قلبش ‍ يقين نور افشانى مى كند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: امر به معروف و نهى از منكر دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند، هر كس آن دو را يارى كند خداوند او را عزيز گرداند و هر كس آن دو را خوار سازد خداوند هم او را خوار نمايد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَامِلٌ لِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى

امام صادق عليه‌السلام هر كس در او سه خصلت باشد امر به معروف و نهى از منكر مى نمايد:

كسى كه عالم به معروف است ، و ترك منكر مى كند، در آنچه امر به آن و يا نهى از آن مى نمايد عدالت را رعايت مى نمايد، در آنچه امر يا نهى مى كند با مدارا رفتار مى نمايد.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِى فِى الْمَنَامِ قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ جَعَلَاهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام وَيْلٌ لِقَوْمٍ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در خواب مردى از امتم را ديدم كه از هر طرف گرفتار آتش جهنم بود، ناگهان امر به معروف و نهى از منكرى را كه در دنيا انجام داده بود به كمك او آمدند و او را از بين آتشها نجات دادند و او را همراه فرشتگان ساختند.

وَ قَالَعليه‌السلام أَيْضاً جَاءَ رَجُلٌ مِنْ خَثْعَمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِى مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ صِلَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ الشِّرْكُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: واى بر قومى كه به وسيله امر به معروف و نهى از منكر كردن قرض خود را به خدا ادا نمى كنند. و همچنين امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى از قبيله خثعم نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و گفت :

اى رسول خدا! به من بفرمائيد كه برترين اسلام چيست ؟ فرمود: ايمان به خدا، گفت : بعد از آن چه ؟ فرمود: صله رحم ، گفت : سپس چه چيز؟ فرمود: امر به معروف و نهى از منكر.

پرسيد: كدام عمل نزد خداوند عزّ و جل مبغوض تر است ؟ امام فرمود: شرك ورزيدن به خدا، گفت : بعد از آن چه ؟ فرمود: قطع رحم ، گفت : بعد از اين چه چيز؟ فرمود: امر به منكر و نهى از معروف .

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ فَكَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَراً وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شما چه خواهيد كرد اگر زنهاى شما فاسد شوند و جوانهايتان فاسق شوند و امر به معروف و نهى از منكر نكنند؟ از ايشان پرسيده شد: اى رسول خدا آيا چنين مى شود؟ فرمود: بلى ، و بدتر از اين هم مى شود. چه خواهيد كرد هنگامى كه امر به منكر، و نهى از معروف شود؟ سؤ ال شد: اى رسول خدا! آيا چنين مى شود؟ فرمود:

بلى ، و بدتر از اين هم مى شود. بر شما چه خواهد گذشت زمانى كه معروف را منكر و منكر را معروف ببينيد؟

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الاْيَةُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِى وَ قَالَ أَنَا قَدْ عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِى كُلِّفْتُ أَهْلِى فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: هنگامى كه اين آيه نازل شد: (اى كسانى كه ايمان آورده ايد خود و خانواده تان را از آتش جهنم حفظ كنيد) مردى از مسلمانان نشست و شروع به گريه كرد؛ و گفت : من نسبت به خودم عاجزم حال نسبت به خانواده ام هم تكليف شده ام ؟

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: همين مقدار تو را كفايت مى كند كه آنها را امر كنى به آنچه خودت را به آن امر مى نمايى و نهيشان كنى از آنچه خودت را از آن نهى مى نمايى .

وَ قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ إِذَا أُمَّتِى تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْتَأْذَنْ بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى

امام رضا عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: هر گاه امت من امر به معروف و نهى از منكر را به يك ديگر واگذار كنند بايد خود را براى حوادثى از جانب خداوند آماده كنند.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام حَسْبُ الْمُؤْمِنِ غيرا عِزّاً إِنْ رَأَى مُنْكَراً أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارِهٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى مؤمن غيرتمند همين بس اگر منكرى را ديد كه بداند خداوند از ناخشنودى او در نيّتش آگاه است .

وَ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذَا مَرَّ بِجَمَاعَةٍ يَخْتَصِمُونَ لَا يَجُوزُهُمْ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثاً اتَّقُوا اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ

غياث بن ابراهيم گويد: هر گاه امام صادق عليه‌السلام از كنار گروهى مى گذشت كه با هم در حال مخاصمه و دعوى بودند؛ از آنجا عبور نمى كرد مگر اينكه سه بار با صداى بلند مى فرمود:

از خدا بترسيد.

وَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهَ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ ذَامّاً وَ مَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَضَبِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَ حَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَ بَغْيَ كُلِّ بَاغٍ وَ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ نَاصِراً وَ ظَهِيراً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس خوشنودى مردم را به چيزى بجويد كه خداوند از آن چيز به خشم مى آيد، مردمى كه او را ستايش مى كردند نكوهشش كنند، و هر كس ‍ فرمانبردارى خدا را به خشم مردم مقدم بدارد خداوند او را از دشمنى كردن هر دشمنى محافظت نمايد و حسادت هر حسود و ظلم هر ستمكارى را از او برطرف نمايد، و خداى عزّ و جلّ ياور و پشتيبان او شود.

وَ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ يَا مُفَضَّلُ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهَا وَ لَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا

مفضل گويد: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود: اى مفضّل ! هر كس ‍ متعرّض حاكم ظالمى شود و از ناحيه حاكم به او صدمه اى برسد؛ بر اين كارش پاداش نمى برد و براى اين عملش صبر را روزى او نمى كنند.

وَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَّعِظُ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ فَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امر به معروف و نهى از منكر در مؤمنى كه از آن پند مى گيرد، و يا جاهلى كه از آن درس مى آموزد تأ ثير مى كند، و اما كسى كه تازيانه و شمشير دارد؛ نه .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُ وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَ مَا تَسْمَعُ اللَّهَ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزاً وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْء

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال تمام كارهاى مؤمن را به خودش واگذار نموده ولى او را وانگذاشته تا اينكه ذليل شود، آيا كلام خداوند را نشنيده اى كه مى فرمايد: (عزّت براى خدا و رسولش و مؤمنين است) پس مؤمن عزيز است و ذليل نيست .

سپس فرمود: مؤمن از كوه نيز عزيزتر است ، زيرا كوه را مى توان با كلنگ كم كرد، ولى از دين مؤمن چيزى كم نمى شود.

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِعليه‌السلام يَقُولُ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لتنهين لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ وَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمود: بايد امر به معروف كنيد و بايد نهى از منكر نماييد و الّا خداوند شرارتان را بر شما مسلّط مى گرداند و هر چه نيكان شما دعا كنند دعايشان مستجاب نشود.

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ بِمَا يُذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَدْخُلُ فِيمَا يَعْتَذِرُ مِنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سزاوار نيست كه مؤمن خود را خوار سازد، گفتم : به چه چيز خود را خوار مى كند؟ فرمود: كارى را انجام دهد كه بعد مجبور به عذر خواهى شود.

وَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَ وَاجِبٌ هُوَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ جَمِيعاً قَالَ لَا فَقِيلَ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعَفَةِ الَّذِينَ لا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا إِلَى أَيٍّ مِنْ أَيٍّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةِ مُوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمِهِ وَ هُمْ يَوْمَئِذٍ أُمَمٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدٌ فَصَاعِداً كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْراهِيمَ كانَ أُمَّةً قانِتاً لِلّهِ يَقُولُ مُطِيعاً لِلَّهِ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِى الهذمة الْهُدْنَةِ مِنْ حَرَجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَ لَا عَدَدَ وَ لَا طَاعَةَ

مسعدة بن صدقه گويد: از امام صادق عليه‌السلام از امر به معروف و نهى از منكر سؤ ال شد كه آيا بر تمام اين امت واجب است يا نه ؟

فرمود: نه ، سؤ ال شد: چرا؟ فرمود: فقط بر كسانى واجب است كه نيرومند باشند و مردم از آنها اطاعت كنند و عالم به معروف از منكر باشند، نه بر ضعفائى كه راه را نمى دانند كه به چه راهى و از چه راهى بگويند، لذا از حق به باطل مى گويند، و دليل بر اين مطلب سخن خداوند است كه مى فرمايد: (بايد دسته اى از شما امت مردم را به طرف خير و نيكى دعوت نمايند و امر به معروف و نهى از منكر نمايد).

اين خاص است نه عام ، همان طور كه خداوند متعال مى فرمايد: (بعضى از قوم موسى به سوى حق هدايت مى كنند و به آن عدالت مى كنند) و نفرموده بر امّت موسى و نه بر همه قومش ، در حالى كه آنها در آن هنگام گروههاى مختلفى بودند، و امت هم از يك نفر به بالاست ، همان طور كه خداوند عزّ و جل مى فرمايد: (ابراهيم به تنهائى يك امت فرمانبردار خداوند بود) مى فرمايد: مطيع خداوند بود، پس اين كار بر كسى كه در زمان صلح و آرامش توان و نيرو و ياور و فرمانبردار ندارد؛ لازم نيست .

قَالَ مَسْعَدَةُ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِى جَاءَ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا

مسعدة بن صدقه گويد: از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد در مورد اين سخن پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله كه فرمود: «بهترين جهاد؛ گفتن كلمه عدل نزد سلطان ظالم است» فرمود: آن زمانى است كه امر به معروف كردن شخص از روى شناخت باشد، در اين صورت از او پذيرفته است و الّا نه .

وَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبٍ النَّبِيِّ أَنِّى مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفاً مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفاً مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِى فَلَمْ يَغْضَبُوا لِغَضَبِى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال به شعيب نبى عليه‌السلام وحى كرد كه : من از قومت صد هزار نفر را عذاب مى كنم ؛ چهل هزار نفر از افراد اشرار و شصت هزار نفر هم از خوبان ، شعيب گفت : پروردگارا! آنان را كه عذاب مى كنى نااهلانند، پس علّت عذاب خوبان چيست ؟

خداوند عزّ و جل به او وحى كرد كه : آنها با اهل معصيت مدارا كردند و به خاطر غضب من خشمگين نشدند.

وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمُ الْبَرَكَاتُ وَ سُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِى الْأَرْضِ وَ لَا فِى السَّمَاءِ

از نبى اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت شده كه فرمود: مادامى كه مردم امر به معروف و نهى از منكر نمايند و بر اعمال نيك همكارى نمايند در خير و خوشى بسر مى برند؛ و هر گاه اين كار را نكنند بركتها از آنها گرفته مى شود و بعضى از آنها بر بعضى ديگر مسلّط مى شوند. و ياورى برايشان در آسمان و زمين نخواهد بود.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فِى كَلَامٍ هَذَا خِتَامُهُ مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ

امير مؤمنان در كلامى كه خاتمه اش اين بود فرمود: هر كس نهى از منكر قلبى و زبانى را ترك نمايد او مرده اى است زنده نما.

## فصل چهاردهم : در امانت دارى

الفصل الرابع عشر فى أداء الا مانة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امانت را به صاحبش برگردانيد و لو به قاتل حسين بن على عليه‌السلام .

وَ قَالَعليه‌السلام اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ ائْتَمَنَنِى عَلَى الْأَمَانَةِ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با تقوا باشيد و امانت كسى را كه به شما اعتماد كرده به او برگردانيد، زيرا اگر قاتل على عليه‌السلام امانتى را از روى اعتماد به من بدهد به او بر خواهم گرداند.

وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ قَدْ صَلَّى الْعَصْرَ وَ هُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِى الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ بَعْضَ السَّلَاطِينِ يَأْمِنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوْدِعُنَاهَا وَ لَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمْسَكُمْ أَ فَنُؤَدِّيهَا إِلَيْهِمْ قَالَ وَ رَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنَّ ابْنَ مُلْجَمٍ قَاتِلَ أَبِى فَإِنِّى أَطْلُبُهُ يَتَسَتَّرُ لِأَنَّهُ قَتَلَ أَبِى ائْتَمَنَنِى عَلَى الْأَمَانَةِ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ

عبد اللّه بن سنان گويد: خدمت امام صادق عليه‌السلام رسيدم كه نماز عصر را خوانده و رو به قبله در مسجد نشسته بود. عرض كردم : اى پسر رسول خدا! بعضى از پادشاهان ما را امين بر اموال مى دانند و آن را پيش ما به امانت مى سپارند، و خمس آن را به شما نمى پردازند، آيا اين اموال را به آنها بازگردانيم ؟ فرمود: قسم به خداى اين قبله (سه مرتبه) اگر ابن ملجم قاتل پدرم كه مى خواهم او را بكشم به خاطر انتقام از پدرم مرا مورد اعتماد خود در امانت قرار دهد؛ من امانتش را به او باز خواهم گرداند.

وَ عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَ أَدَّوُا الْأَمَانَةَ وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: اهل زمين تا هنگامى كه به يك ديگر محبت بورزند و اداء امانت كنند و به حق عمل نمايند مورد رحمت هستند.

وَ سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ الاْيَةَ مَا الَّذِى عَرَضَ عَلَيْهِنَّ وَ مَا الَّذِى حَمَلَ الْإِنْسَانُ وَ مَا كَانَ هُوَ قَالَ فَقَالَ عَرَضَ عَلَيْهِنَّ الْأَمَانَةَ بَيْنَ النَّاسِ وَ ذَلِكَ حِينَ خَلَقَ الْخَلْقَ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند متعال سؤ ال شد: (ما امانت را بر آسمانها و زمين و كوههاى عالم عرضه داشتيم) چه چيزى بر آنها عرضه شد؟ و چه چيزى را انسان حمل نمود؟ و آن چيز چيست ؟

فرمود: امانت در بين مردم عرضه شد و اين هنگامى بود كه خداوند مخلوقاتش را خلق نمود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كسى كه به امانت خيانت كند از ما نيست .

وَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند هيچ پيغمبرى را مبعوث نفرمود مگر به راستى در گفتار و اداء امانت .

وَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلَمْ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ وَ كُنْ أَمِيناً تَكُنْ غَنِيّاً

بعضى از اصحاب امام صادق عليه‌السلام از قول ايشان نقل مى كنند كه ايشان به فرزندشان فرمود: اى فرزندم ! اداى امانت كن تا دنيا و آخرتت سالم بماند، و امين باش تا بى نياز شوى .

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَعليه‌السلام لِشِيعَتِهِ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِى بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّعليه‌السلام ائْتَمَنَنِى عَلَى السَّيْفِ الَّذِى قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَّيْتُهُ إِلَيْهِ

امام زين العابدين عليه‌السلام به شيعيانشان فرمود: امانت را برگردانيد، قسم به آن كس كه محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله را به حق به نبوت مبعوث گردانيد؛ اگر قاتل پدرم حسين بن على عليه‌السلام به من اعتماد كند و شمشيرى را كه با آن پدرم را كشت به من امانت دهد؛ آن را به او باز مى گردانم .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِى حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَوَاتِهِ وَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ ثُمَّ قَالَ مَنِ اؤْتُمِنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَأَدَّاهَا فَقَدْ حَلَّ أَلْفَ عُقْدَةٍ مِنْ عُنُقِهِ مِنْ عُقَدِ النَّارِ فَبَادِرُوا بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَإِنَّ مَنِ اؤْتُمِنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَّلَ بِهِ إِبْلِيسُ مِائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرَدَةِ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَ يُوَسْوِسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُهْلِكُوهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: محبوبترين بندگان نزد خداوند عزّ و جلّ شخصى است كه در گفتارش راستگو، مواظب بر نماز و واجباتش بوده و امانتدار باشد.

سپس فرمود: هر كس امين بر امانتى شناخته شد و آن را بر گرداند هزار گره از زنجيرهاى آتش جهنم را از گردنش باز كرده .

اينك به سوى اداء امانت پيشى بگيريد زيرا هر كس در امانتى امين شناخته شد؛ ابليس صد شيطان از متمردين اصحابش را بر او موكّل مى گرداند تا او را گمراه كند، و او را نسبت به آن امانت وسوسه نمايد تا اينكه هلاكش ‍ سازد، مگر كسى كه خداوند حافظش باشد.

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: به زياد نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و كارهاى نيك و زمزمه هاى شب كسى نگاه نكنيد، بلكه نگاه كنيد به راستى در گفتار و اداء امانت او.

مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام ثَلَاثَةٌ لَا بُدَّ مِنْ أَدَائِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: سه چيز است كه در هر حال موظف به اداى آن هستيم : اداى امانت چه به شخص نيكوكار و چه بدكار، وفاء به عهد و پيمان چه نسبت به فرد نيكوكار و چه بدكار، نيكى كردن به پدر و مادر چه آنها نيكوكار باشند و چه بدكار.

## فصل پانزدهم : در ياد خدا

الفصل الخامس عشر فى الذكر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَسَنِ الْبَزَّازِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى حَدِيثٍ قَالَ أَ لَا أُحَدِّثُكُمْ بِأَشَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ فَذَكَرَ لَهُ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ الثَّالِثُ مِنْهَا ذِكْرُ اللَّهِ فِى كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آيا شما را نسبت به سخت ترين وظايف واجبه از ناحيه خداوند بر بندگانش آگاه كنم ؟ سپس سه چيزى را براى او بيان فرمود كه سوّمين آنها به ياد خدا بودن در همه حال بود؛ چه زمان شتاب به سوى اطاعت و بندگى و چه زمان معصيت .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيراً ثُمَّ قَالَ أَمَا لَا أَعْنِى سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ إِنْ كَانَ مِنْهُ وَ لَكِنْ ذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از مهمترين چيزهايى كه خداوند بر بندگانش واجب فرموده ؛ ياد خداست . سپس فرمود: آگاه باشيد؛ منظورم گفتن «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الّا اللّه و اللّه اكبر» نيست ، گرچه اين هم از ياد خداست ، و لكن مرادم ياد خدا نزد حلال و حرام خداست ، كه اگر اطاعت و بندگى بود به آن عمل كند و اگر معصيت بود آن را ترك نمايد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام الْمُتَكَلِّمُونَ ثَلَاثَةٌ سَالِمٌ وَ غَانِمٌ وَ شَاجِبٌ فَالسَّالِمُ الصَّامِتُ وَ الْغَانِمُ الذَّاكِرُ لِلَّهِ وَ الشَّاجِبُ الَّذِى يَلْفِظُ وَ يَقَعُ فِى النَّاسِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردم سه دسته اند: سالم و غانم و شاجب ؛ سالم يعنى مردمى ساكت ، غانم كسى است كه ذكر خدا گويد، و شاجب كسى است كه با سخن چينى بين مردم اختلاف مى اندازد.

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اخْتِمِ الْمَجَالِسَ عَلَى عَيْنَيْكَ فَإِذَا رَأَيْتَ قَوْماً يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَاجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِماً يَزِيدُوكَ عِلْماً وَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عَلَّمُوكَ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِرَحْمَةٍ فَيَعُمَّكَ مَعَهُمْ وَ إِذَا رَأَيْتَ قَوْماً لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَلَا تَجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِماً لَا يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ وَ إِنْ تَكُنْ جَاهِلًا يَزِيدُوكَ جَهْلًا وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِعُقُوبَةٍ فَيَعُمَّكَ مَعَهُمْ

حضرت لقمان رحمه‌الله مى گفت : اى پسركم ! با دقت نظر به مجالس ‍ وارد شو، هر گاه گروهى را در حال ذكر خدا گفتن ديدى نزد آنها بنشين ، زيرا اگر تو عالم باشى ، به علمت افزوده گردد، و اگر جاهل باشى عالمت سازند، و اميد اين هست كه خداوند سايه رحمتش را بر آنان بيافكند و تو را نيز شامل شود. و هر گاه گروهى را ديدى كه ذكر خدا نمى گويند با آنها همنشين مشو، زيرا اگر عالم باشى علمت به تو نفعى نمى رساند، و اگر جاهل باشى به جهلت افزوده مى گردد، و شايد خداوند عقوبتش را بر آنان بيافكند و تو را نيز شامل گردد.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ أَكْثَرُهُمْ ذِكْراً لِلَّهِ وَ أَعْلَمُهُمْ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ

يكى از اصحاب امام صادق عليه‌السلام گويد، به امام عرض كردم : چه كسى محترمترين مخلوقات نزد خداوند است ؟ فرمود: كسى كه بيشتر به ياد خدا باشد و عالمترين مردم به بندگى خدا باشد.

عَنْ أَصْبَغَ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: ذكر دو نوع است ؛ ذكر خداوند هنگام مصيبت و برتر از آن ذكر خداوند است در برابر آنچه خداوند بر تو حرام كرده تا آن ذكر تو را مانع از كار حرام شود.

و من كتاب روضة الواعظين قال الله عز و جل فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِى وَ لا تَكْفُرُونِ و قال الله تعالى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللّهَ ذِكْراً كَثِيراً و قال تعالى وَ الذّاكِرِينَ اللّهَ كَثِيراً وَ الذّاكِراتِ و قال تعالى فَذَكِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَكِّرٌ. لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ

خداوند عزّ و جل مى فرمايد: (مرا ياد كنيد تا شما را ياد كنم ، و شكر مرا بجاى آوريد و كفران نكنيد) و باز مى فرمايد: (اى ايمان آورندگان خدا را بسيار ياد كنيد) و مى فرمايد:

(و مردان و زنان بسيارى كه ياد خدا مى كنند) و فرمود: (اى رسول ! تو خلق را متذكّر ساز كه وظيفه پيغمبرى تو غير از اين نيست و تو مسلّط و توانا بر آنها نيستى).

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِى اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عن عَلَى كُلِّ حَالٍ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! بالاترين اعمال سه خصلت است : از خودت انصاف نشان دادن ، برابرى كردنت با برادران دينيت ، ذكر خداوند در هر حال .

رُوِيَ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ أَنَّهُ قَالَ الذِّكْرُ مَقْسُومٌ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ اللِّسَانِ وَ الرُّوحِ وَ النَّفْسِ وَ الْعَقْلِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ السِّرِّ وَ الْقَلْبِ وَ كُلُّ وَاحِدٍ يَحْتَاجُ إِلَى اسْتِقَامَةٍ فَاسْتِقَامَةُ اللِّسَانِ صِدْقُ الْإِقْرَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الرُّوحِ صِدْقُ الِاحْتِضَارِ وَ اسْتِقَامَةُ النَّفْسِ صِدْقُ الِاسْتِغْفَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الِاعْتِذَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ صِدْقُ الِاعْتِبَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْمَعْرِفَةِ صِدْقُ الِافْتِخَارِ وَ اسْتِقَامَةُ السِّرِّ السُّرُورُ بِعَالَمِ الْأَسْرَارِ وَ ذِكْرُ اللِّسَانِ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ ذِكْرُ النَّفْسِ الْجُهْدُ وَ الْعَنَاءُ وَ ذِكْرُ الرُّوحِ الْخَوْفُ وَ الرَّجَاءُ وَ ذِكْرُ الْقَلْبِ الصِّدْقُ وَ الصَّفَاءُ وَ ذِكْرُ الْعَقْلِ التَّعْظِيمُ وَ الْحَيَاءُ وَ ذِكْرُ الْمَعْرِفَةِ التَّسْلِيمُ وَ الرِّضَا وَ ذِكْرُ السِّرِّ الرُّؤْيَةُ وَ اللِّقَاءُ

از امام باقر يا امام صادق عليه‌السلام روايت شده كه ايشان فرموده اند: ذكر حقّ بين هفت عضو از اعضاى انسان تقسيم شده : زبان ، روح و جان ، عقل ، معرفت ، سر و قلب ، و هر يك از آنها نياز به استقامت دارند. استقامت زبان به راستى در گفتار است ، و استقامت روح به درستى ذهن و حضور آن است ، و استقامت جان به درستى در توبه كردن است ، و استقامت قلب به درستى در عذر خواهى ، و استقامت عقل به درستى در پند گرفتن است ، و استقامت شناخت به درستى در سرافرازى ، و استقامت سر متوجه بودن به عالم اسرار است . پس ذكر زبان حمد و ثناست ، و ذكر جان كوشش و تلاش ، و ذكر روح ترس و اميد، و ذكر قلب راستى و صميميت ، و ذكر عقل تعظيم و حيا، و ذكر معرفت تسليم و رضا، و ذكر سر مقام شهود حق و لقاء اللّه است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام جُمِعَ الْخَيْرُ فِى ثَلَاثِ خِصَالٍ فِى النَّظَرِ وَ السُّكُوتِ وَ الْكَلَامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عَبَراً وَ سُكُوتُهُ فِكْراً وَ كَلَامُهُ ذِكْراً وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ أَمِنَ النَّاسُ شَرَّهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: همه خوبيها در سه خصلت خلاصه شده : در نگاه ، خاموشى ، و سخن گفتن . هر نظرى كه در آن پند گرفتن نباشد بيهوده و خطاست ، و هر سكوتى كه همراه فكر نباشد ناشى از غفلت است ، و هر سخنى كه در آن ذكر حق نباشد بيهوده است .

خوشا بحال كسى كه نگاهش همراه با پند و سكوتش با فكر و كلامش با ذكر حق باشد، و به خاطر خطاهايش گريان باشد و مردم از شرّ او در امان باشند.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَيُّمَا امْرِئٍ مُسْلِمٍ جَلَسَ فِى مُصَلَّاهُ الَّذِى يُصَلِّى فِيهِ الْفَجْرَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَحَاجِّ بَيْتِ اللَّهِ وَ غُفِرَ لَهُ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر فرد مسلمانى كه در مصلّاى نماز صبحش بنشيند و تا طلوع خورشيد ذكر خدا بگويد؛ اجرش برابر كسى است كه به حج بيت اللّه الحرام رفته باشد، و آمرزيده شود.

وَ قَالَعليه‌السلام إِذَا وَجَدْتُمْ رِيَاضَ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا فِيهَا قَالُوا وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَجَالِسُ الذِّكْرِ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه بستانها و باغهاى بهشت را يافتيد آن را گردشگاه خود قرار دهيد. سؤ ال شد: اى رسول خدا! باغهاى بهشت كدامند؟ فرمود: مجالس ذكر.

وَ قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا نَادَى بِهِمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ قُومُوا فَقَدْ بُدِّلَتْ سَيِّئَاتُكُمْ حَسَنَاتٍ وَ غُفِرَ لَكُمْ جَمِيعاً وَ مَا قَعَدَ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَعَدَ مَعَهُمْ عِدَّةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

و فرمود: هيچ گروهى به ذكر خدا ننشست مگر اينكه منادى از آسمان ندا كرد: بپاخيزيد كه بديهاى شما مبدل به خوبى شد، و تمامى شما آمرزيده شديد، و عدّه اى از اهل زمين مشغول ذكر خدا نشدند مگر اينكه عدّه اى از ملائك همنشين آنان شدند.

قَالَ مُوسَى فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ قَالَ يَا مُوسَى أُظِلُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِى وَ أَجْعَلُهُ فِى كَنَفِى

حضرت موسى عليه‌السلام فرمود: پاداش كسى كه با زبان و قلبش ذكر تو را گويد چيست ؟

فرمود: اى موسى ! بوسيله سايه عرشم بر او سايه مى افكنم و او را در پناه خود قرار مى دهم .

وَ قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ غَشَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ ذَكَرْتُهُمْ فِيمَنْ عِنْدَهُمْ

و فرمود: هيچ گروهى مشغول ذكر خدا نشوند مگر آنكه ملائكه آنان را در ميان خود گرفته و رحمت خدا شامل حالشان شود، و آرامش بر آنها نازل گردد، و نامشان به همراه كسانى كه با آنها بودند ياد شود.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله رَأَيْتُ فِى الْمَنَامِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِى قَدِ احْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ فَجَاءَ فكر ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَنَحَّاهُ فَنَجَّاهُ بَيْنَهُمْ

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در خواب مردى از امّتم را ديدم كه شيطانها او را در ميان خود گرفته بودند، در اين هنگام ذكر خدا او را از بين شياطين نجات داد.

قَالَ جَابِرٌ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّ قَوْماً إِذَا ذُكِّرُوا بِشَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ حُدِّثُوا بِهِ صَعِقَ أَحَدُهُمْ حَتَّى تُرَى أَنَّهُ لَوْ قُطِعَتْ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ لَمْ يَشْعُرْ بِذَلِكَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ ذَاكَ مِنَ الشَّيْطَانِ مَا أُمِرُوا بِهَذَا إِنَّمَا هُوَ اللِّينُ وَ الرِّقَّةُ وَ الدَّمْعَةُ وَ الْوَجَلُ

جابر گويد: به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : قومى هستند كه هر گاه چيزى از قرآن به يادشان آيد يا برايشان خوانده شود؛ يكى از آنها بى هوش ‍ مى شود به صورتى كه اگر هر دو دست و هر دو پايش را قطع كنى متوجه نمى شود.

امام فرمود: سبحان اللّه ، اين كارى شيطانى است ، اينها امر به اين كار نشده اند، تأ ثير قرآن فقط به نرمش و رقّت قلب و اشك ريختن و ترس از خداست .

و من كتاب مجمع البيان فى قوله عز و جل ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ فَهِيَ كَالْحِجارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً الا ية وَ قَدْ وَرَدَ الْخَبَرُ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تُقْسِى الْقَلْبَ وَ إِنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْقَاسِى الْقَلْبِ

در كتاب مجمع البيان ذيل آيه شريفه كه خداوند مى فرمايد: (با اين همه سخت دل گشتيد كه دلهايتان چون سنگ يا سخت تر از آن شد) خبرى از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله است كه فرموده اند: كلام خود را بدون ذكر خدا طولانى نكنيد، زيرا طول كلام بدون ذكر خدا انسان را سنگدل مى گرداند و دورترين مردم از خدا انسان سنگدل است .

مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ إِذَا كَانَ الشِّتَاءُ نَادَى مُنَادٍ يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ قَدْ طَالَ اللَّيْلُ لِصَلَاتِكُمْ وَ قَصُرَ النَّهَارُ لِصِيَامِكُمْ فَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى اللَّيْلِ أَنْ تُكَابِدُوهُ وَ لَا عَلَى الْعَدُوِّ أَنْ تُجَاهِدُوهُ وَ بَخِلْتُمْ بِالْمَالِ أَنْ تُنْفِقُوهُ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ

عثمان بن عبد اللّه از قول معصوم عليه‌السلام نقل مى كند كه : هنگامى كه فصل زمستان مى آيد منادى ندا مى دهد: اى اهل قرآن ! شب طولانى شد بخاطر نماز خواندن شما، و روز كوتاه شد براى روزه گرفتن شما، اگر قادر نيستيد كه در شب با خواب مبارزه كنيد و نتوانستيد كه با دشمن مبارزه كنيد، و نسبت به مالتان بخل مى ورزيد كه آن را انفاق نماييد، پس ذكر خدا بسيار بگوييد.

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمُوَاسَاةِ فِى ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْإِنْصَافِ مِنْ نَفْسِهِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيراً ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنِّى لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَكِنْ أَذْكُرُهُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: خداوند مؤمن را به چيزى سخت تر از سه خصلت كه از آن محروم مى باشد گرفتار نفرموده . سؤ ال شد: آن خصلتها چيست ؟ فرمود: همدردى نمودن در آنچه دارد بخاطر خدا، انصاف به خرج دادن از خود، و بسيار ذكر خدا كردن .

سپس فرمود: نمى گويم كه بسيار بگوييد «سبحان اللّه و الحمد للّه» ولى ياد خدا كنيد در آنچه حلال كرده و در آنچه حرام نموده .

وَ مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِى الضَّحَّاكِ قَالَ بَعَثَنِى الْمَأْمُونُ فِى إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعليه‌السلام مِنَ الْمَدِينَةِ وَ أَمَرَنِى أَنْ آخُذَ بِهِ عَلَى طَرِيقِ الْبَصْرَةِ وَ الْأَهْوَازِ وَ فَارِسَ وَ لَا آخُذَ بِهِ عَلَى طَرِيقِ قُمَّ وَ أَمَرَنِى أَنْ أَحْفَظَهُ بِنَفْسِى بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ حَتَّى أَقْدَمَ عَلَيْهِ فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرْوَ فَوَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَتْقَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ وَ لَا أَكْثَرَ ذِكْراً لِلَّهِ تَعَالَى فِى جَمِيعِ أَوْقَاتِهِ مِنْهُ وَ لَا أَشَدَّ خَوْفاً لِلَّهِ تَعَالَى

رجاء بن ابى ضحّاك نقل كرد: مأ مون مرا فرستاد تا على بن موسى الرّضا عليه‌السلام را از مدينه نزد او آورم ، او مرا امر كرد كه از راه بصره و اهواز و فارس ايشان را حركت دهم ، نه از طريق قم ، و مرا امر كرد كه خودم شبانه روز مراقب ايشان باشم تا وى را بر مأ مون وارد كنم ، و من پيوسته از مدينه تا مرو با ايشان بودم ، به خدا قسم كسى را باتقوى تر از او نسبت به خدا نديدم ، و كسى را كه بيشتر از او در تمام اوقاتش ذكر خدا گويد؛ نديدم ، و نديدم كسى را كه خدا ترس تر و پارساتر از او باشد.

وَ مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ كَلَامُ ابْنِ آدَمَ كُلُّهُ عَلَيْهِ لَا لَهُ إِلَّا أَمْراً بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهْياً عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذِكْراً لِلَّهِ تَعَالَى وَ قَالَ إِنَّ رَبِّى أَمَرَنِى أَنْ يَكُونَ نُطْقِى ذِكْراً وَ صَمْتِى فِكْراً وَ نَظَرِى عِبْرَةً

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تمام سخنان بنى آدم به ضررش است نه به نفعش ، مگر اينكه امر به معروف يا نهى از منكر كرده باشد، يا ذكر خدا گفته باشد.

و باز مى فرمايد: پروردگارم به من امر فرموده كه سخنم ذكر و سكوتم فكر و نگاه كردنم از روى عبرت باشد.

وَ مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِعليه‌السلام عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ فَرَابِحٌ وَ سَالِمٌ وَ شَاجِبٌ فَأَمَّا الرَّابِحُ الَّذِى يَذْكُرُ اللَّهَ وَ أَمَّا السَّالِمُ فَالسَّاكِتُ وَ أَمَّا الشَّاجِبُ فَالَّذِى يَخُوضُ فِى الْبَاطِلِ

حضرت على عليه‌السلام از قول پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: سخن بر سه نحوه است :

رابح ، سالم ، شاجب ، اما رابح آن سخنى است كه ذكر خدا باشد، اما سالم همان سكوت است ، و اما شاجب آن است كه انسان را در باطل افكند.

عَنِ ابْنِ أَبِى يَعْفُورٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ وَ مُوَاسَاةُ الرَّجُلِ أَخَاهُ فِى مَالِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيراً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز است كه مردم توانايى آن را ندارند: گذشت از خطاهاى مردم ، همراهى برادر دينى با برادر خود در مالش ، بسيار به ياد خدا بودن .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فِى مَعْنَى قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ

امير مؤمنان عليه‌السلام در معناى قول خداوند متعال كه مى فرمايد: (از اهل ذكر سؤ ال كنيد) فرمود: ما اهل ذكر هستيم .

الباب الثانى فى ذكر الشيعة و أ حوالهم و علاماتهم و آدابهم و ما يليق بها تسعة فصول

# باب دوم : در شناخت شيعه و نشانه ها و آداب و روش سزاوار به آنان

و در آن نه فصل است

## فصل اول : در صفات شيعه

الفصل الاول فى ذكر صفات الشيعة

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام تَبِعَ قَوْمٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا شِيعَتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَا لِى لَا أَرَى عَلَيْكُمْ سِيمَاءَ الشِّيعَةِ فَقَالُوا وَ مَا سِيمَاءُ الشِّيعَةِ قَالَ صُفْرُ الْوُجُوهِ مِنَ السَّهَرِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ عَلَيْهِمْ غَبَرَةُ الْخَاشِعِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: عده اى به دنبال امير المؤمنين عليه‌السلام به راه افتادند، حضرت متوجه آنان شده و فرمود: كيستيد؟ گفتند: شيعيان تو اى امير مؤمنان . فرمود: چرا در چهره شما نشانه شيعه نمى بينم ؟ گفتند: نشانه چهره شيعه چيست ؟ فرمود: زردى صورت از اثر بى خوابى ، فرورفتگى شكم بر اثر روزه گرفتن ، خشكيدن لبها بر اثر دعاى بسيار، و نشستن غبار فروتنى بر آنها.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ وَ اشْتَدَّ جِهَادُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أُولَئِكَ فَأُولَئِكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعه على كسى است كه شكم و دامن خود را حفظ نمايد، و سخت كوش باشد، و كارش براى خالقش باشد، و اميد ثواب از او داشته باشد، و از كيفر او بترسد، هر گاه چنين كسانى را ديدى آنها شيعه جعفر هستند.

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍعليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الْمَعْرُوفَ لَا يَسْتَتِمُّ إِلَّا بِتَعْجِيلِهِ وَ سَتْرِهِ وَ تَصْغِيرِهِ فَإِذَا أَنْتَ عَجَّلْتَهُ فَقَدْ هَنَّأْتَهُ وَ إِذَا أَنْتَ صَغَّرْتَهُ فَقَدْ عَظَّمْتَهُ وَ إِذَا أَنْتَ سَتَرْتَهُ فَقَدْ أَتْمَمْتَهُ

حضرت موسى بن جعفر عليه‌السلام فرمود: نيكى و احسان كامل نمى گردد مگر بواسطه سه خصلت : شتاب در انجام كار نيك ، پنهان نمودن و كوچك شمردن آن ، زيرا اگر آن را با شتاب انجام دادى گوارا و دلچسب نمودى ، و اگر آن را كوچك شمرى بزرگش كردى ، و اگر آن را پنهان نمودى كاملش گردانده اى .

وَ قَالَعليه‌السلام إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِى الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِى حَوَائِجِ النَّاسِ هُمُ الاْمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند در زمين بندگانى دارد كه در بر آوردن حوايج مردم مى كوشند، ايشان در روز قيامت در امان و آسايشند.

وَ قَالَ مَا أَحْسَنَ الصَّمْتَ مِنْ غَيْرِ عِيٍّ وَ الْهَذَّارُ لَهُ سَقَطَاتٌ

و فرمود: چه نيكوست سكوتى كه از شخص متمكن از سخن صادر شود، و به همراه زياد گويى لغزشهايى است كه موجب سقوط مى شود.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً كَسَرَتْ قُلُوبَهُمْ خَشْيَةٌ فَأَسْكَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ وَ إِنَّهُمْ لَفُصَحَاءُ عُقَلَاءُ الِبَّاءُ نُبَلَاءُ يَسْتَبِقُونَ إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ لَا يَسْتَكْثِرُونَ لَهُ الْكَثِيرَ وَ لَا يَرْضَوْنَ لَهُ بِالْقَلِيلِ يَرَوْنَ فِى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ شِرَارٌ وَ أَنَّهُمْ أَكْيَاسٌ أَبْرَارٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال بندگانى دارد كه از خوف الهى قلبهايشان شكسته ، و آنان را از سخن گفتن باز داشته ، در حالى كه آنها دانشمندانى خوش سخن و عقلايى كامل العقل هستند، و به وسيله اعمال نيك خود بسوى خدا از يك ديگر پيشى مى گيرند، عملشان را زياد نمى دانند، و به كم راضى نمى شوند، خودشان را شرور مى دانند در حالى كه آنها با هوشانى نيكوكارند.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِناً لِقِلَّةِ مَالِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ فَلَمْ يَزَلْ عِنْدَ اللَّهِ مَحْقُوراً حَتَّى يَتُوبَ مِمَّا صَنَعَ وَ قَالَ إِنَّهُمْ يُبَاهُونَ بِأَكْفَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: كسى كه مؤمن را به خاطر تنگدستيش ‍ كوچك شمارد خداوند او را كوچك مى كند، و در همين حالت حقارت مى ماند تا اينكه از كرده اش توبه كند.

و فرمود: مؤمنين در روز قيامت به همتاهاى خود فخر فروشى مى كنند.

وَ يُرْوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله دَخَلَ الْبَيْتَ عَامَ الْفَتْحِ وَ مَعَهُ الْفَضْلُ بْنُ عَبَّاسٍ وَ أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ ثُمَّ خَرَجَ فَأَخَذَ بِحَلْقَةِ الْبَابِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى صَدَقَ عَبْدَهُ وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ إِنَّ اللَّهَ أَذْهَبَ نَخْوَةَ الْعَرَبِ وَ تَكَبُّرَهَا بِآبَائِهَا وَ كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاكُمْ

روايت شده كه : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در سال فتح مكه در حالى وارد خانه خدا شد كه فضل بن عباس و اسامة بن زيد همراه ايشان بودند، سپس خارج شد و حلقه در خانه را در دست مبارك گرفت و فرمود: حمد و ستايش خدايى را كه بنده اش را تصديق نمود و به وعده اش وفا كرد، و به تنهايى بر همه حزبها چيره شد، خداوند كينه عربها و تكبرشان را به همراه پدرانشان بر طرف كرد، و تمام شما از آدم هستيد، و آدم از خاك است ، و گرامى ترين شما نزد خداوند با تقواترين شماست .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِعليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ لِجَابِرٍ أَ يَكْتَفِى مَنِ انْتَحَلَ التَّشَيُّعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَ اللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ وَ مَا كَانُوا يُعْرَفُونَ إِلَّا بِالتَّوَاضُعِ وَ التَّخَشُّعِ وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ الصَّوْمِ وَ الصَّلَاةِ وَ التَّعَهُّدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْغَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ كَانُوا أُمَنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِى الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا نَعْرِفُ أَحَداً بِهَذِهِ الصِّفَةِ قَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أُحِبُّ عَلِيّاً وَ أَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَّالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّى أُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ فَرَسُولُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ لَا يَعْمَلُ بِعَمَلِهِ وَ لَا يَتَّبِعُ سُنَّتَهُ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئاً فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَتْقَاهُمْ لَهُ وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ وَ اللَّهِ مَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِالطَّاعَةِ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَ لَا يُنَالُ غَداً وَلَايَتُنَا إِلَّا بِالْفَضْلِ وَ الْوَرَعِ

امام باقر عليه‌السلام به جابر فرمود: آيا كسى كه خودش را به شيعه نسبت مى دهد همين مقدار كه اظهار دوستى با ما اهل بيت را كند برايش كافى است ؟

به خدا قسم شيعه ما نيست مگر كسى كه از خدا بپرهيزد و فرمانبردار او باشد، و شيعيان ما شناخته نمى شوند مگر با فروتنى و خضوع و بسيار ياد خدا، و روزه گرفتن و نماز خواندن ، و دلجويى از همسايگان مستمند و فقيران و بدهكاران و يتيمان ، و راستگويى ، و خواندن قرآن و نگاه داشتن زبان در برابر مردم مگر به كلام نيكو، و اينها در همه چيز امين قبايل خود بودند.

جابر گويد: گفتم : يا ابن رسول اللّه ! ما كسى را به اين صفات نمى شناسيم .

فرمود: اى جابر! سخنان مردم در تو تأ ثير نگذارد، آيا همين بس است كه كسى بگويد من على را دوست دارم و پيرو او هستم ، ولى كارى نكند، و اگر بگويد: من رسول خدا را دوست دارم و رسول خدا بهتر از على است ، سپس به شيوه و روش او عمل نكند و سنت او را پيروى نكند محبّت پيامبر نفعى به حال او ندارد. پس از خدا بپرهيزيد و براى آنچه نزد خدا هست عمل نمائيد زيرا بين خدا و كسى خويشاوندى نيست بلكه محبوبترين بندگان نزد خداوند و ارجمندترين ايشان نزد او با تقواترين آنهاست ، و عمل كننده ترين آنها به طاعت اوست . بخدا قسم تقرّب به خدا ميسّر نيست براى كسى مگر به اطاعت و بندگى ، و برات آزادى از دوزخ به دست ما نيست ، و احدى را بر خدا حجتى نيست ، هر كس مطيع خداست دوست ماست ، و هر كس نافرمانى خدا كند دشمن ماست ، و فرداى قيامت به ولايت ما نمى رسد مگر به وسيله فضيلت و پرهيز از گناه .

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ فَقَالَ كُونُوا النُّمْرُقَةَ الْوُسْطَى يَرْجِعُ إِلَيْكُمُ الْغَالِى وَ يَلْحَقُ بِكُمُ التَّالِى وَ اعْمَلُوا يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اللَّهِ مَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ مِنْ قَرَابَةٍ وَ لَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَ لَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ مَنْ كَانَ مُطِيعاً نَفَعَتْهُ وَلَايَتُنَا وَ مَنْ كَانَ عَاصِياً لَمْ تَنْفَعْهُ وَلَايَتُنَا قَالَ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيْنَا وَ قَالَ لَا تَغْتَرُّوا وَ لَا تَفْتُرُوا قُلْتُ وَ مَا النُّمْرُقَةُ الْوُسْطَى قَالَ أَ لَا تَرَوْنَ أَهْلًا تَأْتُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلنَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَضْلَهُ

عمرو بن سعيد بن هلال گويد: به همراه گروهى وارد بر امام باقر عليه‌السلام شديم ، حضرت فرمود: شما لنگرگاه ميانه باشيد تا سبقت گيرندگان به سوى شما برگردند و عقب ماندگان به شما برسند. و آگاه باشيد اى شيعه آل محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله ! به خدا قسم بين ما و خداوند هيچ گونه خويشاوندى وجود ندارد و ما هيچ حجّتى بر خدا نداريم ، و قرب به خدا ميسّر نمى شود مگر به واسطه اطاعت و بندگى ، هر كس مطيع باشد ولايت ما برايش سودمند است ، و هر كس نافرمان باشد ولايت ما نفعى برايش ‍ ندارد.

عمرو مى گويد: سپس امام رو به ما كرده و فرمود: فريب نخوريد و افترا نبنديد، پرسيدم :

نمرقه وسطى چيست ؟ فرمود: آيا نديده اى كسانى را كه وقتى وارد خانه اى مى شوند كه در آن بالشهايى وجود دارد؛ به آن بالشهاى متوسط متوجه مى شوند و آن را براى استراحت بهتر از بقيه مى دانند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أُوصِيكَ بِحِفْظِ مَا بَيْنَ رِجْلَيْكَ وَ مَا بَيْنَ لَحْيَيْكَ

امام صادق عليه‌السلام فرموده اند: سفارش مى كنم تو را به حفظ دامن و زبانت .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ الْعُلَمَاءُ أُمَنَاءُ وَ الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ وَ الْعُمَّالُ سَادَةٌ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: علماء امينان هستند، و پرهيزگاران قلعه هاى محكم مذهب ، و عمل كنندگان به احكام آقايان و سروران دين هستند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَ بَطْنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَنَّى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ قَالُوا بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَتُوا وَ كَانَ سُكُوتُهُمْ ذِكْراً وَ نَظَرُوا وَ كَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَ نَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً وَ مَشَوْا وَ كَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً وَ لَوْ لَا الاْجَالُ الَّتِى كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِى أَجْسَادِهِمْ خَوْفاً مِنَ الْعَذَابِ وَ شَوْقاً إِلَى الثَّوَابِ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: هر كه خدا را شناخت و او را بزرگوار دانست ؛ دهانش را از سخن مى بندد، و شكمش را از طعام ، و خودش را به روزه گرفتن و شب زنده دارى به زحمت و مشقت مى اندازد. پرسيدند: پدر و مادرمان فداى شما اى رسول خدا، اينها اولياء خدا هستند؟ فرمود: اولياء خدا خاموشند و خاموشى آنها ذكر خداست ، نگاه مى كنند و نگاه كردنشان عبرت است ، و سخن مى گويند و سخنانشان حكمت است ، و راه مى روند و راه رفتنشان در بين مردم بركت است ، و اگر عمر مقدّرى برايشان نبود، روح و جانشان در كالبدشان از ترس عذاب و شوق ثواب بر جاى نمى ماند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِى مَوْضِعِهِ حَتَّى صَارَتِ الشَّمْسُ عَلَى قِيدِ رُمْحٍ وَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَقَدْ أَدْرَكْنَا أَقْوَاماً كَانُوا يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِياماً يُرَاوِحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَ رُكَبِهِمْ كَأَنَّ زَفِيرَ النَّارِ فِى آذَانِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ كَأَنَّ الْقَوْمَ بَاتُوا غَافِلِينَ قَالَ ثُمَّ قَامَ فَمَا رُئِيَ ضَاحِكاً حَتَّى قُبِضَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

امام زين العابدين عليه‌السلام مى فرمايد: امير مؤمنان عليه‌السلام نماز صبح را خواند و در مصلاى خود نشست تا خورشيد به اندازه يك نيزه بيرون آمد، سپس رو به مردم كرده و فرمود: به خدا قسم مردمى را ديدم كه براى پروردگار خود تمامى شب را به سجده و عبادت بسر مى برند، و پيشانيها و زانوهايشان را به دنبال هم بر خاك مى مالند. گويا نفس زدن آتش ‍ جهنم در گوشهايشان بود، هر گاه ياد خدا نزد آنها مى شد مى لرزيدند چنانچه درخت به لرزه در مى آيد، گويا آن مردم در خواب غفلت بودند.

امام فرمود: سپس امير مؤمنان عليه‌السلام برخاست و ديگر ديده نشد كه بخندد، تا وفات نمود، درود خدا بر او باد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ شِيعَةُ عَلِيٍّ الْمُتَبَاذِلُونَ فِى وَلَايَتِنَا الْمُتَحَابُّونَ فِى مَوَدَّتِنَا الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَ إِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بَرَكَةٌ عَلَى مَنْ جَاوَرُوا سِلْمٌ لِمَنْ خَالَطُوا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: شيعيان على عليه‌السلام كسانى هستند كه در راه دوستى ما مال خود را به يك ديگر مى بخشند، و به دوستى ما با يك ديگر دوست مى شوند، اگر به خشم آيند ستم روا نمى دارند، و اگر خوشنود شوند زياده روى نمى كنند، براى همسايگان بركت هستند، و براى معاشرين خود سلامتى و آسايشند.

## فصل دوم : نشانه هاى شيعه

الفصل الثانى فى ذكر علامات الشيعة

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ نبيك قَالَ حَدَّثَنِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُقْبِلٍ الْقُمِّيُّ بِبَغْدَادَ قَالَ حَدَّثَنِى أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزَّائِدِيُّ الْبَصْرِيُّ بِأَصْفَهَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَسَدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ وَاقِدٍ الْجَزَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِى مِهْزَمٌ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَذَكَرْتُ الشِّيعَةَ فَقَالَ يَا مِهْزَمُ إِنَّمَا الشِّيعَةُ مَنْ لَا يَعْدُو سَمْعَهُ صَوْتُهُ وَ لَا شَحْنُهُ بَدَنَهُ وَ لَا يُحِبُّ لَنَا مُبْغِضاً وَ لَا يُبْغِضُ لَنَا مُحِبّاً وَ لَا يُجَالِسُ لَنَا غَالِياً وَ لَا يَهِرُّ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَ لَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغُرَابِ وَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ إِنْ مَاتَ جُوعاً الْمُتَنَحِّى عَنِ النَّاسِ الْخَفِيُّ عَلَيْهِمْ وَ إِنِ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الدَّارُ لَمْ تَخْتَلِفْ أَقَاوِيلُهُمْ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَ إِنْ حَضَرُوا لَمْ يُؤْبَهْ بِهِمْ وَ إِنْ خَطَبُوا لَمْ يُزَوَّجُوا يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا وَ حَوَائِجُهُمْ فِى صُدُورِهِمْ إِنْ لَقُوا مُؤْمِناً أَكْرَمُوهُ وَ إِنْ لَقُوا كَافِراً هَجَرُوهُ وَ إِنْ أَتَاهُمْ ذُو حَاجَةٍ رَحِمُوهُ وَ فِى أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ ثُمَّ قَالَ يَا مِهْزَمُ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ لِعَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا عَلِيُّ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِى وَ لَا يُحِبُّكَ أَنَا الْمَدِينَةُ وَ أَنْتَ الْبَابُ وَ مِنْ أَيْنَ تُؤْتَى الْمَدِينَةُ إِلَّا مِنْ بَابِهَا وَ رَوَى أَيْضاً مِهْزَمٌ هَذَا الْحَدِيثَ إِلَى قَوْلِهِ وَ إِنْ مَاتَ جُوعاً قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ أَطْلُبُ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ اطْلُبُهُمْ فِى أَطْرَافِ الْأَرْضِ أُولَئِكَ الْخَفِيضُ عَيْشُهُمْ الْمُنْتَقِلَةُ دِيَارُهُمْ الْقَلِيلَةُ مُنَازَعَتُهُمْ إِنْ مَرِضُوا لَمْ يُعَادُوا وَ إِنْ مَاتُوا لَمْ يَشْهَدُوا وَ إِنْ خَاطَبَهُمْ جَاهِلٌ سَلَّمُوا وَ عِنْدَ الْمَوْتِ لَا يَجْزَعُونَ وَ فِى أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ إِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ لَمْ تَخْتَلِفْ قُلُوبُهُمْ وَ إِنِ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْبُلْدَانُ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله كَذَبَ يَا عَلِيُّ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِى وَ يُبْغِضُكَ

مهزم گويد: روزى نزد امام صادق عليه‌السلام رفتم و از شيعه سخن گفتم ، امام عليه‌السلام فرمود: اى مهزم ! شيعه ما كسى است كه صدايش از گوش ‍ خودش نگذرد، و از كالبدش به ديگرى سرايت نكند، دشمن ما را دوست نمى دارد، و دوست ما را دشمن نمى دارد، با غلوّكننده ما همنشين نمى شود، و چون سگان زوزه نمى كشد، و چون كلاغ طمع نورزد، و از مردم چيزى را تقاضا نمى كند گرچه از گرسنگى بميرد، از مردم كناره گير و مخفى از آنهاست ، و اگر خانه هايشان از هم دور باشد گفتارشان از هم دور نيست .

اگر غايب شوند كسى به جستجوى آنها نمى رود، و اگر حاضر باشند اعتنايى به آنها نمى شود، و اگر خواستگارى كنند به آنها زن نمى دهند، از دنيا خارج مى شوند در حالى كه حاجتهايشان در سينه هايشان است ، اگر مؤمنى را ملاقات كنند او را احترام كنند، و اگر به كافرى برخورد كنند او را ترك گويند، اگر حاجتمندى نزد آنها آيد به او كمك كنند، و در اموالشان با هم برابرند.

سپس فرمود: اى مهزم ! جدّم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام فرمود: اى على ! دروغ گفته كسى كه گمان كند مرا دوست دارد و تو را دوست ندارد، من شهر علمم و تو در آن و از كجا وارد شهر مى شود جز از در آن ؟ و همچنين مهزم اين حديث را نقل كرده تا اينجا كه : و اگر چه از گرسنگى بميرند.

مهزم گويد: گفتم : فدايت شويم ، آنها را از كجا بجويم ؟ فرمود: آنها را در اطراف زمين جستجو كن ، آنهايند كه زندگى ساده اى دارند، دائما از شهرى به شهر ديگر در حركتند، درگيرى و نزاعشان كم است ، اگر مريض شوند عيادت نشوند و اگر بميرند كسى آنها را مشايعت نكند، و اگر جاهلى آنها را مورد خطاب قرار دهد به او سلام كنند، و هنگام مرگ بيتابى نكنند، و در اموالشان برابرى كنند، اگر حاجتمندى به آنها پناه آورد به او مهربانى و ترحم نمايند، قلبهاى آنها را از هم جدا نيست گرچه شهرهايشان جدا باشد.

سپس فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! دروغ گفته كسى كه گمان مى كند مرا دوست دارد و با تو دشمن است .

عَنْ ميسرة مُيَسِّرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام يَا مُيَسِّرُ أَ لَا أُخْبِرُكَ بِشِيعَتِنَا قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّهُمْ حُصُونٌ حَصِينَةٌ فى وَ صُدُورٌ أَمِينَةٌ وَ أَحْلَامٌ رَزِينَةٌ لَيْسُوا بِالْمَذَايِيعِ الْبُذُرِ وَ لَا بِالْجُفَاةِ الْمُرَاءِينَ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ وَ الْبُذُرُ الْقَوْمُ الَّذِينَ لَا يَكْتُمُونَ الْكَلَامَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى ميسره ! آيا شيعيانمان را به تو معرفى كنم ؟ گفتم : بلى ، فدايت شويم .

فرمود: شيعيان ما دژهايى مستحكم در سينه هايى استوار هستند، داراى انديشه اى محكم و استوارند، كه شايعه پراكن حرف نيستند، مردمان تهى و خودنما نيستند، زاهدان شب و شيران روزند.

و بذر، در لغت ، يعنى : گروهى كه كلام را پنهان نمى دارند و آن را افشا مى سازند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ خُمْصُ الْبُطُونِ ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الذِّكْرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعيان على عليه‌السلام شكم به پشت چسبيده اند (بر اثر روزه و رياضت) و لب خشكيده اند؛ بر اثر كثرت ذكر خداوند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَصْحَابَ عَلِيٍّ كَانُوا الْمَنْظُورَ إِلَيْهِمْ فِى القَبَائِلِ وَ كَانُوا أَصْحَابَ الْوَدَائِعِ مَرْضِيِّينَ عِنْدَ النَّاسِ سَهَّارَ اللَّيْلِ مَصَابِيحَ النَّهَارِ

و امام صادق عليه‌السلام فرمود: ياران على عليه‌السلام مورد اعتماد قبائل بودند، و امانتدار، مورد خشنودى و رضايت مردم بودند، شب زنده دار و چراغهاى هدايت در روز.

عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيّاًعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ شِيعَتِنَا مَثَلُ النَّحْلَةِ فِى الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَ هُوَ يَسْتَضْعِفُهَا فَلَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعْلَمُ مَا فِى أَجْوَافِهَا مِنَ الْبَرَكَةِ لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ

ربيعة بن ناجد گويد: از على عليه‌السلام شنيدم كه مى فرمود: شيعيان ما همانند زنبور عسل در ميان پرندگان مى باشند، هيچ پرنده اى نيست جز اينكه زنبور عسل را كوچك مى شمارد، اگر پرندگان مى دانستند كه چه بركتى در شكمهاى زنبوران عسل وجود دارد هرگز اين كار را نمى كردند.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِيَّاكَ وَ السَّفِلَةَ مِنَ النَّاسِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا السَّفِلَةُ قَالَ مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ إِذَا رَأَيْتَ أُولَئِكَ فَهُمْ أَصْحَابُ جَعْفَرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بپرهيزيد از سفله ، پرسيدم : فدايت شويم سفله كيست ؟ فرمود:

كسى است كه از خدا نترسد، شيعه جعفر كسى است كه داراى عفت شكم و دامن است ، و كارهايش را براى خالقش انجام مى دهد، هر گاه چنان كسانى را ديدى آنها شيعه جعفر مى باشند.

وَ عَنْ أَبِى حَاتِمٍ السِّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ الشِّيعَةُ ثَلَاثَةُ أَصْنَافٍ صِنْفٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ يَسْتَأْكِلُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ مِنَّا وَ إِلَيْنَا يَأْمَنُونَ بِأَمْنِنَا وَ يَخَافُونَ بِخَوْفِنَا لَيْسُوا بِالْبُذُرِ الْمُذِيعِينَ وَ لَا بِالْجُفَاةِ الْمُرَاءِينَ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَ إِنْ يَشْهَدُوا لَمْ يُؤْبَهْ بِهِمْ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعه سه گروهند: گروهى كه خود را با انتساب به ما آبرو و زينت مى دهند، و گروهى كه از طريق منسوب كردن خويش به ما امرار معاش مى نمايند، و گروهى از ما هستند و كارشان براى ماست ، به امن ما در امانند، و به ترس ما ترسانند، زياده گو و افشاكننده اسرار نيستند، و تهى و خودنما نيستند، اگر غايب باشند كسى دنبال آنها نمى گردد، و اگر حاضر باشند كسى به آنها اعتنايى نمى كند، آنان چراغهاى هدايتند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام سَأَلَهُ فَرْوَةُ بِأَيِّ شَيْءٍ يَعْرِفُونَ شِيعَتَكَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَّا مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِنَا

فروه از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: شيعيانت به چه چيز شناخته مى شوند؟ فرمود: شيعيان ما كسانى هستند كه از زير پاى ما بر ما وارد مى شوند.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ النَّاسُ طَبَقَاتٌ ثَلَاثٌ طَبَقَةٌ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ طَبَقَةٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَ طَبَقَةٌ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِنَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم سه دسته اند: دسته اى از ما هستند و ما از آنهاييم ، دسته اى خود را بواسطه ارتباطشان با ما مى آرايند، و دسته اى نيز به واسطه ما از يك ديگر كسب معاش مى نمايند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِعليه‌السلام يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنِّى لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا قَدْ كَانَتْ آبَائِىعليه‌السلام تَقُولُهُ لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ لَقَامَ قَائِمُنَا يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّا نُدَاوِى النَّاسَ وَ نَعْلَمُ مَا هُمْ فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَدِّقُنَا الْمَوَدَّةَ وَ يَبْذُلُ مُهْجَتَهُ لَنَا وَ مِنْهُمْ مَنْ لَيْسَ فِى قَلْبِهِ حَقِيقَةُ مَا يُظْهِرُ بِلِسَانِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَيْنٌ لِعَدُوِّنَا عَلَيْنَا يَسْمَعُ حَدِيثَنَا وَ إِنْ أَطْمَعُ فِى شَيْءٍ قَلِيلٍ مِنَ الدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ عَلَيْنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَ كَيْفَ يَرَوْنَ هَؤُلَاءِ السُّرُورَ وَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ إِنَّ لِلْحَقِّ أَهْلًا وَ لِلْبَاطِلِ أَهْلًا فَأَهْلُ الْحَقِّ فِى شُغُلٍ عَنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ يَنْتَظِرُونَ أَمْرَنَا وَ يَرْغَبُونَ إِلَى اللَّهِ إِنْ يَرَوْا دَوْلَتَنَا لَيْسُوا بِالْبُذُرِ الْمُذِيعِينَ وَ لَا بِالْجُفَاةِ الْمُرَاءِينَ وَ لَا بِنَا مُسْتَأْكِلِينَ وَ لَا بِالطَّمِعِينَ خِيَارُ الْأُمَّةِ نُورٌ فِى ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ نُورٌ فِى ظُلُمَاتِ الْفِتَنِ وَ نُورُ هُدًى يُسْتَضَاءُ بِهِمْ لَا يَمْنَعُونَ الْخَيْرَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَ لَا يَطْمَعُ فِيهِمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِنْ ذُكِرْنَا بِالْخَيْرِ اسْتَبْشَرُوا وَ ابْتَهَجُوا وَ اطْمَأَنَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَضَاءَتْ وُجُوهُهُمْ وَ إِنْ ذُكِرْنَا بِالْقُبْحِ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ اقْشَعَرَّتْ جُلُودُهُمْ وَ كَلَحَتْ وُجُوهُهُمْ وَ أَبْدَوْا نُصْرَتَهُمْ وَ بَدَا ضَمِيرُ أَفْئِدَتِهِمْ قَدْ شَمَّرُوا فَاحْتَذَوْا بِحَذْوِنَا وَ عَمِلُوا بِأَمْرِنَا تَعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ فِى وُجُوهِهِمْ يُصْبِحُونَ فِى غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ وَ يُمْسُونَ فِى غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ يَجْأَرُونَ إِلَى اللَّهِ فِى إِصْلَاحِ الْأُمَّةِ بِنَا وَ أَنْ يَبْعَثَنَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلضُّعَفَاءِ وَ الْعَامَّةِ يَا عَبْدَ اللَّهِ أُولَئِكَ شِيعَتُنَا وَ أُولَئِكَ مِنَّا وَ أُولَئِكَ حِزْبُنَا وَ أُولَئِكَ أَهْلُ وَلَايَتِنَا

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: اى ابن بكير! من چيزى به تو مى گويم كه پدرانم آن را مى گفتند، اگر در بين شما به تعداد افراد جنگ بدر بودند قائم ما قيام مى نمود.

اى بنده خدا، ما مردم را بررسى مى كنيم و مى دانيم مردم چه هستند، بعضى از آنها در دوستى با ما راستگو هستند و جانشان را براى ما نثار مى سازند، و بعضى از آنها حقيقتى را كه بر زبانشان جارى مى كنند در قلبشان وجود ندارد، و بعضى از آنان همچون چشمى براى دشمنان ما بر عليه ما هستند، كلام ما را مى شنوند و اگر در چيز اندكى از دنيا طمع پيدا كنند از دشمن بر ما دشمن تر مى شوند، چگونه آنان خوشى و شادى را مى بينند در حالى كه چنين صفتى دارند؟

حق طرفدارانى و باطل نيز پيروان ويژه اى دارد، اهل حق راهشان از اهل باطل جداست ، انتظار امر ما را مى كشند و از خدا اميد دارند كه بلندى دولت ما را ببينند، آنان پرگو و افشاگر و تهى و خودنما نمى باشند و به واسطه پيوندشان به ما كسب معاش نمى كنند، و طمع كار نيستند. خوبان و نيكان امّت ، و همچون نورى در تاريكيهاى زمينند، و نورى در تاريكيهاى فتنه و ستم هستند، و نور هدايتند كه روشنايى مى دهند، دوستان خود را از امر خير منع نمى كنند، و دشمنانشان هم نمى توانند در آنها طمع كنند.

اگر نزد آنها كسى از ما به نيكى ياد كند، خوشنود و شادمان شوند، و دلهايشان آرام مى گيرد و چهره هايشان بر افروخته مى گردد، و امّا اگر ما را به زشتى ياد كند دلهايشان افسرده مى شود، پوست بدنشان مى لرزد و صورتشان سياه مى شود، و ياريشان را آشكار مى كنند، آنچه در درون دلهايشان است ظاهر كنند، دامن همت بالا زده و پا در جاى پاى ما مى گذارند و به فرمان ما عمل مى كنند. و پارسايى و ترك دنيا از صورتهاى آنان مشاهده مى شود، شب را بر خلاف معمول بين مردم به صبح مى رسانند، و همچنان روز را به خلاف معمول مردم به شب مى رسانند، و با راز و نياز از خداوند تقاضاى اصلاح امت به توسط ما دارند، كه خداوند ما را وسيله رحمت ضعيفان و توده مردم قرار دهد.

اى عبد اللّه ! آنان شيعيان ما و از ما و حزب مايند، و آنان اهل ولايت ما هستند.

## فصل سوم : در آداب و رسوم شيعه

الفصل الثالث فى آداب الشيعة

عَنْ أَبِى أُسَامَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لِأُوَدِّعَهُ فَقَالَ لِى يَا زَيْدُ مَا لَكُمْ وَ لِلنَّاسِ قَدْ حَمَّلْتُمُ النَّاسَ عَلَيَّ وَ اللَّهِ مَا وَجَدْتُ أَحَداً يُطِيعُنِى وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِى إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِى يَعْفُورٍ فَإِنَّهُ أَمَرْتُهُ بِأَمْرٍ وَ أَوْصَيْتُهُ بِوَصِيَّةٍ فَاتَّبَعَ قَوْلِى وَ أَخَذَ بِأَمْرِي وَ اللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَأْتِينِى فَأُحَدِّثُهُ بِالْحَدِيثِ لَوْ أَمْسَكَهُ فِى جَوْفِهِ لَعَزَّ وَ كَيْفَ لَا يَعِزُّ مَنْ عِنْدَهُ مَا لَيْسَ عِنْدَ النَّاسِ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَى مَا فِى يَدَيْهِ وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى مَا فِى أَيْدِى النَّاسِ فَآمُرُهُ أَنْ يَكْتُمَهُ فَلَا يَزَالُ يُذِيعُهُ حَتَّى يَذِلَّ بِهِ عِنْدَ النَّاسِ وَ يُعَيَّرَ بِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ رَأَيْتَ كَفَّ هَذَا عَنْ مَوَالِيكَ فَإِنَّهُ إِذَا بَلَغَهُمْ هَذَا عَنْكَ شُقَّ عَلَيْهِمْ فَقَالَ إِنِّى أَقُولُ وَ اللَّهِ الْحَقَّ وَ إِنَّكَ تَقْدَمُ غَداً الْكُوفَةَ فَيَأْتِيكَ إِخْوَانُكَ وَ مَعَارِفُكَ فَيَقُولُونَ مَا حَدَّثَكَ جَعْفَرٌ فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ قَالَ أَقُولُ لَهُمْ مَا تَأْمُرُنِى بِهِ لَا أَقْصُرُ عَنْهُ وَ لَا أَعْدُوهُ إِلَى غَيْرِهِ قَالَ أَقْرِئْ مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِى وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِى مِنْهُمُ السَّلَامَ وَ أُوصِيهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِى دِينِهِمْ وَ الِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَأْمُرُ بِرَدِّ الْخَيْطِ وَ الْمِخْيَطِ صِلُوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِى دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِى ذَلِكَ وَ قَالُوا هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ اللَّهِ لَقَدْ حَدَّثَنِى أَبِى أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِى الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكَانَ أَقْضَاهُمْ لِلْحُقُوقِ وَ أَدَّاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَصَايَاهُمْ وَ وَدَائِعُهُمْ يُسْأَلُ عَنْهُ فَيُقَالُ مَنْ مِثْلُ فُلَانٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا شَيْناً جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ لَنَا فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِى كِتَابِ اللَّهِ وَ قَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ وَ وِلَادَةٌ طَيِّبَةٌ لَا يَدَّعِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَّابٌ أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ خُذْ بِمَا أَوْصَيْتُكَ بِهِ وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ

ابو اسامه گويد: روزى نزد امام صادق عليه‌السلام رفته بودم تا با ايشان خداحافظى كنم ، ايشان به من فرمود: اى زيد! با مردم چه كار داريد كه آنها را به طرف من دعوت مى كنيد؟ به خدا قسم نيافتم احدى را كه اطاعتم كند و به حرفم عمل نمايد بجز يك نفر از آنها، خدا رحمت كند عبد اللّه بن ابى يعفور را، او را به كارى امر نمودم و وصيت نمودم او را به عملى ؛ او حرف مرا پيروى نموده و امر مرا انجام داد.

به خدا قسم اگر فردى از شما نزد من آيد و به گفتارى او را آگاه سازم اگر او در درونش حرف مرا نگهدارد عزّت مى يابد، چگونه عزّت نيابد در حالى كه چيزى نزد اوست كه نزد مردمان ديگر نيست ، مردم به آنچه او دارد نيازمندند و او به آنچه در اختيار مردم است نيازى ندارد، به او فرمان مى دهم كه سخنم را كتمان نمايد ولى هميشه آن را فاش مى كند، تا آنجا كه به جهت اين كار نزد مردم خوار مى شود و مورد سرزنش قرار مى گيرد.

عرض كردم : فدايت شوم ، حال اگر شخص اين امر را از دوستان شما مخفى نمود و بعد به گوش آنها رسيد بر آنان سخت مى شود. فرمود: به خدا قسم من حق را مى گويم و تو فردا به كوفه مى روى ، برادران و آشنايانت نزد تو مى آيند و مى پرسند كه جعفر به تو چه گفت ، تو چه جوابى به آنها مى دهى ؟ گفتم : هر چه بفرمائيد به آنها خواهم گفت ، و چيزى از آن كم نكنم و به غير آنچه فرموده اى نخواهم گفت .

فرمود: به كسى كه اطاعت مرا مى كند و حرف مرا گوش مى دهد سلامم را برسان و آنها را به تقواى الهى و پرهيزگارى در دين و سعى و كوشش براى خدا و راستگويى و اداء امانت ، و طولانى كردن سجده و همسايه دارى خوب سفارش كن . پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله مبعوث براى اين شد، بنا بر اين ، بايد امانت را به كسى كه به شما اعتماد نموده برگردانيد، چه آن شخص نيكوكار باشد و چه بدكار، زيرا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله امر مى كرد حتى به برگرداندن نخ و سوزنى كه امانت گرفته شده است .

در جمع عشاير آنها نماز بخوانيد، و به تشييع جنازه آنان برويد، و مريضهاى آنها را عيادت كنيد، و حقوق آنان را پرداخت نماييد، زيرا هر كدام از شما اگر در دينش پرهيزگار باشد و راست گفتار، و اداى امانت كند و اخلاقش را با مردم نيكو نمايد؛ گفته مى شود اين شخص جعفرى است ، و اين سخن مرا خوشنود مى سازد. و مى گويند: اين ادب جعفر است ، و هر گاه غير از اين باشد مصيبت و گرفتارى و ننگ آن متوجه من مى شود. به خدا قسم ؛ پدرم به من مى فرمود: مردى از شيعيان على عليه‌السلام در مكه بهترين اداكننده حقوق در بين شيعه بود، و بهترين اداكننده امانت ، و راستگوترين آنها در گفتار بود، مردم وصاياى خود را نزد او مى بردند و امانتهاى خود را به او مى سپردند، در باره او سؤ ال شد، گفته مى شد: مثل فلانى چه كسى است ؟

تقواى خدا را پيشه كنيد، و براى ما زينت باشيد نه مايه ننگ ، تمام محبت و دوستى را به طرف ما جلب كنيد و هر نسبت زشت و ناپسندى را از ما دور نماييد، هر آنچه براى ما گفته مى شود ما آنچنان نيستيم ، در كتاب خداوند براى ما حقّى و خويشاوندى با رسول خداست و پاك بودن از ناحيه خدا و پاكى ولادت را غير از ما هيچ كس ادّعا نكرده مگر اينكه دروغگو بوده ، زياد به ياد خدا و مرگ باشيد، بسيار تلاوت قرآن نمائيد و صلوات بر پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بفرستيد، زيرا صلوات فرستادن بر پيامبر برابر ده حسنه است ، آنچه را به تو وصيت نمودم حفظ كن ، و تو را به خدا مى سپارم .

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ وَ كَثْرَةِ السُّجُودِ فَبِذَلِكَ أَمَرَنَا مُحَمَّدٌ

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود: تو را سفارش به تقواى خدا و پرهيزگارى مى نمايم ، و سفارش مى كنم به راستى در گفتار و اداء امانت و خوب همسايه دارى و بسيار سجده كردن براى خدا، زيرا پيغمبر خدا ما را به اينها امر فرمود.

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّى لَا أَكَادُ أَنْ أَلْقَاكَ إِلَّا فِى السِّنِينَ فَأَوْصِنِى بِشَيْءٍ آخُذْ بِهِ قَالَ أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَمْ يَنْفَعْ وَرَعٌ إِلَّا بِالاجْتِهَادِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِعَ نَفْسَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ وَ كَثِيراً مَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِنَبِيِّهِ فَلا تُعْجِبْكَ أَمْوالُهُمْ وَ لا أَوْلادُهُمْ وَ قَالَ لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلى ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا فَإِنْ دَاخَلَكَ شَيْءٌ فَاذْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا كَانَ قُوتُهُ الشَّعِيرَ وَ حَلَاوَتُهُ التَّمْرَ وَ وَقُودُهُ السَّعَفَ وَ إِذَا أُصِبْتَ بِمُصِيبَةٍ فِى نَفْسِكَ فَاذْكُرْ مُصَابَكَ بِرَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ

عمرو بن سعيد بن هلال گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : فدايت شوم ! من شما را ملاقات نمى كنم مگر تا چند سال ديگر؛ مرا وصيتى نما تا به آن عمل نمايم . فرمود: تو را وصيت مى كنم به تقواى الهى ، و پرهيزگارى و تلاش در راه خدا. بدان ، هيچ پرهيزگارى بدون تلاش و كوشش ‍ سودمند نيست ، و بپرهيز از اينكه نفست را به طمع اندازى تا به كسى كه بالاتر از تو است برترى دهى ، چه بسيار زياد خداوند متعال به پيامبرش ‍ فرمود:

(مالها و فرزندان آنان تو را متعجب نسازد) و فرمود: (اى رسول ما! هرگز به متاع ناچيزى كه به قومى در اين حيات فانى براى امتحان داده ايم چشم آرزو مگشا و رزق خداى تو بسيار بهتر و پاينده تر است).

اگر وسوسه شدى زندگانى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را بياد آور، كه طعامش و شيرينيش خرما بود، و هيزمش شاخه هاى درخت خرما، و هر گاه مصيبتى بر تو وارد شد، به ياد مصيبت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله باش ! زيرا خلائق مصيبتى بالاتر از مصيبت فقدان رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله را نديد.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام يَا مَعْشَرَ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عليهم‌السلام كُونُوا النُّمْرُقَةَ الْوُسْطَى إِلَيْكُمْ يَرْجِعُ الْغَالِى وَ بِكُمْ يَلْحَقُ التَّالِى فَقَالَ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْغَالِى قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِى أَنْفُسِنَا فَلَيْسَ أُولَئِكَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُمْ قَالَ فَمَا التَّالِى قَالَ الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ يَبْلُغُهُ الْخَيْرُ وَ يُؤْجَرُ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَ مَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَ لَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَ لَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً نَفَعَتْهُ وَلَايَتُنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لَمْ تَنْفَعْهُ وَلَايَتُنَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى گروه شيعه آل محمّد! شما تكيه گاه ميانه باشيد تا آنكه غلوّكننده بسوى شما بازگردد، و آنكه عقب مانده خودش را به شما برساند. مردى پرسيد: فدايت شوم ! غلوّكننده كدامست ؟ فرمود: مردمى كه در باره ما چيزهايى مى گويند كه خود ما آن را به خود نسبت نمى دهيم ، آنها از ما نيستند و ما هم از آنان نيستيم . پرسيد: عقب مانده چه كسانى هستند؟ فرمود: كسى كه طالب خير است ، خير به او مى رسد و به همان مقدار پاداش داده مى شود.

سپس رو به ما كرد و فرمود: به خدا قسم ما از جانب خدا براتى نداريم و ميان ما و خداوند خويشاوندى نيست و بر خدا حجّتى نداريم ، نزديكى به خدا جز با اطاعت و بندگى ميسور نمى شود، پس هر كس از شما كه مطيع خدا باشد دوستى ما سودش دهد، و آنكه از شما نافرمانى خدا كند، ولايت ما به او سودى نرسانده است .

عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الشِّيعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نُسِبْتُمْ إِلَيْنَا كُونُوا لَنَا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْناً مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَكُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِى النَّاسِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَيَكُونُ فِى الْقَبِيلَةِ فَيَكُونُ إِمَامَهُمْ وَ مُؤَذِّنَهُمْ وَ صَاحِبَ أَمَانَاتِهِمْ وَ وَدَائِعِهِمْ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ صَلُّوا فِى مَسَاجِدِهِمْ وَ لَا يَسْبِقُوكُمْ إِلَى خَيْرٍ فَأَنْتُمْ وَ اللَّهِ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ ثُمَّ الْتَفَتَ نَحْوِى وَ كُنْتُ أَحْدَثَ الْقَوْمِ سِنّاً فَقَالَ وَ أَنْتُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ إِيَّاكُمْ وَ الوسادة الْرُّؤَسَاءَ عودوهم دَعُوهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَاباً وَ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمود: اى گروه شيعه ! كه به ما منسوب هستيد، براى ما زينت باشيد، و مايه عار و ننگ ما نباشيد، چه مانعى دارد كه همانند ياران على عليه‌السلام در بين مردم باشيد؟

به طورى كه اگر مردى از ياران او در بين قبيله اى قرار مى گرفت امام و مؤ ذن آنان بود، و صاحب امانت ، و محافظ مال آنان بود. مريضان آنان را عيادت كنيد، و در تشييع جنازه آنان حاضر شويد، و در مساجدشان نماز بخوانيد. نگذاريد در امر خير از شما پيشى گيرند، بخدا قسم شما سزاوارتر از آنها به آن امر هستيد.

سپس رو به من كرده و چون من در بين آنان از همه جوان تر بودم فرمود: و شما اى جوانان بپرهيزيد از تكيه دادن به بالش ، به عيادت آنها برويد تا حدّى كه آنها دنباله رو شما شوند، و خداوند براى شما بهتر از آنان است .

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ مَعِى رَجُلَانِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ أَ آتِى الْجُمُعَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ايتِ الْجُمُعَةَ وَ الْجَمَاعَةَ وَ احْضُرِ الْجِنَازَةَ وَ عُدِ الْمَرِيضَ وَ اقْضِ الْحُقُوقَ ثُمَّ قَالَ أَ تَخَافُونَ أَنْ نُضِلَّكُمْ لَا وَ اللَّهِ لَا نُضِلُّكُمْ أَبَداً

عبد اللّه بن بكير گويد: به همراه دو نفر خدمت امام صادق عليه‌السلام رفتيم ، يكى از آنان به امام گفت : به نماز جمعه بروم ؟ فرمود: به جمعه و جماعات برو، و در تشييع جنازه حاضر شو، و به عيادت مريض برو، و حقوق را ادا كن . سپس فرمود: آيا مى ترسيد ما شما را گمراه نماييم ؟ نه بخدا قسم هرگز شما را گمراه نمى كنيم .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ عَلَى أَثَرِنَا قَالَ تَنْظُرُونَ أَئِمَّتَكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ كَمِثْلِ مَا يَصْنَعُونَ فَوَ اللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ

معاوية بن وهب گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : چگونه شايسته است براى ما كه با قوم خود، و مردمانى كه با ما آميزش دارند و شيعه نيستند رفتار كنيم ؟

فرمود: به پيشوايان خود نگاه كنيد و از آنها پيروى كنيد، آن گونه كه آنان رفتار مى كنند شما نيز همان طور رفتار نماييد، بخدا سوگند آنها به عيادت بيمارانشان مى روند، و بر جنازه هايشان حاضر مى شوند، و به سود و ضرر آنها گواهى مى دهند، و امانتهاى آنان را به آنها بر مى گردانند.

عَنْ ثَابِتٍ مَوْلَى آلِ حَرِيزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ كَظْمُ الْغَيْظِ عَنِ الْعَدُوِّ فِى دَوْلَتِهِمْ تَقِيَّةً حَزْمٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ وَ تَحَرُّزٌ عَنِ التَّعَرُّضِ لِلْبَلَاءِ فِى الدُّنْيَا وَ مُغَالَبَةُ الْأَعْدَاءِ فِى دَوْلَتِهِمْ وَ مُمَاظَّتُهُمْ فِى غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرْكُ أَمْرِ اللَّهِ فَجَامِلُوا النَّاسَ يَسْمَنْ ذَلِكَ لَكُمْ عِنْدَهُمْ وَ لَا تَجْعَلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ فَتُعَادُوهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فرو خوردن خشم از دشمن در زمان دولت و اقتدار آنها تقيّه و احتياطى است براى فرد دور انديش ، و جلوگيرى از بلاست در دنيا، و مخاصمه نمودن با دشمن و دشنام دادن به آنها بدون تقيه ؛ ترك نمودن دستور خداست ، پس با مردم مدارا كنيد تا عمل شما نزد آنان بزرگ و فربه شود، و كارى نكنيد كه آنها بواسطه دشمنى كردن شما با آنها بر گردن شما سوار شوند.

عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام اصْبِرْ يَا زَيْدُ عَلَى أَعْدَائِكَ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ بِأَكْثَرَ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدُكُمُ الْجَمَلَ الْغَرِيبَ الَّذِى لَيْسَ لَهُ عَنْ إِبِلِهِ يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَ اخْتَارَهُ فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ

زيد شحّام گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى زيد! در مقابل دشمنانت صبر كن ، زيرا تو هرگز نمى توانى با كسى كه خداوند را نافرمانى كرده بيش از آن مقدارى كه تو اطاعت خدا در آن نمودى مقابله كنى ، خداوند بنده مؤمنش را از آنچه بدش مى آيد دور مى كند، همان طور كه يكى از شما شتر ماده اى را كه از خودش نيست از شتر نر خود جدا مى سازد.

اى زيد! خداوند دين اسلام را برگزيد و آن را انتخاب فرمود، اينك با سخاوت و خوش خلقى با او معاشرت كنيد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى مُرْ أَصْحَابَكَ أَنْ يَكُفُّوا مِنْ أَلْسِنَتِهِمْ وَ يَدَعُوا الْخُصُومَةَ فِى الدِّينِ وَ يَجْتَهِدُوا فِى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ إِذَا قَامَ أَحَدُهُمْ فِى صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ فَلْيُحْسِنْ صَلَاتَهُ وَ لْيُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ سُجُودَهُ وَ لَا يُشْغِلْ قَلْبَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنِّى سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَصَفَّحُ وُجُوهَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِنْدِ حُضُورِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: به يارانت امر كن كه زبانهايشان را نگاه دارند، و دشمنى در دين را ترك نمايند، و در عبادت خداوند كوشش و تلاش كنند، و هر گاه يكى از آنان آماده براى نماز واجبى شد نمازش را به نيكويى بجا آورد، و ركوع و سجودش را كامل انجام دهد، و دلش را به امور دنيايى مشغول نگرداند، زيرا من از امام صادق عليه‌السلام شنيدم كه مى فرمود:

ملك الموت هنگام حضور در نمازهاى واجب به صورتهاى تك تك مؤمنين نظر مى كند.

عَنْ أَبِى مُحَمَّدٍ الْوَابِشِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِى شَيْءٍ فَهُوَ فِى اللِّسَانِ فَاخْزَنُوا أَلْسِنَتَكُمْ كَمَا تَخْزَنُونَ أَمْوَالَكُمْ وَ احْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَقْتَلَ لِلرِّجَالِ مِنِ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَ حَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر شوم در چيزى باشد پس در زبان است ، زبانهايتان را حفظ كنيد همان طور كه اموالتان را حفظ مى كنيد، و از هواهاى نفسانيتان بپرهيزيد همان طور كه از دشمنانتان مى پرهيزيد، هيچ چيز براى مردان كشنده تر از پيروى هواهاى نفسهايشان و نتيجه گفته هاى زبانشان نيست عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ قَالَسَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَ أَصْحَابَ الْخُصُومَاتِ وَ الْكَذَّابِينَ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا مَا أُمِرُوا بِهِ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَ زَايِدُوا فِى أَمْوَالِهِمْ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ عَاقِلًا حَتَّى يَعْرِفَ لَحْنَ الْقَوْلِ ثُمَّ قَرَأَ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ الْقَوْلِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: از كسانى كه دائما در حال دشمنى با يك ديگرند و از دروغگويان دورى كنيد، زيرا آنان آنچه را كه بدان امر شده اند ترك كرده اند. اى ابو عبيد! با مردم به اخلاق خودشان معاشرت كنيد، و در اموالشان توسعه دهيد. اى ابو عبيد! ما مرد را عاقل نمى دانيم مگر آنكه روش سخن گفتن ديگران را بشناسد، سپس اين آيه را تلاوت فرمود:

(خواهيم شناخت آنان را در اشتباه گفتار).

عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ خَالِطُوا النَّاسَ فَإِنَّهُ لَمْ ينفعكم يَنْفَعْهُمْ حُبُّ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَعليه‌السلام فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيْهِمْ مِنْ ذِكْرِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ ع

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با مردم معاشرت نماييد، زيرا دوستى على و فاطمه عليهما‌السلام در نظر آنها (مخالفين) نفعى به حال شما ندارد، و هيچ چيز در نزد آنها مبغوض تر از ذكر على و فاطمه عليهما‌السلام نيست .

عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ حَمَّلَنِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام رِسَالَةً فَلَمَّا خَرَجْتُ دَعَانِى فَقَالَ يَا مُرَازِمُ لِمَ لَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ إِلَّا خَيْرٌ وَ إِنْ شَتَمُونَا

مرازم گويد: امام صادق عليه‌السلام براى رساندن نامه اى مرا مأ مور كرد، هنگامى كه خارج شدم مرا صدا زد و فرمود: اى مرازم ! نبايد بين تو و بين مردم (مخالفين) جز خير و نيكى باشد گرچه به ما دشنام دهند.

عَنِ الْكَاظِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِعليه‌السلام أَخَذَ بِيَدَيْ جَدِّى ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ افْعَلِ الْخَيْرَ إِلَى كُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْكَ فَإِنْ كَانَ أَهْلَهُ فَقَدْ أَصَبْتَ مَوْضِعَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ بِمَوْضِعٍ كُنْتَ أَهْلَهُ وَ إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ مِنْهُ

امام كاظم عليه‌السلام از پدر و جد بزرگوارش عليهم‌السلام نقل مى كند كه : امام زين العابدين عليه‌السلام دست جدم را گرفت و فرمود: پسر عزيزم ! هر كه از تو طلب كار خير نمود برايش انجام بده ، اگر اهل آن است كار خوبى انجام گرفته ، و اگر هم اهل آن نيست تو انجام وظيفه كرده اى ، و اگر مردى از طرف راستت به تو دشنام داد و سپس به سوى چپت گرديد و از تو عذر خواست عذرش را بپذير.

لِأَبِي جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّ أَبَا بَكْرٍ قَالَ يُقَاتِلُ النَّاسُ فِى عَلِيٍّ فَقَالَعليه‌السلام إِنِّى أَرَاكَ لَوْ سَمِعْتَ رَجُلًا سَبَّ عَلِيّاً فَاسْتَطَعْتَ أَنْ تَقْطَعَ أَنْفَهُ فَعَلْتَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ لِى لَا تَفْعَلْ فَإِنِّى أَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيّاً جَدِّى فَأَتَوَارَى عَنْهُ فَإِذَا فَرَغَ أَتَيْتُهُ فَصَافَحْتُهُ

ابو بكر حضرمى گويد: برادرم علقمه به امام باقر عليه‌السلام عرض كرد: ابو بكر مى گفت : مردم بخاطر حضرت على عليه‌السلام با هم جنگ مى كردند، امام عليه‌السلام فرمود: تو اين گونه اى كه اگر بشنوى كه مردى به على عليه‌السلام دشنام مى دهد اگر بتوانى بينى او را قطع كنى اين كار را مى كنى ؟ گفتم : بلى ، فرمود: اين كار را نكن ، من شنيدم كه مردى جدّم على عليه‌السلام را دشنام مى داد، من از او پنهان شدم و زمانى كه دشنام دادنش ‍ تمام شد؛ نزد او آمدم و با او مصافحه نمودم .

عَنْ أَبِى بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قَالَ أَخِى عَلْقَمَةُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ قُمْ بِالْحَقِّ وَ اعْتَزِلْ مَا لَا يَعْنِيكَ وَ تَجَنَّبْ عَدُوَّكَ وَ احْذَرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينَ وَ لَا أَمِينَ إِلَّا مَنْ خَشِيَ اللَّهَ وَ لَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ وَ لَا تُطْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ وَ اسْتَشِرْ فِى أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

معاوية بن وهب گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: به حق عمل كن و از آنچه برايت سودى ندارد بر كنار باش ، و از دشمنت دورى كن ، و از دوستت از هر قومى باشد بر حذر باش مگر اينكه امين باشد، و امين نيست مگر كسى كه از خدا بترسد، با بدكار هم صحبت مشو، و او را بر سرّ خود مطلع مكن ، و در كار خود با كسانى مشورت كن كه از خدا مى ترسند.

عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ الْكَاظِمُعليه‌السلام يَا فُلَانُ قُلِ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَلَاكُكَ فَإِنَّ فِيهِ نَجَاتَكَ وَ دَعِ الْبَاطِلَ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ نَجَاتُكَ فَإِنَّ فِيهِ هَلَاكَكَ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: فلانى ! حق بگو گرچه هلاك تو در آن باشد، زيرا نجات تو در آن است ، و باطل را رها كن اگر چه نجات تو در آن باشد، زيرا هلاك تو در آن است .

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ كُلَيْبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام اتَّقُوا اللَّهَ وَ تَحَابُّوا وَ تَزَاوَرُوا وَ تَوَاصَلُوا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَاناً بَرَرَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از خدا بترسيد، و با يك ديگر دوست باشيد، و به ديدار همديگر برويد، و صله رحم كنيد، و به يك ديگر رحم كنيد و با هم برادرانى نيكوكار باشيد.

عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِى الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ النَّاسِ وَ تَرَكَ الْكَذِبَ فِى الْمِزَاحِ وَ الْجِدِّ وَ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ هُوَ مُحِقٌّ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: من در بهشت ضمانت مى كنم خانه اى را براى كسى كه با مردم خوش خلق باشد، و دروغ نگويد چه جدّى و چه شوخى ، و جدال را ترك كند گرچه حق با او باشد.

عَنْ أَبِى إِبْرَاهِيمَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله حُسْنُ الْخُلُقِ يُثْبِتُ الْمَوَدَّةَ وَ حُسْنُ الْبِشْرِ يُذْهِبُ السَّخِيمَةَ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلَفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ حَقّاً فَتُنْفِقَ فِى بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ

امام كاظم عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: خوش خلقى دوستى را پايدار كند، و خوشرويى كينه را از بين مى برد، با صدقه دادن روزى خود را نازل كنيد، كسى كه يقين دارد آنچه را انفاق كند جايش بر مى گردد نفسش به صدقه دادن با سخاوت مى شود، بپرهيز از جلوگيرى از حق در حالى كه دو برابر آن را در راه باطل انفاق مى كنى .

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَا كَانَتِ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَاراً وَ الْحَزَنُ دِثَاراً يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ مَسْئُولٌ فَأَعِدَّ جَوَاباً

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود: اى فرزند آدم ! تو در خير و نيكى هستى تا زمانى كه واعظى از نفست دارى ، و همواره حسابرسى همّ و غمّ توست ، و ترس از خدا براى تو همانند روپوش و غم و اندوه مانند لباس ‍ زيرينت باشد.

اى فرزند آدم ! تو مى ميرى و زنده مى شوى و در مقابل خداوند قرار مى گيرى و از تو سؤ ال خواهد شد، خودت را براى جواب دادن آماده كن .

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ فِى كُلِّ يَوْمٍ نَفْسَهُ فَإِنْ عَمِلَ حَسَناً اسْتَزَادَ اللَّهَ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئاً اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ

امام كاظم عليه‌السلام مى فرمود: از ما نيست كسى كه هر روز نفس خود را محاسبه نكند، اگر كار نيكى كرده از خداوند زيادشدنش را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گويد، و اگر كار بدى كرده از آن طلب استغفار از خداوند نمايد و بسوى او توبه كند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ كَانَ فِى مِصْرٍ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ وَ كَانَ فِى الْمِصْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از شيعيان ما نيست كسى كه در شهرى باشد كه در آن شهر صد هزار نفر باشند و در آن شهر كسى با تقواتر از او باشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ آثَارِنَا وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أُولَئِكَ شِيعَتُنَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از شيعيان ما نيست كسى كه فقط با زبانش ‍ با ما موافق باشد، و در اعمال و آثار ما با ما مخالف باشد و لكن شيعه ما كسى است كه با زبان و قلبش با ما موافق باشد و از آثار ما پيروى نمايد و در كارها از ما متابعت كند، آنها شيعيان ما هستند.

عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَيْسَ الْأَمْرُ وَ الِاحْتِمَالُ بِالْقَوْلِ فَقَطْ لَكِنَّ قَبُولَهُ وَ احْتِمَالَهُ أَنْ تَصُونُوهُ كَمَا صَانَهُ اللَّهُ وَ تُعَظِّمُوهُ كَمَا عَظَّمَهُ اللَّهُ وَ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعه بودن تنها به گفتن نيست لكن قبول كردن و پذيرفتن به حفظ و نگهدارى آنست ، همان طورى كه خداوند آن را نگهدارى فرموده ، و به آن است كه آن را بزرگ شمارى همان گونه كه خداوند آن را بزرگ داشته ، و حق آن را ادا نمائى همان طور كه خداوند امر فرموده .

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ لَا تَسْتَكْثِرُوا كَثِيرَ الْخَيْرِ وَ لَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ قَلِيلَ الذُّنُوبِ يَجْتَمِعُ حَتَّى يَصِيرَ كَثِيراً وَ خَافُوا اللَّهَ فِى السِّرِّ حَتَّى تُعْطُوا مِنْ أَنْفُسِكُمُ النَّصَفَ وَ سَارِعُوا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اصْدُقُوا الْحَدِيثَ وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ لَكُمْ وَ لَا تَظْلِمُوا وَ لَا تَدْخُلُوا فِيمَا لَا يَحِلُّ لَكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ عَلَيْكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خير بسيار (مثل عبادت يا بخشش زياد) را زياد نشماريد، و گناهان اندك را كم نشماريد، زيرا گناهان اندك انباشته مى شود تا زياد مى گردد، و در نهان از خدا بترسيد و انصاف داشته باشيد، و بسوى طاعت الهى بشتابيد، راست گفتار باشيد و امانت را به صاحبش ‍ برگردانيد، كه به نفع شماست ، ظلم نكنيد، و در آنچه برايتان حلال نيست داخل نشويد، زيرا اين كار به ضرر شماست .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ اتَّقُوا هَذِهِ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لَهَا طَالِباً لَا يَغْفُلُ وَ لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ أَذْنَبْتُ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ نَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْناهُ فِى إِمامٍ مُبِينٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از گناهانى كه ناچيزش مى شماريد بپرهيزيد، زيرا آنها هم باز خواست كننده اى دارد كه هرگز غافل نمى شود، هيچ يك از شما نگويد كه گناه مى كنم و بعد از خداوند طلب آمرزش ‍ مى نمايم ، زيرا خداوند مى فرمايد: (آنچه را پيش فرستاده و آثار آن را خواهيم نوشت ، و همه چيز را در امامى آشكار (لوح محفوظ يا نامه اعمال) آمار گرفتيم).

عَنِ ابْنِ يَعْقُوبَ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا يَغُرَّنَّكَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ الْأَمْرَ يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لَا تَقْطَعْ نَهَارَكَ بِكَذَا وَ كَذَا فَإِنَّ مَعَكَ مَنْ يَحْفَظُ عَلَيْكَ وَ لَا تَسْتَقِلَّ قَلِيلَ الْخَيْرِ فَإِنَّكَ تَرَاهُ غَداً بِحَيْثُ يَسُرُّكَ وَ لَا تَسْتَقِلَّ قَلِيلَ الشَّرِّ فَإِنَّكَ تَرَاهُ غَداً بِحَيْثُ يَسُوؤُكَ وَ أَحْسِنْ فَإِنِّى لَمْ أَرَ شَيْئاً أَشَدَّ طَلَباً وَ لَا أَحْسَنَ دَرَكاً مِنْ حَسَنَةٍ مُحْدَثَةٍ لِذَنْبٍ قَدِيمٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ ذلِكَ ذِكْرى لِلذّاكِرِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم تو را از خودت غافل نكنند، زيرا نتيجه اعمالت به خودت باز مى گردد نه به آنها، و روزت را بيهوده تلف مكن ، زيرا همراهت كسى هست كه مواظب اعمال توست ، و كار نيك كم را كوچك مشمار، زيرا فرداى قيامت با ديدن نتيجه آن خوشحال خواهى شد، و كار بد اندك را نيز كوچك مشمار، زيرا فرداى قيامت نتيجه آن تو را ناراحت خواهد كرد، و نيكى كن ، زيرا من براى تدارك و جبران گناهان گذشته بهتر از آن چيزى را سراغ ندارم ، خداوند متعال مى فرمايد: (همانا كارهاى نيكو اثر اعمال ناشايست را از بين مى برد و اين ياد آورى است براى كسانى كه بخواهند پند بگيرند).

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ كَيْفَ نَسُوؤُهُ قَالَ أَ مَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چرا رسول خدا را ناراحت مى كنيد؟ گفتم : فدايت شوم چگونه ايشان را ناراحت مى كنيم ؟ فرمود: آيا خبر نداريد كه اعمال شما بر ايشان عرضه مى شود، و اگر گناهى را مشاهده نمايد از آن ناخرسند مى شود؟ پس رسول خدا را ناراحت نكنيد.

عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَوْصِنِى فَقَالَ أَعِدَّ زَادَكَ وَ هَيِّءْ جَهَازَكَ وَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَ لَا تَأْمُرْ غَيْرَكَ يُرْسِلُ إِلَيْكَ بِمَا يُصْلِحُكَ

عنبسة بن مصعب گويد: از امام صادق عليه‌السلام خواهش كردم كه مرا موعظه نمايد، حضرت فرمود: زاد و راحله ات را آماده كن ، و خودت نصيحت كننده خود باش ، و ديگرى را امر نكن كه كسى را براى اصلاح تو بفرستد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذَا آوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانْظُرْ مَا سَاءَ لَكَ فِى بَطْنِكَ فِي يَوْمِكَ وَ مَا عَمِلْتَ فِيهِ مِنْ عَمَلٍ فَاذْكُرْ مَعَادَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه بسوى رختخوابت رفتى قدرى فكر و تأ مل كن كه چه چيز بدى را امروز به شكمت ريخته اى و چه كارى را امروز انجام داده اى ، و معادت را بياد آور.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا ابْنَ آدَمَ لَا يُنْسِيَنَّكَ ذَنْبُ النَّاسِ عَنْ ذَنْبِكَ وَ لَا نِعْمَةُ النَّاسِ عَنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ لَا تُقَنِّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَرْجُوهَا لِنَفْسِكَ

امام كاظم عليه‌السلام از پدرش از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرد كه فرمود: اى فرزند آدم ! بنظر آوردن گناهان مردم تو را از گناهان خودت غافل نكند، و همچنين نعمتهاى مردم تو را از نعمتهاى خدا بر تو باز ندارد، و مردم را از رحمت خدا مأ يوس نكن در حالى كه خودت به آن اميد دارى .

عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ أَسْرَعَ الثَّوَابِ عَلَى الْخَيْرِ اللِّينُ وَ إِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عُقُوبَةً الْبَغْيُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْباً أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَنْ يُعَيِّرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكَهُ وَ أَنْ يُؤْذِيَ جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَعْنِيهِ

امام كاظم عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمايد كه : سريعترين ثوابها كه بر كارهاى نيك داده مى شود مربوط به خوشرفتارى با مردم است ، و كيفر ظلم و ستم از هر شرّى زودتر داده مى شود، و همين عيب براى انسان بس كه ببيند از مردم آنچه را از خود چشم مى پوشد، و مردم را به آنچه نمى تواند ترك كند سرزنش نمايد، و همنشين خود را در حالى كه براى خودش سودى ندارد اذيت كند.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ خَيْراً إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهِرَ اللَّهُ لَهُ خَيْراً وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرّاً إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهِرَ اللَّهُ لَهُ شَرّاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ بنده اى نيست كه پنهانى كار خيرى انجام داده باشد، مگر اينكه بعد از مدتى خداوند نتيجه كار خير او را آشكار سازد، و هيچ بنده اى نيست كه در نهان كار بدى انجام داده باشد مگر اينكه پس از مدتى خداوند نتيجه عمل بدش را آشكار سازد.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ لِحُمْرَانَ انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَ أَحْرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنَ اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الدَّائِمِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنِ اجْتِنَابِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنْ أَذَى الْمُسْلِمِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ وَ لَا عَيْشَ أَهْنَأُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ لَا مَالَ أَنْفَعُ مِنَ الْقُنُوعِ بِالْيَسِيرِ الْمُجْزِى وَ لَا جَهْلَ أَمَرُّ مِنَ الْعُجْبِ

امام صادق عليه‌السلام به حمران مى فرمود: هميشه به زير دست خويش ‍ نگاه كن ، و به كسى كه از تو برتر است نگاه مكن ، زيرا اين كار موجب زيادى قناعت و رضا نسبت به آنچه روزيت شده مى گردد، و سزاوار است از اينكه مستوجب زيادى در روزى گردى . و بدان كه كار دايم كم همراه يقين نزد خداوند برتر است از عمل دايم زيادى كه بدون يقين باشد، و نيز آگاه باش ! كه هيچ پرهيزى سودمندتر از ترك محرمات الهى و اجتناب از اذيّت و غيبت مسلمانان نيست ، و هيچ معاشرتى گواراتر از خوش خلقى نيست ، و هيچ مالى سودمندتر از قناعت به اندكى كه كافى براى زندگانى باشد نيست ، و هيچ نادانى ضرر رساننده تر از خود پسندى نيست .

عَنْ حَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الاْيَةُ لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلى ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا أَطْرَقَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ طَوِيلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ عِبَادَ اللَّهِ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ انْقَطَعَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا حَسَرَاتٍ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى مَا فِى أَيْدِى النَّاسِ فَقَدْ كَثُرَ هَمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَ صَدْرِهِ وَ مَنْ لَمْ يَرَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِى مَطْعَمٍ أَوْ فِى مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصُرَ أَجَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه اين آيه : (چشم از اين متاع ناقابل دنيوى كه به طايفه اى از مردم داده ايم بپوش) نازل شد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مقدار زيادى به فكر فرو رفت ، سپس سر مبارك را بلند كردند و فرمود: اى بندگان خدا! هر كس با دلجويى خدا تسلى خاطر نيابد و دلش آرام نگيرد، جان مى دهد در حالى كه پيوسته در حسرت دنيا بوده ، و هر كس ديده خود را به آنچه كه در دست مردم است بدوزد اندوهش بسيار مى شود و سوز دلش درمان نپذيرد، و هر كس براى خدا نعمتى جز در خوردن و پوشيدن نبيند عمرش كوتاه و عذابش نزديك مى شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تُرْضُوا النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لَا تَحْمَدُوهُمْ عَلَى رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَذُمُّوهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكُمُ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصُ حَرِيصٍ وَ لَا تَرُدُّهُ كَرَاهَةُ كَارِهٍ وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَدْرَكَهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لِعَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ جَعَلَ الرَّوْحَ وَ الْفَرَحَ فِى الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ فِى الشَّكِّ وَ السَّخَطِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از علائم يقين اين است كه رضاى مردم را همراه به غضب در آوردن خدا طلب نكنيد، و مردم را بر روزى كه خدا به آنان داده ستايش ننماييد، و آنان را بر آنچه خداوند به شما نداده مذمّت نكنيد، زيرا از هيچ آزمندى رزق و روزى را به طرف خود نمى كشد، و ناخشنودى هيچ ناخشنودى مانع از آن نمى شود، و اگر هر يك از شما از روزيش فرار كند آنچنان كه از مرگ فرار مى كند آن روزى ، او را در مى يابد همان طور كه موت او را در مى يابد.

سپس فرمود: خداوند متعال به واسطه عدالتش آسايش و گشايش را در گرو يقين و رضا به قضا و قدرش قرار داده ، و غم و اندوه را در گرو شك و غضبش قرار داده .

عَنْ سَعْدِ بْنِ خَلَفٍ قَالَ قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍعليه‌السلام وَ الصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ فِى أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أُقِيمَتْ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحاً مِنْ قَضِيبِ الاْسِ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِى طَرَاوَتِهِ وَ طِيبِهِ وَ رِيحِهِ فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: نمازهاى واجب كه در اول وقتش با آداب و حدود آن خوانده شود خوشبوتر از شاخه آس (مورد) است كه از درخت هنگام سبزى و طراوت و خوشبوئيش چيده شود، پس نماز را اول وقت بخوانيد.

عَنِ ابْنِ أَبِى يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً فَرِيضَةً فَصَلِّهَا فِى وَقْتِهَا صَلَاةَ مُوَدِّعٍ تَخَافُ أَنْ لَا تَرْجِعَ إِلَيْهَا ثُمَّ اصْرِفْ بَصَرَكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ فَلَوْ تَعْلَمُ مَنْ عَنْ يَمِينِكَ وَ يَسَارِكَ لَأَحْسَنْتَ الصَّلَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ قُدَّامَ مَنْ يَرَاكَ وَ لَا تَرَاهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه نماز واجب خود را مى خوانى آن را در وقتش بجا آور، مانند نماز خواندن كسى كه با نماز وداع مى كند و مى ترسد كه بار ديگر موفق به اداى آن نشود، سپس چشمان خود را به محل سجده ات متوجه گردان ، اگر بدانى چه كسى در طرف راست ، و چپ توست نمازت را نيكو بجا مى آورى ، و بدان تو در پيشگاه كسى هستى كه تو را مى بيند و تو او را نمى بينى .

عَنْ عَلَاءِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ وَاسِهِمْ مِنْ مَالِكَ وَ ارْضَ لَهُمْ بِمَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ اذْكُرِ اللَّهَ كَثِيراً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با مردم راجع به خودت با انصاف رفتار كن ، و با آنها در مالت برابرى كن ، و خوشنود باش براى آنها به آنچه كه براى خودت خوشنود مى شوى ، و خدا را بسيار ياد كن .

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّ أَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ حَظّاً أَعْظَمُكُمْ رَغْبَةً إِلَى اللَّهِ وَ إِنَّ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ خَشْيَةً وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاكُم

امام سجاد عليه‌السلام مى فرمود: محبوبترين شما نزد خدا كسى است كه عملش از همه بهتر باشد، و آن كس بهره اش نزد خدا بيشتر است كه ميل و رغبتش به ثواب او بيشتر باشد، و كسى از عذاب خدا آسانتر رها شود كه ترسش از خدا بيشتر باشد، و گرامى ترين شما نزد پروردگار پرهيزگارترين شماست .

عَنْ أَبِى الصَّامِتِ الْخَوْلَانِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَرَرْتُ أَنَا وَ أَبِى عَلَى الشِّيعَةِ وَ هُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام مَوَالِيكَ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ وَ أَيْنَ تَرَاهُمْ فَقُلْتُ أَرَاهُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقَالَ اذْهَبْ بِى إِلَيْهِمْ فَذَهَبْنَا فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرْوَاحَكُمْ فَأَعِينُونِى عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ اللَّهِ إِنَّكُمْ عَلَى دِينِى وَ دِينِ آبَائِى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من و پدرم از كنار شيعيان در حالى كه بين قبر و منبر بودند مى گذشتيم ، به پدرم گفتم : فدايت شوم اينها دوستان شمايند، فرمود: آنها را كجا مى بينى ؟ گفتم : بين قبر و منبر، فرمود: با هم نزد آنها برويم ، به نزد آنها رفتيم و ايشان بر آنها سلام كرد، سپس فرمود: من بوى خوش شما را دوست دارم ، اينك مرا با ورع و پرهيزگارى كمك كنيد و در عبادت كوشا باشيد، زيرا به آنچه نزد خداست نمى توان رسيد؛ مگر به پرهيزگارى و اجتهاد، بخدا قسم شما بر دين من و دين پدرانم ابراهيم و اسماعيل و اسحاق هستيد.

عَنْ زُرَارَةَ قَالَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام شَيَّعَ جَنَازَةً بِالْمَدِينَةِ لِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ وَ أَنَا مَعَهُ وَ فِيهَا عَطَاءٌ فَصَرَخَتْ صَارِخَةٌ فَقَالَ لَهَا عَطَاءٌ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَرْجِعَنَّ فَلَمْ تَسْكُتْ فَرَجَعَ فَقُلْتُ قَدْ رَجَعَ عَطَاءٌ فَقَالَ وَ لِمَ فَعَلَ قُلْتُ لِأَنَّ صَارِخَةً صَرَخَتْ فَقَالَ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَرْجِعَنَّ فَلَمْ تَسْكُتْ فَرَجَعَ فَقَالَ امْضِ بِنَا فَلَوْ أَنَّا إِذَا رَأَيْنَا شَيْئاً مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ الْحَقِّ تَرَكْنَا الْحَقَّ لَهُ لَمْ نَقْضِ حَقَّ مُسْلِمٍ فَلَمَّا صَلَّى عَلَى الْجِنَازَةِ قَالَ وَلِيُّهَا لَهُ ارْجِعْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّكَ لَا تَقْوَى عَلَى الْمَشْيِ فَأَبَى وَ لَمْ يَرْجِعْ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُ أَذِنَ لَكَ فِى الرُّجُوعِ وَ لِى حَاجَةٌ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهَا فَقَالَ امْضِ فَلَيْسَ بِإِذْنِهِ جِئْنَا وَ لَا بِإِذْنِهِ نَرْجِعُ إِنَّمَا هُوَ فَضْلٌ وَ أَجْرٌ طَلَبْنَاهُ فَبِقَدْرِ مَا يَتْبَعُ الرَّجُلُ الْجِنَازَةَ يُؤْجَرُ عَلَى ذَلِكَ

زراره گويد: امام باقر عليه‌السلام به تشييع جنازه مردى از قريش در مدينه رفته بود، من هم با ايشان بودم ، در آن تشييع مردى بنام عطاء نيز بود، ناگهان زنى شروع به فرياد زدن نمود، عطاء به او گفت : آرام مى شوى يا برگردم ؟ زن ساكت نشد و عطاء برگشت . به امام گفتم :

عطاء برگشت ، فرمود: چرا اين كار را كرد؟ گفتم : بخاطر ناله و فريادهاى زنى ، به او گفت : آرام مى شوى يا برگردم ؟ زن آرام نشد، او هم برگشت .

امام فرمود: بگذريم ، اگر ما امر باطلى را به همراه حقى ديديم و حق را بخاطر آن ترك نموديم حق مسلمان را بجا نياورده ايم ، وقتى امام بر جنازه نماز خواند سرپرست آن جنازه به امام گفت : برگرديد خداوند شما را رحمت كند، شما تحمل راه رفتن بيش از اين را نداريد، امام عليه‌السلام ابا نمود و برنگشت ، به امام گفتم : او به شما اجازه برگشت داد و من هم كارى دارم كه مى خواهم در مورد آن از شما سؤ ال كنم ، امام فرمود: ادامه بده ، ما به اجازه او نيامديم تا با اجازه او برگرديم ، بلكه اين كار ثواب و اجرى بود كه ما آن را خواستيم ، به اندازه اى كه مرد به دنبال جنازه باشد بر آن پاداش داده مى شود.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ فَقَالَ إِلَى مَا تَدْعُو يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ أَدْعُوا إِلَى اللّهِ عَلى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِى وَ أَدْعُوكَ إِلَى مَنْ إِنْ أَصَابَكَ ضُرٌّ فَدَعَوْتَهُ كَشَفَهُ عَنْكَ وَ إِنِ اسْتَعَنْتَ بِهِ وَ أَنْتَ مَقْهُورٌ أَعَانَكَ وَ إِنْ سَأَلْتَهُ وَ أَنْتَ مُقِلٌّ أَغْنَاكَ وَ إِنْ ضَلَلْتَ فِي فَلَاةِ الْأَرْضِ أَرْشَدَكَ فَقَالَ لَهُ أَوْصِنِى يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ لَا تَغْضَبْ قَالَ زِدْنِى قَالَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ قَالَ زِدْنِى قَالَ لَا تَسُبَّ النَّاسَ فَتَكْتَسِبَ الْعَدَاوَةَ مِنْهُمْ قَالَ زِدْنِى قَالَ لَا تَزْهَدْ فِى الْمَعْرُوفِ عِنْدَ أَهْلِهِ قَالَ زِدْنِى قَالَ تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ وَ إِنِ اسْتَسْقَى أَخُوكَ مِنْ دَلْوِكَ فَصُبَّ لَهُ وَ الْقَ أَخَاكَ بِوَجْهٍ مُنْبَسِطٍ إِلَيْهِ وَ لَا تَضْجَرْ فَيَمْنَعَكَ الضَّجَرُ مِنْ حَظِّكَ لِلاْخِرَةِ وَ الدُّنْيَا وَ ابرز اتَّزِرْ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَ إِيَّاكَ وَ إِسْبَالَ الا زرار الْإِزَارِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْخُيَلَاءِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْخُيَلَاءَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و گفت : مردم را به چه چيز دعوت مى كنى اى محمّد؟ فرمود: من و پيروانم با بينش و آگاهى مردم را بسوى خدا مى خوانيم ، و دعوت مى كنم بسوى كسى كه اگر به هنگام شدت و سختى او را خواندى گرفتاريت را رفع نمايد، و اگر در حالت غم و اندوه از او كمك خواستى ياريت كند، و اگر در حال فقر و تنگدستى از او طلب نمودى بى نيازت كند، و اگر در بيابان خشكى گم شدى راهنمائيت نمايد.

گفت : اى محمّد! مرا نصيحت كن ، فرمود: غضب نكن .

گفت : باز هم موعظه كن ! فرمود: آنچه براى خويش مى پسندى براى مردم بپسند.

گفت : باز هم ، فرمود: به مردم دشنام مده كه دشمنت شوند.

گفت : باز هم ، فرمود: از احسان و نيكى به اهلش دلسرد مباش .

گفت : باز هم ، فرمود: مردم را دوست بدار تا دوستت بدارند، و اگر از ظرف خودت به برادر مسلمانت آب مى دهى برايش بريز، و با برادرت به گشاده رويى بر خورد كن و ملول و تنگ حوصله نباش كه از دنيا و آخرت باز مانى ، زير جامه را تا نيمه ساق پا قرار ده ، مبادا زير جامه يا پيراهن را بلند كنى كه اين از نشانه هاى كبر و نخوت است و خداوند انسان متكبر را دوست نمى دارد.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَ رَجَاءٍ وَ رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ فَيَقْنُطَ فَيَتْرُكَ الدُّعَاءَ فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ لَا أَرَى الْإِجَابَةَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پيوسته مؤمن در حال خير و اميدوارى از مهر و رحمت خداوند است تا زمانى كه شتاب نكند و نوميد نشود، و دست از دعا بر ندارد. از امام پرسيدند:

چگونه شتاب مى كند؟ فرمود: مى گويد از فلان سال تا فلان سال دعا كردم و اجابت را نديدم .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَوْسَعَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَ سُجُودَهُمَا ثُمَّ جَلَسَ فَأَثْنَى عَلَى اللَّهِ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِى مَظَانِّهِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِى مَظَانِّهِ لَمْ يُخَيَّبْ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمود: هر كس وضوى كامل بگيرد و با آن وضو دو ركعت نماز بخواند و نمازش را تمام نمايد، سپس بنشيند و خدا را ثنا بگويد و بر رسولش صلوات بفرستد، سپس حاجتش را از خداوند بخواهد خير و صلاح را از محل و مأ خذش طلب نموده ، و هر كس خير را از مأ خذش طلب نمايد هرگز ضرر نمى بيند.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَسَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً وَكَّلَهُمْ بِنَبَاتِ الْأَرْضِ مِنَ الشَّجَرِ وَ النَّخْلِ فَلَيْسَ مِنْ نَخْلَةٍ وَ لَا شَجَرَةٍ إِلَّا وَ مَعَهَا مَلَكٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ يَحْفَظُهَا إِذَا كَانَ فِيهَا ثَمَرُهَا وَ لَوْ لَا أَنَّ مَعَهَا مَنْ يَحْفَظُهَا لَأَكَلَتْهَا السِّبَاعُ وَ هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَضْرِبَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ خَلَاءَهُ تَحْتَ شَجَرَةٍ أَوْ نَخْلَةٍ قَدْ أَثْمَرَتْ لِمَكَانِ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهَا قَالَ وَ إِنَّمَا يَكُونُ الشَّجَرُ وَ النَّخْلُ أُنْساً إِذَا كَانَ فِيهِ حَمْلُهُ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُهُ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمود: خداوند متعال فرشتگانى را براى گياهان روى زمين مانند درخت و خرما قرار داده ، و هيچ درخت خرما و درخت ميوه اى نيست مگر آنكه از ناحيه خدا در زمان ميوه دادن ملكى محافظ آن است ، و اگر چنين محافظى نباشد درندگان و حشرات روى زمين آن را مى خورند، و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نهى فرموده از اينكه كسى در زير درخت ميوه يا درخت خرما مستراح بسازد به خاطر اينكه آنجا منزل ملائك محافظ است .

فرمود: درخت ميوه و خرما هر گاه ميوه داشته باشند مانند انسان حرمت دارند، زيرا ملائك در كنار آن حاضرند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَاضٍ يَأْخُذُ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ الرِّزْقَ قَالَ ذَلِكَ السُّحْتُ

عبد اللّه بن سنان گويد: از امام صادق عليه‌السلام در مورد قاضى كه براى قضاوتش از سلطان حقوق مى گيرد سؤ ال نمودم ، ايشان فرمود: آن حقوق حرام است .

## فصل چهارم : در مقام شيعه نزد خدا و حقوق شايسته آنان

الفصل الرابع فى منزلة الشيعة عند الله وحقوقهم و ما يجب أ ن يكونواعليه

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا فِيهَا حَقٌّ إِلَّا وَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ خَالَفَهُ خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ تَرَكَ طَاعَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ نَصِيبٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدِّثْنِى مَا هِيَ قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ يُحِبَّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهَ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَ الْحَقُّ الثَّانِى أَنْ يَمْشِيَ فِى حَاجَتِهِ وَ يَبْتَغِيَ رِضَاهُ وَ لَا يُخَالِفَ قَوْلَهُ وَ الْحَقُّ الثَّالِثُ أَنْ تَصِلَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ وَ لِسَانِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ دَلِيلَهُ وَ مِرْآتَهُ وَ قَمِيصَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعَ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَعْرَى وَ لَا تَرْوَى وَ يَظْمَأُ وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ تَكُونَ لَكَ امْرَأَةٌ وَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ امْرَأَةٌ وَ لَا خَادِمٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعَ طَعَامَهُ وَ يُمَهِّدَ فِرَاشَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبِرَّ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ تَعُودَهُ فِى مَرَضِهِ وَ تَشْخَصَ بِبَدَنِكَ فِى قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَ لَا تُحْوِجَهُ إِلَى أَنْ يَسْأَلَكَ وَ لَكِنْ تُبَادِرُ إِلَى قَضَاءِ حَوَائِجِهِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ وَصَلْتَ وَلَايَتَهُ بِوَلَايَتِكَ وَ وَلَايَتَكَ بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق واجب دارد: در بين آن هفت حق حقى نيست مگر اينكه بر او واجب باشد، اگر با آن حق مخالفت نمايد از ولايت خدا خارج شده و بندگيش را ترك نموده ، و براى خداوند در آن نصيبى نيست . پرسيدم : فدايت شوم برايم بگو آن حقوق چيست ؟ فرمود: آسانترين آنها اين است كه دوست بدارى براى او آنچه را براى خودت دوست مى دارى ، و ناپسند شمارى برايش آنچه را براى خودت ناپسند مى شمارى .

و حق دوم اينكه : او را در بر آوردن حاجتش همراهى نمايى و رضايت او را كسب كنى و مخالف سخنش عمل نكنى .

و حق سوم اين است كه : به او با جان و مال و دست و پا و زبانت كمك كنى .

و حق چهارم اينكه : چشم و راهنما و آينه و پيراهن او باشى .

و حق پنجم اينكه : تو سير نباشى و او گرسنه ، پوشيده نباشى و او عريان ، سيراب نباشى و او تشنه .

و حق ششم آنكه : اگر زنى دارى و خادمى و برادرت زن و خادم ندارد، خادمت را به خانه اش بفرست تا لباسهايش را بشويد، براى او غذا مهيا سازد و رختخوابش را آماده نمايد، همه اينها بين تو و بين او قرار داده شده .

و حق هفتم اينكه : قسمش را بپذيرى و دعوتش را اجابت نمايى ، و بر جنازه اش حاضر شوى و اگر بيمار شد به عيادتش بروى ، و در بر آوردن حاجتش با جوارحت به او كمك كنى ، و نگذارى كه نيازى به سؤ ال كردن از تو داشته باشد، بلكه سريعا حاجتش را بر آورى ، هر گاه چنين نمودى ولايتش را به ولايت خود متصل نمودى و ولايت خودت را به ولايت خداوند وصل كرده اى .

وَ قَالَعليه‌السلام يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَ لَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِى تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِى رَاحَةٍ إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ الْحِلْمَ وَزِيرُهُ وَ الصَّبْرَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَ الرِّفْقَ أَخُوهُ وَ اللِّينَ وَالِدُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سزاوار است كه در مؤمن هشت خصلت باشد: هنگام حوادث لرزاننده باوقار باشد، هنگام گرفتارى شكيبا باشد، هنگام فراوانى نعمت شكرگزار باشد، نسبت به آنچه خداوند روزى او قرار داده قناعت ورزد، بر دشمنان ستم روا ندارد، بار خود را بر دوستان نيافكند، نفسش از او در رنج باشد و مردم از او آسوده باشند، علم و دانش ‍ دوست مؤمن است و شكيبايى وزير او و صبر فرمانده لشكريان اوست ، و مدارا و نرمش برادر اوست ، و نيكى كردن پدر اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى الْإِجْلَالُ لَهُ فِى عَيْنِهِ وَ الْوُدُّ لَهُ فِى صَدْرِهِ وَ الْمُوَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ وَ أَنْ يُحَرِّمَ غِيبَتَهُ وَ أَنْ يَعُودَهُ فِى مَرَضِهِ وَ أَنْ يُشَيِّعَ جَنَازَتَهُ وَ أَنْ لَا يَقُولَ فِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْراً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از سوى خدا براى مؤمن به عهده مؤمن هفت حق واجب قرار داده شده است : در چشم خود او را بزرگ شمارد، و در دلش او را دوست بدارد، در مالش با او همراهى كند، و غيبتش ‍ را حرام بداند، در هنگام بيمارى از او عيادت كند، به تشييع جنازه اش برود، و پس از مردنش جز نيكى در باره او نگويد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ وَ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ

پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر گناه كسى باعث ناراحتى او و عمل نيكش باعث خوشنودى او شود مؤمن است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِوَجْهِ اللَّهِ وَ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرُجِهَا وَ لُجُمِهَا وَ قَالَ مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ وَ لَمْ يَرْدَعُهُ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَهُ وَ مَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ يُوشِكْ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر آوردن نياز مؤمن بهتر از هزار حج مقبول با اعمال آن و آزاد كردن هزار بنده در راه خدا و هزار اسب با بار و زين و دهنه در راه خداست . و فرمود: هر كس برادرش را در حالت ناراحت كننده اى ديد و او را از آن منع نكرد در حالى كه قادر بر اين كار بود؛ به او خيانت نموده ، و هر كس از دوستى با احمق دورى نكند خيلى زود هم اخلاق او مى شود.

وَ قَالَعليه‌السلام لَا يَنْفَكُّ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ يُغْوِيهِ وَ مُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ قَالَ سَمَاعَةُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ قَالَ يَا سَمَاعَةُ أَمَا إِنَّهُ أ شهدهم أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُولُ الْقَوْلَ فِيهِ فَيُصَدِّقُ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن از چهار خصلت جدا نيست ، از همسايه اى كه او را اذيّت كند، و شيطانى كه او را گمراه سازد، و منافقى كه دائما به دنبال او باشد، و مؤمنى كه بر او رشك ورزد. سماعه مى گويد: به امام عرض كردم : فدايت شوم ! مؤمنى كه به او حسادت مى كند؟ فرمود: اى سماعه ! اين مؤمن حسود از همه براى او سخت تر است ، گفتم :

چگونه چنين است ؟ فرمود: در باره او بد مى گويد و مردم باور مى كنند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَ فِيهَا مِائَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَ فِيهَا خَمْسُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَ فِيهَا عَشَرَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَ فِيهَا خَمْسَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَ فِيهَا رَجُلٌ وَاحِدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند اهل آبادى را كه در آن صد مؤمن باشد عذاب نمى كند، خداوند مردم روستايى را كه در آن پنجاه مؤمن باشد عذاب نمى كند، خداوند اهل قريه اى را كه در آن ده مؤمن باشد عذاب نمى كند، خداوند اهل قريه اى را كه در آن پنج مؤمن باشد عذاب نمى نمايد، خداوند اهل قريه اى را كه در آن يك مرد مؤمن باشد عذاب نمى كند.

رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ قَالَ مَرْحَباً بِالْبَيْتِ مَا أَعْظَمَكَ وَ مَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَ اللَّهِ لَلْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَ مِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً مَالَهُ وَ دَمَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السَّوْءِ

نقل شده كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رو به كعبه نموده و فرمود: آفرين بر خانه ، چه چيز تو را با عظمت نموده ، و چه چيز حرمت تو را نزد خداوند بزرگ نموده ! بخدا قسم مؤمن حرمتش از تو بيشتر است ، زيرا خداوند از تو يك چيز را حرام شمرده و از مؤمن سه چيز را: مالش و خونش ‍ و اينكه نسبت به او كسى سوء ظن داشته باشد.

وَ قَالَ أَيْضاًصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ آذَى مُؤْمِناً فَقَدْ آذَانِى وَ مَنْ آذَانِى فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِى التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ

و همچنين رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: هر كس مؤمنى را اذيت كند مرا اذيت نموده ، و هر كس مرا اذيت نمايد خداى عزّ و جل را اذيّت نموده ، و هر كس خدا را اذيّت نمايد مورد لعن تورات و انجيل و زبور و قرآن است .

وَ قَالَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعْرَفُ فِى السَّمَاءِ كَمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ

و همچنين رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مثل مؤمن مثل ملك مقرّب است ، و حرمت و احترام مؤمن نزد خدا از ملك مقرّب نيز بيشتر است ، و هيچ چيزى نزد خدا از مرد و زن توبه كننده محبوبتر نيست ، و مؤمن در آسمانها معروف است همان طور كه مرد نزد زن و فرزندش مشهور است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الشِّيعَةُ ثَلَاثَةٌ مُحِبٌّ وَادٌّ فَهُوَ مِنَّا وَ مُتَزَيِّنٌ بِنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا وَ مُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسَ وَ مَنِ اسْتَأْكَلَ بِنَا افْتَقَرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعه سه دسته اند: دوست صميمى كه از ماست ، و كسانى كه ارتباط با ما را وسيله آبرومندى خود نموده اند و ما وسيله آبرومندى آنها هستيم ، و كسانى كه ما را وسيله در آمد خود قرار داده اند كه هر كس چنين باشد فقير خواهد شد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاة كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عَنْ عَدُوِّنَا وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتُهُمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعيان ما را در سه وقت آزمايش نماييد: در هنگام نماز كه چگونه بر آن مواظبت مى كنند. در پنهان نگهداشتن اسرار پيروان ما از دشمنان كه چه اندازه اسرار آنان را حفظ مى نمايند. و نسبت به اموالشان كه چگونه با برادران دينى كمك و همراهى مى نمايند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ بَشِّرْ شِيعَتَكَ وَ أَنْصَارَكَ بِخِصَالٍ عَشْرٍ أَوَّلُهَا طِيبُ الْمَوْلِدِ وَ ثَانِيهَا حُسْنُ إِيمَانِهِمْ بِاللَّهِ وَ ثَالِثُهَا حُبُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ وَ رَابِعُهَا الْفُسْحَةُ فِى قُبُورِهِمْ وَ خَامِسُهَا النُّورُ عَلَى الصِّرَاطِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَ سَادِسُهَا نَزْعُ الْفَقْرِ مِنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ وَ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَ سَابِعُهَا الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَعْدَائِهِمْ وَ ثَامِنُهَا الْأَمْنُ مِنَ الْجُذَامِ يَا عَلِيُّ وَ تَاسِعُهَا انْحِطَاطُ الذُّنُوبِ وَ السَّيِّئَاتِ عَنْهُمْ وَ عَاشِرُهَا هُمْ مَعِى فِي الْجَنَّةِ وَ أَنَا مَعَهُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! شيعيان و يارانت را به ده خصلت بشارت ده : اول به حلال زادگى ، دوم به عقيده نيكو به خدا، سوم به دوستى خداوند عزّ و جل نسبت به آنان ، چهارم به گشادگى در قبرهايشان ، پنجم به نورى درخشان در پيش رويشان هنگام عبور از صراط، ششم به رفع فقر از دلهايشان ، هفتم به دشمنى خدا با دشمنانشان ، هشتم به ايمنى از جذام ، نهم يا على ! به آنان بشارت ده به فرو ريختن گناهان و بديها از آنان ، دهم به اينكه آنان در بهشت با من مى باشند و من با آنها.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ الشَّاحِبُونَ النَّاحِلُونَ الذَّابِلُونَ ذَابِلَةٌ شِفَاهُهُمْ خَمِيصَةٌ بُطُونُهُمْ مُتَغَيِّرَةٌ أَلْوَانُهُمْ مُصْفَرَّةٌ وُجُوهُهُمْ إِذَا جَنَّ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشاً وَ اسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ كَثِيرٌ سُجُودُهُمْ كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ كَثِيرٌ دُعَاؤُهُمْ كَثِيرٌ بُكَاؤُهُمْ يَفْرَحُ النَّاسُ وَ هُمْ مَحْزُونُونَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: شيعيان على چهره هايشان غبار آلود و داراى اندامى لاغر و لبانى خشك و شكمهايى به پشت چسبيده و رنگ پريده و صورتى زرد هستند، هنگام شب زمين را بستر خود قرار داده و پيشانى بر خاك نهند، بسيار سجده كنند، همواره اشك مى ريزند، دائما در حال دعا هستند، هميشه گريانند، مردم شادند و آنان اندوهگين .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَنْهُمْ فَقَالَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در باره مؤمنين پرسيدند، فرمود: هر گاه نيكى كنند شادمان گردند، و هر گاه بدى كنند طلب آمرزش نمايند، و هر گاه چيزى به آنها داده شود شكر گزارند، و هر گاه گرفتار شوند صبر كنند، و هر گاه خشمگين شوند ببخشند.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِى هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِى مَا أَبْغَضَنِى وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجُمْلَتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِى مَا أَحَبَّنِى وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَانْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَ لَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اگر با اين شمشيرم به بينى مؤمنى بزنم تا اينكه با من دشمن شود دشمن نخواهد شد، و اگر تمام دنيا را بر منافق بريزم تا اينكه مرا دوست بدارد با من دوست نشود، زيرا فرمان الهى است كه بر زبان پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله جارى شد كه فرمود: اى على ! هيچ مؤمنى با تو دشمن نخواهد شد و هيچ منافقى دوست تونگردد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا

امام سجاد عليه‌السلام مى فرمايد: زمانى كه قائم ما قيام كند خداوند آفت را از ميان شيعيان ما بر مى دارد و قلبهاى آنها را مانند پاره هاى آهن مى سازد و قدرت يك مرد از آنها را برابر چهل مرد قرار مى دهد، آنان فرمانروايان زمين و برجستگان آن خواهند شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ أَهَانَ وَاحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ وَ مَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ أَهَانَنِى وَ مَنْ أَهَانَنِي أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّى وَ أَنَا مِنْكَ رُوحُكَ مِنْ رُوحِى وَ طِينَتُكَ مِنْ طِينَتِى وَ شِيعَتُكَ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا وَ مَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا وَ مَنْ وَدَّهُمْ فَقَدْ وَدَّنَا يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَى مَا كَانُوا مِنْ ذُنُوبٍ وَ عُيُوبٍ يَا عَلِيُّ أَنَا الشَّفِيعُ لِشِيعَتِكَ غَداً إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ شِيعَةُ اللَّهِ وَ أَنْصَارُكَ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ أَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَ حِزْبُكَ حِزْبُ اللَّهِ سَعَدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ شَقِيَ مَنْ عَادَاكَ يَا عَلِيُّ لَكَ كَنْزٌ فِى الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ ذُو قَرْنَيْهَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: اى على ! شيعيان تو در روز قيامت رستگارند. و چنانچه هر كه به يكى از آنان اهانتى كند به تو اهانت كرده است ، و كسى كه تو را اهانت كند به من اهانت نموده ، و هر كس به من اهانت كند خداوند او را داخل آتش جهنم نمايد سپس فرمود: چه عذاب دردناكى است ؟! اى على ! تو از منى و من از تو، روح تو از روح من است ، و سرشت تو از سرشت من ، و شيعيان تو از زيادى سرشت ما خلق شده اند، هر كس آنان را دوست بدارد ما را دوست داشته ، و اگر كسى با آنان دشمنى كند با ما دشمنى نموده ، و هر كس نسبت به آنان كينه بورزد به ما كينه ورزيده ، و هر كس به آنها مهر بورزد به ما مهر ورزيده .

اى على ! شيعيان تو از تمام گناهان و عيبها آمرزيده شده اند. اى على ! بشارت ده به شيعيانت كه من هنگام قرار گرفتن در مقام محمود شفيع آنان خواهم بود. اى على ! شيعيان تو شيعه خدا، و ياران تو ياران خدا، و دوستان تو دوستان خدا، و حزب تو حزب خدا مى باشند، خوشبخت است آنكه داراى ولايت تو است ، و بدبخت كسى كه با تو دشمنى كند. اى على ! براى تو در بهشت گنجى است ، و تو اسكندر آنى .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَبْعَثُ أُنَاساً وُجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ عَلَى كُرْسِيٍّ مِنْ نُورٍ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مِنْ نُورٍ فِى ظِلِّ الْعَرْشِ بِمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَيْسُوا بِالْأَنْبِيَاءِ بِمَنْزِلَةِ الشُّهَدَاءِ وَ لَيْسُوا بِالشُّهَدَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَا قَالَ الاْخَرُ أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَا قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ وَ قَالَ هَذَا وَ شِيعَتُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال روز قيامت انسانهائى را بر مى انگيزد كه چهره هاى آنان نورانى است ، و بر كرسى نور نشسته اند، در لباسهائى از نور، و آنان در جايگاه پيامبرانند، با اينكه پيامبر نيستند، و در رتبه شهيدانند، با اينكه از شهداء نيستند.

مردى پرسيد: اى رسول خدا! من از آنانم ؟ فرمود: نه ، ديگرى گفت : اى رسول خدا! من از آنهايم ؟ فرمود: نه ، پرسيدند: آنها چه كسانى هستند اى رسول خدا؟ پيامبر دست بر سر على عليه‌السلام نهاد و فرمود: اين و شيعيانش .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَسْتَخِفُّوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ عِتْرَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُشَفَّعُ فِى مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فقيران شيعه على و اولادش را سبك نشمريد، زيرا يك تن از آنها مى تواند مانند دو قبيله بزرگ ربيعه و مضر را شفاعت كند.

وَ قَالَ رُبَّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِى طِمْرَيْنِ مُدْقِعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبَرَّهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چه بسا ژوليده موى غبار آلوده اى كه لباسى كهنه دارد و به در خانه ها براى طلب حاجت مى رود، اگر خداوند را قسم دهد حاجتش را روا كند.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا اكْتَنَفَتْهُ بِعَدَدِ مَنْ خَالَفَهُ مَلَائِكَةٌ يُصَلُّونَ خَلْفَهُ يَدْعُونَ اللَّهَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ

هيچ بنده اى از شيعيان ما به نماز نمى ايستد مگر آنكه به شماره كسانى كه مخالف اويند فرشتگان پشت سر او به نماز مى ايستند، و براى او دعاى خير مى كنند تا از نماز فارغ شود.

قَالَ جَابِرٌ كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍعليه‌السلام فَقَالَ أَ لَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَذَا جَبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِى عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ أَعْطَى شِيعَتَكَ وَ مُحِبِّيكَ سَبْعَ خِصَالٍ الرِّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ يَسْعى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ

جابر گويد: روزى نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بودم ، ناگاه رو به طرف على بن ابى طالب عليه‌السلام نمود و فرمود: اى ابو الحسن ! آيا تو را مژده اى دهم ؟ عرض كرد: بلى اى رسول خدا، فرمود:

جبرئيل از طرف خداوند به من خبر داد كه هفت خصلت به شيعيان و دوستدارانت عطا شد، مدارا با آنان در هنگام مرگ ، انس هنگام رميدن و وحشت مردم ، روشنى در هنگام تاريكى ، ايمنى در هنگام برپايى قيامت ، عدالت در ميزان عمل ، گذشتن از پل صراط، داخل شدن به بهشت قبل از ساير مردم ، در حالى كه نور ايمان آنان در پيشاپيش و سمت راست آنان در حركت است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النِّعَمِ قِيلَ وَ مَا أَوَّلُ النِّعَمِ قَالَ طِيبُ الْوِلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه ما اهل بيت را دوست بدارد خداى را بر نخستين نعمت سپاس گويد. شخصى پرسيد: نخستين نعمت چيست ؟

فرمود: پاك زادگى . سپس فرمود: هيچ كس نمى تواند ما را دوست بدارد مگر اينكه حلال زاده باشد.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِى أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ عِتْرَتِى أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَ ذَاتِى أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بنده به حقيقت ايمان نمى رسد مگر اينكه مرا از جان خويش بيشتر دوست بدارد، و همچنان اهل بيت و عترت مرا از خانواده خود و هستى مرا از هستى خويش محبوبتر بداند.

وَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَنْ أَصْبَحَ يَجِدُ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِى النِّعَمِ قِيلَ وَ مَا بَادِى النِّعَمِ قَالَ طِيبُ الْوِلَادَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كه گذران عمر نمايد و خنكى دوستى با ما را بر قلبش احساس كند، نخست بايد خداوند را بر آغازين نعمتها ستايش ‍ كند، پرسيده شد: مقصود شما از آغازين نعمتها چيست ؟ فرمود: حلال زادگى .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ فَلَا يَشُكَّنَّ أَنَّهُ فِى الْجَنَّةِ وَ إِنَّ فِى حُبِّ أَهْلِ بَيْتِى عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِى الدُّنْيَا وَ عَشْرٌ فِى الاْخِرَةِ أَمَّا فِى الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعِلْمِ وَ الْوَرَعُ فِى الدِّينِ وَ الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِى قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِى أَيْدِى النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَهْيِهِ وَ التَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَ أَمَّا فِى الاْخِرَةِ فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ يُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْيَضُّ وَجْهُهُ وَ يُكْسَى مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ يُشَفَّعُ فِى مِائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يُتَوَّجُ مِنْ تِيجَانِ الْجَنَّةِ وَ الْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّى أَهْلِ بَيْتِى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس كه خداوند مهر امامان از خاندان مرا را روزى او فرمود، خير دنيا و آخرت نصيب او گشت ، و شك نكند كه او در بهشت است ، زيرا در مهر خاندان من بيست خصلت است ، ده در دنيا و ده تاى آن در آخرت .

اما در دنيا: زهد، و حرص بر طلب علم ، و پرهيزگارى در دين ، و ميل در عبادت ، و توبه قبل از مرگ ، و نشاط در شب زنده دارى ، و چشم نداشتن به آنچه در دست مردم است ، محافظت بر امر و نهى خداوند، و نهم نفرت از دنيا، و دهم سخاوت .

اما در آخرت : حساب و كتابى برايش بر پا نمى گردد، براى او ميزانى نصب نمى گردد، و نامه عمل او به دست راستش داده شود، و برائت از آتش ‍ جهنم نصيبش گردد، سپيد روى باشد، و بر او از جامه هاى بهشتى پوشيده شود، و حق شفاعت صد نفر از خانواده اش به او داده شود، و خداوند نظر رحمت بر او افكند، و تاج بهشتى بر تاركش نهند، و دهم آنكه بدون حساب داخل بهشت شود، خوشا بحال دوستان خاندان من .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ صَانِعِ الْمُنَافِقَ بِلِسَانِكَ وَ أَخْلِصْ وُدَّكَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ إِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با منافق با زبان مدارا معاشرت كن ، و مهربانى بى شائبه و حقيقى خود را براى مؤمنان بگذار، و اگر يهودى اى همنشين تو باشد همنشينى نيكو براى او باش .

قَالَ سَلْمَانُ رحمه‌الله أَوْصَانِى خَلِيلِى رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِسَبْعِ خِصَالٍ لَا أَدَعُهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَوْصَانِى أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِى وَ لَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِى وَ أَنْ أُحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَ أَدْنُوَ مِنْهُمْ وَ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ مُرّاً وَ أَنْ أَصِلَ رَحِمِى وَ إِنْ كَانَتْ مُدْبِرَةً وَ أَنْ لَا أَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئاً وَ أَنْ أَقُولَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ

سلمان فارسى رحمه‌الله مى گويد: دوستم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا به هفت خصلت سفارش فرمود كه آنها را در هيچ حال ترك نمى كنم ، و آنها اين است :

اول اينكه هميشه به زير دستم نظر كنم نه به بالا دستم ، دوم اينكه فقراء را دوست بدارم و به آنها نزديك شوم ، سوم اينكه سخن حق بگويم گرچه تلخ باشد، چهارم اينكه صله رحم كنم گرچه آنان از من رو گردان باشند، پنجم اينكه از مردم چيزى نخواهم ، ششم اينكه ذكر «لا حول و لا قوّة إ لّا باللّه» بگويم و در هر حال فقط از خدا مدد جويم ، زيرا آن از گنجهاى بهشت است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله حُسْنُ الْمَحْضَرِ مِنْ طِيبِ الْمَوْلِدِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: معاشرت نيكو علامت پاكزادگى است .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ صَدُوقٌ فِى حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: محبوبترين بندگان نزد خداوند كسى است كه در گفتارش راستگو باشد، و بر نماز و آنچه خداوند بر او واجب نموده مواظب باشد، و اداء امانت نمايد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام خِيَارُكُمْ سُمَحَاؤُكُمْ وَ شِرَارُكُمْ بُخَلَاؤُكُمْ وَ مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَ السَّعْيُ فِى حَوَائِجِهِمْ وَ فِى ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ تَزَحْزُحٌ عَنِ النِّيرَانِ وَ دُخُولُ الْجِنَانِ قَالَ يَا جَمِيلُ أَخْبِرْ بِهَذَا الْحَدِيثِ غُرَرَ أَصْحَابِكَ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غُرَرُ أَصْحَابِى قَالَ هُمُ الْبَارُّونَ بِالْإِخْوَانِ فِى الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ ثُمَّ قَالَ يَا جَمِيلُ أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ صَاحِبَ الْقَلِيلِ وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: بهترين شما بخشنده ترين شمايند، و بدترين شما بخيلان شمايند، از كارهاى شايسته نيكى كردن به برادران و كوشش در بر آوردن حاجات آنهاست ، زيرا از اين كار شيطان منكوب مى شود، و موجب دورى از آتش و دخول در بهشت است . اى جميل ! اين حديث را براى برجستگان از يارانت نقل كن ! جميل مى گويد: عرض كردم : قربانت گردم ، برجستگان اصحاب من كيانند؟ فرمود: آنها كه با برادران خود در خوشى و سختى نيكى كنند.

سپس فرمود: اى جميل ! اين كار براى شخص ثروتمند آسان است ولى خداوند مدح نموده احسان نمودن درويشان را و فرموده : (كسانى كه با فرط احتياج ديگران را بر خود مقدم مى دارند، آنان كه خويش را از بخل نگهداشتند هم آنان رستگارانند).

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا أَدْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْهُ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: كمترين حق مؤمن بر برادرش ‍ چيست ؟ فرمود: آنست كه نيازهاى ضرورى او را بر نياز خود مقدم دارد.

وَ قَالَ أَيْضاً تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُوَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به وسيله همدردى با برادرانتان به خدا تقرّب بجوئيد.

وَ قَالَ أَيْضاً الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ارزش و احترام مؤمن از كعبه فزونتر است .

وَ قَالَ الصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ أَوَّلُهَا أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِيَةُ أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَ شَيْنَكَ شَيْنَهُ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ لَا يُغَيِّرَهُ مَالٌ وَ لَا وِلَايَةٌ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئاً مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدُرَتُهُ وَ الْخَامِسَةُ أَنْ لَا يُسْلِمَكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دوستى داراى مرزهائى است ، هر كه داراى اين شرايط نباشد او را دوستى كامل ننام ، و هر كس داراى چنين حدودى نباشد به او هيچ درجه اى از دوستى را نسبت نده ، نخست اينكه : پنهان و آشكارش براى تو يكى باشد، دوم اينكه : آراستگى تو را آراستگى خود بداند و زشتى تو را زشتى خود، سوم آنكه : دارايى و منصب او را دگرگون نسازد، چهارم آنكه : آنچه را بر آن قدرت دارد از تو دريغ نكند، پنجم آنكه : تو را هنگام شكستهاى روزگار ترك نكند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِبْلِيسُ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ خَمْسٌ لَيْسَ لِى فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ فِى قَبْضَتِى مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ مِنْ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ اتَّكَلَ عَلَيْهِ فِى جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِى لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ مَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ تُصِيبُهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيطان مى گويد: پنج كسند كه نمى توانم چاره اى براى آنان بينديشم ، امّا بقيه مردم در مشت منند: آن كس كه از روى راستى و دل پاك به خدا پناه برد و در همه كارهايش به او اعتماد كند، و آنكه در شب و روز خود بسيار تسبيح گويد، و آن كس كه آنچه را براى خود مى پسندد براى برادر مؤمنش بپسندد، و آنكه در هنگام مصيبت بي تابى نكند، و كسى كه به داده خدا خشنود باشد و براى روزى خود اندوهگين نباشد.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام أَحْبِبْ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ و أَحْبِبْ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ إِذَا احْتَجْتَ فَاسْأَلْهُ وَ إِذَا سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَ لَا تَدَّخِرْ عَنْهُ خَيْراً فَإِنَّهُ لَا يَدَّخِرُهُ عَنْكَ كُنْ لَهُ ظَهْراً فَإِنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ إِنْ غَابَ فَاحْفَظْهُ فِى غَيْبَتِهِ وَ إِنْ شَهِدَ فَزُرْهُ وَ أَجِّلْهُ وَ أَكْرِمْهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْكَ عَاتِباً فَلَا تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسُلَّ سَخِيمَتَهُ وَ مَا فِى نَفْسِهِ وَ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ إِنِ ابْتُلِيَ فَاعْضُدْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: برادر مسلمانت را دوست بدار، و دوست بدار براى او آنچه را براى خود دوست دارى ، و آنچه را براى خودت نمى پسندى براى او هم مپسند، اگر نيازى داشتى رفع آن را از او بخواه ، و اگر از تو چيزى خواست حاجتش را بر آور، هيچ خيرى را از او پنهان مكن ، همچنان كه او از تو پنهان نمى كند، پشتيبان او باش زيرا او پشتيبان تو است ، غيبتش را نگهدار، و اگر بازگشت به ديدار او برو، و او را تجليل و اكرام كن ، زيرا او از تو و تو از اويى ، و اگر تو را سرزنش نمود از او نبر تا اينكه از دلخورى و گرفتگى جان آرامش پيدا كند، و زمانى كه به او خيرى رسيد خدا را بر آن ستايش كن ، و اگر گرفتار شد كمكش كن و او را تقويت كن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مؤمن توانمندى نيست كه خار سازد برادر مؤمنش را مگر اينكه خداوند او را در دنيا و آخرت خار سازد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ رَوَى عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدْمَ مُرُوَّتِهِ لِيُسْقِطَهُ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه عليه برادر مؤمنش سخنى بگويد و هدفش بد جلوه دادن و نابود كردن شخصيت او باشد، تا اينكه او را از چشم مردم بياندازد؛ خداوند متعال او را از ولايتش خارج و به ولايت شيطان متصل مى سازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجَراً لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه ما را دوست بدارد روز قيامت با ماست ، و چنانچه شخصى سنگى را دوست بدارد، خداوند او را با آن سنگ محشور خواهد كرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِسْلَامِ أَنْ يُحِبَّ فِى اللَّهِ وَ يُبْغِضَ فِى اللَّهِ وَ يُعْطِيَ فِى اللَّهِ وَ يَمْنَعَ فِى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: از مطمئن ترين دستگيره اسلام آن است كه : دوست بدارد براى خدا، و دشمنى بدارد براى خدا، و ببخشد در راه خدا، و منع كند به خاطر خدا.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ جَالَسَ لَنَا عَائِباً أَوْ مَدَحَ لَنَا غَالِياً أَوْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعاً أَوْ قَاطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ وَالَى لَنَا عَدُوّاً أَوْ عَادَى لَنَا وَلِيّاً فَقَدْ كَفَرَ بِالَّذِى أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِيَ وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه با عيبجوى ما همنشينى نمايد، يا دشمن ما را مدح نمايد، و يا پيوند نمايد با كسى كه از ما بريد، يا از بستگان ما كناره گيرد، يا با دشمنان ما دوستى نمايد، يا با دوست ما دشمنى كند، به خدايى كه سبع مثانى [سوره حمد]و قرآن عظيم را فرو فرستاده كافر شده است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَا تدخلوا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تؤ منوا تُؤْمِنُونَ حَتَّى تَحَابُّوا و لا تحابوا زائدة أَ وَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِنْ فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ وَ قَالَ إِذَا النَّاسُ أَظْهَرُوا الْعِلْمَ وَ ضَيَّعُوا الْعَمَلَ وَ لا زائدة تَحَابُّوا بِالْأَلْسُنِ وَ تَبَاغَضُوا بِالْقُلُوبِ وَ تَقَاطَعُوا فِى الْأَرْحَامِ لَعَنَهُمُ اللّهُ عِنْدَ ذَلِكَ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمى أَبْصارَهُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: قسم به كسى كه جانم در دست قدرت اوست ، داخل بهشت نخواهيد شد مگر اينكه ايمان آوريد، و ايمان نخواهيد آورد مگر اينكه همديگر را دوست بداريد، آيا شما را راهنمايى كنم به چيزى كه اگر آن را انجام دهيد با يك ديگر دوست خواهيد شد؟ سلام را در بين خودتان آشكار كنيد [يعنى شعار رسمى قرار دهيد]و باز فرمود: هر گاه مردم تظاهر به دانش نمايند، و عمل را بكار نبندند، و همديگر را به لقلقه زبان دوست بدارند، و در دل دشمن همديگر باشند، و پيوند فاميلى را بگسلند، در اين هنگام خداوند بر آنان نفرين فرستد و گوشهايشان را كر و چشمانشان را كور گرداند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله كَثْرَةُ الْمِزَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ كَثْرَةُ الضِّحْكِ يَمْحُو الْإِيمَانَ وَ كَثْرَةُ الْكَذِبِ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شوخى بسيار آبرو را مى برد، و خنده بسيار ايمان را نابود مى كند، و دروغ بسيار آبرو و اعتبار را مى برد.

قِيلَ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام بِمَ يُعْرَفُ النَّاجِى فَقَالَ مَنْ كَانَ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقاً فَهُوَ نَاجٍ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقاً فَإِنَّمَا ذَلِكَ مُسْتَوْدَعٌ

از امام صادق عليه‌السلام پرسيده شد: نشانه پيروزمند چيست ؟ فرمود: هر كس كردارش موافق گفتارش باشد، او پيروزمند است ، و هر كه كردارش ‍ موافق گفتارش نباشد ديانتى عاريه اى و لرزان دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا خَلَقْتُ الْمُلُوكَ وَ قُلُوبُهُمْ بِيَدِى فَأَيُّمَا قَوْمٍ أَطَاعُونِى جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ رَحْمَةً وَ أَيُّمَا قَوْمٍ عَصَوْنِى جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ سَخْطَةً أَلَا لَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ أَعْطِفْ بِقُلُوبِهِمْ عَلَيْكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: من خدايى هستم كه هيچ معبودى جز من نيست ، پادشاهان را بر آنها آفريدم ، و دلهاى آنها در دست من است ، هر قومى كه مرا اطاعت كند پادشاهان را بر آنها مهربان قرار مى دهم ، و هر قومى كه از فرمانم سرپيچى كند پادشاهان را بر آنان خشمگين قرار مى دهم ، آگاه باشيد! كه خودتان را به دشنام دادن به پادشاهان مشغول نداريد، به سوى خدا برگرديد تا قلبهاى آنان را بر شما مهربان گرداند.

وَ عَنْهُ قَالَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ وَ زَاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ مُرْشِدٌ اسْتَمْكَنَ عَدُوَّهُ مِنْ عُنُقِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله كه فرمود: هر كه راهنمائى در قلب ، و باز دارنده اى از درون جان خود نداشته باشد، و همدمى مرشد نداشته باشد، دشمنش بر او مسلط خواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَيُّمَا عَبْدٍ أَطَاعَنِي لَمْ أَكِلْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ عَصَانِى وَكَلْتُهُ إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ لَمْ أُبَالِ فِى أَيِّ وَادٍ هَلَكَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: هر بنده اى كه مرا اطاعت كند او را به غير خودش وانمى گذارم ، و هر بنده اى كه عصيان مرا نمايد او را به خودش وامى گذارم ، و باكى ندارم كه در كدام سرزمين نابود مى شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ غَلَبَ عِلْمُهُ هَوَاهُ فَذَاكَ عِلْمٌ نَافِعٌ وَ مَنْ جَعَلَ شَهْوَتَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ ظِلِّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُدَ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبِ عَالِمٍ مُحِبٍّ لِلشَّهَوَاتِ أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَاماً لِلْمُتَّقِينَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كسى كه علمش بر هواى نفسش ‍ غلبه كند، اين علم سودمند است ، و هر كه شهوتش را زير پايش قرار دهد شيطان از سايه اش فرار مى كند. خداوند متعال به حضرت داود عليه‌السلام فرمود: حرام است هر دانشمندى را كه دلش دوستدار شهرت است رهبر پرهيزگاران قرار دهم .

قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَالسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلى غَيْبِهِ أَحَداً. إِلاّ مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِى الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: تا سه خصلت در مؤمن نباشد مؤمن نخواهد بود: سنّتى از آفريدگارش ، و سنّتى از پيغمبرش ، و سنّتى از امامش .

اما سنّت پروردگارش راز نگهدارى است ، خداوند متعال مى فرمايد: (خدا عالم به غيب است و بر راز نهانى خود كسى را مطلع نكند مگر رسولى را كه مى پسندند).

اما سنّت پيغمبرش مدارا كردن با مردم است ، كه خداى عز و جل پيغمبرش ‍ را به مدارا با مردم دستور داده و فرموده : (عفو و چشم پوشى را شيوه خود كن ، به نيكى دستور بده ، و از نادانان روى گردان).

و اما سنّت امامش ، صبر در سختى و گرفتارى است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرحمه‌الله وَ يَبْتَلِيَكَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: برادرت را در گرفتارى شماتت مكن ، چه بسا خداوند او را مورد رحمت قرار دهد و تو را مبتلا و گرفتار سازد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغُلِكَ بِأَهْلِكَ وَ وَلَدِكَ فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَ وَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ وَ إِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هَمُّكَ وَ شُغُلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام مى فرمايد: بيشترين اوقات خود را به خانواده و فرزندانت اختصاص نده ، زيرا اگر خانواده و فرزندانت از اولياء خدا باشند خداوند اوليائش را فراموش نمى كند، و اگر از دشمنان خدا باشند تلاش و اندوه تو براى دشمنان خدا به چه خاطر است ؟

وَ قَالَ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْغَمِّ وَ الْبُخْلِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ وَ قِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سَعَةُ الْحِلْمِ وَ اتِّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طُوبى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ طُوبَى شَجَرَةٌ فِى الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِى دَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَيْسَ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ فِى دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَنْوِى فِى قَلْبِهِ شَيْئاً إِلَّا أَتَاهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ بِهِ وَ لَوْ أَنَّ رَاكِباً مُجِدّاً سَارَ فِى ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهَا وَ لَوْ أَنَّ غُرَاباً طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَعْلَاهَا حَتَّى صَارَ هَرِماً أَلَا فَفِى هَذَا فَارْغَبُوا إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَفْسِهِ فِى شُغُلٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِى رَاحَةٍ إِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَرَشَ وَجْهَهُ وَ سَجَدَ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ وَ يُنَاجِي الَّذِى خَلَقَهُ فِى فَكَاكِ رَقَبَتِهِ أَلَا فَهَكَذَا كُونُوا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: براى پرهيزگاران نشانه هائى است كه به توسط آنها شناخته مى شوند: راستگويى ، ردّ امانت ، وفاى به عهد، كمتر اندوهگين شدن ، و كمتر بخل ورزيدن ، پيوند با نزديكان ، مهربانى بر ضعيفان ، كم مباشرت كردن با زنان ، بخشش و احسان ، خوش خلقى ، حلم ورزى ، پيروى از دانشى كه موجب نزديك شدن به خداست (خوشا به حال آنها و چه خوش سرانجامى دارند).

و طوبى نام درختى است در بهشت كه اصل و ريشه اش در خانه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است و در خانه هر مؤمنى بدون استثناء شاخه اى از شاخه هايش وجود دارد و هر خواسته اى كه بر دل او بگذرد آن شاخه به او مى دهد. و اگر سوارى تندرو صد سال در سايه اش راه بپيمايد از زير سايه آن بيرون نخواهد رفت ، و اگر كلاغى از بن آن پرواز كند به بالاى آن نرسد تا اينكه پير شود، آگاه باشيد! و به اين نعمت بى كران رغبت كنيد.

همانا مؤمن به خود سرگرم است ، و مردم از او در آسايشند، چون تاريكى شب او را فراگيرد روى بر خاك نهد و براى خداى تعالى با شريف ترين اعضاى بدنش سجده كند، و با آن كس كه او را آفريده براى رهائى خود از دوزخ راز و نياز مى كند، آگاه باشيد! و چنين باشيد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ يُقِيمُ الْفَرَائِضَ وَ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنِ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَ أَتْقَى النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ وَ أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقّاً وَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَ أَكْرَمُ النَّاسِ أَتْقَاهُمْ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْراً مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَ أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: عابدترين مردم كسى است كه واجبات را بپا دارد، و پارساترين مردم كسى است كه از محرّمات بپرهيزد، و با تقواترين مردم كسى است كه هميشه سخن حق بگويد چه به نفعش باشد چه به ضررش ، و پرهيزگارترين مردم كسى است كه از جدال دورى كند و گرچه حق با او باشد، و كوشاترين مردم كسى است كه گناهان را ترك كند، و محترمترين مردم با تقواترين آنهاست ، و با منزلت ترين مردم آن كس است كه از آنچه به او ربطى ندارد دورى كند، و سعادتمندترين مردم كسى است كه با مردم گرامى و محترم معاشرت نمايد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّعليه‌السلام اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ مِنْ أَتْقَى النَّاسِ وَ ارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ وَ كُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَ أَحْسِنْ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِناً وَ أَحْسِنْ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِماً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به امام حسن عليه‌السلام فرمود: به واجبات خدا عمل كن تا از پرهيزگارترين مردم باشى ، و راضى به قضا و قدر خدا باش تا بى نيازترين مردم باشى ، از محرمات الهى دورى بجوى تا پارساترين مردم باشى ، با همسايه ات خوشرفتارى كن مؤمن خواهى بود، و با همراهت به نيكى رفتار كن ، مسلمان خواهى بود.

وَ قَالَ إِنَّ إِصْلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَ الْيَقِينِ وَ هَلَاكَ آخِرَتِهَا بِالشُّحِّ وَ الْأَمَلِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اصلاح دنياى اين امت به ترك دنيا و يقين به خداست ، و نابودى آخرتش به بخل و آرزوست .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِى الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِى الاْخِرَةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بيش از هر چيز بر امتم از پيروى هواى نفس و آرزوى طولانى مى هراسم ، اما هواى نفس راه را بر حق مى بندد، و اما آرزوى دراز! آخرت را از ياد انسان مى برد.

وَ قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِى الدُّنْيَا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِى الْحِكْمَةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه مردى را ديديد كه ترك دنيا كرده به او نزديك شويد، زيرا او به حكمت رسيده .

وَ رُوِيَ أَنَّ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ اشْتَرَى وَلِيدَةً بِمِائَةِ دِينَارٍ إِلَى شَهْرٍ فَسَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ أَ لَا تَعْجَبُونَ مِنْ أُسَامَةَ الْمُشْتَرِيَ إِلَى شَهْرٍ إِنَّ أُسَامَةَ لَطَوِيلُ الْأَمَلِ وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا طَرَفَتْ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنَّ شُفْرَيَّ لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِى وَ لَا رَفَعْتُ طَرْفِى وَ ظَنَنْتُ أَنِّى خَافِضُهُ حَتَّى أُقْبَضَ وَ لَا لَقَمْتُ لُقْمَةً إِلَّا ظَنَنْتُ أَنِّى لَا أُسِيغُهَا لِحَصْرَتِهَا مِنَ الْمَوْتِ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِى آدَمَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتَى وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ إِنَّ ما تُوعَدُونَ لاَتٍ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

نقل شده كه اسامة بن زيد كنيزى را به صد دينار خريد به اين صورت كه پول آن را يك ماهه بپردازد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از اين مطلب با خبر شد و فرمود: «آيا تعجب نمى كنيد از اسامه كه معامله يك ماهه نموده ؟ اسامه بلند آرزوست ؛ قسم به آنكه جانم در دست اوست دو چشمم باز نشود مگر اينكه گمان كنم دو پلكم با هم ملاقات نمى كند تا اينكه خداوند جانم را بگيرد، و چشمانم را بالا نمى برم و گمان مى كنم كه پايين آورنده آن خودم هستم تا اينكه جانم گرفته مى شود، و لقمه اى را بر نمى دارم مگر آنكه گمان مى كنم آن را نمى جويم چون مرگ مرا فرا گرفته».

سپس فرمود: اى فرزندان آدم ! اگر عقل داريد پس خود را براى مرگ آماده سازيد، قسم به آنكه جانم بدست اوست (آنچه وعده داده شده مى آيد و شما بر قدرت خدا غالب نخواهيد شد).

قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام مَنْ لَقِيَ فَقِيراً فَسَلَّمَ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَان

امام رضا عليه‌السلام مى فرمايد: هر كس نيازمندى را ملاقات نمايد و سلامى بر او كند متفاوت با سلام گفتن به شخص ثروتمند، خداوند را در قيامت ملاقات كند در حالى كه از او خشمناك است .

وَ قِيلَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى وَ اللَّهِ لَأُحِبُّكَ فِى اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ فَإِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِى فَأَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَاباً فَإِنَّ الْفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُحِبُّنِى مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ

گفته شده : مردى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و گفت : اى رسول خدا؛ به خدا قسم من به خاطر خدا شما را دوست دارم ، فرمود: اگر مرا دوست دارى براى پوشيدن لباس فقر آماده باش ، زيرا سرعت فقر به سوى كسى كه مرا دوست دارد بيشتر از سرعت سيل است به آخرين مقصدش .

وَ قَالَ انْظُرُوا إِلَى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ فَوْقَكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَرُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: به افراد زير دست خود بنگريد، و منگريد به بالا دستتان ، زيرا اين كار سزاوارتر است از اينكه نعمتهاى خدا را سبك بشماريد.

وَ قَالَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْداً فِى دَارِ الدُّنْيَا يُجِيعُهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُجِيعُهُ قَالَ فِى مَوْضِعِ الطَّعَامِ الرَّخِيصِ وَ الْخَيْرِ الْكَثِيرِ وَلِيُّ اللَّهِ لَا يَجِدُ طَعَاماً يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه خداوند بنده اى را در دنيا دوست بدارد او را گرسنه نگه مى دارد.

پرسيده شد: اى رسول خدا! او را گرسنه نگه مى دارد؟ فرمود: در جايى كه غذا ارزان و خير بسيار باشد ولىّ خدا غذايى را كه با آن شكم خود را سير كند نمى يابد [يعنى : فقير است و تهيّه غذا براى او ممكن نيست]

وَ قَالَ لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دلهاى خود را به زياد خوردن غذاها و آشاميدنيها نميرانيد، زيرا دلها همانند زراعتى كه آب زياد به آن برسد مى ميراند.

وَ قَالَ الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَ مُرُوَّتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: ايمان حقيقى لخت و برهنه است و جامه اش حياء، و زيورش وفاى به عهد است ، و مردانگيش كار نيك ، و ستونش ورع و پارسايى است ، و براى هر چيزى بنيادى است ، و بنياد اسلام دوستى ماخاندان است .

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَاناً قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَّاباً قَالَ لَا

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسيده شد: آيا مؤمن ترسو مى شود؟ فرمود: بلى ، سؤ ال شد: آيا بخيل مى شود؟ فرمود: بلى ، گفته شد: آيا دروغگو مى شود: فرمود: خير.

وَ قَالَ تَقَبَّلُوا إِلَيَّ سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلْ لَكُمُ الْجَنَّةَ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ إِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَ إِذَا اؤْتُمِنْتُمْ فَلَا تَخُونُوا وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ احْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَلْسِنَتَكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شش عمل را براى من عهده دار شويد تا براى شما بهشت را عهده دار شوم : هنگامى كه سخنى نقل مى كنيد دروغ نگوييد، و هر گاه وعده داديد تخلف نكنيد، و چون امانتى را پذيرفتيد خيانت نكنيد، چشمان خود را بر هم نهيد و خود را از نامحرم نگهداريد، و دست و زبان خود را از اذيت مردم بازداريد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام كُونُوا لَنَا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْناً قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوهَا عَنِ الْفُضُولِ وَ قُبْحِ الْقَوْلِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: زينت و زيور براى ما باشيد، و مايه آبرو ريزى ما نباشيد. به مردم به نيكوئى سخن بگوييد، و زبانتان را از خطا حفظ نماييد، از زياده گويى و زشت گويى بپرهيزيد.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنِ اغْتَابَ مُؤْمِناً بِمَا لَيْسَ فِيهِ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ الْمُغْتَابُ فِى النَّارِ خَالِداً فِيهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس مؤمنى را به صفتى كه در او نيست غيبت كند عصمت ميان آنها بريده مى شود، و غيبت كننده در دوزخ جاودان مى گردد، و اين چه عاقبت بدى است .

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَ هُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغِيبَةِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: دروغ گفته كسى كه گمان مى كند كه حلال زاده است در حالى كه گوشتهاى مردم را بواسطه غيبت مى خورد.

وَ قَالَ اجْتَنِبِ الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: از غيبت دورى بجوييد زيرا غيبت خورش سگهاى دوزخ است .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مِنَ الْغِيبَةِ مَا تَقُولُ فِى أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مِنَ الْبُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِى أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: غيبت آن است كه عيب برادرت را كه خدا پوشانده آشكار كنى ، و تهمت آن است كه به دروغ چيزى را به وى نسبت دهى .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَكُونُ فِى آخِرِ الزَّمَانِ عِبَادٌ جُهَّالٌ وَ قُرَّاءٌ فَسَقَةٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در آخر زمان بندگانى نادان و قاريانى فاسق خواهند بود.

وَ قَالَ إِذَا عَمِلَتْ أُمَّتِى خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهِمُ الْبَلَاءُ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اتَّخَذُوا الْفَيْءَ دُوَلًا وَ الْأَمَانَةَ مَغْنَماً وَ الزَّكَاةَ مَغْرَماً وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَّ أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ وَ شَرِبَ الْخَمْرَ وَ لَبِسَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيبَاجَ وَ اتَّخَذُوا الْمَعَازِفَ وَ الْقِيَانَ وَ أُكْرِمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْذَلَهُمْ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِى الْمَسَاجِدِ فَلْيَتَوَقَّعُوا خِلَالًا ثَلَاثاً رِيحاً حَمْرَاءَ وَ خَسْفاً وَ مَسْخاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه در امت من پانزده خصلت بوجود آيد گرفتار بلا خواهند شد، پرسيدند: اى رسول خدا! آن خصلتها چيست ؟ فرمود: هنگامى كه سرمايه ملّى در دست عدّه خاصى باشد، و امانت را غنيمت شمارند، و زكات دادن را زيان و ضرر دانند، و مرد فرمان همسرش برد و نافرمانى مادرش نمايد، و با دوستش مهربان باشد و به پدرش جفا كند، و خمر بنوشد، و حرير و پارچه ابريشمى بپوشد، و موسيقى بنوازد و آوازه خوان استخدام كنند، مردم از ترس احترامش كنند، و پست ترين افراد اجتماع بر آنها رياست كند، و آيندگان امت گذشتگانش را لعن كنند، و صداهاى نامشروع در مساجد بلند شود، در چنين هنگامى بايد منتظر سه چيز باشند: باد سرخ ، و فرو رفتن زمين ، و مسخ شدن مردم .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِى ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لَهَا وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رِجْلًا وَ لَمْ يُؤَخِّرْ أُخْرَى حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفِيَ ذَلِكَ الْعَيْبَ عَنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفِي مِنْهَا عَيْباً إِلَّا بَدَا لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغُلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در هر كس سه صفت يا يكى از آن سه باشد، در قيامت كه هيچ سايه اى جز سايه الهى نيست زير سايه عرش خدا خواهد بود:

مردى كه رفتارش با ديگران چنان باشد كه همان رفتار را نسبت به خود از ديگران انتظار دارد؛ مردى كه تا رضا و خشم الهى را در كارى احراز نكرده ، قدمى پس و پيش ننهد؛

مردى كه تا عيبى را از خود دور نساخته از برادرش در باره آن عيب جويى ننمايد؛ زيرا هر عيبى را كه از خود دور كند عيبى ديگر در خويش خواهد ديد، و هر كس به خود بپردازد فرصت عيبجويى از ديگران را نخواهد يافت .

عَنْهُصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ إِذَا آوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانْظُرْ مَا سَلَكْتَ فِي بَطْنِكَ وَ مَا كَسَبْتَ فِى يَوْمِكَ وَ اذْكُرْ أَنَّكَ مَيِّتٌ وَ أَنَّ لَكَ مَعَاداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه به رختخوابت رفتى حساب كن چه چيزى در شكمت ريخته اى ، و كسب امروزت چه بوده ، و فكر كن كه مرده اى و معادى دارى .

وَ مِنْ كِتَابٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ خُمْصُ الْبُطُونِ ذُبُلُ الشِّفَاهِ يُعْرَفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعيان على عليه‌السلام شكمهايى فرو رفته و لبهايى خشكيده دارند، مردم آنان را تارك دنيا مى دانند.

وَ قَالَ فِى كَلَامٍ لَهُ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ اعْتَادُوهُ فَإِنْ تَرَكُوهُ اسْتَوْحَشُوا وَ لَكِنِ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به زياد نماز خواندن و روزه گرفتن آنها نگاه نكنيد، زيرا بدان عادت كرده اند، و اگر آن را ترك كنند هراسناك شوند، بلكه به راستگويى و امانتدارى آنها بنگريد.

وَ مِنْ كِتَابِ الْخَلَاصِ عَنْ أَبِى جَعْفَرِ بْنِ بَابَوَيْهِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ الْأَحْوَصِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ عِنْدَنَا أَقْوَاماً يَقُولُونَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُفَضِّلُونَهُ عَلَى النَّاسِ كُلِّهِمْ لَيْسَ يَصِفُونَ مَا نَصِفُ مِنْ فَضْلِكُمْ نَتَوَلَّاهُمْ فَقَالَ لِى نَعَمْ فِى الْجُمْلَةِ أَ لَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ وَ عِنْدَكُمْ مَا لَيْسَ عِنْدَ غَيْرِكُمْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ الْإِسْلَامَ عَلَى سَبْعَةِ أَسْهُمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَ الصِّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ النَّاسِ فَمَنْ جُعِلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةُ الْأَسْهُمِ فَهُوَ كَامِلُ الْإِيمَانِ مُحْتَمِلٌ وَ قَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ سَهْماً وَ لِبَعْضٍ السَّهْمَيْنِ وَ لِبَعْضٍ الثَّلَاثَةَ الْأَسْهُمِ وَ لِبَعْضٍ الْأَرْبَعَةَ الْأَسْهُمِ وَ لِبَعْضٍ الْخَمْسَةَ الْأَسْهُمِ وَ لِبَعْضٍ السِّتَّةَ الْأَسْهُمِ وَ لِبَعْضٍ السَّبْعَةَ الْأَسْهُمِ فَلَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ السَّهْمَيْنِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمَيْنِ ثَلَاثَةَ أَسْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الثَّلَاثَةِ أَرْبَعَةَ أَسْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الْأَرْبَعَةِ خَمْسَةَ أَسْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الْخَمْسَةِ سِتَّةَ أَسْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السِّتَّةِ سَبْعَةَ أَسْهُمٍ فَتُثَقِّلُوهُمْ وَ تُنَفِّرُوهُمْ وَ لَكِنْ تَرَفَّقُوا بِهِمْ وَ سَهِّلُوا لَهُمُ الْمَدْخَلَ وَ سَأَضْرِبُ لَكَ مَثَلًا يُعْتَبَرُ بِهِ رَجُلٌ مُسْلِمٌ وَ كَانَ لَهُ جَارٌ كَافِرٌ وَ كَانَ الْكَافِرُ يَرْفُقُ بِالْمُؤْمِنِ فَأَحَبَّ الْمُؤْمِنُ لِلْكَافِرِ الْإِسْلَامَ وَ لَمْ يَزَلْ يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ وَ يُحَبِّبُهُ إِلَى الْكَافِرِ حَتَّى أَسْلَمَ فَغَدَا عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَذَهَبَ بِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ مَعَهُ الْفَجْرَ فِى جَمَاعَةٍ فَلَمَّا صَلَّى قَالَ لَهُ لَوْ قَعَدْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَقَعَدَ مَعَهُ فَقَالَ لَهُ لَوْ تَعَلَّمْتَ الْقُرْآنَ إِلَى أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ وَ صُمْتَ الْيَوْمَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ مَعَهُ وَ صَامَ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَقَالَ لَوْ صَبَرْتَ حَتَّى تُصَلِّيَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الاْخِرَةَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ مَعَهُ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الاْخِرَةَ ثُمَّ نَهَضَا وَ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ وَ حَمَلَ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ غَدَا عَلَيْهِ وَ هُوَ يُرِيدُ بِهِ مَا صَنَعَ بِالْأَمْسِ فَدَقَّ عَلَيْهِ بَابَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ اخْرُجْ حَتَّى نَذْهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَجَابَهُ أَنِ انْصَرِفْ عَنِّى فَإِنَّ هَذَا دِينٌ شَدِيدٌ لَا أُطِيقُهُ فَلَا تُحَرِّفُوا بِهِمْ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِى أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَ الْعَسْفِ وَ الْجَوْرِ وَ أَنَّ إِمَارَتَنَا بِالرِّفْقِ وَ التَّأْلِيفِ وَ الْوَقَارِ وَ التَّقِيَّةِ وَ حُسْنِ الْخُلْطَةِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ فَرَغِّبُوا النَّاسَ فِى دِينِكُمْ وَ فِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: در نزد ما كسانى هستند كه به خلافت امير مؤمنان عليه‌السلام معتقدند و آن حضرت را بر همه مردم برترى مى دهند ولى آن طور كه ما در باره فضيلت شما معتقديم آنها اعتقاد ندارند، آيا با آنان دوستى كنيم ؟ فرمود: بلى اجمالا دوستشان بداريد، مگر نه اين است كه در نزد خداوند چيزهايى هست كه نزد رسول خدا نيست ، و نزد رسول خدا چيزهايى هست كه نزد ما نيست ، و نزد ما چيزهايى هست كه نزد شما نيست ، و نزد شما چيزهايى هست كه نزد ديگران نيست ؟ خداوند تبارك و تعالى اسلام را بر هفت سهم قرار داده : بر صبر و راستى و يقين و رضا و وفا و دانش و بردبارى ، سپس آن را در ميان مردم تقسيم نموده ، هر كس كه همه اين هفت سهم را داشته باشد ايمانش كامل ، و طاقت و تحمل دارد، و به گروهى از مردم يك سهم داد، و گروهى را دو سهم ، و عدّه اى را سه سهم ، و عدّه اى را چهار سهم و عدّه اى را پنج سهم ، و بعضى را شش سهم ، و عدّه اى را هفت سهم ، پس شما به آن كس كه يك سهم از ايمان نصيب دارد تكليف دارد تكليف دو سهم را تحميل نكنيد، و آنكه داراى دو سهم است ، بار سه سهم بر دوشش منهيد، و كسى را كه سه سهم دارد به چهار سهم تكليف نكنيد، و از چهار سهمى انتظار تحمّل وظيفه پنج سهمى را نداشته باشيد، و بر پنج سهمى شش سهم و بر شش ‍ سهمى هفت سهم تحميل ننماييد، كه بارشان را سنگين و آنها را از دين رميده سازيد، و به جاى اين كار با آنان مدارا كنيد، و راه كار را بر آنان آسان نماييد، اكنون برايت مثلى مى آورم كه مايه عبرت تو باشد.

مرد مسلمانى همسايه كافرى داشت كه با اين مؤمن رفيق بود، مؤمن علاقمند شد كه رفيق كافرش مسلمان گردد، لذا همواره اسلام را در نظر او جلوه مى داد، و او را به دوستى اسلام وامى داشت ، تا اينكه اسلام آورد، صبح روز بعد به سراغ تازه مسلمان رفت تا او را براى نماز جماعت صبح از منزل بيرون آورد.

هنگامى كه از نماز فارغ شد به او گفت : چه مى شود اگر همين جا بنشينيم تا طلوع خورشيد مشغول ذكر خداوند باشيم ؟ او هم با مؤمن نشست ، پس از طلوع آفتاب به او گفت : اگر تا موقع ظهر به يادگيرى قرآن مشغول شوى و امروز را روزه بگيرى بسيار خوب است ، او هم نشست و روزه گرفت تا نماز ظهر و عصر را خواند، سپس باز به او گفت : اگر تأ مّلى كنى و نماز مغرب و عشاء را بخوانى بسيار بهتر خواهد بود، او هم نشست تا نماز مغرب و عشا را با او خواند، سپس هر دو از جاى برخاستند، در حالى كه براى تازه مسلمان تاب و توانى نمانده بود و بيش از طاقت بار بر دوشش گذاشته بود، چون فرداى آن روز رسيد باز به در خانه او رفت تا برنامه روز گذشته را اجرا كند، در را زد و گفت : بيا تا با هم به مسجد برويم ، وى در جواب گفت : دست از من بردار كه اين دين سخت است و من تاب آن را ندارم .

بنا بر اين ؛ شما هم بر مردم فشار نياوريد، مگر نمى دانى كه فرمانروايى دولت بنى اميه به زور شمشير و فشار و ستم بود، ولى فرمانروايى ما با مدارا و مهربانى و متانت و تقيه و معاشرت نيكو و پاكدامنى و كوشش است ، پس ‍ كارى كنيد كه مردم به دين شما و مسلكى كه داريد رغبت پيدا كنند.

## فصل پنجم : در بيان مناقب شيعه على عليه السّلام

الفصل الخامس فى ذكر ما جاء فى فضائل شيعة على ع

عَنْ صَالِحِ بْنِ مِيثَمٍ قَالَ سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شيعيان على عليه‌السلام رستگارانند.

عَنْ هُذَيْلٍ السَّابِرِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ عَلِيٌّعليه‌السلام أَسْنَدَنِى رَسُولُ اللَّهِ إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَخِى سَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ هُمْ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ تَقْدَمُونَ عَلَيَّ غُرّاً مُحَجَّلِينَ وَ يَقْدَمُ عَدُوُّكُمْ سُوداً مُقْمَحِينَ قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

امام باقر عليه‌السلام از على عليه‌السلام نقل كند كه فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا به سينه مباركشان چسباندند و فرمود: برادرم شنيده اى قول خداوند را كه مى فرمايد: (كسانى كه ايمان آورند و عمل نيك انجام دهند بهترين مخلوقات خداوند هستند)، آنها تو و شيعيانت هستيد، بر من وارد مى شويد در حالى كه صورتهاى درخشان داريد و همه شما را مى شناسند، و دشمنان شما نزد من مى آيند در حالى كه چهره هاى تيره و زشت دارند.

حضرت اين سخنان را سه بار تكرار فرمود.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ تَلَا هَذِهِ الاْيَةَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللّهِ أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا ابْنَ أُمِّ سُلَيْمٍ تَرَى فِيمَنْ أُنْزِلَتْ هَذِهِ الاْيَةُ فِينَا وَ فِى شِيعَتِنَا قُلْتُ وَ مَنْ يَدَّعِى الْإِسْلَامَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِكُمْ قَالَ نَعَمْ تُبَاعِدُهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ عَدَاوَتُهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِى وَ تُقَرِّبُهُمْ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ

انس بن مالك گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالى كه اين آيه را مى خواند (كسانى كه ايمان آورده اند و قلبهايشان با ياد خدا آرامش دارد، آگاه باشيد كه با ذكر خدا دلها آرام گيرد) رو به او كرد و فرمود: اى پسر ام سليم ، فكر مى كنى اين آيه در مورد چه كسى نازل شده ؟

در باره ما و شيعيان ما، گفتم : هر كس ادعاى اسلام كند آيا از شيعيان شما نيست ؟ فرمود:

بلى ، دشمنى آنان با اهل بيت من موجب دورى آنان از اسلام ، و نزديكى به يهود و نصارى است .

عَنْ أَبِى الصَّامِتِ الْخَوْلَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام يَا أَبَا الصَّامِتِ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْزُونَةٍ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ وَاحِدٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ وَاحِدٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيَمُرُّ بِالْبُقْعَةِ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ فَيُصَلِّى عَلَيْهَا أَوْ يَمْشِى عَلَيْهَا فَتَفْتَخِرُ تِلْكَ الْبُقْعَةُ عَلَى الْبِقَاعِ الَّتِى حَوْلَهَا فَتَقُولُ مَرَّ عَلَيَّ رَجُلٌ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى ابو صامت ، خداوند شيعيان ما را از سرشت مخزون و محدود خلق نموده است كه تا روز قيامت نه كسى به آنها اضافه مى شود و نه كسى از آنها كم مى شود، اگر مردى از شيعيان ما عبورش ‍ به يكى از عبادتگاههاى روى زمين مى افتد و در آن نماز مى گزارد، يا فقط روى آن راه مى رود، آن عبادتگاه بر ساير عبادتگاههاى اطرافش فخر و مباهات مى كند، و مى گويد: مردى از شيعيان آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله بر من گذر كرد.

وَ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ شِيعَتُنَا كُلُّهُمْ فِى الْجَنَّةِ مُحْسِنُهُمْ وَ مُسِيئُهُمْ وَ هُمْ يَتَفَاضَلُونَ فِيهَا بَعْدَ ذَلِكَ بِالْأَعْمَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعيان ما تماما در بهشتند، نيكوكار و بدكارشان ، و مراتب آنان پس از ورود به بهشت مشخص مى شود.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُدْرِكٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ وَ مَا أَحْدَثَ خَيْراً فَيَرْجِعُ وَ قَدْ مُلِئَتْ صَحِيفَتُهُ حَسَنَاتٍ مِمَّا شُتِمَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى از شيعيان شما از خانه اش بيرون مى رود و هيچ كار خيرى را انجام ندهد، هنگامى كه بر مى گردد نامه عملش ‍ بخاطر ناسزاهايى كه شنيده پر از نيكيها مى شود.

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّعليه‌السلام مَا مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ قُلْتُ أَنَّى يَكُونُ كَذَلِكَ وَ هُمْ يَمُوتُونَ عَلَى فُرُشِهِمْ فَقَالَ أَ مَا تَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ قُلْتُ صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَأَنِّى لَمْ أَرَ هَذِهِ الاْيَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ الْحُسَيْنُعليه‌السلام لَوْ لَمْ تَكُنِ الشَّهَادَةُ إِلَّا لِمَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ لَمَا قَالَ اللَّهُ الشُّهَدَاءُ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: از شيعيان ما نيست مگر راستگو و شهيد، گفتم : چگونه چنين چيزى ممكن است در حالى كه آنان در رختخوابهايشان مى ميرند؟ فرمود: آيا كتاب خدا را نخوانده ايد (كسانى كه به خدا و رسولانش ايمان آورده اند اينها راستگويان حقيقى هستند و نزد پروردگارشان اجر شهيد را دارند) گفتم : درست مى فرمايى فدايت شوم ، گويا من اين آيه را از كتاب خدا نديده بودم ، سپس فرمود: پدرم حسين عليه‌السلام مى فرمود: اگر شهادت فقط منحصر در كشته شدن به وسيله شمشير بود خداوند لفظ شهدا را بكار نمى برد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُنَزِّلَ هَذِهِ الاْيَاتِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَ قُلْنَ يَا رَبِّ تُنَزِّلُنَا عَلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِنَّ أَنِ انْزِلْنَ فَوَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى لَا يَتْلُوكُنَّ أَحَدٌ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ دَبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا أَسْكَنْتُهُ حَظِيرَةَ الْقُدْسِ عَلَى مَا كَانَ فِيهِ وَ نَظَرْتُ إِلَيْهِ بِعَيْنِ الْمَكْنُونَةِ فِى كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضِى لَهُ مَعَ كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً أَدْنَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ الاْيَاتُ هِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَ قُلِ اللّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه خداوند اين سه آيه را فرمان داد كه به زمين فرود آيند به عرش در آويختند و گفتند: پروردگارا، ما را به سوى خطاكاران و گنه كاران فرو مى فرستى ؟ خداوند متعال به آنها وحى فرمود كه فرود آييد، به عزّت و جلالم سوگند كسى از خاندان محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله به دنبال هر نماز شما را تلاوت نكند، مگر اينكه او را در بهشت به همراه آنچه در آن است ساكن مى گردانم ، و به او نظر مى كنم به ديده رحمت هر روزى هفتاد نظر مهرورزى و در هر نظرى هفتاد حاجت از او بر آورم كه كمترين آن آمرزش گناهانش باشد، و آن آيات عبارتند از: سوره حمد، آية الكرسى ، شهد اللّه ، قل اللهم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ خَرَجْتُ أَنَا وَ أَبِى ذَاتَ يَوْمٍ فَإِذَا هُوَ بِأُنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَدَنَا مِنْهُمْ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهِ إِنِّى لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرْوَاحَكُمْ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَلَايَتَنَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ إِذَا ائْتَمَّ أَحَدُكُمْ بِعَبْدٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ أَنْتُمْ شِيعَةُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ شُرْطَةُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ أَنْتُمُ السّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ وَ السَّابِقُونَ الاْخِرُونَ السَّابِقُونَ فِى الدُّنْيَا إِلَى وَلَايَتِنَا وَ السَّابِقُونَ فِى الاْخِرَةِ إِلَى الْجَنَّةِ قَدْ ضَمِنَّا لَكُمُ الْجَنَّةَ بِضَمَانِ اللَّهِ وَ ضَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتُمُ الطَّيِّبُونَ وَ نِسَاؤُكُمُ الطَّيِّبَاتُ كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءُ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ صِدِّيقٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روزى من و پدرم از خانه خارج شديم ، آنجا پدرم با عدّه اى از اصحاب ما بين قبر و منبر روبرو شد، نزديك آنها شد و بر آنها سلام كرد، سپس فرمود:

بخدا قسم من بوى شما و نفس شما را دوست دارم ، ما را بر اين محبت به وسيله پرهيزگارى و سعى و تلاش خود يارى كنيد، و بدانيد جز به پرهيزگارى و تلاش و كوشش كسى به ولايت و دوستى ما نرسد، هر گاه يكى از شماها اقتداى به بنده اى از بندگان خدا نمود بايد مثل او عمل كند، شما شيعيان خداييد، شما سربازان خدائيد، شما ياوران خداييد، و شما پيشى گيرندگان اوّلين و آخرين هستيد، و در دنيا اولين پيشى گيرندگان به ولايت مائيد و در آخرت پيشى گيرندگان به سوى بهشت هستيد، ما به ضمانت خدا و رسولش بهشت را براى شما ضمان كرده ايم ، شما پاكانيد و زنان شما پاكانند، هر زن مؤمنه اى مانند حوريان بهشت است و هر مرد مؤمنى راستگوست .

قَالَ عَلِيٌّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِقَنْبَرٍ يَا قَنْبَرُ أَبْشِرْ وَ بَشِّرْ وَ اسْتَبْشِرْ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ سَاخِطٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ إِلَّا الشِّيعَةَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عُرْوَةً وَ عُرْوَةُ الدِّينِ الشِّيعَةُ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفاً وَ شَرَفُ الدِّينِ الشِّيعَةُ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّداً وَ سَيِّدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسُ الشِّيعَةِ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَهْوَةً وَ شَهْوَةُ الدُّنْيَا سُكْنَى الشِّيعَةِ فِيهَا فَوَ اللَّهِ لَوْ لَا مَا فِى الْأَرْضِ مِنْكُمْ مَا اسْتَكْمَلَ أَهْلُ خِلَافِكُمُ الطَّيِّبَاتِ مَا لَهُمْ فِى الاْخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ كُلُّ نَاصِبٍ وَ إِنْ تَعَبَّدَ وَ اجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الاْيَةِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خاشِعَةٌ عامِلَةٌ ناصِبَةٌ. تَصْلى ناراً حامِيَةً وَ مَنْ دَعَا مُخَالِفاً لَكُمْ فَإِجَابَةُ دُعَائِهِ لَكُمْ وَ مَنْ طَلَبَ مِنْكُمْ إِلَى اللَّهِ حَاجَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ سَأَلَ مِنْكُمْ مَسْأَلَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ دَعَا مِنْكُمْ دَعْوَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً فَلَا تُحْصَى تَضَاعِيفُهَا وَ مَنْ أَسَاءَ مِنْكُمْ سَيِّئَةً فَمُحَمَّدٌ حَجِيجُهُ عَلَى تَبِعَتِهَا وَ اللَّهِ إِنَّ صَائِمَكُمْ لَيَرْتَعُ فِى رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْفَوْزِ حَتَّى يُفْطِرَ وَ إِنَّ حُجَّاجَكُمْ وَ عُمَّارَكُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ وَ إِنَّكُمْ جَمِيعاً لَأَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ أَهْلُ وَلَايَتِهِ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا حُزْنٌ كُلُّكُمْ فِى الْجَنَّةِ فَتَنَافَسُوا فِى فَضَائِلِ الدَّرَجَاتِ وَ اللَّهِ مَا أَحَدٌ أَقْرَبَ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ بَعْدَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ شِيعَتِنَا مَا أَحْسَنَ صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ

على عليه‌السلام به قنبر فرمود: اى قنبر! بشارت بده و بگو آنها هم به ديگران بشارت دهند كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از دنيا رحلت فرمود در حالى كه بر تمام مردم غير از شيعيان خشمگين بود، آگاه باشيد براى هر چيزى دستگيره اى است و دستگيره دين شيعيانند، و براى هر چيزى شرافتى هست و شرافت دين شيعيانند، و براى هر چيزى آقايى هست و آقاى مجالس مجالس شيعيان است ، و براى هر چيزى لذتى هست و لذّت دنيا به زندگى شيعه در آن است ، بخدا قسم اگر شما در روى زمين نبوديد آيندگان شما نعمتها را كامل نمى نمودند، و در آخرت بهره و نصيبى نداشتند، هر كس مخالفت ما كند گرچه بسيار عبادت نمايد و جدّيت در افعال خير داشته باشد مشمول اين آيه است (روز قيامت صورت گروهى ترسناك و ذليل باشد و همه كارشان رنج و مشقت ، و پيوسته در آتش جهنم خواهند بود) و هر يك از مخالفين شما دعايى بكند در حق شما مستجاب مى شود، و هر يك از شما حاجتى را از خدا طلب نمايد صد برابر به او عنايت شود، و هر يك از شما خواهشى كند صد برابر به او داده مى شود، و هر يك از شما دعايى كند صد برابر اجابت شود، و هر يك از شما كار نيكى انجام دهد خداى تعالى پاداشى به او دهد كه چندين برابر باشد و نتواند آن را حساب كند، و هر يك از شما كار بدى انجام دهد محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله از عواقب آن دفاع كند، بخدا قسم روزه گيرنده شما در باغهاى بهشت گردش مى كنند، ملائك براى رستگاريشان دعا مى كنند تا زمانى كه افطار نمايند، و حاجيان و عمره روندگان شما بندگان مخصوص خدايند، و تمامى شما جزء دعوت شدگان خدا و اهل ولايت اوييد، نه ترسى براى شما هست و نه محزون خواهيد شد، تمامى شما در بهشت خواهيد بود پس براى ارتقاء درجه از هم پيشى گيريد، بخدا قسم هيچ كس بعد از ما به عرش خدا به قدر شيعيان ما نزديك نيست ، چه نيكو معامله اى خداوند با آنان نمود.

وَ قَالَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَخْرُجُ أَهْلُ وَلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُشْرِقَةً وُجُوهُهُمْ قَرِيرَةً أَعْيُنُهُمْ وَ قَدْ أُعْطُوا الْأَمَانَ مِمَّا يَخَافُ النَّاسُ وَ لَا يَخَافُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُونَ وَ اللَّهِ مَا يُشْعِرُ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا وَ قَدِ اكْتَنَفَتْهُ الْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَدْعُونَ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ جَوْهَراً وَ إِنَّ جَوْهَرَ بَنِى آدَمَ مُحَمَّدٌ وَ نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا يَا حَبَّذَا شِيعَتُنَا مَا أَقْرَبَهُمْ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهِ لَوْ لَا زَهْوُهُمْ لِعِظَمِ ذَلِكَ لَسَلَّمَتْ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ قُبُلًا

على عليه‌السلام فرمود: روز قيامت اهل ولايت ما از قبورشان خارج مى شوند در حالى كه چهره هايى درخشان دارند و چشمانشان از فروغ ايمان روشن است ، و به آنان از آنچه مردم از آن مى ترسند امان داده شود و آنها ديگر نمى ترسند، و مردم اندوهگينند و آنها اندوهگين نيستند، بخدا قسم احساس نمى كند فردى از شما هنگامى كه براى اقامه نماز بر مى خيزد عدّه اى از ملائك او را در بر مى گيرند، و بر او درود مى فرستند، و برايش دعا مى كنند تا نمازش تمام شود، آگاه باشيد! براى هر چيزى اصلى است و اصل بنى آدم محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله و ما اهل بيت و شيعيان ما هستند، خوشا به حال شيعيان ما، چقدر به عرش خدا نزديكند و روز قيامت خداوند چه معامله نيكوئى با آنان مى كند، قسم بخدا اگر بزرگى اين كار موجب تكبر آنها نمى شد ملائك در مقابل آنان به آنها درود مى فرستادند.

عَنْ خَالِ وُلْدِ هَاشِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلشِّيعَةِ وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ وَ أَنْتُمْ فِى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ اجْتِهَادٍ يُحِبُّ اللَّهُ لَكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خدا و ملائكه اش و ارواح پيامبران براى شيعه طلب آمرزش مى كنند و تا روز قيامت بر آنان درود مى فرستند، و فرمود: شما در بندگى خدا و اجتهادى كه خداوند براى شما دوست دارد هستيد.

وَ قَالَ لَا يُؤَاخِذُ اللَّهُ الشِّيعَةَ بِذَنْبٍ دُونَ الْكَبِيرَةِ وَ إِنِّى لَأَرْجُو أَنْ لَا يَلْقَى اللَّهَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِكَبِيرَةٍ

و فرمود: خداوند متعال شيعه را به گناهى كه كمتر از كبيره باشد بازخواست نمى كند، و همانا من اميدوارم كه خداوند هيچ يك از شما را در گناه كبيره اى نبيند.

وَ قَالَ وَ اللَّهِ مَا أَطَاعَ رَسُولَ اللَّهِ غَيْرُكُمْ وَ لَا نَسَبَ اللَّهُ إِلَى الْإِيمَانِ أَحَداً غَيْرَكُمْ أَنْتُمْ أَعِزَّةُ الْإِسْلَامِ الْخَيْرُ لَكُمْ كُلُّهُ مَا مِنْكُمْ عَبْدٌ ابْتَلَاهُ بِبَلِيَّةٍ فَصَبَرَ إِلَّا كَتَبَ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ إِنِّى لَأَرْجُو أَلَّا تُفْتَنُوا عِنْدَ الْبَلِيَّةِ فَإِنِّى سَمِعْتُ أَبِى يَقُولُ شِيعَتُنَا الْمَعْصُومُونَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ بِسَلَامٍ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ إِلَى طَاعَتِهِ لَا حِسَابٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حُزْنٌ أَنْتُمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَ الْجَنَّةُ لَكُمْ أَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ بِرِضَائِهِ عَنْكُمْ أَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ فَاصْبِرُوا وَ إِنْ رَأَيْتُمْ مَا تَكْرَهُونَ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ فَتَرَوْنَ تَصْدِيقَ مَا كُنْتُمْ تُوعَدُونَ أَنْتُمْ أَهْلُ غَيْبِ اللَّهِ دُنْيَاكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ مَوْقِفُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَ إِلَى الْجَنَّةِ تَصِيرُونَ فِى لَيْلِكُمْ وَ نَهَارِكُمْ سَادَةُ الْمَخْلُوقِينَ إِنَّ اللَّهَ أَحْيَاكُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَنْتُمْ وَاصِلٌ طِيبَهَا بِطِيبِ الْمَوْتِ أَلْسِنَتُكُمْ تَنْطِقُ بِنُورِ اللَّهِ وَ أَلْسِنَةُ مَنْ سِوَاكُمْ تَنْطِقُ بِنَفْثِ الشَّيْطَانِ وَ كُلُّ مَنْ خَالَفَكُمْ خَاصَّةُ إِبْلِيسَ مَا عَبَدَ اللَّهَ شَيْءٌ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْكُمْ إِنَّ اللَّهَ خَصَّكُمْ بِتَفْضِيلِهِ لِعِلْمِ اللَّهِ فِيكُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِمْ أَلَا إِنَّكُمْ أَصْحَابُ الْأَعْيُنِ الْأَرْبَعَةِ عَيْنَيِ الْوَجْهِ وَ عَيْنَيِ الْقَلْبِ أَلَا وَ الْخَلْقُ كَذَلِكَ إِلَّا أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ وَ فَتَحَ أَبْصَارَكُمْ

و مى فرمايد: به خدا قسم غير شما كسى اطاعت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را ننمود و هيچ كس غير از شما حق ايمان به خدا را ادا نكرد، شما عزيزان اسلاميد، و تمام خير از آن شماست ، هيچ بنده اى از بين شما در مقابل گرفتاريش صبر نمى كند مگر اينكه ثواب هزار شهيد برايش منظور مى شود، و من اميدوارم كه هنگام امتحان گول نخوريد، زيرا من از پدرم شنيدم كه مى فرمود: شيعيان ما از گناه مبرّا هستند خداوند به شما درود مى فرستد، و شما به واسطه عصمت خدايى موفق هستيد، و شما مبلغين به اطاعت خداييد، حسابى براى شما نيست و ترس و اندوهى برايتان نخواهد بود، شما اهل بهشتيد و بهشت براى شماست ، شما راضى به رضاى خداييد به واسطه رضاى خدا از شما، شما بهترين مخلوقاتيد، بردبار باشيد اگر چه گرفتار چيزهاى ناپسند شديد، تا اينكه فرمان خدا بيايد و بيابيد آنچه را كه او به شما وعده داده است شما ايمان به غيب خدا داريد، و بهشت براى شماست ، و موقعيت شما سپرى برايتان ، براى بهشت آفريده شده ايد و مسير شما به طرف بهشت مى باشد، شما در شب و روزتان آقاى مخلوقات هستيد، خداوند متعال به شما زندگى پاكيزه اى عطا فرموده و شما اين پاك زيستى را به پاك مردن متصل مى سازيد.

زبانهاى شما به وسيله نور خدا سخن مى گويد، و زبانهاى غير شما با تلقين شيطان است ، هر كس مخالف شما باشد از ياران ويژه شيطان است ، عبادت هيچ كس به قدر عبادت شما موجب ناراحتى شيطان نمى شود، خداوند برترى ويژه خود را به شما داده است ، زيرا خداوند قبل از آفريدن آدم در شما اين ويژگيهاى اخلاقى را سراغ داشت ، و روز رستاخيز مردم (يعنى مخالفين) سزاوارتر به آتش مى باشند، بدانيد شما داراى چهار چشم مى باشيد، دو چشم در صورت ، و دو چشم در قلب .

آگاه باشيد! مردم نيز چنين هستند، لكن خداوند چشمان آنها را بسته و چشمان شما را باز نموده .

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام هَلْ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ عِدَةٌ تَتَنَجَّزُ بِالْمَغْفِرَةِ لَهُمْ قَالَ لَا إِلَّا شِيعَتَنَا فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَهُمْ

جابر بن يزيد گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : آيا خداوند به مردم وعده آمرزش حتمى داده است ؟ فرمود: نه ، مگر شيعيان ما، همانا خداوند فقط آنها را آمرزيده است .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ قَالَ نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ وَ عَدُوُّنَا الَّذِى لَا يَعْلَمُ وَ شِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ

محمد بن مروان مى گويد: از امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداى متعال پرسيدم (آيا دانشمندان با غير دانشمندان برابرند، اين را فقط صاحبان خرد مى فهمند) فرمود: ما آن كسانى هستيم كه علم داريم و دشمنان ما كسانى هستند كه غير عالمند، و شيعيان ما صاحبان خرد و عقلند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام وَ تَلَا هَذِهِ الاْيَةَ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ قَالَ عَزِيزٌ عَلَيْنَا مَا عَنِتْنَا حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ قَالَ حَرِيصٌ عَلَيْنَا بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ قَالَ شِيعَتُنَا

عبد اللّه بن سليمان از امام باقر عليه‌السلام نقل مى كند كه امام در حالى كه اين آيه را مى خواند:

(رسولى از جنس شما براى هدايت خلق آمد كه از فرط محبت و نوع پرورى فقر و پريشانى و جهل و فلاكت شما بر او سخت مى آيد، و بر آسايش شما بسيار حريص و به مؤمنان رؤ وف و مهربان است) فرمود: يعنى آنچه ما را پريشان كند بر ما سخت است و بر آسايش شما شوق دارند فرمود: يعنى بر آسايش ما، به مؤمنين مهربان و با گذشت هستند، فرمود: به شيعيان ما.

عَنْ ثُوَيْرٍ قَالَ قَالَ لِى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ اقْرَأْ طسم سُورَةَ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ قَالَ فَقَرَأْتُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. طسم تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ. نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسى وَ فِرْعَوْنَ حَتَّى إِذَا بَلَغْتُ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ فَقَالَ مَكَانَكَ حَسْبُكَ وَ الَّذِى بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِهِ

ثوير گويد: امام سجاد عليه‌السلام به من فرمود: آيا قرآن مى خوانى ؟ عرض كردم : بلى ، فرمود:

بخوان (طسم) سوره موسى و فرعون را، ثوير گويد: خواندم (بنام خداوند بخشنده مهربان ، طسم ، اين آيات كتابى است كه روشن كننده حق از باطل است ، بر تو مى خوانيم قصه موسى و فرعون را) تا زمانى كه به اين قسمت آيه رسيد (و اراده ما بر اين تعلق گرفت كه بر مستضعفين روى زمين منّت گذاريم و آنها را امام و وارث قرار دهيم)، سپس فرمود: توقف كن ، قسم به خدايى كه محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله را به حق بشارت دهنده و ترساننده قرار داده ؛ همانا پاكان ، از ما اهل بيت و شيعيان آنها هستند، و دشمنان ما و پيروانشان مانند دشمنان موسى و پيروانش مى باشند.

عَنْ أَبِى خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِنْ حَيْثُ خَلَقَنَا وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَمِنْ ثَمَّ صَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا وَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ يَحْمُومٍ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ مِنْ حَيْثُ خَلَقَهُمْ فَمِنْ ثَمَّ صَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند ما را از اعلى عليّين آفريده ، و دلهاى شيعيان ما را از آنچه ما آفريده شديم آفريد، و بدنهاى آنها را درجه اى پايين تر از آن خلق نمود، سپس دلهاى آنها به سوى ما معطوف و مشتاق گرديده . و خداوند دشمنان ما را از دود آتش دوزخ آفريد، و دلهاى پيروان دشمنان ما را از آنچه خلق شده بودند آفريد، آنگاه دلهاى آنها به سوى دشمنان ما معطوف و مشتاق گشت .

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْحَمِقِ الْخُزَاعِيِّ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام حِينَ ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ فَأَفَاقَ وَ هُوَ يَقُولُ طُوبى لَهُمْ وَ طُوبَى لَكُمْ وَ طُوبَاهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَاكُمْ قَالَ قُلْتُ صَدَقْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ طُوبَاهُمْ بِرُؤْيَتِكَ وَ طُوبَانَا بِالْجِهَادِ مَعَكَ وَ طُوبَانَا بِطَاعَتِكَ وَ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ طُوبَاهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَانَا قَالَعليه‌السلام أُولَئِكَ شِيعَتِيَ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِكُمْ يُطِيقُونَ مَا لَا تُطِيقُونَ وَ يَحْمِلُونَ مَا لَا تَحْمِلُونَ

منصور بن عمرو بن حمق خزاعى گويد: زمانى كه امير المؤمنين عليه‌السلام به وسيله شمشير ابن ملجم (لعنة اللّه عليه) ضربه خورد بيهوش شد، زمانى كه بهوش آمد مى فرمود: خوشا بحالشان و خوشا بحال شما، و نيكبختى آنها را از نيكبختى شما بهتر است ، گفتم : راست مى گويى اى امير مؤمنان ! نيكبختى آنان به ديدن تو و نيكبختى ما به جهاد با تو و اطاعت از توست ، چه كسانى هستند آنها كه نيكبختيشان بهتر از نيكبختى ماست ؟ امام عليه‌السلام فرمود:

آنها شيعيان من هستند كه بعد از شما خواهند آمد، قدرت دارند بر آنچه شما بر آن قدرت نداريد و تحمل مى كنند آنچه را كه شما نمى توانيد تحمل كنيد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ قَدْ صَلَّى الْعَصْرَ وَ هُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِى الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ بَعْضَ السَّلَاطِينِ يَأْمِنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوْدِعُنَاهَا وَ لَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمُسَكُمْ أَ فَنُؤَدِّيهَا إِلَيْهِمْ فَقَالَ وَ رَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنَّ ابْنَ مُلْجَمٍ قَاتِلَ أَبِى فَإِنِّى أَطْلُبُهُ يَتَسَتَّرُ لِأَنَّهُ قَتَلَ أَبِى ائْتَمَنَنِى عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ

عبد اللّه بن سنان گويد: خدمت امام صادق عليه‌السلام رسيدم در حالى كه ايشان نماز عصر را خوانده و در مسجد رو به قبله نشسته بودند، گفتم : اى فرزند رسول خدا! بعضى از پادشاهان ما را امين بر اموالشان مى دانند بنا بر اين آن را نزد ما به امانت مى گذارند، و خمس آن را هم به شما پرداخت نمى كنند، آيا امانت آنها را به خودشان برگردانيم ؟

سه مرتبه فرمود: قسم به پروردگار اين قبله ، اگر ابن ملجم قاتل پدرم كه در تعقيب او باشم و او پنهان شود، چون پدرم را كشته به من اعتماد كند و امانتى نزدم گذارد آن را به او بر خواهم گرداند.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِى سَبْعُونَ أَلْفاً بِغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ عَلِيٌّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمْ شِيعَتُكَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ

امام باقر عليه‌السلام نقل مى كند كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از امت من هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت خواهند شد، على عليه‌السلام فرمود: اى رسول خدا آنها چه كسانند؟

فرمود: آنها شيعيان تو هستند و تو امام آنهايى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ الْأُمُورَ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَ مَا تَسْمَعُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ هُوَ يَقُولُ وَ لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزاً لَا ذَلِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ وَ الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ

امام صادق عليه‌السلام از قول پدرانش فرمود: خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار نموده ولى ذلّت را به او تفويض نكرد، مگر نشنيده اى قول خداوند متعال را كه مى فرمايد:

(عزّت فقط از آن خدا و رسولش و مؤمنين است)؟ مؤمن عزيز است نه ذليل . سپس فرمود: مؤمن از كوه هم عزيزتر است ، زيرا كوه به وسيله كلنگ كم مى شود، ولى دين مؤمن به هيچ چيز كم نمى شود.

عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَذْكُرُ الذَّنْبَ الَّذِى قَدْ عَمِلَهُ مُنْذُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَمَا يَذْكُرُهُ إِلَّا لِتَذْكِيرِهِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهُ فَيُغْفَرُ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده مؤمن بياد مى آورد گناهى را كه چهل سال قبل مرتكب آن شده كمتر يا بيشتر آن را فقط به خاطر ياد آورى و طلب آمرزش در ذهنش تداعى مى كند، گناهش هم آمرزيده مى شود.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَتَعَاهَدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ أَهْلَ الْبَيْتِ سَيِّدُهُمْ بِطُرَفِ الطَّعَامِ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى وَ عَظَمَتِى وَ بَهَائِى إِنِّى لَأَحْمِى وَلِيِّى أَنْ أُعْطِيَهُ فِى دَارِ الدُّنْيَا شَيْئاً يَشْغَلُهُ عَنْ ذِكْرِى حَتَّى يَدْعُوَنِى فَأَسْمَعَ دُعَاءَهُ وَ صَوْتَهُ وَ إِنِّى لَأُعْطِى الْكَافِرَ أُمْنِيَّتَهُ حَتَّى لَا يَدْعُوَنِى فَأَسْمَعَ صَوْتَهُ بُغْضاً مِنِّى لَهُ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش نقل مى كند كه فرموده اند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد:

خداوند متعال بنده مؤمنش را به گرفتاريهاى گوناگون گرفتار مى كند، همان طور كه اهل خانه بزرگشان را بسوى غذا دعوت مى كنند، فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: قسم به عزّت و جلال و بزرگى و شأ نم ، در دنيا از بنده مؤمنم چيزى را كه باعث فراموشى او از من شود از او مى گيرم ، تا اينكه مرا بخواند و من صدا و دعايش را بشنوم ، امّا آرزوهاى كافر را بر مى آورم تا اينكه مرا نخواند كه صدايش را بشنوم ، به خاطر خشمى كه از او دارم .

عَنْ أَبِى الْجَارُودِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ وَ ابْتُلِيَ بِهَا ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَإِنْ كَانَ فِى ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَ إِلَّا ابْتُلِيَ بِالْمَرَضِ فَإِنْ كَانَ فِى ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَ إِلَّا ابْتُلِيَ بِالْخَوْفِ مِنَ السُّلْطَانِ يَطْلُبُهُ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَ إِلَّا ضُيِّقَ عَلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَاهُ وَ مَا لَهُ مِنْ ذَنْبٍ يَدَّعِيهِ عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْكَافِرَ وَ الْمُنَافِقَ لَيُهَوَّنُ عَلَيْهِمَا خُرُوجُ أَنْفُسِهِمَا حَتَّى يَلْقَيَانِ اللَّهَ حِينَ يَلْقَيَانِهِ وَ مَا لَهُمَا عِنْدَهُ مِنْ حَسَنَةٍ يَدَّعِيَانِهَا عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِمَا إِلَى النَّارِ

امام باقر عليه‌السلام از پدران بزرگوارش روايت مى كند كه فرموده اند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: بنده مؤمن هر گاه به گناه نزديك مى شود و بدان مبتلا مى گردد گرفتار فقر مى گردد، اگر اين گرفتارى كفّاره گناهانش محسوب شود خوب است و الّا گرفتار بيمارى مى شود، اگر اين هم براى كفّاره گناهانش باشد خوب است ، و الّا مبتلاى به ترس از سلطانى مى شود كه او را احضار نموده ، اگر اين هم براى كفّاره گناهانش باشد خوب است ، و الّا هنگام مرگ بر او سخت گرفته مى شود تا اينكه خدا را ملاقات كند در حالى كه گناهانى نمانده باشد كه خداوند به آن مؤ اخذه اش نمايد، آنگاه است كه فرمان بهشت رفتن او را صادر مى كند.

لكن بر كافر و منافق هنگام جان دادن آسان گرفته مى شود، تا پاداشى از كار نيكوئى براى آنان باقى نماند كه بر خدا ادّعائى نداشته باشند، آنگاه خداوند بر آنان فرمان مى دهد كه به دوزخ روند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ فِى يَمِينِ الْعَرْشِ مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ عَلَيْهَا رِجَالٌ وُجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَ لَا شُهَدَاءَ قَالَ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَمَنْ هَؤُلَاءِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ تَوَاصَوْا فِى اللَّهِ وَ تَوَاخَوْا فِى اللَّهِ وَ تَوَاصَلُوا فِى اللَّهِ وَ تَحَابُّوا فِي اللَّهِ فَدَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ هُمْ شِيعَةُ هَذَا وَ أَشَارَ إِلَى عَلِيٍّ

امام صادق عليه‌السلام روايت كند كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در طرف راست عرش منبرهايى از نور وجود دارد و بر آنها مردانى نشسته اند كه صورتهايى از نور دارند، آنها پيامبران و شهدا نيستند.

امام عليه‌السلام فرمود: عمر بن الخطاب به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گفت : اى رسول خدا! پس آنان كيستند؟ فرمود: آنان كسانى مى باشند كه يك ديگر را در راه خدا همگامى نموده اند، و با هم در راه خدا برادرى كرده اند، و بخاطر خدا به يك ديگر كمك نموده اند، و همديگر را دوست داشته اند، آنگاه على بن ابى طالب عليه‌السلام داخل شد، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آنها شيعه اين شخص هستند، و به سوى على عليه‌السلام اشاره فرمود.

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الاْخِرِينَ نَادَى مُنَادٍ بِحَيْثُ يَسْمَعُ النَّاسُ فَيَقُولُ أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ فِى اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ فَيُقَالُ لَهُمُ اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالَ فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ إِلَى أَيْنَ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَيَقُولُونَ أَيُّ حِزْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِى اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ فَأَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالُوا كُنَّا نُحِبُّ فِى اللَّهِ وَ نُبْغِضُ فِى اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِينَ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: چون خداى متعال همه مردم را در روز قيامت گرد آورد، منادى حق بطورى كه همه مردم بشنوند ندا در دهد و مى گويد: كجايند كسانى كه فقط به خاطر خدا همديگر را دوست داشتند؟ جماعتى از مردم بر مى خيزند، به آنها گفته مى شود بدون حساب داخل بهشت شويد، فرشتگان با آنها روبرو مى شوند و مى گويند:

كجا مى رويد؟ جواب مى دهند: بدون حساب بسوى بهشت مى رويم ، ملائك مى پرسند:

شما چه صنفى از مردم هستيد؟ مى گويند: ما كسانى هستيم كه فقط براى خدا به همديگر مهر مى ورزيديم ، مى پرسند: اعمال شما چه بوده است ؟ پاسخ مى دهند: براى خدا دوستى مى كرديم ، و براى خدا دشمنى مى ورزيديم ، ملائك مى گويند: چه خوبست پاداش اهل عمل .

## فصل ششم : كرامت مؤمن در نزد خدا

الفصل السادس فى كرامة المؤمن على الله عزو جل

عَنْ مُيَسِّرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيَمُرُّ بِهِ الرَّجُلُ وَ قَدْ أُمِرَ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ يَا فُلَانُ أَغِثْنِى فَإِنِّى كُنْتُ أَصْنَعُ إِلَيْكَ الْمَعْرُوفَ فِى دَارِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ لِلْمَلَكِ خَلِّ سَبِيلَهُ فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِهِ الْمَلَكَ فَيُخَلِّى سَبِيلَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روز قيامت مردى كه بايد بسوى آتش ‍ جهنم رود با مؤمنى از شما روبرو مى شود و مى گويد: فلانى كمكم كن ، من در دنيا كار نيكى برايت انجام دادم ، بنده مؤمن به ملك مى گويد: راهش را باز كنيد، خداوند ملك را فرمان دهد كه راهش را باز كنند تا داخل بهشت شود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَيُقَالُ لَهُ اذْكُرْ وَ تَذَكَّرْ هَلْ لَكَ حَسَنَةٌ فَيَقُولُ مَا لِي حَسَنَةٌ غَيْرَ أَنَّ فُلَاناً عَبْدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّ بِى فَسَأَلَنِى مَاءً لِيَتَوَضَّأَ بِهِ فَيُصَلِّيَ فَأَعْطَيْتُهُ فَيُدْعَى بِذَلِكَ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ فَيَقُولُ نَعَمْ يَا رَبِّ فَيَقُولُ الرَّبُّ جَلَّ ثَنَاؤُهُ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ أَدْخِلُوا عَبْدِى جَنَّتِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده اى را كه هيچ عمل صالحى ندارد روز قيامت حاضر كنند و به او بگويند: بنگر و بياد آور! آيا كار خوبى دارى ؟ مى گويد: من هيچ عمل شايسته اى ندارم جز آنكه وقتى فلان بنده مؤمن تو بر من گذر مى كرد و از من آب خواست تا وضو بگيرد و نماز بخواند من به او آب دادم .

سپس از مؤمن در اين باره پرسيده مى شود، او مى گويد: پروردگارا راست مى گويد! خداوند جلّ ثناؤ ه مى فرمايد: من تو را آمرزيدم ، بنده مرا داخل بهشتم كنيد.

عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ يُقَالُ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَصَفَّحْ وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ كَانَ سَقَاكَ شَرْبَةً أَوْ أَطْعَمَكَ أُكْلَةً أَوْ فَعَلَ بِكَ كَذَا وَ كَذَا فَخُذْ بِيَدِهِ فَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ قَالَ فَإِنَّهُ لَيَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَعَهُ بَشَرٌ كَثِيرٌ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَيْنَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِلَى أَيْنَ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَجِيزُوا لِعَبْدِى فَأَجَازُوهُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيُجِيزُ أَمَانَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روز قيامت به مؤمن گفته مى شود؛ در صورتهاى اين مردم خوب تأ مل كن ، هر كس از اينها كه آبى به تو نوشانده يا غذايى خورانده ، يا كارى برايت انجام داده دستش را بگير و او را به بهشت ببر، فرد مؤمن از صراط مى گذرد در حالى كه افراد زيادى همراهش ‍ هستند.

ملائك مى پرسند: به كجا اى دوستان خدا؟! به كجا اى بندگان خدا؟

خداوند متعال مى فرمايد: به بنده من اجازه دهيد، آنها هم اجازه مى دهند، و علّت اينكه مؤمن را مؤمن ناميده اند اين است كه او نزد خدا امان مى دهد و امانش را خدا مى پذيرد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ لِى أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُفَوِّضُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَصْنَعُ مَا شَاءَ قُلْتُ حَدِّثْنِى فِى كِتَابِ اللَّهِ أَيْنَ قَالَ قَالَ قَوْلُهُ لَهُمْ ما يَشاؤُنَ فِيها وَ لَدَيْنا مَزِيدٌ فَمَشِيئَةُ اللَّهِ مُفَوَّضَةٌ إِلَيْهِ وَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يُحْصَى ثُمَّ قَالَ جَابِرٌ وَ لَا تَسْتَعِنْ بِعَدُوٍّ لَنَا فِى حَاجَةٍ وَ لَا تَسْتَطْعِمْهُ وَ لَا تَسْأَلْهُ شَرْبَةً أَمَا إِنَّهُ لَيُخَلَّدُ فِى النَّارِ فَيَمُرُّ بِهِ الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ يَا مُؤْمِنُ أَ لَسْتُ فَعَلْتُ بِكَ كَذَا وَ كَذَا فَيَسْتَحِى مِنْهُ فَيَسْتَنْقِذُهُ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيُجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند در روز قيامت مؤمن را به حال خود رها مى كند تا هر چه مى خواهد انجام دهد، گفتم : بفرماييد در كجاى كتاب خدا چنين آمده ؟ فرمود: در آنجا كه مى فرمايد: (براى آنهاست هر چه بخواهند و نزد ماست افزونتر از نعمات بهشتى)، پس خواسته خدا و افزون نعمت بى شمار او به او واگذار مى شود.

سپس فرمود: اى جابر! از دشمن ما طلب كمك مكن ، و از او تقاضاى غذا يا آب ننما، زيرا او در آتش جاودانه خواهد بود، و هنگامى كه مؤمنى از كنارش ‍ بگذرد مى گويد: اى مؤمن آيا برايت فلان كار را انجام ندادم ؟ مؤمن از او حيا مى كند و او را از آتش نجات مى دهد، و علّت نامگذارى مؤمن به مؤمن اين است كه او نزد خدا امان مى دهد و خدا هم امانش را مى پذيرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مُنَادِياً يُنَادِى بَيْنَ يَدَيْهِ أَيْنَ الْفُقَرَاءُ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ فَيَقُولُ عِبَادِى فَيَقُولُونَ لَبَّيْكَ يَا رَبَّنَا فَيَقُولُ إِنِّى لَمْ أُفْقِرْكُمْ لِهَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَ لَكِنْ إِنَّمَا أَفْقَرْتُكُمْ لِمِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ تَصَفَّحُوا وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفاً لَمْ يَصْنَعْهُ إِلَّا فِيَّ فَكَافِئُوهُ عَنِّى بِالْجَنَّةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: روز قيامت خداوند جارچى را فرمان مى دهد كه پيش رويش فرياد بزند: فقراء كجايند؟ عدّه بسيارى از مردم بر مى خيزند، خداوند مى فرمايد: اى بندگان من ! مى گويند: بلى پروردگار ما، مى فرمايد: من شما را به خاطر تحقير نيازمند نگردانيدم ، بلكه به خاطر چنين روزى شما را فقير نمودم ، حال به صورتهاى مردم خوب نگاه كنيد! هر كس فقط به خاطر من كار نيكى براى شما انجام داده از طرف من او را به بهشت ببريد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ زَعِيمُ أَهْلِ بَيْتِهِ شَاهِدٌ عَلَيْهِمْ وَلَايَتَهُمْ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: مؤمن رئيس خانواده اش مى باشد و نيز بر اعمال و كردار آنها گواه است .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةُ اللَّهِ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: دشنام دادن به مؤمن نافرمانى خداست ، و جنگيدن با او كفر است ، و خوردن گوشت او (بواسطه غيبت) گناه است ، و احترام مال مؤمن همانند احترام خون اوست .

## فصل هفتم : در بيان حقوق واجب مؤمن برمؤمن

الفصل السابع فى ذكر ما يجب من حق المؤمن على المؤمن

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِى حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْرَى مَا كَانُوا وَ أَجُوعَ مَا كَانُوا وَ أَعْطَشَ مَا كَانُوا فَمَنْ كَانَ كَسَا مُؤْمِناً ثَوْباً فِى دَارِ الدُّنْيَا كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَانَ أَطْعَمَ مُؤْمِناً فِى دَارِ الدُّنْيَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَانَ سَقَى مُؤْمِناً فِى دَارِ الدُّنْيَا شَرْبَةً مِنْ ظَمَإٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: روز قيامت مردم محشور مى شوند در حالى كه عريانتر از دنيا و گرسنه تر و تشنه تر از زمانى مى باشند كه در دنيا بودند، هر كس از آنان در دنيا به مؤمنى لباسى پوشانده خداوند او را از لباسهاى بهشتى بپوشاند، و هر كس مؤمنى را در دنيا غذا داده خداوند از نعمتهاى بهشتى نصيبش كند، و هر كسى در دنيا مؤمنى را سيراب نموده خداوند به او از شرابهاى بهشتى بنوشاند.

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ يَا سَدِيرُ تُعْتِقُ كُلَّ يَوْمٍ نَسَمَةً قُلْتُ لَا قَالَ فَكُلَّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا فَقَالَ كُلَّ سَنَةٍ قُلْتُ لَا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِأَ مَا تَأْخُذُ بِيَدِ أَخِيكَ فِى اللَّهِ فَتُدْخِلَهُ بَيْتَكَ فَتُطْعِمَهُ شُبْعَةً فَوَ اللَّهِ لَذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى سدير آيا هر روز بنده اى را آزاد مى كنى ؟ گفتم : نه ، فرمود: در هر ماه ؟ گفتم : نه ، فرمود: در هر سال ؟ گفتم : نه ، فرمود: سبحان اللّه ، آيا دست برادر دينيت را به خاطر خدا نگرفته اى و به خانه ات نبرده اى و او را از غذا سير ننموده اى ؟ بخدا قسم اين كار از آزاد كردن بنده اى از نسل فرزندان اسماعيل عليه‌السلام ثوابش بيشتر است .

عَنْ أَبِى الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ يَا أَبَا الْمِقْدَامِ لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِى شُبْعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أُفُقاً مِنَ النَّاسِ قَالَ قُلْتُ كَمِ الْأُفُقُ قَالَ مِائَةُ أَلْفٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى ابو مقدام سير كردن مردى از شيعيانم براى من بهتر از سير كردن افقى از مردم ديگر است ، گفتم : افق چه مقدار است ؟ فرمود: صد هزار.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخِيفَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: كسى كه به مؤمنى نگاه ترسناك نمايد، خداوند در آن روزى كه بجز سايه او سايه اى نيست (قيامت) او را مى ترساند.

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ عَادَ مَرِيضاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَاضَ فِى رِمَالِ الرَّحْمَةِ وَ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ فَإِذَا بَلَغَ إِلَى مَنْزِلِهِ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَدْخُلَ إِلَى مَنْزِلِهِ كُلُّهُمْ يَقُولُونَ أَلَا طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: هر كس بيمارى از مسلمين را عيادت كند در درياى رحمت خدا فرو مى رود، و كسى كه نزد آن بيمار بنشيند رحمت خداوند او را فرا مى گيرد، و هر گاه به منزلش برگردد هفتاد هزار ملك او را همراهى كنند؛ تا داخل خانه اش شود، و تمامى آنان مى گويند: پاك شدى و بهشت براى تو گوارا شد.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضَرِّهِ فَمَنَعَهُ مِنْ سَعَةٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَقْرُونَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر مؤمنى نياز ضروريش را به برادر مؤمنش عرضه كند و او با توان بر آوردنش از بر آوردن حاجتش امتناع كند، حال بى واسطه و يا با واسطه ؛ خداوند او را دست به گردن بسته در قيامت محشور مى كند، تا از حساب مخلوقات فارغ شود.

عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَبْلِغْ مَوَالِيَّ عَنِّى السَّلَامَ وَ أَخْبِرْهُمْ أَنِّى أَضْمَنُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَا خَلَا سَبْعاً مُدْمِنُ خَمْرٍ أَوْ مَيْسِرٍ أَوْ رَادٌّ عَلَى مُؤْمِنٍ أَوْ مُسْتَكْبِرٌ عَلَى مُؤْمِنٍ أَوْ مَنْ مَنَعَ مُؤْمِناً مِنْ حَاجَةٍ أَوْ مَنْ أَتَاهُ مُؤْمِنٌ فِى حَاجَةٍ فَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ أَوْ مَنْ خَطَبَ إِلَيْهِ مُؤْمِنٌ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ قَالَ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ أَحَدٌ مِمَّنْ وَحَّدَ اللَّهَ بِكَمَالِهِ كَائِناً مَنْ كَانَ فَأُخَلِّى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَالِى فَقَالَ صَدَقْتَ إِنَّكَ صِدِّيقٌ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَكَ لِلتَّسْلِيمِ وَ الْإِيمَانِ

عبد الملك نوفلى گويد: خدمت امام صادق عليه‌السلام رسيدم ، ايشان فرمود: به دوستانم سلام برسان و به آنها خبر بده كه من بجز براى هفت گروه از آنان بهشت را بر ايشان ضمانت مى كنم :

كسى كه دائم الخمر است ، كسى كه قمار باز است ، كسى كه سخن مؤمنى را رد كند، كسى كه بر مؤمنى تكبر كند، كسى كه مؤمنى را از حاجتش منع نمايد، يا مؤمنى نزدش آمده و حاجتى دارد و او حاجتش را روا نسازد، يا مؤمنى به خواستگارى در خانه اش آمده و او دخترش را به تزويجش در نياورد.

عرض كردم : قسم بخدا، هر بنده موحّد كاملى كه وجود داشته و نزد من آمده مالم را در اختيارش قرار داده ام ، امام فرمود: راست گفتى ، تو راستگويى ، خداوند دلت را براى بندگى و ايمان امتحان نموده است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ اتَّخَذَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ أَدْخَلَ عَلَى نَاصِبِيٍّ سُرُوراً وَ اصْطَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفاً فَهُوَ مِنَّا بَرِى ءٌ وَ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ النَّارَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس ولايت ما اهل بيت را اختيار كند، سپس دشمنم را شاد نمايد و كار نيكى براى او انجام دهد، او از ما دورى جسته و پاداش او نزد خدا آتش است .

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِخْوَانُنَا يَتَوَلَّوْنَ عَمَلَ السُّلْطَانِ أَ فَتَدْعُو لَهُمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام هَلْ يَنْفَعُونَكُمْ قُلْتُ لَا فَقَالَ ابْرَأْ مِنْهُمْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُمْ

يكى از اصحاب مى گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : برادران ما كارهاى حكومتى انجام مى دهند آيا براى آنها دعا كنيم ؟ امام فرمود: آيا براى شما نفعى دارند؟ گفتم : نه .

فرمود: من از آنها بيزارم ، خدا هم از آنها بيزار است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ قَالَ كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: كفّاره كار كردن براى پادشاه بر آوردن حاجتهاى برادران ايمانى است .

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَدْ كُنْتُ فَرَضْتُ عَلَيْكُمُ الْخُمُسَ فِى أَمْوَالِكُمْ فَقَدْ جَعَلْتُ مَكَانَهُ بِرَّ إِخْوَانِكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خمس را در اموال شما واجب نمودم ، اينك به جاى آن نيكى به برادرانتان را قرار دادم .

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرٍ الدِّهْقَانِ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِى الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّعليه‌السلام كَيْفَ أَبُو دُلَفَ لَهُ أَرْبَعَةُ آلَافِ قَرْيَةٍ وَ قَرْيَةٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ ضَافَ بِهِ مُؤْمِنٌ لَيْلَةً فَزَوَّدَهُ جُلَّةً مِنْ تَمْرٍ كَانَ فِيهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ تَمْرَةٍ وَ تَمْرَةٌ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ تَمْرَةٍ قَرْيَةً

احمد بن جعفر دهقان گويد: مردى به امام عسكرى عليه‌السلام عرض ‍ كرد: چگونه ابو دلف چهار هزار و يك قريه دارد؟ امام فرمود: او يك شب مؤ منى را مهمان كرد و به عنوان توشه راه كيسه اى از خرما به او داد كه در آن چهار هزار و يك خرما بود، خداوند هم به پاداش هر خرما يك قريه به او عطا فرمود.

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لِإِسْحَاقَ تُدْخِلُ إِخْوَتَكَ إِلَى مَنْزِلِكَ فَيَأْكُلُونَ طَعَامَكَ وَ يَشْرَبُونَ شَرَابَكَ وَ يَطَئُونَ فِرَاشَكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَمَا إِنَّهُمْ مَا يَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكَ إِلَّا وَ لَهُمُ الْفَضْلُ عَلَيْكَ قَالَ إِسْحَاقُ يَا سَيِّدِى يَدْخُلُونَ بَيْتِى وَ يَأْكُلُونَ طَعَامِى وَ يَفْتَرِشُونَ فَرْشِى وَ يَخْرُجُونَ مِنْ مَنْزِلِى وَ لَهُمُ الْفَضْلُ عَلَيَّ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ أَرْزَاقَهُمْ وَ يَخْرُجُونَ بِذُنُوبِكَ وَ ذُنُوبِ عِيَالِكَ

امام صادق عليه‌السلام به اسحاق فرمود: آيا برادران دينيت را به خانه ات برده اى تا از غذاى تو بخورند، و از آشاميدنت بياشامند، و در رختخواب بخوابند؟ گفت : بلى ، فرمود: بدان آنها از خانه ات خارج نمى شوند مگر اينكه باعث زيادى نعمت بر تو خواهند شد.

اسحاق گفت : آقاى من ! آنها به خانه ام مى آيند! و غذايم را مى خورند! و روى فرشهايم استراحت مى كنند! و از منزلم خارج مى شوند باز هم براى من زيادى نعمت مى آورند؟! فرمود: بلى ، آنها روزى خود را مى خورند و هنگام خارج شدن گناهان تو و خانواده ات را هم با خود مى برند.

عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ يَحِقُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بر مؤمن است كه خير خواه برادر مؤمنش ‍ باشد.

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِى حَاجَةٍ فَلَمْ يُنَاصِحْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر مؤمنى كه دنبال حاجت برادر دينى خود برود و براى او خير انديشى نكند؛ به خدا و رسولش خيانت نموده است .

عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام خَصْلَتَانِ إِذَا لَمْ تَكُونَا فِى الرَّجُلِ فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مِنْهُ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الْمُوَاسَاةُ لِإِخْوَانِهِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر دو خصلت در مردى نبود هر قدر مى توانى از او دورى كن ، يكى از آن دو مواظبت بر نمازهاى واجب است و ديگر همدردى كردن با برادران دينى كه از طرف خدا واجب شده است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ شُحّاً فَاسْتُرْ عَلَيْهِ عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ أُفٍّ خَرَجَ مِنْ وَلَايَتِهِ وَ إِذَا قَالَ أَنْتَ عَدُوِّى فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُمَا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا فِى تَثْرِيبٍ عَلَى مُؤْمِنٍ نَصِيحَةً وَ لَا يَقْبَلُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ يُضْمِرُ فِي قَلْبِهِ عَلَى مُؤْمِنٍ سُوءً وَ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنِ النَّاسِ فَنَظَرُوا إِلَى مَا وَصَلَ مَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِ خَضَعَتْ لِلْمُؤْمِنِينَ رِقَابُهُمْ وَ تَسَهَّلَتْ لَهُمْ أُمُورُهُمْ وَ لَانَتْ لَهُمْ طَاعَتُهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه از برادران دينى ات بخلى ديدى آن را پنهان كن . امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه مؤمن نسبت به برادر دينى اش اظهار انزجار نمايد از دوستى او خارج شده . و هر گاه به او بگويد تو دشمن منى يكى از آن دو كافر شده ، زيرا خداوند عمل كسى را كه بعنوان خير انديشى مؤمنى را توبيخ نموده باشد نمى پذيرد، و از مؤمن هم عملى را قبول نمى كند در حالى كه در دلش نسبت به مؤمن ديگر گمان بد باشد. و اگر حجابها از جلوى چشم مردم برداشته شود و ببينند آنچه را موجب اتصال بين خدا و مؤمن شده گردنهاى آنان براى مؤمنين خاضع و فروتن مى شود، و كارهاى مؤمنين براى آنان آسان مى گردد، و براى آنها اطاعت از مؤمنين سهل مى شود.

عَنْ أَبِى خَدِيجَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا مِنْ عَبْدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ إِلَّا وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ قَالَ أَحَدُهُمَا هَجْراً فِى صَاحِبِهِ هَتَكَ اللَّهُ ذَلِكَ السِّرَّ فَإِنْ بَرِئَ أَحَدُهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ كَفَرَ أَحَدُهُمَا يَعْنِى أَشَدَّهُمَا قَوْلًا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بين هر دو بنده مسلمان حجابى از طرف خداوند قرار داده شده ؛ كه اگر يكى از آن دو سخن زشتى به ديگرى بگويد، خداوند آن حجاب را پاره مى كند، و اگر يكى از آن دو از ديگرى بيزارى جويد يكى از آن دو كافر خواهد شد، يعنى : آن كس كه لحنش شديدتر بود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ لَمَّا كَثُرَ مَالِى أَجْلَسْتُ عَلَى بَابِى بَوَّاباً يَرُدُّ عَنِّى فُقَرَاءَ الشِّيعَةِ فَخَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ بِوَجْهٍ قَاطِبٍ مُزَوِّراً فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِى غَيَّرَ لِى حَالِى عِنْدَكَ قَالَ الَّذِى غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ اللَّهِ إِنِّى لَأَعْلَمُ أَنَّهُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنِّى خَشِيْتُ الشُّهْرَةَ عَلَى نَفْسِى قَالَ يَا إِسْحَاقُ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنَيْنَ إِذَا الْتَقَيَا فَتَصَافَحَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مِائَةَ رَحْمَةٍ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ مِنْهَا لِأَشَدِّهِمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ فَإِذَا اعْتَنَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ

اسحاق بن عمار گويد: چون مال و ثروتم زياد شد كسى را جلوى در خانه ام گذاشتم تا فقيران شيعه را از خانه من دور كند، سپس در همان سال به مكه رفتم و به حضور امام صادق عليه‌السلام رسيدم و عرض سلام داشتم ، حضرت با صورت بر افروخته در حالى كه روى از من برگردانده بود جواب سلام را دادند، عرض كردم : فدايت شوم ! چه چيزى موجب دگرگونى حالم نزد شما شد؟ فرمود: آنچه كه حال تو را براى مؤمنين دگرگون ساخته ، عرض كردم : فدايت شوم ! بخدا قسم من مى دانم آنها متدين هستند و لكن ترسيدم از اينكه مشهور شوم .

فرمود: اى اسحاق ! آيا مى دانى هر گاه مؤمنين يك ديگر را ملاقات كنند و با همديگر مصافحه نمايند خداوند بين آن دو صد رحمت فرو مى فرستد، نود و نه آن براى كسى كه دوستيش شديدتر نسبت به ديگرى است ، و هر گاه معانقه كنند رحمت الهى آن دو را فرا مى گيرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنِّى رَجُلٌ مَشْهُورٌ وَ إِنَّ أُنَاساً مِنْ أَصْحَابِنَا يَأْتُونِّى وَ يَغْشَوْنِّى وَ قَدِ اشْتَهَرْتُ بِهِمْ أَ فَأَمْنَعُهُمْ أَنْ يَأْتُونِى وَ أَخَافُ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ لَا تَمْنَعْهُمْ خُلْطَتَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ لَنْ يَسَعَكَ فَجَهَدْتُ بِهِ أَنْ يَجْعَلَ لِى رُخْصَةً فِى خُلْطَتِهِمْ فَأَبَى عَلَيَّ

اسحاق بن عمار گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : من مردى مشهورم و عده اى از يارانمان نزد من مى آيند و مرا در بر مى گيرند و اين امر بين آنها مشهور شده ، آيا آنها را از آمدن منع كنم و بترسم ؟

فرمود: اى اسحاق ! دوستيت را با آنها دريغ مدار، زيرا اين كار در حدّ توان تو نيست .

اسحاق مى گويد: من تلاش كردم كه امام عليه‌السلام به من رخصت دهد تا با آنان معاشرت ننمايم سودى نيافت ، و ايشان اجازه نفرمود.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَكْلِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى هر چيزى وسيله آسايشى هست ، وسيله استراحت مؤمن برادر مؤمنش است همان طور كه پرنده اى به هم نوعش انس مى گيرد.

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَشْكُوكَ فُلَانٌ قَالَ يَشْكُونِى إِنِّي اسْتَقْضَيْتُ حَقِّى مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَأَنَّكَ إِذَا اسْتَقْضَيْتَ حَقَّكَ لَمْ تُسِئْ أَ رَأَيْتَ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِى الْقُرْآنِ يَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ أَ خَافُوا أَنْ يَجُورَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَا وَ اللَّهِ مَا خَافُوا ذَلِكَ إِنَّمَا خَافُوا الِاسْتِقْضَاءَ فَسَمَّاهُ اللَّهُ سُوءَ الْحِسَابِ نَعَمْ مَنِ اسْتَقْضَى مِنْ أَخِيهِ فَقَدْ أَسَاءَ

حماد بن عثمان گويد: نزد امام صادق عليه‌السلام بودم كه مردى از ياران ما داخل شد، امام صادق عليه‌السلام به او فرمود: فلانى از تو شكايت دارد! گفت : از من شكايت مى كند چون حقم را از او طلب نمودم ، امام صادق عليه‌السلام فرمود: گويا تو فكر كردى اگر حقت را از او طلب كنى ناراحتش ‍ نمى كنى ؟ آيا قول خداوند را در قرآن نديده اى ؟ (از بدى حساب مى ترسند) آيا مى ترسند خداوند به آنها ستم كند؟ نه بخدا، از اين نمى ترسند بلكه از طلب حساب مى ترسند، فلذا خداوند آن را بدى حساب نام نهاد، بلى ؛ هر كس از برادرش حساب بكشد بد كرده است .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تَغْشُشِ النَّاسَ فَتَبْقَى بِغَيْرِ صَدِيقٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با مردم نيرنگ بازى مكن ، زيرا كه بدون دوست مى مانى .

عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَغُشُّ الْمُؤْمِنَ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَقُولُ لَهُ أُفٍّ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ لَهُ أُفٍّ لَمْ تَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَايَةٌ فَإِذَا اتَّهَمَهُ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِى قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاثُ الْمِلْحُ فِى الْمَاءِ وَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنَيْنِ أَشْبَعَهُمَا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ رَقَبَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمنش را فريب نمى دهد و به او ظلم نمى كند و به او خيانت نمى نمايد، و او را خوار نمى گرداند، تكذيبش نمى كند و غيبت او را نمى نمايد، و اظهار انزجار از او نمى كند، زيرا اگر كلمه اى بگويد كه نشانه انزجار از او باشد محبت و دوستى از بين آن دو رخت مى بندد، و هر گاه به او تهمتى بزند ايمان از قلبش مى رود همان طور كه نمك در ميان آب ذوب مى شود، و هر كس دو مؤمن را غذا دهد بطورى كه سير شوند از آزاد كردن بنده اى در راه خدا ثوابش بيشتر است .

عَنْ إِبْرَاهِيمَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ وَ إِنْ نَصَرَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ فِى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر مؤمنى كه برادر مؤمنش را خوار سازد در حالى كه قادر بر يارى اوست خداوند او را در دنيا و آخرت خوار كند، و اگر او را يارى كند ثوابش از يك ماه روزه گرفتن و اعتكاف در مسجد الحرام بيشتر است .

وَ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَشْبَعُ وَ يَجُوعُ أَخُوهُ وَ لَا يَرْوَى وَ يَظْمَأُ أَخُوهُ وَ لَا يُكْسَى وَ يَعْرَى أَخُوهُ مَا أَعْظَمَ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن هيچ گاه سير نمى باشد در حالتى كه برادرش گرسنه است ، و سيراب نمى باشد در حالتى كه برادرش تشنه است ، و پوشيده نمى باشد در حالى كه برادرش برهنه است ، چقدر بزرگ است حق مسلمان بر مسلمان !

وَ قَالَ أَحِبَّ لِلْمُسْلِمِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهْ لَهُ مَا تَكْرَهُهُ لِنَفْسِكَ وَ إِذَا احْتَجْتَ فَسَلْهُ وَ إِذَا سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَ لَا تَمَلَّهُ خَيْراً وَ لَا يَمَلَّهُ لَكَ وَ كُنْ لَهُ ظَهِيراً فَإِنَّهُ لَكَ ظَهِيرٌ وَ إِذَا غَابَ فَاحْفَظْهُ فِى غَيْبَتِهِ وَ إِذَا شَهِدَ فَزُرْهُ وَ أَكْرِمْهُ وَ أَجِلَّهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ إِنِ ابْتُلِيَ فَاعْضُدْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ وَ أَعِنْهُ وَ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ أُفٍّ لَكَ فَقَدِ انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْوَلَايَةِ فَإِنْ أَهَنْتَهُ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِى قَلْبِكَ كَمَا يَنْمَاثُ الْمِلْحُ فِى الْمَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى برادر مسلمانت دوست بدار آنچه را براى خودت دوست مى دارى ، و آنچه را براى خودت خوشايند نمى دانى براى او هم ندان ، و هر گاه نيازمند شدى از او بخواه ، و هر گاه از تو خواستار شد به او بده ، از هيچ كار خيرى در باره او كوتاهى مكن ، و او هم بايد از هيچ كار خيرى براى تو كوتاهى نكند، پشتيبان او باش كه او كوتاهى مكن ، و او هم بايد از هيچ كار خيرى براى تو كوتاهى نكند، پشتيبان او باش كه او پشتيبان توست ، چون غايب شود غيبت او را نگهدارى كن ، و چون حاضر شد به زيارت او برو، او را گرامى بدار و ارجمند شمار، زيرا او از توست و تو از اويى ، و اگر به او خيرى رسيد خدا را سپاس گزار، و اگر گرفتار شد زير بازويش را بگير، و به او كمك كن ، و اگر مردى به برادرش اف بگويد دوستى معنوى ميان آنها بريده خواهد شد، و اگر به او اهانت كردى ايمان در دلت آب مى شود چنانچه نمك در آب .

عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيَحْفَظَ عَلَيْهِ عَثَرَاتِهِ وَ يُحْصِيَ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيُعَنِّفَهُ يَوْماً مَا

نزديكترين چيزى كه بنده به كفر دارد؛ اينست كه با شخصى عقد برادرى در دين بسته باشد و لغزشهايش را بخاطر بسپارد و خطاهايش را شماره كند تا روزى به وسيله آنها او را سرزنش نمايد.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنَيْنِ إِلَّا وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا قَالَ لَهُ هُجْراً هَتَكَ اللَّهُ ذَلِكَ الْحِجَابَ فَإِنْ قَالَ لَبِسْتَ ثَوْبِى فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُمَا فَإِنِ اتَّهَمَهُ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِى قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاثُ الْمِلْحُ فِى الْمَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: احدى از دو نفر مؤمن نمى باشند؛ مگر اينكه بين آن دو حجابى از طرف خداوند وجود دارد، پس هر گاه يكى از آنها به ديگرى سخن ناخوشايندى گفت خداوند آن حجاب را از بين مى برد، و اگر به او بگويد تو ديگر برادر ايمانى من نيستى ، يكى از آن دو كافر شده ، و اگر به او تهمت بزند ايمان در دلش آب مى شود همان طور كه نمك در آب .

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ انْظُرْ قَلْبَكَ فَإِنْ أَنْكَرَ صَاحِبَكَ فَإِنَّ أَحَدَكُمَا قَدْ أَحْدَثَ شَيْئاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به دلت بنگر، اگر حس كردى كه به رفيقت بدبينى ، بدان كه يكى از شماها كار بدى كرده است .

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِى أَمْرٍ مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُ قَالَ ابْنُ سِنَانٍ يَعْنِى إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ لَكَ مَالٌ قَلِيلٌ فَتُؤَدِّى عَنْهُ فَيَذْهَبُ مَالُكَ وَ لَا تَكُونُ قَضَيْتَ دَيْنَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به خاطر برادر دينيت كارى را انجام نده كه ضرر آن بر خودت بزرگتر از نفع آن به برادرت باشد.

ابن سنان گويد: يعنى اينكه به گردن كسى قرضى بسيار باشد، و تو مال كمى دارى و بخواهى به وسيله مالت قرض او را ادا نمايى ، در اين صورت مالت مى رود و دين او هم ادا نمى شود.

عَنْ كُلَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَوْحِشَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَمَنْ دُونَهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَزِيزٌ فِى دِينِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى مؤمن سزاوار نيست كه به خاطر ترس و وحشت با برادر مؤمنش كه از او در مقام پايين تر است مأ نوس ‍ شود، زيرا مؤمن در دينش عزيز است .

عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ وَ بَقَاءَ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمُرُوءَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پرده شرم و حيا را از ميان خود و برادرت بر مدار، زيرا رفتن پرده حيا برابر است با رفتن حياء و باقى ماندنش برابر با باقى ماندن مردانگى است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ قَالَ لَا تُضَيِّعْ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِأَخٍ مَنْ ضَيَّعْتَ حَقَّهُ وَ لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صِلَتِهِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: حق برادرت را به اعتماد رابطه اى كه بين تو و او هست از بين مبر، زيرا او برادر كسى كه حقش را از بين برد نيست ، و مبادا كه برادرت به بريدن از تو نيرومندتر از تو در پيوستن تو به او باشد.

عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعْلِمْ أَخَاهُ وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه زندگى بر يكى از شما سخت شد پس برادر ايمانيش را از وضعش آگاه سازد، و بر خودش سخت نگيرد.

عَنْ أَبِى عُمَارَةَ بْنِ الطَّيَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَسْأَلِ النَّاسَ مَا فِى أَيْدِيهِمْ قَرْضاً مِنْ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى ذَلِكَ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ حَقٌّ فَإِنَّمَا هُوَ لِوَلِيِّهِ وَ إِنَّمَا جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضَهُمْ لِبَعْضٍ سُلَّماً وَ مُرْتَفِعاً وَ دَرَجَةً فَإِنَّ اللَّهَ وَفَى لِمَنْ وَفَى لَهُ زَائِداً لِمَنْ شَكَرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند نيازى به مردم ندارد تا از آنان قرض بخواهد، و هر حقى كه خدا دارد از آن ولى اوست ، خداوند بعض ‍ مؤ منين را براى بعض ديگر نردبان و پله و وسيله بالا رفتن قرار داده ، خداوند به عهدش وفا كرده و بر نعمت كسى كه وفا كرد و شكر نعمت بجاى آورد افزوده است .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ السَّجَّادِ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ تَعْرِفُ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قُلْتُ بَشِيرَ النباك النَّبَّالِ وَ شَجَرَةَ فَقَالَ كَيْفَ صُنْعُهُمَا إِلَى الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ خَيْرَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ أَعَانَهُمْ وَ نَفَعَ ثُمَّ قَالَ أَيُّ شَيْءٍ مَعَكَ مِنَ النَّفَقَةِ قُلْتُ مِائَتَا دِرْهَمٍ فَقَالَ أَرِنِيهَا فَأَرَيْتُهُ فَزَادَنِيهَا ثَلَاثِينَ دِرْهَماً وَ دِينَارَيْنِ

امام صادق عليه‌السلام به محمّد بن زياد فرمود: چه كسى از اهل كوفه را مى شناسى ؟ گفتم : بشير نبّال و شجره ، فرمود: با مؤمنين چگونه اند؟ بهترين مسلمانان كسى است كه به مسلمان كمك كند و به آنها نفع رساند، سپس فرمود: چه مقدار پول نزد تو هست ؟ گفتم : دويست درهم ، فرمود: نشانم بده ، آن را نشان حضرت دادم ، ايشان سه درهم و دو دينار بر آن افزودند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ ثَلَاثَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَتَنَاجَيَا مِنْهُمُ اثْنَانِ دُونَ صَاحِبِهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَحْزُنُهُ وَ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه سه نفر از مؤمنين با هم در جايى گرد آيند، دو نفر آنان سرگوشى با هم صحبت نكنند به طورى كه رفيق سوم نشنود، زيرا اين كار مايه اندوه و آزار اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: همه چيز مؤمن محترم است ، آبرويش ، مالش و خونش .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ أَخِيهِ يُمِيطُ عَنْهُ الْأَذَى

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: مؤمن آينه برادر مؤمنش است و ناراحتيهايش را از او دور مى كند.

## فصل هشتم : در بيان نهى اذيت مؤمن و جستجوى لغزشهايش

الفصل الثامن فى أذى المؤمن و تتبع عثراته

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الصُّدُودُ لِأَوْلِيَائِى فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وُجُوهِهِمْ لَحْمٌ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوُا الْمُؤْمِنِينَ وَ نَصَبُوا لَهُمْ وَ عَادُوهُمْ وَ عَنَّفُوهُمْ فِى دِينِهِمْ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون روز قيامت شود منادى ندا كند: كجايند آنان كه راه دوستانم را مى بستند؟ در اين هنگام گروهى كه صورت آنان گوشت ندارد برخيزند، گفته شود:

اينهايند كسانى كه مؤمنين را آزردند، و كينه آنان را به دل گرفتند، و با آنان دشمنى كردند، و آنها را با درشتى در دينشان سرزنش كردند، سپس فرمان داده مى شود كه آنان را به دوزخ برند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَّعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِى جَوْفِ بَيْتِهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: لغزشهاى مؤمنين را جستجو نكنيد، زيرا هر كس لغزشهاى برادرش ‍ را جستجو كند، خداوند لغزشهايش را دنبال كند، و هر كه را خداوند لغزشهايش را دنبال كند رسوايش سازد، گرچه در درون خانه اش ‍ باشد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ سَتَرَ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ عَوْرَةً سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس عيب برادر مؤمني را بپوشاند خداوند در روز قيامت عيبش را بپوشند.

وَ قَالَ مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِناً بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه مؤمنى را به گناهى سرزنش كند؛ نميرد تا آن را مرتكب شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَيْلٌ لِمَنْ أَهَانَ وَلِيّاً مَنْ أَهَانَ وَلِيّاً فَقَدْ حَارَبَنِى وَ يَظُنُّ مَنْ حَارَبَنِى أَنْ يَسْبِقَنِى أَوْ يُعْجِزَنِي وَ أَنَا الثَّائِرُ لِأَوْلِيَائِى فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: واى بر كسى كه دوست مؤمنى را اهانت كند، هر كس به مؤمنى اهانت كند با من جنگ نموده است ، و گمان مى كند كسى كه با من بجنگد از من پيشى مى گيرد يا مرا ناتوان مى سازد! در حالى كه من انتقام گيرنده براى اوليائم مى باشم .

## فصل نهم : بيان ديندارى

الفصل التاسع فى الدين

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَ هُوَ كِتَابُ التَّبْصِرَةِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ بَعَثَنِى رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلْ أَحَداً حَتَّى تَدْعُوَهُ إِلَى اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ

على عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا به سوى يمن فرستادند و فرمود: اى على ! با هيچ كس جنگ نكن و مردم را بسوى خدا بخوان ، زيرا اگر خداوند مردى را بوسيله تو هدايت كند بهتر از هر چيزى است كه خورشيد به آن تابيده باشد يا غروب كرده باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا إِيمَاناً فِى قَلْبِ آخَرَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ جَمِيعاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چه بسا بنده اى كلمه اى بگويد و خداوند به واسطه آن كلمه ايمان را در قلب بنده ديگر قرار دهد، خداوند همه آنها را بيامرزد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ فِى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَوَقاهُ اللّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا قَالَ أَمَا لَقَدْ بَسَطُوا عَلَيْهِ وَ قَتَلُوهُ وَ لَكِنْ أَ تَدْرُونَ مَا وَقَاهُ وَقَاهُ أَنْ يَفْتِنُوهُ فِى دِينِهِ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند تبارك و تعالى : (خدا او را از بديهاى آنچه نيرنگ زدند نگهداشت) فرمود: آنها بر او (مؤمن آل فرعون) چيره شدند و او را كشتند، ولى مى دانيد خداوند او را از چه چيز نگاه داشت ؟ او را از فتنه در دينش حفظ كرد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ سَلَامَةُ الدِّينِ وَ صِحَّةُ الْبَدَنِ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ وَ الْمَالُ زِينَةٌ مِنْ زِينَةِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سلامتى دين و صحّت بدن بهتر از مال است ، و مال زينتى از زينتهاى خوب دنياست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام ذُكِرَ لَهُ قَوْلُ رَاهِبٍ أَنَّهُ قَالَ فِى لِبَاسِ الشَّعْرِ هُوَ أَشْبَهُ بِلِبَاسِ أَهْلِ الْمُصِيبَةِ فَقَالَ وَ أَيُّ مُصِيبَةٍ أَعْظَمُ مِنْ مَصَائِبِ الدِّينِ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شده كه : گفته راهبى بر ايشان نقل گرديد كه در مورد لباس مؤمنين گفته بود: آن لباس به لباس مصيبت ديدگان شبيه تر است ، امام عليه‌السلام فرمود: و چه مصيبتى بزرگتر از مصيبتهاى دين !

عَنْ عُمَرَ بْنِ مُفَضَّلٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام تُطِيلَ الْغَيْبَةَ عَنْ أَهْلِكَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَيْنَ قُلْتُ الْأَهْوَازَ وَ فَارِسَ قَالَ فِيمَ قُلْتُ فِى طَلَبِ الدُّنْيَا وَ التِّجَارَةِ وَ الرِّزْقِ قَالَ فَانْظُرْ إِذَا طَلَبْتَ مِنْهَا شَيْئاً فَنَرْوِى عَنْكَ فَاذْكُرِ الَّذِى اخْتَصَّكَ بِهِ مِنْ دِينِهِ وَ مَنْ بِهِ عَلَيْكَ مِمَّا صَرَفَهُ عَنْ غَيْرِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَحْرَى أَنْ تَسْخُوَ نَفْسَكَ مِمَّا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دوريت از خانواده ات به طول مى انجاميد؟ گفتم : بلى ، فرمود: كجا مى روى ؟ گفتم : اهواز و فارس ، فرمود: براى چه ؟ گفتم براى بدست آوردن دنيا و تجارت و روزى ، (فرمود: پس در نظر داشته باش هر گاه چيزى از مال دنيا را طلب نمودى ولى به تو نرسيد، بياد آور آن كس را كه دين (ولايت ما) خود را مخصوص تو گردانيد، و به آن بر تو منّت نهاد، و از غير تو دريغ داشت پس سزاوارتر اين است كه نفست به خاطر اين خوبيها آرامش يابد، و براى امور دنيا كه از دستت رفته آرامشش را سلب نكنى .

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثٌ بِهِنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ التَّفَقُّهُ فِى الدِّينِ وَ التَّقْدِيرُ فِى الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ

على عليه‌السلام فرمود: مسلمان به سه چيز كامل مى گردد: بينش در دين ، توانايى در زندگى ، شكيبائى بر سختيها.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: همنشينى با اهل دين شرافت دنيا و آخرت است .

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ خِيَارُكُمُ الَّذِينَ إِذَا نُظِرَ إِلَيْهِمْ ذُكِرَ اللَّهُ بِهِمْ

على عليه‌السلام مى فرمايد: بهترين شما كسانى هستند كه چون به آنها بنگرند بياد خدا افتند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ وَكَّلَ بِاخْتِلَاسِ الْحَدِيثِ فَيُنْسِيهِ مِنْ أَعْوَانِهِ يُقَالُ لَهُ خِلَاسٌ فَإِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ بِالْحَدِيثِ فَنَسِيَهُ فَلْيَدْعُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ لْيَلْعَنِ الْخِلَاسَ فَإِنَّهُ سَيَأْتِيهِ الْحَدِيثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ لَمْ يَذْكُرْهُ كَانَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ عِوَضاً مِنَ الْحَدِيثِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: شيطان موكل شده به ربودن حديث ، آن را از ذهن يارانش مى برد، به او (خلّاس) رباينده حديث گفته مى شود، اينك هر گاه يكى از شماها مى خواهد حديثى را براى ديگرى نقل كند ولى آن را فراموش كرده ، خداوند تبارك و تعالى را بخواند و بر پيامبر درود بفرستد، و خلّاس را لعن نمايد تا ان شاء اللّه آن حديث بيادش آيد، و اگر يادش نيامد آن ذكر خداوند تعالى و درود بر نبى صلى‌الله‌عليه‌وآله به جاى آن حديث محسوب مى گردد.

# باب سوم در كارهاى نيك و خصلتهاى شريف و مانند آنها ودر آن بيست و شش فصل است

الباب الثالث فى محاسن الا فعال و شرف الخصال و ما يشبههما ستة و عشرون فصلا

## فصل اول : در توبه

الفصل الاول فى التوبة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِنَّهُ كانَ لِلْأَوّابِينَ غَفُوراً قَالَ هُمُ التَّوَّابُونَ الْمُتَعَبِّدُونَ

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداوند متعال (او بازگشت كنندگان را مى بخشد) مى فرمايد: آنان بسيار توبه كنندگان و عبادت كنندگانند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَرَ جَوَارِحَهُ أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْهِ وَ بِقَاعَ الْأَرْضِ أَنْ تَكْتُمَ عَلَيْهِ وَ أُنْسِيَتِ الْحَفَظَةُ مَا كَانَتْ تَكْتُبُهُ عَلَيْهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كس توبه كند خداوند تعالى توبه وى بپذيرد، و اعضاء پيكرش را مأ مور كند كه گناهانش را بپوشانند، و سرزمينهايى را كه در آن گناه كرده مأ مور گرداند كه آن را كتمان كنند، و از ياد فرشتگان مراقبش آنچه از او نوشته اند مى برد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَلَا يَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ إِذَا تَابَ كَمَا يَفْرَحُ أَحَدُكُمْ بِضَالَّتِهِ إِذَا وَجَدَهَا

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمود: خداوند جلّ و علا از توبه بنده اش چون توبه نمايد شاد شود، چنانچه يكى از شما به پيدا شدن گمشده خود شاد گردد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى التَّائِبِينَ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَوْ أَعْطَى خَصْلَةً مِنْهَا جَمِيعَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَنَجَوْا بِهَا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ فَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ لَمْ يُعَذِّبْهُ وَ قَوْلُهُ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الَّذِينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللّهِ إِلهاً آخَرَ إِلَى قَوْلِهِ وَ كانَ اللّهُ غَفُوراً رَحِيماً

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: خداى عزّ و جل به توبه كنندگان سه خصلت داده ؛ كه اگر يكى از آنها را به تمامى اهل آسمانها و زمين داده مى شد همگى به وسيله آن نجات مى يافتند:

در فرموده اش : (خداوند توبه كنندگان را دوست دارد و پاكيزگان را دوست دارد) پس هر كه را خدا دوست داشته باشد عذابش نكند. ديگر قول خداى متعال كه فرمود: (آن كسانى كه حامل عرشند و كسانى كه در گرد آنند) تا آنجا كه مى فرمايد: (و اينست آن رستگارى بزرگ). قول خداوند كه مى فرمايد: (و آنان كه نخوانند با خدا معبود ديگرى) تا جايى كه مى فرمايد: (و خداوند آمرزنده و مهربان است).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ سَنَةً لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الشَّهْرَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمْعَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ جُمْعَةً لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِيَوْمٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ يَوْماً لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: هر كه يك سال قبل از مرگش توبه كند خداوند توبه اش را بپذيرد، سپس فرمود: يك سال زياد است هر كه يك ماه قبل از مرگش توبه كند خدا توبه اش را بپذيرد، سپس فرمود: يك ماه زياد است ، هر كه يك هفته قبل از مرگش توبه نمايد خدا توبه اش را بپذيرد، سپس فرمود: يك هفته زياد است ، هر كه يك روز قبل از مرگش توبه نمايد خدا توبه اش را بپذيرد، سپس ‍ فرمود: يك روز زياد است ، هر كه پيش از ديدار مرگ توبه كند خدا توبه اش ‍ را بپذيرد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَنْ تَابَ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ إِلَى هَذِهِ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ جَلَّ وَ عَزَّ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: هر كس توبه كند قبل از اينكه جانش به اينجا برسد و با دست مباركشان به سوى حلقشان اشاره فرمود خداوند عزّ و جل توبه او را بپذيرد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا يُحَالُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ التَّوْبَةِ حَتَّى يَتَغَرْغَرَ لِحَيَاتِهِ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: بين بنده و توبه چيزى مانع نمى شود تا زمانى كه جانش به حلقومش برسد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُغْفَرُ لَهُ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ لَا يَزَالُ نَادِماً عَلَيْهِ مُسْتَغْفِراً مِنْهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: بنده گناهى را انجام مى دهد و خداوند او را بيامرزد، راوى مى گويد: پرسيدم : چگونه چنين چيزى ممكن است ؟ فرمود: دائما بر گناهش پشيمان است و از آن طلب آمرزش مى كند تا وقتى آمرزيده شود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَا وَ اللَّهِ مَا أَرَادَ اللَّهُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا خَصْلَتَيْنِ أَنْ يُقِرُّوا لَهُ بِالنَّعِيمِ فَيَزِيدَهُمْ وَ بِالذُّنُوبِ فَيَغْفِرَهَا لَهُمْ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: به خدا سوگند، خداوند از مردم جز دو خصلت نخواسته است :

اعتراف به نعمتهاى او تا نعمت را بر ايشان بيافزايد، و اعتراف به گناهان تا آنها را بر ايشان بيامرزد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَا يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ بِهِ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: از گناه نجات نيابد بجز آن كس كه بدان اعتراف نمايد.

عَنْهُ قَالَ كَفَى بِالنَّدَمِ تَوْبَةً

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: پشيمانى براى توبه كافى است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْمُلُوكَ وَ قُلُوبُهُمْ بِيَدِى فَأَيُّمَا قَوْمٍ أَطَاعُونِى جَعَلْتُ قُلُوبَ الْمُلُوكِ عَلَيْهِمْ رَحْمَةً وَ أَيُّمَا قَوْمٍ عَصَوْنِى جَعَلْتُ قُلُوبَ الْمُلُوكِ عَلَيْهِمْ سَخْطَةً أَلَا لَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تُوبُوا إِلَيَّ أَعْطِفْ بِقُلُوبِهِمْ عَلَيْكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: خداوند عزّ و جل فرمود: من خدائى هستم كه هيچ معبودى جز من نيست ، حكّام را آفريدم در حالى كه دلهاى آنها در دست من است ، هر گروهى كه مرا اطاعت كنند دلهاى آن حكام را رحمت بر آنان قرار خواهم داد، و هر گروهى كه مرا نافرمانى كنند دلهاى حكام را بر آنان غضبناك قرار خواهم داد. آگاه باشيد! خودتان را به دشمنان دادن به پادشاهان سرگرم نكنيد، به سوى من توبه كنيد تا دلهاى آنها را نسبت به شما مهربان سازم .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ چيز نزد خداوند محبوبتر از جوان توبه كننده نيست .

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَ هُوَ يَسْتَغْفِرُ كَالْمُسْتَهْزِئِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: توبه كننده از گناه همانند كسى است كه گناه ندارد، و آنكه در گناه بماند در حالى كه طلب آمرزش مى كند همچون مسخره چى است .

وَ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُذْنِبُ إِلَّا أَجَّلَهُ اللَّهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ هُوَ تَابَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ لَمْ يَتُبْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّئَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر بنده مؤمنى كه گناهى كند خداوند هفت ساعت به او مهلت دهد، اگر توبه كرد چيزى در نامه عمل او نوشته نخواهد شد و اگر توبه نكرد يك گناه بر او نوشته شود.

وَ قَالَ إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَ هِيَ تَتَلَأْلَأُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه بنده بسيار استغفار كند نامه عملش ‍ بالا رود در حالى كه مى درخشد.

وَ قَالَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الِاسْتِغْفَارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با اصرار بر گناه صغيره اى نمى ماند، و با استغفار كبيره اى نمى ماند (يعنى گناه كوچك با اصرار بر آن ، كبيره خواهد شد، و كبيره با استغفار آمرزيده خواهد شد).

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام مَا مِنْ عَبْدٍ يَعْمَلُ عَمَلًا لَا يَرْضَاهُ اللَّهُ إِلَّا سَتَرَ عَلَيْهِ أَوَّلًا فَإِذَا ثَنَّى سَتَرَ عَلَيْهِ فَإِذَا ثَلَّثَ أَهْبَطَ اللَّهُ مَلَكاً فِى صُورَةِ آدَمِيٍّ يَقُولُ لِلنَّاسِ إِنَّ فُلَاناً يَعْمَلُ كَذَا وَ كَذَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر بنده مؤمنى عملى را كه مورد رضاى خدا نيست انجام دهد خداوند نخستين بار گناهش را مى پوشاند، و اگر مرتبه دوم انجام دهد باز هم خداوند بر او مى پوشاند، و هر گاه مرتبه سوم مرتكب شد، خداوند ملكى را به صورت آدمى به زمين مى فرستد تا به مردم اعلام كند كه : فلانى فلان كار و فلان عمل را انجام داد.

وَ قَالَ إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَصُوحاً أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ قَالَ يُنْسِى مَلَكَيْهِ مَا كَتَبَا عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ يُوحِى إِلَى جَوَارِحِهِ أَنِ اكْتُمِى عَلَيْهِ ذُنُوبَهُ وَ يُوحِى إِلَى بِقَاعِ الْأَرْضِ أَنِ اكْتُمِى عَلَيْهِ مَا كَانَ يَعْمَلُ عَلَيْكِ مِنَ الذُّنُوبِ فَيَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: چون بنده توبه اى مانند توبه نصوح نمايد، خداوند دوست دارد كه گناهان او را در دنيا و آخرت بپوشاند، راوى گويد: پرسيدم ؛ چگونه بر او پرده پوشى كند؟ فرمود: هر چه از گناهان كه دو فرشته مأ مور در نامه عملش نوشته اند از يادشان ببرد، و به اعضاء و جوارح او وحى مى كند كه : گناهانى را كه به وسيله آنها انجام داده پنهان كنند، و به قطعه هاى زمين وحى كند گناهانى را كه روى آنها انجام داده پنهان دارند، در اين هنگام خدا را ملاقات مى كند در حالى كه اثرى از آن گناهان وجود ندارد.

سُئِلَعليه‌السلام عَنِ التَّوْبَةِ النَّصُوحِ قَالَ هُوَ الذَّنْبُ الَّذِى لَا يُعَادُ عَلَيْهِ أَبَداً

از امام باقر عليه‌السلام در مورد توبه نصوح پرسيده شد، امام عليه‌السلام فرمود: توبه از گناهى است كه هرگز به سوى آن باز نگردد.

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَارٌ وَ طُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ وَ الِاعْتِلَالُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَةٌ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ فَلا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به تأ خير انداختن توبه فريفتن خويش ‍ است ، ادامه تأ خير سرگردانيست ، و عذرتراشى در برابر خدا نابوديست ، و اصرار بر گناه به خيال آسودگى از مؤ اخذه خداست ، و از مكر خدا بجز افراد زيانكار آسوده نباشند.

## فصل دوم : در عبادت و بندگى خداوند

الفصل الثانى فى العبادة

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حَدِّ الْعِبَادَةِ الَّتِى مَنْ فَعَلَهَا كَانَ عَابِداً فَقَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ

ابو بصير گفت : از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم در باره اندازه عبادتى كه اگر كسى انجامش دهد به او اطلاق عابد مى شود، فرمود: نيكويى نيت در اطاعت وبندگى خدا.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِيَ الصِّدِّيقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِى فِى الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ بِهَا تَتَنَعَّمُونَ فِى الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: خداوند تبارك و تعالى مى فرمايد: اى بندگان راست كردار من ! در دنيا از نعمت عبادتم برخوردار باشيد، شما در بهشت از آن برخوردار خواهيد بود.

عَنْهُ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: به واجبات خدا عمل كن تا از پرهيزگارترين مردم باشى .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِى عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى يُسْرٍ أَمْ عَلَى عُسْرٍ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: بهترين مردم كسى است كه به عبادت عشق بورزد و آن را در آغوش ‍ كشد، و آن را از دل دوست داشته باشد، و با جوارح خود انجامش دهد، و خود را براى آن فارغ البال سازد، چنين شخصى باك ندارد كه زندگانى دنيايش به سختى گذرد يا به آسانى .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود: هر كس به واجبات خدا عمل نمايد از بهترين مردمان است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: هر كس واجبى را درست انجام دهد نزد خداوند حق دعاى مستجابى را دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِى بِأَحَبَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى فرمود: بنده من با چيزى محبوبتر از انجام آنچه بر او واجب گردانيده ام به دوستى من نگرايد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ فَيَأْتُونَ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُونَهُ فَيُقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَيُقَالُ لَهُمْ عَلَى مَا صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ نَصْبِرُ عَنْ مَعَاصِى اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقُوا أَدْخِلُوهُمُ الْجَنَّةَ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّما يُوَفَّى الصّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون روز قيامت شود گروهى از مردم برخيزند و به سوى بهشت آيند و در آن را بكوبند، به آنها گفته مى شود: شما كيستيد؟ مى گويند: ما اهل صبريم ، به آنها گفته مى شود: بر چه چيز صبر نموديد؟ مى گويند: بر اطاعت خدا، و دورى از نافرمانى او صبر نموديم ، خداى عزّ و جل مى فرمايد: راست مى گويند، آنها را داخل بهشت نماييد، و همان است قول خداى عزّ و جل : (همانا صابران اجر خود را بدون حساب به دست آورند).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ اعْمَلُوا عَمَلَ مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: عمل كنيد بمانند كسانى كه (گويا پس ‍ از مرگ را) به چشم مى بينند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ إِنْ شَاءَ فَلْيَدُمْ وَ إِنْ شَاءَ فَلْيَتْرُكْ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: هر كس بخواهد كار خيرى را انجام دهد بايد تا يك سال آن را ادامه دهد، سپس اگر خواست باز ادامه دهد و اگر خواست آن را ترك نمايد.

عَنْهُعليه‌السلام إِيَّاكَ أَنْ تَفْرِضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةً فَتُفَارِقَهَا اثْنَيْ عَشَرَ هِلَالًا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مبادا عملى را بر خود واجب گردانى و تا دوازده ماه از آن دست بردارى .

## فصل سوم : زهد و ترك دنيا

الفصل الثالث فى الزهد

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ مِنْ أَعْوَانِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدَ فِى الدُّنْيَا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: از جمله يارى كنندگان اخلاق در امور دين ، زهد در دنياست .

وَ قَالَعليه‌السلام أَيْضاً الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: زهد در دنيا عبارت از كوتاه نمودن آرزوها و شكر تمامى نعمتها و پرهيز نمودن از تمام محرّمات الهى است .

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام عَنِ الزُّهْدِ قَالَ الزُّهْدُ عَشَرَةُ أَشْيَاءَ فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ وَ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ وَ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الرِّضَا أَلَا وَ إِنَّ الزُّهْدَ فِى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ

از امام سجاد عليه‌السلام در مورد زهد پرسيدند، فرمود: زهد ده قسم است : بالاترين درجه زهد پايين ترين درجه پارسائى است و بالاترين درجه پارسائى پايين ترين درجه يقين است ، و بالاترين درجه يقين پايين ترين درجه رضاست ، و تمام زهد در يك آيه از كتاب خداوند جمع شده است . (تا بر آنچه از دست شما رفته افسوس نخوريد و به آنچه به شما رسيده شاد نشويد).

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَيْسَ الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِى يَدِكَ أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا فِى يَدِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: زهد در دنيا به از بين رفتن مال و حرام نمودن حلال نيست ، بلكه زهد در دنيا به اين است كه به آنچه در دست خودت هست مطمئن تر از آنچه در دست خداست نباشى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاغِبِ فِى ثَوَابِ الاْخِرَةِ زُهْدُهُ فِى عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا أَمَا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَ إِنْ زَهِدَ وَ إِنَّ حِرْصَ الْحَرِيصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَ إِنْ حَرَصَ فَالْمَغْبُونُ مَنْ حُرِمَ حَظَّهُ فِى الاْخِرَة

امام صادق عليه‌السلام از امير المؤمنين عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: علامت مشتاق به ثواب آخرت بى رغبتى نسبت به زرق و برق دنيا است ، آگاه باشيد، بى رغبتى زاهد نسبت به دنيا از آنچه خداوند برايش از دنيا مقرر فرموده كاهش ندهد، اگر چه زهد كند، همانا از شخص آزمند بر خرّمى دنياى نقد برايش فزونى نياورد اگر چه حرص زند، پس مغبون كسى است كه از بهره آخرت خود محروم ماند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ زَهِدَ فِى الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِى قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً إِلَى دَارِ السَّلَامِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: كسى كه نسبت به دنيا زاهد و بى رغبت باشد، خداوند حكمت را در قلبش جاى دهد، و زبانش را به آن گويا سازد، و او را به عيبهاى دنيا و درد و دوايش بينا گرداند، و او را از دنيا سالم به سوى بهشت بيرون برد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِعَبْدٍ خَيْراً زَهَّدَهُ فِى الدُّنْيَا وَ فَقَّهَهُ فِى الدِّينِ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَهُ وَ مَنْ أُوتِيَ هَذَا فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه خداوند خير بنده اى را بخواهد او را نسبت به دنيا بى رغبت ، و نسبت به دين ژرف نگر مى كند، و به عيبهايش ‍ بينا سازد، و به هر كس اين خصلتها داده شد؛ به حق خير دنيا و آخرت داده شده است .

وَ قَالَ لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بِبَابٍ أَفْضَلَ مِنَ الزُّهْدِ فِى الدُّنْيَا وَ هُوَ ضِدُّ مَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْ مَا ذَا قَالَ مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ قَالَ أَلَا مِنْ صَبَّارٍ كَرِيمٍ فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ قَلَائِلُ أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِى الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ كس حق را در راهى بهتر از زهد در دنيا نيافته است و آن ضد خواسته دشمنان حق است .

راوى گويد: عرض كردم : قربانت گردم ، چرا چنين است ؟ فرمود: به خاطر رغبت آنان به دنيا، و فرمود: آيا شخص پر صبر و گرامى وجود ندارد؟ همانا كه دنيا چند روز كمى است ، آگاه باشيد كه حرامست بر شما كه مزه ايمان را بچشيد مگر اينكه در دنيا پارسائى پيشه كنيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنِ اجْتَهَدَ لِدُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ وَ مَنْ آثَرَ آخِرَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ سَعِدَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شد فرمود: هر كس براى دنيايش تلاش ‍ كند به آخرتش ضرر زده ، و كسى كه آخرتش را مقدم دارد خداوند روزيش را بدهد، و به ملاقات پروردگارش سعادتمند شد.

مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ لَيْسَ الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا لُبْسَ الْخَشِنِ وَ أَكْلَ الْجَشِبِ وَ لَكِنَّ الزُّهْدَ فِى الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: زهد در دنيا به پوشيدن لباسهاى خشن و خوردن غذاهاى نامطلوب نيست ، و لكن زهد در دنيا به كوتاهى آرزوهاست .

عَنْ أَبِى أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِعَلِيٍّعليه‌السلام إِنَّ اللَّهَ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْهَا وَ لَا أَبْلَغَ عِنْدَهُ مِنْهَا الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَاكَ ذَلِكَ وَ جَعَلَ الدُّنْيَا لَا تَنَالُ مِنْكَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكَ سِيمَاءَ تُعْرَفُ بِهَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام فرمود: خداوند تو را به زينتى آراسته كه بندگان را به خيرى كه محبوبتر و رساتر از آن نزد خدا باشد نياراسته ، و آن زهد در دنياست كه خداوند آن را به تو بخشيده ، و دنيا را به صورتى قرار داده كه از تو چيزى به او نمى رسد (يعنى دنيا از تو بهره اى نخواهد برد) و براى تو چهره اى قرار داده كه به آن شناخته خواهى شد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِى شَيْئاً إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِيَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَحَبَّنِيَ النَّاسُ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ ارْغَبْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ ازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ

مردى به پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: اى رسول خدا! مرا كارى بياموز كه وقتى آن را انجام دادم خداوند از آسمان و مردم در زمين مرا دوست بدارند، فرمود: به آنچه نزد خداست چشم بدار تا خدا دوستت بدارد، و از آنچه نزد مردم است چشم بپوش تا مردم دوستت بدارند.

سُئِلَ الصَّادِقُعليه‌السلام عَنِ الزُّهْدِ فِى الدُّنْيَا قَالَ الَّذِى يَتْرُكُ حَلَالَهَا مَخَافَةَ حِسَابِهِ وَ يَتْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد زهد در دنيا پرسيدند، حضرت فرمود: آنى كه حلالش را از ترس حسابش ، و حرامش را از ترس عذابش ترك كنند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الزُّهْدُ ثَرْوَةٌ وَ الْوَرَعُ جُنَّةٌ وَ أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ الزُّهْدُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الاْمَالَ وَ يُقَرِّبُ الْمَنِيَّةَ وَ يُبَاعِدُ الْأُمْنِيَّةَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ نَصِبَ وَ مَنْ فَاتَهُ تَعِبَ وَ لَا كَرَمَ كَالتَّقْوَى وَ لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَ لَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِى الْحَرَامِ الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ فَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِى وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالاْتِى فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسَوْا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ كُتُبٍ بَارِزَةِ الْعُذْرِ وَاضِحَةٍ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: زهد ثروت است ، و پرهيزگارى و خويشتن دارى از گناه سپر، و بهترين زهدها پنهان نمودن زهد است ، زهد بدنها را ضعيف و لاغر مى نمايد و آرزوها را محدود مى كند، و مرگ را نزديك مى نمايد، و اميد را دور مى سازد، هر كس به آن دست يابد بهره مند شده و هر كس آن را از دست دهد به سختى افتد، هيچ بزرگوارى مانند تقوا نيست ، و هيچ تجارتى مثل عمل صالح نمى باشد، و هيچ پرهيزگارى و خويشتن دارى همانند ايستادگى در مقابل امور مشتبه نيست ، و هيچ پارسائى همانند پارسائى در مقابل حرام نيست ، تمامى زهد بين دو كلمه قرار گرفته ، خداوند متعال مى فرمايد: (تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگين نشويد و به آنچه به شما داده شده است شادمانى نكنيد)، پس ‍ هر كس بر گذشته اش ناراحت نشود و به آينده اش شادمان نگردد دو طرف زهد را درك نموده است .

اى مردم ! پارسا بودن به كوتاهى آرزو و شكر نعمت ، و پرهيزگارى و خويشتن دارى از محرمات است ، و چنانچه اين صفات از كف رفت حرام بر صبر شما غالب نشود و شكرگزارى را هنگام دريافت نعمت فراموش نكنيد، زيرا خداوند با فرستادن حجّتهاى آشكار و ظاهر و كتابهاى آسمانيش راه عذر آوردن را بر شما بسته است .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِى الدُّنْيَا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِى الْحِكْمَةَ

پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه مردى را ديديد كه زهد و پارسائى در دنيا به او عطا شد به او نزديك شويد، زيرا او حكمت را ابلاغ مى كند.

قِيلَ لِلصَّادِقِعليه‌السلام مَا الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا قَالَ قَدْ حَدَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِى كِتَابِهِ فَقَالَ لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد زهد در دنيا سؤ ال شد؟ فرمود: خداوند براى آن در كتابش حدّى مقرر داشته و فرموده : (تا بر آنچه از دست شما رفته است اندوهگين نشويد و به آنچه به شما داده شده است شادى نكنيد).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنِ اعْتَدَلَ يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا وَ مَنْ كَانَ غَدُهُ شَرَّ يَوْمَيْهِ فَمَحْرُومٌ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِ بِمَا زُوِيَ مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَهُوَ هَالِكٌ وَ مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدِ النَّقْصَ مِنْ نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَوَى وَ مَنْ كَانَ فِى نَقْصٍ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ وَ لَهَا أَهْلٌ وَ إِنَّ الاْخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ أَنْفُسُهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يُنَافِسُونَ فِى الدُّنْيَا وَ لَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا وَ لَا يَحْزَنُونَ لِبُؤْسِهَا يَا شَيْخُ مَنْ خَافَ الْبَيَاتَ قَلَّ نَوْمُهُ مَا أَسْرَعَ اللَّيَالِيَ وَ الْأَيَّامَ فِى عُمُرِ الْعَبْدِ فَاخْزُنْ لِسَانَكَ وَ عُدَّ كَلَامَكَ يَقِلَّ كَلَامُكَ إِلَّا بِخَيْرٍ يَا شَيْخُ ارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ ائت آتِ إِلَى النَّاسِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ وَ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَ مَا تَرَوْنَ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا يُمْسُونَ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى فَبَيْنَ صَرِيعٍ يَتَلَوَّى وَ بَيْنَ عَائِدٍ وَ مَعُودٍ وَ آخَرَ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَ آخَرَ لَا يُرْجَى وَ آخَرَ مُسَجًّى وَ طَالِبِ الدُّنْيَا وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُهُ وَ غَافِلٍ وَ لَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ وَ عَلَى أَثَرِ الْمَاضِى يَصِيرُ الْبَاقِى إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقاً ضَيَّقَ عَلَيْهِمُ الدُّنْيَا نَظَراً لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَ فِى حُطَامِهَا فَرَغِبُوا فِى دَارِ السَّلَامِ الَّذِى دَعَاهُمْ إِلَيْهِ وَ صَبَرُوا عَلَى ضِيقِ الْمَعِيشَةِ وَ صَبَرُوا عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ اشْتَاقُوا إِلَى مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ بَذَلُوا أَنْفُسَهُمْ ابْتِغَاءَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ وَ كَانَتْ خَاتِمَةُ أَعْمَالِهِمُ الشَّهَادَةَ فَلَقُوا اللَّهَ وَ هُوَ عَنْهُمْ رَاضٍ وَ عَلِمُوا أَنَّ الْمَوْتَ سَبِيلُ مَنْ مَضَى وَ مَنْ بَقِيَ وَ تَزَوَّدُوا لاِخِرَتِهِمْ غَيْرَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ لَبِسُوا الْخَشِنَ وَ صَبَرُوا عَلَى الْقُوتِ وَ قَدَّمُوا الْفَضْلَ وَ أَحَبُّوا فِى اللَّهِ وَ أَبْغَضُوا فِى اللَّهِ أُولَئِكَ الْمَصَابِيحُ وَ أَهْلُ النَّعِيمِ فِى الاْخِرَةِ وَ السَّلَامُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كه دو روزش يكسان باشد مغبون گشته ، و هر كه قصدش از تلاش ؛ دنيا باشد هنگام جدا شدن از آن حسرتش ‍ شديد شود، و هر كه فردايش زيانبارتر از امروزش باشد بى بهره مانده است ، و كسى كه باك ندارد كه براى آخرتش چه اندوخته است ، اگر دنيايش برايش ‍ سالم باشد به نابودى رسيده ، و شخصى كه به كاستى نفسش اهميت ندهد هواى نفس بر او چيره گردد، و هر كس در سراشيبى سقوط نفس خويش ‍ واقع شود مرگ برايش بهتر است ، دنيا سبز و شيرين است و براى او علاقمندانى است .

براى آخرت نيز دوستدارانى است كه خود را از فخر فروشى علاقمندان دنيا جدا ساخته اند، در دنيا با ديگران رقابت نمى كنند و به نعمت و عيش آن خوشحال نمى شوند و از شدائد و سختيهاى آن غمگين نمى شوند.

اى شيخ ! كسى كه از هجوم شبانه دشمنان مى ترسد خوابش كم مى شود، چقدر شبها و روزهاى عمر بندگان به سرعت مى گذرد! زبانت را نگاهدار و كلامت را بشمار، در اين صورت فقط سخنان خير خواهى گفت .

اى شيخ ! هر چه را براى خود مى پسندى براى مردم بپسند، و آنچه را دوست دارى كه مردم به تو روا بدارند به آنها روا بدار.

سپس رو به اصحابش كرد و فرمود: اى مردم ! مگر به اهل دنيا نمى نگريد، كه با چه حالات مختلفى و دگرگونيهايى صبح را به شام مى برند و روز و شب را سپرى مى كنند؟

يكى زمين خورده ، دست و پا مى زند، و ديگرى بيمار است ، و آن ديگر به عيادت او مى رود، و آن يكى در حال جان دادن است ، و اميدى ندارد، و بر تن كس ديگر كفن شده بر روى تابوت است ، و يكى طالب دنياست در حالى كه مرگ در جستجوى اوست . و يكى غافل است در حالى كه از او غفلت نشده است ، و باز ماندگان هم به دنبال گذشتگان در حركتند.

خداوند مخلوقاتى را آفريد كه دنيا در نظرشان تنگ جلوه كرد، آنها را بر دنيا و اموال آن زاهد گردانيد، آنان نيز بسوى خانه امنى كه خدا آنها را بسويش ‍ فرا خوانده بود رغبت پيدا كردند، و بر تنگى و فشار زندگى صبر كردند، و با ناملايمات سازش كردند، و به كرامتى كه نزد خداست اشتياق ورزيدند، و براى دستيابى به خشنودى پروردگار جان باختند، و پايان اعمال آنان شهادت بود، و خدا را در حالى كه از ايشان خرسند بود ملاقات كردند، و دانستند كه مرگ راه گذشتگان و آيندگان است ، لذا براى آن سراى خود چيزى غير از طلا و نقره توشه گرفتند، و لباس درشت پوشيدند و بر كم غذايى صبر كردند، و فضيلت را مقدم داشتند، و براى خدا دوستى كردند و يا دشمنى ورزيدند، اينان در دنيا چراغهايند و در آخرت غرق در نعمتها مى باشند، و السّلام .

وَ مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: كسى شيرينى ايمان را در دلش نمى يابد مگر اينكه باكش نباشد كه چه كسى دنيا را خورد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِى الدُّنْيَا

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: يافتن شيرينى ايمان بر دلهاى شما حرام است مگر اينكه در دنيا پارسائى پيشه كنيد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ فِى طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَاراً بِالاْخِرَةِ وَ فِى طَلَبِ الاْخِرَةِ إِضْرَاراً بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَحَقُّ بِالْإِضْرَارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله : دنياطلبى براى آخرت زيانبار است و آخرت جوئى براى دنيا زيانبار است ، شما به دنيا زيان بزنيد كه به زيان ديدن سزاوارتر است .

## فصل چهارم : در بيم و اميد

الفصل الرابع فى الخوف و الرجاء

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَخَافُ غَيْرَ اللَّهِ وَ لَا يَقُولُ عَلَيْهِ إِلَّا الْحَقَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن نمى ترسد مگر از خدا، و در مورد خدا غير از حق چيزى نمى گويد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّعليه‌السلام كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله خَرَجَ يَقْتَبِسُ لِأَهْلِهِ نَاراً فَكَلَّمَهُ اللَّهُ وَ رَجَعَ نَبِيّاً وَ خَرَجَتْ مَلِكَةُ سَبَإٍ كَافِرَةً فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ وَ خَرَجَ سَحَرَةُ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ

امام صادق عليه‌السلام از قول على عليه‌السلام نقل مى كند كه : نسبت به آنچه اميد ندارى اميدوارتر از آنچه به آن اميد دارى باش ، زيرا موسى بن عمران از شهر خارج شد تا براى امتش از خدا طلب آتش كند، خداوند با او سخن گفت و به عنوان رسالت مراجعت كرد، ملكه سبا نيز كافر از شهر خارج شد ولى نزد سليمان مسلمان شد، و جادوگران فرعون برايش طلب عزّت مى كردند ولى خودشان با ايمان بازگشتند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه خدا را شناخت ، از او بترسيد، و هر كه از خدا بترسيد دلش از دنيا متنفّر گردد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه از خدا بترسد، خداوند همه چيز را از او بترساند، و هر كه از خدا نترسد، خدا او را از همه چيز بترساند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَرَهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ اسْتَتَرْتَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ بِالْمَعَاصِى وَ بَرَزْتَ لَهُ بِهَا فَقَدْ جَعَلْتَهُ فِى حَدِّ أَهْوَنِ النَّاظِرِينَ إِلَيْكَ

امام صادق عليه‌السلام به اسحاق بن عمار فرمود: اى اسحاق ! چنان از خدا بترس كه گويا او را مى بينى ، و اگر تو او را نبينى ، او تو را مى بيند، و اگر معتقد باشى كه تو را نمى بيند كافرشده اى ، و اگر بدانى تو را مى بيند ولى تو دور از چشم مردم و در پنهان نافرمانى او برايش آشكار نمايى او را پست ترين بينندگان خود دانسته اى .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِى وَ يَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يَتَرَجَّحُونَ فِي الْأَمَانِيِّ كَذَبُوا لَيْسُوا بِرَاجِينَ مَنْ رَجَا شَيْئاً طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ

يكى از اصحاب گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : مردمى هستند كه گناه مى كنند و مى گويند ما (به لطف خدا) اميدواريم ، و همواره چنينند تا مرگشان فرا مى رسد، فرمود:

اينها مردمى هستند كه در آرزوها مى لولند، اينها دروغ مى گويند و اميدوار نيستند، هر كس به چيزى اميدوار باشد آن را طلب مى كند، و هر كس از چيزى بترسد از آن بگريزد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا تَأْمَنْ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در امان مباش مگر از كسى كه از خدا بترسد.

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ خَرَجْتُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْحَائِطِ فَاتَّكَأْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَجُلٌ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَبْيَضَانِ يَنْظُرُ فِى تُجَاهِ وَجْهِى ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ مَا لِى أَرَاكَ كَئِيباً حَزِيناً عَلَى الدُّنْيَا فَالرِّزْقُ حَاضِرٌ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ وَ إِنَّهُ كَمَا تَقُولُ قَالَ فَعَلَى الاْخِرَةِ فَوَعْدٌ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهِ مَلِكٌ قَاهِرٌ أَوْ قَالَ قَادِرٌ قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ وَ إِنَّهُ كَمَا تَقُولُ قَالَ فَمَا حُزْنُكَ قُلْتُ مَا نَخَافُ مِنْ فِتْنَةِ ابْنِ الزُّبَيْرِ وَ مَا فِيهِ مِنَ النَّاسِ فَضَحِكَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ هَلْ رَأَيْتَ أَحَداً خَافَ اللَّهَ فَلَمْ يُنْجِهِ قُلْتُ لَا قَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَداً تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلَمْ يَكْفِهِ قُلْتُ لَا قَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَداً سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ قُلْتُ لَا

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود: روزى بيرون شدم تا به اين ديوار رسيدم و بر آن تكيه كردم ، ناگاه مردى كه دو جامه سفيد بر تن داشت پيدا شد و در رويم نگريست ، سپس گفت : اى على بن الحسين ! چه شده كه تو را اندوهگين و محزون مى بينم ؟ آيا اندوهت براى دنياست ؟ كه روزى خدا براى نيكوكار و بدكردار آماده است .

گفتم : براى دنيا اندوهگين نيستم ، زيرا چنان است كه تو مى گويى ، گفت : پس براى آخرت است ؟ كه وعده اى است درست و سلطانى قاهر قادر نسبت به آن حكم مى فرمايد: گفتم : براى آن هم اندوه ندارم ، زيرا چنان است كه مى گويى ، پرسيد: اندوهت براى چيست ؟ گفتم : از فتنه ابن زبير و وضعى كه مردم دارند مى ترسم .

بعد خنديد و گفت : اى على بن الحسين ! آيا ديده اى كسى را كه از خدا بترسد و خدا او را نجات ندهد؟ گفتم : نه ، گفت : آيا كسى را ديده اى كه بر خدا توكل كند و خدا كارگزاريش نكند؟ گفتم : نه . گفت : آيا ديده اى كسى چيزى از خدا بخواهد و به او ندهد؟ گفتم : نه .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ اللَّهُ أَرْحَمُ بِعِبَادِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الْمُشْفِقَةِ عَلَى وَلَدِهَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: قسم به آنكه جانم در دست اوست ؛ خداوند نسبت به بندگانش از مادر مهربان نسبت به فرزندش ‍ مهربانتر است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِناً حَتَّى يَكُونَ خَائِفاً رَاجِياً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده اى مؤمن نيست مگر اينكه در بين ترس و اميد باشد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى لَا أَجْمَعُ عَلَى عَبْدِى خَوْفَيْنِ وَ لَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنَيْنِ فَإِذَا أَمِنَنِي فِى الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِذَا خَافَنِى فِى الدُّنْيَا آمَنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود كه : خداوند تبارك و تعالى فرمود: به عزّت و جلالم قسم ؛ نه دو ترس را يك جا به بنده ام خواهم داد و نه دو آرامش خاطر را، اگر در دنيا از من آسوده خاطر باشد در روز قيامت او را خواهم ترساند، و اگر در دنيا از من بترسد به روز قيامت آسوده خاطرش ‍ خواهم ساخت .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يُجَرِّئُكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفِ اللَّهَ خَوْفاً لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحِمَتِهِ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: به خدا آن گونه اميدوار باش كه آن اميد تو را بر معصيت او جرأ ت ندهد، و طورى از خدا بترس كه آن ترس تو را از رحمت او مأ يوس نگرداند.

قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَعليه‌السلام يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَا كَانَتِ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَاراً وَ الْحُزْنُ لَكَ دِثَاراً يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَسْئُولٌ فَأَعِدَّ جَوَاباً

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود: اى فرزند آدم ! مادامى كه تو در درونت واعظى دارى و در انديشه حساب خويشتنى ، و مادامى كه لباس ‍ زيرينت ترس و لباس روئينت پرهيز از گناه است ، در خير و خوبى بسر مى برى .

اى فرزند آدم ! تو مى ميرى و سپس زنده مى شوى و در پيشگاه خدا مورد سؤ ال واقع مى شوى ، پاسخى آماده كن .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله كَانَ دَاوُدُعليه‌السلام يَعُودُهُ النَّاسُ وَ يَظُنُّونَ أَنَّهُ مَرِيضٌ وَ مَا بِهِ مِنْ مَرَضٍ إِلَّا خَوْفَ اللَّهِ وَ الْحَيَاءَ مِنْهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مردم به عيادت حضرت داود عليه‌السلام مى آمدند و گمان مى كردند كه او مريض است ، ولى او مريض ‍ نبود و فقط ترس از خدا و شرم از او داشت .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِى مَا اللَّهُ صَانِعٌ فِيهِ وَ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِى مَا اللَّهُ قَاضٍ فِيهِ فَلْيَتَزَوَّدِ الْعَبْدُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ دُنْيَاهُ لاِخِرَتِهِ فَوَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ مُسْتَعْتَبٍ وَ لَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةَ أَوِ النَّارَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بنده مؤمن بين دو ترس قرار دارد: بين فرصتى كه گذشته و نمى داند خدا در اين فرصت با او چه كرده ، و بين فرصتى كه باقى مانده و نمى داند خداوند در اين فرصت چه حكمى بر او جارى مى كند، بنده بايد از خودش براى خودش و از دنيايش براى آخرتش ‍ توشه بر گيرد، قسم به آنكه جانم به دست اوست ؛ بعد از مرگ به جز سختى نيست و بعد از دنيا خانه اى جز بهشت و جهنم نيست .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام عَجِبْتُ لِمَنْ فَزِعَ مِنْ أَرْبَعٍ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى أَرْبَعٍ عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَإِنِّى سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بِعَقِبِهَا فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ عَجِبْتُ لِمَنِ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ فَإِنِّى سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بِعَقِبِهَا وَ نَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذلِكَ نُنْجِى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ مُكِرَ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ أُفَوِّضُ أَمْرِى إِلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ فَإِنِّى سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بِعَقِبِهَا فَوَقاهُ اللّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّهِ فَإِنِّى سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مالًا وَ وَلَداً. فَعَسى رَبِّى أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْراً مِنْ جَنَّتِكَ وَ عَسَى مُوجِبَةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در شگفتم از كسى كه از چهار چيز مى هراسد؛ چرا به چهار چيز پناهنده نمى شود؟ در شگفتم از آنكه مى ترسد چرا پناه نمى برد به فرموده خداى عز و جل (خداوند ما را بس است و چه وكيل خوبى است) زيرا شنيدم كه خداى عزّ و جل به دنبال آن مى افزايد: (به واسطه نعمت و فضلى كه از طرف خداوند شامل حالشان گرديد بازگشتند و هيچ بدى به آنان نرسيد).

و در شگفتم از كسى كه اندوهناك است ؛ چرا پناه نمى برد به فرموده خداى عزّ و جل :

(معبودى جز تو نيست ، تو منزّهى راستى كه من از ستمكاران هستم) زيرا شنيدم كه خداى عزّ و جل به دنبال آن مى فرمايد: (و از اندوه نجاتش داديم و مؤمنين را اين چنين مى رهانيم).

و در شگفتم از كسى كه در باره اش حيله اى بكار رفته چرا به فرموده خداى تعالى پناه نمى برد (كار خود را به خدا وامى گذارم زيرا كه خداوند به حال بندگان بيناست) زيرا شنيدم خداوند مى فرمايد: (او را از بديهايى كه در باره او به حيله انجام داده بودند نگه داشت).

و در شگفتم از كسى كه خواستار دنيا و آرايش آن است چرا پناهنده نمى شود به فرمايش خداى تبارك و تعالى (آنچه خدا خواست همان شود و نيرويى جز به يارى خداوند نيست)، زيرا شنيدم خداوند به دنبال آن مى فرمايد: (اگر مرا از حيث مال و فرزند كمتر از خود مى بينى ، اميد است كه پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرمايد).

كلمه «عسى» در آيه به معناى اثبات و تحقّق است .

وَ مِنْ كِتَابٍ قِيلَ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا كَانَ فِى وَصِيَّةِ لُقْمَانَ فَقَالَ كَانَ فِيهَا الْأَعَاجِيبُ وَ كَانَ أَعْجَبَ مَا فِيهَا أَنْ قَالَ لِابْنِهِ خَفِ اللَّهَ خِيفَةً لَوْ جِئْتَهُ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ لَعَذَّبَكَ وَ ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: وصيت لقمان به پسرش چه بود؟ فرمود: در آن وصيت مطالب شگفت انگيزى بود، و شگفت انگيزتر از همه اينكه به پسرش گفت : از خداوند چنان بترس كه اگر نيكى جن و انس را بياورى تو را عذاب كند، و به خدا چنان اميدوار باش كه اگر گناه جن و انس ‍ را بياورى به تو ترحم كند.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَانَ أَبِى يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِى قَلْبِهِ نُورَانِ نُورُ رَجَاءٍ وَ نُورُ خَوْفٍ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا

امام صادق عليه‌السلام از قول پدر بزرگوارش نقل مى كند كه مى فرمود: هيچ بنده مؤمنى نيست جز آنكه در دلش دو نور است : نور ترس و نور اميد، اگر اين وزن شود از آن افزون نباشد، و اگر آن وزن شود از اين افزون نباشد.

وَ مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: سر منشأ حكمت ترس از خداست .

قَالَ أَبُو كَاهِلٍ قَالَ لِى رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا أَبَا كَاهِلٍ لَنْ يَغْضِبَ رَبُّ الْعِزَّةِ عَلَى مَنْ كَانَ فِى قَلْبِهِ مَخَافَةٌ وَ لَا تَأْكُلُ النَّارُ مِنْهُ هُدْبَةً

ابو كاهل مى گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به من فرمود: اى ابو كاهل ! پروردگار هرگز بر كسى كه در قلبش ترس باشد غضب نكند، و آتش بر آن صدمه اى نزند.

جَاءَ حَبِيبُ بْنُ الْحَارِثِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى رَجُلٌ مِعْرَاضٌ لِلذُّنُوبِ قَالَ فَتُبْ إِلَى اللَّهِ يَا حَبِيبُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى أَتُوبُ ثُمَّ أَعُودُ قَالَ فَكُلَّمَا أَذْنَبْتَ فَتُبْ قَالَ إِذًا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَكْثُرُ ذُنُوبِى قَالَ عَفْوُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ ذُنُوبِكَ يَا حَبِيبَ بْنَ الْحَارِثِ

حبيب بن حارث نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمده ، عرضه داشت : اى رسول خدا! من مردى هستم كه هميشه در معرض گناهم ، فرمود: توبه كن به سوى خدا اى حبيب ، گفت : اى رسول خدا! من توبه مى كنم سپس دوباره آن را تكرار مى كنم ، فرمود: هر چه گناه كردى باز توبه كن ، گفت : اى رسول خدا! در اين صورت گناهانم فراوان مى شود، فرمود: اى حبيب بن حارث ! گذشت خداوند از گناهان تو بيشتر است .

وَ قَالَ مَا مِنْ حَافِظَيْنِ يَرْفَعَانِ إِلَى اللَّهِ مَا حَفِظَا فَيَرَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِى أَوَّلِ الصَّحِيفَةِ خَيْراً وَ فِى آخِرِهَا خَيْراً إِلَّا قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ اشْهَدُوا أَنِّى قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِى مَا بَيْنَ طَرَفَيِ الصَّحِيفَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه دو ملك ثبت كننده آنچه را ثبت نموده اند به سوى پروردگار ببرند، خداى تبارك و تعالى در اول نامه آنها خير و در آغوش خير ببيند، به ملائك مى فرمايد: شاهد باشيد كه من بنده ام را به واسطه هر دو طرف نامه اعمالش آمرزيدم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ دَاوُدَ إِذَا أَتَى بِخَطِيئَةٍ خَافَ رَبَّهُ حَتَّى تَنْفَرِجَ مَفَاصِلُهُ مِنْ أَمَاكِنِهَا ثُمَّ يَذْكُرُ سَعَةَ رَحْمَتِهِ وَ عَائِدَتِهِ عَلَى أَهْلِ الذُّنُوبِ فَتَرْجِعُ إِلَيْهِ

على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: هر گاه داود عليه‌السلام خطايى انجام مى داد از پروردگارش مى ترسيد، به حدّى كه مفصلهايش جابجا مى شد و از هم باز مى شد، سپس بياد مى آورد گسترش رحمت پروردگارش ‍ و كمك نمودن او را نسبت به اهل گناه ، لذا به حالت اوّل بازمى گشت .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِى وَ إِذَا كَانَ قَرَأَ مِنَ الْقُرْآنِ مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ كَرَّرَهَا وَ يَكَادُ أَنْ يَمُوتَ مِمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ مِنَ الْخَوْفِ

و نيز از على بن الحسين عليه‌السلام نقل شده كه فرمود: اگر همه مردمى كه بين مشرق و مغرب هستند؛ بميرند من از تنهايى هراس نكنم مادامى كه قرآن با من باشد، و شيوه آن حضرت چنين بود كه هر گاه از قرآن (مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) را مى خواند؛ آنقدر آن را تكرار مى كرد كه نزديك بود از ترس قالب تهى كند.

## فصل پنجم : در محبت و شوق

الفصل الخامس فى المحبة و الشوق

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فِى حَدِيثٍ لَهُ قَالَ لِزِيَادٍ وَيْحَكَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ أَ لَا تَرَى قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ أَ وَ لَا تَرَى قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُحَمَّدٍ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمانَ وَ زَيَّنَهُ فِى قُلُوبِكُمْ وَ قَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَيْهِمْ فَالدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ

امام باقر عليه‌السلام در ضمن حديث طولانى به زياد فرمود: واى بر تو! آيا دين غير از دوست داشتن است ؟ آيا كلام خداى عزّ و جل را نديده اى ؟ (اگر خدا را دوست مى داريد از من پيروى كنيد، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد)، آيا سخن خداى عزّ و جل را به محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله نشنيده اى (ايمان را براى شما محبوب قرار داد و آن را در دلهاى شما زينت داد) و فرمود: (دوست مى دارند كسى را كه بسوى آنها هجرت كند)، دين همان دوست داشتن است و دوست داشتن همان دين است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْراً فَانْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه خواستى بدانى در تو خيرى هست ، به دلت نگاه كن ، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصيت خدا را دشمن بدارد؛ در تو خير هست و خدا نيز تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصيت خدا را دوست بدارد در تو خيرى نيست و خدا دشمنت بدارد، و هر كسى همراه دوست خود است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا تَحَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا بِسِيمَاءَ وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُولِطَ وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةُ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا بِغَيْرِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مؤمن از دنيا كنار كشد رفعت يابد و شيرينى دوستى خدا را بچشيد، گويا نزد اهل دنيا ديوانه باشد، در صورتى كه شيرينى محبت خدا به آنها آميخته شده كه به چيز ديگر غير از او مشغول نشوند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله كُلَّمَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِى اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِى اللَّهِ وَ أَنْ تُوَالِيَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ تَبْرَأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ

و نيز از امام صادق عليه‌السلام نقل شده كه : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به اصحابش فرمود: كداميك از دستگيره هاى ايمان محكمتر است ؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، و بعضى گفتند:

نماز، و برخى گفتند: زكات ، و بعضى گفتند: روزه ، و برخى گفتند: حج و عمره ، و بعضى گفتند جهاد.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: براى هر يك از اينها كه گفتيد فضيلتى است ، ولى جواب سؤ ال من نيست ، لكن محكمترين دستگيره هاى ايمان دوستى براى خدا و دشمنى براى خداست ، و اينكه دوستان خدا را دوست بدارى و از دشمنان خدا دورى كنى .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُتَحَابُّونَ فِى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ زَبَرْجَدَةٍ خَضْرَاءَ فِى ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَ كِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ وُجُوهُهُمْ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ وَ أَضْوَأُ مِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ يَغْبِطُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ يَقُولُ النَّاسُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِى اللَّهِ

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دوستى كنندگان براى خدا در روز قيامت روى زمين زبرجدين و سبز رنگ زير سايه عرش خدا، سمت راست او خواهند بود، در حالى كه هر دو دست او راست است ، چهره آنان سفيدتر از برف و نورانى تر از خورشيد درخشان است ، هر فرشته مقرّب و هر پيغمبر مرسلى به مقام آنان حسرت مى خورد.

مردم گويند: اينها كيانند؟ به آنها گفته مى شود: دوستى كنندگان براى خدايند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا الْتَقَى مُؤْمِنَانِ قَطُّ إِلَّا كَانَ أَفْضَلُهُمَا أَشَدَّهُمَا حُبّاً لِأَخِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هرگز دو مؤمن با هم روبرو نشوند، مگر اينكه برترين آنها مهربانترين آن دو به ديگرى است .

وَ عَنْهُعليه‌السلام مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ فِى اللَّهِ وَ يُبْغِضَ فِى اللَّهِ وَ يُعْطِيَ فِى اللَّهِ وَ يَمْنَعَ فِى اللَّهِ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شده كه : از محكمترين دستگيره هاى ايمان دوست داشتن براى خدا و دشمنى كردن براى خدا و بخشش ؛ و امتناع او از بخشش فقط براى خداست .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لَمَّا اشْتَدَّ عَلَى أَبِى ذَرٍّ الْأَمْرُ قَالَ رَبِّ خَنِّقْنِى خِنَاقَكَ فَوَ عِزَّتِكَ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ قَلْبِى يُحِبُّكَ

از امام باقر عليه‌السلام نقل شده كه فرمود: چون كه كار بر ابوذر سخت گشت گفت : پروردگارا! اندوه تو مرا خفه كرد، به عزتت قسم تو مى دانى كه قلبم تو را دوست دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلْأَبْرَارِ وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شد كه فرمود: دوستى نيكان به نيكان ثواب است ، و دوستى بدان به نيكان فضيلت براى نيكان است ، و دشمنى بدكاران با نيكان براى نيكان زينت است ، و دشمنى نيكان با بدكاران براى بدكاران رسوايى است عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَ إِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِى عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَ إِنْ كَانَ الْمُبْغَضُ فِى عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

از امام باقر عليه‌السلام نقل شد كه فرمود: اگر مردى براى خدا مردى را دوست بدارد، خدا براى دوستيش او را ثواب دهد، اگر چه آن كس را كه دوست داشته در علم خدا اهل دوزخ باشد، و اگر مردى براى خدا مردى را دشمن بدارد، خدا براى دشمنيش به او ثواب دهد، اگر چه آن كس را كه دشمن داشته در علم خدا از اهل بهشت باشد.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام قَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ عُرْضِ النَّاسِ يَلْقَانِى فَيَحْلِفُ بِاللَّهِ إِنَّهُ يُحِبُّنِى فَأَحْلِفُ بِاللَّهِ إِنَّهُ صَادِقٌ فَقَالَ امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّهُ فَاحْلِفْ وَ إِلَّا فَلَا

مردى به حضرت موسى بن جعفر عليه‌السلام عرض كرد: مردى از عامّه مردم به من مى رسد و قسم به خدا مى خورد كه مرا دوست مى دارد، آيا مى توانم به خدا قسم بخورم كه او راستگوست ؟ فرمود: قلبت را آزمايش كن اگر او را دوست مى دارى قسم بخور و الّا نه .

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ أَوَدُّكَ فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ يَوَدُّنِى فَقَالَ امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كُنْتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يَوَدُّكَ

مردى از امام صادق عليه‌السلام در مورد شخصى سؤ ال كرد كه مى گويد: تو را دوست مى دارم ، من چگونه بدانم كه او مرا دوست مى دارد؟

فرمود: دلت را آزمايش كن ، اگر تو نيز او را دوست دارى او هم تو را دوست دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ وَضَعَ حُبَّهُ فِى غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بى جا دوستى كند خود را در معرض جدايى قرار داده .

قَالَ الْبَاقِرُصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نَتَمَتَّعَ بِالْأَهْلِ وَ اللُّحْمَةِ وَ الْخَوَلِ وَ لَنَا أَنْ نَدْعُوَ بِمَا لَمْ يَنْزِلْ أَمْرُ اللَّهِ فَإِذَا نَزَلَ أَمْرُ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّهُ اللَّهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: ما علاقمنديم كه از همسر و خويشاوندان و عطاياى الهى از قبيل بندگان و كنيزكان بهره مند شويم ، وظيفه ماست كه دعا كنيم به آنچه حكم خدا در باره آن نازل نشده ، و هر گاه حكم خدا نازل شد ما نمى توانيم دوست بداريم آنچه را كه خدا دوست نمى دارد.

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ فَطَبَقَةٌ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِى ثَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْحُرَصَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ أُخْرَى يَعْبُدُونَهُ فَرَقاً مِنَ النَّارِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ الرَّهْبَةُ وَ لَكِنِ اعْبُدْهُ حُبّاً لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ مِنَ الاْمِنِينَ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شد كه فرمود: مردم خداى عزّ و جل را بر سه وجه عبادت مى كنند:

گروهى او را به خاطر چشم داشت به پاداشش مى پرستند، اين پرستش ‍ آزمندان است ، و از روى طمع است ، و گروهى چون از آتش مى هراسند او را مى پرستند، اين عبادت بندگان و از روى هراس است ، ولى من از روى مهرى كه به او دارم او را مى پرستم ، و اين پرستش جوانمردان است ، و از روى آرامش خاطر است ، چون خداى عزّ و جل مى فرمايد: (اينان از هول و هراس در چنين روز هولناكى آسوده خاطرند) و باز مى فرمايد: (بگو اى پيغمبر اگر دوستدار خداييد از من پيروى كنيد تا خدا دوستدار شما باشد و گناهان شما را بيامرزد) هر آنكه خدا را دوست بدارد خدايش او را دوست بدارد، و هر كس كه خدا دوستش بدارد از آسوده خاطران است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجَراً لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس ما را دوست بدارد؛ در روز قيامت همراه ما خواهد بود، و اگر مردى سنگى را دوست بدارد خدا با همانش محشور گرداند.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ فِى اللَّهِ وَ يُبْغِضَ فِى اللَّهِ وَ يُعْطِيَ فِى اللَّهِ وَ يَمْنَعَ فِى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از محكمترين دستگيره هاى ايمان اين است كه دوست داشتنش براى خدا و دشمنى داشتنش براى خدا و بخشيدنش براى خدا و نبخشيدنش هم براى خداى عزّ و جل باشد.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَ مَنْ كَانَ يُحِبُّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَ مَنْ كَانَ يُلْقَى فِى النَّارِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر در كسى سه خصلت باشد طعم ايمان را چشيده : كسى كه خدا و رسولش در نظر او محبوبتر از غير اين دو باشد، و كسى كه مردم را فقط براى خدا دوست مى دارد، و كسى كه افتادن در دوزخ برايش محبوبتر از آنست كه بعد از نجات از آتش جهنم دوباره كافر گردد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَ وَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ

و نيز رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: قسم به آنكه جانم در دست اوست ، داخل بهشت نمى شويد تا اينكه ايمان آوريد، و ايمان نمى آوريد مگر اينكه با هم محبت كنيد، آيا شما را راهنمايى كنم به چيزى كه اگر آن را انجام دهيد دوست دار يك ديگر شويد؟ با صداى بلند به يك ديگر سلام كنيد.

وَ قَالَ إِذَا النَّاسُ أَظْهَرُوا الْعِلْمَ وَ ضَيَّعُوا الْعَمَلَ وَ تَحَابُّوا بِالْأَلْسُنِ وَ تَبَاغَضُوا بِالْقُلُوبِ وَ تَقَاطَعُوا فِى الْأَرْحَامِ لَعَنَهُمُ اللّهُ عِنْدَ ذَلِكَ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمى أَبْصارَهُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: زمانى كه مردم علم را فرا گيرند و عمل را ضايع گردانند، و زبانى با هم دوست و در قلب دشمن باشند، و قطع رحم كنند، خداوند در اين هنگام آنان را مورد نفرين قرار مى دهد، و آنها را گنگ و بينائى و بصيرت آنان را كور گرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحْبِبْ فِى اللَّهِ وَ أَبْغِضْ فِى اللَّهِ وَ وَالِ فِى اللَّهِ وَ عَادِ فِى اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تُنَالُ وَلَايَةُ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ وَ إِنْ كَثُرَ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَ قَدْ صَارَتْ مُوَاخَاةُ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرُهَا فِى الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَ عَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ وَ كَيْفَ لِى أَنْ أَعْلَمَ أَنِّى قَدْ وَالَيْتُ فِى اللَّهِ وَ عَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ وَلِيُّ اللَّهِ حَتَّى أُوَالِيَهُ وَ مَنْ عَدُوُّ اللَّهِ حَتَّى أُعَادِيَهُ فَأَشَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ أَ تَرَى هَذَا فَقَالَ بَلَى قَالَ هَذَا وَلِيُّ اللَّهِ فَوَالِهِ وَ عَدُوُّ هَذَا عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادِهِ وَ وَالِ وَلِيَّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيكَ وَ وُلْدِكَ وَ عَادِ عَدُوَّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَ وَلَدُكَ

روزى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به يكى از ياران خود فرمود: اى بنده خدا، براى خدا دوستى كن ، و براى رضاى خدا دشمنى كن ، و براى خدا دوست بدار، و در راه خدا ستيز كن ، به حقيقت كسى به ولايت خدا نمى رسد؛ جز به آن طريق ، و هيچ كس مزه ايمان را نخواهد چشيد تا چنين نشود، گرچه نماز و روزه اش بسيار باشد، و مسلما برادرى نمودن مردم امروز بيشتر در باره دنياست ، بر اساس آن به يك ديگر اظهار دوستى مى كنند، و بر همان اساس به يك ديگر خشم و كينه مى ورزند، و اين كار از پروردگار بى نيازشان نمى سازد، در اين هنگام آن مرد عرض كرد: اى پيامبر خدا! برايم ميسّر خواهد شد كه بفهمم به يقين و اطمينان در راه خدا دوستى و دشمنى كرده ام ؟ و ولىّ خداى عزّ و جل كيست ؛ تا دوستدار و فرمانبردار او باشم ؟ و دشمن خدا چه كسى است ؛ تا با او كينه و دشمنى ورزم ؟

رسول خدا در حالى كه به على عليه‌السلام اشاره مى نمود؛ به آن مرد فرمود: آيا اين مرد را مى بينى و مى شناسى ؟ عرض كرد: بلى ، فرمود: او دوستدار خداست پس دوستدار او باش ، و دشمن اين مرد دشمن خداست ، با دشمن او دشمنى نما، و با دوستدارش پيوستگى و دوستى كن ، گرچه او قاتل پدر و فرزند تو باشد، و با دشمن اين مرد دشمنى كن ؛ اگر چه او پدر و اولاد تو باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَ بَطْنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَنَّى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ قَالُوا بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَتُوا فَكَانَ سُكُوتُهُمْ فِكْراً وَ تَكَلَّمُوا فَكَانَ كَلَامُهُمْ ذِكْراً وَ نَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَ نَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً وَ مَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً وَ لَوْ لَا الاْجَالُ الَّتِى كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفاً مِنَ الْعَذَابِ وَ شَوْقاً إِلَى الثَّوَابِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه خدا را شناخت و بزرگ داشت ، زبانش را از سخن بيهوده نگاه دارد، و شكمش را از پرخورى باز دارد، و نفس خود را با روزه گرفتن و شب زنده دارى رياضت دهد، عرض ‍ كردند: اى رسول خدا! پدران و مادران ما به فدايت ؛ اينها اولياء خدايند؟ فرمود: اولياء خدا خاموشى گزيدند امّا خاموشى آنها انديشه بود، و سخن گفتند و سخن گفتنشان ذكر خدا بود، و نگريستند و نگاهشان عبرت بود، و سخن گفتند و سخنانشان حكمت بود، در ميان مردم راه رفتند و راه رفتنشان بركت بود، اگر نبود كه اجل و مرگشان از قبل معيّن شده بود؛ از ترس عذاب و شوق ثواب روح آنها در پيكرشان آرام نمى گرفت .

وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَصْرَفُوا فِى الْمَعَاصِى وَ فِيهَا ثَلَاثُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِى لَوْ لَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ لِجَلَالِى الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِى وَ مَسَاجِدِى وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحارِ خَوْفاً مِنِّى لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِى ثُمَّ لَا أُبَالِى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند تبارك و تعالى هر گاه اهل آبادى را ببيند كه در گناهان زياده روى كردند و در بين آنها سه نفر از مؤمنين هست ، خداوند جلّ جلاله و تقدّست اسماؤه آنها را مى خواند: اى كسانى كه معصيت مرا مى كنيد! اگر نبودند در بين شما مؤمنينى كه دوستدار جلالت من هستند، و با نماز خواندنشان زمين و مساجدم را آباد نمى كردند، و سحرها از ترس طلب مغفرت نمى كردند، به حقيقت عذابم را بر شما مى فرستادم ، و از آن باكى نداشتم .

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى هَلْ عَمِلْتَ لِى عَمَلًا قَطُّ قَالَ إِلَهِى صَلَّيْتُ لَكَ وَ صُمْتُ وَ تَصَدَّقْتُ وَ ذَكَرْتُكَ كَثِيراً قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَكَ بُرْهَانٌ وَ الصَّوْمُ جُنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ ظِلٌّ وَ الزَّكَاةُ نُورٌ وَ ذِكْرُكَ لِى قُصُورٌ فَأَيَّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِى قَالَ مُوسَى دُلَّنِى عَلَى الْعَمَلِ الَّذِى هُوَ لَكَ قَالَ يَا مُوسَى هَلْ وَالَيْتَ لِى وَلِيّاً قَطُّ أَوْ هَلْ عَادَيْتَ لِى عَدُوّاً قَطُّ فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِى اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِى اللَّهِ

خداوند عزّ و جل به موسى عليه‌السلام فرمود: آيا هرگز براى من عملى انجام داده اى ؟ عرض كرد: خدايا! برايت نماز خواندم و روزه گرفتم و صدقه دادم و بسيار ذكر تو گفتم ، خداى تبارك و تعالى فرمود: امّا نماز روشنگر راه تو بود، و روزه سپرى از آتش ، و صدقه سايه اى ، و زكات نور، و ذكر گفتن تو هم قصرهايى (در بهشت) برايت بود، پس چه كارى را براى من انجام دادى ؟ موسى گفت : مرا راهنمايى كن بر كارى كه براى توست ، فرمود: اى موسى ! آيا هرگز براى من با كسى دوستى كرده اى ؟ يا هرگز براى من با كسى دشمنى نموده اى ؟ موسى فهميد كه بهترين كارها دوستى در راه خدا و دشمنى در راه خداست .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا ضَرَّكَ إِنْ أَحْبَبْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَحَبَّكَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مَنْ أَبْغَضَكَ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ يُبْغِضُ أَحِبَّاءَ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ غَيْرِهِ يُحِبُّكَ فَيَنْفَعُكَ حُبُّهُ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَسْتَوْحِشُ مَنْ كَانَ اللَّهُ أَنِيسَهُ وَ لَا يَذِلُّ مَنْ كَانَ اللَّهُ أَعَزَّهُ وَ لَا يَفْتَقِرُ مَنْ كَانَ بِاللَّهِ غَنَاؤُهُ فَمَنِ اسْتَأْنَسَ بِاللَّهِ آنَسَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ أَنِيسٍ وَ مَنِ اعْتَزَّ بِاللَّهِ أَعَزَّهُ اللَّهُ بِغَيْرِ عَدَدٍ وَ لَا عَشِيرَةٍ وَ مَنْ يَسْتَغْنِي بِاللَّهِ أَغْنَاهُ اللَّهُ بِغَيْرِ دُنْيَاهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اگر خدا و رسولش را دوست بدارى ، و خدا و رسولش تو را دوست بدارند، دشمنت به تو زيانى نمى رساند زيرا هيچ يك از دوستان خدا نيست كه با دوستان خدا دشمن باشد، و دوستى كسى جز خدا نمى تواند برايت سودمند باشد.

سپس فرمود: رسول خدا فرمود: كسى كه خدا انيس و همدم او باشد، ترس ‍ و وحشتى ندارد، و كسى كه خدا عزيزش نموده ، ذليل نمى شود، و كسى را كه خدا بى نيازش ساخته ، محتاج نمى شود، هر كس به خدا انس بگيرد فقط خداوند همدمش خواهد شد، و هر كس از خدا طلب عزّت كند؛ خداوند بدون ياور و قبيله او را عزت دهد، و هر كس از خدا طلب بى نيازى كند، خداوند او را از غير دنيايش بى نياز سازد.

## فصل ششم : در بى نيازى و فقر

الفصل السادس فى الغنى و الفقر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا أُبَالِى عَلَى مَا اعْتَلَقَتْ يَدِى غِنًى أَوْ فَقْراً

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: برايم اهميت ندارد آنچه را كه به دستانم مى چسبد بى نيازى باشد يا فقر.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكَفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدايا! به محمد و آل محمد پاكدامنى و كفاف در روزى عطا فرما، و به دشمنان محمد و آل محمد بسيارى مال و فرزند روزى كن .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ أَتَى أَبَا ذَرٍّ رحمه‌الله سَارٌّ لَهُ فِى غَنَمِهِ فَقَالَ قَدْ كَثُرَتِ الْغَنَمُ وَ وَلَدَتْ فما فَقَالَ بشرنى تُبَشِّرُنِى بِكَثْرَتِهَا فَمَا قَلَّ مِنْهَا وَ كَفَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا كَثُرَ مِنْهَا وَ أَلْهَى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردى نزد اباذر آمد و او را در مورد گوسفندانش مژده داد، اباذر گفت : بحقيقت گوسفندان زياد شده اند و توليد مثل كرده اند، و لكن زياد شدن آنها براى من مژده نيست ، آنچه از گوسفندانم كم باشد و ما را كفايت كند؛ نزد من محبوبتر از آنست كه زياد باشد و ما را از ياد خدا غافل كند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ أَظْهِرِ الْيَأْسَ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغِنَى وَ أَقْلِلْ طَلَبَ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ فَقْرٌ حَاضِرٌ

على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: از مردم اظهار نوميدى و بى نيازى كن زيرا اين كار خود بى نيازى واقعى است ، و در خواست حاجت را از مردم كم كن زيرا اين عمل خود فقر حاضر است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شرافت مؤمن به شب زنده دارى ، و عزّتش ‍ به بى نيازى او از مردم است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام فَقَدْ رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدِ اجْتَمَعَ فِى قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِى أَيْدِى النَّاسِ وَ مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِى شَيْءٍ وَ رَدَّ أَمْرَهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ إِلَى اللَّهِ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فِى كُلِّ شَيْءٍ

على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: تمام خير و نيكى را در بريدن طمع از دست مردم ديدم ، و هر كس هيچ اميدى به مردم نداشته باشد، و امرش را در هر كارى به خدا واگذارد، خداوند در هر چيزى دعايش را مستجاب كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يَقُولُ لِيَجْتَمِعْ فِى قَلْبِكَ الِافْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الِاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونُ افْتِقَارُكَ فِي لِينِ كَلَامِكَ وَ حُسْنِ بِشْرِكَ وَ يَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِى نَزَاهَةِ عِرْضِكَ إِلَيْهِمْ وَ بَقَاءِ عِزِّكَ

امام صادق عليه‌السلام از امير مؤمنان عليه‌السلام نقل كرد كه مى فرمود: بايد احتياج به مردم و بى نيازى از ايشان با هم در دلت جمع شود، و احتياج به آنها در نرم زبانى و خوشروئيت باشد، و بى نيازيت از آنها در حفظ آبرو و نگهدارى عزّتت توأ م باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ مَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ وَ لَا رُمْحٍ وَ لَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا أَنْكَرَ قَلْبَهُ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرده كه فرمود: اى على ! خداوند فقر را نزد مخلوقاتش به امانت گذارده ، هر كس ‍ آن را پنهان كند خداوند او را مانند پاداش روزه دار و شب زنده دار عطا فرمايد، و هر كس آن را نزد كسى كه مى تواند حاجتش را بر آورد فاش سازد و او حاجتش را بر نياورد در واقع او را كشته است ، البته او را با شمشير و نيزه نكشته ، بلكه با انكار قلبى او را كشته است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَوْ لَا فُقَرَاؤُكُمْ مَا دَخَلَ أَغْنِيَاؤُكُمُ الْجَنَّةَ

از امام صادق عليه‌السلام نقل شده كه فرمود: اگر فقيران شما نبودند، ثروتمندان شما داخل بهشت نمى شدند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَاناً ازْدَادَ ضِيقاً فِى مَعِيشَتِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر اندازه ايمان بنده زياد شود، تنگى معيشتش افزايش مى يابد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اعْتِبَاراً وَ لَا زُوِيَ عَنْهُ إِلَّا اخْتِبَاراً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چيزى از دنيا به بنده اى عطا نشد مگر براى عبرت گرفتن ، و چيزى از او بر كنار نگرديد مگر براى آزمودن .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمَ أَهْلَكَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام به نقل از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: درهم و دينار كسانى را كه قبل از شما بوده اند به هلاكت رسانده اند، و همان دو هلاك كننده شما خواهند بود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ عِبَاداً لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَاءِ وَ السَّعَةِ وَ الصِّحَّةِ فِى الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَى وَ السَّعَةِ وَ صِحَّةِ الْبَدَنِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَاداً لَا يَصْلُحُ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ السُّقْمِ فِى أَبْدَانِهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ السُّقْمِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: خداوند عزّ و جل فرمود: برخى از بندگان مؤمنم كسانى باشند كه امر دينشان جز با ثروتمندى و وسعت در زندگى و تندرستى اصلاح نشود، از اين جهت آنها را با ثروت و وسعت در زندگى و تندرستى مى آزمايم ، تا امر دينشان اصلاح شود، و برخى از بندگان مؤمنم كسانى اند كه امر دينشان جز با فقر و تهيدستى و ناخوشى در بدنهايشان اصلاح نشود، آنها را با فقر و تهيدستى و بيمارى مى آزمايم تا امر دينشان اصلاح شود، من به آنچه امر دين بندگان مؤمنم را اصلاح كند داناترم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الدَّرَجَةُ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ فَيُبْتَلَى بِجَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ فِى مَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِى وُلْدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبَرَ ظَفَرَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده نزد خدا درجه اى دارد كه با عملش ‍ به آن نرسد، بنا بر اين خداوند بدنش را بيمار مى گرداند، يا در مال يا فرزندانش مصيبتى وارد مى آورد، چنانچه صبر نمايد خداوند او را بر آن مصيبت پيروز گرداند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً قَبَضَ أَحَبَّ وُلْدِهِ إِلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جل هر گاه بنده اى را دوست بدارد محبوبترين فرزندان او را مى گيرد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَمَّنْ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَصلى‌الله‌عليه‌وآله فِى خُطْبَةٍ قَامَ فِيهَا فِى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَصْبَحْتُ فِيكُمْ وَ إِدَامِيَ الْجُوعُ وَ طَعَامِى مَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ لِلْوُحُوشِ وَ الْأَنْعَامِ وَ سِرَاجِيَ الْقَمَرُ وَ فِرَاشِيَ التُّرَابُ وَ وِسَادِيَ الْحَجَرُ لَيْسَ لِى بَيْتٌ يَخْرُبُ وَ لَا مَالٌ يَتْلَفُ وَ لَا وَلَدٌ يَمُوتُ وَ لَا امْرَأَةٌ تَحْزَنُ وَ لَيْسَ لِى شَيْءٌ وَ أَنَا أَغْنَى وُلْدِ آدَمَ

حضرت عيسى بن مريم ضمن خطبه اى در ميان بنى اسرائيل فرمود: در ميان شما زندگى من اين گونه است كه خورش من گرسنگى است ، و خوراكى من علفهايى است كه در بيابان براى حيوانات وحشى روييده مى شود، و روشنايى مهتاب در تاريكى شب چراغم مى باشد، و خاك زمين بسترم ، و سنگ بيابان بالشم ، نه خانه اى دارم كه ويران گردد، و نه اندوخته اى كه تلف شود، و نه فرزندى كه بميرد، و نه همسرى كه اندوهگين شود، هيچ چيز ندارم ، و در عين حال من بى نيازترين افراد بشر هستم .

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَىعليه‌السلام إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَتْبَاعَ الْأَنْبِيَاءِ خُصُّوا بِثَلَاثِ خِصَالٍ السُّقْمِ فِى الْأَبْدَانِ وَ خَوْفِ السُّلْطَانِ وَ الْفَقْرِ

امام موسى بن جعفر عليه‌السلام فرمود: پيامبران و فرزندان پيامبران و پيروان پيامبران به سه خصلت مختص گردانيده شدند: بيمارى در بدنها، ترس از پادشاهان و فقر.

قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام مَنْ لَقِيَ فَقِيراً مُسْلِماً فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ

حضرت رضا عليه‌السلام فرمود: هر كس فقير مسلمانى را ديد و به او سلامى كرد كه با سلام كردن به ثروتمندان فرق مى كرد؛ روز قيامت خدا را در حالتى ملاقات كند كه بر او خشمگين است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَ الْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِى بَلْدَتِهِ طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَنِعَ بِالْكَفَافِ الْغِنَى فِى الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَ الْفَقْرُ فِى الْوَطَنِ غُرْبَةٌ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فَرَضَ فِى أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاءَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعَ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَباً لِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تِيهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: فقر زبان شخص زيرك را از بيان دليلش ‍ لال مى كند، و كسى كه تنگدست است در شهر خود غريب است ، خوشا بحال كسى كه بياد معاد باشد، و براى حساب كار كند، و به كفاف در زندگى قانع باشد، بى نيازى در غربت وطن است ، و تنگدستى در وطن غربت است ، قناعت مالى است كه از بين نرود، فقر مرگ بزرگ است ، خداوند سبحانه و تعالى در اموال ثروتمندان غذاهاى فقرا را قرار داده ، فقيرى گرسنه نمى ماند مگر اينكه ثروتمندى او را از آن محروم گرداند، چقدر زيباست فروتنى ثروتمندان در مقابل فقرا براى خواستن ثوابى كه نزد خداى عزّ و جل است ، و بهتر از آن تكبر كردن فقيران بر ثروتمندان است در حالى كه متّكى به خدا باشند.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنِ اسْتَذَلَّ مُؤْمِناً أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس مرد يا زن ؛ مؤمنى را به دليل نيازمندى و فقرش پست و كوچك شمارد، خداوند در روز قيامت او را به زشتى مشهور سازد، سپس رسوايش سازد.

وَ قَالَ اللَّهُمَّ أَحْيِنِى مِسْكِيناً وَ أَمِتْنِى مِسْكِيناً وَ احْشُرْنِى فِى زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ

و نيز رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدايا! مرا فقير زنده بدار و فقير بميران ، و مرا در رديف فقيران محشور گردان .

وَ قِيلَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ إِنِّى لَأُحِبُّكَ فِى اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِى فَأَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَاباً فَإِنَّ الْفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُحِبُّنِى مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ

مردى نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و گفت : من تو را بخاطر خدا دوست دارم ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

اگر مرا دوست دارى پوستين فقر را آماده كن ، زيرا سرعت فقر نسبت به كسى كه مرا دوست دارد از سرعت سيل به پايان راهش بيشتر است .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله انْظُرُوا إِلَى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ فَوْقَكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَرُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ

و نيز پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بنگريد به كسى كه پايين دست شماست ، نه كسى كه بالا دست شماست ، زيرا اين كار به انكار نكردن نعمت خدا مناسب تر است .

وَ قَالَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْداً فِى دَارِ الدُّنْيَا يُجِيعُهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُجِيعُهُ قَالَ فِى مَوْضِعِ الطَّعَامِ الرَّخِيصِ وَ الْخَيْرِ الْكَثِيرِ وَلِيُّ اللَّهِ لَا يَجِدُ طَعَاماً يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ

و در جاى ديگر فرمود: هر گاه خداوند بنده اى را دوست بدارد گرسنه اش ‍ مى گذارد، پرسيدند: اى رسول خدا! چگونه گرسنه اش مى گرداند؟ فرمود: در جايى كه غذاى فراوان و خير بسيار باشد؛ ولىّ خدا غذايى نمى يابد تا به وسيله آن شكمش را سير كند.

وَ قَالَ الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرٌ فِى الدُّنْيَا وَ فَقْرٌ فِى الاْخِرَةِ فَفَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الاْخِرَةِ وَ غِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الاْخِرَةِ وَ ذَلِكَ الْهَلَاكُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فقر دو قسم است : فقر دنيوى و فقر اخروى ؛ فقر دنيوى بى نيازى اخروى ، و بى نيازى دنيوى فقر اخروى است و اين هلاكت است .

وَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَداً بِخُلْقَانِ ثِيَابِهِ فَإِنَّ رَبَّكَ وَ رَبَّهُ وَاحِدٌ

لقمان به فرزندش گفت : اى پسركم ! هرگز كسى را به دليل كهنه بودن لباسهايش كوچك مشمر، زيرا پروردگار تو و او يكى است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام تَرْكُ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ فِى الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْبَوْلُ فِى الْحَمَّامِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامٍ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ الْقُمَامَةِ فِى الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ تُورِثُ الْفَقْرَ وَ الزِّنَاءُ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِظْهَارُ الْحِرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ اعْتِيَادُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ كَثْرَةُ الِاسْتِمَاعِ إِلَى الْغَنَاءِ تُورِثُ الْفَقْرَ وَ رَدُّ السَّائِلِ الذَّاكِرِ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ التَّقْدِيرِ فِى الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّعليه‌السلام أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِى اللَّهِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِى طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ الِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ قَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ إِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ تَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْكَلَامِ فِى الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْحِرْصِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ شُكْرُ الْمُنْعِمِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ اجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ أَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِى كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْفَقْرُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: پاك نكردن تار عنكبوت از خانه موجب تهيدستى است ، و بول كردن در حمام موجب تهيدستى است ، و در حال جنابت غذا خوردن تهيدستى آورد، و با چوب گز خلال كردن تهيدستى آورد، و ايستاده شانه زدن تهيدستى آورد، و بيرون نبردن خاكروبه از منزل موجب تهيدستى است ، و سوگند دروغ تهيدستى آورد، و زنا تهيدستى آورد، و حرص ورزيدن تهيدستى آورد، و به خواب رفتن بين نماز مغرب و عشاء تهيدستى آورد، و به خواب رفتن قبل از طلوع آفتاب باعث فقر شود، عادت به دروغگويى تهيدستى آورد، زياد گوش دادن به غناء تهيدستى آورد، رد كردن فقيرى كه در شب ذكر خدا مى گويد موجب تنگدستى شود، و عقل معيشتى نداشتن تهيدستى آورد، و از فاميل بريدن تهيدستى آورد.

سپس على عليه‌السلام فرمود: آيا آگاه كنم شما را به آنچه رزق را فراوان مى كند؟ گفتند: بلى اى امير مؤمنان ، فرمود: ميان دو نماز جمع كردن روزى را زياد كند، و خواندن تعقيب بعد از نماز صبح و عشاء روزى را فراوان كند، و رفت و آمد خويشاوندى روزى را زياد گرداند، و رفتن آستانه خانه روزى را زياد مى كند، و با برادر دينى همراهى كردن روزى را زياد مى كند، و عجله كردن در طلب رزق روزى را زياد مى كند، از خداوند آمرزش خواستن روزى را زياد مى كند، امانتدارى روزى را زياد مى كند، سخن به حق گفتن روزى را زياد مى كند، به صداى مؤ ذن جواب گفتن روزى را زياد مى كند، سخن نگفتن در مستراح روزى را زياد مى كند، حرص نورزيدن روزى را زياد مى كند، سپاسگزارى از صاحب نعمت روزى را زياد مى كند، دورى جستن از قسم دروغ روزى را زياد مى كند، وضو گرفتن قبل از غذا روزى را زياد مى كند، خوردن آنچه از سفره بيرون مى افتد روزى را زياد مى كند، و هر كس ‍ در روز سى مرتبه خدا را تسبيح گويد؛ خداى عزّ و جل هفتاد نوع بلا را از او برگرداند، كه آسانترين آن تهيدستى است .

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ الْغِنَى كَثْرَةُ الْعَرَضِ إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: توانگرى به زيادى مال نيست ، بلكه توانگرى به بى نيازى روح است .

وَ قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ غَنِيٍّ وَ لَا فَقِيرٍ إِلَّا وَدَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ كَانَ فِى الدُّنْيَا لَمْ يُؤْتَ إِلَّا قُوتاً

و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نيز فرمود: هر بى نياز و فقيرى در روز قيامت آرزو دارد كه كاش در دنيا فقط به اندازه رفع نيازش به او داده مى شد.

مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ تَتَابَعَ عَلَيْكَ نِعَمَهُ فَاحْذَرْهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اى فرزند آدم ! هر گاه ديدى كه پروردگارت نعمتهايش را بر تو پى در پى مى فرستد، از آن بترس .

## فصل هفتم : در قناعت

الفصل السابع فى القناعة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِى أَيْدِى اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ فِى أَيْدِي غَيْرِهِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى كند كه فرمود: هر كس مى خواهد بى نيازترين مردم باشد؛ بايد به آنچه در دست خداست اعتمادش بيشتر از آنچه در دست مردم است بوده باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ ارْضَ بِمَا آتَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جل مى فرمايد: اى فرزند آدم ! به آنچه به تو عطا شده راضى باش تا از بى نيازترين مردم باشى .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَنْ قَنِعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: هر كس به آنچه خداوند قسمتش قرار داده راضى و قانع باشد از بى نيازترين مردم است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَغْنَى الْغِنَى الْقَنَاعَةُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بهترين بى نيازى قناعت است .

وَ قَالَ أَيْضاً لِرَجُلٍ يَعِظُهُ اقْنَعْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِكَ وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ نَائِلَهُ فَإِنَّهُ مَنْ قَنِعَ شَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ وَ خُذْ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ

امام صادق عليه‌السلام مردى را موعظه كرده ؛ فرمود: به آنچه خداوند قسمتت گردانيده قانع باش ، چشمانت به آنچه در دست ديگرى است نباشد، و آنچه را به آن نمى رسى آرزو نكن ، زيرا هر كس قانع باشد سير شود، و هر كس قانع نباشد سير نشود، بهره ات را از آخرتت بگير.

وَ قَالَ كَانَ عَلِيٌّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ مَنْ تَمَنَّى غِنَى نَفْسِهِ وَ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ مَاتَ بِحَسْرَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: على عليه‌السلام هميشه مى فرمود: هر كس بى نيازى نفسش را بخواهد ولى شعله خشمش را فرو ننشاند در حسرت مرده است .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِحَ بَصَرَكَ إِلَى مَا هُوَ فَوْقَكَ فَكَثِيراً مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّهِ فَلا تُعْجِبْكَ أَمْوالُهُمْ وَ لا أَوْلادُهُمْ وَ قَالَ لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلى ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَاذْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَإِنَّمَا كَانَ خُبْزُهُ الشَّعِيرَ وَ حَلْوَاهُ التَّمْرَ وَ وَقُودُهُ السَّعَفَ إِذَا وَجَدَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مبادا به بالا دست خود چشم بدوزى ، زيرا خداوند عزّ و جل بسيار به پيامبرش فرموده (از مالها و فرزندانشان خوشت نيايد و در شگفت نشوى) و فرمود:

(ديدگان خود را به آن چيزهائى كه رونق زندگى دنياست و به گروهى از ايشان بهره داده ايم نگران مساز)، و اگر در باره اين موضوع شكى و ترديدى يافتى زندگى رسول خدا را ياد كن ، كه خوراكش نان جو و حلوايش خرما و آتش گيره اش شاخ درخت خرما بود؛ اگر پيدا مى كرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كه از دنيا به مقدارى كه او را كفايت كند راضى شود؛ كمترين چيز دنيا او را كفايت مى كند، و هر كه به اندازه اى كه او را بس باشد راضى نشود؛ چيزى از دنيا كفايتش نخواهد كرد.

شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَنَّهُ يَطْلُبُ فَيُصِيبُ فَلَا يَقْنَعُ وَ تُنَازِعُهُ نَفْسُهُ إِلَى مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ وَ قَالَ عَلِّمْنِى شَيْئاً أَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ يُغْنِيكَ فَأَدْنَى مَا فِيهَا يُغْنِيكَ وَ إِنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ لَا يُغْنِيكَ فَكُلُّ مَا فِيهَا لَا يُغْنِيكَ

شخصى به امام صادق عليه‌السلام شكايت كرد كه طلب روزى مى كند و به دست مى آورد؛ ولى قانع نمى شود، و نفسش با او براى روزى بيشتر نزاع مى كند، و عرض كرد: به من چيزى بياموز كه از آن بهره مند شوم ، امام عليه‌السلام فرمود: اگر اندازه كفايت بى نيازت كند، كمتر چيز دنيا بى نيازت كند، و اگر اندازه كفايت بى نيازت نكند هر چه در دنيا هست بى نيازت نكند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنِ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرده كه فرمود: هر كه از ما چيزى بخواهد به او عطا كنيم ، و هر كه بى نيازى جويد و درخواست نكند خدا او را بى نياز گرداند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الدُّنْيَا دُوَلٌ فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَ مَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ وَ مَنِ انْقَطَعَ رَجَاهُ مِمَّا فَاتَهُ اسْتَرَاحَتْ نَفْسُهُ وَ مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَرَّتْ عَيْنَاهُ

باز امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرده كه فرمود: دنيا در گردش است ، بهره اى كه در دنيا دارى به تو خواهد رسيد هر چند سست و ناتوان باشى ، و زيانى كه از دنيا نصيب تو باشد دامنگيرت خواهد شد و هر چند نيرومند هم باشى نتوانى از آن جلوگيرى كنى ، و هر كس از آنچه از دستش رفته نوميد شد آسايش روحى پيدا كند، و هر كس به روزى خدا قانع باشد چشمانش روشن گردد.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا هَلَكَ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ مَا يَبْكِى النَّاسُ عَلَى الفوت الْقُوتِ إِنَّمَا يَبْكُونَ عَلَى الْفُضُولِ ثُمَّ قَالَ فَكَمْ عَسَى أَنْ يَكْفِيَ الْإِنْسَانَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه قدر خود را شناسد هلاك نگردد، مردم بر از دست دادن گريه نمى كنند، بلكه بر بدست آوردن زيادى دنيا گريه مى كنند، سپس فرمود: چقدر ممكن است انسان را كفايت مى كند؟

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ وَ أَيُّ شَيْءٍ يَكْفِى الْإِنْسَانَ ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مثل روايت قبل را نقل كند كه در ادامه فرموده اند: و چه چيز انسان را كفايت مى كند؟ سپس به دستشان اشاره كردند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام فَقَالَ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّا نَتَّجِرُ إِلَى هَذِهِ الْجِبَالِ فَنَأْتِى مِنْهَا عَلَى أَمْكِنَةٍ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ قَالَ أَ لَا تَكُونُ مِثْلَ فُلَانٍ يَعْنِى رَجُلًا عِنْدَهُ يَرْضَى بِالدُّونِ وَ لَا يَطْلُبُ التِّجَارَةَ فِى أَرْضٍ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى نزد امام باقر عليه‌السلام آمد و عرض كرد: خدا شما را سلامت نگهدارد، ما در اين كوهها تجارت مى كنيم ، به مكانهايى مى رويم كه نمى توانيم نماز بخوانيم مگر بر روى برف ، فرمود: آيا نمى خواهى مثل فلانى باشى يعنى مردى كه نزد ايشان بود كه به كمترين راضى است ، و به دنبال تجارتى كه نتواند بر زمين آن غير از روى برف نماز بخواند نمى رود؟

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: قناعت مالى است كه پايان نمى پذيرد.

وَ قَالَ الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَفْنَى

و نيز رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: قناعت گنجى است كه نابود نمى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَقُولَنَّ هَكَذَا وَ لَكِنْ قُلِ اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَغْنِى عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش عليهم‌السلام نقل مى كند كه فرمود: مردى نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و اين گونه دعا كرد: خدايا ما را از همه خلقت بى نياز گردان ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اين چنين مگو، و لكن بگو: خدايا ما را از اشرار خلقت بى نياز گردان ، زيرا مؤمن از برادر مؤمنش بى نياز نشود.

عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام ادْعُ اللَّهَ لِى أَنْ لَا يَجْعَلَ رِزْقِى عَلَى أَيْدِى الْعِبَادِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَبَى اللَّهُ عَلَيْكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ لَكِنْ أَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَكَ عَلَى أَيْدِى خِيَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ السَّعَادَةِ وَ لَا يَجْعَلَهُ عَلَى أَيْدِى شِرَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الشَّقَاوَةِ

ابو عبيده حذّاء گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : دعا كنيد كه خداوند روزى مرا به دست بندگان نسپارد، امام عليه‌السلام فرمود: خدا جز اين را براى تو نخواهد كه بندگان را به دست يك ديگر روزى دهد، ولى دعا مى كنم كه خداوند روزى تو را به دست بندگان نيكش قرار دهد؛ كه اين خود سعادتى است ، و آن را بر دست اشرار خلقش قرار ندهد، زيرا آن از بدبختى و شقاوت است .

## فصل هشتم : در علم و عالم و تعليم و تعلم و عمل به علم

الفصل الثامن فى العلم و العالم و تعليمه و تعلمه و استعماله

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْراً فَقَّهَهُ فِى الدِّينِ

على عليه‌السلام فرمود: هر گاه خداوند خير بنده اى را بخواهد او را دانشمند در دين كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرد كه فرمود: فضيلت دانش نزد من از فضيلت عبادت محبوبتر است ، و بهترين دين شما پرهيزگارى و ترك گناه است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ تَعَلَّمَ وَ عَمِلَ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِى مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيماً فَقِيلَ لَهُ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ قَالَ نَعَمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه براى خدا علم را بياموزد و بدان عمل كند و به ديگران بياموزد در مقامهاى بلند آسمانها او را بزرگ خوانند، و گويند: آموخت براى خدا، و عمل كرد براى خدا، و تعليم داد براى خدا.

وَ قَالَ فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّما يَخْشَى اللّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ قَالَ يَعْنِى بِالْعُلَمَاءِ مَنْ صَدَّقَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ

امام صادق عليه‌السلام در ذيل اين آيه شريفه : (همانا فقط از ميان بندگان علما هستند كه از خدا مى ترسند) فرمود: مراد از علما كسانى هستند كه گفتار و عملشان يكى باشد، و كسى كه گفتارش عملش را تصديق نكند عالم نمى باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ قَالَ الْإِنْصَافُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الِاسْتِمَاعُ لَهُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْحِفْظُ لَهُ قَالَ ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ثُمَّ نَشْرُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! دانش چيست ؟ فرمود: انصاف داشتن ، عرض كرد: پس از آن چيست ؟ فرمود: گوش دادن ، عرض كرد: سپس چيست ؟ فرمود: به ذهن سپردن آن ، عرض كرد: سپس ‍ چيست ؟

فرمود: عمل كردن به آنچه فرا گرفته ، عرض كرد: سپس چيست ؟ فرمود: سپس پخش كردن آن علم در بين مردم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ اغْدُ عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ لَاهِياً مُتَلَذِّذاً

امام باقر عليه‌السلام به نقل از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شب را به روز آور در حالى كه دانشمند يا دانش پژوه باشى ، و بپرهيز از اينكه وقت گذران و خوش گذران باشى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ سَارِعُوا فِى طَلَبِ الْعِلْمِ فَوَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَحَدِيثٌ وَاحِدٌ فِى حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا حَمَلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در يادگيرى دانش شتاب كنيد، قسم به آنكه جانم در دست اوست ؛ يك سخن در مورد حلال و حرام كه از شخص ‍ راستگويى ياد بگيرى از دنيا و آنچه طلا و نقره در آن است بهتر است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَ لَا يَقْبَلُ الْمَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عملى را جز با شناخت نپذيرد، و هيچ شناختى را جز با عمل نپذيرد، كسى كه شناخت دارد آن شناخت او را بر عمل راهنمايى كند، و كسى كه عمل نكند شناخت ندارد، به حقيقت برخى از ايمان برخى ديگرش را بوجود آورد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آموختن علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است ، بدانيد كه خداوند دانشجويان را دوست دارد.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشِّيعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِى دِينِهِ لَأَوْجَعْتُهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اگر جوانى از جوانان شيعه را به نزد من مى آوردند كه علم دين نياموخته بود حتما او را تنبيه مى كردم .

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَنْتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِيحاً تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ حَتَّى دَوَابُّ الْأَرْضِ الصِّغَارُ

على عليه‌السلام فرمود: دانشمندى كه علمش را پنهان كند بر انگيخته خواهد شد در حالى كه از بدبوترين اهل قيامت است ، هر جنبنده اى او را لعن مى كند حتّى جنبنده هاى كوچك روى زمين .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيٌّعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثِرَ عَلَيْهِ السُّؤَالَ وَ لَا تَأْخُذَ بِثَوْبِهِ وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً وَ خُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ وَ اجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا تَجْلِسْ خَلْفَهُ وَ لَا تَغْمِزْ بِعَيْنَيْكَ وَ لَا تُشِرْ بِيَدَيْكَ وَ لَا تُكْثِرْ مِنَ الْقَوْلِ قَالَ فُلَانٌ وَ قَالَ فُلَانٌ خِلَافاً لِقَوْلِهِ وَ لَا تَضْجَرْ بِطُولِ صُحْبَتِهِ فَإِنَّمَا مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ تَنْتَظِرُ مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ وَ الْعَالِمُ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْغَازِى فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَ إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثُلِمَ فِى الْإَسْلَامِ ثُلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام از على عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: از جمله حقوق عالم آن است كه از او زياد سؤ ال نكنى ، و جامه اش را نگيرى ، و هر گاه بر او وارد شدى و گروهى نزدش بودند؛ به همه سلام كن و او را نزد آنها به تحيت مخصوص گردان ، مقابلش بنشين و پشت سرش منشين ، چشمك مزن ، و با دست اشاره مكن ، پر گويى مكن ؛ كه فلانى و فلانى بر خلاف نظر شما چنين گفته اند، و از زيادى مجالست با او دلتنگ مشو، زيرا مثل عالم مثل درخت خرماست ، بايد در انتظار بمانى تا چيزى از آن بر تو فرو ريزد، و پاداش عالم از روزه دار شب زنده دار مجاهد در راه خدا بيشتر است ، و هر گاه عالم از دنيا رود در اسلام شكافى ايجاد شود كه هيچ چيز آن را جبران نكند تا روز قيامت .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا نقل كرده كه فرمود: كسى كه ندانسته عملى را انجام دهد، خراب كردنش از درست كردنش بهتر است .

وَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ تَعْظِيماً لِرَجُلٍ قَالَ مَكْرُوهٌ إِلَّا لِرَجُلٍ فِى الدِّينِ

اسحاق بن عمّار گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : آيا كسى براى احترام جلوى پاى كسى از جاى بر مى خيزد؟ فرمود: مكروه است ، مگر براى عالم در دين .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِذَا جَلَسْتَ إِلَى عَالِمٍ فَكُنْ عَلَى أَنْ تَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْكَ عَلَى أَنْ تَقُولَ وَ تَعَلَّمْ حُسْنَ الِاسْتِمَاعِ كَمَا تَعَلَّمُ حُسْنَ الْقَوْلِ وَ لَا تَقْطَعْ عَلَى أَحَدٍ حَدِيثَهُ

از امير مؤمنان عليه‌السلام نقل شد كه فرمود: هر گاه نزد عالمى نشستى بر شنيدن حريص تر باش تا بر حرف زدن ، و ياد بگير خوب شنيدن را همان طور كه خوب گفتن را ياد مى گيرى ، و گفتار و سخن هيچ كس را قطع مكن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ وَ لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْداً

از امام صادق عليه‌السلام نقل شد كه فرمود: عمل كننده بدون بصيرت مانند كسى است كه بيراهه مى رود، هر چند شتاب كند از هدف دورتر گردد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله سَائِلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطِبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالِسُوا الْفُقَرَاءَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از علما بپرسيد، با حكما هم سخن ، و با فقرا همنشين شويد.

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هميشه در زمين عالمى است كه حق را از باطل جدا كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله غَرِيبَتَانِ غريبة زائدة كَلِمَةُ حكيم حُكْمٍ مِنْ سَفِيهٍ فَاقْبَلُوهَا وَ كَلِمَةُ سفيه سَفَهٍ مِنْ حَكِيمٍ فَاغْفِرُوهَا

امام صادق عليه‌السلام به نقل از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دو سخن غريب است : يك غريب سخن حكيمانه از بى خرد شنيدن است ، آن را بپذيريد، و گفتار ناپسند از حكيم شنيدن ، از آن بگذريد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَصلى‌الله‌عليه‌وآله خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: حكمت را بياموزيد، گرچه از مشركان باشد.

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَصَمَ ظَهْرِى رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلِيمُ اللِّسَانِ فَاسِقٌ وَ رَجُلٌ جَاهِلُ الْقَلْبِ نَاسِكٌ هَذَا يَصُدُّ بِلِسَانِهِ عَنْ فِسْقِهِ وَ هَذَا يَنْسُكُهُ عَنْ جَهْلِهِ فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ أُولَئِكَ فِتْنَةُ كُلِّ مَفْتُونٍ فَإِنِّى سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ يَا عَلِيُّ هَلَاكُ أُمَّتِى عَلَى يَدَيْ كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: از مردم دنيا دو نفر پشت مرا شكستند: يكى مرد سخنور بدكردار، و ديگرى مرد نادان عابد، اين يكى به كمك زبان بر كارهاى زشت خود پرده مى كشد، و آن ديگرى با عبادتش نادانى خود را پنهان مى كند، از دانشمندان گنهكار و عبادت كنندگان نادان بپرهيزيد، زيرا كه اينان باعث فريب فريفتگان مى باشند، از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: اى على ! هلاك امت من به دست سخنوران منافق و دورو است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلَّهِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَاباً إِلَّا ازْدَادَ بِهِ فِى نَفْسِهِ ذُلًّا وَ فِى النَّاسِ تَوَاضُعاً وَ لِلَّهِ خَوْفاً وَ فِي الدِّينِ اجْتِهَاداً وَ ذَلِكَ الَّذِى يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيَتَعَلَّمْهُ وَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ النَّاسِ وَ الْحُظْوَةِ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَاباً إِلَّا ازْدَادَ فِى نَفْسِهِ عَظَمَةً وَ عَلَى النَّاسِ اسْتِطَالَةً وَ بِاللَّهِ اغْتِرَاراً وَ مِنَ الدِّينِ جَفَاءً فَذَلِكَ الَّذِى لَا يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيَكُفَّ وَ لْيُمْسِكْ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَى نَفْسِهِ وَ النَّدَامَةِ وَ الْخِزْيِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مروى است كه فرمود: هر كه براى رضاى خدا طلب علم نمايد به بابى از علم نمى رسد مگر اينكه فروتنى او زيادتر مى شود، و تواضع او در ميان مردم بسيار گردد، و ترسش براى خدا بيشتر شود، و جدّيت و كوشش او در راه دين بيشتر گردد، چنين عالمى است كه از علم خود نفع برد و ديگران را بهره مند سازد.

و هر كه براى طلب دنيا، و منزلت نزد مردم ، و براى دستيابى و راه يافتن نزد پادشاه طلب علم نمايد، هر بابى از علم را كه فرا مى گيرد تكبرش بيشتر گردد، و پستى و خوارى او نزد مرد بيشتر شود، و نسبت به خدا مغرور گردد، و به دين جفا كند، چنين كسى از علم خود استفاده نخواهد كرد، در اين صورت او حجّتى براى خود ندارد، و پشيمانى و حسرت و ذلّت در روز قيامت نصيبش گردد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَ الْأَدَبَ ثَمَنُ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِى تَعَلُّمِهِمَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِى ثَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِى إِلَى رَبِّكَ وَ بِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَ بِأَدَبِ الْخِدْمَةِ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وَلَايَتَهُ وَ قُرْبَهُ فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ كَيْ تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اى مؤمن ! اين علم و ادب قيمت جان توست ، در آموختن آن بكوش ، هر قدر به علم و ادبت افزوده گردد قيمت و منزلتت زيادتر شود، زيرا به وسيله علم به سوى پروردگارت هدايت مى شوى ، و به وسيله ادب به پروردگارت بهتر خدمت مى كنى ، و به وسيله خدمت همراه ادب بنده سزاوار دوستى و قرب با خدا مى شود، نصيحت پذير باش تا از عذاب دوزخ نجات يابى .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنبال آموختن علم برويد گرچه تا چين باشد، زيرا آموختن علم بر هر مسلمانى واجب است .

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا حَضَرَتْ جَنَازَةٌ وَ حَضَرَ مَجْلِسُ عَالِمٍ أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أَشْهَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنْ كَان حُضُورِ أَلْفِ جِنَازَةٍ وَ مِنْ عِيَادَةِ أَلْفِ مَرِيضٍ وَ مِنْ قِيَامِ أَلْفِ لَيْلَةٍ وَ مِنْ صِيَامِ أَلْفِ يَوْمٍ وَ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ يُتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى الْمَسَاكِينِ وَ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ سِوَى الْفَرِيضَةِ وَ مِنْ أَلْفِ غَزْوَةٍ سِوَى الْوَاجِبِ تَغْزُوهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِمَالِكَ وَ بِنَفْسِكَ وَ أَيْنَ تَقَعُ هَذِهِ الْمَشَاهِدُ مِنْ مَشْهَدِ عَالِمٍ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَ يُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ

مردى خدمت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! هر گاه تشييع جنازه اى با مجلس عالمى همزمان شود؛ كداميك را دوست داريد حاضر شويد؟ فرمود: اگر به دنبال جنازه كسى باشد كه او را تشييع و تدفين كند، حضور مجلس عالم از تشييع هزار جنازه و از عيادت هزار مريض و از عبادت كردن هزار شب و از هزار روز روزه گرفتن و از هزار درهم صدقه دادن به فقيران و از هزار حج غير واجب و از هزار جنگ غير واجب كه در راه خدا به مال و جانت بروى با فضيلت تر است ، و كجا درك اين حضورها مساوى است با درك حضور عالمى ؟

آيا نمى دانى كه خداوند به وسيله علم اطاعت كرده مى شود، و به وسيله علم پرستيده مى شود، و خير دنيا و آخرت همراه علم است ، و شر دنيا و آخرت همراه جهل است ؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَ لَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَ لَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ يُحَبِّبُونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ يُحَبِّبُونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا هَذَا حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحَبِّبُونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ

رسول خدا فرمود: آيا آگاه كنم شما را از گروهى كه نه از انبيا هستند و نه از شهدا، ولى انبيا و شهدا در روز قيامت به مقام و منزلت آنان غبطه مى خورند، و آنها بر منبرهايى از نور نشسته اند؟

سؤ ال شد: اى رسول خدا! آنان كيانند؟ فرمود: آنان كسانى هستند كه بندگان خدا را نزد خدا محبوب مى كنند و خدا را نزد بندگانش محبوب مى گردانند، عرض كرديم : ايجاد محبت خدا در دلها معلوم است ، ولى چگونه بندگان را نزد خدا محبوب مى گرداند؟

فرمود: آنها را فرمان مى دهد به آنچه خدا دوست مى دارد، و باز مى دارد آنان را از آنچه خدا دوست نمى دارد، و هر گاه آنها را اطاعت كردند خداوند دوستشان دارد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ تَعَلَّمَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ لِيُعَلِّمَهُ النَّاسَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ سَبْعِينَ نَبِيّاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه بابى از علم را بياموزد تا براى رضاى خدا آن را به مردم بياموزاند خداوند ثواب هفتاد پيامبر را به او عطا كند.

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ تَعَلَّمَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ عَمِلَ بِهِ أَوْ لَمْ يَعْمَلْ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ يُصَلِّيَ أَلْفَ رَكْعَةٍ تَطَوُّعاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بابى از علم را بياموزد چه به آن عمل كند يا نكند بهتر است از اينكه هزار ركعت نماز مستحبى بخواند.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام قُرَّاءُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَ اسْتَدَرَّ بِهِ الْمُلُوكَ وَ اسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ وَ أَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَ أَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ وَ قَامَ بِهِ فِى مَسَاجِدِهِ وَ تَجَافَى بِهِ عَنْ فِرَاشِهِ فَبِأُولَئِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ وَ بِأُولَئِكَ يُدِيلُ اللَّهُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ بِأُولَئِكَ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ وَ اللَّهِ لَهَؤُلَاءِ فِى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ

حضرت باقر عليه‌السلام فرمود: قاريان قرآن سه گروهند: مردى قرآن مى خواند و آن را سرمايه كسب خود قرار مى دهد، و به وسيله آن از پادشاهان طلب مستمرى مى كند، و به مردم بزرگى مى فروشد، و ديگر مردى كه قرآن را بخواند و حروف آن را حفظ كند ولى احكام و حدود آن را ضايع گرداند، و مردى كه قرآن خواند و داروى قرآن را بر دل دردمندش نهد و با آن شب زنده دارى كند، و روزش را به تشنگى بسر برد، و در هنگام نمازهايش و در مساجد بدان قيام كند، و از بستر خواب خود به احترام آن دورى كند، خداوند به وسيله آنان بلا را بگرداند، و به بركت اينان خداى عزّ و جل شر دشمنان را باز دارد، و به بركت آنان خداوند از آسمان باران فرستد، بخدا سوگند اينان در ميان قرآن خوانان از كبريت احمر كمياب ترند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ النَّاسَ فِى صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَ وُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتُوزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در روز قيامت خداوند عزّ و جل مردم را در يك مكان جمع مى كند و ميزانهاى اعمال را بر پا مى دارد، در اين هنگام خونهاى شهدا با مداد علما سنجيده مى شود، مداد علما بر خونهاى شهدا برترى پيدا مى كند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قِوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَ بِغَنِيٍّ لَا يَبْخَلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَ بِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَ بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَ بَخِلَ الْغَنِيُّ بِفَضْلِهِ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَ اسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ رَجَعَتِ الدُّنْيَا إِلَى وَرَائِهَا قَهْقَرَى وَ لَا تَغُرَّنَّكُمْ كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ وَ أَجْسَادُ قَوْمٍ مُخْتَلِفَةٍ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ الْعَيْشُ فِى ذَلِكَ الزَّمَانِ فَقَالَ خَالِطُوهُمْ بِالْبَرَّانِيَّةِ يَعْنِى فِى الظَّاهِرِ وَ خَالِفُوهُمْ فِى الْبَاطِلَ لِلْمَرْءِ مَا اكْتَسَبَ وَ هُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَ انْتَظِرُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: استوارى دنيا به وسيله چهار كس ‍ است :

به وسيله دانشمند گويا كه دانش خود را در عمل خود بكار مى بندد، به ثروتمندى كه از ما زاد ثروتش بر اهل دين خدا دريغ نورزد، به فقيرى كه آخرتش را به دنيايش نفروشد، و به نادانى كه از يادگيرى علم و دانش تكبر نكند.

اگر عالمى دانش خود را پنهان كند، و ثروتمند به مالش بخل ورزد، و فقير آخرتش را به دنيايش بفروشد، و نادان از دانش طلبى تكبر نمايد؛ دنيا بصورت عقب گرد به عقب باز گردد. بنا بر اين زياد شدن مساجد و مردمى كه در آنها رفت و آمد مى كنند شما را فريب ندهد، سؤ ال شد: اى امير مؤمنان ! در چنين روزگارى چگونه بايد زندگى كرد؟

فرمود: در ظاهر با آنان آميزش داشته باشيد، و در باطن با آنان مخالفت ورزيد، كه هر كس نتيجه كردار خود را خواهد ديد، و با هر كس دوست باشد محشور خواهد شد، و با اين حال به انتظار گشايش از جانب خداوند باشيد.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْماً وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْماً وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَّ مِنْ جُهَّالِ النَّاسِ

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: داناترين مردم كسى است كه دانش ‍ مردم را با دانش خود جمع كند، و پر قيمت ترين مردم دانشمند ترين آنهاست ، و كم قيمت ترين مردم كم دانش ترين آنهاست ، و سزاوارترين مردم به حق داناترين آنها به آنست ، و حاكم ترين مردم كسى است كه از مردم جاهل فرار كند.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا عَلَّامَةٌ قَالَ وَ مَا الْعَلَّامَةُ قَالُوا أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ بِالْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهِلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عَلِمَهُ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد مسجد شد، ناگهان جماعتى را ديد كه گرد مردى را گرفته اند، فرمود: چه خبر است ؟ گفتند: علّامه اى است ، فرمود: علّامه يعنى چه ؟ گفتند: داناترين مردم به دودمان عرب و حوادث ايشان و به روزگار جاهليت و اشعار عرب است ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اينها علمى است كه زيانى به نادانش نرساند، و سودى به عالمش نبخشد.

عَنْ أَبِى حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ مَرْفُوعاً قَالَ أَقْبَلَ النَّاسُ عَلَى عَلِيٍّعليه‌السلام فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِئْنَا بِالْفَقِيهِ قَالَ نَعَمْ أُنْبِئُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُرَخِّصِ النَّاسَ فِى مَعَاصِى اللَّهِ وَ لَمْ يُقَنِّطْهُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يَدَعِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً إِلَى غَيْرِهِ أَلَا لَا خَيْرَ فِى قِرَاءَةٍ لَا تَدَبُّرَ فِيهَا أَلَا لَا خَيْرَ فِى عِبَادَةٍ لَا فِقْهَ فِيهَا أَلَا لَا خَيْرَ فِى نُسُكٍ لَا وَرَعَ فِيهِ

ابو حمزه ثمالى گويد: مردم نزد على عليه‌السلام آمدند و گفتند: اى امير مؤمنان ! فقيه را به ما بشناسان ، فرمود: بلى ، فقيه حقيقى را به شما مى شناسانم ، فقيه واقعى كسى است كه به مردم آزادى در گناه ندهد، و آنها را از رحمت خدا مأ يوس نسازد، و از مكر خدا ايمن نگرداند، براى رغبت بسوى چيزى قرآن را ترك نكند، بدانيد كه در قرائتى كه تدبّر در آن نيست خيرى نيست ، بدانيد دانش بى انديشه سودى ندارد، بدانيد عبادتى كه همراه پرهيزگارى نباشد نفعى ندارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در مقابل كسى كه از او دانش مى آموزيد فروتنى كنيد، و در مقابل كسى كه به او دانش مى آموزيد فروتنى كنيد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْعَالِمُ وَ الْمُتَعَلِّمَ شَرِيكَانِ فِى الْأَجْرِ إِلَّا أَنَّ لِلْعَالِمِ أَجْرَيْنِ وَ لِلْمُتَعَلِّمِ أَجْراً وَ لَا خَيْرَ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: دانش آموز و معلّم در پاداش شريكند، بدانيد كه براى تعليم دهنده و دانشمند دو پاداش و براى دانش آموز يك پاداش است ، و خيرى در غير اين نيست .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ دَوَابَّ الْبَحْرِ وَ حِيتَانَهُ لَيَسْتَغْفِرُونَ لِطُلَّابِ الْعِلْمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پرندگان آسمان و جنبندگان دريا و ماهيهايش ، براى دانشجويان تا روز قيامت طلب مغفرت مى كنند.

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ بِخُطْبَةٍ فِيهَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ بَيْنَكُمْ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِى لَكُمْ بِهِ وَ الْعِلْمَ مَخْزُونٌ عَنْكُمْ عِنْدَ أَهْلِهِ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْهُمْ فَاطْلُبُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ فِى الدِّينِ مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ أَنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلَ بِهِ مَصْلَحَةٌ فِى الدِّينِ سَبَبٌ لِلْجَنَّةِ وَ الْمَالَ يُبْخِلُ النَّاسَ وَ يَبْخَلُونَ بِهِ عَنْ أَنْفُسِهِمْ وَ عَنِ النَّاسِ وَ النَّفَقَاتُ تَنْقُصُ الْمَالَ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى إِنْفَاقِهِ وَ إِنْفَاقُهُ بَثُّهُ إِلَى حَفَظَتِهِ وَ رُوَاتِهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ صُحْبَةَ الْعَالِمِ وَ اتِّبَاعَهُ دِينٌ يُدَانُ بِهِ وَ طَاعَتَهُ مَكْسَبَةٌ لِلْحَسَنَاتِ مَمْحَاةٌ لِلسَّيِّئَاتِ وَ ذَخِيرَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رِفْعَةٌ فِى حَيَاتِهِمْ وَ مَمَاتِهِمْ وَ جَمِيلُ الْأُحْدُوثَةِ عَنْهُمْ بَعْدَ مَوْتِهِمْ أَلَا وَ إِنَّ الْمَالَ يَزُولُ كَزَوَالِ صَاحِبِهِ وَ الْعُلَمَاءَ وَ الْعِلْمَ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ وَ الْعِلْمَ حَاكِمٌ وَ الْمَالَ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام بر منبر كوفه خطبه اى خواندند كه در آن فرمود: اى مردم ! آگاه باشيد! كمال دين به تحصيل دانش و عمل كردن به آن است ، تحصيل دانش براى شما از تهيّه مال واجبتر است ، مال بين شما تقسيم و تضمين شده ، دادگرى ؛ آن را بين شما تقسيم كرده و ضمانت فرموده ، و به عهد خود وفا خواهد نمود، ولى دانش را براى شما در سينه اهلش اندوخته و دستور داده كه به دنبالش برويد، اينك آن را بجوييد و بدانيد كه ثروت زياد باعث تباهى دين و قساوت قلب است ، و زيادى علم به شرط عمل كردن به آن باعث اصلاح دين و رسيدن به بهشت است ، مال انسان را بخيل مى كند، و به آن نسبت به خودشان و مردم بخيل مى شوند، مال با مصرف كاهش پذيرد، و حال اينكه علم با بذل و انفاق فزون گردد، انفاق علم به نشر آن در بين حافظان و راويان آن است ، و بدانيد كه همنشينى و پيروى دانشمند دينى است كه خدا بر آن پاداش دهد، اطاعت عالم نيكيها را بيافزايد، بديها را محو سازد، و براى مؤمنان پس اندازى باشد، و در زندگى و مرگ باعث سربلندى ، و نيكنامى پس از مرگشان باشد، بدان كه مال از بين مى رود مثل از بين رفتن صاحبش ، و دانشمندان و علم باقيند تا زمانى كه روزگار باقى است ، و دانش حاكم است و مال محكوم .

ثُمَّ قَالَ فِى خُطْبَةٍ كَيْلٌ يُكَالُ بِلَا ثَمَنٍ لَوْ كَانَ مَنْ سَمِعَهُ يَعْقِلُهُ فَيَعْرِفُهُ وَ يُؤْمِنُ بِهِ فَيَتَّبِعُهُ وَ يَنْهَجُ مَنْهَجَهُ فَيُفْلِحُ بِهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام ضمن خطبه اى فرمود: كلامى كه بدون قيمت وزن شود اگر كسى آن را بشنود آن را مى فهمد و مى شناسد، و به آن ايمان مى آورد، و از آن پيروى مى كند، و دنبال رو آن مى شود و به وسيله آن به رستگارى مى رسد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً وَ زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى هر چيزى زكاتى است ، زكات دانش ‍ آموختن به اهلش مى باشد.

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ كُفِيَ مَا لَا يَعْلَمُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه به دانسته هايش عمل كند، از آنچه نمى داند او را كفايت است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنْ يُصَدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ فَهُوَ الرَّجُلُ التَّامُّ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَإِنَّمَا يُوَبِّخُ نَفْسَهُ

امام صادق عليه‌السلام از قول امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: كسى كه گفتار و عملش يكى باشد او مردى كامل است ، و كسى كه قول و عملش ‍ يكسان نباشد فقط خود را ملامت كند.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ وَ مَنْ عَمِلَ عَلِمَ وَ الْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَمَنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: علم با عمل همدوش است ، هر كه بداند عمل مى كند و هر كه عمل كند مى داند، علم عمل را صدا مى زند، اگر پاسخش گويد بماند و گر نه كوچ كند.

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ اعْمَلُوا إِذَا عَلِمْتُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِى لَا يَسْتَفِيقُ عَنْ جَهْلِهِ بَلْ قَدْ رَأَيْتُ أَنَّ الْحُجَّةَ أَعْظَمُ وَ الْحَسْرَةَ أَدْوَمُ عَلَى هَذَا الْعَالِمِ الْمُنْسَلِخِ مِنْ عَمَلِهِ مِنْهَا عَلَى هَذَا الْجَاهِلِ الْمُتَحَيِّرِ فِى جَهْلِهِ وَ كِلَاهُمَا حَائِرٌ بَائِرٌ ضَالُّ مَثْبُورٌ لَا تَرْتَابُوا فَتَشُكُّوا وَ لَا تَشُكُّوا فَتَكْفُرُوا وَ لَا تُرَخِّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتُدَاهِنُوا فِى الْحَقِّ فَتَخْسَرُوا وَ إِنَّ مِنَ الْحَقِّ أَنْ تَفَقَّهُوا وَ إِنَّ مِنَ الْفِقْهِ أَنْ لَا تَغْتَرُّوا وَ إِنَّ أَنْصَحَكُمْ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُكُمْ لِرَبِّهِ وَ أَغَشَّكُمْ لِنَفْسِهِ أَعْصَاكُمْ لِرَبِّهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ يَأْمَنْ بِهِ وَ يَسْتَبْشِرْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ يَخِبْ وَ يَنْدَمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام بر منبر سخنرانى فرمود: اى مردم ! چون دانا شديد به علمتان عمل كنيد؛ شايد هدايت شويد، عالمى كه بر خلاف علمش عمل كند چون جاهل سرگردانى است كه از نادانى به هوش نيايد، بلكه خواهى ديد كه حجت بر او تمامتر و حسرت اين عالمى كه از علم خويش جدا شده بيشتر است از حسرت جاهل سرگردان در جهالت ، و هر دو سرگردان و خوابند، هر دو بى هدف و گم گشته و در خسرانند، ترديد و دودلى به خود راه ندهيد تا به شك افتيد، و شك نكنيد تا كافر شويد، و به خود اجازه ندهيد تا در راه حق گول بخوريد، سپس زيانكار شويد، زيرا از جمله حق اين است كه دين را بفهمد، و از فهميدن است كه مغرور نشويد، خيرخواه ترين شما نسبت به خود مطيع ترين شما نسبت به خداست ، و خائن ترين شما با خود نافرمانترين شماست از خدا، كسى كه اطاعت خدا كند ايمن گردد و مژده يابد، و آنكه نافرمانى خدا كند نوميد گردد و پشيمان شود.

عَنْهُعليه‌السلام فِى كَلَامٍ لَهُ لَا تَطْلُبُوا الْعِلْمَ لِتَطْلُبُوا بِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ لَا يَسْتَوِى فِى الْعُقُوبَةِ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ

امير المؤمنان عليه‌السلام ضمن سخنانى طولانى فرمود: علم را فرا نگيريد تا با آن طلب دنيا كنيد، زيرا از نظر عقاب نزد خدا مساوى نيستند (كسانى كه مى دانند و كسانى كه نمى دانند).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ كَانَ يَقُولُ فِى مَا لَا يَعْلَمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ فَهَذَا وَرِعٌ عَالِمٌ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ طَلَبَةُ الْعِلْمِ ثَلَاثَةٌ فَاعْرِفُوهُمْ بِأَعْيَانِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْجَهْلِ وَ الْمِرَاءِ وَ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلِاسْتِطَالَةِ وَ الْخَتْلِ وَ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ فَصَاحِبُ الْجَهْلِ وَ الْمِرَاءِ مُؤْذٍ مُمَارٍ مُتَعَرِّضٌ لِلْمَقَالِ فِى أَنْدِيَةِ الرِّجَالِ بِتَذَاكُرِ الْعِلْمِ وَ صِفَةِ الْحِلْمِ قَدْ تَسَرْبَلَ بِالْخُشُوعِ وَ تَخَلَّى مِنَ الْوَرَعِ فَدَقَّ اللَّهُ خَيْشُومَهُ وَ قَطَعَ مِنْهُ حَيْزُومَهُ وَ صَاحِبُ الِاسْتِطَالَةِ وَ الْخَتْلِ ذُو خِبٍّ وَ مَلَقٍ يَسْتَطِيلُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ أَشْبَاهِهِ وَ يَتَوَاضَعُ لِلْأَغْنِيَاءِ مِمَّنْ هُوَ دُونَهُ فَهُوَ لِحَلَاوَتِهِمْ هَاضِمٌ وَ لِدِينِهِ حَاطِمٌ فَأَعْمَى اللَّهُ عَلَى هَذَا بَصَرَهُ وَ قَطَعَ مِنْ آثَارِ الْعُلَمَاءِ أَثَرَهُ وَ صَاحِبُ الْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ ذُو كَآبَةٍ وَ حَزَنٍ وَ سَهَرٍ قَدِ انْحَنَى فِي بُرْنُسِهِ وَ قَامَ اللَّيْلَ فِى حِنْدِسِهِ يَعْمَلُ وَ يَخْشَى وَجِلًا دَاعِياً مُشْفِقاً مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ عَارِفاً بِأَهْلِ زَمَانِهِ مُسْتَوْحِشاً مِنْ أَوْثَقِ إِخْوَانِهِ فَشَدَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا أَرْكَانَهُ وَ أَعْطَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَانَهُ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: هر كه در مورد چيزى كه نمى داند، بگويد: خدا و رسولش داناترند؛ اين عالمى پرهيزگار است . امام صادق عليه‌السلام فرمود: دانشجويان سه دسته اند؛ آنان را با نشانه ها و صفاتشان بشناسيد:

دسته اى دانش را براى حربه نادانى و جدال مى جويند، و دسته اى براى برترى جستن و فريفتن آن را مى آموزند، و دسته اى براى خودورزيدن و فهميدن ياد گيرند، يار نادانى و ستيزه ، مردم آزار و ستيزه گر است ، و در مجالس مردان به سخنگوئى متوسل مى شود، از علم ياد مى كند و حلم را مى ستايد، به فروتنى تظاهر مى كند ولى از پرهيزگارى تهى است ، خدا بينيش را كوبيده و كمرش را جدا كرده .

و يار برترى جستن و فريفتن ، نيرنگ باز و چاپلوس است ، و بر همگنان خود گردن فرازى كند، و براى ثروتمندان پست تر از خود كوچكى نمايد، شيرينيهاى آنان را بخورد و دين خود را بشكند، بنا بر اين خدا چشمش را كور گردانيده و اثرش را از ميان آثار علماء قطع نمود.

و يار فهم و خرد افسرده و غمگين و شب زنده دار است ، تحت الحنك خويش انداخته و در تاريكى شب بپا ايستاده است ، ترسان و خواهان و هراسان عمل كند، به خود مشغول و مردم زمانش را خوب مى شناسد، و از مطمئن ترين برادرانش دهشتناك است ، از اين جهت خداوند پايه هاى وجودش را محكم خواهد كرد و روز قيامت او را امان خواهد داد.

عَنْ أَبِى خَدِيجَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِى الاْخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الاْخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه حديث را براى سود دنيا بخواهد براى او در آخرت بهره اى نخواهد بود، و هر كه آن را براى خير آخرت جويد خداوند خير دنيا و آخرت را به او عطا فرمايد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ مَنْ أَخَذَ عَلَى هَذَا الْعِلْمِ مَالًا أَوْ هَدَايَا فَلَا يَنْفَعُهُ أَبَداً

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: هر كس در قبال اين علم پول يا هديه اى بگيرد هرگز آن علم به او نفعى نرساند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبّاً لِلدُّنْيَا فَاتَّهِمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ شَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ لَا تَجْعَلْ بَيْنِى وَ بَيْنَكَ عَالِماً مَفْتُوناً بِالدُّنْيَا فَيَصُدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِى فَأُولَئِكَ قُطَّاعُ طَرِيقِ عِبَادِيَ الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِى مِنْ قُلُوبِهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر ديديد عالم دنيا را دوست دارد نسبت به دينتان متهمش گردانيد، زيرا دوست هر چيزى اسير محبت آن است ، و فرمود: خدا به داود عليه‌السلام وحى فرمود كه : ميان من و خودت عالم فريفته به دنيا را واسطه قرار مده ، كه راه دوستى مرا به تو ببندد، زيرا كه آنان راهزنان بندگان پوينده من هستند و كمترين كارى كه من با آنان مى نمايم اين است كه شيرينى مناجاتم را از دلشان بركنم .

عَنْهُعليه‌السلام إِنَّ أَبَاهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِذَلِكَ عَرَضاً مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا لُعِنَ الْقَارِئُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ لَعَنَاتٍ وَ لُعِنَ الْمُسْتَمِعُ بِكُلِّ حَرْفٍ لَعْنَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پدر بزرگوارش مى فرمود: هر كس بر حاكم ظالمى وارد شود و بر او قرآن قرائت كند تا به اين واسطه به مالى از اموال دنيا برسد، به تعداد هر حرف كه مى خواند ده مرتبه مورد لعن قرار مى گيرد، و به هر شنونده اى در قبال هر حرفى يك لعن مى شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَى إِبْلِيسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مرگ هيچ كس از مؤمنين نزد شيطان محبوبتر از مرگ عالم نيست .

عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ الْمَالِ وَ طَالِبُ الْعِلْمِ مَنِ اقْتَصَرَ عَلَى الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَ مَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ وَ مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ عَنْ أَهْلِهِ وَ عَمِلَ بِهَا نَجَا وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ وَ الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ آخِذٌ بِعِلْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَ عَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَ إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَّوْنَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْداً إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَاسْتَجَابَ لَهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِ عَمَلِهِ وَ اتِّبَاعِهِ هَوَاهُ إِنَّمَا هُمَا اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ طُولُ الْأَمَلِ يُنْسِى الاْخِرَةَ

امام صادق عليه‌السلام از قول پدرش از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: دو آزمند هرگز سير نشوند: طالب مال و طالب علم ، كسى كه از دنيا به آنچه خدا برايش حلال كرده اكتفا كند سالم ماند، و كسى كه دنيا را از راه غير حلالش بدست آورد هلاك گردد، مگر اينكه توبه كند و بازگشت نمايد، و كسى كه علم را از اهلش آموخته و به آن عمل نمايد نجات يابد، و كسى كه منظورش از طلب علم مال دنيا باشد بهره اش همانست .

امير المؤمنان عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمود: علماء بر دو قسمند: عالمى كه به علم خود عمل نموده او رستگار است ، و دانشمندى كه علمش را كنار گذاشته و اين هلاك شونده است ، و دوزخيان از بوى گند عالم بى عمل در اذيّتند، و پشيمان ترين و با حسرت ترين مردم كسى است كه بنده اى را به سوى خدا خوانده و او اجابت نموده و اطاعت خدا كرده و خدا به بهشتش برده است ، و خود دعوت كننده را به سبب عمل نكردن و پيروى از هوس به دوزخ در آورده .

من از دو چيز در مورد شما مى ترسم : پيروى از هواى نفس و آرزوى دراز؛ اما پيروى از هواى نفس از حق جلوگيرى مى كند، و درازى آرزو آخرت را از ياد مى برد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا تُعْطِ سِلَاحَكَ الْفَاجِرَ فَيُضِلَّكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سلاحت را به شخص بدكار مده ، زيرا تو را گمراه سازد.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّ فُقَهَاءَ الْكُوفِيِّينَ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جِى ءَ بِعَبْدٍ مُلْجَمٍ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عَبْدِى مَا حَمَلَكَ عَلَى أَنْ كَتَمْتَ عِلْماً عَلَّمْتُكَ فَيَقُولُ يَا رَبِّ خِفْتُ عِبَادَكَ فَيَقُولُ أَنَا كُنْتُ أَحَقَّ أَنْ تَخَافَنِى فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام كَذَبَ وَ اللَّهِ فُقَهَاءُ الْكُوفِيِّينَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ كَانَ ذَلِكَ حَقّاً مَا أَثْنَى اللَّهُ عَلَى مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ فِى الْكِتَابِ وَ قَدْ كَتَمَ إِيمَانَهُ سِتَّمِائَةِ سَنَةٍ وَ هُوَ خَازِنُ فِرْعَوْنَ

جابر گويد: به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : فقيهان كوفه مى گويند: زمانى كه روز قيامت شود بنده اى را در حالى كه لجامى از آتش به دهان دارد مى آورند، خداوند عزّ و جل مى فرمايد: اى بنده من ! چه چيز تو را واداشت كه دانشى را به تو آموختم كتمان نمودى ؟

عرض مى كند: پروردگارا! از بندگانت ترسيدم ، خداوند مى فرمايد: من سزاوارتر بودم كه از من بترسى ، سپس فرمان مى دهد كه او را در آتش ‍ اندازند.

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بخدا قسم فقيهان كوفه دروغ گفته اند، بخدا قسم اگر اين مطلب حقيقت داشت ، خداوند مؤمن آل فرعون را در كتابش ‍ ستايش نمى نمود در حالى كه ششصد سال ايمانش را پنهان داشت ، زيرا او خزانه دار فرعون بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَلَى الْعَالِمِ أَهْلُهُ الَّذِينَ هُمْ أَهْلُ دِينِهِ دُونَ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كه سخت ترين مردم بر عالم ، آن كسانى هستند كه با او هم عقيده هستند نه ساير مردم .

الفصل التاسع فى الحث على الكتابة و التكاتب و ما يليق به

(فصل نهم : در تشويق بر نوشتن و نامه نگارى)

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَقَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابَةِ إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا إِنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِى رَهْطٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ سَأَلُونِى عَنْ أَشْيَاءَ فَكَتَبُوهَا

ابو بصير گويد: بر امام صادق عليه‌السلام وارد شدم ، حضرت فرمود: چه چيز شما را از نوشتن باز داشته ؟ شما هرگز بدون نوشتن چيزى را حفظ نخواهيد كرد، گروهى از اهل بصره از من سؤ الهايى پرسيدند سپس آن را نوشتند و رفتند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ احْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَسَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نوشته هاى خود را نگهداريد، زيرا در آينده نزديك به آن نيازمند خواهيد شد.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لِكَاتِبٍ كَتَبَهُ أَنْ يَصْنَعَ هَذِهِ الدَّفَاتِرَ كَرَارِيسَ وَ قَالَ وَجَدْنَا كُتُبَ عَلِيٍّ مُدْرَجَةً

امام باقر عليه‌السلام به كاتبش فرمود: اين نوشته ها را به صورت صفحه صفحه جمع كند، و فرمود: ما نامه هاى على عليه‌السلام را مرتّب يافتيم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام اكْتُبْ وَ بُثَّ عِلْمَكَ فِى إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثْ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِى عَلَى النَّاسِ زَمَانُ هَرْجٍ مَا يَأْنِسُونَ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنويس و علمت را در ميان برادرانت منتشر ساز، اگر مرگت فرا رسيد آنها را به پسرانت ميراث ده ، زيرا براى مردم زمان فتنه و آشوب مى رسد كه در آن هنگام جز به كتابهايشان انس ‍ نگيرند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ الْقَلْبُ يَتَّكِلُ عَلَى الْكِتَابَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دل بر نوشته تكيه مى كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ أَعْرِبُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فُصَحَاءُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حديث ما را درست بخوانيد، زيرا ما مردمى فصيح هستيم .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ التَّوَاصُلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِى الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِى السَّفَرِ التَّكَاتُبُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پيوند ميان برادران دينى در حضور، ديدار و در سفر به نامه نوشتن است .

عَنِ الْعِيصِ بْنِ أَبِى الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ فِى الْكِتَابِ قَالَ تُكْتَبُ سَلَامٌ عَلى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدى وَ فِى آخِرِهِ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

عيص بن قاسم گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره سلام كردن بر اهل كتاب در نامه پرسيدم ، فرمود: اين طور نوشته مى شود: سلام بر كسى كه پيرو هدايت است ، و در آخرتش نوشته شود: سلام بر مرسلين ، و حمد و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است .

عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الرَّدِّ عَلَيْهِمْ فِى الْكِتَابِ فَكَرِهَ ذَلِكَ

ذريح گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره سلام كردن بر يهودى و نصرانى و جواب سلام در نامه به آنان پرسيدم ، حضرت اظهار ناخشنودى كردند.

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا تَدَعْ كِتَابَةَ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ فِى الْكِتَابِ وَ إِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در نامه ؛ نوشتن (بسم اللّه الرحمن الرحيم) را وامگذار، گرچه پس از آن شعرى باشد.

عَنْ هَارُونَ مَوْلَى آلِ أَبِى جَعْدَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام اكْتُبْ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مِنْ أَجْوَدِ كِتَابَتِكَ وَ لَا تَمُدَّ الْبَاءَ حَتَّى تَرْفَعَ السِّينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: (بسم اللّه الرحمن الرحيم) را با بهترين خط خود بنويس ، و باء را نكش تا سين كشيده شود.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ لَا تَكْتُبْ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لِفُلَانٍ وَ لَا بَأْسَ أَنْ تَكْتُبَ لِفُلَانٍ عَلَى ظَهْرِ الْكِتَابِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ننويس (بسم اللّه الرحمن الرحيم) براى فلانى ، و اشكالى ندارد كه پشت نامه بنويسى براى فلانى .

عَنِ ابْنِ حَكِيمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا بَأْسَ بِابْتِدَاءِ الرَّجُلِ بِاسْمِ صَاحِبِهِ فِى الصَّحِيفَةِ قَبْلَ اسْمِهِ

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود: مانعى ندارد كه شخصى در نامه اش ‍ اسم رفيقش را قبل از نام خود بنويسد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِذَا كَتَبَ أَحَدُكُمْ فِى حَاجَةٍ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آخِرَ بَنِى إِسْرَائِيلَ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ لِلْحَاجَةِ

امام صادق عليه‌السلام از قول پدران بزرگوارش از امير المؤمنين عليه‌السلام نقل كرده كه فرمود: هر گاه يكى از شمايان براى حاجتى نامه اى نوشت ، بايد آية الكرسى و آخر سوره بنى اسرائيل را بخواند، زيرا حاجتش ‍ زودتر بر آورده شود.

عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ أَمَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بِكِتَابٍ فِى حَاجَةٍ لَهُ فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَقَالَ كَيْفَ رَجَوْتُمْ أَنْ يَتِمَّ هَذَا وَ لَيْسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ انْظُرُوا إِلَى كُلِّ مَوْضِعٍ يَكُونُ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَاسْتَثْنُوا فِيهِ

مرازم گويد: امام صادق عليه‌السلام در مورد كارى امر فرمود تا نامه اى نوشته شود، آن نامه نوشته شد و به حضرت عرضه داشت ، و در آن نامه (ان شاء اللّه) ننوشته بودند، حضرت فرمود:

چگونه اميد داريد كه اين كار به پايان برسد، با اينكه (ان شاء اللّه) در آن نيست ؟ بنگريد هر جا نياز به (ان شاء اللّه) دارد بنويسيد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كِتَاباً فَأَرَادَ عَقِيبٌ أَنْ يُتَرِّبَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا تُتَرِّبْهُ فَلَعَنَ اللَّهُ أَوَّلَ مَنْ تَرَّبَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِى عَنْ أَوَّلِ مَنْ تَرَّبَ فَقَالَ فُلَانٌ الْأُمَوِيُّ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

محمد بن سنان گويد: امام صادق عليه‌السلام نامه اى نوشت ، نامه رسان خواست كه آن را مهر و موم كند، امام صادق عليه‌السلام فرمود: آن را مهر و موم نكن ، خدا لعنت كند اوّلين كسى را كه مهر و موم كرد، گفتم : اى پسر رسول خدا! به من بفرماييد اوّلين كس چه كسى بود؟

فرمود: فلان شخص اموى بود كه لعنت خدا بر او باد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ أَنَّهُ رَأَى كُتُباً لِأَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام مُتَرَّبَةً

على بن عطيه نامه هايى از حضرت موسى بن جعفر عليه‌السلام ديد كه مهر گلى روى آن زده شده بود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوُجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جواب نامه دادن همانند جواب سلام واجب است .

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ الِاسْمِ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ يَمْحُوهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَمْحُوهُ بِأَطْهَرِ مَا يَجِدُ

از حضرت صادق عليه‌السلام سؤ ال شد از يكى از نامهاى خداوند كه انسان بخواهد آن را پاك كند، حضرت فرمود: آن را با پاكترين چيزى كه به آن دسترسى دارد پاك كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله امْحُوا كِتَابَ اللَّهِ وَ ذِكْرَهُ بِأَطْهَرِ مَا تَجِدُونَ وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُحْرَقَ كِتَابُ اللَّهِ وَ نَهَى أَنْ يُمْحَى بِالْأَقْلَامِ

حضرت صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كردند كه فرمود: كلمات قرآن و نام خدا را با پاكترين چيزى كه به دستتان برسد پاك كنيد، و از سوزاندن و محو قرآن با قلم نهى فرمود.

فِى إِسْنَادِ الْحَدِيثِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام اذْكُرُوا الْحَدِيثَ بِإِسْنَادِهِ فَإِنْ كَانَ حَقّاً كُنْتُمْ شُرَكَاؤُهُ فِى الاْخِرَةِ وَ إِنْ كَانَ بَاطِلًا فَإِنَّ الْوِزْرَ عَلَى صَاحِبِهِ

امام صادق عليه‌السلام از حضرت على عليه‌السلام نقل كرده كه فرمود: حديث را با اسنادش بيان كنيد، اگر آن نسبت حق باشد در آخرت شريك آن خواهيد بود، و اگر باطل باشد گناه آن بر گردن نسبت دهنده خواهد بود.

## فصل دهم : در گفتار و كردار نيك

الفصل العاشر فى قول الخير و فعله

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قُولُوا الْخَيْرَ تُعْرَفُوا بِهِ وَ اعْمَلُوا الْخَيْرَ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ

امام صادق عليه‌السلام از امير المؤمنين عليه‌السلام نقل كرده كه فرمود: سخن خير گوييد تا بدان معروف شويد، و كار خير كنيد تا اهل خير شويد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَيْسَ كُلَّ كَلَامِ الْحَكِيمِ أَتَقَبَّلُ وَ لَكِنْ أَتَقَبَّلُ هَوَاهُ وَ هَمَّهُ فَمَنْ كَانَ هَوَاهُ وَ هَمُّهُ لِى جَعَلْتُ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ عِبَادَةً وَ ذِكْراً لِى وَ إِنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از قول خداوند عزّ و جل نقل كرده كه فرمود: چنين نيست كه هر كلام حكيمى را بپذيرم ، ولى توجه و اراده اش را مى پذيرم ، هر كس توجه و اراده اش براى من بود، شنيده ها و ديده هاى او را عبادت براى خودم قرار مى دهم ، گرچه سخنى نگفته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ فِيمَا نَاجَانِى رَبِّى أَنَّهُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ آذَى لِى وَلِيّاً فَقَدْ أَرْصَدَ لِى بِالْمُحَارَبَةِ وَ مَنْ حَارَبَنِى حَارَبْتُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پروردگارم در يكى از مناجاتهايش ‍ با من فرمود: اى محمد! هر كس يكى از دوستان مرا اذيّت كند به حقيقت به جنگ با من كمين كرده است ، و هر كه با من بجنگد با او خواهم جنگيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا رَبِّ مَنْ أَهْلُكَ الَّذِينَ تُظِلُّهُمْ فِى ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ الطَّاهِرَةُ قُلُوبُهُمْ وَ الْبَرِيئَةُ أَيْدِيهِمْ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ ذَا الْجَلَالِ إِذَا ذَكَرُوا وَ هُمُ الَّذِينَ يَكْتَفُونَ بِطَاعَتِى كَمَا يَكْتَفِي الصَّبِيُّ الصَّغِيرُ بِاللَّبَنِ وَ الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِى كَمَا تَأْوِى النُّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا وَ الَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِى إِذَا اسْتُحِلَّتْ مِثْلَ النَّمِرِ إِذَا حَرِدَ

امام صادق عليه‌السلام به نقل از پدرش از جدش على بن الحسين عليهم‌السلام فرمود: موسى بن عمران عليه‌السلام عرض كرد: پروردگارا! اولياى تو چه كسانى هستند كه عرشت بر آنان سايه افكنده است روزى كه هيچ سايه اى جز سايه ات نيست ؟ خداوند به او وحى كرد: آنان كسانيند كه قلبهائى پاك و دستانى تهى دارند، كسانيند كه هر گاه متذكر شوند ذكر خدا گويند، و آنها كسانيند كه به بندگى من دلخوشند همان طور كه بچه كوچك به شير مادر دل بسته است ، و كسانيند كه به مساجد من پناه مى آورند همان طور كه بازهاى شكارى به لانه هايشان پناه مى برند، و كسانيند كه هر گاه حرام من حلال شود غضبناك شوند، مانند پلنگى كه خشمناك شود.

فِى وَصِيَّةِ النَّبِيِّ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ عَلِّمْنِى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْيَأْسِ مِمَّا فِى أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّهُ الْغِنَى الْحَاضِرُ قَالَ زِدْنِى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ خَيْراً وَ رُشْداً فَاتَّبِعْهُ وَ إِنْ يَكُ غَيّاً فَدَعْهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! مرا بياموز، فرمود: از آنچه در دست مردم مى بينى نااميد باش ، زيرا اين كار بى نيازى فعلى است ، عرض كرد: اى رسول خدا! بيافزاى بر من ، فرمود: هر گاه قصد كارى كردى به آينده آن بيانديش ، اگر خير و هدايت بود آن را انجام بده ، و اگر گمراهى و ضلالت بود آن را رها كن .

عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فِى الْكُوفَةِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا الرَّقُوبُ فِيكُمْ فَقَالُوا الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ لَمْ يَتْرُكْ وَلَداً فَقَالَ بَلِ الرَّقُوبُ حَقَّ الرَّقُوبِ رَجُلٌ مَاتَ وَ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ وُلْدِهِ أَحَداً يَحْتَسِبُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيراً مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ مَا الصُّعْلُوكُ فِيكُمْ فَقَالُوا الرَّجُلُ الَّذِى لَا مَالَ لَهُ قَالَ بَلِ الصُّعْلُوكُ مَنْ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ مَالِهِ شَيْئاً عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَ كَثِيراً مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ مَا الصُّرَعَةُ فِيكُمْ قَالُوا الشَّدِيدُ الْقَوِيُّ الَّذِى لَا يُوضَعُ جَنْبُهُ فَقَالَ بَلِ الصُّرَعَةُ حَقَّ الصُّرَعَةِ رَجُلٌ وَكَزَ الشَّيْطَانُ فِى قَلْبِهِ فَاشْتَدَّ غَضَبُهُ وَ ظَهَرَ دَمُهُ ثُمَّ ذَكَرَ اللَّهَ فَصَرَعَ بِحِلْمِهِ غَضَبَهُ

امير المؤمنين عليه‌السلام در كوفه ضمن خطبه اى فرمود: اى مردم ! بى وارث در بين شما كيست ؟

گفتند: آنكه بميرد و فرزندى به يادگار نگذارد، فرمود: بى وارث حقيقى كسى است كه بميرد و فرزندى پيش نفرستاده باشد كه مصيبتش را به حساب خدا گذارد، هر چند فرزندانش زياد باشند، سپس پرسيد: در بين شما بينوا كيست ؟ گفتند: آنكه مالى ندارد، فرمود: بينواى واقعى آن است كه مالى پيش نفرستاده باشد كه به حساب خدا گذارد، گرچه ثروت كلانى از خود بگذارد، سپس فرمود: بنظر شما در بين شما قهرمان كشتى كيست ؟ گفتند: پهلوانى كه هيچ كس نتواند به خاكش افكند، فرمود: قهرمان واقعى آن است كه شيطان به قلبش مشت بكوبد تا سخت خشمگين شود و خونش بجوش ‍ آيد، آنگاه خدا را ياد كرده ، با نيروى حلم ، غضبش را به خاك افكند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيَّ الْوَفَاةُ نَزَلَ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لَكَ فِى الرُّجُوعِ فِى الدُّنْيَا قَالَ لَا قَدْ بَلَّغْتُ رِسَالاتِى فَأَعَادَهَا عَلَيْهِ قَالَ لَا بَلِ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ وَ الْمُسْلِمُونَ حَوْلَهُ مُجْتَمِعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِى وَ لَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِى فَمَنِ ادَّعَى ذَلِكَ فَدَعْوَاهُ وَ بِدْعَتُهُ فِى النَّارِ فَاقْتُلُوهُ وَ مَنِ اتَّبَعَهُ فَإِنَّهُ فِى النَّارِ أَيُّهَا النَّاسُ أَحْيُوا الْقِصَاصَ وَ أَحْيُوا الْحَقَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ وَ لَا تَفَرَّقُوا أَسْلِمُوا وَ سَلِّمُوا تَسْلَمُوا كَتَبَ اللّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِى إِنَّ اللّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هنگام وفات پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله كه فرا رسيد، جبرئيل نازل شد و گفت : اى رسول خدا! آيا مى خواهى به دنيا باز گردى ؟ فرمود: نه ، من رسالاتم را انجام دادم ، جبرئيل بار دوّم تكرار كرد، حضرت فرمود: نه ، فقط خدا را مى خواهم ، سپس در حالى كه مردم اطرافش جمع بودند فرمود: اى مردم ! بعد از من نه پيامبرى خواهد آمد و نه دينى ، هر كس اين را ادّعا كند ادّعا و بدعتش در آتش است ، او را بكشيد، و هر كس از او پيروى كند جايش جهنم است ، اى مردم ! قصاص را زنده بداريد، و حق را براى صاحبش زنده كنيد و متفرق نشويد، اسلام آوريد و تسليم شويد تا سالم بمانيد، (خداوند مقرر داشته كه من و پيامبرانم پيروز گرديم ، بى گمان خداوند نيرومند و پيروز است).

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الصِّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَكُمْ وَ طُولِ السُّجُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ سُنَنِ الْأَوَّلِينَ وَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْأَوَّابُونَ هُمُ التَّوَّابُونَ

امام صادق عليه‌السلام به ابو بصير فرمود: اى ابا محمد! همواره پارسا باشيد، و در عبادت بكوشيد، و راستگوئى ، و ردّ امانت به صاحبش ، و سجده هاى طولانى را پيشه خود سازيد، زيرا اينها از روشهاى پسنديده پيشينيان است ، ابو بصير گفت : شنيدم كه امام مى فرمود: بازگشت كنندگان مكرر بسوى خدا همان توبه كنندگانند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَلَّمْنَا عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام بِمِنًى ثُمَّ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا قَوْمٌ مُجْتَازُونَ لَسْنَا نُطِيقُ هَذَا الْمَجْلِسَ مِنْكَ كُلَّمَا أَرَدْنَاهُ وَ لَا نَقْدِرُ عَلَيْهِ فَأَوْصِنَا قَالَ أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الصِّحَابَةِ لِمَنْ صَاحَبَكُمْ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ وَ إِطْعَامِ الطَّعَامِ صَلُّوا فِى مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اتَّبِعُوا جَنَائِزَهُمْ فَإِنَّ أَبِى حَدَّثَنِى أَنَّ شِيعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كَانُوا خِيَارَ مَنْ كَانُوا مِنْهُمْ إِنْ كَانَ فَقِيهٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ مُؤَذِّنٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ إِمَامٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ كَافِلُ يَتِيمٍ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَاحِبُ أَمَانَةٍ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَاحِبُ وَدِيعَةٍ كَانَ مِنْهُمْ فَكَذَلِكَ فَكُونُوا حَبِّبُونَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تُبَغِّضُونَا إِلَيْهِمْ

عبد اللّه بن زياد گويد: در منى بر امام صادق عليه‌السلام سلام كرديم ، سپس پرسيدم : اى پسر رسول خدا! ما گروهى عبوركننده ايم ، هر چه خواستيم نتوانستيم با شما همنشين شويم ، و موفق به اين كار نشديم ، ما را وصيتى كن ، فرمود: شما را به پرهيز الهى ، و راستى در گفتار، و اداء امانت ، و خوشرفتارى با رفيقان ، و بلند سلام كردن ، و غذا دادن به فقيران سفارش ‍ مى كنم ، در مسجدهايشان نماز بخوانيد، مريضهاى آنان را عيادت كنيد، جنازه هايشان را تشييع كنيد، پدرم به من مى فرمود: شيعيان ما اهل بيت بهترين كسان در بين موجودين خودشان بودند، اگر فقيهى بود از شيعيان بود، و اگر مؤ ذّنى بود از بين آنان بود، و اگر امام و رهبرى بود از بين آنان بود، و اگر سرپرستى كننده يتيمى بود از بين آنان بود، و اگر امانتدارى بود از آنان بود، و اگر وديعه گذارى بود از آنان بود، اينك اين چنين باشيد، ما را نزد مردم محبوب گردانيد، نه اينكه ما را نزد آنان مبغوض نماييد.

عَنِ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِى بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَحَبَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِى يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِى يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِى يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي أَعْطَيْتُهُ بِهَا وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِى شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِى فِى مَوْتِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرده كه خداوند تبارك و تعالى فرمود: بنده من با چيزى محبوبتر از انجام آنچه بر او واجب كرده ام به دوستى من گرايش پيدا نكند، ولى او به وسيله خواندن نمازهاى مستحبى به دوستى من مى گرايد تا او را دوست بدارم ، من هر گاه او را دوست داشته باشم گوش او مى شوم كه با آن مى شنود، و چشم او مى شوم كه با آن مى بيند، زبان او مى شوم كه با آن سخن مى گويد، و دست او مى شوم كه با آن مى بخشد، و مردد نمى شوم در چيزى كه انجام دهنده اش مى باشم مانند ترددم در مرگ مؤمن ، او از مرگ بدش مى آيد و من از ناراحتى او ناخشنودم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِى الْجَمَاعَةِ فَلَا رَفَثَ لِلْمُتَوَحِّدِ بِالْفِكْرَةِ الْمُتَحَلِّى بِالْعَبْرَةِ السَّاهِرِ بِالصَّلَاةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداى تبارك و تعالى كسى را كه در بين جماعت شوخى و خوشمزگى كند بدون ناسزاگويى دوستش دارد، كسى كه در حالت تنهايى در حال تفكر است ، آنكه خودش را به زيور عبرت آراسته ، و كسى كه شب زنده دار به نماز است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ أَتَى بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ مَنْ سَقَى هَامَّةً أَوْ أَشْبَعَ كَبِداً جَائِعَةً أَوْ كَسَا جِلْدَةً عَارِيَةً أَوْ أَعْتَقَ رَقَبَةً عَانِيَةً وَ الْعَانِى الْأَسِيرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چهار چيز است كه اگر كسى يكى از آنها را انجام دهد وارد بهشت شود: كسى كه تشنه اى را سيراب كند، يا دل گرسنه اى را سير كند، يا بدن عريانى را بپوشاند، يا بنده اسيرى را آزاد كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَحْسَنَ وُضُوءَهُ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ كَفَّ غَضَبَهُ وَ سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَغْفَرَ لِذَنْبِهِ وَ أَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفَتَّحَةٌ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمود كه : هر كس وضوى كامل بگيرد و خوب نماز بخواند و زكات مالش را بپردازد و خشمش را فرو خورد و زبانش را نگهدارد و از گناهش توبه كند، و وظيفه خير خواهى اهل بيت رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله را انجام دهد، حقايق ايمان را كامل نموده است ، و درهاى بهشت به رويش باز است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُكَلِّفَ الْعِبَادَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِى سُلْطَانِهِ مَا لَا يُرِيدُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند بزرگوارتر از آن است كه مردم را به آنچه توانائيش را ندارند تكليف كند، و خداوند نيرومندتر از آن است كه در حوزه فرمانروائى او چيزى باشد كه آن را اراده نكرده باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْفَاجِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: نيّت مؤمن از عملش بهتر است ، و نيّت فاجر از عملش بدتر است ، و هر كس طبق نيّتش پاداش مى گيرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ يُونُسَ قَالا سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خُذُوا ما آتَيْناكُمْ بِقُوَّةٍ أَ قُوَّةٌ فِى الْأَبْدَانِ أَمْ قُوَّةٌ فِى الْقُلُوبِ قَالَ فِيهِمَا جَمِيعاً

اسحاق بن عمار و يونس گفته اند: از امام صادق عليه‌السلام پرسيديم در مورد قول خداى عزّ و جل (آنچه را به شما داديم با توان بگيريد) آيا مراد قوّت در بدنهاست يا قوّت در دلها؟ فرمود: در هر دوى آنهاست .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردم در روز قيامت بر طبق نيّتهايشان محشور مى شوند.

## فصل يازدهم : در خصلتهاى عددى و آنچه در اين مورد است

الفصل الحادى عشر فى الخصال المعدودة و ما يليق بها

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ تَكُفُّ لِسَانَكَ وَ تَبْكِى عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ وَسِعَكَ بَيْتُكَ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: سه چيز نجات دهنده است : زبانت را نگهدارى ، بر خطايت گريه كنى ، خانه بزرگى داشته باشى .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ وَ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُوبِقَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَإِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ الصَّلَاةُ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَمَّا الْكَفَّارَاتُ فَإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِى السَّبَرَاتِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الْمُوبِقَاتُ فَشُحٌّ مُطَاعٌ وَ هَوًى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِى السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِى الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِى الرِّضَا وَ السَّخَطِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سه چيز درجه انسان را بالا مى برد، و سه چيز موجب كفّاره گناه ، و سه چيز كشنده است ، و سه چيز نجات بخش .

اما درجات : بلند سلام كردن ، و غذا دادن ، و در دل شب كه مردم در خوابند نماز خواندن است ، و اما كفّاره ها: در هواى سرد وضوى كامل گرفتن ، و براى اداى نمازهاى شبانه روزى گام برداشتن ، و بر نماز جماعت مواظبت نمودن ، و امّا آن سه كه كشنده است : بخلى كه در وجود انسانى حاكم و فرمانروا باشد، و هواى نفسى كه از آن پيروى شود، و خود پسندى ، و اما چيزهاى نجات بخش : در پنهان و آشكار از خداوند ترسيدن ، و در حال ثروتمندى و تهيدستى ميانه روى كردن ، و در حال رضا و خشم سخن به عدالت گفتن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثَةٌ إِنْ لَمْ تَظْلِمْهُمْ ظَلَمُوكَ السَّفِلَةُ وَ زَوْجَتُكَ وَ خَادِمُكَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمايد كه : سه نفرند كه اگر تو به آنها ظلم نكنى به تو ظلم كنند: نادان ، زنت ، خادمت .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةٍ شَرِيفٌ مِنْ وَضِيعٍ وَ حَلِيمٌ مِنْ سَفِيهٍ وَ بَرٌّ مِنْ فَاجِرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه كس نمى تواند حق خود را از سه كس ‍ بستاند: شريف از پست ، بردبار از احمق ، نيكوكار از بدكار.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى مَهْمَا أَعْيَانِى فِيهِ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّهُ لَنْ يُعْيِيَنِى عِنْدَ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ أَخْذِ مَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَ مَنْعِهِ مِنْ حَقِّهِ وَ وَضْعِهِ فِى غَيْرِ حَقِّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: اگر در هر زمان فرزند آدم مرا در چيزى عاجز كند در سه وقت نمى تواند مرا عاجز كند: به دست آوردن مال از راه غير مشروع ، حق مال را پرداخت نكردن ، مصرف آن در غير موردش .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِى نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّى رَسُولُ اللَّهِ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْراً قَالَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: چهار خصلت در هر كه باشد در نور بزرگ خداوندى است : هر كس ‍ كه نگهدارنده اش در مقابل گناه ؛ شهادت به يگانگى خدا و رسالت من باشد، هر كس كه گفتارش هنگام مصيبت (إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) باشد، كسى كه هنگام رسيدن نعمت گفتارش « الحمد للّه رب العالمين» باشد، كسى كه هنگام گناه ذكرش «استغفر اللّه و اتوب اليه» باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ لَهْفَاناً أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَزَباً أَوْ حَجَّ صَرُورَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند چهار كس را در روز رستاخيز مورد نظر قرار مى دهد:

كسى كه به فرياد ستمديده اى برسد، يا بنده اى را آزاد كند، يا بى زنى را زن بدهد، يا براى اوّلين بار به حجّ برود.

عَنْهُعليه‌السلام حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الْجِوَارِ وَ كَفُّ الْأَذَى وَ قِلَّةُ الصُّحْبَةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوش اخلاقى ، و خوشرفتارى كردن با همسايه ، و اذيّت نكردن مردم ، و كم سخن گفتن روزى را زياد مى كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ لَا يَخْلُو مِنْهُنَّ الْمُؤْمِنُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ وَ هِيَ أَيْسَرُهُنَّ وَ مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ عَدُوٌّ يُجَاهِدُهُ وَ شَيْطَانٌ يَفْتِنُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن از چهار چيز يا يكى از آنها در امان نيست : مؤمنى كه بر او حسد برد، و اين آسانترين آنهاست ، منافقى كه پى گير لغزشهاى او باشد، دشمنى كه به جنگ او بر خيزد، شيطانى كه گمراهش ‍ كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالعَيْشِ الصِّحَّةُ وَ الْأَمْنُ وَ الْغِنَى وَ الْقَنَاعَةُ وَ الْأَنِيسُ الْمُوَافِقُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه در او پنج خصلت نباشد از زندگى گوارائى بهره نمى جويد: سلامت بدن ، ايمنى ، بى نيازى ، قناعت ، رفيق و همدم موافق .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله خَمْسُ خِصَالٍ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهَا فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِى قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوا بِهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونُ وَ الْأَوْجَاعُ الَّتِى لَمْ تَكُنْ فِى أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَ لَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِلَّا أُخِذُوا بِالسِّنِينَ وَ شِدَّةِ الْمَئُونَةِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ وَ لَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مُنِعَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ فَلَوْ لَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمْطَرُوا وَ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ فَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِى أَيْدِيهِمْ وَ لَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر به پنج خصلت بر خورديد از آتش به خدا پناه ببريد: هرگز در مردمى زناكارى علنى پديد نيامد مگر آنكه طاعون و دردهاى گوناگونى كه در گذشتگانشان سابقه نداشت در بين آنها پديد آمد، و از پيمانه و ترازو كم نكردند جز اينكه به قحطى و سختى مخارج زندگى و ستم سلطان گرفتار شدند، و از دادن زكات منع نكردند مگر اينكه آمدن باران از آسمان بر آنها ممنوع گردد، و اگر به جهت چهار پايان نبود هيچ باران بر آنان نبارد، و پيمان خدا و رسولش را نشكستند جز اينكه خداوند دشمنانشان را بر ايشان چيره كند و برخى از اموالشان را بگيرند، و به غير آنچه خداى عزّ و جل نازل كرده حكم نكنند جز آنكه دچار كشمكش و ستيزه در ميان خود گردند و خداوند آنان را به خودشان واگذارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُعَذِّبُ سِتَّةً بِسِتَّةٍ الْعَرَبَ بِالْعَصَبِيَّةِ وَ الدَّهَاقِنَةَ بِالْكِبْرِ وَ الْأُمَرَاءَ بِالْجَوْرِ وَ الْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَ التُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَ أَهْلَ الرُّسْتَاقِ بِالْجَهْلِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: خداى تبارك و تعالى شش طايفه را براى داشتن شش خصلت عذاب خواهد فرمود: عرب را به تعصب نژادى ، كد خدايان را به تكبر و سرفرازى ، فرمانروايان را به ستم كردن ، فقيهان را به حسادت ورزيدن ، بازرگانان را به خيانت ، روستائيان را به نادانى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ سِتَّةُ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ الْمَعْرِفَةُ وَ الْجَهْلُ وَ الرِّضَا وَ الْغَضَبُ وَ النَّوْمُ وَ الْيَقَظَةُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شش چيز است كه از اختيار بندگان بيرون است : شناخت حق ، نادانى ، خوشنودى ، خشم ، خواب و بيدارى .

قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَوْصَانِى خَلِيلِى بِسَبْعِ خِصَالٍ لَا أَدَعُهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِى وَ لَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِى وَ أَنْ أُحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَ أَدْنُوَ مِنْهُمْ وَ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ مُرّاً وَ أَنْ أَصِلَ رَحِمِى وَ إِنْ كَانَتْ مُدْبِرَةً وَ أَنْ لَا أَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئاً وَ أَنْ أَقُولَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ

سلمان فارسى رحمه‌الله گويد: رفيقم (پيامبر) مرا به هفت خصلت سفارش نمود كه در هيچ حالى آنها را ترك نخواهم كرد: اينكه به زير دستم بنگرم ، و به بالا دستم ننگرم ، و اينكه فقيران را دوست بدارم و به آنها نزديك شوم ، و اينكه حق را بگويم اگر چه تلخ و ناگوار باشد، و صله رحم نمايم گرچه آنها به من پشت كرده باشند، و اينكه از مردم چيزى درخواست نكنم ، و اينكه هميشه ذكر «لا حول و لا قوّة الّا باللّه» را بگويم ، زيرا اين وصيتها از گنجهاى بهشتى است عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاةٌ الْعَبْدُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَ النَّاشِزَةُ وَ زَوْجُهَا سَاخِطٌ عَلَيْهَا وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ تَارِكُ الْوُضُوءِ وَ الْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَلِّى بِغَيْرِ خِمَارٍ وَ إِمَامُ قَوْمٍ يُصَلِّى بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ وَ الزِّنِّينُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الزِّنِّينُ قَالَ الرَّجُلُ الَّذِى يُدَافِعُ الْغَائِطَ وَ الْبَوْلَ وَ السَّكْرَانُ فَهَؤُلَاءِ ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاتُهُمْ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمود: هشت طايفه اند كه خداوند نماز آنان را نمى پذيرند: بنده فرارى تا زمانى كه نزد آقاى خود باز گردد، زنى كه به شوهر خود تمكين نكند و شوهر از او ناراضى باشد، كسى كه زكات نپردازد، آنكه وضو را ترك كند، دختر بالغى كه بدون روپوش نماز بخواند، امام جماعتى كه مأ مومينش خوشنود به امانت او نباشند، و زنين ، عرض كردند: اى رسول خدا! زنين چيست ؟ فرمود: كسى كه محصور به بول و غايط باشد و از انجام آن خوددارى نمايد، و ديگر هم مست ، كه از اين هشت طايفه نماز پذيرفته نمى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَصِفُ الْبَرْنِيَّ قَالَ هَذَا جَبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِى أَنَّ فِى تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ تُخَبِّلُ الشَّيْطَانَ وَ تُقَوِّى الظَّهْرَ وَ تَزِيدُ فِى الْمُبَاضَعَةِ وَ تَزِيدُ فِى السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ تُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ وَ تُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ تَهْضِمُ الطَّعَامَ وَ تَذْهَبُ بِالدَّاءِ وَ تُطَيِّبُ النَّكْهَةَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالى كه از «برنى» تعريف مى كردند نقل فرمود:

جبرئيل به من خبر داد كه در اين خرماى شما نه خصلت وجود دارد: دست شيطان را قطع مى كند، كمر را محكم مى گرداند، قدرت بر مجامعت را زياد مى نمايد، قوّت شنوايى و بينايى را زياد مى كند، انسان را به خدا نزديك مى كند، و از شيطان دور مى گرداند، و قضا را هضم مى كند، و درد را از بين مى برد، تنفس بينى را خوش بو مى نمايد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ النُّزْهَةُ فِى عَشَرَةٍ فِى الْمَشْيِ وَ الرُّكُوبِ وَ الِارْتِمَاسِ فِى الْمَاءِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسْنَاءِ وَ الْجِمَاعِ وَ السِّوَاكِ وَ غَسْلِ الْيَدَيْنِ بِالْخِطْمِيِّ فِى الْحَمَّامِ وَ غَيْرِ الْحَمَّامِ وَ مُحَادَثَةِ الرِّجَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نشاط و پاكيزگى در ده چيز است : در راه رفتن ، سوارى ، فرو رفتن در آب ، نگاه كردن به سبزه ، خوردن و آشاميدن ، به زن زيبا نگاه كردن ، نزديكى كردن با زن ، مسواك زدن ، شستن دو دست با خطمى در حمام و غير حمام ، با شخصيتها هم صحبت شدن .

عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِسْلَامُهُ وَ مُحِّصَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ مَنْ وَفَى لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ وَ صَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ وَ اسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ أَهْلِهِ

امام باقر عليه‌السلام از على بن الحسين عليه‌السلام نقل كردند كه فرمود: چهار چيز است كه هر كس داشته باشد اسلامش كامل و گناهانش پاك گردد، و پروردگارش را در حالى ملاقات كند كه از او خوشنود است : كسى كه به عهدش با مردم وفا نمايد، و زبانش با مردم راست باشد، از هر چه نزد خدا و مردم زشت است شرم كند، و با خانواده اش خوشرفتار باشد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَلْزَمُ أُمَّتِيَ الْحَقُّ فِى أَرْبَعٍ يُحِبُّونَ التَّائِبَ وَ يُعِينُونَ الْمُحْسِنَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ وَ يَدْعُونَ لِلْمَلَإِ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: امت مرا در چهار مورد حقى ثابت و لازم است : توبه كار را دوست بدارند، بر ناتوان دلسوزى كنند، مددكار نيكوكاران باشند، براى گنه كار دعا كنند.

عَنْ أَبِى كَهْمَسٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام سِتَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يُخَلِّفُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ قَلِيبٌ يَحْفِرُهُ وَ صَدَقَةٌ يُجْرِيهَا وَ سُنَّةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ

از امام صادق عليه‌السلام فرمود: شش چيز بعد از وفات مؤمن به او فايده دهد: فرزندى كه برايش طلب آمرزش كند، قرآنى كه به جاى گذارده ، درختى كه كاشته ، چاه آبى كه حفر نموده ، صدقه جاريه اى كه داده ، سنّت حسنه اى كه بعد از او به آن عمل شود.

## فصل دوازدهم : در عمل به سنت و معنى قرآن و ملحقات آن

الفصل الثانى عشر فى الا خذ بالسنة و معنى القرآن و ما يليق بهما

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ مَنْ خَالَفَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ فَقَدْ كَفَرَ

امام صادق عليه‌السلام مى فرمود: هر كس با سنت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله مخالفت كند كافر گشته .

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَعليه‌السلام إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وَ إِنْ قَلَّ

امام سجاد عليه‌السلام فرموده اند: بهترين عملها نزد خداوند آن است كه به سنّت عمل شود گرچه كم باشد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِى فِى اخْتِلَافِ أُمَّتِى كَانَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرده كه فرمود: هر كس در حل اختلاف امت من تمسك به سنت من كند پاداش صد شهيد را دارد.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فَقَالَ أَخْبِرْنِى عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الْجَمَاعَةِ وَ الْفِرْقَةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ وَ الْبِدْعَةُ مَا أُحْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا وَ الْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيراً

مردى خدمت امير المؤمنين عليه‌السلام آمد و عرض كرد معنى سنّت ، و بدعت ، و جماعت و تفرقه چيست ؟ امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: سنّت راه و روشى است كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مقرر فرموده ، و بدعت روشى است كه بعد از آن حضرت پيدا شده ، و جماعت آنانند كه به حق معتقدند اگر چه اندك باشند، و تفرقه پيروان باطلند اگر چه بسيار باشند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ خَالَفَ سُنَّةً فَقَدْ كَفَرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه سنتى را مخالفت كند به يقين كافر گشته .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام السُّنَّةُ سُنَّتَانِ سُنَّةٌ فِى فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا هُدًى وَ تَرْكُهَا ضَلَالَةٌ وَ سُنَّةٌ فِى غَيْرِ فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكُهَا غَيْرُ خَطِيئَةٍ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: سنت دو گونه است : سنتى است در واجب كه عمل به آن هدايت و تركش گمراهى است ، و سنتى است در غير واجب كه عمل به آن فضيلت و ترك آن گناه نيست .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فِى حَدِيثٍ لَهُ قَالَ كُلُّ مَنْ تَعَدَّى السُّنَّةَ رُدَّ إِلَى السُّنَّةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كه از سنت تجاوز كند به آن بازگشت داده مى شود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ شِرَّةٌ وَ فَتْرَةٌ مَنْ كَانَتْ فَتْرَتُهُ إِلَى سُنَّةٍ فَقَدِ اهْتَدَى وَ مَنْ كَانَتْ فَتْرَتُهُ إِلَى بِدْعَةٍ فَقَدْ غَوَى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هيچ فردى نيست مگر اينكه در او نشاط شديد و ضعف و سستى است ؛ پس هر كه سستى او به سوى سنت باشد هدايت شده ، و آنكه سستى او به سوى بدعت باشد گمراه گرديده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ السُّنَّةِ فَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر چيزى به سوى كتاب خدا و سنت برگردانده مى شود، هر حديثى كه موافق كتاب خدا نبود باطل است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْقَلْبَ يَتَقَلَّبُ مِنْ لَدُنْ مَوْضِعِهِ إِلَى حَنْجَرَتِهِ مَا لَمْ يُصِبِ الْحَقَّ فَإِذَا أَصَابَ الْحَقَّ قَرَّ ثُمَّ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَ قَرَأَ هَذِهِ الاْيَةَ فَمَنْ يُرِدِ اللّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: قلب از جاى خودش حركت مى كند و تا به حق نرسيده به حنجره مى رسد، هر گاه به حق رسيد آرام مى گيرد، سپس ‍ حضرت انگشتانش را جمع كرده و اين آيه را تلاوت فرمود: (هر كه را خداوند اراده كند كه هدايتش كند سينه اش را براى اسلام وسعت دهد، و هر كه را اراده كند كه گمراهش سازد سينه اش را تنگ و سخت مى كند).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ وَ كَيْفَ تُقَاسُ السُّنَّةُ وَ الْحَائِضُ تَقْضِى الصِّيَامَ وَ لَا تَقْضِى الصَّلَاةَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سنت قياس نمى شود، چگونه سنت قياس ‍ شود در حالى كه زن حائض روزه اش را قضا مى كند و نمازش را قضا نمى كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُوراً فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ سُنَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَاتْرُكُوهُ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از على عليه‌السلام نقل كند كه فرمود: براى هر امر حقّى حقيقتى است ، و بر سر هر امر درستى نورى موجود است ، به آنچه موافق قرآن است عمل كنيد و آنچه را مخالف سنت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است تركش نمائيد.

وَ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً حَدَّثَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَمْ يَكْذِبْ فَأَحْجَمَ النَّاسَ عَنْهُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنِّى سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ إِذَا أَتَاكُمُ الْحَدِيثُ مُتَجَاوِباً مُتَفَاوِتاً فَمَا يُكَذِّبُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَلَيْسَ مِنِّى وَ لَمْ أَقُلْهُ وَ إِنْ قِيلَ قَدْ قَالَهُ وَ إِذَا أَتَاكُمُ الْحَدِيثُ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَهُوَ مِنِّى وَ أَنَا قُلْتُهُ وَ مَنْ رَآنِى مَيِّتاً كَمَنْ رَآنِى حَيّاً وَ مَنْ زَارَنِى فَكُنْتُ لَهُ شَاهِداً وَ شَهِيداً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند رحمت كند كسى را كه از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله حديث نقل كند و آن را تكذيب نكند، كه مردم از او كناره بگيرند.

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: هر گاه حديثى براى شما خوانده شد كه بسيار كمياب و مختلف در عبارت بود، به اندازه اى كه بخشى از آن بخش ديگر را تكذيب كند، [ يعنى متناقض باشد]از من نيست ، و من آن را نگفته ام ، گرچه گفته شود او گفته .

و هر گاه حديثى نزد شما آوردند كه بعض آن بعض ديگر را تصديق مى نمود، آن حديث از من است و من آن را گفته ام ، و هر كس هم مرا در زمان مرگم ببيند، مثل اين است كه مرا در زمان حياتم ديده ، و هر كه مرا زيارت كند من شاهد او هستم و روز قيامت برايش شهادت مى دهم .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ يَا مُحَمَّدُ مَا جَاءَتْكَ مِنْ رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَخُذْ بِهَا وَ مَا جَاءَتْكَ مِنْ رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذْ بِهَا

امام صادق عليه‌السلام به محمّد بن مسلم فرمود: اى محمد! هر روايتى كه نزد تو آوردند چه از شخص درستكار باشد و چه بدكار اگر با قرآن موافق بود به آن عمل كن ، و روايتى را كه نزد تو آوردند كه چه از شخص درستكار باشد چه بدكار اگر مخالف قرآن بود به آن عمل نكن .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام فِى خَبَرٍ طَوِيلٍ فِى تَفْسِيرِ المص فِى رِوَايَةِ لَبِيدٍ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ كِتَابَ اللَّهِ مُبْهَمٌ فَقَدْ هَلَكَ ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ الْأَلِفُ وَاحِدَةٌ وَ اللَّامُ ثَلَاثُونَ وَ الْمِيمُ أَرْبَعُونَ وَ الصَّادُ تِسْعُونَ فَقُلْتُ هَذِهِ إِحْدَى وَ سِتُّونَ وَ مِائَةٌ فَقَالَ يَا لَبِيدُ إِذَا دَخَلْتَ سَنَةَ إِحْدَى وَ سِتِّينَ وَ مِائَةٍ سَلَبَ اللَّهُ قَوْماً سُلْطَانَهُمْ

امام باقر عليه‌السلام ضمن حديثى طولانى در تفسير (المص) در روايت لبيد فرمود: هر كه گمان كند كه كتاب خداوند ابهام دارد هلاك شده ، سپس ‍ كمى صبر كرد و فرمود: الف يك است ، لام سى است ، و ميم چهل است ، و صاد نود. پرسيدم : اين عدد صد و شصت و يك است ، فرمود: اى لبيد! هر گاه داخل سال صد و شصت و يك شدى خداوند سلطنت قومى را مى گيرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِلْقُرْآنِ حُدُوداً كَحُدُودِ الدَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قرآن همانند حدود خانه حدود دارد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَوْمٌ لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ مَا كُنْتَ صَانِعاً بِمَنْ وَجَدْتَهُ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ قَالَ كُنْتُ وَ اللَّهِ ضَارِباً رَقَبَتَهُ بِالسَّيْفِ قَالَ فَخَرَجَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا سَعْدُ مَنْ هَذَا الَّذِى كُنْتَ ضَارِبَهُ بِالسَّيْفِ فَأُخْبِرَ النَّبِيُّ بِخَبَرِهِمْ وَ مَا قَالَ سَعْدٌ قَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ فَأَيْنَ الشُّهُودُ الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ رَأْيِ عَيْنِى وَ عِلْمِ اللَّهِ فِيهِ أَنَّهُ فَعَلَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَ عِلْمِ اللَّهِ بِأَنَّهُ قَدْ فَعَلَهُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدّاً وَ جَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى حَدّاً مِنْ حُدُودِ اللَّهِ حَدّاً وَ جَعَلَ مَا دُونَ الْأَرْبَعَةِ الشُّهَدَاءِ مَسْتُوراً عَلَى الْمُسْلِمِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جمعى از صحابه به سعد بن عباده گفتند: اگر كسى را روى شكم زنت ببينى چه مى كنى ؟ گفت : به خدا قسم گردنش را با شمشير قطع مى كنم ، امام فرمود:

در اين هنگام پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به آنها رسيد و فرمود: اى سعد! اين چه كسى است كه مى خواهى با شمشير او را بكشى ؟ پيامبر را از جريان و آنچه سعد گفته بود با خبر كردند، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى سعد! چهار شاهد كه خداوند عزّ و جل فرموده كجايند؟ گفت : اى رسول خدا! جلوى چشم من اين كار را انجام داده ، و خدا هم به آن آگاه است ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى سعد! حتى بعد از ديدن تو و علم خدا به اينكه او انجام داده ، خداوند براى هر چيزى حدّى قرار داده و براى كسى كه حدّى از حدود خدا را تجاوز كند حدى قرار داده ، و آنچه دور از چشم چهار شاهد انجام بگيرد، نبايد بين مسلمين پخش گردد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَصْلِ الْإِسْلَامِ وَ فَرْعِهِ وَ ذِرْوَةِ سَنَامِهِ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَصْلُهُ الصَّلَاةُ وَ فَرْعُهُ الزَّكَاةُ وَ ذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَ لَا أُخْبِرُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ تَحُطُّ الْخَطِيئَةَ وَ قِيَامُ الرَّجُلِ فِى جَوْفِ اللَّيْلِ يُنَاجِى رَبَّهُ ثُمَّ تَلَا تَتَجافى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آيا مى خواهى كه اصل و فرع و احكام عاليه اسلام را به شما خبر دهم ؟ گفتم : بلى ، فرمود: اصلش نماز و فرعش ‍ زكات و بالاترين كنگره اش جهاد در راه خداست ، آيا نمى خواهى تو را به درهاى خير خبر دهم ؟ روزه سپر آتش دوزخ است ، و صدقه گناه را مى زدايد، و شب زنده دارى مرد در دل شب در حالى كه مشغول مناجات با پروردگارش مى باشد، سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (پهلوهايشان از بستر خواب دورى گزيند، پروردگارشان را در حال ترس و طمع مى خوانند، و از آنچه به آنها روزى كرده ايم انفاق مى كنند).

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جهاد بهترين عبادات بعد از واجبات است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْخَيْرُ كُلُّهُ فِى السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: تمام خير در شمشير و زير سايه شمشير است ، و مردم به راه راست جلب نگردند مگر با شمشير، و شمشيرها كليدهاى بهشت و دوزخند.

## فصل سيزدهم : در دورى كردن از محرمات و مشابه به آنها

الفصل الثالث عشر فى اجتناب المحارم و ما يشبهها

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَيْسَ بِوَلِيٍّ لِى مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَاماً

امام صادق عليه‌السلام بنقل از امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: كسى كه مال مؤمنى را به صورت حرام بخورد دوست من نيست .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَوْ حَلَفَ الرَّجُلُ أَنْ لَا يَحُكَّ أَنْفَهُ بِالْحَائِطِ لَابْتَلَاهُ اللَّهُ حَتَّى يَحُكَّ أَنْفَهُ بِالْحَائِطِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر مرد قسم بخورد كه بينى اش را با ديوار نخاراند، خداوند او را مبتلا مى كند به اينكه بينى اش را با ديوار بخاراند.

عَنْهُعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُهُ وَ يَفْعَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيَحْجُزُهُ عَنْ ذَلِكَ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِى خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوى

امام صادق عليه‌السلام در باره قول خداى عزّ و جل : (و براى كسى كه از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت است)، فرمود: كسى كه بداند، و همين دانستن او را از كارهاى زشت باز دارد، كسى است كه از مقام پروردگارش ‍ ترسيده و ضمير خويش از هوس باز داشته است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرَ ثَلَاثٍ عَيْنٌ سَهِرَتْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر چشمى روز قيامت گريانست ، بجز سه چشم : چشمى كه در راه خدا شب را بيدار باشد، و چشمى كه از ترس خدا گريان شود، و چشمى كه از محرمات خدا بسته شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَا يُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا يَغْفِرُ اللَّهُ مِنْهُ أَكْثَرُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مصيبتى به بنده نمى رسد مگر به سبب گناه ، ولى آمرزش خداوند نسبت به او بيشتر است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الْعَبْدَ لَيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَ إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى إِخْوَانِهِ وَ أَزْوَاجِهِ فِى الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از على عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود:

گاهى بنده براى يك گناهش صد سال (روز قيامت) حبس مى شود، و او به حسرت با برادران و همسرانش در بهشت نگاه مى كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنّا بَلَوْناهُمْ كَما بَلَوْنا أَصْحابَ الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: گناه مانع رسيدن روزى به بنده مى شود، و اين اشاره به قول خداوند عزّ و جل است كه : (ما آنان را به سختى آزموديم چنان كه باغداران را آزموديم).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْخَطَايَا تَحْظُرُ الرِّزْقَ عَلَى الْمُسْلِمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: گناهان مانع رسيدن روزى به انسان مسلمان مى شوند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَفَيَكُونُ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ وَقْتٍ بَطِى ءٍ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْباً فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَكِ لَا تُنْجِزْ لَهُ حَاجَتَهُ وَ احْرِمْهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ قَدْ تَعَرَّضَ لِسَخَطِى وَ اسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّى

حضرت باقر عليه‌السلام فرمود: بنده از خدا حاجتى مى خواهد كه اقتضا دارد زود يا دير بر آورده شود، سپس آن بنده گناهى را مرتكب مى شود و خداى تبارك و تعالى به فرشته اى مى فرمايد: حاجتش را روا مكن و او را از آن محروم دار، زيرا او در معرض خشم من در آمد و سزاوار محروميت من گشت .

عَنْ أَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام سَأَلَهُ عَنِ الْكَبَائِرِ كَمْ هِيَ وَ مَا هِيَ فَكَتَبَ الْكَبَائِرُ مَنِ اجْتَنَبَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ كَفَّرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِناً وَ السَّبْعُ الْمُوجِبَاتُ قَتْلُ النَّفْسِ الْحَرَامِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ

از امام موسى بن جعفر عليه‌السلام در مورد گناه كبيره پرسيدند كه چند تا و چيست ؟ حضرت نوشت : كبائر آن است كه بنده از آنچه خدا بر آن وعده دوزخ داده دورى كند، و اگر مؤمن باشد گناهانش بر او پوشيده شود، و هفت گناهى كه موجب دوزخ مى شود: كشتن نفس محترمه ، عقوق والدين ، رباخوارى ، مهاجرت از محيط اسلامى ، متهم ساختن زنان پارسا به زنا، خوردن مال يتيم ، فرار از جهاد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا الَّتِى لَا تُغْفَرُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْمُحَقَّرَاتُ مِنَ الذُّنُوبِ قَالَ الرَّجُلُ يُذْنِبُ فَيَقُولُ طُوبَى لِى لَوْ لَمْ يَكُنْ لِى غَيْرُ ذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از محقرات بپرهيزيد كه آمرزيده نشوند، عرض كردم : گناهان محقر چيست ؟ فرمود: اين است كه مرد گناه كند و بگويد: خوشا به حال من اگر غير از اين گناه نداشته باشم .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَرَّ عَلَى قَوْمٍ وَ قَدْ نَصَبُوا دَجَاجَةً وَ هُمْ يَرْمُونَهَا فَقَالَ مَنْ هَؤُلَاءِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از كنار گروهى مى گذشتند كه مرغى را قرار داده بودند و به آن سنگ مى زدند، فرمود: اينها كيستند خدا لعنتشان كند؟

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَ هُوَ مِنْهُ مُسْتَغْفِرٌ كَالْمُسْتَهْزِئِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آنكه در گناه بماند و از گناهش آمرزش ‍ بخواهد مانند مسخره چى است .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الِاسْتِغْفَارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با اصرار بر گناه ، صغيره نباشد، و با استغفار،كبيره نباشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَرَّ بِقَوْمٍ يَبْكُونَ قَالَ مَا يُبْكِى هَؤُلَاءِ قِيلَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ قَالَ دَعُوهَا يُغْفَرْ لَكُمْ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش نقل كند كه فرمود: حضرت عيسى بن مريم عليهم‌السلام از كنار جمعى مى گذشت كه گريه مى كردند، فرمود: چه چيز اينها را به گريه انداخته ؟ گفته شد: از گناهانشان است ، فرمود: گريه را رها كنيد، آمرزيده مى شويد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ كَانَ غُلَامٌ مِنَ الْيَهُودِ يَأْتِى رَسُولَ اللَّهِ كَثِيراً حَتَّى اسْتَخَفَّهُ وَ رُبَّمَا أَرْسَلَهُ فِى حَاجَةٍ وَ رُبَّمَا كَتَبَ لَهُ الْكِتَابَ إِلَى قَوْمٍ فَافْتَقَدَهُ أَيَّاماً فَسَأَلَ عَنْهُ فَقَالَ قَائِلٌ تَرَكْتُهُ فِى آخِرِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا فَأَتَاهُ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله فِى نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ كَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله بَرَكَةً لَا يَكَادُ يُكَلِّمُ أَحَداً إِلَّا أَجَابَهُ فَقَالَ يَا فُلَانُ فَفَتَحَ عَيْنَهُ فَقَالَ لَبَّيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ فَقَالَ اشْهَدْ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّى رَسُولُ اللَّهِ فَنَظَرَ الْغُلَامُ إِلَى أَبِيهِ فَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئاً ثُمَّ نَادَاهُ رَسُولُ اللَّهُ الثَّانِيَةَ وَ قَالَ لَهُ مِثْلَ قَوْلِهِ الْأَوَّلِ فَالْتَفَتَ الْغُلَامُ إِلَى أَبِيهِ فَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئاً ثُمَّ نَادَاهُ رَسُولُ اللَّهُ الثَّالِثَةَ فَالْتَفَتَ الْغُلَامُ إِلَى أَبِيهِ فَقَالَ أَبُوهُ إِنْ شِئْتَ فَقُلْ وَ إِنْ شِئْتَ فَلَا فَقَالَ الْغُلَامُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ مَاتَ مَكَانَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِأَبِيهِ اخْرُجْ عَنَّا ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ غَسِّلُوهُ وَ كَفِّنُوهُ وَ ائْتُونِى بِهِ أُصَلِّى عَلَيْهِ ثُمَّ خَرَجَ وَ هُوَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَنْجَى بِيَ الْيَوْمَ نَسَمَةً مِنَ النَّارِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: جوانى يهودى زياد نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى آمد تا حدى كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله او را تند و تيز يافت ، گاهى او را براى كارى مى فرستاد، و گاهى به همراه نامه اى به سوى قومى مى فرستاد، تا اينكه چند روزى او را نديد، از او سراغ گرفت ، كسى به ايشان عرض كرد: در يكى از آخرين روزهاى عمرش او را ملاقات كردم ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به همراه عدّه اى از يارانش به ديدن او رفت ، پيامبر بركتى بود كه هرگز با كسى صحبت نمى كرد مگر اينكه جوابش را مى داد، سپس فرمود: اى جوان ، جوان چشمانش را گشود، و گفت : لبيك اى ابا القاسم ، فرمود: بگو شهادت مى دهم به وحدانيت خدا و اينكه من محمد رسول خدايم ، جوان نگاهى به پدرش كرد و چيزى نگفت ، سپس ‍ براى مرتبه دوم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله او را صدا زد و آنچه را در مرتبه اول به او گفته بود فرمود، جوان متوجه پدرش شد و چيزى نگفت ، براى مرتبه سوم پيامبر او را صدا زد، جوان به طرف پدرش متوجه شد، پدرش گفت : اگر مى خواهى بگو و اگر نمى خواهى نگو، غلام گفت : «أ شهد أ ن لا اله الّا اللّه و أ نك رسول اللّه» و در همان جا مرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به پدرش فرمود: شما بيرون برويد، سپس به يارانش فرمود: او را غسل دهيد و كفن كنيد و با من بياييد تا بر او نماز بخوانيم ، سپس در حالى كه خارج مى شد مى فرمود: سپاس خداوندى را كه به وسيله من بنده اى را امروز از آتش جهنم رهايى بخشيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى لَا أُخْرِجُ عَبْداً مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا إِمَّا بِسُقْمٍ فِى جَسَدِهِ أَوْ بِضِيقٍ فِى رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِخَوْفٍ فِى دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى لَا أُخْرِجُ عَبْداً مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أُعَذِّبَهُ حَتَّى أُوَفِّيَهُ حَسَنَةً عَمِلَهَا إِمَّا بِسَعَةٍ فِى رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِصِحَّةٍ فِي جَسَدِهِ وَ إِمَّا بِأَمْنٍ فِى دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنْتُ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتَ

امام صادق عليه‌السلام از پدرش از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كنند كه فرمود:

خداى عزّ و جلّ فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، بنده اى كه مورد رحمت من قرار گيرد از دنيا بيرون نبرم تا اينكه هر گناهى كه كرده به وسيله عملش به او عوضش را بدهم ، يا به وسيله بيمارى در تنش ، يا به تنگى در روزيش ، يا با ترس و هراس در دنيايش ، و اگر هم گناهى باقى بماند مرگ را بر او سخت كنم . و قسم به عزّت و جلالم ، بنده اى را كه مى خواهم عذاب كنم از دنيا بيرون نبرم تا عوض هر كار نيكى را كه انجام داده به او بدهم ، يا به گشايش در روزيش ، يا به سلامت در تنش ، يا به آسودگى خاطر در دنيايش ، و اگر باز هم گناهى باقى ماند مرگ را بر او آسان نمايم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْداً وَ لَهُ ذَنْبٌ ابْتَلَاهُ بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ ابْتَلَاهُ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ قَالَ وَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهِينَ عَبْداً وَ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ صَحَّحَ بَدَنَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ وَسَّعَ لَهُ فِى رِزْقِهِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: چون خداى عزّ و جل خواهد كه بنده اى را كه داراى گناهى است اكرام كند او را به بيمارى مبتلا مى كند، و اگر اين كار را نكند به نيازمندى مبتلايش مى كند، و اگر اين كار را نكند مرگ را بر او سخت گرداند تا بدان واسطه گناهش را جبران كند.

فرمود: و چون بخواهد بنده اى را كه حسنه اى در نزدش دارد خوار سازد تنش را سالم كند، و اگر اين كار را نكند روزيش را گشايش دهد، و اگر آن را هم در باره اش انجام ندهد مرگ را بر او آسان كند تا بدان سبب در عوض آن حسنه او را پاداش دهد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَعَمِلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْراً وَ مَنْ هَمَّ بِهَا وَ لَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ وَاحِدَةً وَ مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ عَمِلَهَا كُتِبَ عَلَيْهِ وَاحِدَةٌ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: هر كه آهنگ كار نيكى كند و آن كار را انجام دهد خداوند براى او ده حسنه مى نويسد، و هر كس آهنگ كار نيكى كند و آن را انجام ندهد خداوند برايش يك حسنه منظور كند، و هر كه آهنگ كار بد كند و آن را انجام ندهد بر او نوشته نشود، و اگر آن را انجام داد يك گناه بر او نوشته شود.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ الْمُتَسَتِّرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَ الْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُتَسَتِّرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ

حضرت رضا عليه‌السلام فرمود: پنهان كننده كار نيك هفتاد حسنه دارد، و آشكاركننده كار بد بى پناه و ناتوان است ، و پنهان كننده كار بد آمرزيده است .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَذْنَبَ ذَنْباً وَ هُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: كسى كه گناهى انجام دهد و خندان باشد داخل دوزخ شود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّةِ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هيچ عبادتى نزد خدا بهتر از حفظ شكم و عورت نيست .

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الِاجْتِهَادِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ

امام زين العابدين عليه‌السلام فرمود: بهترين جهاد حفظ شكم و عورت است .

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنِّى رَجُلٌ ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَ لَكِنِّى أَرْجُو أَنْ لَا آكُلَ إِلَّا حَلَالًا وَ لَا أَنْكَحَ إِلَّا حَلَالًا قَالَ فَقَالَ أَيُّ الِاجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِفَّةِ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ

مردى به امام باقر عليه‌السلام عرض كرد: من عملم ضعيف و روزه ام اندك است ، ولى اميدوارم جز حلال نخورم ، و جز با حلال ازدواج نكنم ، فرمود: چه كوششى از عفت شكم و عورت برتر است ؟

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يُهِمَّهُ إِلَّا بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دورترين حالى كه بنده از خداوند دارد اين است كه اندوهى جز براى شكم و فرج نداشته باشد.

عَنْ أَبِى جَمِيلَةَ عَنِ الصَّادِقِ أَوِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ هُوَ يُصِيبُ حَظّاً مِنَ الزِّنَاءِ فَزِنَى الْعَيْنَيْنِ النَّظَرُ وَ زِنَى الْفَمِ القبل الْقُبْلَةُ وَ زِنَى الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ صَدَّقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَمْ كَذَّبَ

امام صادق عليه‌السلام يا امام باقر عليه‌السلام فرمود: هيچ كسى از زنا مصون نيست و هر كس بهره اى از آن دارد؛ زيرا زناى دو چشم به ديدن است ، و زناى دهان به بوسيدن ، و زناى دو دست به لمس كردن ، چه اين را فرج تصديق كند و چه تكذيب نمايد.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِه

امام كاظم عليه‌السلام به يكى از فرزندانش فرمود: اى پسركم ! كوشا باش ، مبادا خودت را در عبادت و طاعت خداوند بى تقصير بدانى ، زيرا خدا چنان كه شايسته اوست ستايش نشود.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَ التَّقْصِيرِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى جابر! خدا تو را از كاستى و كوتاهى بيرون نبرد.

## فصل چهاردهم : در حقوق پدر و مادر و نيكى به آنها

الفصل الرابع عشر فى حقوق الوالدين و برهما

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَعْظَمُ حَقّاً عَلَى الرَّجُلِ قَالَ وَالِدَاهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: چه كسى بيشتر از همه بر مردم حق دارد؟ فرمود: پدر و مادرش .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ بَارّاً بِوَالِدَيْهِ وَ هُمَا حَيَّانِ فَإِذَا مَاتَا وَ لَمْ يَسْتَغْفِرْ لَهُمَا كُتِبَ عَاقّاً لَهُمَا وَ إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَاقّاً لَهُمَا فِى حَيَاتِهِمَا فَإِذَا مَاتَا وَ أَكْثَرَ الِاسْتِغْفَارَ لَهُمَا فَكُتِبَ بَارّاً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اگر مرد نسبت به پدر و مادرش در زمان حياتشان نيكى كند، و هنگامى كه مردند بر ايشان طلب آمرزش نكرد، در نامه عملش عاق والدين نوشته شود، و اگر مردى كه در زمان حياتشان عاق والدين بوده ، و هنگامى كه مردند بر ايشان استغفار زياد كرد در نامه عملش ‍ جزء نيكوكاران محسوب شود.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ قَالَ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَ لَا يَمْشِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا يَسْتَسِبُّ لَهُ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: حق پدر بر فرزندش چيست ؟ فرمود:

او را به نامش نخواند، و جلويش راه نرود، و قبل از او ننشيند، و باعث دشنام به او نشود.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ لَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبَرَّ وَالِدَيْهِ حَيَّيْنِ وَ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَ يَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَ يَحُجَّ عَنْهُمَا وَ يَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِى صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدَهُ اللَّهُ بِبِرِّهِ وَ صِلَتِهِ خَيْراً كَثِيراً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نبايد چيزى مانع نيكى كردن فردى از شما به پدر و مادرش شود؛ زنده باشند يا مرده ، از جانب آنها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گزارد، و روزه بگيرد، تا آنچه كرده ثوابش از آنها باشد، و مانند آن هم براى خود او، تا خداوند به وسيله احسان و صله او خير و فراوانى برايش زياد كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِى فَقَالَ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئاً وَ إِنْ حُرِّقْتَ بِالنَّارِ وَ عُذِّبْتَ إِلَّا وَ قَلْبُكَ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ وَالِدَيْكَ فَأَطْعِمْهُمَا وَ بَرَّهُمَا حَيَّيْنِ كَانَا أَوْ مَيِّتَيْنِ وَ إِنْ أَمَرَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض كرد: اى رسول خدا! مرا سفارشى كن ، فرمود: هيچ چيزى را با خدا شريك مدان ، گرچه با آتش سوزانده شوى و شكنجه شوى ، همواره دلت به ايمان محكم باشد، و پدر و مادرت را فرمانبر و با آنها نيكى كن ، زنده باشند يا مرده ، و اگر دستور دادند كه خاندان و مالت را كنار گذارى اين كار را بكن كه از ايمان است .

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِ الرِّضَاعليه‌السلام أَدْعُو لِلْوَالِدَيْنِ إِذَا كَانَا لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَقَالَ ادْعُ لَهُمَا وَ تَصَدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَا حَيَّيْنِ لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَدَارِهِمَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِى بِالرَّحْمَةِ لَا بِالْعُقُوقِ

معمر بن خلّاد گويد: به امام رضا عليه‌السلام عرض كردم : براى پدر و مادرم كه مذهب حق را نشناسند دعا كنم ؟ فرمود: بر ايشان دعا كن و از جانب آنها صدقه بده ، و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند باز هم با آنها مدارا كن ، زيرا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند مرا به رحمت مبعوث گردانده نه به بى مهرى و نافرمانى .

عَنِ الصَّادِقِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَنْ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ ابْرَرْ أُمَّكَ ابْرَرْ أُمَّكَ ابْرَرْ أُمَّكَ ابْرَرْ أَبَاكَ ابْرَرْ أَبَاكَ ابْرَرْ أَبَاكَ وَ بَدَأَ بِالْأُمِّ قَبْلَ الْأَبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و از آن حضرت در باره خوشرفتارى با پدر و مادر پرسيد، حضرت فرمود: با مادرت خوشرفتارى كن ، با مادرت خوشرفتارى كن ، با مادرت خوشرفتارى كن ، با پدرت خوشرفتارى كن ، با پدرت خوشرفتارى كن ، با پدرت خوشرفتارى كن ، و مادر را قبل از پدر ذكر فرموده .

عَنْ مُهَنَّى بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قُلْتُ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أ برر أَبَرُّ قَالَ أُمَّكَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمَّكَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمَّكَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبَاكَ ثُمَّ الْأَقْرَبَ فَالْأَقْرَبَ

مهنى بن حكيم از پدرانش نقل كند كه گويد: از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسيدم : اى رسول خدا! به كه احسان كنم ؟ فرمود: به مادرت ، گفتم : سپس ‍ به كه ؟ فرمود: به مادرت ، گفتم : سپس به چه كسى ؟ فرمود: سپس مادرت ، گفتم : سپس چه كسى ؟ فرمود: پدرت ، بعد از او هر كه نزديكتر باشد.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ كُنْتُ نَصْرَانِيّاً فَأَسْلَمْتُ وَ حَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قُلْتُ لَهُ إِنِّى كُنْتُ عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَ إِنِّى أَسْلَمْتُ فَقَالَ وَ أَيَّ شَيْءٍ رَأَيْتَ فِى الْإِسْلَامِ قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ما كُنْتَ تَدْرِى مَا الْكِتابُ وَ لَا الْإِيمانُ وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِى بِهِ مَنْ نَشاءُ فَقَالَ لَقَدْ هَدَاكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اهْدِهِ ثَلَاثاً سَلْ عَمَّا شِئْتَ يَا بُنَيَّ فَقُلْتُ إِنَّ أَبِى وَ أُمِّى وَ أَهْلَ بَيْتِى عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَ أُمِّى مَكْفُوفَةُ الْبَصَرِ فَأَكُونُ مَعَهُمْ وَ آكُلُ فِى بَيْتِهِمْ فَقَالَ يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ فَقُلْتُ لَا وَ لَا يَمَسُّونَهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ وَ انْظُرْ أُمَّكَ فَبَرَّهَا وَ إِذَا مَاتَتْ فَلَا تَكِلْهَا إِلَى غَيْرِكَ كُنْ أَنْتَ الَّذِى تَقُومُ بِشَأْنِهَا وَ لَا تُخْبِرَنَّ أَحَداً أَنَّكَ أَتَيْتَنِى وَ ائْتِنِى بِمِنًى إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَأَتَيْتُهُ بِمِنًى وَ النَّاسُ حَوْلَهُ كَأَنَّهُ مُعَلِّمُ صِبْيَانٍ هَذَا يَسْأَلُهُ وَ هَذَا يَسْأَلُهُ فَلَمَّا قَدِمْتُ الْكُوفَةَ أَلْطَفْتُ لِأُمِّى وَ كُنْتُ أُطْعِمُهَا وَ أَفْلِي ثَوْبَهَا وَ قِنَاعَهَا وَ أَخْدُمُهَا قَالَتْ لِى يَا بُنَيَّ كُنْتَ مَا تَصْنَعُ بِى هَذَا وَ أَنْتَ عَلَى دِينِى فَمَا الَّذِى أَرَى مِنْكَ مُنْذُ هَاجَرْتَ فَدَخَلْتَ فِى الْحَنِيفِيَّةِ فَقُلْتُ لَهَا رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ نَبِيِّنَا أَمَرَنِى بِهَذَا فَقَالَتْ هَذَا الرَّجُلُ هُوَ نَبِيٌّ فَقُلْتُ لَا وَ لَكِنَّهُ ابْنُ نَبِيٍّ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ إِنَّ هَذِهِ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ فَقُلْتُ يَا أُمَّهْ لَيْسَ يَكُونُ بَعْدَ نَبِيِّنَا نَبِيٌّ وَ لَكِنَّهُ ابْنُهُ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ دِينُكَ خَيْرُ دِينٍ فَاعْرِضْهُ عَلَيَّ فَعَرَضْتُهُ عَلَيْهَا فَدَخَلَتْ فِى الْإِسْلَامِ وَ عَلَّمْتُهَا الصَّلَاةَ فَصَلَّتِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الاْخِرَةَ ثُمَّ عَرَضَ لَهَا عَارِضٌ فِى اللَّيْلِ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ أَعِدْ عَلَيَّ مَا عَلَّمْتَنِى مِنْ دِينِكَ فَأَعَدْتُهُ عَلَيْهَا فَأَقَرَّتْ بِهِ وَ مَاتَتْ فَلَمَّا أَصْبَحَتْ كَانَ الْمُسْلِمُونَ الَّذِينَ غَسَّلُوهَا وَ كَفَّنْتُهَا وَ صَلَّيْتُ عَلَيْهَا وَ نَزَلْتُ فِى قَبْرِهَا

زكريا بن ابراهيم گويد: من نصرانى بودم و مسلمان شدم و حج گزاردم ، سپس خدمت امام صادق عليه‌السلام رسيدم و عرض كردم : من نصرانى بودم و مسلمان شدم ، فرمود: از اسلام چه ديدى ؟ گفتم : قول خداى عزّ و جل (نمى دانستى كتاب و ايمان چيست ولى ما آن را نورى قرار داديم كه هر كه را بخواهيم بدان هدايت كنيم)، فرمود: محقّقا خدا تو را هدايت فرموده است ، آنگاه سه مرتبه فرمود: خدايا هدايتش فرما، پسر جان هر چه خواهى بپرس ، عرض كردم : پدر و مادر و خانواده من نصرانى هستند و مادرم نابيناست ، من با آنها باشم و در ظرف آنها غذا بخورم ؟ فرمود: آنها گوشت خوك مى خورند؟ عرض كردم : نه ، با آن تماس هم نمى گيرند، فرمود: مانعى ندارد، مواظب مادرت باش و با او خوشرفتارى كن ، و چون بميرد او را به ديگرى وامگذار، خودت به كارش اقدام كن ، و به كسى نگو كه نزد من آمده اى ، تا در منى پيش من آيى ، ان شاء اللّه .

زكريا گويد: من در منى خدمتش رفتم در حالى كه مردم گردش را گرفته بودند، و او مانند معلم كودكان بود كه گاهى اين و گاهى آن از او سؤ ال مى كرد، سپس چون به كوفه رفتم نسبت به مادرم مهربانى كردم ، و خودم به او غذا مى دادم ، و جامه و سرش را از كثافت پاك مى كردم و خدمتگزارش ‍ بودم ، مادرم به من گفت : پسر جان ! تو زمانى كه دين مرا داشتى با من چنين رفتارى نمى كردى ، اين چه رفتار است كه از تو مى بينم ، از زمانى كه از دين ما رفته اى و به دين حنفيه گرويده اى ؟ به مادرم گفتم : مردى از فرزندان پيغمبر ما به من چنين دستور داده ، مادرم گفت : آن مرد پيغمبر است ؟ گفتم : نه بلكه پسر يكى از پيغمبرانست ، مادرم گفت : پسر جان اين مرد پيغمبر است ، زيرا دستورى كه به تو داده از سفارشات پيغمبرانست ، گفتم : مادر! بعد از پيغمبر ما پيغمبرى نباشد و او پسر پيغمبر است ، مادرم گفت : دين تو بهترين دين است ، آن را بر من عرضه كن ، من به او عرضه داشتم و او مسلمان شد، و من هم نماز را به او آموختم ، او هم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، سپس در شب ؛ بيمارى بر او عارض شد، به من گفت : پسر جان ! آنچه به من آموختى دوباره بياموز، من آنها را تكرار كردم ، مادرم اقرار كرد و از دنيا رفت ، چون صبح شد مسلمانها غسلش دادند و كفنش كردند و خودم بر او نماز خواندم و در گورش گذاشتم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ إِسْمَاعِيلُ فَقَالَ كُنْتُ أُحِبُّهُ فَقَدِ ازْدَدْتُ لَهُ حُبّاً إِنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَتَتْهُ أُخْتٌ لَهُ مِنَ الرَّضَاعَةِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا وَ بَسَطَ لَهَا مِلْحَفَتَهُ فَأَجْلَسَهَا عَلَيْهَا ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَدِّثُهَا وَ يَضْحَكُ فِى وَجْهِهَا ثُمَّ قَامَتْ فَذَهَبَتْ وَ جَاءَ أَخُوهَا فَلَمْ يَصْنَعْ بِهِ مَا صَنَعَ بِهَا فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ بِأُخْتِهِ مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ وَ هُوَ رَجُلٌ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ أَبَرَّ بِأَبَوَيْهَا مِنْهُ

عمّار بن حيان گويد: به امام صادق عليه‌السلام خبر دادم كه پسرم اسماعيل نسبت به من خوشرفتار است ، فرمود: من هم او را دوست داشتم و اكنون دوستيم به او افزون گشت ، خواهر رضاعى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نزد آن حضرت آمد، چون او را ديد شادمان گشت و روپوش خود را براى او گسترد، و او را روى آن نشانيد، سپس به او رو كرد و با او به گفتگو پرداخت و تبسّم مى فرمود، تا زمانى كه برخاست و برفت ، آنگاه برادرش ‍ آمد، حضرت رفتارى كه نسبت به خواهرش داشت نسبت به او عمل نفرمود، به حضرت عرض شد: اى رسول خدا! با خواهرش رفتارى كردى كه نسبت به او نكردى ، با آنكه او مرد است ؟ فرمود: زيرا آن خواهر نسبت به پدر و مادرش خوشرفتارتر بود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَجُلٌ فَقَالَ إِنَّ أَبَوَيَّ عُمِّرَا وَ إِنَّ أَبِى مَضَى وَ بَقِيَتْ أُمِّى فَبَلَغَ بِهَا الْكِبَرُ حَتَّى صِرْتُ أَمْضَغُ لَهَا كَمَا يُمْضَغُ لِلصَّبِيِّ وَ أُوَسِّدُهَا كَمَا يُوَسَّدُ لِلصَّبِيِّ وَ عَلَّقْتُهَا فِى مِكْتَلٍ أُحَرِّكُهَا فِيهِ لِتَنَامَ ثُمَّ بَلَغَ مِنْ أَمْرِهَا إِلَى أَنْ كَانَتْ تُرِيدُ مِنِّى الْحَاجَةَ فَلَا أَدْرِى أَيُّ شَيْءٍ هُوَ وَ أُرِيدُ مِنْهَا الْحَاجَةَ فَلَا تَدْرِى أَيُّ شَيْءٍ هُوَ فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُنْبِتَ عَلَيَّ ثَدْياً يَجْرِى فِيهِ اللَّبَنُ حَتَّى أُرْضِعَهَا قَالَ ثُمَّ كَشَفَ عَنْ صَدْرِهِ فَإِذَا ثَدْيٌ ثُمَّ عَصَرَهُ فَخَرَجَ مِنْهُ اللَّبَنُ ثُمَّ قَالَ هُوَ ذَا أَرْضَعْتُهَا كَمَا كَانَتْ تُرْضِعُنِى قَالَ فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثُمَّ قَالَ أُصِبْتَ خَيْراً سَأَلْتَ رَبَّكَ وَ أَنْتَ تَنْوِى قُرْبَتَهُ قَالَ فَكَافَيْتُهَا قَالَ لَا وَ لَا بِزَفْرَةٍ مِنْ زَفَرَاتِهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: پدر و مادرم پير شده بودند و عمر زيادى كردند، پدرم از دنيا رفته و مادرم باقى مانده است ، به حدّى پير شده كه غذا را برايش مى جوم همان طور كه براى طفل مى جوند، و برايش بالش مى گذارم همان طور كه براى طفل بالش گذاشته مى شود، او را در گهواره اى قرار مى دهم و حركتش مى دهم تا بخوابد، سپس كارش به حدى رسيده كه از من چيزى مى خواهد ولى نمى داند آن چيز چيست ، و من از او چيزى مى خواهم و او نمى داند آن چيز چيست ، چون اين حال را ديدم ، از خداى عزّ و جل خواستم تا بر سينه ام پستانى بروياند، و در آن شير جارى شود تا او را شير دهم ، گفت : سپس روى سينه ام پستانى ظاهر شد، سپس آن را فشرد و از آن شير خارج شد، بعد گفت : اين گونه او را شير مى دهم همان طور كه مرا شير داد، در اين هنگام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گريه كرد و فرمود: تو به خير رسيدى ، از پروردگارت چيزى خواستى در حالى كه نيّت قربتش را كردى ، پرسيد: آيا جبرانش نمودم ؟ فرمود: نه ، و نه به يك فريادى كه در هنگام زايمان كشيده است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ غَضُّوا عَنِ النِّسَاءِ يُغَضَّ عَنْ نِسَائِكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به پدرانتان نيكى كنيد تا فرزندانتان به شما نيكى كنند، چشم خود را از زنان بپوشيد تا از زنانتان چشم پوشيده شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا بُدَّ مِنْ أَدَائِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز است كه در هر حال ناچار از انجام آن هستيد: رد امانت به نيكوكار و بدكار، وفاء به عهد نسبت به نيكوكار و بدكار، خوشرفتارى با پدر و مادر چه نيكوكار باشند و چه بدكار.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فِى كَلَامٍ لَهُ إِيَّاكُمْ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌّ وَ لَا قَاطِعُ رَحِمٍ وَ لَا شَيْخٌ زَانٍ وَ لَا جَارٌّ إِزَارَهُ خُيَلَاءَ إِنَّمَا الْكِبْرِيَاءُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: از آزردن پدر و مادر بپرهيزيد، زيرا بوى بهشت از مسافت هزار سال شنيده شود؛ ولى عاق والدين و قطع كننده خويشاوندى ، و پيرمرد زناكار، و آنكه جامه اش را از روى تكبر و بزرگ منشى بر زمين كشد آن را حس نكنند، و جز اين نيست كه بزرگى از آن پروردگار جهانيان است .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام أَدْنَى الْعُقُوقِ أُفٍّ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ شَيْئاً أَهْوَنَ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كمترين آزردن پدر و مادر گفتن كلمه «اف» به آنهاست ، و اگر خداوند چيزى را آسانتر و خوارتر از آن مى دانست از آن نهى مى فرمود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَانَ وَالِدَيْهِ عَلَى بِرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَانَ وُلْدَهُ عَلَى بِرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ جَاراً أَعَانَ جَارَهُ عَلَى بِرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ رَفِيقاً أَعَانَ رَفِيقَهُ عَلَى بِرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ خَلِيطاً أَعَانَ خَلِيطَهُ عَلَى بِرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا أَعَانَ سُلْطَانَهُ عَلَى بِرِّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند رحمت كند شخصى را كه پدر و مادرش را در انجام كار نيك يارى مى كند، خدا رحمت كند شخصى را كه فرزندش را در انجام كار نيك يارى دهد، خدا رحمت كند همسايه اى را كه به همسايه اش در انجام كار نيك كمك كند، خدا رحمت كند رفيقى را كه رفيقش را در انجام كار نيك كمك كند، خدا رحمت كند همراهى را كه به همراهش در انجام كار نيك كمك كند، خدا رحمت كند مردى را كه پادشاهش را در انجام كار نيك كمك كند.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفِّفَ اللَّهُ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيَكُنْ بِقَرَابَتِهِ وَصُولًا وَ بِوَالِدَيْهِ بَارّاً فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ لَمْ يُصِبْهُ فِى حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَداً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس دوست دارد كه خداوند سختيهاى مرگ را بر او آسان نمايد صله رحم را نسبت به اقوامش بيشتر نمايد، و به پدر و مادرش نيكوكار باشد، هر گاه چنين بود خداوند سختيهاى مرگ را بر او آسان گرداند، و در طول زندگانيش فقر را به او نرساند.

وَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أُوصِيكَ بِى قَالَ فَقَالَ رَبِّ أَوْصِنِى قَالَ أُوصِيكَ بِي ثَلَاثاً قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أُوصِيكَ بِأُمِّكَ قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِى قَالَ أُوصِيكَ بِأُمِّكَ قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِى قَالَ أُوصِيكَ بِأَبِيكَ قَالَ لِأَجْلِ ذَلِكَ إِنَّ لِلْأُمِّ ثُلُثَيِ الْبِرِّ وَ لِلْأَبِ الثُّلُثَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: موسى بن عمران عرض كرد: پروردگارا! مرا نصيحت كن ، فرمود:

سفارش مى كنم تو را به توجه داشتن نسبت به من ، عرض كرد: پروردگارا! مرا نصيحت كن ، سه مرتبه فرمود: سفارش مى كنم تو را به خودم ، عرض ‍ كرد: پروردگارا! مرا نصيحت كن ، فرمود: سفارشت مى كنم در باره مادرت ، عرض كرد: پروردگارا! مرا نصيحت كن ، فرمود: سفارش مى كنم تو را در باره مادرت ، عرض كرد: پروردگارا! مرا نصيحت كن ، فرمود: سفارش مى كنم تو را در مورد پدرت ، فرمود: براى همين است كه براى مادر دو ثلث نيكى و براى پدر يك ثلث است .

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رِضَاءُ اللَّهِ مَعَ رِضَاءِ الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: رضايت و خوشنودى خداوند با خوشنودى پدر و مادر است و خشم خداوند به همراه خشم و غضب پدر و مادر است .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍّ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظَرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنْ نَظَرَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَطْيَبُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر فرزند نيكوكارى كه به پدر و مادرش به نگاه رحمت نظر كند در برابر هر نگاه كردن يك حج مقبول برايش ‍ منظور گردد، پرسيدند: اى رسول خدا! اگر چه در هر روز صد مرتبه نگاه كند؟ فرمود: بلى ، خداوند بزرگتر از اينها و پاكيزه تر است .

وَ قَالَ مَنْ بَرَّ بِوَالِدَيْهِ زَادَ اللَّهُ فِى عُمُرِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه به پدر و مادرش نيكى كند خداوند به عمرش بركت دهد.

وَ قَالَ ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ دَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه دعا به اجابت مى رسد: دعاى مظلوم ، دعاى مسافر، دعاى پدر.

وَ قَالَ دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِه

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دعاى پدر براى فرزندش مانند دعاى پيامبر براى امتش مى باشد.

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً مَا هَذَا الْإِحْسَانُ قَالَ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَ أَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَاكَ شَيْئاً مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَانَا مُسْتَغْنِيَيْنِ أَ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّى تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِمّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ كِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما قَالَ إِنْ أَضْجَرَاكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ وَ قَالَ وَ قُلْ لَهُما قَوْلًا كَرِيماً قَالَ فَإِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ قَالَ وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ قَالَ لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَيْكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقَدَّمْ قُدَّامَهُمَا

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد در مورد قول خداى عزّ و جل : (و به پدر و مادر احسان كنيد) اين احسان چيست ؟ فرمود: اين است كه با آنها نيكو معاشرت كنى ، و آنها را مجبور نكنى چيزى را كه احتياج دارند از تو بخواهند، اگر چه بى نياز باشند، مگر خداوند نمى فرمايد:

(هرگز به نيكى نمى رسيد مگر از آنچه دوست داريد انفاق كنيد).

سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: و اما قول خداى تبارك و تعالى : (اگر يكى از ايشان يا هر دوى آنها نزد تو به پيرى رسيدند به آنها اف مگو و با آنها تندى مكن)، يعنى اگر تو را دلتنگ كردند به آنها اف نگو، و اگر تو را زدند به آنها تندى مكن ، و فرمود: (و به آنها سخنى شريف و بزرگوار بگو)، يعنى اگر تو را زدند بگو: خدا شما را بيامرزد، اين است سخن شريف تو، و فرمود: (بال و پر فروتنى و مهربانى را براى آنان فروكش)، فرمود:

ديدگانت را به آنها خيره مكن ، بلكه با مهربانى و دلسوزى به آنها بنگر، و صدايت را از صداى آنها بلندتر مكن ، و دستت را بالاى دست آنها مگير و بر آنها پيشى مگير.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَى وَلَدِهِمَا أَنْ يَقْضِيَ دُيُونَهُمَا وَ يُوفِيَ نُذُورَهُمَا وَ لَا يَسْتَسِبَّ لَهُمَا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ بَارّاً وَ إِنْ كَانَ عَاقّاً لَهُمَا فِى حَيَاتِهِمَا وَ إِنْ لَمْ يَقْضِ دُيُونَهُمَا وَ لَمْ يُوفِ نُذُورَهُمَا وَ اسْتَسَبَّ لَهُمَا كَانَ عَاقّاً وَ إِنْ كَانَ بَارّاً فِى حَيَاتِهِمَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از حقوق پدر و مادر بر فرزندشان اين است كه قرضهاى آنها را ادا كند و نذرهاى آنها را وفا كند، و موجب فحش ‍ دادن به آنها نشود، اگر چنين كرد نيكوكار است ، گرچه در دوران زندگيشان او را عاق كرده باشند، و اگر قرضهاى آنها را ادا نكند، و نذرهايشان را وفا نكند و موجب فحش براى آنها شود عاق است ، گرچه در طول حياتشان نيكوكار بوده .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله أُوصِى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِى وَ الْغَائِبَ وَ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَ إِنْ سَافَرَ أَحَدُهُمْ فِى ذَلِكَ سَنَتَيْنِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سفارش مى كنم امت حاضر و غائبم را و آنهايى را كه در پشت مردان و زنان هستند تا روز قيامت ؛ كه به پدر و مادر خود نيكى كنند، اگر چه به فاصله دو سال راه بروند تا به آنان برسند، زيرا اين كار جزء دين است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَايِعْنِى عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَكَفَّ الْأَعْرَابِيُّ يَدَهُ وَ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ يُحَدِّثُهُمْ فَعَادَ الْأَعْرَابِيُّ بِالْقَوْلِ فَأَجَابَهُ رَسُولُ اللَّهِ بِمِثْلِ الْأَوَّلِ فَكَفَّ الْأَعْرَابِيُّ يَدَهُ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ يُحَدِّثُهُمْ ثُمَّ عَادَ الْأَعْرَابِيُّ فَقَالَ أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَقَالَ نَعَمْ فَبَايَعَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ الاْنَ حِينَ لَمْ تَتَّخِذْ مِنْ دُونِ اللّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً إِنِّى لَا آمُرُ بِعُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَكِنْ صاحِبْهُما فِى الدُّنْيا مَعْرُوفاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اعرابى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! با من بر اسلام بيعت كن ، فرمود: تا پدرت را بكشى ؟ اعرابى دستش را كنار كشيد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رو به طرف قوم بر گرداند تا با آنها گفتگو كند.

اعرابى بازگشت و حرفش را تكرار كرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مثل جواب اول را به او داد، اعرابى دستش را كشيد، سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به طرف قوم رفت تا با آنها به گفتگو بپردازد، باز اعرابى برگشت ، پيامبر فرمود: تا پدرت را بكشى ؟ گفت : بلى ، پيامبر با او بيعت كرد و فرمود: الان آن هنگامى است كه (غير از خدا و رسول او و مؤمنان محرم اسرارى نگرفته اند) من فرمان به نافرمانى پدر و مادر نمى دهم و لكن در دنيا با آنها خوشرفتار باش .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ شَابّاً عِنْدَ وَفَاتِهِ فَقَالَ لَهُ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَاعْتُقِلَ لِسَانُهُ مِرَاراً فَقَالَ لِامْرَأَةٍ عِنْدَ رَأْسِهِ هَلْ لِهَذَا أُمٌّ قَالَتْ نَعَمْ أَنَا أُمُّهُ فَقَالَ فَسَاخِطَةٌ أَنْتِ عَلَيْهِ قَالَتْ نَعَمْ مَا كَلَّمْتُهُ مُنْذُ سِتِّ حِجَجٍ قَالَ ارْضَيْ عَنْهُ فَقَالَتْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِرِضَاكَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَهَا فَقَالَ مَا تَرَى قَالَ أَرَى رَجُلًا أَسْوَدَ قَبِيحَ الْمَنْظَرِ مُنْتِنَ الرِّيحِ قَدْ وَلِيَنِى السَّاعَةَ فَأَخَذَ بِكَظَمِى فَقَالَ قُلْ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّى الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّى الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَقَالَهَا فَقَالَ لَهُ مَا تَرَى فَقَالَ أَرَى رَجُلًا أَبْيَضَ حَسَنَ الثِّيَابِ حَسَنَ الْوَجْهِ طَيِّبَ الرِّيحِ قَدْ وَلِيَنِى وَ أَرَى الْأَسْوَدَ قَدْ نَأَى عَنِّى قَالَ أَعِدْ فَأَعَادَ فَقَالَ لَسْتُ أَرَى الْأَسْوَدَ وَ أَرَى الْأَبْيَضَ قَدْ وَلِيَنِى قَالَ فطفى ثُمَّ طَفَا عَلَى هَذَا الْحَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هنگام فوت جوانى حاضر شد و فرمود: بگو « لا اله الّا اللّه»، زبانش را چندين بار حركت داد، پيامبر به زنى كه بالاى سر جوان بود فرمود: آيا اين جوان مادرى دارد؟ گفت : بلى ، من مادر اويم ، فرمود: آيا تو بر او خشمگين هستى ؟

گفت : بلى ، شش سال است كه با او حرف نزده ام ، فرمود: از او راضى شو، گفت : خدا به رضاى تو از او راضى شود اى رسول خدا، سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به جوان فرمود: بگو « لا اله الّا اللّه»، جوان اين كلمه گفت ، فرمود: چه مى بينى ؟ گفت : مردى سياه روى و زشت صورت و بدبو را مى بينم كه مرا در اين ساعت احاطه كرده و گلويم را مى فشارد.

فرمود: بگو «اى كسى كه عمل كم را مى پذيرى و از گناهان بسيار در مى گذرى ، عمل كمم را بپذير و گناهان بسيارم را در گذر، تو حقّا آمرزنده و مهربانى»، جوان اين جملات را گفت ، به او فرمود: چه مى بينى ؟ گفت : مردى سفيد، خوش لباس ، خوش صورت ، خوش بو كه مرا در بر گرفته ، و مى بينم كه مرد سياه از من دور مى شود، فرمود: تكرار كن ، جوان تكرار كرد، سپس گفت : ديگر مرد سياه را نمى بينم و مرد سفيد را مى بينم كه مرا در بر گرفته ، سپس در همين حال جان داد.

عَنْهُعليه‌السلام وَ مِنَ الْعُقُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ يُحِدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از جمله آزردن پدر و مادر اين است كه كسى به پدر و مادرش تند نگاه كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظَرَ مَاقِتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس به پدر و مادر خود نگاه دشمنانه كند، در صورتى هم كه آن دو به او ستم كرده باشند، نمازش پذيرفته نشود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُشِفَ غِطَاءٌ مِنْ أَغْطِيَةِ الْجَنَّةِ فَوَجَدَ رِيحَهَا مَنْ كَانَتْ لَهُ رُوحٌ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ إِلَّا صِنْفٌ وَاحِدٌ قُلْتُ وَ مَنْ هُمْ قَالَ الْعَاقُّ لِوَالِدَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون روز قيامت شود، پرده اى از پرده هاى بهشت را كنار زنند، هر جاندارى بوى آن را از مسافت پانصد سال حس كند، مگر يك گروه ، عرض كردم : آنها كيانند؟ فرمود: كسانى كه عاق والدين شده اند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَسَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ أَبِى كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ وَ الِابْنُ مُتَّكٍ عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام مَقْتاً لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پدرم كه خدا رويش را مكرّم بدارد به مردى نگاه كرد كه پسرش همراه او بود، و آن پسر به شانه پدرش تكيه كرده بود، فرمود: پدرم با آن پسر به خاطر بدى آن كارش سخن نگفت تا از دنيا رفت .

## فصل پانزدهم : در صله رحم

الفصل الخامس عشر فى صلة الرحم

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أُوصِى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِى وَ الْغَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِى أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: سفارش مى كنم امت حاضر و غايبم را و آنهايى را كه در پشت مردان و رحم زنانند تا روز قيامت ؛ به اينكه صله رحم كنند، اگر چه به فاصله يك سال راه باشد، زيرا صله رحم جزء دين است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اتَّقُوا الْحَالِقَةَ فَإِنَّهَا تُمِيتُ الرِّجَالَ قُلْتُ وَ مَا الْحَالِقَةُ قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از حالقه بپرهيزيد، زيرا كه مردان را مى ميراند، عرض كردم :

حالقه چيست ؟ فرمود: قطع رحم است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ ذَنْبٍ أَجْدَرَ أَنْ يُعَجِّلَ اللَّهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِى الدُّنْيَا مَعَ مَا ادَّخَرَهُ فِى الاْخِرَةِ مِنَ الْبَغْيِ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ گناهى سزاوارتر براى صاحبش در جلو افتادن عقوبت دنيوى به علاوه آنچه در آخرت برايش ‍ ذخيره شده ؛ از ظلم و قطع رحم نيست .

وَ قَالَعليه‌السلام أَوَّلُ نَاطِقٍ مِنَ الْجَوَارِحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ يَقُولُ يَا رَبِّ مَنْ وَصَلَنِى فِى الدُّنْيَا فَصِلِ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ مَنْ قَطَعَنِى فِي الدُّنْيَا فَاقْطَعِ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نخستين سخنگوى اعضاء بدن در روز قيامت رحم است كه مى گويد: پروردگارا! هر كه در دنيا مرا پيوست ؛ امروز ميان خودت و او پيوند ده ، و هر كه در دنيا مرا بريد امروز خود را از او ببر.

وَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّى الْأَعْمَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تُنْمِى الْأَمْوَالَ وَ تُيَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِئُ فِى الْأَجَلِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: صله ارحام اعمال را پاك كند و بلا را بگرداند، و اموال را فزونى دهد، و حساب را آسان كند، و اجل را به تأ خير اندازد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ يُهَوِّنَانِ الْحِسَابَ ثُمَّ تَلَا وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: نيكى به پدر و مادر و صله رحم حساب را آسان كند، سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (و كسانى كه وصل مى كنند آنچه را خدا امر به وصل آن كرده).

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَنْ زَوَّجَ لِلَّهِ وَ وَصَلَ الرَّحِمَ تَوَّجَهُ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: هر كه براى خدا تزويج كند و صله رحم كند، خداوند روز قيامت تاج پادشاهى بر سرش نهد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ يَمُدُّ اللَّهُ بِهِمَا فِى الْعُمُرِ وَ يَزِيدُ فِى الْمَعِيشَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند به وسيله صله رحم و نيكى به پدر و مادر عمر را طولانى كند، و رزق و روزى را بيافزايد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوصَلُ بِهِ الْأَرْحَامُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: صله رحم كن اگر چه به يك آشاميدن آب باشد، و بهترين صله رحم آزار نرسانيدن به اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوَسَّعَ لَهُ فِى رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ لَهُ فِى أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه دوست دارد كه رزقش فزون گردد و اجلش به تأ خير افتد بايد صله رحم كند.

عَنْ سَالِمَةَ مَوْلَاةِ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَأُغْمِيَ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَعْطُوا الْحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ الْأَفْطَسُ سَبْعِينَ دِينَاراً وَ أَعْطُوا فُلَاناً كَذَا وَ فُلَاناً كَذَا فَقُلْتُ أَ تُعْطِى رَجُلًا حَمَلَ عَلَيْكَ بِالشَّفْرَةِ فَقَالَ وَيْحَكِ أَ مَا تَقْرَءِينَ الْقُرْآنَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ

سالمه كنيز امام صادق عليه‌السلام گويد: هنگام وفات حضرت در كنار ايشان بودم كه حالت بى هوشى بر ايشان عارض شد، زمانى كه به هوش ‍ آمدند فرمود: به حسن بن على بن على بن الحسين كه ملقب به افطس ‍ است هفتاد دينار بدهيد، و فلانى را فلان مقدار و فلانى را فلان مقدار، گفتم : آيا به كسى كه خواست با چاقو بر شما حمله كند هم عطا مى كنيد؟ فرمود: واى بر تو؛ آيا قرآن خوانده اى ؟ گفتم : بلى ، فرمود: آيا شنيده اى قول خداى عزّ و جل را: (و كسانى كه پيوند مى دهند آنچه را خدا امر به وصلش ‍ كرده و از پروردگارشان مى ترسند و از بدى حساب مى ترسند).

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنِّى لَأُبَادِرُ صِلَةَ قَرَابَتِى قَبْلَ أَنْ يستعفوا يَسْتَغْنُوا عَنِّى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من به صله ارحامم مبادرت مى كنم قبل از اينكه از من فاصله بگيرند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز از صفات خوب دنيا و آخرت است : گذشتن از كسى كه به تو ستم كرده ، و پيوستن به آنكه از تو بريده ، و خويشتن دارى زمانى كه با تو نادانى كند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَنْ جَبْرَئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَنَا الرَّحْمَنُ شَقَقْتُ الرَّحِمَ مِنِ اسْمِى فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از جبرئيل عليه‌السلام از قول خداى عزّ و جل نقل كند كه فرمود: من رحمانم و رحم از اسم من گرفته شده ، هر كس ‍ صله رحم كند من با او پيوند مى خورم ، و هر كه آن را قطع كند من از او مى برم .

وَ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ أَتَاهُ ابْنُ عَمِّهِ يَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَمَنَعَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر مردى كه پسر عمويش نزد او آيد و از زيادى مالش درخواست كند و او را منع كند، خداوند از نعماتش در روز قيامت او را محروم سازد.

وَ قَالَ صِلُوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: صله رحم كنيد گرچه با سلام باشد.

وَ قَالَ لَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعُ الرَّحِمِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بر قومى كه در بينشان قطع كننده رحم باشد رحمت نازل نمى شود.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا مِنْ خَثْعَمٍ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ صِلَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ الشِّرْكُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَا ذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى از قبيله خثعم خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: رسيد و عرض كرد:

اى رسول خدا! چه چيز بالاترين مرتبه اسلام است ؟ فرمود: ايمان به خدا، گفت : پس از آن چه چيز؟ فرمود: صله رحم ، گفت : سپس چه چيز؟ فرمود: امر به معروف و نهى از منكر.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سپس مرد عرض كرد: كدام عمل نزد خداى عزّ و جل مبغوض تر است ؟ فرمود: شرك به خدا، گفت : بعد از آن چه ؟ فرمود: قطع رحم ، گفت : پس از آن چه چيز؟ فرمود: امر به منكر و نهى از معروف .

## فصل شانزدهم : در يتيم نوازى

الفصل السادس عشر فى ذكر الا يتام

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَلَا مَنْ كَانَ فِى مَنْزِلِهِ يَتِيمٌ فَأَشْبَعَهُ أَوْ كَسَاهُ وَ لَمْ يُؤْذِهِ وَ لَمْ يَضْرِبْهُ يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آگاه باشيد! هر كه در خانه اش ‍ يتيمى باشد، و او را سير كند و بپوشاند و اذيّتش نكند، و او را نزند، عملش ‍ مورد قبول واقع مى شود.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ ضَمَّ يَتِيماً بَيْنَ أَبَوَيْنِ مُسْلِمَيْنِ حَتَّى يَسْتَغْنِيَ فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه طفل يتيمى را به پدر و مادر مسلمانى بسپارد تا بى نياز شود، حتما بهشت بر او لازم است .

وَ قَالَ إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ فِى الْأَرْضِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَبْكَى عَبْدِى هَذَا الْيَتِيمَ الَّذِى غَيَّبْتُ أَبَوَيْهِ أَوْ أَبَاهُ فِى الْأَرْضِ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ سُبْحانَكَ لا عِلْمَ لَنا إِلاّ ما عَلَّمْتَنا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أُشْهِدُكُمْ مَلَائِكَتِى أَنَّ مَنْ أَسْكَتَهُ بِرِضَاهُ فَأَنَا ضَامِنٌ لِرِضَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُرْضِيهِ قَالَ يَمْسَحُ رَأْسَهُ أَوْ يُطْعِمُهُ تَمْرَةً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يتيم در روى زمين گريه كند، خداى عزّ و جل مى فرمايد:

چه كسى اين بنده مرا كه پدر و مادرش يا پدرش را از دست داده گريانده است ؟ ملائكه گويند: پاك و منزّه هستى ، چيزى نمى دانيم مگر آنچه تو به ما آموختى ، خداوند عزّ و جل مى فرمايد: اى ملائكه ! شما را شاهد مى گيرم كه هر كه او را به رضايتش ساكت كند من به رضايتش از بهشت ضامن او خواهم بود.

سؤ ال شد: اى رسول خدا! چه چيز او را راضى كند؟ فرمود: بر سرش دست بكشد، يا يك خرما به او بدهد.

وَ قَالَ خَيْرُ بَيْتٍ فِى الْمُسْلِمِينَ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بَيْتٍ فِيهِ يَتِيمٌ يُسَاءُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَنَا وَ كَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ وَ هُوَ يُشِيرُ بِإِصْبَعِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترين خانه مسلمانان خانه اى است كه در آن به يتيمى احسان شود، و بدترين خانه مسلمانان خانه اى است كه به يتيمى بدى شود، سپس فرمود: من و سرپرست يتيم با هم در بهشت هستيم ، در حالى كه با انگشتش اشاره مى فرمود.

وَ رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا شَكَا إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَسَاوَةَ قَلْبِهِ فَقَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَلِينَ قَلْبُكَ فَأَطْعِمِ الْمِسْكِينَ وَ امْسَحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ

روايت شده مردى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از سنگدلى خود شكايت مى كرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه خواستى كه دلت نرم شود مسكينى را غذا بده ، يا بر سر يتيمى دستى بكش .

وَ قَالَ مَنْ أَذَلَّ يَتِيماً أَذَلَّهُ اللَّهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه يتيمى را خوار كند خداوند خوارش گرداند.

وَ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسْوَةَ قَلْبِى قَالَ فَأَدْنِ مِنْكَ الْيَتِيمَ وَ امْسَحْ رَأْسَهُ وَ أَجْلِسْهُ عَلَى خِوَانِكَ يَلِنْ قَلْبُكَ وَ تَقْدِرْ عَلَى حَاجَتِكَ

مردى به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: من از دست سنگدليم شكايت دارم ، فرمود: به يتيم نزديك شو و بر سرش دست بكش ، و او را كنار سفره ات بنشان ، دلت نرم شود و بر حاجتت قادر شوى .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَشْبِعِ الْيَتِيمَ وَ الْأَرْمَلَةَ وَ كُنْ لِلْيَتِيمِ كَالْأَبِ الرَّحِيمِ وَ كُنْ لِلْأَرْمَلَةِ كَالزَّوْجِ الْعَطُوفِ تُعْطَ كُلَّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِي الدُّنْيَا قَصْراً فِى الْجَنَّةِ كُلُّ قَصْرٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: يتيم و زن بى سرپرست را سير كن ، و براى يتيم مانند پدرى مهربان باش ، و براى زن بى سرپرست مانند شوهرى با عطوفت ، در مقابل هر انسانى كه در دنيا به او خوبى كرده اى قصرى در بهشت به تو داده شود، كه از هر قصرى از دنيا و آنچه در آن است بهتر است .

## فصل هفدهم : در احترام به پيران

الفصل السابع عشر فى إ كرام الشيوخ

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ مِنْ حَقِّ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِكْرَامَ ثَلَاثَةٍ ذُو الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ وَ ذُو الْمُقْسِطِ وَ حَامِلُ الْقُرْآنِ غَيْرَ الْجَافِى وَ لَا الْغَالِى فِيهِ

امير المؤمنين عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: از حق بزرگداشت خداوند عزّ و جل احترام گذاشتن به سه طايفه است : مسلمان پير، شخص عادل ، و مفسّر قرآن كه در آن كم نگويد و در آن غلو نكند.

وَ قَالَ مَا أَكْرَمَ شَابٌّ شَيْخاً لِسِنِّهِ إِلَّا قَيَّضَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّهِ مَنْ يُكْرِمُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ جوانى به پير مردى احترام نگذاشت مگر اينكه خداوند هنگام پيرى كسى را برايش مقدّر كند كه به او احترام گذارد.

وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيَسْتَحِى أَنْ يُعَذِّبَ الشَّيْخَ الْكَبِيرَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند حيا مى كند كه پير مرد را عذاب كند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوَقِّرْ كَبِيرَنَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از ما نيست كسى كه به كوچك ما رحم نكند و به بزرگ ما احترام نگذارد.

قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله بَجِّلُوا الْمَشَايِخَ فَإِنَّ تَبْجِيلَ الْمَشَايِخِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ لَمْ يُبَجِّلْهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: به بزرگان احترام بگذاريد؛ زيرا احترام گذاردن به بزرگان موجب بزرگداشت خداوند است ، و هر كه به بزرگان احترام نگذارد از مانيست .

وَ قَالَ أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بِخِيارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَطْوَلُكُمْ أَعْمَاراً إِذَا سُدِّدُوا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آيا آگاه كنم شما را به بهترينتان ؟ گفتند: بلى اى رسول خدا، فرمود: بهترين شما پيرترين شما در راه راست است .

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ جَاءَ رَجُلَانِ إِلَى النَّبِيِّ شَيْخٌ وَ شَابٌّ فَتَكَلَّمَ الشَّابُّ قَبْلَ الشَّيْخِ فَقَالَ النَّبِيُّ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش نقل كند كه : دو نفر به حضور پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيدند كه يكى پيرمردى بود و ديگرى جوانى ، جوان قبل از پيرمرد شروع به سخن كرد، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بزرگ بزرگ .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ يَا صَاحِبَ الشَّعْرِ الْأَبْيَضِ وَ الْقَلْبِ الْأَسْوَدِ أَمَامَكَ النَّارُ وَ خَلْفَكَ مَلَكُ الْمَوْتِ فَمَا ذَا تُرِيدُ أَنْ تَعْمَلَ كُنْتَ صَبِيّاً وَ كُنْتَ جَاهِلًا وَ كُنْتَ شَابّاً وَ كُنْتَ فَاسِقاً وَ كُنْتَ شَيْخاً وَ كُنْتَ مُرَائِياً فَأَيْنَ أَنْتَ وَ أَيْنَ عَمَلُكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى سفيد موى سياه قلب ، پيش رويت آتش و پشت سرت قابض الارواح است ، مى خواهى چه كنى ؟ كودك بودى و نادان ، جوان بودى و فاسق ، پيرمرد بودى و رياكننده ، كجائى و عملت كجاست ؟

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسِنِّهِ فَوَقَّرَهُ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه مقام پير مردى را به جهت گذشت سن او بداند و او را احترام كند، خداوند خاطر او را از هراس روز قيامت آسوده سازد.

وَ مَرَّ بِرَسُولِ اللَّهِ رَجُلٌ وَ هُوَ فِى أَصْحَابِهِ فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ مَجْنُونٌ فَقَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله بَلْ هَذَا رَجُلٌ مُصَابٌ إِنَّمَا الْمَجْنُونُ عَبْدٌ أَوْ أَمَةٌ أَبْلَيَا شَبَابَهُمَا فِى غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ

مردى از كنار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى گذشت ، در حالى كه ايشان ميان يارانشان بودند، يكى از جمعيت گفت : اين ديوانه است ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بلكه او مردى سالم است ، ديوانه مرد و زنى است كه جوانى خود را در غير اطاعت خدا صرف كرده اند.عَنِ الصَّادِقِ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السِّتِّينَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِإِثْبَاتِ حَسَنَاتِهِ وَ إِلْقَاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التِّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ

امام صادق عليه‌السلام از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: چون مرد به چهل سالگى رسد خداوند او را از سه مرض حفظ كند: از ديوانگى و جذام و پيسى ، چون به پنجاه سالگى رسد خداوند حسابش را سبك گيرد، و چون به شصت سالگى رسد خداوند به او توفيق توبه كردن را روزى كند، هر گاه به هفتاد سالگى رسيد خدا و اهل آسمان دوستش ‍ بدارند، و هر گاه به هشتاد رسيد خداوند فرمان به نوشتن حسناتش و حذف بديهايش دهد، و هر گاه به نود سال رسيد خداوند گناهان گذشته و آينده اش ‍ را ببخشايد، و جزء اسيران خدا در زمين بحساب آيد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ لَيُكْرِمُ أَبْنَاءَ السَّبْعِينَ وَ يَسْتَحِى مِنْ أَبْنَاءِ الثَّمَانِينَ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند هفتاد ساله ها را احترام كند، و از هشتاد ساله ها حيا دارد كه آنها را عذاب كند.

وَ قَالَ الشَّيْخُ فِى أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِى أُمَّتِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پير در بين خانواده اش همچون پيغمبر در بين امتش مى باشد.

وَ قَالَ إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ لَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ قَبَّلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ هَذَا وَجْهٌ لَا يُفْلِحُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چون مرد به چهل سالگى رسد و خيرش از شرش بيشتر نباشد؛ شيطان بين دو چشمش را ببوسد، و گويد: اين چهره اى است كه رستگار نگردد.

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ جَاوَزَ الْأَرْبَعِينَ وَ لَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ فَلْيَتَجَهَّزْ إِلَى النَّارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه از چهل سالگى گذشت و خيرش از شرّش بيشتر نبود؛ بايد آماده دوزخ شود.

وَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ قَدْ دَنَا الرَّحِيلُ فَأَعِدَّ الزَّادَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه مرد به چهل سالگى رسد منادى از آسمان ندا كند: كوچ نزديك است توشه برگير.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ عَظِّمُوا كِبَارَكُمْ وَ صِلُوا أَرْحَامَكُمْ فَلَيْسَ تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ

حضرت رضا عليه‌السلام فرمود: اى بنده خدا! پيرانتان را بزرگ شماريد، و صله رحم كنيد، هيچ صله رحمى بهتر از اذيّت نكردن خويشاوندان نيست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مَشَى الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِعليه‌السلام قَطُّ وَ لَا بَدَرَهُ بِمَنْطِقٍ إِذَا اجْتَمَعَا تَعْظِيماً لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امام حسين عليه‌السلام هرگز جلوتر از امام حسن عليه‌السلام راه نرفت ، و در سخن گفتن در بين جمع از او پيشى نگرفت ، به جهت احترام به او.

وَ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ مَنْ عَاشَ فِى الْإِسْلَامِ سِتِّينَ سَنَةً حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ وَ مَنْ عَاشَ فِى الْإِسْلَامِ سَبْعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ مَنْ عَاشَ فِى الْإِسْلَامِ ثَمَانِينَ سَنَةً رُفِعَ عَنْهُ الْقَلَمُ وَ لَا يُحَاسَبُ مَعَهُ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه شصت سال مسلمان باشد خدا او را به آتش عذاب نمى كند، و هر كه هفتاد سال مسلمان باشد او را از عذاب دردناك حفظ كند، و هر كه هشتاد سال مسلمان زندگى كند قلم محاسبه از او برداشته شود و حساب و كتاب نشود.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ يُؤْتَى بِالشَّيْخِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِى النَّاسَ لَا يَرَى إِلَّا مَسَاوِئَ فَيَطُولُ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَ تَأْمُرُنِى إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا شَيْخُ إِنِّى أَسْتَحِى أَنْ أُعَذِّبَكَ وَ قَدْ كُنْتَ تُصَلِّى فِى دَارِ الدُّنْيَا اذْهَبُوا بِعَبْدِى إِلَى الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پيرمرد را روز قيامت بياورند و نامه عملش را به دستش دهند، به طورى كه پشت نامه به سوى مردم باشد، جز بدى و گناه نبيند، و ببيند كه اين نامه بس طولانى است ؛ عرض كند: پروردگارا! آيا دستور مى دهى كه داخل آتش روم ؟ خداوند جبّار جلّ جلاله مى فرمايد: اى پير! من شرم دارم كه تو را عذاب كنم در حالى كه تو در دنيا همواره برايم نماز مى خواندى ، بنده مرا به بهشت ببريد.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ وَ إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ وَ إِذَا طَعَنَ فِى إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ فَهُوَ فِى النُّقْصَانِ وَ يَنْبَغِى لِصَاحِبِ الْخَمْسِينَ أَنْ يَكُونَ كَمَنْ كَانَ فِى النَّزْعِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون بنده اى به سى و سه سالگى رسيد به كمال نيرو رسيده ، و چون به چهل سال رسيد به آخرين حدّ نيرو رسيده ، و چون قدم به چهل سالگى نهاد احساس كمبود كند، و پنجاه ساله را شايسته است كه مانند كسى باشد كه در حال جان كندن است .

## فصل هجدهم : در باره جوانان

الفصل الثامن عشر فى ذكر الشبان

عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ چيز نزد خداوند عزّ و جل محبوبتر از جوان توبه كننده نيست .

وَ قَالَ خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَّهَ بِكُهُولِكُمْ وَ شَرُّ كُهُولِكُمْ مَنْ تَشَبَّهَ بِشَبَابِكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترين جوانان شما كسانيند كه خود را همانند پيران كنند، و بدترين پيران شما آنانند كه خود را شبيه به جوانان كنند.

وَ قَالَ مَا مِنْ شَابٍّ يَنْشَأُ فِى عِبَادَةِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ عَلَى ذَلِكَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ تِسْعَةٍ وَ تِسْعِينَ صِدِّيقاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر جوانى كه مشغول عبادت خدا شود و از دنيا برود خداوند ثواب نود و نه صدّيق را به او عطا كند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا فِى الدُّنْيَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ وَ مَا فِى الدُّنْيَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ زَانٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ چيز در دنيا نزد خداوند عزّ و جل محبوبتر از جوان توبه كننده نيست ، و هيچ چيز در دنيا نزد خداوند مبغوضتر از پيرمرد زناكار نمى باشد.

وَ قَالَ لَا تَزُولُ قَدَمَا الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ عِلْمِهِ كَيْفَ عَمِلَ بِهِ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در روز رستاخيز هيچ بنده اى قدم از قدم بر ندارد تا از چهار چيز بازپرسى شود: از عمرش كه در چه كارى گذرانده ، از جوانيش كه در چه راهى صرف كرده ، و از دانشش كه چگونه به آن عمل نموده ، و از ثروتش كه از چه راهى به دست آورده ، و در چه راهى خرج نموده .

وَ قَالَ اغْتَنِمْ خَمْساً قَبْلَ خَمْسٍ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ فَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَ حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پنج چيز را قبل از پنج چيز غنيمت شمار: جوانيت را قبل از پيرى ، سلامتت را قبل از بيمارى ، آسودگيت را قبل از گرفتارى ، زندگانيت را قبل از مرگ ، بى نيازيت را قبل از فقر و نيازمندى .

وَ قَالَ مَنْ آتَاهُ اللَّهُ جَمَالًا وَ مَالًا فَعَفَّ فِى جَمَالِهِ وَ بَذَلَ مِنْ مَالِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه را خدا زيبايى و مال عطا فرمود، و در زيبائيش عفيف و در مالش بخشنده بود؛ داخل بهشت شود.

و كان شاب على عهد رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله يلبس و مهناه فلما مات رسول الله قصر و تشمر للعبادة فقالوا يا فلان لو فعلت هذا و رسول الله حى لقرت عينه قال و كان لى أ مانان فمضى أ حدهما و بقى الا خر قال الله عز و جل وَ ما كانَ اللّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ فقد مضى هذا و قال الله تعالى وَ ما كانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ و لا أزال أجتهد

در زمان پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله جوانى بود خدمت حضرت مى كرد، پس از وفات پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله همّت بر عبادت نمود، به او گفتند: فلانى ؛ اگر اين كار را در زمان زندگانى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى كردى شادمان مى شد، گفت : براى من دو فرصت بود، يكى تمام شد و ديگرى باقى مانده ، خداوند عزّ و جل فرمود: (خداوند عذاب نمى كند آنها را در حالى كه تو در بين آنهايى)، اين امر (وجود پيامبر) گذشت ، و خداوند تعالى فرمود: (و خداوند عذاب كننده آنها نيست در حالى كه آنها طلب آمرزش مى كنند) و من دائما تلاش (در استغفار) مى كنم .

## فصل نوزدهم : در راستگويى و چشم پوشى از عيبهاى مردم و منع از غيبت

الفصل التاسع عشر فى الصدق و الاشتغال عن عيوب الناس و النهى عن الغيبة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى تبارك و تعالى هرگز پيغمبرى را مبعوث نفرمود؛ جز با راستگويى و اداء امانت به نيكوكار و بدكار.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه زبانش راست باشد كردارش پاك است .

وَ قَالَ وُجِدَ فِى ذُؤَابَةِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَحِيفَةٌ فِيهَا صِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَ أَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ وَ قُلِ الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در غلاف شمشير رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نوشته اى پيدا شده كه در آن نوشته بود: پيوند كن با كسى كه با تو قطع رابطه نموده ، و عطا كن به كسى كه تو را محروم ساخته ، و حق را بگو گرچه بر ضررت باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ عزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّادِقِينَ وَ يَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ إِذَا صَدَقَ قَالَ اللَّهُ صَدَقَ وَ بَرَّ وَ إِذَا كَذَبَ قَالَ اللَّهُ كَذَبَ وَ فَجَرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده راست مى گويد، تا آنجا كه نزد خداوند عزّ و جل از راستگويان محسوب مى گردد، و دروغ مى گويد، تا آنجا كه نزد خداوند از دروغگويان محسوب مى شود، و چون بنده راست گويد، خداوند بفرمايد: راست گفت و خوب كارى كرد، و هر گاه دروغ گويد، خداوند بفرمايد: دروغ گفت و بد كارى كرد.

وَ قَالَ عَلِيٌّعليه‌السلام الصِّدْقُ يَهْدِى إِلَى الْبِرِّ وَ الْبِرُّ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَصْدُقُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِى قَلْبِهِ مَوْضِعُ إِبْرَةٍ مِنْ كَذِبٍ حَتَّى يَكُونَ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقاً

على عليه‌السلام فرمود: راستگويى به سوى نيكى هدايت مى كند، و نيكى به سوى بهشت دعوت مى كند، و مادامى كه هر يك از شما راست گويد در قلبش سر سوزنى از اثر دروغ باقى نماند، تا اينكه نزد خداوند از راستگويان باشد.

وَ قَالَ أَيْضاً إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ يُؤْثِرَ الْعَبْدُ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُ وَ لَا يَعْدُو الْمَرْءُ بِمَقَالِهِ عَمَلَهُ

على عليه‌السلام فرمود: از حقيقت ايمان است كه بنده راستى گزيند، تا آنجا كه از دروغ نافع نيز بگريزد، و سخنش از مرز دانشش تجاوز نكند.

وَ قَالَ أَيْضاً فِى خُطْبَةٍ طَوِيلَةٍ أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا فَاصْدُقُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ أَلَا إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ أَلَا إِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا رَدًى وَ هَلَكَةٍ

على عليه‌السلام ضمن خطبه اى طولانى فرمود: اى مردم ! مواظب باشيد كه راست بگوييد، زيرا خداوند ياور راستگويان است ، و از دروغ كناره گيريد، زيرا كه دروغ ايمان را درو مى كند، آگاه باشيد! كه راستگو بر لبه رستگارى و شرافت است ، و دروغگو بر لبه پرتگاه و هلاكت است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَ إِسْلَامُهُ وَ مُحِّصَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَفَاءٌ لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ وَ صِدْقُ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ وَ الِاسْتِحْيَاءُ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ وَ حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ

على بن الحسين عليه‌السلام فرمود: چهار چيز است كه در هر كس باشد اسلامش كامل و گناهانش پاك گردد، و پروردگارش را در حالى كه از او خوشنود است ملاقات كند: وفا كردن به عهد و پيمانى كه با مردم دارد، و راست بودن زبانش با مردم ، و از هر چه نزد خدا و مردم زشت است شرم كردن ، و با خانواده خود خوشرفتار بودن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الِاجْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم را به وسيله غير زبان خود به سوى خير و نيكوكارى دعوت كنيد، تا مردم كوشش در عبادت و راستگويى و پرهيزگارى شما را ببينند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ يَا رَبِيعُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقاً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى ربيع ! مرد راست مى گويد: به درجه اى كه نزد خداوند جزء صدّيقان قرار داده مى شود.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْناً كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص

امام رضا عليه‌السلام فرمود: ما خاندانى هستيم كه همچون رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله وعده هايى را كه داده ايم مثل دينى به گردنمان مى دانيم .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّى غَداً وَ أَوْجَبَكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً أَصْدَقُكُمْ لِسَاناً وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در روز قيامت نزديكترين شما به من و مستحق ترين شما به شفاعتم ؛ كسى است كه راستگوترين زبان را داشته باشد، و اداكننده ترين شخص در امانت باشد، و خوش اخلاق ترين كس ، و نزديكترين شخص به مردم باشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا شَيْءٌ أَحَقَّ بِطُولِ الْحَبْسِ مِنَ اللِّسَانِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هيچ چيزى چون زبان سزاوارتر براى حبس طولانى نيست .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِناً مَا دَامَ سَاكِتاً فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِناً أَوْ مُسِيئاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده مؤمن تا زمانى كه خاموش باشد، نيكوكار محسوب مى گردد، و چون سخن گويد نيكوكار يا بدكار نوشته خواهد شد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام حَقُّ اللِّسَانِ إِلْزَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَ تَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِى لَا فَائِدَةَ لَهَا وَ الْبِرُّ بِالنَّاسِ وَ حُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: حق زبان وادار كردنش به پرهيز از فحش و بازگشت آن به خير است ، و ترك كردن سخنان اضافى كه فايده اى ندارد، و نيكى به مردم ، و سخن خوب در ميانشان گفتن .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله تَقَبَّلُوا لِى سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلْ لَكُمُ الْجَنَّةَ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ إِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَ إِذَا اؤْتُمِنْتُمْ فَلَا تَخُونُوا وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ احْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَلْسِنَتَكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شش منش را براى من عهده دار شويد تا من بهشت را برايتان عهده دار شوم : چون سخنى نقل كنيد دروغ نگوييد، و چون وعده دهيد تخلف نكنيد، و چون بر چيزى امين شديد خيانت به امانت نكنيد، و چشمان خود را از نامحرم بپوشيد، و دامن خود را آلوده نكنيد، و دست و زبان خود را نگاه داريد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام كُونُوا لَنَا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْناً قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قُبْحِ الْقَوْلِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى ما زينت باشيد، نه باعث زشتى و كراهت ، با مردم سخن نيك بگوئيد، و زبانتان را نگاه داريد، و از زياده گويى و زشت گويى خود را نگهداريد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكَذِبِ جِدٌّ وَ لَا هَزْلٌ وَ لَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّةً ثُمَّ لَا يَفِيَ لَهُ وَ الْكَذِبُ يَهْدِى إِلَى الْفُجُورِ وَ الْفُجُورُ يَهْدِى إِلَى النَّارِ وَ مَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى يُقَالَ كَذَبَ وَ فَجَرَ وَ مَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِى قَلْبِهِ مَوْضِعُ إِبْرَةٍ صِدْقٌ فَيُسَمَّى عِنْدَ اللَّهِ كَذَّاباً

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: دروغ گفتن چه به صورت جد و چه شوخى روا نيست ، و صحيح نيست كه انسان فرزندش را وعده اى دهد و به آن عمل نكند، و دروغگويى انسان را به كارهاى زشت مى كشاند، و كارهاى زشت انسان را بسوى دوزخ مى برد، و هميشه اگر يكى از شماها دروغ بگويد، گفته مى شود: دروغ گفت و بد كارى كرد، و همواره اگر دروغ بگوييد به اندازه يك سر سوزن راست در قلب شما نمى ماند، و چنين شخصى نزد خدا از جمله بسيار دروغگويان ثبت شود.

سُئِلَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ لَا يَقُولُوا مَا لَا يَعْلَمُونَ

از امام باقر عليه‌السلام سؤ ال شد: حق خدا بر بندگان چيست ؟ فرمود: آنچه را نمى دانند نگويند.

سُئِلَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَاناً قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَّاباً قَالَ لَا

از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: مؤمن ترسو است ؟ فرمود: بلى ، گفته شد: بخيل است ؟ فرمود:

بلى ، گفته شد: بسيار دروغگو است ؟ فرمود: نه .

وَ قَالَ مَنْ صَمَتَ نَجَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه سكوت كند نجات يابد.

وَ قَالَ الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ أَوْ بِالْقَوْلِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بلاء وابسته به زبان گشودن يا سخن است .

وَ قَالَ إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِى لِسَانِهِ وَ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بيشتر اشتباهات آدميزاد در زبانش است ، و هر كه زبانش را نگهدارد خدا زشتيهايش را پنهان دارد.

وَ قَالَ مَنِ اغْتَابَ مُؤْمِناً بِمَا فِيهِ لَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُمَا فِى الْجَنَّةِ أَبَداً وَ مَنِ اغْتَابَ مُؤْمِناً بِمَا لَيْسَ فِيهِ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ الْمُغْتَابُ فِى النَّارِ خَالِداً فِيهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه غيبت مؤمنى را به آنچه در اوست كند؛ خداوند بين آن دو در بهشت جمع نكند، و هر كه غيبت كند مؤمنى را به آنچه در او نيست رشته ارتباط بين آن دو از بين برود، و غيبت كننده در دوزخ جاودانى خواهد بود و چه عاقبت بدى است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَ هُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغِيبَةِ اجْتَنِبِ الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: دروغ گفته هر كه گمان كند كه حلال زاده است ؛ در حالى كه گوشتهاى مردم را به وسيله غيبت مى خورد، از غيبت دورى كن زيرا غيبت خورش سگهاى جهنم است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مِنَ الْغِيبَةِ أَنْ تَقُولَ فِى أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ مِنَ الْبُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِى أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بخشى از غيبت اين است كه عيبى را كه خداوند براى برادر مؤمنت پوشانده است ظاهر كنى ، و بخشى از بهتان اين است كه آنچه را در برادر مؤمنت نيست بگويى .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطْرِى أَخَاهُ شَاهِداً وَ يَأْكُلُهُ غَائِباً إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنِ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: چه بد بنده اى است بنده اى كه داراى دو چهره و دو زبان باشد، در حضور برادرش او را ستايش كند، و در پشت سر از او بدگويى كند، اگر دارا شود بر او رشك برد، و اگر گرفتار شود دست از ياريش بردارد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ لَقِيَ النَّاسَ بِوَجْهٍ وَ غَابَهُمْ بِوَجْهٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه با مردم با چهره اى برخورد كند و در پشت سر با چهره اى ديگر از آنان عيب جويى نمايد؛ روز رستاخيز در حالى كه دو زبان آتشين دارد به محشر آيد.

وَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُفْعَلَ بِكَ فَلَا تَفْعَلْهُ بِأَحَدٍ وَ إِنْ لَطَمَ أَحَدٌ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ فَأَعْطِهِ الْأَيْسَرَ

عيسى بن مريم عليه‌السلام به يكى از اصحابش فرمود: آنچه را دوست ندارى در باره ات انجام داده شود به احدى انجام نده ، و اگر كسى گونه راستت را سيلى زد گونه چپت را برايش آماده كن .

وَ قَالَ لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ وَ لَا تَحْفِرْ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ

حضرت عيسى عليه‌السلام فرمود: غيبت نكن تا غيبت شوى ، و براى برادرت چاه مكن كه خودت در آن افتى ، زيرا تو هر طور كنى با تو همان شود.

عَنِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خوزاد خُرَّزَادَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ يَسْرِقُ قَالَ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ يَكْذِبُ قَالَ لَا إِنَّما يَفْتَرِى الْكَذِبَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ

عبد اللّه بن خوزاد گويد: به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كردم : مؤمن دزدى مى كند؟ فرمود:

گاهى چنين باشد، گفتم : اى رسول خدا! مؤمن دروغ مى گويد؟ فرمود: نه ، (همانا افتراى دروغين را كسانى مى بندند كه ايمان ندارند).

قَالَعليه‌السلام وَيْلٌ لِلَّذِى يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ فَيُضْحِكُ بِهِ الْقُلُوبَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: واى بر كسى كه در نقلش دروغ مى گويد تا دلها به آن بخندد [يعنى دلهايى را خوشحال نمايد]واى بر او واى بر او.

فصل بيستم : در نگهدارى زبان

الفصل العشرون فى حفظ اللسان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَ لَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: زبانت را نگهدار، زيرا نگهدارى زبان صدقه اى است كه به خودت مى دهى ، سپس فرمود: هيچ بنده اى حقيقت ايمان را نشناسد تا زبانش را نگهدارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: هر كه زبانش را نگهدارد خداوند زشتيهايش را بپوشاند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ كَانَ أَبُو ذَرٍّ يَقُولُ فِى خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغِيَ الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ فَاخْتِمْ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِكَ وَ وَرِقِكَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: ابوذر در خطبه اش مى گفت : اى دانش جو! اين زبان كليد خير و كليد شرّ است ، پس همان طور كه بر طلا و نقره اى مهر مى زنى ؛ بر زبانت هم مهر بزن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنْ كَانَ فِى شَيْءٍ شُؤْمٌ فَفِى اللِّسَانِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر در چيزى نحسى باشد در زبانست .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سكوت طلا و صحبت كردن نقره است .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: خاموشى يكى از درهاى حكمت است كه محبت مى آورد، و راهنماى هر امر خيرى است .

عَنْهُ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ

حضرت رضا عليه‌السلام فرمود: از خدا بپرهيزيد و سكوت اختيار كنيد.

عَنْهُ قَالَ مَا أَحْسَنَ الصَّمْتَ مِنْ غَيْرِ عِيٍّ وَ الْمِهْذَارُ لَهُ سَقَطَاتٌ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: چه نيكوست سكوتى كه همراه با عجز نباشد، و براى شخص پر حرف لغزشهائى است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام إِنَّ شِيعَتَنَا الْخُرْسُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: به حقيقت شيعيان ما كم گو هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً قَالَ خَيْراً فَغَنِمَ أَوْ سَكَتَ عَنْ سُوءٍ فَسَلِمَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدا رحمت كند بنده اى را كه زبان به خير گشايد و سود برد، يا از سخن ناهنجار لب فرو بندد و سالم ماند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام عَنْ أَبِى ذَرٍّ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ اجْعَلِ الْكَلَامَ كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةَ خَيْرٍ تَقُولُهَا وَ كَلِمَةَ شَرٍّ تَسْكُتُ عَنْهَا وَ الثَّالِثَةُ لَا تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ لَا تُرِدْهَا

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از ابوذر نقل فرموده اند كه مى گفت : كلام را بر دو قسمت قرار ده : كلمه خيرى كه مى گويى ، و كلمه شرّى كه در برابر آن ساكت مى شوى ، و سوم كلامى كه نه ضرر دارد و نه نفعى آن را اظهار كن .

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه خدا را شناخت زبانش به لكنت افتد.

وَ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه بداند كه سخنش از كردارش ‍ است ، جز به خير سخن نگويد.

وَ قَالَ وَ هَلْ يَكُبُّ النَّاسَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِى النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آيا مردم را به جز دروشده هاى زبانشان به رو در آتش اندازد؟

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِى ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَ السُّكُوتِ وَ الْكَلَامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: تمامى خير در سه خصلت جمع شده : نگاه كردن ، و خاموشى ، و سخن گفتن ؛ هر نگاهى كه عبرت انگيز نباشد خطاست ، و هر خاموشى كه بى انديشه باشد غفلت است ، و هر سخنى كه خدا را به ياد نياورد بيهوده است .

## فصل بيست و يكم : در اصلاح ميان مردم و ملحقات آن

الفصل الحادى و العشرون فى الا صلاح بين الناس و ما يشبهه

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ التَّقْرِيبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: صدقه اى را كه خدا دوست دارد؛ اصلاح ميان مردم است هنگامى كه اختلاف و فساد يابند، و نزديك ساختن آنان به يك ديگر، زمانى كه از هم دور شوند.

عَنْهُ قَالَ كُلُّ كَذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْماً مَا إِلَّا كَذِباً فِى ثَلَاثَةٍ رَجُلٍ كَائِدٍ فِى حَرْبِهِ فَهُوَ مَوْضُوعٌ عَنْهُ وَ رَجُلٍ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ يَلْقَى هَذَا بِغَيْرِ مَا يَلْقَى بِهِ هَذَا يُرِيدُ الصُّلْحَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَجُلٍ وَعَدَ أَهْلَهُ شَيْئاً وَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُتِمَّ لَهُمْ عَلَيْهِ يُرِيدُ بِذَلِكَ دَفْعَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر دروغى روزى مورد باز خواست شود به جز در سه مورد:

مردى كه در نبرد خود نيرنگ زند كه گناهى بر او نيست . مردى كه ميان دو كس را سازش دهد و اصلاح كند، با آن طورى برخورد كند كه با ديگرى نكرده ، و قصدش از اين عمل اصلاح بين آن دو باشد. مردى كه به خانواده خود چيزى را وعده دهد و قصد انجام دادن آن را نداشته باشد، و قصدش ‍ اين باشد كه آنها را راضى نگهدارد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ الْكَذِبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعْتَ بِهِ مُؤْمِناً وَ دَفَعْتَ بِهِ عَنْ دِينِ الْمُسْلِمِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: تمام اقسام دروغ گناه است ، مگر آنچه به مؤمنى نفع دهد؛ و به وسيله آن از دين مسلمان دفاع شود.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه بزرگوار قومى بر شما رسيد او را گرامى بداريد.

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ لَمَّا قَدِمَ عَدِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَلَى النَّبِيِّ أَدْخَلَهُ النَّبِيُّ بَيْتَهُ فَلَمْ يَكُنْ فِى بَيْتِهِ غَيْرُ خَصَفَةٍ وَ وِسَادَةٍ مِنْ أَدَمٍ فَطَرَحَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ لِعَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ

الخصفة الجلة من الخوص تعمل للتمر و الا دم جمع الا ديم

على عليه‌السلام فرمود: چون عدى بن حاتم بر پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شد؛ آن حضرت او را به خانه خود برد، و در خانه جز تكه حصير و بالشى از چرم چيزى نبود، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آنها را براى عدى بن حاتم پهن كرد.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَأْبَى الْكَرَامَةَ إِلَّا حِمَارٌ قِيلَ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ ذَلِكَ فِى الطِّيبِ يُعْرَضُ عَلَيْهِ وَ التَّوْسِعَةِ فِي الْمَجْلِسِ مَنْ أَبَاهُمَا كَانَ كَمَا قَالَ

امام رضا عليه‌السلام از امير المؤمنين عليه‌السلام نقل فرمايد كه فرمود: از گراميداشت سرباز نمى زند مگر الاغ ، سؤ ال شد: معناى آن چيست ؟ فرمود: به اين معنا كه بوى خوشى را بر شخص عرضه نمايند و او از استشمام آن خوددارى نمايد، و در مجلس برايش جا باز كنند و او ننشيند، هر كه از اين دو خوددارى كند آنچنان باشد كه حضرت فرموده اند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفُ النِّفَاقِ ذُو الشَّيْبَةِ فِى الْإِسْلَامِ وَ حَامِلُ الْقُرْآنِ وَ الْإِمَامُ الْعَادِلُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه كس هستند كه حق آنها را ناديده نمى گيرد به جز منافقى كه به نفاق معروف است : كسى كه مويش را در اسلام سفيد كرده ، آنكه قرآن را در بر دارد، پيشواى عادل .

## فصل بيست و دوم : در مدارا كردن و عادت نيكو

الفصل الثانى و العشرون فى ذكر المداراة و حسن الملكة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ جَاءَ جَبْرَئِيلُ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارِ خَلْقِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جبرئيل نزد پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض كرد: اى محمد! پروردگارت سلام مى رساند و مى گويد: با مخلوقم مدارا كن .

وَ قَالَ أَمَرَنِى رَبِّى بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِى بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پروردگارم مرا به سازگارى با مردم امر فرموده ، همچنان كه به تبليغ رسالتم امر فرمود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَعْرَابِيّاً أَتَى النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ أَوْصِنِى فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: عربى نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و گفت : به من سفارشى كن ، از جمله سفارشات به او اين بود كه فرمود: با مردم دوستى كن تا مردم دوستت بدارند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكُفُّ عَنْهُمْ يَداً وَاحِدَةً وَ يَكُفُّونَ عَنْهُ أَيْدِياً كَثِيرَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه از آزار مردم دست بردارد فقط يك دست از آنها بازداشته ، ولى در مقابل دستهاى بسيارى از آزار او خوددارى كنند.

عَنْهُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الاْيَةُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً قَالَ جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِى وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلِّفْتُ أَهْلِى فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه اين آيه نازل شد: (اى كسانى كه ايمان آورده ايد خود و خانواده تان را از آتش حفظ كنيد)، مردى از مسلمانان نشسته و شروع به گريه كردن نمود، و گفت : من از خودم عاجز و ناتوانم ، خانواده ام هم بر من تكليف شده ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به او فرمود: براى تو كافى است كه آنها را امر كنى به آنچه خودت به آن عمل مى كنى ، و باز دارى از آنچه خودت را از آن باز مى دارى .

عَنْهُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يَقُولُ لِيَجْتَمِعْ فِى قَلْبِكَ الِافْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الِاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونَ افْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِى لِينِ كَلَامِكَ وَ حُسْنِ بِشْرِكَ وَ يَكُونَ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِى نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَ بَقَاءِ عِزِّكَ

امام صادق عليه‌السلام از قول : امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بايد در دلت احتياج به مردم و بى نيازى از آنها پيدا شود؛ احتياج به آنها در نرم زبانى و خوشروئيت باشد، و بى نيازيت از ايشان در حفظ آبرو و نگهدارى عزّتت باشد.

كُسِيَ أَبُو ذَرٍّ رض بُرْدَيْنِ فَاتَّزَرَ بِأَحَدِهِمَا وَ ارْتَدَى بِشَمْلَةٍ وَ كَسَا غُلَامَهُ أَحَدَهُمَا ثُمَّ خَرَجَا إِلَى الْقَوْمِ فَقَالُوا لَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ لَبِسْتَهُمَا جَمِيعاً كَانَ أَجْمَلَ قَالَ أَجَلْ لَكِنِّى سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَ أَلْبِسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ

ابو ذر رحمه‌الله دو پارچه گران قيمت براى لباس خريد، يكى را به صورت پيراهن پوشيد، و پارچه ديگرى را غير از آن دو پارچه به صورت عبا پوشيد، و يكى از آن پارچه هاى گران قيمت را به غلامش داد، سپس همراه او به طرف قوم رفتند، به ابوذر گفتند: اى ابوذر! اگر هر دو را خود مى پوشيدى زيباتر بود، گفت : بلى ، لكن از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: آنها را غذا دهيد از آنچه خود مى خوريد، و بپوشانيد به آنچه خود مى پوشيد.

وَ مِنْ كِتَابِ إِعْلَامِ الْوَرَى رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام أَنَّهُ دَعَا مَمْلُوكَهُ مَرَّتَيْنِ فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ أَجَابَهُ فِى الثَّالِثَةِ فَقَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ أَ مَا سَمِعْتَ صَوْتِى قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا بَالُكَ لَمْ تُجِبْنِى قَالَ أَمِنْتُكَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى جَعَلَ مَمْلُوكِى يَأْمَنُنِى

از امام سجاد عليه‌السلام روايت شده كه ايشان خادمش را دو مرتبه صدا زد و او جواب نداد، سپس در مرتبه سوم جوابش داد، حضرت به او فرمود: پسركم ! آيا صداى مرا نشنيدى ؟

گفت : بلى ، فرمود: پس چرا جوابم را ندادى ؟ گفت : خود را در امان شما ديدم ، فرمود:

ستايش خدايى را كه خادم مرا در امان من قرار داد.

وَ كَانَتْ جَارِيَةٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَسْكُبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَسَقَطَ الْإِبْرِيقُ مِنْ يَدِهَا فَشَجَّهُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَتِ الْجَارِيَةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ الْكاظِمِينَ الْغَيْظَ فَقَالَ كَظَمْتُ غَيْظِى قَالَتْ وَ الْعافِينَ عَنِ النّاسِ قَالَ عَفَوْتُ عَنْكَ قَالَتْ وَ اللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ قَالَ اذْهَبِى فَأَنْتِ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللَّهِ

امام سجاد عليه‌السلام كنيزى داشت كه روى دستش آب مى ريخت ، ظرف آب از دستش افتاد، و دست امام مجروح شد، سرش را به طرف او بلند كرد، كنيز گفت : خداى تعالى مى فرمايد: (و فروخورندگان خشم)، فرمود: خشمم را خوردم ، گفت : (و گذرندگان از مردم)، فرمود: از تو گذشتم ، گفت : (و خدا نيكوكاران را دوست دارد) فرمود: برو؛ تو در راه خدا آزادى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ بَعَثَ عَلِيٌّ غُلَاماً لَهُ فِى حَاجَةٍ فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ فَلَمَّا جَاءَهُ قَالَ اسْعَ فَسَعَى ثُمَّ أَقْبَلَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَرَى إِلَّا وَ قَدْ أَشْفَقْتُ عَلَيْكَ فَاذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: على عليه‌السلام خادمى داشت كه او را به دنبال كارى فرستاد، او اندكى تأ خير كرد، زمانى كه آمد، امام فرمود: سريعتر، او هم تندتر كارش را كرد، سپس نزد حضرت آمد، امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: هيچ نمى بينم مگر اينكه به تو مهربانى كنم ، برو تو آزادى .

كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذْ حَضَرَهُ الْمَوْتُ فَلَمْ يَزَلْ يُوصِى بِالصَّلَاةِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى انْكَسَرَ لِسَانُهُ

انس گفت : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هنگامى كه رحلتشان نزديك شد دائما سفارش به نماز و مساعدت با غلامان مى فرمود، تا زمانى كه زبان مباركش خاموش شد.

وَ قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ تَعْفُو عَنِ الْخَادِمِ فَصَمَتَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً

ابن عمر گويد: مردى به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: اى رسول خدا! چه مقدار خادمت را مى بخشى ؟ رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از جواب ساكت شد، سپس فرمود: روزى هفتاد مرتبه .

وَ قَالَ مَنْ ضَرَبَ مَمْلُوكَهُ إِلَّا فِى حَدٍّ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَسْوَاطٍ اقْتُصَّ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس غلامش بيشتر از سه تازيانه بزند مگر در اجراء حدّ ، روز قيامت قصاص شود.

وَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَ لَا خَائِنٌ وَ لَا سَيِّئٌ لِمَمْلُوكِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فريبكار و خيانتكار و كسى كه با خادمش بد رفتار باشد داخل بهشت نشود.

وَ قَالَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمَمْلُوكِ يَكْسِبُ الْعِزَّ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: نيكى به بندگان كسب عزّت مى كند.

وَ قَالَ سَلْمَانُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِخَادِمِهِ لَوْ لَا الْقِصَاصُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَأَوْجَعْتُكَ ضَرْباً

سلمان رحمه‌الله به خادمش گفت : اگر روز قيامت قصاص نبود، شديدا تو را مى زدم و به درد مى آوردم .

## فصل بيست و سوم : در مدارا كردن و خوشروئى

الفصل الثالث و العشرون فى الرفق و حسن البشر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَيُّمَا أَهْلِ بَيْتٍ أُعْطِيَ حَظَّهُمْ مِنَ الرِّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِى الرِّزْقِ وَ الرِّفْقُ فِى تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِى الْمَالِ وَ الرِّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبْذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ الرَّفِيقَ يُحِبُّ الرِّفْقَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر خانواده اى كه از نعمت مدارا بهره مند شود، در حقيقت خداوند گشايشى در روزى آنان داده است ، مدارا نمودن در مخارج زندگى از ثروتمند بودن كارگشاتر است ، مدارا موجب درماندگى نشود ولى تبذير و ولخرجى چيزى باقى نمى گذارد، خداوندى كه اهل مدارا است ، مدارا را دوست دارد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرِّفْق وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الرِّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: براى هر چيزى قفلى است و قفل ايمان مدارا كردن است .

وَ قَالَ إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نَزَعَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مدارا و نرمى نيمى از زندگى است .

وَ قَالَ إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نَزَعَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مدارا در كنار هر چيزى باشد آن را زينت مى دهد، و از هر چيز برداشته شود زشتش سازد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ وَ الْبِشْرُ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَ الْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز است كه هر كه يكى از آنها را براى خدا انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند: انفاق در حال تنگدستى ، خوشرويى با همه مردم ، انصاف و عدالت داشتن نسبت به خود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبِشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ بُعْدٌ مِنَ اللَّهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خوشرويى و چهره باز محبت آورد و موجب نزديكى به خدا مى شود، و ترشرويى و بدخلقى موجب جلب دشمنى و دورى از خدا مى شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّكُمْ لَنْ تَسَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ الْبِشْرِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شما نمى توانيد مردم را با مال خود به طرف خويش جلب كنيد، با چهره باز و خوشرويى آنها را به طرف خود بكشيد.

وَ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ كُلَّ سَهْلٍ طَلِقٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدا رحمت كند هر خوشروى خوش اخلاق را.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ تَبَسُّمُ الْمُؤْمِنِ فِى وَجْهِ الْمُؤْمِنِ حَسَنَةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: لبخند زدن مؤمن به صورت مؤمن از كارهاى نيكوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله خِيَارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَ يُؤْلَفُونَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترين شما خوش اخلاق ترين شماست آنان كه با مردم انس گيرند و مردم نيز با آنان مأ نوس گردند.

وَ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْكُنُ إِلَى أَخِيهِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمْآنُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن از مؤمن آرامش مى گيرد، همان طور كه تشنه به وسيله آب خنك آرامش مى يابد.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَ يَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: خوشا به حال آنكه انسش با مردم و انس ‍ مردم با وى به خاطر خدا باشد.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله الرِّفْقُ يُمْنٌ وَ الْخُرْقُ شُؤْمٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مدارا كردن ميمنت آورد و پرده درى و خشونت شوم است .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعْطِى عَلَى الرِّفْقِ مَا لَا يُعْطِى عَلَى الْعُنْفِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى تعالى مداراكننده است و ملايمت را دوست دارد، و پاداشى را كه در مقابل ملايمت مى دهد در مقابل خشونت نمى دهد.

## فصل بيست و چهارم : در كارهاى نيك

الفصل الرابع و العشرون فى محاسن الا فعال

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِى حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً حَبَّبَنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَيْهِمْ وَ ايْمُ اللَّهِ لَوْ يَرَوْنَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا أَعَزَّ وَ مَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خدا رحمت كند بنده اى را كه ما را محبوب مردم قرار دهد، و ما را مبغوض آنان نگرداند، به خدا قسم اگر مردم سخنان خوب ما را براى ديگران نقل كنند عزيزتر خواهند شد، و كسى قادر نخواهد بود چيزى به آنان نسبت دهد.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام ذَلِّلُوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ وَ قُودُوهَا إِلَى الْمَكَارِمِ وَ عَوِّدُوهَا الْحِلْمَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْإِيثَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تَحْمَدُونَ عَنْهُ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ وَ لَا تُدَاقُّوا النَّاسَ وَزْناً بِوَزْنٍ وَ عَظِّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ وَ أَمْسِكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِالْمَعُونَةِ لَهُ بِجَاهِكُمْ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاهُ عِنْدَكُمْ فَلَا تَكُونُوا بَحَّاثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ فَيَكْثُرَ عَائِبُكُمْ وَ تَحَفَّظُوا مِنَ الْكَذِبِ فَإِنَّهُ مِنْ أَدْنَى الْأَخْلَاقِ قَدْراً وَ هُوَ نَوْعٌ مِنَ الْفُحْشِ وَ ضَرْبٌ مِنَ الدَّنَاءَةِ وَ تَكَرَّمُوا بِالتَّعَامِى عَنِ الِاسْتِقْصَاءِ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ بِالتَّعَامُسِ عَنِ الِاسْتِقْصَاءِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اخلاقتان را با نيكيها رام كنيد، و به سوى خوبيها بكشيد، و خود را به بردبارى عادت دهيد، و بر صفت ايثار و از خود گذشتگى در مواردى كه حتى به مقدار كمى در مقابل عمل بسيار شما مورد ستايش قرار گيريد، صبور باشيد، بر مردم خرده گيرى نكنيد، با چشم پوشى و بى ارزش بحساب آوردن امور ناچيز؛ بزرگى و بزرگوارى خود را حفظ كنيد، آنجا كه جانى در خطر است ، و ناتوانى چشم اميد به شما دوخته اگر خود توانايى نداريد با استفاده از مقام و آبروى خود از ديگران استمداد كنيد و نيمه جانش را نگهداريد. در آنچه از ديدگانتان غايب است (اسرار مردم) كاوش چندان نكنيد كه در اين هنگام مردم از شما عيب خواهند گرفت . از دروغ خود دارى كنيد كه از همه خويها پست تر است ، دروغ نوعى زشتى و قسمى از رذالت است ، با بزرگوارى از خرده گيرى در محاسبه و پى گيرى از مطالب بى ارزش صرف نظر نماييد.

و روايت شده : با تغافل از پى جويى مطالب بى ارزش صرف نظر كنيد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَحْبِبْ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ وَ أَحْبِبِ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ إِنِ احْتَجْتَ فَسَلْهُ وَ إِنْ سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَ لَا تَمَلَّهُ خَيْراً وَ لَا يَمَلُّهُ لَكَ كُنْ لَهُ ظَهْراً فَإِنَّهُ ظَهْرٌ لَكَ وَ إِنْ غَابَ فَاحْفَظْهُ فِى غَيْبَتِهِ وَ إِنْ شَهِدَ فَزُرْهُ وَ أَجِّلْهُ وَ أَكْرِمْهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْكَ عَاتِباً فَلَا تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسُلَّ سَخِيمَتَهُ وَ مَا فِى نَفْسِهِ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ إِنِ ابْتُلِيَ فَاعْضُدْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: برادر مسلمانت را دوست بدار، و آنچه براى خود مى پسندى براى او بپسند، و آنچه را براى خود نمى پسندى براى برادرت مپسند، اگر نيازمند شدى از او بخواه ، اگر از تو چيزى خواست به او بده ، در كار خير او را در انتظار قرار نده (با تأ خيرت ناراحتش نكن) و او هم تو را در انتظار قرار ندهد. همواره پشتيبان او باش كه او نيز پشتيبان توست ، چون غايب شد (به سفر رفت) در غيابش او را حفظ كن ، و اگر برگشت به ديدن او برو، او را تجليل و احترام كن ، زيرا كه او از توست و تو از اويى ، اگر سرزنشت نمود از او دورى مكن تا اينكه ناراحتى او را از درون جانش بر طرف سازى ، و اگر او به خيرى رسيد خدا را سپاس بگو، و اگر بلايى به او رسيد كمكش كن و براى او محلت بگير.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنْسَكُ النَّاسِ نُسُكاً أَنْصَحُهُمْ حُبّاً وَ أَسْلَمُهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: عابدترين مردم كسى است كه نسبت به همه مردم خيرخواه تر و پاكدلتر باشد.

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا مَحْمِلًا

على عليه‌السلام فرمود: هيچ گاه به سخنى كه از دهان برادرت بيرون مى آيد گمان بد مبر، در حالى كه مى توانى توجيه خوبى برايش پيدا كنى .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ كَرَمُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ وَ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: شرافت مؤمن به نماز و شب زنده داريش ‍ مى باشد، و شما به مردم سخن نيكو بگوئيد.

عَنْهُ قَالَ عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَا يُضْمِرَنَّ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ أَمْراً لَا يُحِبُّهُ لِنَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُضْمِرُ لِأَخِيهِ أَمْراً لَا يُحِبُّهُ لِنَفْسِهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ سَبَباً لِلنِّفَاقِ فِى قَلْبِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پرهيزگارى پيشه كنيد، و هيچ يك از شما آنچه را براى خود دوست نمى دارد براى برادر مسلمانش در دل نپروراند، زيرا هر بنده اى در درون جانش براى برادر مسلمانش آنچه را كه خود نمى پسندد بپروراند، خداوند نيز آن را سبب نفاق در دل برادرش قرار دهد.

جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ يُرِيدُ بَعْضَ غَزَوَاتِهِ فَأَخَذَ بِمِقْوَدِ رَاحِلَتِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِى شَيْئاً أَدْخُلْ بِهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ مَا أَحْبَبْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأْتِهِ إِلَيْهِمْ وَ مَا كَرِهْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ خَلِّ سَبِيلَ الرَّاحِلَةِ

عربى خدمت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد در حالى كه آن حضرت قصد داشت به يكى از غزوات برود، آن مرد افسار مركب ايشان را گرفت و گفت : اى رسول خدا! به من عملى بياموز تا موجب بهشت رفتنم شود، فرمود: هر گونه دوست دارى مردم با تو رفتار كنند با آنان رفتار كن ، و هر چه را براى خودت ناخوش دارى براى مردم مپسند، اينك راه مركب را باز كن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجَراً فَقَالَ مَا يَدْعُوكُمْ إِلَى هَذَا فَقَالُوا لِنَعْرِفَ أَشَدَّنَا وَ أَقْوَانَا فَقَالَ أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَ أَقْوَاكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ هُوَ الَّذِى إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِى بَاطِلٍ وَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ وَ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر گروهى از مردم گذشت كه (جهت زور آزمايى) سنگى را بلند مى كردند، حضرت از آنان پرسيد: اين چه كارى است ؟ گفتند: بدين وسيله نيرومندترينمان را مى شناسيم ، فرمود: آيا نمى خواهيد زورمندترين و برومندترينتان را به شما معرفى كنم ؟ عرض كردند: آرى ، فرمود: تواناترين و قوى ترين انسان كسى است كه وقتى خوشنود است ، خرسنديش او را به گناه و باطلى نكشاند، و چون خشمگين شد، خشمش او را از حق باز ندارد، و چون توانمند شد به هر چه مباح و سزاوار نباشد دست نيالايد.

كَتَبَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى سَلْمَانَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّكَ لَنْ تَنَالَ مَا تُرِيدُ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهِى وَ لَنْ تَبْلُغَ مَا تَأْمُرُ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ فَلْيَكُنْ قَوْلُكَ ذِكْراً وَ نَظَرُكَ عِبَراً وَ صَمْتُكَ تَفَكُّراً وَ اعْلَمْ أَنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ عَجْزاً مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِيَّ وَ أَنَّ أَكْيَسَ النَّاسِ كَيْساً مَنْ دَانَ نَفْسَهُ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

ابوذر غفارى براى سلمان نوشت : تو به تمام آنچه كه در نظر دارى نخواهى رسيد مگر اينكه از تمايلات خود دست بردارى ، و به خواسته هايت نرسى مگر با صبر و شكيبايى در مقابل زشتيها، اينك بايد سخن تو ذكر خدا باشد، و نگاهت عبرت انگيز، و سكوتت تفكر، و بدان ضعيف ترين افراد كسانى هستند كه از هواى نفس پيروى كنند، و از خدا طلب آرزوهاى بزرگ كنند، و زيرك ترين مردم كسى است كه خود را براى خدا خاضع كند، و كارهايش را براى آخرت انجام دهد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ مَاءٍ أَوْ نَارٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس مسلمانان را از سيلى يا آتشى نجات دهد بهشت جايگاه اوست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَقَاءَ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ جَعَلَ الْمَالَ عِنْدَ مَنْ يُؤَدِّى الْحَقَّ مِنْهُ وَ يَصْنَعُ فِيهِ الْخَيْرَ وَ إِذَا أَرَادَ فَنَاءَ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ جَعَلَ الْمَالَ عِنْدَ مَنْ لَا يُؤَدِّى الْحَقَّ مِنْهُ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهِ الْمَعْرُوفَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون اراده خداوند به بقاء اسلام و مسلمين تعلق گيرد، مال را نزد كسانى قرار مى دهد كه حق آن را ادا مى كنند و آن را در راه خير مصرف مى نمايند، و چون اراده اش بر تضعيف اسلام و مسلمين قرار گيرد، مال را نزد كسانى قرار مى دهد كه حقش را بجا نمى آورند و آن را در راه خير مصرف نمى كنند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضَارٍّ وَ لَا آثِمٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پناهنده انسان مانند خود انسان است ، نه ضررى رواست و نه اذيّتى .

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ طَعَامِ الْأَسِيرِ فَقَالَ طَعَامُ الْأَسِيرِ عَلَى آسِرِهِ وَ إِنْ كَانَ يُرَادُ قَتْلُهُ مِنَ الْغَدِ فَإِنَّهُ يَنْبَغِى أَنْ يُطْعَمَ وَ يُسْقَى وَ يُظَلَّلَ وَ يُرْفَقَ بِهِ مِنْ كَافِرٍ أَوْ غَيْرِهِ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد غذا دادن به اسير سؤ ال شد، ايشان فرمود: غذاى اسير به عهده اسيركننده اوست ، و اگر بخواهد كه صبحگاهان او را بكشد، بايد غذا و آب او را بدهد، و برايش سايه بان تهيّه كند، و به او مهربانى نمايد، چه آن اسير كافر باشد يا غير كافر.

عَنْهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّينَ فِى اللَّهِ مُوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقَوْا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيُوهُ

امام صادق عليه‌السلام به اصحاب خود فرمود: پرهيزگار باشيد و با هم برادرى نيكو باشيد، در راه خدا با يك ديگر دوستى كنيد، و پيوستگى داشته باشيد، و به يك ديگر مهر ورزيد، به ديدار و ملاقات يك ديگر رويد، و در مورد (ولايت) ما سخن بگوييد، و آن را زنده نگهداريد.

عَنْهُ قَالَ لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَوَاصِلِينَ فِينَا لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَرَاحِمِينَ فِينَا لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَزَاوِرِينَ فِينَا لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَبَاذِلِينَ فِينَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از ما نيست كسى كه به خاطر ما پيوستگى (با ديگران) نداشته باشد، از ما نيست هر كه به خاطر ما مهرورزى نكند، از ما نيست كسى كه به خاطر ما به ملاقات (برادرانش) نرود، از ما نيست آنكه به خاطر ما بذل و بخشش نكند.

## فصل بيست و پنجم : در انفاق كردن

الفصل الخامس و العشرون فى الا نفاق

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَمْ نُبْعَثْ لِجَمْعِ الْمَالِ وَ لَكِنْ بَعَثَنَا لِإِنْفَاقِهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: خداوند ما را براى جمع كردن مال مبعوث نفرمود، بلكه براى انفاق آن مبعوث كرد.

عَنْهُ قَالَ أَنْفِقْ بِالْخَلَفِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِى طَاعَةِ اللَّهِ ابْتُلِيَ بِأَنْ يُنْفِقَ فِى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ لَمْ يَمْشِ فِى حَاجَةِ وَلِيِّ اللَّهِ ابْتُلِيَ بِأَنْ يَمْشِيَ فِى حَاجَةِ عَدُوِّ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: انفاق كن و به پاداشى كه (بعدا به تو مى رسد) يقين داشته باش ، و بدان هر كه در راه طاعت خدا انفاق نكند، مبتلى به انفاق كردن در راه معصيت خدا شود، و هر كه به دنبال بر آوردن احتياج دوست خدا نرود ناگزير مى شود كه به دنبال بر آوردن حاجت دشمن خدا رود.

عَنْهُ قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى بِلَالٍ وَ عِنْدَهُ كُرٌّ مِنْ تَمْرٍ فَقَالَ يَا بِلَالُ أَمِنْتَ أَنْ تُصْبِحَ بِهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ أَنْفِقْ يَا بِلَالُ وَ لَا تَخَفْ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْتَاراً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از كنار بلال عبور كردند در حالى كه نزد او مقدارى خرما بود، فرمود: اى بلال ! اطمينان دارى كه به وسيله اين خرما به جهنم نمى روى ؟

انفاق كن اى بلال و از خداوند به خاطر فقر وحشت نداشته باش .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنْ صَلَاحِ الدِّينِ وَ صَلَاحِ أَهْلِ الدِّينِ وَ قَالَ الاْخَرُ إِنَّ مِنْ صَلَاحِ الْإِسْلَامِ وَ صَلَاحِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ إِلَى مَنْ يُؤَدِّى فِيهَا الْحُقُوقَ وَ يَصْطَنِعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ وَ إِنَّ مِنْ فَسَادِ الدِّينِ وَ فَسَادِ أَهْلِ الدِّينِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ إِلَى مَنْ لَا يُؤَدِّى فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْطَنِعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ عَنْهُ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ مِنْ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ وَ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِين

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مصلحت دين و اهل دين به عبارت ديگر: مصلحت اسلام و مسلمين اين است كه اموال در دست افرادى قرار گيرد كه حقوق آن را ادا كنند، و با آن كارهاى نيك انجام دهد، و از مفسده دين و اهل دين اين كه اموال در دست كسى قرار گيرد كه حقوق آن را نمى پردازد و آن را در راه نيك مصرف نمى كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً لَمْ يَسْلُبْهُ إِيَّاهَا مَا اسْتَقَامَ حَتَّى يَتَغَيَّرَ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ فَإِذَا تَغَيَّرَ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ تَغَيَّرَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند هر گاه بر بنده اى نعمت دهد، مادامى كه در طاعت خدا استوار باشد، آن را از او نمى گيرد، مگر اينكه از طاعت خدا رويگردان شود، پس هر گاه از طاعت خدا رويگرداند، خداوند نيز نعمت را بر مى گرداند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْكُمْ رَأَى فِى نَفْسِهِ وَ وَلَدِهِ أَوْ مَالِهِ وَ أَهْلِهِ غَيْراً فَلْيَسْتَعِنْ رَبَّهُ وَ يَسْتَغْفِرْهُ ثُمَّ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام وَ أَنَا أَضْمَنُ لَهُ إِذَا هُوَ فَعَلَ ذَلِكَ وَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِينَهُ وَ يَرْجِعَ لَهُ مَا أَحَبَّ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر مردى از شما در خود يا فرزندان يا مال و فاميلش تغييرى (در نعمتهايى كه به او داده شده) مشاهده كرد، بايد از خدا يارى بخواهد و از او طلب آمرزش نمايد. سپس فرمود: من او را ضمانت مى كنم كه اگر اين كار را بكند؛ خداوند به او كمك كند و هر چه بخواهد به او برسد.

## فصل بيست و ششم : در نااميدى و بى نيازى از مردم

الفصل السادس و العشرون فى اليأ س و الاستغناء عن الناس

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اشْتَدَّتْ حَالُ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَسَأَلْتَهُ فَجَاءَ إِلَى النَّبِيِّ فَلَمَّا رَآهُ النَّبِيُّ قَالَ مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنِ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ فَقَالَ الرَّجُلُ مَا يَعْنِى غَيْرِى فَرَجَعَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَعْلَمَهَا فَقَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَشَرٌ فَأَعْلِمْهُ فَأَتَاهُ فَلَمَّا رَآهُ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنِ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ حَتَّى فَعَلَ الرَّجُلُ مَا ذَكَرْتُهُ ثَلَاثاً ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ فَاسْتَعَارَ مِعْوَلًا ثُمَّ أَتَى الْجَبَلَ فَصَعِدَهُ فَقَطَعَ حَطَباً ثُمَّ جَاءَ بِهِ فَبَاعَهُ بِنِصْفِ مُدٍّ مِنْ دَقِيقٍ فَرَجَعَ فَأَكَلُوهُ ثُمَّ ذَهَبَ مِنَ الْغَدِ فَصَعِدَهُ فَجَاءَ بِأَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَبَاعَهُ فَلَمْ يَزَلْ يَعْمَلُ وَ يَجْمَعُ حَتَّى اشْتَرَى مِعْوَلًا ثُمَّ جَمَعَ حَتَّى اشْتَرَى بَكْرَيْنِ وَ غُلَاماً ثُمَّ أَثْرَى حَتَّى أَيْسَرَ فَجَاءَ النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَأَعْلَمَهُ كَيْفَ جَاءَ يَسْأَلُهُ وَ كَيْفَ سَمِعَ النَّبِيَّ فَقَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله قَدْ قُلْتُ لَكَ مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنِ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: زندگانى يكى از اصحاب حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله بسيار سخت شد، همسرش گفت : اى كاش نزد رسول خدا مى رفتى و از او درخواست كمك مى نمودى ، آن مرد خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد، و چون پيامبر او را ديد فرمود: هر كه از ما طلب كند ما به او عطا مى كنيم ، و هر كه بى نيازى جويد خدايش بى نياز كند. مرد با خود گفت :

مقصودش غير از من نيست ، به سوى همسرش آمد و جريان را برايش گفت ، زن گفت :

رسول خدا هم بشر است ، بايد وضع خود را به او مى گفتى ، مرد نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و چون حضرت او را ديد فرمود: هر كه از ما طلب نمايد به او عطا كنيم و هر كه بى نيازى بجويد خداوند بى نيازش كند، تا سه مرتبه آن مرد اين كار را تكرار كرد.

سپس رفت و كلنگى را عاريه گرفت و به بالاى كوه رفت و با آن مقدارى هيزم جمع كرد، و آن را آورده و به نصف مدّ (نيم چارك) آرد فروخت ، و آن را به خانه برد و بخوردند، فردا هم رفت و از آن كوه بالا رفته و بيشتر از آن هيزم آورد و فروخت ، و همواره كار مى كرد و مى اندوخت تا خودش كلنگى خريد، باز هم اندوخت تا اينكه دو شتر و يك غلام خريد، سپس ادامه داد تا ثروتمند و بى نياز شد، سپس خدمت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و گزارش داد كه چگونه براى طلب حاجت آمد و از پيغمبر چه شنيد، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

من كه گفتم هر كه از ما طلب كند ما عطايش كنيم ، و هر كه بى نيازى جويد خدايش بى نياز كند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَنْ تَيَسَّرَ مِمَّا فَاتَهُ أَرَاحَ بَدَنَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كه نسبت به از دست رفته اش به آسانى گذشت بدنش آرام گيرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَرْوَحُ الرَّوْحِ الْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بهترين راحتى ها نااميدى از مردم است .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابٌ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِى أَيْدِى النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِى دِينِهِ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزّت و رفتن حيا گردد، و نوميدى از آنچه در دست مردم است موجب عزّت مؤمن در دينش است ، و طمع همان فقر موجود است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حاجت خواستن از مردم همان فقر موجود است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ أَظْهِرِ الْيَأْسَ مِمَّا فِى أَيْدِى النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغِنَى وَ إِيَّاكَ وَ الطَّمَعَ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: از آنچه در دست مردم است قطع اميد كن ، زيرا اين قطع اميد كردن ؛ خود بى نيازى است ، و از طمع بپرهيز، زيرا كه او فقر حاضر است .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُوا أَنْفُسَكُمْ بِالاسْتِغْنَاءِ عَنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ أَوْ لِمَنْ يُخَالِفُهُ فِى دِينِهِ طَلَباً لِمَا فِى يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاهُ أَخْمَلَهُ اللَّهُ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاهُ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْجِرْهُ عَلَى شَيْءٍ يَنْفَعُهُ مِنْهُ فِى حَجٍّ وَ لَا عِتْقٍ وَ لَا بِرٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پرهيزگار باشيد و خود را بى نياز از طلب حاجتها نگاهداريد، و بدانيد كه هر كس براى سلطانى ستمگر يا براى كسى كه در دين با او مخالف است براى طلب كردن آنچه دارد فروتنى نمايد، خداوند او را گمنام كند و مورد غضبش قرار دهد و او را به خودش واگذارد، و اگر بر مقدارى از دنياى سلطان غالب شود، و چيزى از آن به او برسد، خداوند بركت را از او سلب كند، و به او پاداشى در مقابل آنچه براى حج و آزاد كردن بنده و كار نيكش انفاق نموده ندهد.

# باب چهارم در آداب معاشرت با مردم و در آن دوازده فصل است

الباب الرابع فى آداب المعاشرة مع الناس و ما يتصل بها اثنا عشر فصلا

## فصل اول : در انتخاب دوست

الفصل الاول فى اتخاذ الا خوان

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تَغُشَّ النَّاسَ فَتَبْقَى بِغَيْرِ صَدِيقٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به مردم غلّ و غش و دو رنگى نكن كه بى رفيق خواهى ماند.

وَ عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَغُشُّهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يُكَذِّبُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است ، به او ستم نمى كند و او را خوار نمى گرداند، و به او غش و دو رنگى نمى كند، و از او غيبت نكند و به او خيانت نورزد، و به او دروغ نمى گويد.

قَالَ لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَوْحِشَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَمَنْ دُونَهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَزِيزٌ فِى دِينِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى مؤمن سزاوار نيست كه از ترس و وحشت با برادر مؤمنش (گرچه در مقام از او پائين تر باشد) و يا با ديگرى مأ نوس شود، مؤمن در دينش عزيز است .

وَ عَنْهُ قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ وَ بَقَاءَ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمُرُوءَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پرده شرم و حياى ميان خود و برادر دينيت را بر مدار، زيرا رفتن آبرو و اعتبار رفتن حياء، و بقاء اعتبار به بقاء مردانگى است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعْلِمْ أَخَاهُ وَ لَا يُعِنْ عَلَى نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه زندگى بر يكى از شما تنگ و سخت شد بايد برادران خود را خبر كند و به خود متّكى و مغرور نباشد.

وَ عَنْهُ قَالَ مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَ مَنِ اسْتَخَفَّ بِدِينِهِ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه دين خدا را بزرگ شمارد حقوق برادران دينى خود را بزرگ مى شمارد، و هر كه دين خود را سبك شمارد برادران دينى خود را هم سبك شمرده .

وَ عَنْهُ قَالَ مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضُرٍّ فَمَنَعَهُ مِنْ سَعَةٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس از برادر مؤمنش به علّت تنگدستى تقاضايى كند، و او بتواند حاجتش را به هر نحوى روا نمايد ولى بر نياورد، خداوند متعال روز قيامت دست او را در گردنش به زنجير بندد، تا هنگامى كه از حساب مردم فارغ شود.

عَنْهُ قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِى حَاجَةٍ فَلَمْ يُنَاصِحْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه دنبال حاجتى با برادر (دينى) خود همراه شود، ولى خير خواه او نباشد، مانند كسى است كه به خدا و رسولش ‍ خيانت كرده .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ يَحِقُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا لِأَخِيكَ يَشْكُو مِنْكَ قَالَ يَشْكُونِى أَنِّى اسْتَقْصَيْتُ حَقِّى مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهُ كَأَنَّكَ إِذَا اسْتَقْصَيْتَ حَقَّكَ لَمْ تُسِئْ أَ رَأَيْتَ مَا ذَكَرَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ فِى الْقُرْآنِ يَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ أَ خَافُوا أَنْ يَجُورَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِمْ لَا وَ اللَّهِ مَا خَافُوا ذَلِكَ وَ إِنَّمَا خَافُوا الِاسْتِقْصَاءَ فَسَمَّاهُ اللَّهُ سُوءَ الْحِسَابِ نَعَمْ مَنِ اسْتَقْصَى مِنْ أَخِيهِ فَقَدْ أَسَاءَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سزاوار است كه مؤمن خير خواه مؤمن باشد.

حمّاد بن عثمان گويد: نزد امام صادق عليه‌السلام بودم كه مردى از ياران ما خدمت ايشان رسيد، امام عليه‌السلام فرمود: چرا برادر مؤمنت از تو شكايت دارد؟ عرض كرد: از اينكه حقّم را از او طلب نمودم شكايت دارد، حضرت فرمود: گويا تو هنگامى كه حقّت را طلب مى كنى خطايى مرتكب نشده اى ! آيا كلام خداوند را در قرآن نديده اى كه (آنها از بدى حساب مى ترسند)؟ آيا آنان از ظلم خدا بر خود مى ترسند؟ نه بخدا قسم ؛ آنها از اين نمى ترسند، بلكه از حساب كشى خدا مى ترسند، لذا خداوند نام آن را بدى حساب گذارده . بلى ؛ هر كه از برادر دينى اش حسابرسى كند به او بدى نموده .

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ إِخْوَانُنَا يَتَوَلَّوْنَ عَمَلَ السُّلْطَانِ أَ فَنَدْعُو لَهُمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَلْ يَنْفَعُونَكُمْ قُلْتُ لَا فَقَالَ ابْرَءُوا مِنْهُمْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُمْ

راوى گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : برادران ما براى سلطان كار مى كنند آيا بر ايشان دعا كنيم ؟ حضرت فرمود: آيا سودى براى شما دارند؟ گفتم : نه ، فرمود: از آنها بيزارى بجوييد كه خداوند هم از آنها بيزارى جسته .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِى أَمْرٍ مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُ قال ابن سنان يعنى أ ن الرجل يكون عليه دين كثير و لك مال قليل فتؤ دى عنه فيذهب مالك و لا تكون قضيت دينه

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با برادرت در كارى كه ضررش بر تو بيشتر از نفع اوست براى خود همكارى نكن .

ابن سنان در توجيه اين حديث گويد: منظور امام اين است كه شخص قرض ‍ زيادى دارد و تو اندك مالى دارى ، مى خواهى دين او را اداء كنى ، مالت از بين مى رود ولى قرض را ادا ننمودى .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ يُقَالُ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَصَفَّحْ وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ سَقَاكَ شَرْبَةً أَوْ أَطْعَمَكَ أَكْلَةً أَوْ فَعَلَ بِكَ كَذَا وَ كَذَا خُذْ بِيَدِهِ فَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روز قيامت به مؤمن گفته مى شود: خوب به چهره هاى مردم نگاه كن ، هر كه تو را آبى نوشانيده ، يا به تو غذائى خورانده ، يا كارى برايت انجام داده ، دستش را بگير و به بهشت ببر، او دستش را گرفته و به بهشت برد.

وَ عَنْهُ قَالَ مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِناً فَكَأَنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ وَ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ دَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه مؤمنى را اكرام كند گويا خدا را اكرام نموده ، و هر كه براى برادر مؤمنش دعا كند، خداوند بلا را از او دفع و روزيش را زياد گرداند.

وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَ عُدَّةٌ لِلاْخِرَةِ أَ لَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِ أَهْلِ النَّارِ فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

على عليه‌السلام فرمود: شما به برادران خود توجه كنيد كه آنها براى دنيا و آخرت شما سودمند خواهند بود، مگر نشنيده ايد كه خداوند در قرآن از قول اهل دوزخ مى فرمايد: (در اين روز سخت نه شفيعى داريم و نه دوستى كه حمايتمان كند).

وَ قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ اللَّيْلَ وَ صَامَ النَّهَارَ وَ ذُبِحَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ لَمْ يَبْعَثْهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَعَ مَنْ أَحَبَّ بَالِغاً مَا بَلَغَ إِنْ جَنَّةً فَجَنَّةً وَ إِنْ نَاراً فَنَاراً

على عليه‌السلام فرمود: اگر كسى شب زنده دار باشد و روزها روزه بگيرد و در بين ركن و مقام قربانى كند، خداوند در روز قيامت او را مبعوث نمى كند مگر با كسى كه دوستش دارد، به هر تعداد كه باشند؛ اگر آن دوست بهشتى باشد در بهشت خواهد بود، و اگر جهنمى باشد در دوزخ .

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا أَحْدَثَ عَبْدٌ أَخاً فِى اللَّهِ إِلَّا أُحْدِثَ لَهُ دَرَجَةٌ فِى الْجَنَّةِ

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ بنده اى در راه خدا با كسى برادرى ننمود، مگر اينكه درجه اى و مقامى در بهشت برايش احداث شد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ لَيْسَ مِنَ الْإِنْصَافِ مُطَالَبَةُ الْإِخْوَانِ بِالْإِنْصَافِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: انصاف نيست كه انسان از برادران خود انصاف بخواهد.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَدَعَاهُ فَقَالَ إِنَّ فُلَاناً صَنَعَ لَكَ طَعَاماً فَقَالَ أَقْرِئْهُ مِنِّى السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ أَنَا وَ مَنْ مَعِى فَرَجَعَ الرَّسُولُ فَقَالَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ قَالَ فَقُمْنَا وَ كُنَّا ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَأَتَيْنَا الْبَابَ فَاسْتَأْذَنَ فَخَرَجَ رَبُّ الْبَيْتِ فَأَخَذَ بِيَدِ سَلْمَانَ فَأَدْخَلَهُ الْبَيْتَ فَأَمَرَ رِفْقَتَنَا عَنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ فَأَجْلَسَهُ وَ حَلَّ زِرَّ قَمِيصِهِ وَ كَانَ أَيَّامَ حَرٍّ فَفَرِحَ مِنْهُ فَضَحِكَ سَلْمَانُ فَفَرِحْنَا بِضِحْكِهِ فَقُلْنَا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا الَّذِى أَضْحَكَكَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِتَكْرِمَةٍ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَى عَبْدٍ فَلَا يُعَذِّبُهُ أَبَدا

مردى خدمت سلمان فارسى رحمه‌الله آمد و او را دعوت نمود، و گفت : فلانى غذايى براى شما تهيه كرده ، سلمان گفت : سلام مرا به او برسان و به او بگو: من و هر كه با من هست بياييم ؟ آن شخص رفت و برگشت و گفت : همگى بياييد، مرد گفت : برخاستيم در حالى كه سيزده نفر بوديم به در آن خانه رسيديم ، سلمان اجازه ورود خواست ، صاحب خانه بيرون آمد و دست سلمان را گرفته و وارد خانه كرد، و به دوستان ما امر كرد كه طرف راست و چپ او بنشينند، او سلمان را نشاند و چون هوا گرم بود دكمه پيراهنش را باز نمود و خوشحال شد، سلمان خنده اش گرفت ، همگى ما نيز خنديديم ، و گفتيم : اى ابا عبد اللّه ! چرا خنديدى ؟ گفت : از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: هر مسلمانى كه برادر مسلمان خود را احترام كند، و در اين عمل نيت خدايى داشته باشد، خداوند به او نظر مى كند، و هر كه مورد نظر خداوند قرار گيرد هرگز عذاب نشود.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ أُهْدِيَ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ رَأْسُ شَاةٍ مَشْوِيٌّ فَقَالَ إِنَّ أَخِى فُلَاناً وَ عِيَالَهُ أَحْوَجُ إِلَى هَذَا حَقّاً فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ يَبْعَثُ بِهِ وَاحِدٌ إِلَى وَاحِدٍ حَتَّى تَدَاوَلُوا بِهَا سَبْعَةَ أَبْيَاتٍ حَتَّى رَجَعَتْ إِلَى الْأَوَّلِ فَنَزَلَ وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ فِى رِوَايَةٍ فَتَدَاوَلَتْهُ تِسْعَةُ أَنْفُسٍ ثُمَّ عَادَ إِلَى الْأَوَّلِ

انس گويد: به يكى از اصحاب پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله سر يك گوسفند بريان شده اى هديه شد، او گفت : فلان برادرم و خانواده اش از من بيشتر نيازمندند، سر گوسفند را نزد او بردند، او نيز به ديگرى حواله كرد، تا به هفت نفر حواله شد، و سرانجام به دست همان نفر اول رسيد. در اينجا اين آيه نازل شد: (و بر خود سختى مى گيرند، گرچه به ضررشان باشد، و هر كه بخل نورزد رستگار خواهد بود).

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَنِ اغْتِيبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَ أَعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ وَ مَنِ اغْتِيبَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ وَ لَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ وَ عَوْنِهِ خَوَّفَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر مؤمنى كه نزدش غيبت مؤمن ديگرى كنند و او از آن مؤمن دفاع كند، خداوند او را در دنيا و آخرت يارى كند، و هر كه غيبت مؤمنى را بشنود و در حالى كه قدرت دفاع دارد از او دفاع نكند، خداوند او را در دنيا و آخرت خواهد ترسانيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَرَضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ وَجْهَهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: هر كه متعرض برادر مسلمانش شود (و سخن او را قطع كند)، مثل اين است كه چهره اش را مخدوش گردانيده .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ أَخِيهِ يُمِيطُ عَنْهُ الْأَذَى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن همانند آئينه اى براى برادر مؤمنش است ، ناراحتيها را از او بر طرف مى سازد.

## فصل دوم : در آداب معاشرت

الفصل الثانى فى آداب المعاشرة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَيْفَ يَنْبَغِى لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ فَقَالَ تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَ تُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ تَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ تَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ

معاوية بن وهب گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : رفتار ما با كسانى كه با ما معاشرت دارند يا با ما هم فكرند چگونه سزاوار است باشد؟ فرمود: امانت را به آنان برگردانيد، اگر از شما شهادت خواستند، در شهادت و گواهى آنها شركت نماييد، بيمارانشان را عيادت كنيد، و از جنازه آنان مشايعت كنيد.

عَنْهُ قَالَ احْضُرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَسَاجِدَكُمْ وَ أَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَ مَا يَسْتَحِى الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارُهُ حَقَّهُ وَ لَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با هم فكران خود در مساجدتان حضور بهم رسانيد، و آنچه را براى خود مى پسنديد براى مردم بپسنديد، آيا شرم نمى كند كسى كه همسايه اش حق او را بشناسد، ولى او حق همسايه اش را نشناسد؟

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنّا نَراكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فَقَالَ كَانَ يُوَسِّعُ لِلْجَلِيسِ وَ يَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتَاجِ وَ يُعِينُ الضَّعِيفَ

امام صادق عليه‌السلام در مورد آيه (و ما تو را از نيكوكاران مى دانيم) فرمود: آنكه براى همنشين خود در مجلس جا باز كند، و به نيازمند وام دهد، و درمانده را يارى كند.

عَنْهُ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ مَا يُعْتَذَرُ مِنْهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِى ءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ وَ الْمُنَافِقَ يُسِى ءُ كُلَّ يَوْمٍ وَ يَعْتَذِرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بپرهيزيد از عملى كه باعث عذر خواهى شما شود، زيرا مؤمن عملى را انجام نمى دهد كه بعد عذر خواهى كند، و منافق هر روز بدى مى كند و عذر مى خواهد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَّانَ السَّبَّابَ الطَّعَّانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ وَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يُحِبُّ الْحَيِيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ

امام باقر عليه‌السلام در مورد آيه (و به مردم سخنان نيك گوييد)، فرمود: بهترين چيزى را كه دوست داريد در مورد شما گفته شود به مردم بگوييد، زيرا خداوند نفرين كننده و فحش دهنده و طعن زننده بر مؤمنان و بدزبان ، و گداى حريص و پررو را دوست ندارد، و افراد آبرومند بردبار با عفّت عفّت پيشه را دوست دارد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَنْ خَالَطْتَ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَافْعَلْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: با هر كه معاشرت دارى اگر مى توانى دست عطايت را به سرشان بكشى ، و به آنها خيرى رسانى ، آن را انجام بده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ ثَلَاثَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَتَنَاجَيَانِ مِنْهُمْ اثْنَانِ دُونَ صَاحِبِهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَحْزُنُهُ وَ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه سه نفر از مؤمنان با هم هستند، دو نفر آنان در گوشى با هم صحبت نكنند، زيرا مايه اندوه و آزار رفيق سوم است .

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ اذْكُرْ أَخَاكَ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ بِمَا تُحِبُّ أَنْ يَذْكُرَكَ بِهِ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ وَ دَعْهُ مِنْ كُلِّ مَا تُحِبُّ أَنْ يَدَعَكَ مِنْهُ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْعَمَلُ وَ اعْمَلْ عَمَلَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَجْزِيٌّ بِالْإِحْسَانِ مَأْخُوذٌ بِالْإِجْرَامِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: برادر خود را هنگامى كه غايب است طورى ياد كن كه دوست مى دارى او تو را ياد كند، و واگذار او را از آنچه دوست مى دارى كه تو را از آن واگذارد، زيرا اين از عمل صالح است ، و بمانند كسى كار انجام ده كه مى داند جزاى خير و شر عمل او دامنگيرش ‍ مى شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تمام شئونات مؤمن محترم است : آبرويش ، و مالش ، و خونش .

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَّعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِى جَوْفِ بَيْتِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: لغزشهاى مؤمنان را جستجو نكنيد، زيرا هر كه لغزشهاى برادر مؤمنش را جستجو كند، خداوند لغزشهايش را دنبال كند، و هر كه خداوند لغزشهايش را دنبال نمايد رسوايش سازد، گرچه درون خانه اش باشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَأَنْ أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ

على عليه‌السلام فرمود: اصلاح كردنم ميان دو نفر نزد من محبوبتر است از اينكه دو دينار صدقه دهم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ الْكَذِبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعْتَ بِهِ مُؤْمِناً أَوْ دَفَعْتَ بِهِ عَنْ دِينِ الْمُسْلِمِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر دروغى حرام است ، مگر دروغى كه سودى براى مؤمنى داشته باشد، يا بخواهى از دين و عقيده مسلمان دفاع كنى .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقْرِيبٌ إِذَا تَبَاعَدُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: صدقه اى كه خداوند دوست دارد، اصلاح ميان مردم است ، زمانى كه با هم نزاع دارند، و نزديك نمودن آنها به يك ديگر هنگامى كه از هم دور شوند.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمِزَاحُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مؤمنى نيست جز اينكه در او دعابه است ، سؤ ال شد: دعابه چيست ؟ فرمود: شوخى كردن .

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِيَّاكُمْ وَ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ يَجُرُّ السَّخِيمَةَ وَ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَ هُوَ السَّبُّ الْأَصْغَرُ

على عليه‌السلام فرمود: از شوخى بپرهيزيد كه كينه آورد، و دشمنى به جاى گذارد، شوخى با اشخاص خود فحش كوچك است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ مَهَابَةِ الرَّجُلِ كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ يَجْلِسُونَ فَيَلْهَوْنَ وَ يَتَحَدَّثُونَ وَ يَضْحَكُونَ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللّهِ فَلَمَّا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَيْهِمْ هَذِهِ الاْيَةَ تَرَكُوا الْحَدِيثَ وَ اللَّهْوَ وَ الْمِزَاحَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از مزاح دورى كنيد كه آبرو مى برد، و شكوه و بزرگى مردان را از بين مى برد، ياران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله جمع مى شدند و سخنان لغو و بيهوده مى گفتند و مى خنديدند، تا اينكه اين آيه شريفه را خداوند نازل فرمود: (آيا وقت آن نرسيده كه كسانى كه ايمان آورده اند دلهايشان با ياد خدا خاضع شود) هنگامى كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله اين آيه را تلاوت فرمود، سخن گفتن و لغو و شوخى را رها كردند.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا كَانَ يَبْكِى وَ لَا يَضْحَكُ وَ كَانَ عِيسَى يَضْحَكُ وَ لَا يَبْكِى وَ كَانَ الَّذِى يَصْنَعُ عِيسَى أَفْضَلَ مِمَّا يَصْنَعُ يَحْيَى

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: يحيى بن زكريا عليه‌السلام گريه مى كرد و نمى خنديد، و عيسى عليه‌السلام مى خنديد و مى گريست ، و آنچه را عيسى عمل مى كرد از يحيى بهتر بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ضِحْكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خنده مؤمن تبسّم است .

وَ فِى رِوَايَةٍ قَالَ إِذَا قَهْقَهْتَ فَقُلْ اللَّهُمَّ لَا تَمْقُتْنِى

در روايت ديگر آمده كه : هر گاه با صداى بلند خنديدى بگو: بار خدايا! مرا مورد بغض خود قرار مده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنَ الْجَهْلِ الضِّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ

على عليه‌السلام فرمود: خنده بى مورد از نادانى است .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام كَثْرَةُ الضِّحْكِ تَمُجُّ الْإِيمَانَ مَجّاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خنده بسيار ايمان را به يك سو پرتاب كند.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِراً فَكَنِّهِ وَ إِذَا كَانَ غَائِباً فَسَمِّهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: در حضور مرد كنيه اش را بگو، و در غيابش ‍ نامش را ببر.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ أَنْ يُشْبِعَ جَوْعَتَهُ وَ يُوَارِيَ عَوْرَتَهُ وَ يُفَرِّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ وَ يَقْضِيَ دَيْنَهُ فَإِذَا مَاتَ خَلَّفَهُ فِى أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: از حق مؤمن بر برادر مؤمنش اين است كه گرسنگى او را رفع كند، و زشتيهايش را بپوشاند، و از گرفتاريش نجات بخشد، و قرضش را بپردازد، و چون بميرد نسبت به خانواده و فرزندانش از او جانشينى كند.

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا فِيهَا حَقٌّ إِلَّا وَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ خَالَفَهُ خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ تَرَكَ طَاعَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ نَصِيبٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدِّثْنِى مَا هِيَ قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ يُحِبَّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهَ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَ الْحَقُّ الثَّانِى أَنْ يَمْشِيَ فِى حَاجَتِهِ وَ يَبْتَغِيَ رِضَاهُ وَ لَا يُخَالِفَ قَوْلَهُ وَ الْحَقُّ الثَّالِثُ أَنْ تَصِلَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ وَ لِسَانِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ دَلِيلَهُ وَ مِرْآتَهُ وَ قَمِيصَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعَ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَعْرَى وَ لَا تَرْوَى وَ يَظْمَأُ وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ تَكُونَ لَكَ امْرَأَةٌ وَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ امْرَأَةٌ وَ لَا خَادِمٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعَ طَعَامَهُ وَ يُمَهِّدَ فِرَاشَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبِرَّ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ تَعُودَهُ فِى مَرَضِهِ وَ تَشْخَصَ بِبَدَنِكَ فِى قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَ لَا تُحْوِجَهُ إِلَى أَنْ يَسْأَلَكَ وَ لَكِنْ تُبَادِرُ إِلَى قَضَاءِ حَوَائِجِهِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ وَصَلْتَ وَلَايَتَهُ بِوَلَايَتِكَ وَ وَلَايَتَكَ بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق واجب دارد، كه اگر مخالف آن عمل كند از فرمان و اطاعت خدا خارج شده ، و خداوند در اين حقوق بهره اى ندارد، عرض كردم :

فدايت شوم ، آن حقوق را بيان فرماييد كه چيست ؟

فرمود: آسانترين آنها آنكه هر چه براى خودت دوست دارى براى او هم دوست بدار، و هر چه براى خودت نمى پسندى براى او هم مپسند، و حقّ دوم اينكه : حاجتش را بر آورى و رضايتش را كسب كنى ، و با گفتارش ‍ مخالفت نكنى ، و حقّ سوم اينكه : با جان و مال و دست و پا و زبانت او را يارى كنى ، و حقّ چهارم اينكه : چشم و راهنما و آيينه او و حافظ سرّش ‍ باشى ، و حقّ پنجم اينكه : تو سير نباشى و او گرسنه ، و تو نباشى پوشيده نباشى و او برهنه ، و سيراب نباشى و او تشنه ، و حقّ ششم اينكه : اگر تو زن و خادم دارى و او زن و خادم ندارد، خادمت را براى شستن لباسش و پختن غذايش و پهن نمودن رختخوابش بفرستى ، و اين روابطى است كه بين شما مقرر شده است .

و حقّ هفتم اينكه : سوگندش را تصديق كنى ، و دعوتش را بپذيرى ، و در بيماريش به عيادت او بروى ، و بر جنازه اش حاضر شوى ، و در رفع حوائجش بكوشى ، و نگذارى كه از تو چيزى بخواهد، بلكه در بر آوردن حاجتش مبادرت ورزى ، هر گاه چنين كردى دوستى او را به دوستى خود، و دوستى خود را با دوستى خدا پيوند زده اى .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ تَوَلَّى أَمْراً مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَ فَتَحَ بَابَهُ وَ رَفَعَ سِتْرَهُ وَ نَظَرَ فِى أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه عهده دار امرى از امور مردم شود، و با عدالت رفتار كند، و در خانه اش را به روى مردم باز نمايد، و پرده خانه را كار زند، و در امور مردم نظر نمايد، بر خداوند متعال حق است كه روز قيامت او را نترساند و به بهشت برد.

سُئِلَ مَا أَدْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْهُ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: پايين ترين حق مؤمن بر برادرش ‍ چيست ؟ فرمود: اين است كه در آنچه كه برادر مؤمنش به آن محتاج تر است خود را مقدّم ندارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِعليه‌السلام حِينَ دَخَلَ مُؤَدِّبُهُ قُمْ لِمَوْلَاكَ

على عليه‌السلام هنگامى كه معلّم فرزندش حسن عليه‌السلام وارد مى شد مى فرمود: جلوى مولايت بايست .

سُئِلَ مَا أَدْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْهُ

از امام صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: كمترين حق مؤمن بر برادرش ‍ چيست ؟ فرمود: آنست كه نيازهاى ضرورى او را بر نياز خود مقدم دارد

رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ إِذَا أَتَاكُمْ سَيِّدُ قَوْمٍ فَاعْرِفُوا سُؤْدَدَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه بزرگ گروهى نزد شما آمد، منزلت او را بزرگ شماريد.

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ الْمُؤْمِنُ الَّذِى يُخَالِطُ النَّاسَ وَ يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الَّذِى لَا يُخَالِطُهُمْ وَ لَا يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمنى كه با مردم معاشرت مى كند، و بر اذيّتهاى آنان صبر مى نمايد، از كسى كه در اجتماعات آنها شركت نمى كند و بر اذيّتهاى آنان صبر نمى كند اجرش بيشتر است .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُوَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: با همدردى با برادرانتان به خدا تقرّب جوييد.

وَ قَالَعليه‌السلام الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: احترام مؤمن از كعبه بالاتر است .

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا جَاءَ الرَّجُلُ فَاسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ مِمَّنْ هُوَ فَإِنَّهُ أَوْصَلُ لِلْمَوَدَّة

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه مردى نزد شما آمد از نامش و نام پدرش و محل زندگانيش سؤ ال كنيد، زيرا اين سؤ الات ايجاد محبت مى كند.

وَ قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ فَلَا يَرْفَعَنَّ إِلَيْنَا عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس به خدا و روز قيامت ايمان دارد، نبايد اسرار زندگى برادر مسلمانش را به مابگويد.

وَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله غَيْضَةً وَ مَعَهُ صَاحِبٌ لَهُ فَقَطَعَ غُصْنَيْنِ أَحَدُهُمَا أَعْوَجُ وَ الاْخَرُ مُسْتَقِيمٌ وَ دَفَعَ إِلَى صَاحِبِهِ الْمُسْتَقِيمَ وَ حَبَسَ لِنَفْسِهِ الْأَعْوَجَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَنْتَ أَحَقُّ بِهَذَا مِنِّى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَلّا مَا مِنْ مُؤْمِنٍ صَاحَبَ صَاحِباً إِلَّا وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به همراه يك نفر وارد نيزارى شدند، و دو شاخه را قطع نمودند، يكى از آن دو كج بود و ديگرى راست ، شاخه راست را به همراه خود دادند و شاخه كج را خود برداشت ، مرد گفت : اى رسول خدا! تو از من به اين سزاوارترى ، فرمود: هرگز، هر مؤمنى كه با رفيقش و لو يك ساعت همراه باشد روز قيامت باز خواست مى شود.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ اضْمَنْ لِى خَصْلَةً أَضْمَنْ لَكَ ثَلَاثاً فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْخَصْلَةُ الَّتِى أَضْمَنُهَا لَكَ وَ مَا الثَّلَاثُ الَّتِى تَضْمَنُ لِى قَالَ فَقَالَ أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِى أَضْمَنُ لَكَ أَنْ لَا يُصِيبَكَ حَرُّ الْحَدِيدِ أَبَداً بِقَتْلٍ وَ لَا فَاقَةٍ وَ لَا سِجْنٍ حَبْسٍ قَالَ فَقَالَ عَلِيٌّ وَ مَا الْخَصْلَةُ الَّتِى أَضْمَنُهَا لَكَ قَالَ فَقَالَ تَضْمَنُ لِى أَنْ لَا يَأْتِيَكَ وَلِيٌّ أَبَداً إِلَّا أَكْرَمْتَهُ قَالَ فَضَمِنَ عَلِيٌّ الْخَصْلَةَ وَ ضَمِنَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ الثَّلَاثَ

امام رضا عليه‌السلام به على بن يقطين فرمود: اگر يك خوى و خصلت را برايم ضامن شوى ، من سه چيز را بر تو ضمانت كنم ، گفت : فدايت شوم ، آن خصلتى كه من آن را قبول كنم و سه خصلتى كه شما ضمانت مى كنيد چيست ؟ فرمود: اما سه خصلتى را كه من ضمانت مى كنم : اينكه حرارت آهن را با كشته شدن نچشى ، و گرفتار فقر و تنگدستى نشوى ، و در زندان نيفتى ، على بن يقطين گفت : شرطى را كه من بايد انجام دهم چيست ؟ فرمود:

هر گاه يكى از دوستان (اهل بيت) نزد شما آمد او را احترام كنيد، او قول داد اين كار را بكند و امام عليه‌السلام هم سه تعهد خوب را ضمانت فرمود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ الْخُرُوجِ عَنْ مَعَاصِى اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُخَالَطَةَ مَنْ خَالَطَهُ وَ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ وَ مُجَامَلَةَ مَنْ جَامَلَهُ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ وَ عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ وَ التَّقِيَّةِ وَ الْكِتْمَانِ فَإِنِّى وَ اللَّهِ نَظَرْتُ يَمِيناً وَ شِمَالًا فَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ أَخَذُوا هَكَذَا وَ هَكَذَا أَخَذْتُ الْجَادَّةَ فِى غُمَارِ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر شما باد به ترس از خدا و راستگوئى ، و پرهيزگارى و كوشش در عبادت ، و ترك گناهان ، و آگاه باشيد! هر كس بر غضب و خشم خود مسلط نباشد از ما نيست ، و هر كه با همراه خود حق رفاقت را مراعات نكند و خوب رفاقت نكند، و معاشرتش خوب نباشد و همسايه را آزار دهد و به همنشين خود ستم كند و آداب غذا خوردن را رعايت نكند و با او مخالفت كند از ما نيست .

پرهيزگار باشيد و از بدگويى به مردم دست برداريد، و تقيه كنيد و اسرار خود را حفظ نماييد، بخدا قسم من به راست و چپ نظر كردم ، و چون مردم را ديدم كه هر كدام به راهى مى روند، من در بين آن گرد و غبار مردم راه راست را برگزيدم ، اينك شما هم تا مى توانيد از خدا بترسيد، و هيچ قدرتى جز قدرت خدا نيست .

قَالَعليه‌السلام مَنْ كَلَّفَ أَخَاهُ حَاجَةً فَلَمْ يُبَالِغْ فِيهَا فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس برادر دينى خود را به كارى كه در حدّ توان او نيست وادار نمايد، به خدا و رسولش خيانت كرده است .

وَ قَالَ مَنْ عَرِقَتْ جَبْهَتُهُ فِى حَاجَةِ أَخِيهِ فِى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُعَذَّبْ بَعْدَ ذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس در راه بر آوردن حاجت برادر مؤمنش عرق بريزد، بعد از آن عذاب نمى شود.

## فصل سوم : در اذن ورود به منازل

الفصل الثالث فى الاستئذان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ إِذَا بَلَغَ أَحَدُكُمْ حُجْرَتَهُ فَلْيُسَمِّ يَرْجِعُ قَرِينُهُ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ تَنْزِلُهُ الْبَرَكَةُ وَ تُؤْنِسُهُ الْمَلَائِكَةُ

على عليه‌السلام فرمود: هر گاه خواستيد وارد اطاقتان شويد «بسم اللّه» بگوييد تا شيطان همراهش فرار كند، و هر گاه داخل خانه خود شديد سلام كنيد، تا بركت بر آن نازل شود، و فرشتگان با اهل منزل انس ‍ مى گيرند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ سَلِّمْ عَلَى أَهْلِكَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ مَنْزِلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه وارد منزلت شدى «بسم اللّه و باللّه» بگو، و بر خانواده ات سلام كن ، و اگر كسى در خانه نبود، بگو: «بسم اللّه و سلام على رسوله و على اهل بيته ، و السّلام علينا و على عباد اللّه الصالحين»، هر گاه اين را گفتى شيطان از منزلت فرار مى كند.

وَ عَنْهُ قَالَ يُسَلِّمُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَى أَهْلِهِ وَ إِذَا دَخَلَ يَضْرِبُ بِنَعْلَيْهِ وَ يَتَنَحْنَحُ يَصْنَعُ ذَلِكَ حَتَّى يُؤْذِنَهُمْ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ حَتَّى لَا يَرَى شَيْئاً يَكْرَهُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مرد وارد بر خانواده اش مى شود سلام مى كند، و هر گاه داخل شد كفشش را به زمين مى كوبد و سرفه مى كند، اين كار را مى كند تا آنان را به ورودش اطلاع دهد، تا چيزى نبيند كه او را ناراحت نمايد.

وَ قَالَ فِى قَوْلِهِ لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلى أَهْلِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ قَالَ الِاسْتِينَاسُ وَقْعُ النَّعْلِ وَ التَّسْلِيمُ

امام صادق عليه‌السلام در باره آيه (به خانه هايى غير از خانه هاى خود وارد نشويد تا استيناس نموده و بر اهل آن خانه سلام كنيد، اين براى شما خير است)، فرمود: استيناس ، سلام كردن و كوبيدن پا بر زمين هنگام ورود به منزل مى باشد.

عَنْهُ قَالَ إِذَا اسْتَأْذَنَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَسْتَأْذِنْ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ قَبْلَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى قَعْرِ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا أُمِرْتُمْ بِالاسْتِئْذَانِ مِنْ أَجْلِ الْعَيْنِ وَ الِاسْتِئْذَانُ ثَلَاثُ مَرَّاتٍ فَإِنْ قِيلَ ادْخُلْ فَلْيَدْخُلْ وَ إِنْ قِيلَ ارْجِعْ فَلْيَرْجِعْ أُولَاهُنَّ يَسْمَعُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ الثَّانِيَةُ يَأْخُذُ أَهْلُ الْبَيْتِ حِذْرَهُمْ وَ الثَّالِثَةُ يَخْتَارُ أَهْلُ الْبَيْتِ إِنْ شَاءُوا أَذِنُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ يَأْذَنُوا ثُمَّ لْيَرْجِعْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه اذن ورود به خانه را گرفتيد اول سلام كنيد، كه يكى از نامهاى خداوند مى باشد، البته اجازه گرفتن بايد از پشت در قبل از نگاه كردن به داخل خانه باشد، شما امر به اجازه گرفتن شده ايد به خاطر آنچه چشمتان مى بيند.

اذن ورود بايد سه مرتبه باشد، و هر گاه اجازه دادند داخل شويد، و اگر گفتند برگرد بايد فورا مراجعت كنى ، اجازه اول براى شنيدن اهل خانه است ، دوم براى حفظ حجاب آنها، سوم از اين جهت كه خواستند اذن دهند يا ندهند، و اگر اذن ندادند بايد برگردد.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا أَتَى بَابَ قَوْمٍ لَمْ يَنْصَرِفْ حَتَّى يُؤْذِنَ بِالسَّلَامِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هر گاه در منزلى مى رفتند بر نمى گشتند مگر اينكه سه بار به اهل منزل سلام مى كردند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ فَلْيَسْتَأْذِنِ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ وَ مَنْ بَلَغَ الْحُلُمَ فَلَا يَلِجْ عَلَى أُمِّهِ وَ لَا عَلَى أُخْتِهِ وَ لَا عَلَى خَالَتِهِ وَ لَا عَلَى سِوَى ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنٍ وَ لَا يَأْذَنُوا حَتَّى يُسَلِّمَ وَ السَّلَامُ طَاعَةٌ مِنَ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: غلامان شما كه در منزلتان خدمت مى كنند و كسانى كه هنوز به حدّ بلوغ نرسيده اند بايد به امر خداوند سه بار اذن ورود بخواهند، و افراد بالغ اگر بخواهند بر مادر يا خواهر يا خاله خود و غير آنها وارد شوند بايد اجازه بگيرند، و به اذن تنها اكتفا نكنند تا اينكه سلام كنند، و سلام طاعتى است از خدا.

وَ عَنْهُ فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرّاتٍ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الْمَمْلُوكُونَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْعَوْرَاتِ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ وَ هِيَ الْعَتَمَةُ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ يَدْخُلُ مَمْلُوكُكُمْ بَعْدَ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْعَوْرَاتِ بِغَيْرِ إِذْنٍ إِنْ شَاءُوا

امام صادق عليه‌السلام در باره قول خداى عزّ و جلّ (اى مؤمنين غلامان شما و كسانى كه به حدّ بلوغ نرسيده اند بايد سه مرتبه اذن بگيرند) فرمود: آنها خدمتكاران (زن و مرد) و بچه هايى هستند كه به حدّ بلوغ نرسيده اند، كه در سه مكان از شما اذن مى گيرند: بعد از نماز عشاء، كه هنگام خواب است (و گاه عوض كردن لباسهايتان هنگام ظهر و بعد از نماز عشاء)، و غلامان شما بعد از اين سه مورد اگر بخواهند بر شما وارد شوند اذن نمى خواهد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يُرِيدُ فَاطِمَةَصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ أَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ دَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ قَالَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ قَالَتْ ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ أَنَا وَ مَنْ مَعِى فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَى رَأْسِى قِنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِى فَضْلَ مِلْحَفَتِكِ فَقَنِّعِى بِهِ رَأْسَكِ فَفَعَلَتْ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنَا وَ مَنْ مَعِى قَالَتْ وَ مَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ وَ دَخَلْتُ وَ إِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ أَصْفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادَةٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا لِى أَرَى وَجْهَكِ أَصْفَرَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنَ الْجُوعِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجَوْعَةِ وَ دَافِعَ الضَّيْعَةِ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَالَ جَابِرٌ فَوَ اللَّهِ لَنَظَرْتُ إِلَى الدَّمِ يَنْحَدِرُ مِنْ قُصَاصِهَا حَتَّى عَادَ وَجْهُهَا أَحْمَرَ فَمَا جَاعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الْيَوْمِ

جابر بن عبد اللّه گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از منزل خارج شد و به طرف منزل فاطمه عليها‌السلام حركت كرد، و من در خدمت آن حضرت بودم ، هنگامى كه به در منزل رسيد دست خود را روى در گذارد و آن را تكان داد، و فرمود: السّلام عليكم ، فاطمه عليها‌السلام فرمود: و عليكم السّلام يا رسول اللّه ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: وارد شوم ؟ فرمود: بفرماييد اى رسول خدا، فرمود: من و همراهم ؟ فرمود: اى رسول خدا بر سرم مقنعه نيست ، فرمود: اى فاطمه اضافه پارچه اى كه در دست دارى مقنعه ات كن ، حضرت هم همين كار را كرد، سپس پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: السّلام عليكم ، فرمود: و عليكم السّلام يا رسول اللّه ، پيامبر فرمود:

وارد شوم ؟ فرمود: بلى اى رسول خدا، حضرت فرمود: من و همراهم ؟ فرمود: و آنكه با شماست .

جابر گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شد، منهم وارد شدم و در اين هنگام چهره فاطمه را ديدم كه زرد شده ! و گويا به رنگ شكم ملخ است ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چرا صورتت زرد شده ؟ فرمود: اى رسول خدا، از گرسنگى ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى خدايى كه گرسنگان را سير و بر طرف كننده هلاكتى ، فاطمه دختر محمّد را سير كن ، جابر گويد:

بخدا قسم در اين هنگام مشاهده كردم كه خون از بالاى پيشانى ايشان در تمام صورت (زير پوست) جريان پيدا كرد، و صورت حضرت سرخ شد، و بعد از آن دعا، هرگز گرسنه نشد.

عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ حَسَنٌ الْعَطَّارُ فَسَلَّمْنَا عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ فَرَدَّ عَلَيْنَا السَّلَامَ ثُمَّ نَظَرْنَا أَنْ يَقُولَ لَنَا ادْخُلُوا فَقَالَ مَا لَكُمْ لَا تَدْخُلُونَ أَ لَيْسَ قَدْ أَذِنْتُ أَ لَيْسَ قَدْ رَدَدْتُ عَلَيْكُمْ فَقَدْ أَذِنْتُكُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ مَا أَعْجَبَكُمْ يَكْتَفِى بِالْأَوَّلِ وَ فِى رِوَايَةٍ كَانَ عَلِيٌّعليه‌السلام يَسْتَأْذِنُ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ

حمزة بن حمران گويد: من و حسن عطّار خدمت حضرت صادق عليه‌السلام رسيديم و سلام كرديم ، حضرت سلام ما را پاسخ داد، سپس منتظر مانديم تا اجازه ورود دهد. فرمود:

چرا داخل نمى شويد، مگر به شما اذن ورود ندادم ؟ آيا جواب سلامتان را كه دادم اذن دخول نيست ؟ اى اهل عراق ، چرا تعجب مى كنيد؟ به همان اذن اول اكتفا مى شود. و در روايتى : على عليه‌السلام از اهل ذمّه هم اجازه ورود مى خواست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لِيَسْتَأْذِنِ الرَّجُلُ عَلَى بِنْتِهِ وَ أُخْتِهِ إِذَا كَانَتَا مُتَزَوِّجَتَيْنِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مرد بايد از دختر و خواهرش كه شوهر دارند اجازه ورود بخواهد.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ فِى خَبَرٍ طَوِيلٍ كَتَبْتُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا فِى سَحَرِ يَوْمِنَا جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فَدَقَّ الْبَابَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قُومِي فَافْتَحِى لَهُ الْبَابَ فَفَتَحْتُ لَهُ الْبَابَ فَأَخَذَ بِعِضَادَتَيِ الْبَابِ حَتَّى لَمْ يَسْمَعْ حِسّاً وَ لَا حَرَكَةً وَ صِرْتُ إِلَى خِدْرِى اسْتَأْذَنَ فَدَخَلَ تَمَامَ الْخَبَرِ

ام سلمه ضمن روايت طولانى گويد: روزى هنگام صبح امير المؤمنين عليه‌السلام به در خانه ما آمد و در زد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: برخيز و در را باز كن ، من در را برايش باز كردم ، امام عليه‌السلام دو طرف در را گرفت (تا در كاملا باز نشود) تا اينكه هيچ حس و حركتى از من نبيند، من به حجره ام رفتم ، ايشان اذن گرفته و داخل شد.

## فصل چهارم : در سلام كردن و معانقه

الفصل الرابع فى التسليم و المعانقة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام كَانَ يَقُولُ أَفْشُوا سَلَامَ اللَّهِ فَإِنَّ سَلَامَ اللَّهِ لَا يَنَالُ الظَّالِمِينَ

امام باقر عليه‌السلام مى فرمود: با صداى بلند سلام كنيد، زيرا سلام خداوند به ظالمان نمى رسد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا الْتَقَيْتُمْ فَتَلَاقَوْا بِالسَّلَامِ وَ التَّصَافُحِ وَ إِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالاسْتِغْفَارِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: هر گاه بهم رسيديد سلام كنيد و با يك ديگر دست دهيد، و هر گاه از هم جدا شديد استغفار كنيد.

عَنْهُ قَالَ إِذَا سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِسَلَامِهِ لَا يَقُولُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ وَ لَعَلَّهُ قَدْ يَكُونُ قَدْ سَلَّمَ وَ لَمْ يُسْمِعْهُمْ وَ إِذَا رَدَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِرَدِّهِ لَا يَقُولُ الْمُسَلِّمُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ لَا تَغْضَبُوا وَ لَا تُغْضِبُوا أَفْشُوا السَّلَامَ وَ أَطِيبُوا الْكَلَامَ وَ صَلُّوا بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ ثُمَّ تَلَا عَلِيٌّ قَوْلَ اللَّهِ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه يكى از شما خواست سلام كند، با صداى بلند سلام كند، و نگويد سلام كردم و جوابم را ندادند، ممكن است او سلام كند و كسى را نشنواند، و اگر پاسخ سلام مى دهيد بايد بلند جواب دهيد، تا سلام كننده نگويد سلام كردم و كسى جوابم را نداد.

سپس فرمود: على عليه‌السلام مى فرمود: غضب نكنيد و ديگران را هم به خشم نياوريد، با صداى بلند سلام كنيد، و سخنان پاكيزه و مفيد بر زبان آوريد، و در حالى كه مردم در خوابند نماز شب بخوانيد؛ تا به سلامت داخل بهشت شويد، سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ).

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ السَّلَامُ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِى وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: سلام كردن هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه براى ابتداكننده به سلام ، و يكى از آنها براى جواب دهنده است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: يك قسم از تواضع اين است كه كسى را كه ديدى به او سلام كنى .

وَ قَالَ الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بخيل كسى است كه در سلام كردن بخل بورزد

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ يُسَلِّمُ الرَّاكِبُ عَلَى الْمَاشِى وَ الْمَاشِى عَلَى الْقَاعِدِ وَ إِذَا لَقِيتَ جَمَاعَةً جَمَاعَةً سَلَّمَ الْأَقَلُّ عَلَى الْأَكْثَرِ وَ إِذَا لَقِيَ وَاحِدٌ جَمَاعَةً سَلَّمَ الْوَاحِدُ عَلَى الْجَمَاعَة

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سواره بر پياده سلام مى كند، و پياده بر نشسته ، و هر گاه گروهى با گروه ديگر ملاقات كرد آنهائى كه عده كمترى دارند بر كسانى كه تعدادشان بيشتر است سلام كنند، و هر گاه يك نفر با گروهى ملاقات نمود، همو بر جماعت سلام كند.

وَ عَنْهُ قَالَ الْقَلِيلُ يَبْدَءُونَ الْكَثِيرَ بِالسَّلَامِ وَ الرَّاكِبُ يَبْدَأُ الْمَاشِيَ وَ أَصْحَابُ الْبِغَالِ يَبْدَءُونَ أَصْحَابَ الْحَمِيرِ وَ أَصْحَابُ الْخَيْلِ يَبْدَءُونَ أَصْحَابَ الْبِغَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: افراد كم به افراد زياد سلام كنند، و سواره بر پياده ، و قاطر سواران بر الاغ سواران ، و اسب سواران بر قاطر سواران سلام كنند.

عَنْهُ قَالَ إِذَا سَلَّمَ الرَّجُلُ مِنَ الْجَمَاعَةِ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَ إِذَا سَلَّمَ عَلَى الْقَوْمِ وَ هُمْ جَمَاعَةٌ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يَرُدَّ وَاحِدٌ مِنْهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مردى از ميان گروه سلام كند از ديگران كفايت كند، و هر گاه بر گروهى سلام كرد و يكى از آنها جواب داد از بقيّه كفايت مى كند.

عَنْهُ قَالَ مَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ فَهِيَ عِشْرُونَ حَسَنَةً وَ مَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَهِيَ ثَلَاثُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بگويد «سلام عليكم»، ده حسنه برايش منظور گردد، و هر كه بگويد «سلام عليكم و رحمة اللّه» بيست حسنه ، و هر كه بگويد «سلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته» سى حسنه .

عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَرْدُدْنَ عَلَيْهِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَرْدُدْنَ عَلَيْهِ وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِى صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر زنان سلام مى كرد، و پاسخ سلام آنان را مى داد، امير المؤمنين عليه‌السلام به زنها سلام مى كرد و به آنان جواب مى داد، ولى از سلام كردن به زنهاى جوان كراهت داشت ، و مى فرمود: مى ترسم صدايش در من حالتى ايجاد كند، و ضررى بيش از اجرى كه مى خواستم نصيبم گردد.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلْيُوَدِّعْهُمْ بِالسَّلَامِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما (در مجلسى) از جايش حركت نمود كه خارج شود، با گفتن سلام با اهل مجلس وداع كند.

وَ قَالَ إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ لْيُصَافِحْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ فَاصْنَعُوا صَنِيعَ الْمَلَائِكَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما برادر دينى اش ‍ را ديد او سلام كند، و با او مصافحه نمايد، زيرا خداوند عزّ و جلّ به جهت سلام كردن به فرشتگان احترام گزارد، شما هم از فرشتگان پيروى كنيد.

مِنْ كِتَابِ الرَّوْضَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ عَلَى السَّكْرَانِ فِى سُكْرِهِ وَ عَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالنَّرْدِ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ أَنَا أَزِيدُكُمُ الْخَامِسَةَ أَنْهَاكُمْ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَى صَاحِبِ الشِّطْرَنْجِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از سلام كردن به چهار نفر نهى فرمود؛ بر مرد مست در حالت مستى ، بر كسى كه مجسمه مى سازد، بر كسى كه نرد بازى مى كند، بر كسى كه با چهارده مهره بازى مى كند (نوعى قمار كه در زمان جاهليت رواج داشته)، امام عليه‌السلام فرمود: من هم پنجمى را به آن اضافه مى كنم ، شما را نهى مى كنم از اينكه بر شطرنج باز سلام كنيد.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَ لَا عَلَى النَّصَارَى وَ لَا عَلَى الْمَجُوسِ وَ لَا عَلَى عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ وَ لَا عَلَى مَوَائِدِ شَرَابِ الْخَمْرِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الشِّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ وَ لَا عَلَى الْمُخَنَّثِ وَ لَا عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِى يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ لَا عَلَى الْمُصَلِّى وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمُصَلِّيَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدَّ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَ لَا عَلَى آكِلِ الرِّبَا وَ لَا عَلَى رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَى غَائِطٍ وَ لَا عَلَى الَّذِى فِى الْحَمَّامِ وَ لَا عَلَى الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بر يهودى سلام نكنيد، بر نصرانى ، مجوسى ، بت پرست ، و كسانى كه كنار سفره شراب نشسته اند، و بر شطرنج باز، و نردباز، و بر مردانى كه فقط صورت مردى دارند، و بر شاعرانى كه به زنان شوهردار تهمت مى زنند، و بر كسى كه در حال نماز خواندن است ، چون نمى تواند جواب سلام را بدهد، و چون سلام بر سلام كننده مستحب و جوابش واجب است ، و بر رباخوار، و بر كسى كه در حال قضاى حاجت است ، و بر كسى كه در حمام است ، و بر فاسقى كه فسقش را ظاهر مى سازد، سلام نكنيد.

وَ رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِى أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ سِتَّةٌ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِى السَّلَامُ عَلَيْهِمْ فَالْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ أَصْحَابُ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ أَصْحَابُ الْخَمْرِ وَ الْبَرْبَطِ وَ الطُّنْبُورِ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ وَ الشُّعَرَاءُ

على عليه‌السلام فرمود: شش گروه شايسته سلام نيستند، و شش عمل از اخلاق قوم لوط است ، امّا آنان كه شايسته سلام كردن نيستند: يهودى ، نصرانى ، نردباز، شطرنج باز، شراب خوار، تار و طنبور زن ، كسانى كه به وسيله فحش دادن به مادرهاى همديگر خوشمزگى و شادمانى مى كنند، و شاعران .

اما آن كارهايى كه از اخلاق قوم لوط است : مهره بازى ، بشكن زدن ، سقّز جويدن ، دامن كبر بر زمين ساييدن ، دكمه قبا و پيراهن باز گذاردن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْكَ الْيَهُودِيُّ أَوِ النَّصْرَانِيُّ أَوْ الْمُشْرِكُ فَقُلْ عَلَيْكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه يهودى يا نصرانى يا مشرك بر تو سلام كرد، بگو عليك .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ لَا تَبْدَءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالسَّلَامِ وَ إِذَا سَلَّمُوا فَقُولُوا عَلَيْكُمْ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: به اهل كتاب ابتدا به سلام نكنيد، و هر گاه آنها به شما سلام كردند، بگوييد عليكم .

قِيلَ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَيْفَ الدُّعَاءُ لِلْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِى دُنْيَاكَ

از حضرت صادق عليه‌السلام سؤ ال شد: براى يهود و نصارى چگونه دعا كنيم ؟ فرمود: بگوييد؛ خداوند به دنياى شما بركت دهد.

عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ فِى الْكِتَابِ قَالَ يُكْتَبُ سَلَامٌ عَلى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدى وَ فِى آخِرِهِ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

عيص بن قاسم گويد: از امام صادق عليه‌السلام در مورد چگونگى سلام كردن بر اهل كتاب در نامه پرسيدم ، فرمود: نوشته مى شود (و سلام بر كسى كه دنبال هدايت رفت) و در آخر نامه نوشته شود (و سلام بر پيامبران ، و ستايش خداى دو جهان را).

عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الرَّدِّ عَلَيْهِمْ فِى الْكِتَابِ فَكَرِهَ ذَلِكَ

ذريح گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره سلام كردن بر يهودى و نصرانى و جواب دادن به آنها در نامه پرسيدم ، امام عليه‌السلام جواب نامه دادن را مكروه دانستند.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَدْعُ أَحَداً إِلَى طَعَامِكَ حَتَّى يُسَلِّمَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ كس را به طعامت دعوت نكن مگر اينكه سلام كند.

وَ قَالَ السَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى فَأَفْشُوهُ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا مَرَّ بِالْقَوْمِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيْهِ يَرُدُّ عَلَيْهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَ أَطْيَبُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سلام يكى از نامهاى خداوند است ، آن را در بين خود رسميت دهيد، مرد سلام كننده هر گاه به جمعى سلام كند و آنها جوابش را ندهند، كسى پاسخش را مى دهد كه از آنها بهتر و پاكيزه تر است .

وَ قَالَ وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَ وَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ مِنَ الْفِرْدَوْسِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سوگند به آنكه جانم در دست اوست ، به بهشت نمى رويد مگر اينكه ايمان آوريد، و ايمان نخواهيد آورد مگر اينكه همديگر را دوست بداريد، اينك آيا شما را راهنمايى نكنم به چيزى كه اگر انجامش دهيد با يك ديگر دوست خواهيد شد؟ به يك ديگر بلند سلام كنيد.

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا فَضْلُ هَلْ تَدْرِى مَا تَفْسِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ مَعْنَاهُ عَلَى عَهْدِ اللَّهِ وَ مِيثَاقِهِ أَنْ لَا أَغْتَابَكَ وَ لَا أَعِيبَ عَلَيْكَ مَقَالَتَكَ وَ لَا أُرِيدَ زَلَّتَكَ فَإِذَا رَدَّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَقُولُ لَكَ عَلَيَّ مِثْلُ الَّذِى عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَقُولُونَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى فضل ؛ آيا تفسير «السّلام عليكم» را مى دانى ؟ هر گاه مردى به مرد ديگر بگويد: «السّلام عليكم و رحمة اللّه» ، يعنى : بر عهد و ميثاق با خدا متعهد شدم كه غيبتت را نكنم ، و از سخنت عيب نگيرم ، و لغزشت را دنبال نكنم ، و هر گاه آن مرد در جواب بگويد: «و عليكم السّلام و رحمة اللّه و بركاته» ، يعنى مى گويد: بر تو باد بر عهده من مثل آنكه بر عهده توست به اضافه رحمت خداوند، و خداوند هم بين آن دو در آنچه مى گويند گواه است .

مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ سَأَلَ السَّائِلُ الصَّادِقَعليه‌السلام عَنِ النِّسَاءِ كَيْفَ يُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَى الْقَوْمِ قَالَ الْمَرْأَةُ تَقُولُ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ الرَّجُلُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

كسى از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: وقتى زنان وارد محفلى مى شوند، چگونه سلام كنند؟ فرمود: زن مى گويد: «عليكم السّلام» ، و مرد مى گويد: «السّلام عليكم» .

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مِنْ رَأْسِ التَّوَاضُعِ أَنْ تَبْدَأَ بِالسَّلَامِ عَلَى مَنْ لَقِيتَ وَ تَرُدَّ عَلَى مَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ وَ أَنْ تَرْضَى بِالدُّونِ مِنَ الْمَجْلِسِ وَ لَا تُحِبَّ الْمِدْحَةَ وَ التَّزْكِيَةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سر منشأ تواضع اين است كه هر كه را ديدى به او سلام كنى ، و هر كه سلامت كرد جوابش دهى ، و در پايين مجلس بنشينى ، و از ستايش و تمجيد خوشحالى نكنى .

وَ قَالَ إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ وَ إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: عاجزترين مردم كسى است كه از دعا كردن عاجز باشد، و بخيل ترين مردم كسى است كه در سلام كردن بخل بورزد.

قَالَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رحمه‌الله ثَلَاثٌ مَنْ جَمَعَهُنَّ جَمَعَ الْإِيمَانَ الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ وَ الْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِكَ وَ بَذْلُ السَّلَامِ لِلْعَالِمِ

عمّار بن ياسر رحمه‌الله فرمود: هر كه سه چيز را با هم جمع كند ايمان را جمع نموده : انفاق در حال تنگدستى ، از خود گذشتگى ، و به همه مردم سلام كردن .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِى حَمْزَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَاحِقُونَ

على بن ابى حمزه گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : آيا بر اهل قبور سلام كنم ؟ فرمود:

آرى ، پرسيدم : چه بگويم ؟ فرمود: بگو؛ «السّلام على أ هل الديار من المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات ، أ نتم لنا فرط و إ نّا بكم إ ن شاء اللّه لاحقون»

يعنى : درود بر شما اى ساكنان خانه قبر از مؤمنان مرد و زن و مسلمانان زن و مرد، شما قبل از ماها رفته ايد، و به زودى ما به شما ملحق خواهيم شد.

## فصل پنجم : در مصافحه و بوسيدن

الفصل الخامس فى المصافحة و التقبيل

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ لْيُصَافِحْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ فَاصْنَعُوا صَنِيعَ الْمَلَائِكَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما برادرش را ملاقات نمود به او سلام كند و مصافحه نمايد، زيرا خداى عزّ و جلّ به اين كار ملائكه را گرامى داشت ، پس شما هم مثل ملائكه انجام دهيد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ فِى تَصَافُحِكُمْ مِثْلَ أُجُورِ الْمُهَاجِرِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مصافحه كردن شما پاداش مهاجران (در راه خدا) را دارد.

عَنْ أَبِى عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ زَامَلْتُ مَعَ أَبِى جَعْفَرٍ فَكَانَ إِذَا نَزَلَ يُرِيدُ حَاجَةً ثُمَّ رَكِبَ فَصَافَحَنِى قَالَ فَقُلْتُ كَأَنَّكَ تَرَى فِى هَذَا شَيْئاً قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ

ابو عبيده حذّاء گويد: با امام باقر عليه‌السلام همسفر بودم ، ايشان هر گاه براى انجام كارى از مركب خود پياده مى شد؛ و سپس سوار مى شد با من مصافحه مى نمود، عرض كردم : گويا شما از اين عمل مقصودى داريد؟ فرمود: آرى ، هر گاه دو مؤمن با هم مصافحه كنند بدون گناه از هم جدا شوند.

وَ عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِى يَلْزَمُ التَّصَافُحَ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الَّذِى يَدَعُ أَلَا وَ إِنَّ الذُّنُوبَ لَتَتَحَاتُّ فِيمَا بَيْنَهُمَا حَتَّى لَا يَبْقَى ذَنْبٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مردى با رفيقش مصافحه كند، آنكه زودتر شروع به مصافحه نمود اجرش بيشتر از ديگرى است ، بدانيد! با مصافحه بين آن دو؛ گناهان آنها مى ريزد به حدى كه ديگر گناهى باقى نمى ماند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَجُلًا قَطُّ فَنَزَعَ يَدَهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِى يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هرگز با مردى مصافحه ننمود، مگر اينكه دست خود را از دست او جدا نمى كرد تا اوّل آن مرد دستش را بكشد.

عَنْهُ أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُصَافِحَ الرَّجُلُ المَرْأَةَ وَ إِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مصافحه مرد با زن را جايز نمى دانست ، گرچه آن زن پير باشد.

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَجْرِ الْمُؤْمِنَيْنِ إِذَا الْتَقَيَا وَ اعْتَنَقَا فَقَالَ لَهُ إِذَا اعْتَنَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ فَإِذَا الْتَزَمَا لَا يُرِيدَانِ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَهُ وَ لَا يُرِيدَانِ عَرَضاً مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا مَغْفُورٌ لَكُمَا فَاسْتَأْنِفَا فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَى الْمُسَاءَلَةِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرّاً وَ قَدْ سَرَّ اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَ إِسْحَاقُ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَا يُكْتَبُ عَلَيْهِمَا لَفْظُهُمَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاّ لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ قَالَ فَتَنَفَّسَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ بَكَى حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ وَ قَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَعْتَزِلَ عَنِ الْمُؤْمِنَيْنِ إِذَا الْتَقَيَا إِجْلَالًا لَهُمَا وَ إِنَّهُ وَ إِنْ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا وَ لَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَإِنَّهُ يَعْرِفُهُ وَ يَحْفَظُهُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَ أَخْفَى

مردى از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: پاداش دو نفر مؤمن كه به هم برسند و با هم معانقه كنند چيست ؟ فرمود: هر گاه آنها با هم معانقه كنند رحمت فراگيرشان شود، و در صورتى كه با اين كار خود فقط رضاى خدا را در نظر داشته باشند، و غرض دنيوى در بين نباشد، به آن دو گفته مى شود: خداوند شما را رحمت كرد؛ عمل خود را از سر بگيريد، و هر گاه نزديك هم آيند تا با هم گفتگو كنند، فرشتگان به همديگر مى گويند: از آنها دور شويد كه گفتگوى سرّى دارند، و خداوند سرّ آنها را پنهان دارد.

اسحاق گويد: به امام عرض كردم ؛ فدايت شوم ، آيا براى آنها چيزى نوشته نمى شود، در صورتى كه خداى عزّ و جلّ فرموده : (هر چه از زبان آنها بيرون شود دو فرشته موكّل مى نويسند)؟ راوى گويد: امام عليه‌السلام آهى كشيد و اشكش جارى شد، تا حدّى كه محاسنش تر شد، و فرمود: اى اسحاق ، خداوند تبارك و تعالى به ملائك امر مى كند؛ هنگامى كه دو مؤمن به هم مى رسند به خاطر احترامشان از آن دو فاصله گيرند، اين به خاطر بزرگداشت آن دو است ، و گرچه فرشتگان چيزى از آنها ثبت نمى كنند و كلامشان را نمى شنوند، و لكن خداوندى كه به سخنان و اعمال پنهانى داناست ، آن را مى داند و حفظ مى كند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ سُرْعَةَ ائْتِلَافِ قُلُوبِ الْأَبْرَارِ إِذَا الْتَقَوْا وَ إِنْ لَمْ يُظْهِرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ كَسُرْعَةِ اخْتِلَاطِ مَاءِ السَّمَاءِ بِمَاءِ الْأَنْهَارِ وَ إِنَّ بُعْدَ ائْتِلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا الْتَقَوْا وَ إِنْ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ كَبُعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَ إِنْ طَالَ اعْتِلَافُهَا عَلَى مِذْوَدٍ وَاحِدٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سرعت الفت گرفتن دلهاى نيكان هنگام ملاقات با يك ديگر گرچه دوستى خود را هم به زبان ظاهر نكنند همانند سرعت مخلوط شدن آب باران با آب نهرهاست ، اما دورى انس و الفت افراد بدكار از يك ديگر هنگام ملاقات اگر چه محبت و دوستى خود را به زبان جارى كنند مثل دور بودن عواطف چهار پايان از يك ديگر است ، گرچه مدتى طولانى با هم در يك چراگاه علف بخورند.

وَ فِى رِوَايَةِ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَاعليه‌السلام فِى مُصَافَحَةِ الْمُسْلِمِ الْيَهُودِيَّ وَ النَّصْرَانِيَّ قَالَ مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ فَإِنْ صَافَحَكَ بِيَدِهِ فَاغْسِلْ يَدَكَ

ابو بصير گويد: از امام عليه‌السلام در باره مصافحه مسلمان با يهودى و نصرانى پرسيدم ، فرمود:

اگر پارچه اى فاصله شود مانع ندارد، ولى اگر با دست تو مصافحه كرد، دستت را بشوى .

وَ فِى رِوَايَةٍ إِذَا لَمْ تَجِدْ مَاءً فَامْسَحْ عَلَى الْحَائِطِ

و در روايتى است : اگر آب پيدا نكردى ، دستت را به ديوار بساى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لَكُمْ نُوراً تُعْرَفُونَ بِهِ فِى الدُّنْيَا حَتَّى إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ قَبَّلَهُ فِى مَوْضِعِ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شما (مؤمنين) نورانيتى در دنيا داريد، كه به وسيله آن شناخته مى شويد، به حدّى كه اگر يكى از شما برادرش را ملاقات كند همان موضع نورانى در پيشانيش را ببوسد.

وَ عَنْهُ قَالَ إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتَّ سِنِينَ فَلَا يَنْبَغِى لَكَ أَنْ تُقَبِّلَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه دخترى به سن شش سالگى رسيد، سزاوار نيست كه او را ببوسى .

وَ عَنْهُ قَالَ لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ وَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بوسيدن لب فقط براى زوجه و طفل كوچك جايز است .

وَ عَنْهُ قَالَ قَبَّلَ رَجُلٌ يَدَهُ فَقَالَ أَمَا إِنَّ هَذَا لَا يَصْلُحُ إِلَّا لِنَبِيٍّ أَوْ مَنْ أُرِيدَ بِهِ النَّبِيُّ

مردى دست حضرت صادق عليه‌السلام را بوسيد، امام عليه‌السلام فرمود: اين عمل جز براى پيغمبر و يا كسى كه مورد نظر پيغمبر باشد جايز نيست .

عَنْ أَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام قَالَ مَنْ قَبَّلَ لِلرَّحِمِ ذَا قَرَابَةٍ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ قُبْلَةُ الْأَخِ عَلَى الْخَدِّ وَ قُبْلَةُ الْإِمَامِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: هر كس يكى از ارحام خود را ببوسد مانعى ندارد، بوسه گاه برادر گونه او، و بوسه گاه امام پيشانى مبارك ايشان است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّ لَكُمْ نُوراً تُعْرَفُونَ بِهِ حَتَّى إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَافَحَ أَخَاهُ يَرَى بَشَاشَةً عِنْدَ تَسْلِيمِهِ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شما (مؤمنين) نورانيتى داريد كه به وسيله آن شناخته مى شويد، اگر يكى از شما بخواهد با برادرش مصافحه كند هنگام سلام كردن نورانيتى را در چهره اش مى بيند.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام بَيْنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فِى جَبَلِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ يَطْلُبُ الْمَرْعَى لِغَنَمِهِ إِذْ سَمِعَ صَوْتاً فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ يُصَلِّى طُولُهُ اثْنَا عَشَرَ شِبْراً فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ لِمَنْ تُصَلِّى قَالَ لِإِلَهِ السَّمَاءِ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ هَلْ بَقِيَ أَحَدٌ مِنْ قَوْمِكَ غَيْرُكَ قَالَ لَا قَالَ فَمِنْ أَيْنَ تَأْكُلُ قَالَ أَجْنِى مِنَ الشَّجَرِ فِى الصَّيْفِ وَ آكُلُهُ فِى الشِّتَاءِ قَالَ فَأَيْنَ مَنْزِلُكَ قَالَ فَأَومَى بِيَدِهِ إِلَى جَبَلٍ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ هَلْ لَكَ أَنْ تَذْهَبَ بِي مَعَكَ فَأَبِيتَ عِنْدَكَ اللَّيْلَةَ فَقَالَ إِنَّ قُدَّامِى مَاءً لَا يُخَاضُ قَالَ كَيْفَ تَصْنَعُ قَالَ أَمْشِى عَلَيْهِ قَالَ فَاذْهَبْ بِى مَعَكَ فَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِى مَا رَزَقَكَ قَالَ فَأَخَذَ الْعَابِدُ بِيَدِهِ فَمَضَيَا جَمِيعاً حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى الْمَاءِ فَمَشَى وَ مَشَى عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ مَعَهُ حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ أَيُّ الْأَيَّامِ أَعْظَمُ فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ يَوْمٌ يُدَانُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ فَهَلْ لَكَ أَنْ تَرْفَعَ يَدَكَ وَ أَرْفَعَ يَدِى فَنَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤْمِنَنَا شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَقَالَ لَهُ وَ مَا تَصْنَعُ بِدَعْوَتِى فَوَ اللَّهِ إِنَّ لِى لَدَعْوَةً مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ مَا أُجِبْتُ فِيهَا بِشَيْءٍ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ أَ وَ لَا أُخْبِرُكَ لِأَيِّ شَيْءٍ احْتُبِسَتْ دَعْوَتُكَ قَالَ بَلَى قَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً احْتَبَسَ دَعْوَتَهُ لِيُنَاجِيَهُ وَ يَسْأَلَهُ وَ يَطْلُبَ إِلَيْهِ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْداً عَجَّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ أَوْ أَلْقَى فِى قَلْبِهِ الْيَأْسَ مِنْهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ وَ مَا كَانَتْ دَعْوَتُكَ قَالَ مَرَّ بِى غَنَمٌ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ ذُؤَابَةٌ فَقُلْتُ يَا غُلَامُ لِمَنْ هَذَا الْغَنَمُ قَالَ لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لَكَ فِى الْأَرْضِ خَلِيلٌ فَأَرِنِيهِ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ فَقَدِ اسْتَجَابَ لَكَ أَنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فَعَانَقَهُ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً جَاءَتِ الْمُصَافَحَةُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه ابراهيم عليه‌السلام در كوه بيت المقدس براى گوسفندانش در طلب چراگاهى بود، ناگهان صدايى شنيد، در اين هنگام مردى را ديد كه ايستاده و نماز مى خواند، اندازه آن مرد دوازده وجب بود، ابراهيم عليه‌السلام به او فرمود: اى بنده خدا براى كه نماز مى گزارى ؟ گفت : براى خداى آسمانها، فرمود: آيا غير از تو كسى از خويشانت باقى مانده است ؟ گفت : خير، فرمود: پس از كجا مى خورى ؟ گفت : ميوه ها را در تابستان ذخيره مى كنم و در زمستان مى خورم ، فرمود: منزلت كجاست ؟ گفت : در اين كوه ، فرمود: آيا موافقى كه امشب را با هم در منزلت بگذرانيم ؟ گفت : روبروى ما آبى است كه عبور از آن مشكل است ، فرمود: تو چه مى كنى ؟ گفت : من روى آب راه مى روم ، فرمود: برويم ؛ شايد خداوند آنچه را به تو داده به من هم بدهد، عابد دست ابراهيم عليه‌السلام را گرفت و با هم رفتند تا به آن لب آب رسيدند، او روى آب حركت كرد، ابراهيم نيز با او به راه افتاد تا به منزلش رسيدند.

ابراهيم عليه‌السلام فرمود: كداميك از روزها بزرگتر است ؟ عابد گفت : روزى كه مردم به يك ديگر نزديك شوند، فرمود: مى خواهى دست خود را بلند كنيم و با هم دعا كنيم كه خداوند ما را از شرّ آن روز حفظ كند؟ گفت : به دعاى من چه كار دارى ؟ بخدا قسم من اكنون سه سال است كه هر چه دعا مى كنم مستجاب نمى گردد، ابراهيم عليه‌السلام فرمود:

مى خواهى بدانى چرا دعايت مستجاب نمى شود؟ گفت : بلى ، ابراهيم عليه‌السلام فرمود:

خداوند متعال هر گاه بنده اى را دوست بدارد دعايش را مستجاب نمى كند؛ تا آن بنده با او مناجات كند، و از وى بخواهد و خواسته اش را نزد او برد، و هر گاه بنده اى را دوست ندارد، دعايش را زود اجابت كند، و خواسته هايش ‍ را بدهد، يا در دلش يأ س از دعا مى افكند.

سپس به او فرمود: دعايت چه بود؟ گفت : جوانى با گوسفندانى از نزد من عبور كرد، من از آن جوان پرسيدم : اين گوسفندان از كيست ؟ گفت : از ابراهيم خليل الرحمن ، گفتم :

خدايا! اگر در روى زمين دوستى دارى او را به من بنمايان ، ابراهيم عليه‌السلام فرمود: دعايت مستجاب شد، من ابراهيم خليل الرحمن هستم ، بعد با او معانقه كرد، (اين عمل در آن زمان سنّت شد)، پس از بعثت پيامبر اسلام مصافحه سنّت شد.

عَنْ زُرَيْقٍ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مُصَافَحَةُ الْمُؤْمِنِ بِأَلْفِ حَسَنَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مصافحه مؤمن هزار حسنه دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ لَا تُسَلِّمْ عَلَى الْمَرْأَةِ

امام صادق عليه‌السلام از پدر بزرگوارش از على عليه‌السلام روايت كند كه فرمود: به زن سلام نكن .

عَنْ سَعِيدَةَ وَ أَيْمَنَةَ أُخْتَيْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِى عُمَيْرٍ قَالَتَا دَخَلْنَا عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَقُلْنَا تَعُودُ المَرْأَةُ أَخَاهَا فِى اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قُلْنَا فَتُصَافِحُهُ قَالَ نَعَمْ مِنْ وَرَاءِ ثَوْبٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَبِسَ الصُّوفَ يَوْمَ بَايَعَ النِّسَاءَ فَكَانَتْ يَدُهُ فِى كُمِّهِ وَ هُنَّ يَمْسَحْنَ أَيْدِيَهُنَّ عَلَيْهِ

خواهران ابن ابى عمير گويند: خدمت امام صادق عليه‌السلام رسيديم و عرض كرديم : زن مى تواند برادر دينى خود را عيادت كند؟ فرمود: بلى ، گفتيم : مى تواند با او مصافحه كند؟ فرمود: از روى پارچه اى باشد مانعى ندارد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روزى كه با زنان بيعت مى كرد لباسى پشمين در بر داشت ، و دست مباركش را در آستين كرده بود، و آنها دست خود را روى آن مى كشيدند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ الثَّانِىعليه‌السلام قَالَ كَانَتْ مُبَايَعَةُ رَسُولِ اللَّهِ النِّسَاءَ أَنْ غَمَسَ يَدَهُ فِى قَدَحٍ مِنْ مَاءٍ ثُمَّ أَمَرَهُنَّ أَنْ يَغْمِسْنَ أَيْدِيَهُنَّ فِى ذَلِكَ الْقَدَحِ بِالْإِقْرَارِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّصْدِيقِ لِرَسُولِ اللَّهِ مَا أَخَذَ عَلَيْهِنَّ

امام جواد عليه‌السلام فرمود: بيعت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با زنان به اين شكل بود كه دست مباركش را در ظرفى از آب قرار مى داد، و بعد زنان را امر مى كرد كه دست خود را در آن ظرف فرو برند، و اين چنين به خدا ايمان آوردند و به رسولش اقرار نمودند، و احكام اسلام را تصديق كردند.

وَ فِى رِوَايَةٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ دَعَاهُنَّ ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ فِى الْإِنَاءِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا ثُمَّ أَمَرَهُنَّ فَغَمَسْنَ أَيْدِيَهُنَّ فِى الْإِنَاءِ

و در روايتى ديگر است كه : رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله زنان را صدا زد، بعد دستش را در ظرف آب فرو برد و خارج نمود، سپس آنان را امر كرد تا دستشان را در ظرف فرو برند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ قَالَ الْمَعْرُوفُ أَنْ لَا يَشْقُقْنَ جَيْباً وَ لَا يَلْطِمْنَ وَجْهاً وَ لَا يَدْعَيْنَ وَيْلًا وَ لَا يَتَخَلَّفْنَ عِنْدَ قَبْرٍ وَ لَا يُسَوِّدْنَ ثَوْباً وَ لَا يَنْشُرْنَ شَعْراً

امام صادق عليه‌السلام در مورد قول خداى عزّ و جلّ: (و تو را در معروفى عصيان نكنند) فرمود: مراد از معروف اين است كه (هنگام مصيبت) لباسهاى خود را پاره نكنند، و به صورت خود خراش وارد نكنند، و فرياد وا ويلا بلند نكنند، و پيرامون قبرى به شيون ننشينند، و لباسهاى سياه نپوشند، و موهاى خود را پريشان نكنند.

## فصل ششم : در آداب نشستن

الفصل السادس فى آداب الجلوس

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تُجَاهَ الْقِبْلَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بيشتر اوقات به طرف قبله مى نشست .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا قَعَدَ فِى أَدْنَى الْمَجْلِسِ إِلَيْهِ حِينَ يَدْخُلُ وَ كَانَ جُلُوسُهُصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثاً جُلُوسَ الْقُرْفُصَاءِ وَ هُوَ أَنْ يُقِيمَ سَاقَيْهِ وَ يَسْتَقْبِلَهُمَا بِيَدَيْهِ فَيَشُدَّ يَدَهُ فِى ذِرَاعِهِ وَ كَانَ يَجْثُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ كَانَ يَثْنِى رِجْلًا وَاحِدَةً وَ يَبْسُطُ عَلَيْهَا الْأُخْرَى وَ لَمْ يُرَ مُتَرَبِّعاً قَطُّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هر گاه وارد منزلى مى شد در نزديكترين محل ورودش مى نشست ، و نحوه نشستن ايشان به سه صورت بود: نشستن روى ساق پا، به اين صورت كه روى ساق پايش مى نشست و دستانش را به دور زانوان حلقه مى كرد، و گاهى دو زانو مى نشست ، و گاهى يك پا را خم مى كرد و پاى ديگر را روى آن مى انداخت ، و هرگز ديده نشد آن حضرت چهار زانو بنشيند.

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَجْلِسُ فِى بَيْتِهِ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهِ قُبَالَةَ الْقِبْلَةِ

حمّاد بن عثمان گويد: حضرت صادق عليه‌السلام را كنار در خانه اش ‍ مقابل قبله نشسته ديدم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ حَرِيمُ الْمُؤْمِنِ فِى الصَّيْفِ بَاعٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حريم مؤمن در تابستان به اندازه دو زراع است .

عَنْهُ قَالَ مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلْ يُصَلِّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَلَائِكَتُهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس وارد مجلسى شد و بدون در نظر گرفتن مقام و اعتبار در جايى نشست ، تا وقتى كه از جايش برخيزد خداوند و فرشتگان بر او درود مى فرستند.

وَ قَالَ جُلُوسُ الْمُؤْمِنِ فِى الْمَسْجِدِ رِبَاطُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نشستن مؤمن در مسجد مانند جهاد كردنش مى باشد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثٌ يُصْفِينَ وُدَّ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبِشْرِ إِذَا لَقِيَهُ وَ يُوَسِّعُ لَهُ فِى الْمَجْلِسِ إِذَا جَلَسَ إِلَيْهِ وَ يَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: سه چيز دوستى برادر مسلمان را براى برادرش ثابت مى كند: با چهره گشاده ملاقاتش كند، هر گاه در مجلسى وارد شد جا برايش باز كند، او را با بهترين نامهايش صدا زند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الِاتِّكَاءُ فِى الْمَسْجِدِ رَهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَ صَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: تكيه كردن (بر دستها) در مسجد رهبانيت عرب (گوشه نشينى و رياضت عرب) است ، محل نشستن مؤمن مسجد است ، و عبادتگاه او خانه اش .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: برادر خود را از جايش بلند نكنيد تا خود جاى او بنشينيد.

وَ قَالَ إِذَا جَلَسْتُمْ إِلَى الْمُعَلِّمِ أَوْ جَلَسْتُمْ فِى مَجَالِسِ الْعِلْمِ فَادْنُوا وَ لْيَجْلِسْ بَعْضُكُمْ خَلْفَ بَعْضٍ وَ لَا تَجْلِسُوا مُتَفَرِّقِينَ كَمَا يَجْلِسُ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه در حضور معلّم قرار گرفتيد، يا در مجلس علم حاضر شديد نزديك هم و پشت سر هم بنشينيد، و مانند مردمان جاهلى پراكنده ننشينيد.

وَ قَالَ فِى وَصِيَّةٍ لِأَبِى ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَثَّلَ لَهُ الرِّجَالُ قِيَاماً فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در وصيتى به ابو ذر فرمود: اى ابو ذر! هر كه دوست داشته باشد كه مردم روبرويش بايستند (و به او احترام كنند)، جايگاهش در آتش است .

وَ قَالَ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِى مَجْلِسٍ فَلَا يَبْرَحَنَّ مِنْهُ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِى وَ تُبْ عَلَيَّ فَإِنْ كَانَ فِى خَيْرٍ فَكَانَ كَالطَّابِعِ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ مَجْلِسُ الْوَعْظِ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا كَانَ فِى ذَلِكَ الْمَجْلِسِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه وارد مجلسى شديد، تا وقتى در آنجا هستيد سه بار بگوييد «سبحانك و بحمدك لا إ له إ لّا أ نت اغفر لى و تب عليّ»، اگر مجلس خير بود اين ذكر مانند مهرى براى تأ ييد آن ، و اگر مجلس موعظه بود كفّاره اى است براى آنچه در آن مجلس بوده .

وَ قَالَ إِذَا انْتَهَى أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنْ بَدَا لَهُ أَنْ يَجْلِسَ فَلْيَجْلِسْ فَإِذَا قَامَ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّ الْأَوَّلَ لَيْسَ أَوْلَى مِنَ الاْخَرِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما وارد مجلسى شد سلام كند، و اگر در وسط مجلس قصد خارج شدن داشت خارج نشود و بنشيند، و هر گاه برخاست و مردم نشسته بودند، سلام كند زيرا سلام اوّلى كفايت از سلام بعدى نمى كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقُلُوبَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَنْذَالِ وَ الْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ النَّذْلُ الرَّجُلُ الْخَسِيسُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: همنشينى با سه دسته دل را مى ميراند: همنشينى با مردمان فرومايه و رذل ، گفتگو با زنان ، و همنشينى با توانگران .

مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام عَلَى دَكَاكِينِ مَسْجِدِ سِمَاكٍ فَأَمَرَ بِإِهْدَامِهَا فَهُدِمَتْ فَلَمَّا هُدِمَتْ بَنَوْهَا حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِ بَعْدَ الثَّالِثَةِ وَ هُمْ جُلُوسٌ عَلَيْهَا فَقَالَ إِذَا أَبَيْتُمْ فَغُضُّوا الطَّرْفَ وَ رُدُّوا الضَّالَّةَ وَ أَرْشِدُوا الطَّرِيقَ

امير المؤمنين عليه‌السلام از كنار دكّانهاى مسجد سماك عبور كردند و امر به خراب كردن آن دكانها دادند، دكانها خراب شد بار ديگر آن را ساختند، و تا سه مرتبه اين كار تكرار شد، بعد از نوبت سوم در حالى كه همه آنها نشسته بودند، در آنجا توقف كرد، و فرمود: هر گاه از خراب كردن امتناع داريد، چشم خود را (از نامحرم) ببنديد، و گم شده ها را برگردانيد، و راه را نشان دهيد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الْإِخْوَانِ النَّقْلُ لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَّا حَيْثُ يَنْتَهِى بِهِ الْجُلُوسُ فَإِنَّ تَخَطِّى أَعْنَاقِ الرِّجَالِ سَخَافَةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى هر چيز چاره اى است ، و چاره برادران جا دادن به آنها در مجلس است ، مؤمن وقتى وارد مجلسى شد بايد در انتهاى آن بنشيند، و اگر از روى گردنهاى مردان عبور كند نشانه بى عقلى اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا أَخَذَ الْقَوْمُ مَجَالِسَهُمْ فَإِنْ دَعَا رَجُلٌ أَخَاهُ فَأَوْسَعَ لَهُ فِى مَجْلِسِهِ فَلْيَأْتِهِ فَإِنَّمَا هِيَ كَرَامَةٌ أَكْرَمَهُ بِهَا أَخُوهُ وَ إِنْ لَمْ يُوَسِّعْ لَهُ أَحَدٌ فَلْيَنْظُرْ أَوْسَعَ مَكَانٍ يَجِدُهُ فَلْيَجْلِسْ فِيهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه مردم در مجلس مستقر شدند، اگر مردى براى برادرش جا باز كرد و به او تعارف كرد، بايد قبول كند، و اگر جايى برايش باز نشد، منتظر بماند تا جايى پيدا شود و در آن بنشيند.

وَ قَالَ لَأَنْ يُوَسِّعَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ فِى الْمَجْلِسِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ رَقَبَةٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: جا دادن برادر مؤمن در مجلس ‍ بهتر از آزاد كردن يك بنده است .

وَ قَالَ لَا يُوَسَّعُ الْمَجْلِسُ إِلَّا لِثَلَاثٍ لِذِى سِنٍّ لِسِنِّهِ وَ لِذِى عِلْمٍ لِعِلْمِهِ وَ لِذِى سُلْطَانٍ لِسُلْطَانِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فقط براى سه نفر در مجلس جا باز كنيد: براى پيرمرد به خاطر سنش ، براى عالم به خاطر علمش ، براى حاكم به خاطر مقامش .

## فصل هفتم : در عطسه زدن

الفصل السابع فى العطاس

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ الْعَطْسَةُ مِنَ اللَّهِ وَ التَّثَاؤُبُ مِنَ الشَّيْطَانِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: عطسه از طرف خداست ، و دهن دره كردن از شيطان است .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام نِعْمَ الشَّيْءُ الْعَطْسَةُ تَنْفَعُ فِى الْجَسَدِ وَ تُذَكِّرُكَ اللَّهَ قُلْتُ إِنَّ عِنْدَنَا قَوْماً يَقُولُونَ لَيْسَ لِرَسُولِ اللَّهِ فِى الْعَطْسَةِ نَصِيبٌ قَالَ إِنْ كَانُوا كَاذِبِينَ فَلَا نَالَتْهُمْ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: عطسه چيز خوبى است ، براى بدن سودمند است و تو را به ياد خدا مى اندازد، راوى گويد: عرض كردم ، نزد ما مردمانى هستند كه مى گويند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از عطسه بهره اى ندارد (عطسه نمى زند)، فرمود: اگر دروغ بگويند شفاعت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله به آنها نرسد.

عَطَسَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذَا حَقُّ اللَّهِ قَدْ أَدَّيْتَ وَ هَذَا حَقُّ رَسُولِ اللَّهِ فَأَيْنَ حَقُّنَا

مردى نزد امام صادق عليه‌السلام عطسه زد، و گفت :

«الحمد للّه و السلام على رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله» ، امام عليه‌السلام فرمود: اين حق خدا بود كه ادا كردى ، و اين هم حق رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ، پس حق ما كجاست ؟

عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا عَطَسَ قَالَ عَلِيٌّ رَفَعَ اللَّهُ ذِكْرَكَ وَ قَدْ فَعَلَ وَ كَانَ إِذَا عَطَسَ عَلِيٌّ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَعْلَى اللَّهُ كَعْبَكَ وَ قَدْ فَعَلَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عطسه مى زد، على عليه‌السلام مى فرمود:

«رفع اللّه ذكرك و قد فعل»

يعنى : خداوند نام تو را بلند كند و به حق انجام داد، و هر گاه على عليه‌السلام عطسه مى زد، رسول خدا به او مى فرمود:

«أ على اللّه كعبك و قد فعل»

يعنى : خداوند مقامت را بلند كند و به حق انجام داد.

عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِى خَلَفٍ قَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام إِذَا عَطَسَ فَقِيلَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ يَرْحَمُكُمْ وَ إِذَا عَطَسَ عِنْدَهُ إِنْسَانٌ قَالَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ

امام باقر عليه‌السلام هر گاه عطسه مى زد به او مى گفتند: «يرحمك اللّه» ، مى فرمود: « يغفر اللّه لكم و يرحمكم»، و هر گاه كسى نزد ايشان عطسه مى زد مى فرمود: «يرحمك اللّه» .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ مَنْ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ مَا كَانَ يَجِدُ مِنْ وَجَعِ الْأُذُنَيْنِ وَ الْأَضْرَاسِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: اگر كسى عطسه كند و بگويد:

«الحمد للّه ربّ العالمين على كلّ حال» ، خداوند درد گوشها و دندانهايش ‍ را از بين خواهد برد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ ثَلَاثاً فَشَمِّتْهُ ثُمَّ اتْرُكْهُ بَعْدَ ذَلِكَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه مردى عطسه زد سه مرتبه دعايش ‍ كنيد، سپس بعد از آن تركش كنيد.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِى نَجْرَانَ قَالَ عَطَسَ نَصْرَانِيٌّ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ هَدَاكَ اللَّهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَقَالُوا لَهُ تَقُولُ هَذَا إِنَّهُ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ لَنْ يَهْدِيَهُ اللَّهُ حَتَّى يَرْحَمَهُ

مرد مسيحى نزد امام صادق عليه‌السلام عطسه زد، حاضران گفتند: «هداك اللّه»، امام صادق عليه‌السلام فرمود: «يرحمك اللّه» ، گفتند: او مسيحى است و شما اين گونه مى گوييد؟ فرمود: تا خداوند رحمتش نكند او را هدايت نمى كند.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَتَحَدَّثُ فَعَطَسَ عَاطِسٌ فَهُوَ شَاهِدُ حَقٍّ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه مرد سخن بگويد، و كسى در بين عطسه زند، اين خود گواه بر صداقت اوست .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ قَالَ هِيَ الْعَطْسَةُ الْقَبِيحَةُ وَ الرَّجُلُ يَرْفَعُ صَوْتَهُ فِى الْحَرْبِ رَفْعاً أَيْ قَبِيحاً إِلَّا أَنْ يَكُونَ دَاعِياً لِلَّهِ

معاوية بن عمّار گويد: از حضرت صادق عليه‌السلام در مورد قول خداى متعال (صدايت را پايين آور) پرسيدم ، فرمود: مراد از آن عطسه زشت است ، و همچنين مردى كه در جنگ صدايش را به صورتى زشت بلند كند، مگر اينكه مردم را به طرف خدا دعوت كند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِذَا عَطَسَ الْمَرِيضُ فَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه مريضى عطسه زد، آن دليل بر بهبودى و آسايش بدن است .

## فصل هشتم : در فضيلت رفت و آمد با يكديگر

الفصل الثامن فى التزاور و الهجرة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِتْيَانُ الْجُمُعَةِ زِيَارَةٌ وَ جَمَالٌ قِيلَ لَهُ وَ مَا الْجَمَالُ قَالَ قَضَوُا الْفَرِيضَةَ وَ تَزَاوَرُوا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: آمدن روز جمعه ديدارها و زيباييها را به همراه دارد، سؤ ال شد:

مقصود از جمال چيست ؟ فرمود: بعد از خواندن نماز جمعه به زيارت يك ديگر مى روند.

وَ قَالَ أَنْتُمْ فِى تَزَاوُرِكُمْ مِثْلُ أَجْرِ الْحَاجِّينَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: شما در ملاقاتهايتان اجر و مزد حجّاج را داريد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِى اللَّهِ طَلَباً لِإِنْجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ هَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفٍ أَلَا طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ فَإِذَا صَافَحَهُ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: هر كه برادر دينى اش را براى رضاى خدا ملاقات كند هفتاد هزار فرشته او را همراهى كنند، و ملكى از پشت سر فرياد مى زند كار خوبى كردى ، بهشت گوارايت باد، و هر گاه با او مصافحه كند غرق رحمت خداوند شود.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ مَلَكاً لَقِيَ رَجُلًا قَائِماً عَلَى بَابِ دَارٍ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا حَاجَتُكَ فِى هَذِهِ الدَّارِ فَقَالَ أَخٌ لِى فِيهَا أَرَدْتُ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ رَحِمٌ مَاسَّةٌ أَوْ نَزَعَتْكَ إِلَيْهِ حَاجَةٌ فَقَالَ مَا لِى إِلَيْهِ حَاجَةٌ غَيْرَ أَنِّى أَتَعَهَّدُهُ فِى اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا بَيْنِى وَ بَيْنَهُ رَحِمٌ مَاسَّةٌ أَقْرَبُ مِنَ الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ الْمَلَكُ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِيَّايَ زُرْتَ فَقَدْ أَوْجَبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ وَ قَدْ عَافَيْتُكَ مِنْ غَضَبِى وَ مِنَ النَّارِ لِحُبِّكَ إِيَّاهُ فِيَّ

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: فرشته اى مردى را در كنار در خانه اى ايستاده ديد، پرسيد: اى بنده خدا، به چه حاجت به در اين خانه ايستاده اى ؟ گفت : برادرى در اين خانه دارم كه منتظرم بيايد و به او سلام كنم ، گفت : با او نسبت خويشاوندى دارى ، يا حاجتى تو را به طرف او كشانده است ؟ جواب داد: حاجتى ندارم ، جز اينكه با او در راه خدا پيمان برادرى بسته ام ، و با او هم قوم و خويشى نزديكتر از رابطه مسلمان بودن ندارم ، فرشته به او گفت : من فرستاده خدا بسوى تو هستم ، او به تو سلام مى رساند و مى فرمايد: تو (در واقع) به زيارت من آمده اى ، و اينك بهشت را ارزانيت داشتم ، و تو را به خاطر دوستيت براى من از آتش دوزخ آسوده كردم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِى اللَّهِ صَبَابَةً إِلَيْهِ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ فَإِذَا صَافَحَهُ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَةً فِى دِينٍ وَ لَا دُنْيَا إِلَّا قَضَاهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كس برادر دينى خود را به خاطر خدا و به اشتياق زيارت كند، مثل اين است كه خدا را ملاقات نموده ، و هر گاه با او مصافحه كند، هر حاجتى از خدا طلب كند بر آورد.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ خَرَجَ يَوْماً عَلَى أَصْحَابِهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ فَمَشَوْا مَعَهُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ أَ لَكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَمْشِيَ مَعَكَ فَقَالَ لَهُمُ ارْكَبُوا فَإِنَّ مَشْىَ الْمَاشِى مَعَ الرَّاكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاكِبِ وَ مَذَلَّةٌ لِلْمَاشِى قَالَ وَ خَرَجَ عَلَيْهِمْ مَرَّةً أُخْرَى وَ مَشَوْا مَعَهُ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّ خَفْقَ النِّعَالِ خَلْفَ أَعْقَابِ الرِّجَالِ مَفْسَدَةُ قُلُوبِ النَّوْكَى

النوكى الحمق و رجل أ نوك و مشنوك أ حمق و النواكة الحماقة

هشام بن سالم گويد: روزى امير المؤمنين عليه‌السلام به همراه اصحاب خود بيرون شدند، در حالى كه بر مركبى سوار بودند و اصحاب پياده با حضرت راه مى رفتند، حضرت متوجه آنان شد، و فرمود: كارى داشتيد؟ گفتند: خير اى امير المؤمنين ، ما دوست داريم همراه شما باشيم ، فرمود: پس شما هم سوار شويد، زيرا پياده راه رفتن همراه سواره موجب فساد سواره و خوارى پياده است . هشام گويد: مرتبه اى ديگر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با آنان خارج شد، و آنها با پيامبر همراه شدند، فرمود: برگرديد، صداى كفشها پشت سر مردان قلب احمق را فاسد كند.

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَبَتْ مَحَبَّتِى لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ وَ الْمُتَجَالِسِينَ فِيَّ وَ الْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ

خداوند متعال فرمود: كسانى را كه به خاطر من با هم دوست هستند، و كسانى كه به خاطر من با همديگر مى نشينند، و كسانى كه به خاطر من با هم رفت و آمد مى كنند، دوست دارم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ حَكَمَ فِى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِى اللَّهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند بهشتى دارد كه جز سه نفر كسى واردش نخواهد شد: كسى كه در باره خودش به حق حكم كند، و مردى كه برادرش را براى خدا ملاقات كند، و مردى كه در راه خدا برادر مؤمنش را بر خود مقدم دارد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا هِجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثٍ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بيش از سه روز نمى شود ترك رابطه كرد.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ اهْتَجَرَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُعليه‌السلام فَجَاءَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَ لَا تَذْهَبُ إِلَى أَبِى مُحَمَّدٍ فَإِنَّ لَهُ سِنّاً فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ سَمِعْتُ جَدِّى رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَا مُتَهَاجِرَانِ يَبْدَأُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ بِالسَّلَامِ إِلَّا كَانَ الْبَادِئُ السَّابِقُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ قَدْ كَرِهْتُ أَنْ أَسْبِقَ أَبَا مُحَمَّدٍ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَمَضَى مُحَمَّدٌ إِلَى الْحَسَنِ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ صَدَقَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اذْهَبْ بِنَا إِلَيْهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: حسن و حسين عليهما‌السلام با هم ترك رابطه كردند، محمّد بن حنفيه نزد امام حسين عليه‌السلام آمد و عرض كرد: اى ابا عبد اللّه ! چرا نزد ابا محمّد نمى روى ، او بزرگتر است ، امام حسين عليه‌السلام فرمود: از جدّم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: هر گاه دو نفر ترك رابطه كنند، هر كدام كه زودتر آمد و به ديگرى سلام كرد زودتر به بهشت رود، و من نخواستم زودتر از ابا محمّد به بهشت روم ، محمّد بن حنفيه قضيّه را به امام حسن عليه‌السلام گفت ، حضرت فرمود: ابا عبد اللّه راست گفته ، بيا تا با هم نزد او رويم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِأَبِى ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَ هِجْرَانَ أَخِيكَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرَانِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ عَنِ الْهِجْرَانِ وَ إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلَا تَهْجُرْهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَمَلًا فَمَنْ مَاتَ فِيهَا مُهَاجِراً لِأَخِيهِ كَانَتِ النَّارُ أَوْلَى بِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به ابوذر فرمود: اى ابوذر! مبادا از برادر دينيت قهر كنى ، زيرا اعمال با قهر و كناره گيرى پذيرفته نيست ، اى ابوذر! از قهر بپرهيز، و اگر هم مجبور به اين كار شدى جدائيت سه روز كامل طول نكشد، هر كس در اين سه روز بميرد و با برادرش قهر باشد، سزاوار آتش ‍ خواهد بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ عَلَى الْهِجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا الْبَرَاءَةَ وَ اللَّعْنَةَ وَ رُبَّمَا اسْتَحَقَّ ذَلِكَ كِلَاهُمَا فَقَالَ لَهُ مُعَتِّبٌ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا الظَّالِمُ فَمَا بَالُ الْمَظْلُومِ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَدْعُو أَخَاهُ إِلَى صِلَتِهِ وَ لَا يَتَعَامَسُ لَهُ عَنْ كَلَامِهِ سَمِعْتُ أَبِى يَقُولُ إِذَا تَنَازَعَ اثْنَانِ فَعَازَرَ أَحَدُهُمَا الاْخَرَ فَلْيَرْجِعِ الْمَظْلُومُ إِلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يَقُولَ لِصَاحِبِهِ أَيْ أَخِى أَنَا الظَّالِمُ حَتَّى يَقْطَعَ الْهِجْرَانَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ صَاحِبِهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَكَمٌ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دو برادر از هم قطع رابطه نكنند، مگر اينكه يكى از آن دو سزاوار بيزارى و لعنت خدا شود، و چه بسا هر دوى آنان مستحق آن شوند، معتب گفت : قربانت گردم ، اين يكى ظالم است ، مظلوم چه گناهى دارد؟ فرمود: زيرا او هم برادرش را به اصلاح دعوت نمى كند، و حاضر به سخن گفتن با او نيست ، از پدرم شنيدم كه مى فرمود:

هر گاه دو نفر با هم نزاع كنند و يكى از آن دو غالب آمد، بايد مظلوم نزد رفيقش رفته و بگويد: من ظالم هستم ، تا اينكه جدايى بين خود و رفيقش را بر طرف كند، زيرا خداوند تبارك و تعالى حاكمى عادل است كه حق مظلوم را از ظالم مى گيرد.

عَنْهُ قَالَ التَّوَاصُلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِى الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِى السَّفَرِ التَّكَاتُبُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رابطه بين برادران دينى در شهر خود، به وسيله رفت و آمد كردن ، و در سفر توسط نامه نگارى است .

وَ عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَخْرُجُ إِلَى أَخِيهِ فِى اللَّهِ لِيَزُورَهُ فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ تُقْضَى لَهُ حَوَائِجُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَة

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده براى ملاقات برادر دينى اش حركت مى كند، از ملاقات او بر نگردد مگر اينكه خداوند گناهانش را بخشيده ، و حوائجش را در دنيا و آخرت بر آورد.

## فصل نهم : در رفتار با مردم و برابرى با آنان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ادْرَءُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ وَ أَقِيلُوا الْكِرَامَ عَثَرَاتِهِمْ إِلَّا مِنْ حَدٍّ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: به وسيله شبهه ها از اجراى حدود جلوگيرى كنيد، و لغزشهاى بزرگان را ببخشيد، مگر لغزشهايى كه موجب حدّ مى شود.

سُئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّعليه‌السلام عَنِ الْمُرُوءَةِ فَقَالَ حِفْظُ الرَّجُلِ دِينَهُ وَ قِيَامُهُ فِى إِصْلَاحِ ضَيْعَتِهِ وَ حُسْنُ مُنَازَعَتِهِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ لِينُ الْكَلَامِ وَ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ

از امام حسن مجتبى عليه‌السلام در باره مردانگى سؤ ال شد، ايشان فرمود: مواظبت مرد از دينش ، و اداره نمودن امور زندگيش ، و رفع نمودن اختلاف به وسيله اخلاق خوبش ، و بلند سلام كردن ، و به نرمى سخن گفتن ، و دوستى و محبت با مردم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْأَيْدِى ثَلَاثَةٌ سَائِلَةٌ وَ منفعة مُنْفِقَةٌ وَ مُمْسِكَةٌ فَخَيْرُ الْأَيْدِى المنفعة الْمُنْفِقَةُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: دستها بر سه نوعند: دست تقاضاكننده ، نفع دهنده ، و نگهدارنده ، بهترين دستها دست سود دهنده است .

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍ إِنِّى رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِى أَصِلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ فَقَالَ أَعْطِهِمْ عَلَى الْهِجْرَةِ وَ الدِّينِ وَ الْفِقْهِ وَ الْفَضْلِ

سكونى گويد: به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : گاهى بين دوستانم چيزى را تقسيم مى كنم تا به آنها برسانم ، چگونه به آنها بدهم ؟ فرمود: به كسانى كه متديّن و فقيه و اهل فضل هستند بده .

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ طُوبَى لِعَبْدٍ نُوَمَةٍ عَرَفَ النَّاسَ فَصَاحَبَهُمْ بِبَدَنِهِ وَ لَمْ يُصَاحِبْهُمْ فِى أَعْمَالِهِمْ بِقَلْبِهِ فَعَرَفُوهُ فِى الظَّاهِرِ وَ عَرَفَهُمْ فِى الْبَاطِنِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوشا بحال بنده ناشناخته اى كه مردم را بشناسد، و در ظاهر با آنان مصاحب باشد، ولى با قلب خود همراه با كردارشان نباشد، آنها او را به ظاهر شناخته اند، ولى او باطن آنان را شناخته است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ مِنْ أَغْبَطِ أَوْلِيَائِى عِنْدِى رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ ذَا خَطَرٍ أَحْسَنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ فِى الْغَيْبِ وَ كَانَ غَامِضاً فِى النَّاسِ جُعِلَ رِزْقُهُ كَفَافاً فَصَبَرَ عَلَيْهِ مَاتَ فَقَلَّ تُرَاثُهُ وَ قَلَّ بَوَاكِيهِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند متعال مى فرمايد:

رشك آورترين دوستانم نزد من مردى است كه قيود و تشريفات ندارد، و عظيم القدر است ، عبادت پروردگارش را در نهان به نيكويى انجام دهد، و در ميان مردم گمنام است ، روزى خود را به اندازه قرار داده و بر آن شكيباست ، هنگامى كه از دنيا برود ميراثش اندك و گريه كنندگانش كم باشند.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ عَلَى أَخِيهِ فَيَنَالُهُ مِنْ صِدْقِهِ عَلَى أَخِيهِ عَنَتٌ فَيَكُونُ كَاذِباً عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ عَلَى أَخِيهِ يُرِيدُ بِهِ مَنْفَعَتَهُ فَيَكُونُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقاً

امام رضا عليه‌السلام از قول حضرت صادق عليه‌السلام نقل كند كه فرمود: مرد در مورد برادرش سخنان راستى مى گويد، لكن اين راستگويى موجب بروز ناراحتى براى برادرش مى شود، اين شخص (با اينكه راست گفته) نزد خداوند دروغگو به حساب آيد، و گاهى مرد به برادرش نسبت دروغ مى دهد و قصدش از اين كار نفع اوست ، اين مرد نزد خداوند از راستگويان است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ تنفس تَنْفِيسُ كُرْبَةِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَعْظَمُ أَجْراً مِنْ صَوْمِكَ وَ صَلَاتِكَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بر طرف نمودن اندوه فرد مسلمان پاداشش از روزه و نمازت بيشتر است ، و اين بهترين وسيله نزديكى به خداوند است .

عَنْهُ قَالَ مَنْ أَغَاثَ لَهْفَاناً أَوْ كَشَفَ كُرْبَةَ مُؤْمِنٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثاً وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً ادَّخَرَ لَهُ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً وَ عَجَّلَ لَهُ وَاحِدَةً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس به فرياد محزونى رسد، يا غم مؤمنى را بزدايد، خداوند برايش هفتاد و سه رحمت مى نويسد، هفتاد و دو تاى آن را برايش ذخيره كند، و يكى را فورا به او بدهد.

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَعْظَمِ الصَّدَقَةِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كمك توبه شخص ضعيف بزرگترين صدقه است .

قَالَ أَمَرَنِى رَبِّى بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِى بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پروردگارم مرا به خوشرفتارى با مردم امر فرموده ، همان طور كه به واجبات امرفرموده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنّا نَراكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فَقَالَ كَانَ يُوَسِّعُ لِلْجَلِيسِ وَ يَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتَاجِ وَ يُعِينُ الضَّعِيفَ

امام صادق عليه‌السلام در باره قول خداى عزّ و جلّ (ما تو را از نيكوكاران مى بينيم) فرمود:

ايشان (رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله) براى واردين به مجلس جا باز مى كرد، و براى محتاج وام تهيه مى فرمود، و به ضعفاء كمك مى نمود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِى أَصِلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ فَقَالَ أَعْطِهِمْ عَلَى الْهِجْرَةِ وَ الدِّينِ وَ الْفَضْلِ وَ الْفِقْهِ

راوى گويد، به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : گاهى چيزى را بين رفيقانم به عنوان صله تقسيم مى كنم ، اين كار را چگونه بكنم ؟ فرمود: به برترى در هجرت در دين ، و فضل دانش و فقه تقسيم بكن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كِتْمَانُ الْحَاجَةِ مِنْ كُنُوزِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پنهان داشتن حاجت از گنجهاى خداوند است .

عَنْهُ قَالَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ شَكَا حَاجَتَهُ وَ ضُرَّهُ إِلَى كَافِرٍ أَوْ إِلَى مَنْ يُخَالِفُهُ فِى دِينِهِ فَكَأَنَّمَا شَكَا اللَّهَ وَ مَنْ شَكَاهَا إِلَى مُؤْمِنٍ فَإِنَّمَا شَكْوَاهُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر مؤمنى كه حاجت و مشكلش را نزد كافر يا مخالف عقيده دينى اش ببرد، گويا از خداوند شكايت نموده ، و هر كه آن شكايت را نزد مؤمنى ببرد گويا نزد خداوند برده .

عَنْهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ الْحَاجَةُ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ كَتَمَهَا عَلَى نَفْسِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ صَلَّى وَ مَنْ كَشَفَهَا إِلَى مَنْ قَدَرَ أَنْ يُفَرِّجَ عَنْهُ وَ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ بِسَيْفٍ وَ لَا بِسِنَانٍ وَ لَا سَهْمٍ وَ لَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا أَنْكَأَ قَلْبَهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: اى على ! حاجت ؛ امانت خدا نزد مخلوقاتش است ، هر كس ‍ حاجتش را مخفى بدارد، خداوند ثواب نمازگزارش دهد، و هر كه حاجتش ‍ را نزد كسى كه توانايى بر آوردنش را دارد ولى بر نمى آورد آشكار نمايد، مثل اين است كه او را كشته است ، البته او را به شمشير و نيزه و تير نكشته ، بلكه به آنچه قلبش را هدف قرار داده كشته .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّكُمْ لَنْ تَسَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعُوهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شما هرگز نمى توانيد مردم را با اموالتان خشنود كنيد، بنا بر اين آنها را با اخلاقتان راضى نماييد.

وَ قَالَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَ أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنِ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترين مؤمنان خوش اخلاقترين آنهاست ، و شايسته ترين آنها كسى است كه براى مردم از همه شايسته تر باشد، و بهترين مردم سودمندترين آنهاست .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام لَا تُقَارِنْ وَ لَا تُوَاخِ أَرْبَعَةً الْأَحْمَقَ وَ الْبَخِيلَ وَ الْجَبَانَ وَ الْكَذَّابَ أَمَّا الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ أَمَّا الْبَخِيلُ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْكَ وَ لَا يُعْطِيكَ وَ أَمَّا الْجَبَانُ فَإِنَّهُ يَهْرُبُ عَنْكَ وَ عَنْ وَالِدَيْهِ وَ أَمَّا الْكَذَّابُ فَإِنَّهُ يَصْدُقُ وَ لَا يُصَدَّقُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: به چهار نفر نزديك مشو و با آنها برادرى نكن : احمق ، بخيل ، ترسو، دروغگو.

اما احمق ؛ به جاى اينكه تو را سود رساند ضرر مى زند، اما بخيل ؛ از تو مى گيرد و چيزى به تو نمى دهد، اما ترسو؛ هم از تو فرار مى كند و هم از پدر و مادرش ، و اما دروغگو؛ تصديق مى كند ولى راست نمى گويد.

قَالَ النَّبِيُّ لِحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ وَ ارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ وَ كُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَ أَحْسِنْ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِناً وَ أَحْسِنْ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِماً

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به امام حسين عليه‌السلام فرمود: به واجبات خدا عمل كن تا با تقواترين مردم باشى ، و به مقدّرات الهى راضى باش تا بى نيازترين مردم شوى ، از محرّمات خدا در گذر تا پرهيزگارترين مردم باشى ، با همسايگانت خوش رفتارى كن تا از اهل ايمان قرار بگيرى ، و با همنشينت خوشرفتارى كن تا مسلمان باشى .

وَ قَالَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: همنشينى با دينداران شرافت و بزرگى دنيا و آخرت به دنبال دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تَثِقَنَّ بِأَخِيكَ كُلَّ الثِّقَةِ فَإِنَّ صَرْعَةَ الِاسْتِرْسَالِ لَنْ تُسْتَقَالَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به برادرت اعتماد كامل نكن ، زيرا به زمين خوردن از دست صاحب سرّى كه به او اطمينان كردى هرگز جبران پذير نيست .

عَنْ عِلَلِ الشَّرَائِعِ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَعَدَ رَجُلًا إِلَى صَخْرَةٍ قَالَ أَنَا لَكَ هَاهُنَا حَتَّى تَأْتِيَ قَالَ فَاشْتَدَّتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّكَ تَحَوَّلْتَ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ قَدْ وَعَدْتُهُ إِلَى هَاهُنَا وَ إِنْ لَمْ يَجِئْ كَانَ مِنْهُ إِلَى الْمَحْشَرِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با مردى در كنار سنگ بزرگى وعده گذاشته بود، فرمود: من اينجا هستم تا شما بيايى ، آفتاب به شدّت بر آن حضرت مى تابيد، ياران به او گفتند: اى رسول خدا، چرا به سايه نمى آيى ؟ فرمود: من در اينجا با او وعده كرده ام ، و اگر نيامد روز محشر در گرما خواهد ماند.

## فصل دهم : در حقوق همسايگان

الفصل العاشر فى حق الجار

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله هَلْ تَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ مَا تَدْرُونَ مِنْ حَقِّ الْجَارِ إِلَّا قَلِيلًا أَلَا لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ وَ إِذَا اسْتَقْرَضَهُ أَنْ يُقْرِضَهُ وَ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَّأَهُ وَ إِذَا أَصَابَهُ شَرٌّ عَزَّاهُ وَ لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ فِى الْبِنَاءِ يَحْجُبُ عَنْهُ الرِّيحَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِذَا اشْتَهَى فَاكِهَةً فَلْيُهْدِ لَهُ فَإِنْ لَمْ يُهْدِ لَهُ فَلْيُدْخِلْهَا سِرّاً وَ لَا يُعْطِى صِبْيَانَهُ مِنْهَا شَيْئاً يُغَايِظُونَ صِبْيَانَهُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةُ حُقُوقٍ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجِوَارِ وَ حَقُّ الْقَرَابَةِ وَ مِنْهُمْ لَهُ حَقَّانِ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجِوَارِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ الْكَافِرُ لَهُ حَقُّ الْجِوَارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آيا مى دانيد حق همسايه چيست ؟ شما از حقوق همسايه به جز اندكى نمى دانيد، هشيار باشيد! كسى كه همسايه اش از وى در امان نباشد، ايمان به خدا و روز قيامت نياورده ، هر گاه از او وام خواست بايد به او بدهد، و هر گاه خيرى به او رسيد به او تبريك گويد، و اگر شرّى به او رسيد به او تسليت بگويد، خانه خود را بلند نسازد كه مانع ورود هوا به خانه اش گردد، مگر با اجازه او، هر گاه به ميوه اى احتياج پيدا كرد به او هديه كند، و اگر هديه نكرد پنهانى برايش بفرستد، و به كودكان خود چيزى ندهد كه بچه هاى او را ناراحت كند.

سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: همسايه ها سه دسته اند: بعضى از آنها سه حق دارند؛ حق اسلام ، حق همسايگى ، حق خويشاوندى ، و بعضى از آنها دو حق دارند؛ حق اسلام و حق همسايگى ، و بعضى يك حق ؛ كافر فقط حق همسايگى دارد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِى يَشْبَعُ وَ جَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن نيست كسى كه سير بخوابد، و همسايه مجاورش گرسنه باشد.

وَ قَالَ مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ مَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه همسايه اش را اذيّت كند خداوند بوى بهشت را بر او حرام گرداند، و جاى وى در جهنم است ، و بد جايگاهى دارد، و هر كس حق همسايه را از بين ببرد از ما نيست .

وَ قَالَ وَ لَمْ يَزَلْ جَبْرَئِيلُ يُوصِينِى بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: جبرئيل همواره مرا به حق همسايه سفارش مى كرد، تا آنجا كه گمان كردم كه به زودى او را در ارث شريكم كند.

وَ قَالَ مَنْ كَفَّ أَذَاهُ عَنْ جَارِهِ أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ كَانَ فِى الْجَنَّةِ مَلِكاً مَحْبُوراً وَ مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً بَنَى لَهُ بَيْتاً فِى الْجَنَّةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس از لغزش همسايه اش ‍ بگذرد، خداوند روز قيامت از لغزشهايش صرف نظر كند، و هر كس شكم و شرمگاهش را حفظ كند، در بهشت چون فرشته اى زيبا خواهد بود، و هر كس بنده مؤمنى را آزاد كند، در بهشت خانه اى برايش ساخته شود.

وَ مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ حُسْنُ الْجِوَارِ زِيَادَةٌ فِى الْأَعْمَارِ وَ عِمَارَةٌ فِى الدِّيَارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوب همسايگى كردن موجب زيادى عمر و آبادى خانه هاست .

وَ قَالَ لَيْسَ حُسْنُ الْجِوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَ لَكِنْ حُسْنُ الْجِوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوب همسايگى كردن به اذيت نكردن همسايه نيست ، بلكه خوب همسايگى كردن به صبر بر اذيّت همسايه است .

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جَارَهُ بَوَائِقَهُ قُلْتُ مَا بَوَائِقُهُ قَالَ ظُلْمُهُ وَ غَشْمُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن كسى است كه همسايه اش از جور و ستم او در امان باشد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ شَكَا رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ جَارَهُ فَأَعْرَضَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيٍّ وَ سَلْمَانَ وَ مِقْدَادٍ اذْهَبُوا وَ نَادُوا لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ عَلَى مَنْ آذَى جَارَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از همسايه اش شكايت كرد، حضرت از او روى گرداند، دوباره شكايتش را تكرار كرد، باز حضرت به او توجه نكرد، بار ديگر سخنش را تكرار كرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام و سلمان و مقداد فرمود: برويد و اعلام كنيد؛ لعنت خدا و ملائكه بر كسى كه همسايه اش را بيازارد.

وَ قَالَ مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ فَلَا يُؤْذِى جَارَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس به خدا و روز قيامت ايمان دارد، همسايه اش را اذيّت نمى كند.

وَ قَالَ مَنْ مَاتَ وَ لَهُ جِيرَانٌ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ رَاضُونَ عَنْهُ غُفِرَ لَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس بميرد و سه همسايه داشته باشد كه همگى از او راضى باشند، آمرزيده شود.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله فِى غَزْوَةِ تَبُوكَ لَا يَصْحَبُنَا رَجُلٌ آذَى جَارَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در غزوه تبوك فرمود: مردى كه همسايه اش را رنجانده با ما نيايد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارِ سَوْءٍ فِى دَارِ إِقَامَةٍ تَرَاكَ عَيْنَاهُ وَ يَرْعَاكَ قَلْبُهُ إِنْ رَآكَ بِخَيْرٍ سَاءَهُ وَ إِنْ رَآكَ بِشَرٍّ سَرَّه

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: به خدا پناه مى برم از همسايه بد محل زندگى ، تو را با دو چشمش ‍ مى بيند و با دلش مراقبت مى باشد، اگر خيرى به تو رسد ناراحتش كند، و اگر شرّى به تو رسد خوشحال شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا يُسْتَجَابُ لِمَنْ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه بر عليه همسايه اش دعا مى كند (تا از دستش راحت شود) مستجاب نشود، زيرا خداوند برايش راه قرار داده و او مى تواند خانه اش را بفروشد و جايش را عوض كند.

وَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فُلَانَةُ تَصُومُ النَّهَارَ وَ تَقُومُ اللَّيْلَ وَ تَتَصَدَّقُ وَ تُؤْذِى جَارَهَا بِلِسَانِهَا قَالَ لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ قَالُوا وَ فُلَانَةُ تُصَلِّى الْمَكْتُوبَةَ وَ تَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ لَا تُؤْذِى جَارَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كردند: فلان زن روزها روزه دار و شبها مشغول عبادت است و هميشه صدقه مى دهد، ولى با زبانش ‍ همسايه اش را آزار مى دهد، فرمود: خيرى در آن عبادات نيست ، او جهنمى است .

عرض كردند: فلان زن نماز واجبش را مى خواند و ماه رمضان روزه مى گيرد، و همسايه اش را اذيت نمى كند، فرمود: او از بهشتيان است .

أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَلِيّاً وَ سَلْمَانَ وَ مِقْدَاداً وَ أَبَا ذَرٍّ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَأْخُذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِى نَاحِيَةٍ وَ يُنَادِيَ أَلَا إِنَّ حَقَّ الْجِوَارِ مِنْ أَرْبَعِينَ دَاراً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام و سلمان و مقداد و ابوذر امر فرمود كه : هر كدام به ناحيه اى روند و فرياد بزنند كه : حق همسايه تا چهل خانه مى باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ نَبِيٌّ وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ پيامبر و مؤمنى نبوده و تا روز قيامت نخواهد بود، مگر اينكه همسايه اى داشته باشد كه او را آزار مى دهد.

وَ عَنْهُ قَالَ مَا أَفْلَتَ الْمُؤْمِنُ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ وَ لَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِمَّا بَعْضُ مَنْ يَكُونُ مَعَهُ فِى الدَّارِ يُغْلِقُ عَلَيْهِ بَابَهُ يُؤْذِيهِ أَوْ جَارٌ يُؤْذِيهِ أَوْ مَنْ مَرَّ فِى طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِناً عَلَى قُلَّةِ جَبَلٍ لَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَاناً يُؤْذِيهِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيمَانِهِ أُنْساً لَا يَسْتَوْحِشُ مَعَهُ إِلَى أَحَدٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن هرگز از سه چيز خلاصى ندارد، و گاهى ممكن است هر سه بر او گرد آيند: يا كسى كه با او در يك خانه است ، در را بر روى او مى بندد و آزارش مى دهد، يا همسايه اى كه او را آزار مى دهد، يا كسى در ميان مسيرى كه براى گذران زندگيش مى رود او را اذيّت مى كند، و اگر مؤمن بالاى قلّه كوهى هم باشد، خداوند شيطانى را بر انگيزد تا او را اذيّت كند، و خدا از ايمانش براى او مونسى قرار دهد كه از هيچ كس ‍ وحشت نكند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بَوَائِقَهُ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرمايد كه : مؤمن نيست كسى كه همسايه اش از آزار او در امان نباشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيّاً وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا ذَرٍّ بِأَنْ يُنَادُوا بِأَعْلَى أَصْوَاتِهِمْ أَنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بَوَائِقَهُ فَنَادَوْا بِهَا ثَلَاثاً ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى أَنَّ كُلَّ أَرْبَعِينَ دَاراً جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام و سلمان و ابوذر امر فرمود كه به آواز بلند فرياد زنند كه : هر كه همسايه اش از آزار او آسوده نباشد ايمان ندارد، آنها نيز سه بار آن را گفتند، سپس با دست مباركش اشاره كرد كه تا چهل خانه از روبرو و پشت سر و طرف راست ، و طرف چپ همسايه به حساب مى آيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ يَعْقُوبَصلى‌الله‌عليه‌وآله لَمَّا ذَهَبَ مِنْهُ بِنْيَامِينُ نَادَى يَا رَبِّ أَ لَا تَرْحَمُنِى أَذْهَبْتَ عَيْنَيَّ وَ أَذْهَبْتَ ابْنَيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ لَوْ أَمَتُّهُمَا لَأَحْيَيْتُهُمَا حَتَّى أَجْمَعَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمَا وَ لَكِنْ تَذْكُرُ الشَّاةَ الَّتِى ذَبَحْتَهَا وَ شَوَيْتَهَا وَ أَكَلْتَ وَ فُلَانٌ إِلَى جَنْبِكَ صَائِمٌ لَمْ تُنِلْهُ مِنْهَا شَيْئاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه بنيامين از نزد يعقوب رفت ، عرض كرد: بار خدايا، به من رحم نمى كنى ؟ ديدگانم را كه بردى ، فرزندم را كه بردى ، خداوند تبارك و تعالى به او وحى فرمود كه : اگر آنها را ميرانده بودم باز هم برايت زنده مى كردم تا دوباره در كنارت باشند، و لكن به خاطر آور آن گوسفندى را كه ذبح كردى و بريان نمودى و خوردى و فلانى در همسايگى تو روزه دار بود و چيزى از آن را به او ندادى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ يَعْقُوبَ بَعْدَ ذَلِكَ كَانَ مُنَادِيهِ يُنَادِى كُلَّ غَدَاةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ عَلَى فَرْسَخٍ أَلَا مَنْ أَرَادَ الْغَدَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى يَعْقُوبَ وَ إِذَا أَمْسَى نَادَى أَلَا مَنْ أَرَادَ الْعَشَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى يَعْقُوبَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: يعقوب عليه‌السلام بعد از آن امر كرد كه هر چاشتگاه از منزلش تا يك فرسخى ندا كنند كه : هر كس چاشت خواهد به خانه يعقوب آيد، و هر شامگاه هم جار مى زدند كه : هر كس شام خواهد نزد يعقوب آيد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِى تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارَ السَّوْءِ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَخْفَاهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: يكى از بلاهاى كمر شكن كه پشت انسان را مى شكند همسايه بد است ، اگر از انسان خوشرفتارى و نيكى بيند پنهان كند، و اگر بدى بيند فاش سازد.

## فصل يازدهم : در بردبارى و غلبه بر خشم و غضب

الفصل الحادى عشر فى الحلم و كظم الغيظ و الغضب

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْحَيِيَّ الْحَلِيمَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ انسان با حيا و بردبار را دوست دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا أَعَزَّ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ وَ لَا أَذَلَّ بِحِلْمٍ قَطُّ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند هيچ نادانى را عزيز، و هيچ بردبارى را ذليل نساخته .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِلْحُسَيْنِعليه‌السلام يَا بُنَيَّ مَا الْحِلْمُ قَالَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ مِلْكُ النَّفْسِ

امير مؤمنان عليه‌السلام به امام حسين عليه‌السلام فرمود: فرزندم ، حلم چيست ؟ عرض كرد: فرو بردن خشم و در اختيارداشتن نفس .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ لِرَجُلٍ مِنَ الْقُمِّيِّينَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ وَ الصَّبْرِ وَ الْحِلْمِ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِداً حَتَّى يَكُونَ حَلِيماً

امام رضا عليه‌السلام به مردى از اهل قم فرمود: از خدا بترسيد و سكوت و صبر و بردبارى پيشه كنيد، زيرا مرد به مقام بندگى نخواهد رسيد مگر اينكه بردبار باشد.

وَ قَالَ لَا يَكُونُ عَاقِلًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيماً

امام رضا عليه‌السلام فرمود: هيچ كس عاقل نيست مگر اينكه بردبار باشد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِى الرَّجُلُ أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ عِنْدَ غَضَبِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: من از مردى كه هنگام غضب بردبار باشد خوشم مى آيد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا عَبْدٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ يَرُدُّهَا فِى قَلْبِهِ وَ رَدَّهَا بِصَبْرٍ أَوْ رَدَّهَا بِحِلْمٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هيچ جرعه اى نزد خداى عزّ و جلّ از جرعه خشمى كه بنده در دلش با جوشش و هيجان بنوشد و آن را با شكيبائى يا بردبارى دفع كند، محبوبتر نيست .

عَنْ أَخِ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ عِنْدَهُ أَخُوهُ حَسَنُ بْنُ حَسَنٍ فَذَكَرْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَنَالَ مِنْهُ فَقُمْتُ مِنْ ذَلِكَ الْمَجْلِسِ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْلًا فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ هُوَ فِى فِرَاشِهِ قَدْ أَخَذَ الشِّعَارَ فَخَبَّرْتُهُ بِالْمَجْلِسِ الَّذِى كُنَّا فِيهِ وَ مَا يَقُولُ حَسَنٌ فَقَالَ يَا جَارِيَةُ ضَعِى لِى مَاءً فَأَتَى بِهِ فَتَوَضَّأَ وَ قَامَ فِى مَسْجِدِ بَيْتِهِ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ فُلَاناً بِالَّذِى أَتَانِى عَنِ الْحَسَنِ وَ هُوَ يَظْلِمُنِى وَ قَدْ غَفَرْتُ لَهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ وَ لَا تُقَايِسْهُ يَا رَبِّ قَالَ فَلَمْ يَزَلْ يُلِحُّ فِى الدُّعَاءِ عَلَى رَبِّهِ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ انْصَرِفْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَانْصَرَفْتُ ثُمَّ زَارَهُ بَعْدَ ذَلِكَ

يكى از اصحاب امام صادق عليه‌السلام گويد: من در مجلسى نزد عبد اللّه بن حسن بودم كه برادرش حسن بن حسن هم آنجا بود، در اين هنگام سخن از امام صادق عليه‌السلام به ميان آمد، حسن نسبت به آن حضرت سخن ناروايى گفت ، من از مجلس بيرون رفتم و شب به نزد امام صادق عليه‌السلام آمدم ، و در حالى كه ايشان قصد خوابيدن داشتند و بسترشان را پهن كرده بودند، خدمت ايشان رسيدم ، جريان آن مجلس و آنچه را حسن گفته بود براى آن حضرت عرض كردم ، امام كنيزى را طلب كرد و فرمود: برايم آب بياور، سپس وضو گرفت و در مسجد خانه اش دو ركعت نماز خواند، بعد فرمود: بار خدايا، فلانى از حسن به من مى گويد، و اينكه او به من ظلم مى كند، ولى من از وى گذشتم ، پروردگارا تو هم از او در گذر، امام عليه‌السلام بر اين دعا از درگاه خداوند مصرّ بود، تا اينكه متوجه من شده و فرمود: برو خدا تو را رحمت كند، من هم رفتم ، سپس حسن بعد از اين جريان به زيارت امام عليه‌السلام رفت .

عَنْ حَمَّادٍ اللَّحَّامِ قَالَ أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَقَالَ إِنَّ فُلَاناً ابْنَ عَمِّكَ ذَكَرَكَ فَمَا تَرَكَ شَيْئاً مِنَ الْوَقِيعَةِ وَ الشَّتِيمَةِ إِلَّا قَالَهُ فِيكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِلْجَارِيَةِ ايتِينِى بِوَضُوءٍ فَتَوَضَّأَ وَ دَخَلَ فَقُلْتُ فِى نَفْسِى يَدْعُو عَلَيْهِ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ يَا رَبِّ هُوَ حَقِّى قَدْ وَهَبْتُهُ وَ أَنْتَ أَجْوَدُ مِنِّى وَ أَكْرَمُ فَهَبْهُ لِى وَ لَا تُؤَاخِذْهُ بِى وَ لَا تُقَايِسْهُ ثُمَّ رَقَّ فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو فَجَعَلْتُ أَتَعَجَّبُ

حماد لحّام گويد: مردى خدمت امام صادق عليه‌السلام آمد و عرض ‍ كرد: يكى از پسر عموهايت در باره شما حرف مى زد، هر حرف زشت و فحشى به زبانش آمد در مورد شما گفت ، امام صادق عليه‌السلام به كنيزش ‍ فرمود: آبى بياور تا وضو بسازم ، وضو گرفت و داخل شد، با خود گفتم : بر عليه او دعا مى كند، سپس دو ركعت نماز خواند، بعد فرمود: پروردگارا، من از حقم گذشتم ، و تو از من بخشنده تر و بزرگوارترى ، او را به من ببخش و مؤ اخذه نكن و از گناهش درگذر، سپس گريه كرد و به دعاى خويش ادامه داد، به حدّى كه من از اين جريان در شگفت شدم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَا ظُلِمَ أَحَدٌ بِظُلَامَةٍ فَقَدَرَ أَنْ يُكَافِيَ بِهَا وَ لَمْ يَفْعَلْ إِلَّا أَبْدَلَهُ اللَّهُ مَكَانَهَا عِزّاً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كس مورد ظلم قرار گرفت ، و قدرت مجازات كردن ظالم را هم داشت ، ولى انجام نداد، خداوند به جايش به او عزّت دهد.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظاً إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِزّاً فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الْكاظِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعافِينَ عَنِ النّاسِ وَ اللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ مَكَانَ غَيْظِهِ ذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ بنده اى خشمش را فرو نخورد، مگر اينكه خداى عزّ و جلّ در دنيا و آخرت عزّتش را زياد گرداند، خداوند تبارك و تعالى فرمود: (و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم ، و خداوند نيكوكاران را دوست دارد) و خداوند به جاى خشمش به او بهشت دهد.

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ كَظَمَ غَيْظَهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِنْفَاذِهِ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْناً وَ إِيمَاناً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس خشم خود را فرو برد در حالى كه توانايى بر انتقام دارد، خداوند تا روز قيامت دلش را انباشته از آرامش و ايمان گرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً نِعْمَتِ الْجُرْعَةُ الْغَيْظُ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نيكو جرعه اى است خشم ، براى كسى كه بر آن شكيبا باشد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مِنْ أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ جُرْعَتَانِ جُرْعَةُ غَيْظٍ يَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةُ حُزْنٍ يَرُدُّهَا بِصَبْرٍ

امام سجاد عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: از محبوبترين راهها به سوى خدا (نوشيدن) دو جرعه است : جرعه خشمى كه با خويشتن دارى ردّش كند، جرعه مصيبتى كه با شكيبائى برگرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً أُخِذَ مِيثَاقُ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَنْ لَا يُصَدَّقَ مَقَالَتُهُ وَ لَا يَنْتَصِفَ مِنْ عَدُوِّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند از مؤمن پيمان گرفت كه سخن او را تصديق نمايد، و از دشمن خود انتقام نگيرد.

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله خَبِّرْنِى عَنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قَالَ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صِلَةُ مَنْ قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ

مردى به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: مرا از مكارم اخلاق مطلع ساز، فرمود: گذشت از كسى كه به تو ظلم كرده ، رابطه با كسى كه با تو قطع رابطه نموده ، بخشيدن به كسى كه تو را محروم ساخته ، گفتن حق و لو به ضررت باشد.

عَنْهُ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَيْفَ شَاءَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ الصَّبْرُ عَلَى السُّيُوفِ لِلَّهِ وَ رَجُلٌ أَشْرَفَ عَلَى مَالٍ حَرَامٍ فَتَرَكَهُ لِلَّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه صفت در هر كس باشد، خداوند حور عين را هر طور بخواهد تزويجشان كند؛ فرو خوردن خشم ، صبر در برابر شمشيرها براى خدا، و مردى كه مال حرامى به دستش برسد، و آن را براى خدا ترك كند.

عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَ أَحْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ غَيْظاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خردمندترين مردم مداراكننده ترين آنها با مردم است ، و استوارترين آنها بردبارترين آنهاست .

وَ قَالَ مَنْ كَظَمَ غَيْظاً وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُنْفِذَهُ دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيِّرَ مِنْ أَيِّ الْحُورِ شَاءَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس از خود بردبارى نشان دهد در حالى كه توانايى انتقام گرفتن دارد، خداوند او را در روز قيامت در حضور تمامى اهل محشر مى خواند، و او را مخيّر مى كند هر كدام از حوريه ها را كه مى خواهد انتخاب كند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: سوگند به خدايى كه جانم در دست قدرت اوست ، هيچ چيز با چيز ديگر بهتر از بردبارى با دانش جمع نشد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَفْضَلَ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ يَتَجَرَّعُهَا الْعَبْدُ يَرُدُّهَا فِى قَلْبِهِ إِمَّا بِحِلْمٍ وَ إِمَّا بِصَبْرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ جرعه اى از جرعه خشمى كه بنده در دلش جولان مى دهد و با بردبارى يا شكيبائى ردش مى كند، بهتر نيست .

عَنِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَاشَ مُدَارِياً مَاتَ شَهِيداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه با مدارا كردن به ديگران زندگى كند، شهيد مى ميرد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجَراً فَقَالَ مَا هَذَا فَقَالُوا نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَ أَقْوَانَا فَقَالَ أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَ أَقْوَاكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَشَدُّكُمْ وَ أَقْوَاكُمُ الَّذِى إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِى إِثْمٍ وَ لَا بَاطِلٍ وَ إِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخَطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از كنار گروهى مى گذشت كه سنگى را بلند مى كردند، فرمود: اين چه كارى است ؟ گفتند: به اين كار قدرتمندترين و قوى ترينمان را مى شناسيم ، فرمود: آيا شما را از قوى ترين و قدرتمندترينتان آگاه سازم ؟ گفتند: بلى اى رسول خدا، فرمود: قدرتمندترين و قوى ترين شما كسى است كه به گاه خوشنودى خطا و گناه نكند، و به هنگام خشم قول غير حق نگويد، و هر گاه توانمند شد بخشش به غير حق نكند.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: غضب كليد هر شرّى است .

وَ قَالَ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أَعْلِمْنَا أَيُّ الْأَشْيَاءِ أَشَدُّ قَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءِ غَضَبُ اللَّهِ قَالُوا فِيمَا يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ قَالَ بِأَنْ لَا تَغْضَبُوا قَالُوا وَ مَا بَدْءُ الْغَضَبِ قَالَ الْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحْقَرَةُ النَّاسِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: حواريّون به عيسى عليه‌السلام گفتند: اى معلم خير، ما را به سخت ترين چيز راهنمايى كن ، فرمود: از همه چيز سخت تر غضب خداوند است . گفتند: چگونه مى شود از غضب خداوند دور ماند؟ فرمود: به اينكه غضب نكنيد، گفتند: غضب از كجا شروع مى شود؟ فرمود: از تكبر و خود خواهى و كوچك شمردن مردم .

## فصل دوازدهم : در هديه دادن و گرفتن

الفصل الثانى عشر فى التهادى و غيره

عَنِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مِنْ تَكْرِمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ تُحْفَتَهُ وَ يُتْحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ وَ لَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از شرافت و بزرگوارى مرد نسبت به برادر مسلمانش اين است كه هديه اش را قبول كند، و از آنچه دارد به او هديه دهد، و خود را به خاطر او به مشقّت نياندازد.

وَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: من كسانى را كه خود را به زحمت اندازند، دوست ندارم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَأْكُلُ الْهَدِيَّةَ وَ لَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ يَقُولُ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسُلُّ السَّخَائِمَ وَ تُخَلِّى ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هديه را مى پذيرفت ولى صدقه را نمى خورد، و مى فرمود: به همديگر هديه دهيد، زيرا هديه دلخوريها را بر طرف مى سازد، و كينه ها و دشمنيهاى ته نشين شده در دل را تخليه مى كند.

عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله يُحِبُّ الْهَدِيَّةَ يَسْتَحْلِيهَا وَ يَسْتَدْعِيهَا وَ يُكَافِئُ عَلَيْهَا أَهْلَهَا

امام رضا عليه‌السلام از قول پدر و جدّ بزرگوارش نقل مى كند كه فرمود: رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله هديه را دوست مى داشت ، آن را مباح و جايز مى دانست ، و آن را طلب مى نمود، و در مقابل آن معامله به مثل مى كرد.

عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ فَإِذَا كَانَ الْمِهْرَجَانُ وَ النَّيْرُوزُ أَهْدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْءَ لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ مُصَلِّينَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لْيُكَافِئْهُمْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُهُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّ كَافِراً أَوْ مُنَافِقاً أَهْدَى إِلَيَّ وَسْقاً مَا قَبِلْتُهُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ أَبَى اللَّهُ لِى زَبْدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ

ابراهيم كرخى گويد: از حضرت صادق عليه‌السلام در باره مردى كه مزرعه بزرگى داشت سؤ ال كردم ، و گفتم : روز مهرگان و نوروز براى او هديه مى آورند، صاحبان هديه را نمى شناسد و آنها بدين وسيله خود را به او نزديك مى كنند، فرمود: آيا در ميان آنان نمازگزار نيست ؟ گفتم : چرا هست ، فرمود: بايد هديه آنها را قبول كند و به آنها احسان كند، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر يك ران گوسفند هم به من هديه كنند مى پذيرم ، زيرا قبول هديه جزء دين است ، اما اگر كافر يا منافقى مقدارى خرما هم به من هديه كند، قبول نخواهم كرد، زيرا اين هم از احكام دين است ، خداوند هديه مشركين و منافقين را براى من تجويز نفرموده است .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام جُلَسَاءُ الرَّجُلِ شُرَكَاؤُهُ فِى الْهَدِيَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: همنشينان مرد در هديه او شريك هستند.

عَنْهُعليه‌السلام الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهٍ هَدِيَّةُ مُكَافَاةٍ وَ هَدِيَّةُ مُصَانَعَةٍ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هديه بر سه قسم است : هديه در عوض ‍ هديه ، هديه سازش و مسالمت ، هديه براى خدا.

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ قَبِيلَتِهِ وَ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَقِّ الْوَاجِبِ وَ صِدْقُ الْإِخَاءِ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَإِنَّهَا مَعْرِفَةٌ حَمْقَاءُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما برادر مسلمانش را دوست داشت ، بايد از او نامش و نام پدرش و فاميل و عشيره اش را سؤ ال كند، زيرا اين امرى لازم است ، و صداقت برادرى به اين است كه در باره اينها از او بپرسد، در غير اين صورت شناخت آنها (از همديگر) احمقانه خواهد بود.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا فَإِنَّ ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: قدر و منزلت ميان خود و برادرت را حفظ كن و آن را باقى گذار، زيرا برداشتن پرده شكوه و جلال ، موجب از بين رفتن حياء مى شود.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِراً فَكَنِّهِ وَ إِذَا كَانَ غَائِباً فَسَمِّهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: در حضور مرد او را با كنيه اش صدا زنيد، و در غيابش نام او را ببريد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الرَّجُلُ الصَّالِحُ يَأْتِى بِالْخَبَرِ الصَّالِحِ وَ الرَّجُلُ السَّوْءُ يَأْتِى بِالْخَبَرِ السَّوْءِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مرد نيكوكار خبر نيك مى آورد، و مرد بدكار خبر بد مى آورد.

عَنْهُ قَالَ إِسْمَاعُ الْأَصَمِّ مِنْ غَيْرِ تَضَجُّرٍ صَدَقَةٌ هَنِيْئَةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شنوانيدن سخن به شخص ناشنوا بدون اينكه ناراحتش كند، صدقه اى گواراست .

# باب پنجم در مكارم اخلاق در اين باب پنج فصل است

الباب الخامس فى مكارم الا خلاق و نظائرها سبعة فصول

الفصل الاول فى حسن الخلق

فصل اول : در خوش اخلاقى

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَلَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ارْتَضَى لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هان ، خداوند عزّ و جلّ اسلام را براى شما انتخاب كرد، اينك با سخاوت و خوش خلقى به نيكوئى ياريش ‍ نمائيد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ وَ قِلَّةُ مِرَائِهِ وَ صَبْرُهُ وَ حُسْنُ خُلُقُهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امام سجاد عليه‌السلام مى فرمود: راه شناخت مسلمان ديندار به چند چيز است : به سخن بيهوده نگفتنش ، به جدال نكردنش ، به صبر و شكيبائيش ، و به خوش خلقيش .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ الدِّينِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوش خلقى از لوازم دين است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ الْإِسْلَامَ دِيناً فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِهِمَا

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند اسلام را براى شما برگزيد، اينك با سخاوتمندى و خوش ‍ خلقى با آن به خوبى معاشرت كنيد، زيرا شايسته نيست رفاقتى با دين مگر با سخاوت و حسن خلق .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا حَسَبَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حسب و نسبى (براى انسان) همانند اخلاق نيكو نيست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِى الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: بيشترين چيزى كه امّتم را به بهشت مى برد، تقواى الهى و خوش ‍ خلقى است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ قَالَ إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يُذِيبُ الذُّنُوبَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَمَدَ وَ إِنَّ الْخُلُقَ السَّيِّئَ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: اخلاق خوب گناهان را آب مى كند، همان طور كه آفتاب اشياء منجمد را، و اخلاق بد عمل را فاسد مى كند، همان طور كه سركه عسل را از بين مى برد.

عَنْهُ قَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوش اخلاقى روزى را زياد مى كند.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا حَسَّنَ اللَّهُ خَلْقَ عَبْدٍ وَ خُلُقَهُ إِلَّا اسْتَحْيَا أَنْ يُطْعِمَ النَّارَ مِنْ لَحْمِهِ

امام كاظم عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: خداوند خوى و بدن بنده اى را نيكو و سالم نيافريد، مگر اينكه از سوختن گوشتش به آتش دوزخ شرم خواهد داشت .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِسَبْعَةٍ مِنَ الْأُسَارَى فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُمْ فَاضْرِبْ أَعْنَاقَ هَؤُلَاءِ قَالَ فَهَبَطَ جَبْرَئِيلُصلى‌الله‌عليه‌وآله كَطَرْفِ الْعَيْنِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اضْرِبْ أَعْنَاقَ هَؤُلَاءِ السِّتَّةِ وَ لَا تَضْرِبْ عُنُقَ هَذَا قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ مَا بَالُ هَذَا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ لِأَنَّهُ كَانَ حَسَنَ الْخُلُقِ سَخِيّاً عَلَى الطَّعَامِ سَمِحَ الْكَفِّ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ عَنْكَ أَوْ عَنْ رَبِّى قَالَ لَا بَلْ عَنْ رَبِّكَ أَمَرَنِى بِذَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هفت اسير را نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آوردند، فرمود: اى على ، برخيز و گردن اينها را بزن ، جبرئيل عليهم‌السلام به سرعت نازل گشت و گفت : اى محمّد! گردن اين شش نفر را بزن و گردن اين يكى را نزن ، فرمود: اى جبرئيل ، امتياز اين بر ديگران چيست ؟ عرض كرد: او خوش خلق و سخاوتمند در غذاست ، و دستش باز است ، فرمود: اى جبرئيل ، اين را از خود مى گويى يا از قول پروردگارم ؟ گفت : از پروردگارت ، كه مرا امر كرد اين را بگويم .

عَنْ بَحْرٍ السَّقَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَا بَحْرُ حُسْنُ الْخُلُقِ يُسْرٌ ثُمَّ قَالَ أَ لَا أُخْبِرُكَ بِحَدِيثٍ مَا هُوَ فِى يَدِ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قُلْتُ بَلَى قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ فِى الْمَسْجِدِ إِذْ جَاءَتْ جَارِيَةٌ لِبَعْضِ الْأَنْصَارِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَأَخَذَتْ بِطَرَفِ ثَوْبِهِ فقال فَقَامَ لَهَا النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَلَمْ تَقُلْ شَيْئاً وَ لَمْ يَقُلْ لَهَا شَيْئاً حَتَّى فَعَلَتْ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ النَّبِيُّ فِى الرَّابِعَةِ وَ هِيَ خَلْفَهُ فَأَخَذَتْ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَ النَّاسُ فَعَلَ اللَّهُ بِكِ وَ فَعَلَ حَبَسْتِ رَسُولَ اللَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَا تَقُولِينَ لَهُ شَيْئاً وَ لَا هُوَ يَقُولُ لَكِ شَيْئاً مَا كَانَتْ حَاجَتُكِ إِلَيْهِ قَالَتْ إِنَّ لَنَا مَرِيضاً فَأَرْسَلَنِى أَهْلِى لاِخُذَ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ يَشْتَفِى بِهَا فَلَمَّا أَرَدْتُ أَخْذَهَا رَآنِى فَقَامَ فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ آخُذَهَا وَ هُوَ يَرَانِى وَ أَكْرَهُ أَنْ أَسْتَأْمِرَهُ فِى أَخْذِهَا حَتَّى أَخَذْتُهَا

امام صادق عليه‌السلام به بحر سقا فرمود: اى بحر، خوش خلقى (مايه) آسانى امور است . سپس فرمود: آيا داستانى را كه همه اهل مدينه مى دانند برايت نقل نكنم ؟ عرض كردم : چرا، فرمود: يكى از روزها رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مسجد نشسته بود كه ناگهان كنيز يكى از انصار كنار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ايستاده و گوشه جامه آن حضرت را گرفت ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به احترامش ‍ برخاست ولى به او چيزى نفرمود، آن زن هم به پيامبر چيزى نگفت ، و اين كار را سه مرتبه تكرار كرد، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در مرتبه چهارم حركت كرد، آن زن كه پشت سر آن حضرت بود رشته اى از جامه ايشان را گرفت ، و سپس بازگشت ، مردم به او گفتند: خدا تو را چنين و چنان كند كه سه مرتبه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را نگاه داشتى ، نه تو چيزى به او گفتى و نه او چيزى به تو فرمود، از او چه مى خواستى ؟ گفت : در خانه ما مريضى است ، مرا فرستاده اند تا رشته اى از لباس پيامبر را براى استشفا ببرم ، چون خواستم آن را بكنم مرا ديد و از جا برخاست ، من شرم كردم آن رشته نخ را بردارم و او مرا ببيند، و دوست هم نداشتم كه از خودش بخواهم آن را بكند، تا اينكه (در مرتبه چهارم) آن را كندم .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا بَنِى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ الْبِشْرِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مُرُوَّةُ الرَّجُلِ خُلُقُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى فرزندان عبد المطلب ، شما با اموال خود نمى توانيد مردم را متوجه خود كنيد، اينك با چهره باز و خوشرويى آنها را به خود نزديك سازيد.

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: مردانگى مرد به اخلاق اوست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ حُسْنُ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خوشبختى مرد در خوش خلقى اوست .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خوش اخلاقى نصف دين است .

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بهترين نيكى ها، خوش خلق بودن است .

قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لِرَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِأَبِى أَنْتَ وَ أُمِّى الْمَرْأَةُ يَكُونُ لَهَا زَوْجَانِ فَيَمُوتُونَ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ لِأَيِّهِمَا تَكُونُ قَالَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ تَخَيَّرُ أَحْسَنَهُمَا خُلُقاً وَ خَيْرَهُمَا لِأَهْلِهِ يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبَ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

ام سلمه به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: پدر و مادرم فدايت ، زنى دو شوهر داد، كه بعد از مرگ وارد بهشت مى گردند، اين زن به كدام يك از آن دو تعلق دارد؟ فرمود: اى ام سلمه ، آن را كه خوش اخلاقتر بوده و براى خانواده اش بهترين بوده انتخاب مى كند، اى ام سلمه ، خوش ‍ اخلاقى به همه نيكى هاى دنيا و آخرت برترى دارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَ الِاحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ وَ الْمُسَالَمَةُ خَبْءُ الْعُيُوبِ وَ لَا قُرْبَى كَحُسْنِ الْخُلُقِ

امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: خوشرويى صيّاد محبت است ، و تحمل عيبها را مدفون مى كند، و سازش عيبها را مخفى مى كند، و هيچ چيز همچون خوش خلقى موجب نزديكى انسانها به يك ديگر نمى شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا شَيْءٌ أَثْقَلَ فِى الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ چيز روز قيامت در ميزان اعمال سنگين تر از خوش خلقى نيست .

وَ قَالَ عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِى الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ وَ إِيَّاكُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِى النَّارِ لَا مَحَالَةَ وَ كَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ اللَّهُمَّ أَحْسَنْتَ خَلْقِى فَأَحْسِنْ خُلُقِى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بر شما باد به خوش خلقى ، زيرا خوش خلقى حتما در بهشت است ، و از اخلاق بد بپرهيزيد، زيرا بد اخلاق حتما در دوزخ است ، و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هميشه مى فرمود: خدايا، همان گونه كه خلقت مرا نيكو گرداندى اخلاق مرا هم نيكو گردان .

مِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشِّيعَةِ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اصْبِرْ يَا زَيْدُ عَلَى أَعْدَائِكَ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَكْثَرَ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدُكُمُ الْجَمَلَ الْغَرِيبَ الَّذِى لَيْسَ لَهُ عَنْ إِبِلِهِ يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَ اخْتَارَهُ فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام به زيد شحّام فرمود: اى زيد! در مقابل دشمنانت صبر كن زيرا كسى را كه نسبت به تو خدا را نافرمانى كرده ، هرگز نتوانى بهتر از اطاعت خدا نسبت به او تلافى كنى ، خداوند بنده مؤمنش را از آنچه دوست ندارد دور مى كند، همان طور كه شما شتر غريبى را كه جزء شتران شما نيست دور مى كنيد، اى زيد! خداوند اسلام را برگزيد و آن را اختيار نمود، شما با جود و بخشش و اخلاق نيكو، اسلام را يارى كنيد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ أَسَاءَ خُلُقَهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شخص بد اخلاق نفس خويش را شكنجه مى دهد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام مَا عِنْدَ اللَّهِ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ چيز نزد خداوند بهتر از اداء حق مؤمن نيست .

مِنْ كِتَابِ زُهْدِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ فَقَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: بهترين چيزى كه به انسان داده شده چيست ؟ فرمود: اخلاق نيكو.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَكْمَلُ إِيمَاناً قَالَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً ثُمَّ جَاءَهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ثُمَّ جَاءَهُ مِنْ خَلْفِهِ فَقَالَ قَدْ قُلْتُ لَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض كرد: اى رسول خدا! كداميك از مردمان ايمانش كاملتر است ؟ فرمود: خوش اخلاقترين آنان ، سپس روبروى حضرت آمد، بعد پشت سر ايشان رفت (و سؤ ال را تكرار كرد)، فرمود: همان كه به تو گفتم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَوْ كَانَ الرِّفْقُ خَلْقاً يُرَى مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئاً أَحْسَنَ مِنْهُ وَ لَوْ كَانَ الْخُرْقُ خَلْقاً يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَقْبَحَ مِنْهُ وَ إِلَى اللَّهِ لَيَبْلُغُ الْعَبْدُ بِحُسْنِ الْخُلُقِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: اگر مدارا كردن مخلوقى مى بود كه ديده مى شد، خداوند چيزى را بهتر از آن خلق نمى كرد، و اگر ناسازگارى مخلوقى بود كه ديده مى شد، خداوند چيزى زشت تر از آن نمى آفريد، بنده نزد خداوند به وسيله اخلاق نيكو به درجه روزه دار شب زنده دار برسد.

## فصل دوم : در تواضع و فروتنى

(الفصل الثانى فى التواضع)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ لَقَدْ أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَهُ اللَّهُ عَمَّا أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْئاً فَاخْتَارَ التَّوَاضُعَ لِرَبِّهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سه مرتبه كليدهاى گنجهاى زمين را نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آوردند، بدون اينكه (در عوض) خداوند در روز قيامت چيزى از مقام آن حضرت بكاهد، ايشان (از بين آنها) تواضع در برابر پروردگارش را انتخاب كرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ إِلَّا خَيْراً التَّوَاضُعُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا ارْتِفَاعاً وَ ذُلُّ النَّفْسِ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا عِزّاً وَ التَّعَفُّفُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا غِناً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه چيز است كه خداوند به وسيله آنها فقط خير را زياد مى كند: به تواضع مقام آدمى را بالا مى برد، با خوار نمودن نفس به او عزّت مى دهد، و به وسيله عفت و پاكدامنى او را ثروتمند مى كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ إِنَّ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلْقَى وَ أَنْ تَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقّاً وَ لَا تُحِبَّ أَنْ تُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى

امام صادق عليه‌السلام از قول پدران بزرگوارش فرمود: از تواضع است كه در نشستن پايين مجلس راضى باشى ، و به هر كه بر خوردى سلام كنى ، و جدال را ترك نمايى اگر چه حق با تو باشد، و دوست نداشته باشى كه تو را به تقوى بستايند.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ مُوسَىعليه‌السلام سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ سُوَيْدٍ الْمَدَنِيُّ عَنِ التَّوَاضُعِ الَّذِى إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ مُتَوَاضِعاً فَقَالَ التَّوَاضُعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَ لَا يُحِبَّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يَأْتُوا إِلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ سَيِّئَةٌ دَرَأَهَا بِالْحَسَنَةِ وَ يَكُونَ كَاظِمَ الْغَيْظِ عَافِياً عَنِ النَّاسِ وَ اللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

على بن سويد مدنى از امام كاظم عليه‌السلام در مورد تواضع پرسيد: چه تواضعى است كه اگر بنده آن را انجام دهد متواضع شناخته مى شود؟ فرمود: تواضع داراى درجاتى است :

برخى از آن اين است كه انسان قدر خود را بشناسد، و با دلى سالم خود را به جايگاه خويش نشاند، و با مردم آن كار را بكند كه دوست دارد مردم نسبت به او انجام دهند، اگر بدى بيند آن را با نيكى بپوشاند، خشم خود را فرو خورد، از مردم درگذرد، و خداوند هم نيكوكاران را دوست مى دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرٌ مِنْ أَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لَا أُحَدِّثُكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بَلَى قَالَ دَخَلْتُ يَوْماً عَلَى النَّجَاشِيِّ وَ هُوَ فِى غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ زِيِّهِ قَالَ فَحَيَّيْتُهُ بِتَحِيَّةِ الْمُلْكِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ مَا لِى أَرَاكَ فِى غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ زِيِّهِ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِى الْإِنْجِيلِ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَ نَجِدُ فِى الْإِنْجِيلِ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ يَعْدِلُ التَّوَاضُعَ لَهُ وَ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ فِى لَيْلَتِى هَذِهِ أَنَّ مُحَمَّداً ظَفِرَ بِمُشْرِكِى أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ بِمَا تَرَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه جعفر بن ابى طالب عليه‌السلام از حبشه مراجعت كرد به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گفت : اجازه مى فرماييد براى شما حديثى نقل كنم ؟ رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

بلى ، عرض كرد: روزى وارد بر نجاشى شدم ، آن روز در مجلس رسمى و لباس مخصوص حكومت نبود، من به او تحيت ملوكانه گفتم ، و به او گفتم : اى ملك ! چرا شما را در لباس رسمى و حكومتى نمى بينم ؟ گفت : ما در انجيل مى خوانيم كه هر كس خداوند به او نعمتى عطا فرمود بايد خداوند را شكر گزارد، و در انجيل خوانده ايم كه چيزى چون تواضع با شكر براى خدا برابرى نمى كند، و من امشب گذشته ام شنيدم كه محمّد بر مشركين بدر پيروز گشته ، و اينك دوست دارم خداوند را اين گونه كه مى بينى شكر كنم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ بِالْأَرْضِ عَهْدٌ عَلَى الْبُرَاقِ وَ مَعَهُ قَطِيفَةٌ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ يُخَيِّرُكَ بَيْنَ أَنْ يَجْعَلَكَ عَبْداً رَسُولًا أَوْ مَلِكاً رَسُولًا قَالَ فَنَظَرَ إِلَى جَبْرَئِيلَ فَأَومَى إِلَيْهِ بِيَدِهِ أَنْ يَتَوَاضَعَ فَقَالَ عَبْداً رَسُولًا فَقَالَ الرَّسُولُ مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئاً قَالَ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: فرشته اى نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد كه تا آن زمان به زمين نيامده بود، و در حالى كه سوار بر براق بود و جامه اى از حرير به تن داشت به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: خداوند عزّ و جل تو را مخيّر ساخته بين اينكه بنده و رسول باشى ، يا اينكه ملك و رسول و متواضع باشى ، حضرت فرمود: پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله متوجه جبرئيل شد كه با دستش اشاره كرد كه متواضع باش ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: عبد رسول متواضع (را اختيار نمودم)، فرشته گفت : با اين انتخاب از مقامى كه نزد پروردگارت دارى چيزى كاسته نشود.

امام عليه‌السلام فرمود: همراه اين ملك كليدهاى گنجينه هاى زمين بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام إِذَا مَشَى لَا يَسْبِقُ يَمِينُهُ شِمَالَهُ فَقَالَ وَ لَقَدْ مَرَّ عَلَى الْمَجْذُومِينَ يَأْكُلُونَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَدَعَوْهُ إِلَى طَعَامِهِمْ فَمَضَى ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ كَانَ صَائِماً فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ إِنِّى صَائِمٌ ثُمَّ قَالَ ائْتُونِى فِى الْمَنْزِلِ فَأَتَوْهُ فَأَطْعَمَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ وَ زَادَ فِيهِ ابْنُ أَبِى عُمَيْرٍ عَنْهُ أَنَّهُ تَغَدَّى مَعَهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه امام سجاد عليه‌السلام راه مى رفت ، پاى راستش از چپش پيشى نمى گرفت ، روزى از كنار چند جذامى كه غذا مى خوردند عبور مى كرد، امام عليه‌السلام بر آنها سلام كرد، آنها ايشان را براى صرف طعام دعوت كردند، حضرت قبول كرد، سپس فرمود: خداوند متكبران را دوست نمى دارد امام روزه بود به نزد آنان رفت و فرمود:

من روزه هستم ، سپس فرمود: فردا به منزل من بياييد، آنها به منزل امام عليه‌السلام رفتند و به آنان غذا خوراند و هديه داد.

و در بعض روايات است كه : امام عليه‌السلام همراه آنان غذا خورد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ فَإِنَّ الْكَيِّسَ لَدَى الْحَقِّ أَسِيرٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: لقمان به فرزندش گفت : اى پسركم ، در برابر حق متواضع باش تا خردمندترين مردم باشى ، زيرا شخص با هوش و زيرك در نزد حق اسير است .

عَنْهُ قَالَ لَا عِزَّ إِلَّا لِمَنْ تَذَلَّلَ لِلَّهِ وَ لَا رِفْعَةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: عزّت نيست مگر براى كسى كه در مقابل خدا ذليل شود، و بلندى مقام نيست مگر براى كسى كه براى خدا تواضع كند.

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَانَ يُحِبُّنَا وَ هُوَ فِى مَوْضِعٍ لَا يَشِينُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُلْتُ مَا مَوْضِعٌ لَا يَشِينُهُ قَالَ لَمْ يَجْعَلْهُ وَلَدَ زِنًى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس كه ما را دوست بدارد و در موقعيتى باشد كه ننگى بر دامنش نباشد، او از بندگان مخلص خداست ، عرض كردم : موردى كه رسوايى ندارد چيست ؟ فرمود: زنازاده نباشد.

وَ مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام ثَلَاثَةٌ أُصُولُ الْكُفْرِ الْحِرْصُ وَ الِاسْتِكْبَارُ وَ الْحَسَدُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز از اصول كفر است : حرص ، تكبرورزيدن ، حسادت .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام ثَلَاثٌ قَاصِمَاتُ الظَّهْرِ رَجُلٌ اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَ نَسِيَ ذُنُوبَهُ وَ أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سه چيز كمر شكن است : مردى كه عملش را زياد شمارد، و گناهانش را فراموش كند، و رأ ى خود را بپسندد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَشْقَى النَّاسِ الْمُلُوكُ وَ أَمْقَتُ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شقاوتمندترين مردم پادشاهانند، و مبغوضترين مردم متكبرانند، و خوارترين مردم كسى است كه به مردم اهانت كند.

سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ الرِّضَاعليه‌السلام فَقَالَ مَا حَدُّ التَّوَاضُعِ قَالَ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطُوكَ مِثْلَهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَشْتَهِى أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ قَالَ انْظُرْ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ

حسن بن جهم از امام رضا عليه‌السلام سؤ ال كرد: حدّ تواضع چيست ؟ فرمود: براى مردم بخواهى آنچه را براى خودت مى خواهى ، گويد، عرض ‍ كردم : مى خواهم بدانم نزد شما چگونه هستم ؟ فرمود: بنگر، من نزد تو چگونه ام .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنِّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَوَاضِعُونَ وَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنِّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَكَبِّرُونَ

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند به داود وحى كرد: اى داود، نزديكترين مردم در روز قيامت به من متواضعان هستند، و همچنين دورترين مردم روز قيامت از من متكبرانند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَا حَسَبَ كَالتَّوَاضُعِ وَ لَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَ عَجَباً لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِى كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَداً جِيفَةً

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: حسب و نسبى چون تواضع نيست ، و هيچ تنهايى وحشتناكتر از خودپسندى نيست ، در شگفتم از متكبر، كه ديروز نطفه اى بود، و فردا هم مردارى خواهد بود.

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِى قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبْرٍ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: وارد بهشت نمى شود آنكه در دلش به اندازه يك خردل كبر و غرور باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَمْشِى مِشْيَةً كَأَنَّ عَلَى رَأْسِهِ الطَّيْرَ لَا يَسْبِقُ يَمِينُهُ شِمَالَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امام سجاد عليه‌السلام به گونه اى راه مى رفت كه گويا روى سرش پرنده اى بود، پاى راستش از پاى چپ سبقت نمى گرفت .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِى صُوَرِ الذَّرِّ فَيَطَؤُهُمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: متكبرين در روز قيامت به صورت اجسامى ريز و كوچك در زير پاى مردم قرار داده مى شوند، تا خداوند از حساب و كتاب فارغ شود.

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ مَا لِى أَرَاكَ سَاكِتاً قَالَ خَشْيَتُكَ أَسْكَتَتْنِى قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِى أَرَاكَ نَصِباً قَالَ حُبُّكَ نَصَبَنِى قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِى أَرَاكَ فَقِيراً قَالَ الْقِيَامُ بِحَقِّكَ أَفْقَرَنِى قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِى أَرَاكَ مُتَذَلِّلًا قَالَ عِظَمُ جَلَالِكَ الَّذِى لَا يُوصَفُ ذَلَّلَنِى قَالَ يَا دَاوُدُ أَبْشِرْ بِالْفَضْلِ مِنِّى فِيمَا تُحِبُّ يَوْمَ تَلْقَانِى خَالِطِ النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَ زَايِلْهُمْ بِدِينِكَ تَنَلْ مِنِّى مَا تُرِيدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ به داود وحى كرد: چرا ساكت هستى ؟ گفت : ترس از تو مرا ساكت نموده ، فرمود: اى داود، چرا لاغر هستى ؟ گفت : دوستى تو مرا نحيف نموده ، فرمود: اى داود، چرا فقير هستى ؟ گفت : قيام به حق تو مرا فقير كرده ، فرمود: اى داود، چرا خود را حقير كرده اى ؟ گفت : عظمت و جلالت كه به وصف نيايد مرا خوار نموده ، فرمود: اى داود، اينك تو را بشارت مى دهم به هنگام ملاقات با من به آنچه دوست دارى نصيبت گردد، با مردم طبق خلق و خوى آنان رفت و آمد كن ، اما در مسائل دينيت از آنان جدا باش ، كه روز قيامت به آنچه از من بخواهى مى رسى .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنَّ فِى السَّمَاءِ مَلَكَيْنِ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در آسمان دو فرشته بر بندگان گمارده شده اند، كه هر كس براى خدا تواضع كند بالايش برند، و هر كه تكبر كند خوارش سازند.

وَ قَالَ الْكِبْرُ رِدَاءُ اللَّهِ فَمَنْ نَازَعَ اللَّهَ رِدَاءَهُ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِى النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بزرگ منشى لباس مخصوص خداست ، هر كه نسبت به آن با خداوند منازعه نمايد، خدا او را به صورتش در آتش ‍ اندازد.

وَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِى قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ كِبْرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: وارد بهشت نشود آنكه در دلش به قدر يك مثقال كبر باشد.

وَ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى مُوسَى يَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ هَلْ تَدْرِى لِمَ خَصَصْتُكَ بِوَحْيِى وَ كَلَامِى مِنْ بَيْنِ خَلْقِي قَالَ لَا أَعْلَمُهُ يَا رَبِّ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّى اطَّلَعْتُ إِلَى خَلْقِى اطِّلَاعَةً لَمْ أَرَ فِى خَلْقِى أَشَدَّ تَوَاضُعاً مِنْكَ لِى فَمِنْ ثَمَّ خَصَصْتُكَ بِوَحْيِى وَ كَلَامِي قَالَ فَكَانَ مُوسَى إِذَا صَلَّى لَمْ يَنْفَتِلْ حَتَّى يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى تبارك و تعالى به موسى وحى فرمود: اى موسى بن عمران ، آيا مى دانى چرا از بين بندگانم تو را به وحيم اختصاص دادم و با تو سخن گفتم ؟ گفت :

بار خدايا نمى دانم ، فرمود: اى موسى ، من نظرم را به طرف مخلوقاتم افكندم ، ولى در بين آنان متواضعتر از تو نسبت به خودم نديدم ، بدين جهت تو را به وحى و سخن گفتن برگزيدم ، فرمود: همواره موسى بعد از نمازش ‍ بلند نمى شد مگر اينكه گونه راست و چپش را بر زمين مى گذاشت .

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ آخِذٌ بِحِكْمَةِ رَأْسِهِ إِنْ هُوَ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ إِنْ هُوَ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر بنده اى يك فرشته همراهش ‍ است كه بر سر آن بنده موكّل و مراقب است ، اگر براى خدا تواضع كرد بالايش برد، و اگر تكبر كرد خوارش نمايد.

وَ قَالَ مَنْ حَمَلَ بِضَاعَتَهُ فَقَدْ بَرِئَ مِنَ الْكِبْرِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس وسائلش را خود حمل نمود، به حق از تكبر دور شده .

## فصل سوم : در عفو و بخشش

(الفصل الثالث فى العفو)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ أَنْ تَعْفُوَعَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه چيز از مكارم دنيا و آخرت است : از كسى كه به تو ظلم كرد درگذرى ، با كسى كه با تو قطع رابطه كرد رابطه برقرار كنى ، اگر كسى نسبت به تو جهالتى كرد بردبارى كنى .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزّاً الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَ صِلَةُ مَنْ قَطَعَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سه چيز است كه شخص مسلمان فقط با آنها كسب عزت مى كند:

گذشت از ظالم ، دلجويى از محروم ، رفت و آمد با كسى كه قطع رابطه نموده عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزّاً فَتَعَافَوْا يُعِزَّكُمُ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: عفو كنيد، زيرا عفو و گذشت موجب عزّت بنده مى شود، پس يك ديگر را عفو كنيد تا خداوند عزيزتان كند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پشيمانى بر عفو و گذشت ، بهتر و ساده تر از پشيمانى بر عقوبت است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أُتِيَ بِالْيَهُودِيَّةِ الَّتِى سَمَّتِ الشَّاةَ لِلنَّبِيِّ فَقَالَ لَهَا مَا حَمَلَكِ عَلَى مَا صَنَعْتِ فَقَالَتْ قُلْتُ إِنْ كَانَ نَبِيّاً لَمْ يَضُرَّهُ وَ إِنْ كَانَ مَلِكاً أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْهُ قَالَ فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَنْهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: زن يهوديه اى را كه گوشت گوسفندى را مسموم كرده بود تا پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بخورد، خدمت آن حضرت آوردند، فرمود: چرا اين كار را كردى ؟ زن گفت : با خود گفتم اگر پيغمبر باشد زيانش نرساند، و اگر پادشاه باشد مردم را از وى آسوده خاطر خواهم كرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از او در گذشت عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِلْيَهُودِيِّ الَّذِى سَحَرَهُ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ قَالَ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ وَ أَنْتَ نَبِيٌّ قَالَ فَعَفَا عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص

امام رضا عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به مردى كه ايشان را سحر كرده بود فرمود: چرا مرتكب آن كار شدى ؟ گفت : دانستم كه اگر پيامبر باشى در تو اثر نمى كند، در اينجا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از او گذشت كرد.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ أَبَقَ غُلَامٌ لِأَبِى الْحَسَنِ إِلَى مِصْرَ فَأَصَابَهُ إِنْسَانٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقَيَّدَهُ وَ خَرَجَ بِهِ فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ لَيْلًا فَأَتَى بِهِ مَنْزِلَ أَبِى الْحَسَنِ فَخَرَجَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ فَقَامَ إِلَيْهِ الْغُلَامُ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَسَمِعَ حَرَكَةَ الْقَيْدِ فَقَالَ مَنْ هَذَا قَالَ غُلَامُكَ فُلَانٌ وَجَدْتُهُ فَقَالَ لِلْغُلَامِ اذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ

يكى از ياران امام رضا عليه‌السلام گويد: غلامى از غلامان امام رضا عليه‌السلام فرار كرد، و به مصر رفت ، يكى از اهالى مدينه (كه در آنجا بود) او را شناخت و دستگيرش كرد، و به طرف مدينه آورد، شب هنگام او را وارد منزل امام عليه‌السلام نمود، حضرت به نزد او رفت ، هنگامى كه غلام براى سلام كردن حركت كرد امام صداى غل و زنجيرش را شنيد، فرمود: اين كيست ؟ آن مرد گفت : اين همان غلام فرارى شماست كه من او را يافته ام ، حضرت به غلام فرمود: بروتو آزادى .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ مِنْهُ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: اگر مردى از طرف راستت به تو دشنام داد سپس به طرف چپ رفته و عذر خواست عذرش را بپذير.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اقْبَلُوا الْعُذْرَ مِنْ كُلِّ مُتَنَصِّلٍ مُحِقّاً كَانَ أَوْ مُبْطِلًا وَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْهُ فَلَا نَالَتْهُ شَفَاعَتِى

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: عذر كسى را كه معذرت خواست بپذيريد، چه به حق باشد و چه باطل ، هر كس عذر چنين كسى را نپذيرد شفاعت من به او نخواهد رسيد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنِ اعْتَذَرَ إِلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ أ ضر إِصْرَ صَاحِبِ مكسر مَكْسٍ

يقال تنصل فلان من دينه إ ذا تبرأ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس از برادر مسلمان خود عذر بخواهد و او نپذيرد، خداوند او را گرفتار رفيق بدى كند كه به او زيان رساند.

## فصل چهارم : در سخاوت و بخل

(الفصل الرابع فى السخاوة و البخل)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام سَخَاءُ الْمَرْءِ عَمَّا فِى أَيْدِى النَّاسِ أَكْثَرُ مِنْ سَخَاءِ النَّفْسِ وَ الْبَذْلِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سخاوت انسان نسبت به آنچه در دست مردم است بيشتر از سخاوتش نسبت به خود و مالش است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْخِيَاءِ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: بهشت منزلگاه سخاوتمندان است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام السَّخِيُّ الْكَرِيمُ الَّذِى يُنْفِقُ مَالَهُ فِى حَقٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شخص سخاوتمند و بخشنده كسى است كه مالش را در راه حق انفاق مى كند.

وَ قَالَ أَيْضاً السَّخَاءُ أَنْ تَسْخُوَ نَفْسُ الْعَبْدِ عَنِ الْحَرَامِ أَنْ تَطْلُبَهُ فَإِذَا ظَفِرَ بِالْحَلَالِ طَابَتْ نَفْسُهُ أَنْ يُنْفِقَهُ فِى طَاعَةِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سخاوت آن است كه نفس بنده از طلب حرام باز ماند و خوددارى كند، و چون به حلال رسيد نفسش به انفاق در راه خدا رام باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ حَسَّنَ خُلُقَهُ وَ بَسَطَ يَدَهُ إِلَّا كَانَ فِى ضَمَانِ اللَّهِ لَا مَحَالَةَ وَ مِمَّنْ يَهْدِيهِ حَتَّى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مؤمنى خوش خلق و گشاده دست نبود، جز آنكه هميشه در پناه خداوند و از هدايت شدگان او باشد، تا اينكه او را وارد بهشت كند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ شَابٌّ مُقَارِفٌ لِلذُّنُوبِ سَخِيٌّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: جوان غرق در گناهان ولى با سخاوت ، نزد خداوند از پيرمرد عابد بخيل بهتر است .

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ حَدِّ السَّخَاءِ فَقَالَ تُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ الْحَقَّ الَّذِى أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ فَتَضَعُهُ فِى مَوْضِعِهِ

از امام صادق عليه‌السلام در مورد حدّ سخاوت سؤ ال شد، حضرت فرمود: اين است كه ؛ آن حقى را كه خداوند بر تو واجب كرده از مالت خارج كنى ، و در راهش خرج كنى .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِى الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّيَاتٌ فِى الْأَرْضِ فَمَنْ أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: سخاوت درختى در بهشت است كه شاخه هاى آن در زمين آويزان است ، هر كس شاخه اى از شاخه هاى آن را بگيرد، آن شاخه او را به بهشت مى كشاند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ أَبَا أَضْيَافٍ وَ كَانَ إِذَا لَمْ يَكُونُوا عِنْدَهُ خَرَجَ يَطْلُبُهُمْ وَ أَغْلَقَ بَابَهُ وَ أَخَذَ الْمَفَاتِيحَ يَطْلُبُ الْأَضْيَافَ وَ إِنَّهُ رَجَعَ إِلَى دَارِهِ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ أَوْ شِبْهِ الرَّجُلِ فِى الدَّارِ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِإِذْنِ مَنْ دَخَلْتَ هَذِهِ الدَّارَ قَالَ دَخَلْتُهَا بِإِذْنِ رَبِّهَا يُرَدِّدُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَحَمِدَ رَبَّهُ ثُمَّ قَالَ أَرْسَلَنِى رَبُّكَ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِهِ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَالَ فَأَعْلِمْنِى مَنْ هُوَ أَخْدُمُهُ حَتَّى أَمُوتَ قَالَ فَإِنَّكَ هُوَ قَالَ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَمْ تَسْأَلْ أَحَداً شَيْئاً قَطُّ وَ لَا تُسْأَلُ قَطُّ شَيْئاً فَقُلْتَ لَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ابراهيم عليهم‌السلام پدر همه مهمان نوازها بود، هر وقت كه مهمان نداشت از خانه بيرون مى شد و در خانه را مى بست و كليدهايش را بر مى داشت و دنبال مهمان دارها مى رفت ، و در يك شب وقتى به خانه بازگشت ، ناگهان مرد يا شبيه مردى را در خانه ديد، فرمود: اى بنده خدا، به اجازه چه كسى وارد اين خانه شدى ؟

گفت : به اجازه صاحب خانه سه مرتبه تكرار كرد ابراهيم عليهم‌السلام مطلب را فهميد و پروردگارش را حمد نمود، مهمان گفت : پروردگارت مرا به طرف بنده اى از بندگانش كه او را دوست خود مى داند فرستاده ، ابراهيم گفت : آن خليل را به من بشناسان تا قبل از مرگم خدمتش ‍ كنم ، گفت : آن خليل خودت هستى ، فرمود: به چه دليل ؟ گفت :

زيرا تو هرگز از كسى چيزى نخواسته اى ، و چيزى از تو خواسته نشده كه جواب ردّ بدهى .

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ يُسْأَلَ الشَّيْءَ فَيَقُولَ لَا سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِعليه‌السلام وَ هُوَ فِى الطَّوَافِ فَقَالَ أَخْبِرْنِى عَنِ الْجَوَادِ فَقَالَ إِنَّ فِى كَلَامِكَ وَجْهَيْنِ فَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنَّ الْجَوَادَ يُؤَدِّى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْخَالِقِ فَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ أَعْطَى وَ هُوَ الْجَوَادُ إِنْ مَنَعَ لِأَنَّهُ إِنْ أَعْطَاكَ أَعْطَاكَ مَا لَيْسَ لَكَ وَ إِنْ مَنَعَكَ مَنَعَكَ مَا لَيْسَ لَكَ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: چه زشت است از مردى چيزى بخواهند و او بگويد: نه . مردى از حضرت موسى بن جعفر عليه‌السلام در حال طواف پرسيد: جواد كيست ؟ فرمود:

سخنت دو معنا دارد، اگر در باره مخلوق سؤ ال مى پرسى ، جواد به كسى گويند كه واجبات خدا را ادا كند، و اگر در باره خالق سؤ ال كنى ، او جواد است چه بدهد و چه ندهد، زيرا اگر به تو چيزى دهد، آنچه را مال تو نيست به تو داده ، و اگر هم ندهد، آنچه كه متعلق به تو نيست به تو نداده .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِكَيْلَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: سخاوتمند از غذاى مردم مى خورد تا از غذايش بخورند، و بخيل غذاى مردم را نمى خورد، تا غذايش را نخورند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بخيل كسى است كه در سلام كردن بخل بورزد.

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ فِى بَعْضِ مَا سَأَلَهُ عَنْهُ يَا بُنَيَّ مَا السَّمَاحَةُ قَالَ الْبَذْلُ فِى الْيُسْرِ وَ الْعُسْرِ

على عليه‌السلام از فرزندش امام حسن عليه‌السلام پرسيد: اى فرزندم ، سماحت و بزرگوارى چيست ؟

فرمود: بذل و بخشش در هنگام تنگدستى و فراخى .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَنْبَغِى خَصْلَتَانِ فِى مُسْلِمٍ الْبُخْلُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در مسلمان دو خصلت روا نيست : بخل و بد اخلاقى .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَ الْإِيمَانُ فِى قَلْبِ عَبْدٍ أَبَداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هرگز بخل و ايمان در دل بنده اى جمع نمى شود.

قِيلَ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ قَالَ وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ وَ سَمَاحَةٌ بِلَا طَلَبِ مُكَافَاةٍ وَ تَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعٍ فِى الدُّنْيَا

از امام صادق عليه‌السلام پرسيدند: كدام يك از خصلتها برازنده مرد است ؟ فرمود: متانت داشتن بدون اينكه مردم بترسند، بخشش بدون عوض خواستن ، مشغول بودن به غير مال دنيا.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفَتَّحَةٌ عَلَى الْفُقَرَاءِ وَ الرَّحْمَةُ نَازِلَةٌ عَلَى الرُّحَمَاءِ وَ اللَّهُ رَاضٍ عَنِ الْأَسْخِيَاءِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: درهاى بهشت به روى فقرا باز است ، و رحمت بر كسانى كه رحم كننده باشند نازل مى گردد، و خداوند از افراد بخشنده راضى است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَسْخَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ فِى الدُّنْيَا خَطَراً مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَراً وَ أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ وَ أَبْخَلُ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سخى ترين مردم كسى است كه زكات مالش را بپردازد، بلند مرتبه ترين مردم در دنيا كسى است كه دنيا را براى خود مهم و بزرگ نداند، بخيل كمترين آسايش را در بين مردم دارد، و بخيل ترين مردم كسى است كه نسبت به واجبات خدا بخل بورزد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخَلُ بِالدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخَلُ بِهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقُ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَ لَا الْإِمْسَاكُ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در شگفتم از كسى كه نسبت به دنيا بخل مى ورزد، در حالى كه دنيا به او روى مى آورد، يا به دنيا بخل مى ورزد، در صورتى كه دنيا از وى رويگردان است ، زيرا نه انفاق ضررى به اقبال دنيا دارد، و نه امساك با پشت كردن دنيا سودى دارد.

وَ قَالَ أَيْضاً إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال اسلام را براى شما برگزيد، اينك با سخاوت و خوش اخلاقى همراهيش كنيد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْبُخْلُ عَارٌ وَ الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ كُنْ سَمْحاً وَ لَا تَكُنْ مُبَذِّراً وَ كُنْ مُقَدِّراً وَ لَا تَكُنْ مُقَتِّراً وَ لَا تَسْتَحْيِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِى هَرَبَ مِنْهُ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِى إِيَّاهُ طَلَبَ يَعِيشُ فِى الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسَبُ فِى الاْخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِئِ الْعُيُوبِ وَ هُوَ زِمَامٌ يُقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بخل موجب عار و ننگ است ، و ترس ‍ موجب نقص ، بخشنده باش ولى تبذير نكن ، به اندازه توانائيت ببخش و مال خود را از ديگران دريغ مدار، از كم دادن مال شرم نكن ، زيرا محروم كردن (فقير) از آنهم كمتر است .

از بخيل در شگفتم كه به سرعت به سوى فقر مى شتابد كه از آن فرار كرده ، و بى نيازى را از دست داد در حالى كه جوياى آن بود، و در دنيا همانند فقيران زندگى مى كند، ولى در آخرت همچون اغنيا محاسبه مى شود، بخل جامع تمام بديهاست ، و مهارى است كه آدمى را به سوى هر بدى مى كشاند.

رُوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَتَى رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِأَسِيرَيْنِ فَأَمَرَ النَّبِيُّ بِضَرْبِ عُنُقِهِمَا فَضَرَبَ عُنُقَ وَاحِدٍ مِنْهُمَا ثُمَّ قَصَدَ الاْخَرَ فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّهُ حَسَنُ الْخُلُقِ سَخِيُّ قَوْمِهِ فَقَالَ الْيَهُودِيُّ تَحْتَ السَّيْفِ هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ يُخْبِرُكَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ وَ اللَّهِ مَا مَلَكْتُ دِرْهَماً مَعَ أَخٍ لِى قَطُّ وَ لَا قَطَبْتُ وَجْهِى فِى الْحَرْبِ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا مِمَّنْ جَرَّهُ حُسْنُ خُلُقِهِ وَ سَخَاؤُهُ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ

روايت شده كه : امير مؤمنان عليه‌السلام دو نفر اسير را نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آورد، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله امر كرد گردن هر دو را بزنند، گردن يكى از آن دو را زد، سپس خواست گردن ديگرى را بزند كه جبرئيل نازل شد و گفت : اى محمّد! خدايت سلام مى رساند و مى گويد: اين را نكشى ، زيرا وى در بين قومش خوش اخلاق و با سخاوت است ، يهودى (اسير) از زير شمشير گفت : اين فرستاده پروردگارت است كه به تو خبر مى دهد؟ فرمود: بلى ، گفت :

به خدا قسم هرگز در يك درهم با برادر (دينى ام) شريك نشدم ، و هرگز از جنگ روى نگرداندم ، و من شهادت مى دهم كه خدايى جز پروردگار نيست ، و تو محمّد رسول خدايى ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اين از كسانى است كه خوش اخلاقى و سخاوت او را به طرف بهشت كشانيد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سخاوتمند به خدا نزديك ، به بهشت نزديك ، و به مردم نزديك است ، و از دوزخ دور است ، و بخيل از خدا دور، از بهشت دور، از مردم دور، و به دوزخ نزديك است .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام سَادَةُ النَّاسِ فِى الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ وَ سَادَةُ النَّاسِ فِى الاْخِرَةِ الْأَتْقِيَاء

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: سخاوتمندان سروران مردم در دنيا هستند، و پرهيزگاران سروران مردم در آخرتند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ كُنْ سَخِيّاً فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ سَخِيٍّ وَ إِنْ أَتَاكَ امْرُؤٌ فِى حَاجَةٍ فَاقْضِهَا لَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ لَهُ أَهْلٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! با سخاوت باش ، كه خداوند هر سخاوتمندى را دوست مى دارد، و اگر كسى نزد تو آمد و حاجتى داشت ؛ روا كن ، اگر او اهليّت نداشت ، تو كه اهليّت دارى .

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ كَتَبَ الرِّضَاعليه‌السلام إِلَى أَبِى جَعْفَرٍ يَا أَبَا جَعْفَرٍ بَلَغَنِى أَنَّ الْمَوَالِيَ إِذَا رَكِبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْبُخْلِ بِهِمْ لِئَلَّا يَنَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْراً فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّى عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخَلُكَ وَ مَخْرَجُكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ وَ إِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَ فِضَّةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عُمُومَتِكَ أَنْ تَبَرَّهُ فَلَا تُعْطِهِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسِينَ دِينَاراً وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عَمَّاتِكَ فَلَا تعطيهن تُعْطِهَا أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ دِينَاراً وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ إِنِّى إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ فَأَنْفِقْ وَ لَا تَخْشَ مِنْ ذِى الْعَرْشِ إِقْتَاراً

امام رضا عليه‌السلام به امام جواد عليه‌السلام نوشت : اى ابا جعفر! شنيده ام هنگامى كه سوار مركب مى شوى (و قصد بيرون رفتن دارى) غلامان از روى بخل ، تو را از در كوچك بيرون مى برند، كه مبادا كسى از تو خيرى بيند، به حقّى كه من بر تو دارم از تو مى خواهم كه رفت و آمدت جز از در بزرگ نباشد، و هر گاه قصد سوار شدن و بيرون رفتن دارى ، با تو كيسه هاى درهم و دينار باشد، كه كسى

چيزى از تو نخواهد مگر اينكه به او عطا كنى ، و اگر در بستگانت كسى از تو طلب و درخواست كمك نمود، مبادا از پنجاه دينار كمتر به او ببخشى ، و افزون بر پنجاه را خود دانى ، و اگر از عمّه زادگانت زنى از تو مالى طلب كرد، مبادا از بيست و پنج دينار به او كمتر ببخشى ، و افزون بر آن را خود دانى ، من مى خواهم كه خداوند به تو برترى دهد، انفاق كن و از خدا مترس از اينكه بر تو تنگ گيرد و تهيدست شوى .

## فصل پنجم : در حيا و شرم

(الفصل الخامس فى الحياء و ما يشبهه)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حُمْقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: حياء بر دو قسم است : حياء عقل و حياء حماقت ، حياء عقل علم است و حياء حماقت جهل است .

عَنِ الْبَاقِرِ أَوِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ الْحَيَاءُ وَ الْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِى قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ

امام باقر يا امام صادق عليهما‌السلام فرمود: حياء و ايمان در يك رشته هم دوش هم هستند، هر گاه يكى از آن دو برود ديگرى هم مى رود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِى الْجَنَّةِ وَ الرِّيَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَ الْجَفَاءُ فِى النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حياء از ايمان است ، و ايمان در بهشت مى باشد، و ريا از جفاست و جفا در آتش است .

عَنْ سَلْمَانَ رحمه‌الله قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ هَلَاكَ عَبْدٍ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِفاً مَخُوفاً فَإِذَا كَانَ خَائِفاً مَخُوفاً نُزِعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ فَإِذَا نُزِعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا شَيْطَاناً مَلْعُوناً فَلَعَنَّاهُ

سلمان رحمه‌الله گويد: خداوند متعال هر گاه بخواهد بنده اى را هلاك كند حياء را از او بر مى دارد، هر گاه حياء برداشته شد هميشه ترسان و ترساننده مى باشد، و هر گاه ترسان و ترساننده شد، امانت از او برداشته شود، و چون امانت از او برداشته شد، او را شيطانى ملعون خواهى يافت ، در اين هنگام ما نيز او را لعن كرديم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غِيْبَةَ لَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس لباس حيا را بيفكند غيبت ندارد.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام لِمُيَسِّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ يَا مُيَسِّرُ إِذَا طَلَبْتَ حَاجَةً فَلَا تَطْلُبْهَا بِاللَّيْلِ وَ اطْلُبْهَا بِالنَّهَارِ فَإِنَّ الْحَيَاءَ فِى الْوَجْهِ

امام باقر عليه‌السلام به ميسر بن عبد العزيز فرمود: اى ميسر، هر گاه خواستى چيزى را از كسى طلب كنى ، آن را در شب طلب نكن ، بلكه در روز از او بخواه ، زيرا حيا در صورت است .

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ حَفِظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ ذَكَرَ الْقَبْرَ وَ الْبِلَى وَ ذَكَرَ أَنَّ لَهُ فِى الاْخِرَةِ مَعَاداً

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خدا رحمت كند بنده اى را كه از پروردگارش شرم كند، حياء واقعى حفظ سر و پوشاندن آن است ، و شكم و آنچه در آن مى ريزد، و ياد از قبر و پوسيدگى ، و به ياد داشتن اينكه در آخرت معادى هست .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ قَالُوا وَ مَا نَفْعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِيتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ أَجَلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لْيَحْفَظِ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ لْيَذْكُرِ الْقَبْرَ وَ الْبِلَى وَ مَنْ أَرَادَ الاْخِرَةَ فَلْيَتْرُكْ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از خداوند آن طور كه شايسته است حياء كنيد، پرسيدند: چه كنيم اى رسول خدا؟ فرمود: اگر اين كار را بكنيد، هيچ كدامتان نخوابد مگر اينكه مرگش را پيش رو بنگرد، و بايد سرش را و آنچه در آنست و شكمش با آنچه در بر دارد نگه دارد، و به ياد گور و پوسيدن باشد، هر كس آخرت خواهد بايد از زينت و زيور دنيا دست كشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَ مُرُوَّتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الدِّرْعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: ايمان پيكرى برهنه است و لباسش حيا، و زينتش وفاى به عهد، و مردانگيش عمل صالح ، و ستونش ‍ پرهيزگارى ، هر چيزى پايه اى دارد، و پايه اسلام دوستى ما خاندان است .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ أَبَداً مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ فِى الْغَيْبِ وَ لَمْ يَرْعَوِ عِنْدَ الشَّيْبِ وَ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ الْعَيْبِ

ارعوى عن القبيح رجع

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر سه خصلت در هر كس نباشد اميد به خيرش نيست : كسى كه در نهان از خدا نترسد، و در هنگام پيرى از كار زشت دست بر ندارد و پشيمان نشود، و از انجام كار زشت حيا نكند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا كَانَ الْحَيَاءُ فِى شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا كَانَ الْفُحْشُ فِى شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هرگز حيا در چيزى نبود مگر اينكه زينتش داد، و هرگز در چيزى فحش نبود، مگر اينكه موجب ننگ آن شد.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقاً وَ خُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر دينى اخلاقى دارد، و اخلاق اسلام حياست .

وَ قَالَ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: حيا از ايمان است .

وَ قَالَ قِلَّةُ الْحَيَاءِ الْكُفْرُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كم حيايى كفر است .

وَ قِيلَ لَهُ أَوْصِنِى قَالَ اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ كَمَا تَسْتَحِى مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ مِنْ قَوْمِكَ

به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گفته شد: مرا وصيت كن ، فرمود: از خداوند حيا كن همان طور كه از مردان صالح قومت حيا مى كنى .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام الْحَيَاءُ عَشَرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ فِى النِّسَاءِ وَ وَاحِدٌ فِى الرِّجَالِ فَإِذَا حَاضَتِ الْجَارِيَةُ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَاهَا وَ إِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَ إِذَا افْتُرِعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَ إِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ فَإِنْ فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤُهَا كُلُّهُ وَ إِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حيا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و يك جزء آن در مردان مى باشد، هر گاه دخترى حائض شود يك جزء از حيائش ‍ مى رود، و هر گاه ازدواج كند جزء ديگرى مى رود، هر گاه (با همسرش) همبستر شود جزء ديگرى مى رود، هر گاه كودكى به دنيا آورد جزء ديگر آن مى رود، و پنج جزء برايش باقى مى ماند، اگر از جادّه عفاف خارج شود تمام حيائش مى رود، و اگر حفظ عفت كند آن پنج جزء برايش باقى مى ماند.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ مَا بَقِيَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِعليه‌السلام إِلَّا كَلِمَةٌ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ وَ قَالَ أَمَا إِنَّهَا فِى بَنِى أُمَيَّةَ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: از مثلهاى پيامبران عليهم‌السلام فقط يك كلمه مانده ، و آن اينكه : هر زمان حيا نداشتى هر كارى خواستى بكن ، و فرمود: اين كلمه در مورد بنى اميّه است .

عَنْ أَبِى سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَحْيَا مِنَ الْكَاعِبِ الْعَذْرَاءِ

ابو سعيد خدرى گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از يك دختر باكره بيشتر حيا داشت عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النُّبُوَّةِ الْأَوْلَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ قال أ بو الطيب هذا من قول النبى ليس على الا باحة فإ نما معناه التهديد و الوعيد أ ى اصنع ما شئت فسوف تجازى عليه

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از چيزهايى كه مردم از كلام اوّلين پيامبران فهميده اند اين است كه : هر گاه حيا نداشتى هر كارى خواستى انجام بده .

ابو طيب رازى مى گويد: اين كلام پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله معنايش اين نيست كه آزادى هر چه خواهى بكن ، بلكه معنايش تهديد و امر به پرهيز است . يعنى : هر چه خواهى بكن كه به زودى در قيامت مجازات خواهى شد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الاْخِرِ فَلْيَفِ بِمَا وَعَدَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: هر كس به خدا و روز رستاخيز ايمان دارد، بايد به وعده اش عمل كند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ قَالَ لَوْ أَنَّ قَوْماً حَضَرُوا مَدِينَةً فَسَأَلُوهُمُ النُّزُولَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا لَا فَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَالُوا نَعَمْ فَنَزَلُوا عَلَيْهِمْ كَانُوا آمِنِينَ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: اگر گروهى وارد شهرى شدند، و از اهالى شهر خواستند كه نزد آنان بمانند، و آنها گفتند: نه ، لكن اينان گمان كردند كه گفتند: بلى ، و در اين هنگام بر آنان فرود آمدند؛ در امان هستند.

سُئِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّعليه‌السلام عَنِ النَّجْدَةِ فَقَالَ الْإِقْدَامُ عَلَى الْكَرِيهَةِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ النَّائِبَةِ وَ الذَّبُّ عَنِ الْإِخْوَانِ

از امام حسين عليه‌السلام سؤ ال شد: نجده چيست ؟ فرمود: اقدام بر كارهاى بزرگ ، و صبر در برابر مشكلات ، و دفاع از برادران .

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام عَنِ الْجُرْأَةِ فَقَالَ مُوَاقَعَةُ الْأَقْرَانِ

از امير المؤمنين عليه‌السلام در مورد جرأ ت سؤ ال شد، فرمود: جنگ با همسالان .

## فصل ششم : در غيرت و مردانگى

(الفصل السادس فى الغيرة)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَمْقُتُ الرَّجُلَ يُدْخَلُ عَلَيْهِ فِى بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى دشمن مى دارد، مردى را كه به خانه اش هجوم آورده اند، و او دفاع نكند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى غيرتمند است و هر غيرتمندى را دوست مى دارد، و براى همين غيرت است كه فواحش را حرام كرده ، چه ظاهر باشد و چه پنهان .

عَنْهُ قَالَ كَانَ إِبْرَاهِيمُ غَيُوراً وَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ أَغْلَقَ بَابَهُ وَ أَخَذَ مَفَاتِيحَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ابراهيم عليه‌السلام غيرتمند بود، هر گاه از منزلش خارج مى شد، در را مى بست و كليدش را بر مى داشت .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ سَعْداً غَيُورٌ وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: سعد غيرتمند است ، و من از او غيرتمندترم ، خداوند بينى مؤمنين يا مسلمينى را كه غيور نيستند قطع كند.

عَنْهُ قَالَ إِذَا لَمْ يَغَرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مرد غيرت نداشته باشد، قلبش ‍ وارونه است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَلْيَغَرِ الْمُؤْمِنُ إِنَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ

امام صادق عليه‌السلام از امير مؤمنان عليه‌السلام نقل كند كه فرمود: خداوند براى مؤمنين و مؤمنات غيرت به خرج مى دهد، و مؤمن هم بايد غيرت داشته باشد، زيرا هر كس غيرت ندارد قلبش وارونه گشته .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَا تُقْتَلُ الْمُغِيرَةُ بِالْإِسْلَامِ إِلَّا بِكُفْرٍ بَعْدَ إِيمَانٍ أَوْ زِنًى بَعْدَ إِحْصَانٍ أَوْ قَتْلِ النَّفْسِ الْحَرَامِ أَوْ مِنْ ذَبِّ رَجُلٍ عَنْ حَرِيمِهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ دَخَلَ دَارَ قَوْمٍ لَيْلًا فَقَتَلُوهُ فَدَمُهُ هَدَرٌ أَوِ اطَّلَعَ فَفَقَئُوا عَيْنَهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ يَغَارُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: غيرت اسلامى از بين نرود مگر بعد از چند چيز: كفر بعد از ايمان ، زنا بعد از پاكدامنى ، كشتن نفس محترمه ، يا مردى كه از حريمش دفاع نكند، زيرا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس ‍ شب هنگام وارد خانه قومى شود، و آنها او را بكشند؛ خونش هدر است ، يا از ديوار سركشى كند و آنها چشمش را كور كردند، فرمود: پيامبر غيرت مى كرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِ لِلرَّجُلِ تَكُونُ الْجَارِيَةُ أَوْ الْجَوَارِى أَوِ الْمَرْأَةُ قَالَ يُقَفِّلُ عَلَيْهِنَّ الْأَبْوَابَ وَ يُشَدِّدُ عَلَيْهِنَّ غَيْرَةً مِنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله كَانَ إِبْرَاهِيمُصلى‌الله‌عليه‌وآله غَيُوراً وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

اسحاق بن عمّار گويد: به امام كاظم عليه‌السلام عرض كردم : مردى در خانه كنيز يا كنيزها و زنى دارد (تكليفش چيست)؟ فرمود: درها را به روى آنها قفل كند، و بر آنان سخت بگيرد به خاطر غيرتى كه دارد.

امام عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: ابراهيم عليهم‌السلام غيرتمند بود، و من از او غيرتمندترم ، خداوند بينى مؤمنى را كه غيور نباشد خرد كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ اطَّلَعَ فِى دَارِ قَوْمٍ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَفَقَئُوا عَيْنَهُ أَوْ جَرَحُوهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر مردى كه سرش را از ديوار منزلى بلند كند تا زنان آنها را ببيند، اگر چيزى به سوى او انداختند و چشمش كور شد يا مجروح شد، ديه ندارد.

عَنْ أَبِى مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ نَظَرَ فَفُقِئَتْ عَيْنُهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه : هر كس نگاه (غير مجاز) كند، و در اين هنگام چشمش كور شود، ديه ندارد.

وَ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ جَالِسٌ وَ بِيَدِهِ مِشْقَصٌ فَإِذَا نُظِرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا صَاحِبَ الْعَيْنِ أَمَا إِنَّكَ إِنْ ثَبَتَّ لِى حَتَّى أَقُومَ إِلَيْكَ لَأَفْقَأَنَّ عَيْنَكَ بِمِشْقَصِى هَذَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍ مِنْ أَيْنَ يَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ وَ هُوَ جَالِسٌ فَقَالَ يَا أَبَا مَرْيَمَ مِنْ خَلَلِ الْجَرِيدِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: روزى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالى كه چوبدستى به دستش بود (در منزل) نشسته بود، در اين هنگام متوجه شدند كسى به ايشان نگاه مى كند، فرمود: اى بيننده ، اگر سر جايت بايستى تا من به سويت بيايم با اين چوبدستيم چشمت را به در خواهم آورد، راوى گويد: به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : پيامبر در حالى كه نشسته بود از كجا فهميد كه به او نگاه كرده مى شود؟ فرمود: اى ابا مريم ، از لابلاى شبكه هاى ديوارى كه از چوب خرما ساخته شده بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِى الطَّرِيقِ أَ مَا تَسْتَحُونَ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از على عليهم‌السلام نقل مى كند كه فرمود: اى اهل عراق ، خبردار شده ام كه زنان شما در بين راه (كوچه و بازار) با مردان برخورد مى كنند، آيا حيا نمى كنيد؟

وَ فِى حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَ مَا تَسْتَحُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاؤُكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوج

در حديث ديگر آمده است كه امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: آيا حيا نمى كنيد و غيرت نداريد كه زنان شما (از منزل بيرون مى آيند) و در بازار با اجنبى ها برخورد مى كنند؟

عَنْهُ لَا غَيْرَةَ فِى الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تُحْدِثَا شَيْئاً حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكُمَا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: در حلال غيرت نيست ، بعد از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله (به على عليه‌السلام و فاطمه عليها‌السلام هنگام زفافشان)، كارى نكنيد تا نزد شما بر گردم .

عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عِمْرَانَ قَالَ قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ بِجَوَارٍ لِى وَ كُنْتُ أُدْخِلُهُنَّ الْبَيْتَ وَ أُغْلِقُ عَلَيْهِنَّ الْبَابَ إِذَا خَرَجْتُ فِى حَوَائِجِى فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَأَخْبَرْتُهُ الْخَبَرَ فَقَالَ وَ يُشَارُّ الرَّجُلُ عَلَى مَا لَا يَرَى أَمَا إِنَّهُنَّ إِنْ يَظْلِمْنَكَ فِى أَنْفُسِهِنَّ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَظْلِمَهُنَّ

حمزة بن عمران گويد: به همراه كنيزانى وارد مدينه شدم ، آنان را در خانه اى مى گذاشتم و در را به رويشان قفل مى كردم و به دنبال كار خود مى رفتم ، روزى خدمت حضرت صادق عليه‌السلام رفتم و جريان را عرض ‍ كردم ، فرمود: مرد در باره چيزى كه نديده غيرت مى كند! بدان اگر آنان در مورد خودشان به تو ظلم كنند بهتر از اين است كه تو به آنان ستم كنى .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام أُتِيَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله بِأُسَارَى فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ وَ خَلَا رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ الرَّجُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ كَيْفَ أَطْلَقْتَ عَنِّى مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ أَخْبَرَنِى جَبْرَئِيلُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْغَيْرَةُ الشَّدِيدَةُ عَلَى حَرَمِكَ وَ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ الشَّجَاعَةُ فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَ أَحْسَنَ إِسْلَامَهُ وَ قَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ قِتَالًا شَدِيداً حَتَّى اسْتُشْهِدَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: چند اسير نزد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آوردند، ايشان دستور داد همه آنها را به جز يك نفر كشتند، آن مرد گفت : اى رسول خدا، چرا مرا از بين آنان آزاد گذاشتى ؟ فرمود:

جبرئيل از طرف خدا به من خبر داد كه در تو پنج خصلت است كه خدا و رسولش آن را دوست دارند: تعصب شديد در مورد خانواده ات ، سخاوت ، خوش اخلاقى ، راستگويى ، شجاعت ، آن مرد چون اين صفات را شنيد مسلمان شد، و مسلمانى نيكو شد، و به همراه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به جهاد رفت و خوب مبارزه كرد تا شهيد شد.

## فصل هفتم : در مكارم اخلاق

(الفصل السابع فى مكارم الا خلاق)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِى خُلُقاً قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ أَعْظَمُكُمْ حِلْماً وَ أَبَرُّكُمْ بِقَرَابَتِهِ وَ أَشَدُّكُمْ بِحُبِّنَا وَ لِإِخْوَانِهِ فِى دِينِهِ وَ أَصْبَرُكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ أَكْظَمُكُمْ لِلْغَيْظِ وَ أَحْسَنُكُمْ عَفْواً وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافاً فِى الْغَضَبِ وَ الرِّضَا

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: آيا شما را از كسى كه خلقش به من شبيه تر است خبر ندهم ؟ گفتند: چرا اى رسول خدا، فرمود: خوش اخلاقترين شما، و بردبارترين شما، و نيكى كننده ترينتان نسبت به خويشاوندان ، و كسى كه ما و برادران دينى اش ‍ را بسيار دوست بدارد، و شكيباترينتان در برابر حق ، و فرو خورنده ترين شما در خشم ، و با گذشت ترين شما، و با انصاف ترين شما در هنگام خشم و خشنودى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّا لَنُحِبُّ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ كَانَ عَاقِلًا فَهِماً فَقِيهاً حَلِيماً مُدَارِياً صَبُوراً وَفِيّاً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هُنَّ قَالَ هُنَّ الْوَرَعُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحِلْمُ وَ الْحَيَاءُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْغَيْرَةُ وَ الْبِرُّ وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ما از شيعيانمان كسانى را كه عاقل ، خوش ‍ فهم ، بردبار، مداراكننده ، صبور و با وفا باشد، دوست داريم ، خداوند متعال اخلاق عالى انسانى را به انبياء اختصاص داده ، هر كس اين مكارم را دارا بود بايد خدا را بر آن شاكر باشد، و هر كس آنها را نداشته باشد، بايد با تضرّع و خواهش آن را از خدا درخواست كند، راوى گويد: عرض كردم : قربانت گردم آنها چه صفاتى است ؟ فرمود: پرهيزگارى ، قناعت ، صبر، شكر، بردبارى ، حيا، سخاوت ، شجاعت ، غيرت ، خوش رفتارى ، راستگويى و امانت دارى .

وَ عَنْهُ أَيْضاً قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ الْأَنْبِيَاءَصلى‌الله‌عليه‌وآله بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنْ خَيْرِ إِرَادَةِ اللَّهِ بِهِ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا ثُمَّ عَدَّهَا وَ قَالَ الْيَقِينُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحِلْمُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءُ وَ الْغَيْرَةُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْمُرُوءَةُ وَ الْبِرُّ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال انبياء (صلوات اللّه عليهم) را به ارزشهاى اخلاقى مخصوص گرداند، كسى كه داراى اين ارزشهاى اخلاقى است ، بداند كه خداوند برايش خير خواسته ، و هر كس آن را ندارد، بايد به درگاه خداوند التماس كند و از او بخواهد، سپس امام عليه‌السلام نام آن مكارم را بر شمرد و فرمود: يقين و قناعت و صبر و شكر و خويشتن دارى و خوش اخلاقى و سخاوت و غيرت و شجاعت و مردانگى و خوش ‍ رفتارى و امانت دارى .

َ عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْمَكَارِمَ عَشْرٌ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ فَإِنَّهَا قَدْ تَكُونُ فِى الْعَبْدِ وَ لَا تَكُونُ فِى سَيِّدِهِ وَ تَكُونُ فِى الرَّجُلِ وَ لَا تَكُونُ وَلَدِهِ قِيلَ وَ مَا هُنَّ قَالَ صِدْقُ الْبَأْسِ وَ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ قِرَى الضَّيْفِ وَ إِطْعَامُ السَّائِلِ وَ الْمُكَافَأَةُ عَنِ الصَّنَائِعِ وَ التَّذَمُّمُ لِلْجَارِ وَ التَّذَمُّمُ لِلصَّاحِبِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مكارم اخلاق ده عدد است ، اگر مى توانى آنها را به دست آور، زيرا گاهى (اين مكارم) در بنده هست و در آقايش ‍ نيست ، و در مرد هست ولى در فرزندش نيست ، سؤ ال شد: آنها چيست ؟ فرمود: راستى در خشوع (يا جهاد)، راستگويى ، امانت دارى ، صله رحم ، مهمان دارى ، غذا دادن به نيازمندان ، جبران نيكيها، مراعات حق همسايه ، مراعات رفيق ، و بالاتر از همه آنها حياست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ الْإِسْلَامَ عَلَى سَبْعَةِ أَسْهُمٍ عَلَى الْبِرِّ وَ الصِّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ النَّاسِ فَمَنْ جَعَلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةَ الْأَسْهُمِ فَهُوَ كَامِلُ الْإِيمَانِ مُحْتَمِلٌ وَ قَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ السَّهْمَ الْوَاحِدَ وَ لِبَعْضٍ السَّهْمَيْنِ وَ لِبَعْضٍ الثَّلَاثَةَ الْأَسْهُمِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى سَبْعَةٍ ثُمَّ قَالَ فَلَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ سَهْمَيْنِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمَيْنِ ثَلَاثَةَ أَسْهُمٍ فَتَبْهَظُوهُمْ ثُمَّ قَالَ كَذَلِكَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى سَبْعَةٍ فِى وُلْدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى اسلام را بر هفت قسمت قرار داد: بر نيكى و راستى و يقين و رضا (به مقدرات) و وفاى به عهد و دانش و بردبارى ، سپس اين صفات را بين مردم قسمت كرد، هر كس ‍ كه اين هفت عدد را دارا باشد ايمانش كامل است ، به بعض مردم يك قسمت داد و به بعضى دو قسمت و به بعضى سه قسمت تا هفت قسمت .

سپس فرمود: بر كسى كه يك سهم يا دو سهم دارد بيش از آن تحميل نكنيد، زيرا توانايى بيش از سهمش را ندارد، بعد فرمود: همچنين تا آخر.

عَنْهُ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَ إِسْلَامُهُ وَ إِنْ كَانَ مَا بَيْنَ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبٌ لَمْ يَنْتَقِصْهُ ذَلِكَ الصِّدْقُ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چهار خصلت اگر در كسى باشد اسلامش ‍ كامل است ، اگر چه همه مدت عمرش آلوده به گناه باشد: راستى و امانتدارى و حيا و خوش اخلاقى .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَكْرَمُكُمْ فِى الْجَاهِلِيَّةِ أَكْرَمُكُمْ فِى الْإِسْلَامِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنَّمَا يَعْنِى مَنْ كَانَ فِى الْجَاهِلِيَّةِ أَحْسَنَهُمْ خُلُقاً وَ أَسْخَاهُمْ كَفّاً وَ أَحْسَنَهُمْ جِوَاراً وَ أَكَفَّهُمْ أَذًى وَ أَقْرَبَهُمْ مِنَ النَّاسِ فَلَنْ يَزِيدَهُ الْإِسْلَامُ إِلَّا عِزّاً

امام باقر عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: گرامى ترين شما در جاهليت گرامى ترينتان در اسلام است ، سپس امام باقر عليه‌السلام فرمود: يعنى كسانى كه در جاهليت خوش اخلاق ترين و بخشنده ترين و خوشرفتارترين نسبت به همسايه و اذيتشان به هيچ كس ‍ نمى رسيد و نزديكترين اشخاص به مردم بوده اند. هرگز اسلام به اين به جز عزّت نيفزود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ كَيْفَ مَنْ خَلَّفْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ فَأَحْسَنَ الثَّنَاءَ وَ زَكَّى وَ أَطْرَى فَقَالَ كَيْفَ عِيَادَةُ أَغْنِيَائِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ مُوَاصَلَةُ أَغْنِيَائِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ فِى ذَاتِ أَيْدِيهِمْ فَقَالَ إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقاً قَلَّ مَا هِيَ فِيمَنْ عِنْدَنَا قَالَ كَيْفَ يَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ لَنَا شِيعَةٌ

محمّد بن عجلان گويد: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام بودم ، مردى وارد شد و سلام كرد، حضرت از او پرسيد: برادرانت كه از نزدشان آمدى چگونه بودند؟ آن مرد از آنها تعريف و تمجيد كرد و كارهايشان را ستود.

امام عليه‌السلام پرسيد: دلجوئى ثروتمندانشان از فقيرانشان چگونه است ؟ گفت : كم است ، فرمود: ديدار و احوال پرسى ثروتمندانشان از فقرا چگونه است ؟ گفت : كم است ، فرمود: دستگيرى و كمك ثروتمندانشان از فقيران چگونه است ؟ گفت : شما از اخلاقى صحبت مى كنيد كه در بين ما كمياب است ، فرمود: پس چگونه اينها گمان مى كنند شيعه ما هستند؟

مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ خَطَبَ بِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّعليه‌السلام فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَخٍ لِى كَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِى عَيْنِى وَ كَانَ رَأْسُ مَا عَظُمَ بِهِ فِى عَيْنِى صِغَرُ الدُّنْيَا فِى عَيْنِهِ كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ فَلَا يَشْتَهِى مَا لَا يَجِدُ وَ لَا يُكْثِرُ إِذَا وَجَدَ كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ فَرْجِهِ فَلَا يَسْتَخِفُّ لَهُ عَقْلَهُ وَ لَا رَأْيَهُ كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ الْجَهَالَةِ فَلَا يَمُدُّ يَدَهُ إِلَّا عَلَى ثِقَةٍ لِمَنْفَعَتِهِ كَانَ لَا يَتَشَهَّى وَ لَا يَتَسَخَّطُ وَ لَا يَتَبَرَّمُ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَمَّاتاً فَإِذَا قَالَ الْقَائِلُونَ كَانَ لَا يَدْخُلُ فِى مِرَاءٍ وَ لَا يُشَارِكُ فِى دَعْوَى وَ لَا يُدْلِى بِحُجَّةٍ حَتَّى يَرَى قَاضِياً كَانَ لَا يَغْفُلُ عَنْ إِخْوَانِهِ وَ لَا يَخُصُّ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ دُونَهُمْ كَانَ ضَعِيفاً مُسْتَضْعَفاً فَإِذَا جَاءَ الْجِدُّ كَانَ لَيْثاً عَادِياً كَانَ لَا يَلُومُ أَحَداً فِيمَا يَقَعُ الْعُذْرُ فِى مِثْلِهِ حَتَّى يَرَى اعْتِذَاراً كَانَ يَفْعَلُ مَا يَقُولُ وَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ كَانَ إِذَا يَبْدُو أَمْرَانِ لَا يَدْرِى أَيُّهُمَا أَفْضَلُ نَظَرَ إِلَى أَقْرَبِهِمَا إِلَى الْهَوَى فَخَالَفَهُ كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعاً إِلَّا عِنْدَ مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ الْبُرْءَ وَ لَا يَسْتَشِيرُ إِلَّا مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ النَّصِيحَةَ كَانَ لَا يَتَبَرَّمُ وَ لَا يَتَسَخَّطُ وَ لَا يَتَشَكَّى وَ لَا يَتَشَهَّى وَ لَا يَنْتَقِمُ وَ لَا يَغْفُلُ عَنِ الْعَدُوِّ فَعَلَيْكُمْ بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ إِنْ أَطَقْتُمُوهَا وَ إِنْ لَمْ تُطِيقُوهَا كُلَّهَا فَأَخْذُ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

امام حسن مجتبى عليه‌السلام در خطبه اى از سخنان امير المؤمنين عليه‌السلام فرمود: اى مردم ، به شما خبر دهم از حال يكى از برادرانم ، كه در نظرم از همه مردم بزرگتر بود، و بالاترين چيزى كه او را در نظرم بزرگ كرده بود، پستى و حقارت دنيا در نظر او بود، از تسلط شكم بيرون بود، چيزى را كه نداشت به دنبالش نمى رفت ، و چون پيدا مى كرد زياده روى نمى نمود، از تسلط شهوت خارج شده بود، از اين رو سبك عقل و سبك رأ ى نبود، از سلطه نادانى رهيده بود، از اين رو دستش را جز به جانب شخص مورد اطمينان و براى سود دراز نمى كرد، پر اشتها و ناراضى و ملول نبود، بيشتر عمرش را خاموش بود، هر گاه ديگران وارد گفتگو مى شدند، با آنان جدل نمى كرد، در دعوايى شركت نمى كرد، دليلى اقامه نمى كرد تا قاضى را بيابد، از برادران دينى اش غافل نبود، خود را بر ديگران فضيلت نمى داد، لاغر بود، خود را ضعيف و ناتوان مى دانست ، به هنگام مبارزه و پايمردى چون شير ژيان بود، كسى را به كردارى كه عذر خواهى از آن ممكن بود سرزنش ‍ نمى كرد تا بتواند عذر بخواهد، آنچه را انجام مى داد به زبان مى آورد، و كارى را كه نمى كرد نمى گفت ، چون دو كار برايش پيش مى آمد و نمى دانست كداميك بهتر است ، هر كدام كه به هواى نفس نزديكتر بود مخالفت مى نمود، درد خود را جز به كسى كه اميد بهبودى از او داشت اظهار نمى كرد، جز با كسى كه اميد خير خواهى داشت مشورت نمى كرد، دلتنگ نمى شد و ناراضى نبود و شكايت نمى كرد و پرخواهش نبود، و انتقام جويى نمى كرد، و از مكر دشمن غافل نبود، اينك شما هم اگر مى توانيد اين گونه اخلاق شريفه را كسب كنيد، و اگر تمام آن را نمى توانيد به دست آوريد، به دست آوردن اندك بهتر از ترك بسيار است ، نيرو و توانى جز به وسيله خدا نيست .

عَنِ الْبَاقِرِ أَوِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِمَّا يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ فَتَوَاظَبُوا عَلَى مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ حُسْنِ الْهَدْىِ وَ السَّمْتِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُزَيِّنُكُمْ عِنْدَ النَّاسِ إِذَا نَظَرُوا إِلَى مَحَاسِنِ مَا تَنْطِقُونَ بِهِ وَ أَلْفَوْكُمْ عَلَى مَا يَسْتَطِيعُونَ بِنَقْصِكُمْ فِيهِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُحَمَّدٍصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ وَ هُوَ الْخُلُقُ الَّذِى فِى أَيْدِيكُمْ

امام باقر يا امام صادق عليهما‌السلام فرمود: از چيزهائى كه به اسلام زينت مى بخشد خوش اخلاقى با مردم است ، اينك پاس داريد خوش ‍ اخلاقى و حسن سلوك و اخلاق پسنديده را، زيرا اخلاق نيك و سلوك پسنديده شما را در نزد مردم زينت مى بخشد؛ هر گاه ديدند شما داراى سخن سنجيده هستيد و نتوانستند سخنانتان را نقض كنند، و خداى عز و جل به حق فرموده : (تو اخلاقى بزرگوارانه دارى)، و اين اخلاقى است كه مايه آبروى شماست .

مَحَاسِنُ الْأَخْلَاقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ فِى حَدِيثٍ مَرْفُوعٍ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ جَاءَ جَبْرَئِيلُ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِى إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَداً قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فَقُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْقَنَاعَةُ وَ أَحْسَنُ مِنْهَا قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الرِّضَا وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الزُّهْدُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْإِخْلَاصُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْيَقِينُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكَ كُلِّهِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ مَا تَفْسِيرُ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَ لَا يَنْفَعُ وَ لَا يُعْطِى وَ لَا يَمْنَعُ وَ اسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِى أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ مَا تَفْسِيرُ الصَّبْرِ قَالَ يَصْبِرُ عَلَى الضَّرَّاءِ كَمَا يَصْبِرُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ فِى الْفَاقَةِ كَمَا يَصْبِرُ فِى الْغِنَى وَ فِى الْبَلَاءِ كَمَا يَصْبِرُ فِى الْعَافِيَةِ وَ لَا يَشْكُو خَالِقَهُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْبَلَاءِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ يَشْكُرُ الْكَثِيرَ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الرِّضَا قَالَ الرَّاضِى لَا يَسْخَطُ عَلَى سَيِّدِهِ أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَاالا خبار مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامَهَا عِقَابٌ وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِى اشْتَدَّ نَتْنُهَا وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا كَمَا يَجْتَنِبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا وَ أَنْ يُقَصِّرَ أَمَلَهُ وَ كَأَنَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَجَلَهُ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ فَمَا تَفْسِيرُ الْإِخْلَاصِ قَالَ الْمُخْلِصُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئاً حَتَّى يَجِدَ وَ إِذَا وَجَدَ رَضِيَ وَ إِذَا بَقِيَ عِنْدَهُ شَيْءٌ أَعْطَاهُ فِى اللَّهِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ الْمَخْلُوقَ فَقَدْ أَقَرَّ اللَّهَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَ إِذَا وَجَدَ فَرَضِيَ فَهُوَ عَنِ اللَّهِ رَاضٍ وَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْهُ رَاضٍ وَ إِذَا أَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ فِى حَدِّ الثِّقَةِ بِرَبِّهِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْيَقِينِ قَالَ الْمُوقِنُ يَعْمَلُ لِلَّهِ كَأَنَّهُ يَرَاهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَى اللَّهَ فَاللَّهُ يَرَاهُ وَ أَنْ يَعْلَمَ يَقِيناً إِنْ أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ وَ هَذَا كُلُّهُ أَغْصَانُ التَّوَكُّلِ وَ مَدْرَجَةُ الزُّهْدِ

جبرئيل عليه‌السلام نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض ‍ كرد: اى رسول خدا! خداوند مرا فرستاده تا هديه اى به تو بدهم كه تاكنون به احدى قبل از تو داده نشده ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

سؤ ال كردم ، آن هديه چيست ؟ گفت : صبر و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از صبر چيست ؟

گفت : قناعت و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از قناعت چيست ؟ گفت : رضا و بهتر از آن ، پرسيدم : بهتر از رضا چيست ؟ گفت : زهد و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از آن چيست ؟ گفت :اخلاص و نيكوتر از آن ، پرسيدم : بهتر از اخلاص چيست ؟ گفت : يقين و پسنديده تر از آن ، گفتم : پسنديده تر از آن چيست ؟ گفت : اى رسول خدا، نردبان رسيدن به تمامى آنها توكل بر خدا مى باشد، گفتم : اى جبرئيل ، معناى توكل بر خدا چيست ؟ گفت : (اول) آنكه : بدانى مخلوق نه ضررى دارد، و نه سودى و نه بخششى دارد و نه منعى ، (دوم) آنكه : نااميدى از خلق را شيوه خود سازى ، هر گاه بنده چنين باشد، به كسى جز خدا تكيه نكند، و اميد و ترس از غير خدا ندارد، و بر هيچ كس غير از خدا طمع نمى بندد، اين است معناى توكل .

گفتم : اى جبرئيل ، معناى صبر چيست ؟ گفت : شكيبايى نمودن در برابر مشكلات و سختيها و تنگدستى ، همانند شكيبايى نمودن در مواقع بى نيازى ، و شكيبايى در برابر بلا همانند شكيبايى در هنگام سلامت ، و هنگام نزول بلا شكايت خالق به مخلوق نبودن .

گفتم : معناى قناعت چيست ؟ گفت : خرسند بودن به آنچه از دنيا به دست مى آورد، راضى بودن به اندك ، و شكر نمودن نسبت به زيادى ها.

گفتم : پس معناى رضا چيست ؟ گفت : انسان خرسند از مولايش خشمگين نمى شود چه دسترسى به دنيا پيدا كند يا دسترسى پيدا ننمايد، و به كردار كم از خويش خوشنود نمى گردد.

گفتم : اى جبرئيل ! معناى زهد چيست ؟ گفت : زاهد آنچه را آفريدگارش ‍ دوست دارد مى پسندد، و آنچه در نزد خالق مبغوض است پيش او هم مبغوض است ، از حلال دنيا دورى مى كند و توجهى به حرام آن ندارد، زيرا حلالش حساب دارد و حرامش عقاب ، به تمام مسلمانان مهربانى مى كند همان گونه كه با خود مهربان است ، از پرخورى اجتناب مى ورزد همان گونه كه از ميته گنديده دورى مى جويد، از زيور و زينت دنيا فاصله مى گيرد همان طور كه از آتش فراگير دور مى شود، آرزوهايش كوتاه است ، گويا مرگ در پيش روى اوست .

گفتم : اى جبرئيل ، معناى اخلاص چيست ؟ گفت : مخلص آن است كه از مردم چيزى نخواهد تا آن را بيابد، و هنگامى كه يافت راضى شود، و هر گاه چيزى نزد او مانده باشد در راه خدا ببخشد، زيرا هر كه از مخلوق چيزى نخواهد به عبوديت خدا اقرار كرده ، و هر گاه يافت و راضى شد از خدا هم راضى است ، و خداى تبارك و تعالى هم از او راضى است ، و چون براى رضاى خدا بخشش كرد به حدّ اعتماد به پروردگار خود رسيده است .

گفتم : معناى يقين چيست ؟ گفت : كسى كه به يقين رسيده ، عملش را براى خدا انجام دهد به گونه اى كه گويا او را مى بيند، و اگر او خدا را نمى بيند ولى خدا شاهد بر اوست ، و به يقين بداند كه هر چه از غم و شادى مقدرش ‍ باشد به او خواهد رسيد، و آنچه مقدرش نباشد به او نمى رسد، همه اينها از شاخه هاى توكّل بر خدا و نردبان زهد بود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَنْفَعُ الْأَشْيَاءِ لِلْمَرْءِ سَبْقُهُ النَّاسَ إِلَى عَيْبِ نَفْسِهِ وَ أَشَدُّ شَيْءٍ مَئُونَةً إِخْفَاءُ الْفَاقَةِ وَ أَقَلُّ الْأَشْيَاءِ غَنَاءً النَّصِيحَةُ لِمَنْ لَا يَقْبَلُهَا وَ مُجَاوَرَةُ الْحَرِيصِ وَ أَرْوَحُ الرَّوْحِ الْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سودمندترين چيزها براى انسان اين است كه عيب خود را قبل از عيب مردم بفهمد، و سخت ترين كارها پنهان كردن فقر است ، و كمترين بى نيازى خير انديشى كسى است كه قبول آن ننمايد، و همسايه بودن با طمّاع است ، راحت ترين استراحت نااميدى از مردم است .

وَ قَالَ لَا تَكُنْ ضَجِراً وَ لَا غَلِقاً وَ ذَلِّلْ نَفْسَكَ بِاحْتِمَالِ مَنْ خَالَفَكَ مِمَّنْ هُوَ فَوْقَكَ وَ مِمَّنْ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا أَقْرَرْتُ لَهُ بِفَضْلِهِ لِئَلَّا تُخَالِفَهُ وَ مَنْ لَا يَعْرِفُ لِأَحَدٍ الْفَضْلَ فَهُوَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَ قَالَ لِرَجُلٍ أَحْكِمْ دِينَكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِداً تَعْرِفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الاْخِرَةِ فَاعْرِفِ الاْخِرَةَ بِهَا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِاعْتِبَارٍ وَ قَالَ لِرَجُلٍ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِزَّ إِلَّا لِمَنْ تَذَلَّلَ لِلَّهِ وَ لَا رِفْعَةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دلگير و مضطرب مباش ، و نفس خود را در برابر مخالفينت كه بالا دست تو هستند و بر تو برترى دارند مهار كن ، زيرا اقرار تو به برترى او براى مخالفت نكردن با اوست ، و هر كه براى احدى برترى قائل نباشد او خودپسند است .

و به مردى فرمود: دينت را محكم و استوار كن همان طور كه اهل دنيا دنيايشان را محكم مى كنند، زيرا دنيا شاهدى است كه به وسيله آن نهان آخرت شناخته مى شود، هميشه به (وسيله نعم) دنيا آخرت را بشناس و با نظر عبرت به آن توجّه كن .

و به مردى فرمود: عزّتى نيست مگر براى كسى كه خود را براى خدا ذليل كند، و علوّ مرتبه اى نيست مگر براى كسى كه در برابر خدا تواضع نمايد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ وَ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنِ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَ أَتْقَى النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ وَ أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقّاً وَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَ أَكْرَمُ النَّاسِ أَتْقَاهُمْ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْراً مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَ أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ الْكِرَامَ مِنْ غَيْرِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: عابدترين مردم كسى است كه واجبات را انجام دهد، و زاهدترين مردم كسى است كه از حرام دست بكشد، و با تقواترين مردم كسى است كه حق را بگويد چه به نفعش باشد چه به ضررش ، و پرهيزگارترين مردم كسى است كه از جدال بپرهيزد گرچه محق باشد، و قوى ترين مردم كسى است كه گناهان را ترك كند، و شريف ترين مردم با تقواترين آنهاست ، بزرگ ترين مردم (از جهت قدر و منزلت) آن است كه سخن بى معنى نگويد، و خوشبخت ترين مردم كسى است كه با بزرگان محشور باشد.

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِهَا

امام سجاد عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: من براى (نشر) فضائل و محاسن اخلاق بر انگيخته شدم .

وَ قَالَ اسْتِتْمَامُ الْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ مِنِ ابْتِدَائِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پايان دادن كارهاى خوب بهتر از شروع در آن مى باشد.

# باب ششم در بيان عيبهاى نفس و جهاد بانفس و صفت عقل و قلب . در اين باب هشت فصل است

الباب السادس فى ذكر عيوب النفس و مجاهدتها و صفة العقل و القلب و ما يليق بها ثمانية فصول

## فصل اول : در عيبهاى نفس و مجاهده با خواهشهاى نفسانى

الفصل الاول فى عيوب النفس و مجاهدتها

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لِرَجُلٍ إِنَّكَ قَدْ جُعِلْتَ طَبِيبَ نَفْسِكَ وَ بُيِّنَ لَكَ الدَّاءُ وَ عُرِّفْتَ آيَةَ الصِّحَّةِ وَ دُلِلْتَ عَلَى الدَّوَاءِ فَانْظُرْ كَيْفَ قِيَامُكَ عَلَى نَفْسِكَ

امام صادق عليه‌السلام به مردى فرمود: تو را طبيب خودت گردانده اند، و درد را هم برايت گفته اند، و نشانه سلامتى را نيز به تو آموخته اند، و به دارو هم راهنمايى راهنمايى شده اى ، اينك بنگر كه چگونه خودت را حفظ مى كنى .

عَنْهُ قَالَ احْمِلْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ يَحْمِلْكَ غَيْرُكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خودت در فكر خود باش ، و گر نه ديگرى به فكر تو نخواهد بود.

عَنْهُ قَالَ لِرَجُلٍ اجْعَلْ قَلْبَكَ قَرِيناً تُزَاوِلُهُ وَ اجْعَلْ عَمَلَكَ وَالِداً تَتَّبِعُهُ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوّاً تُجَاهِدُهُ وَ اجْعَلْ مَالَكَ كَعَارِيَّةٍ تَرُدُّهَا

امام صادق عليه‌السلام به مردى فرمود: دلت را براى گفتگو به خودت نزديك كن ، و كارت را همچون پدرى فرض كن كه از او پيروى مى كنى ، و نفست را همچون دشمنى بدان كه با آن مبارزه مى نمايى ، و مالت را چون عاريه اى بدان كه بايد آن را برگردانى .

عَنْهُ قَالَ أَقْصِرْ نَفْسَكَ عَمَّا يَضُرُّهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُفَارِقَكَ وَ اسْعَ فِى فَكَاكِهَا كَمَا تَسْعَى فِى طَلَبِ مَعِيشَتِكَ فَإِنَّ نَفْسَكَ رَهِينَةٌ بِعَمَلِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نفست را از آنچه زيان مى بيند قبل از اينكه تو را ترك گويد نگه دار، و در رهايى از آن بكوش همچنانچه در طلب روزى مى كوشى ، زيرا نفس تو در گرو كردار توست .

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِعليه‌السلام قَالَ إِيَّاكَ أَنْ تُتْبِعَ النَّفْسَ هَوَاهَا فَإِنَّ فِى هَوَاهَا رَدَاهَا وَ تَرْكُ هَوَاهَا دَوَاؤُهَا

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: از پيروى هواى نفس بپرهيز، زيرا هلاكت در پيروى از هواى نفس است ، و دواى آن ترك هواست .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ أَنْفَعُ الْأَشْيَاءِ لِلْمَرْءِ سَبْقُهُ النَّاسَ إِلَى عَيْبِ نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سودمندترين چيزها براى انسان اين است كه عيب خود را قبل از عيب ديگران ببيند.

عَنْهُ قَالَ لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ مَا يُذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ لَا يَدْخُلُ فِيمَا يَنْبَغِى أَنْ يَعْتَذِرَ مِنْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سزاوار نيست كه مؤمن خودش را خوار كند، راوى پرسيد:

چگونه خودش را خوار مى كند؟ فرمود: كارى را انجام ندهد كه بعد مجبور به عذر خواهى شود.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلَالَهُ نَفْسَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى همه امور مؤمن را به خودش واگذاشته ، جز خوار كردن خودش را.

عَنْهُ قَالَ لَا يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ قِيلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ فَيُذِلُّهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سزاوار نيست كه مؤمن خودش را خوار كند، سؤ ال شد: چگونه خودش را خوار مى كند؟ فرمود: كارهايى را كه مى كند كه طاقت و توانش را ندارد، در نتيجه خوار مى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ مَا إِخَالُ رَجُلًا يَرْفَعُ نَفْسَهُ فَوْقَ قَدْرِهَا إِلَّا مِنْ خَلَلٍ فِى عَقْلِهِ مَا إِخَالُ أَيْ مَا أَتَفَرَّسُ فِيهِ خَيْراً

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرد كه فرمود: هر كس قدر خود را شناخت هلاك نشود.

سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى خيال نكند بيش از مقدار خود برتر است ، مگر اينكه در عقلش نقصان باشد.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا فِى بَنِى إِسْرَائِيلَ عَبَدَ اللَّهَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَاناً فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِيتُ إِلَّا مِنْكِ وَ مَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ ذَمُّكَ نَفْسَكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً

امام رضا عليه‌السلام فرمود: مردى از بنى اسرائيل چهل سال خدا را عبادت كرد، سپس يك قربانى كرد ولى مورد قبول واقع نشد، به خودش ‍ گفت : هر چه هست از خودت است و خودت گناهكارى ، خداوند متعال به او وحى فرمود: مذمّتى كه از خودت كردى از عبادت چهل ساله ات بهتر بود.

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الِاجْتِهَادِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: بهترين تلاش (در دين) حفظ شكم و شرمگاه است .

وَ مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ مَقَتَ نَفْسَهُ دُونَ مَقْتِ النَّاسِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس خودش را بيش از ديگران سرزنش كند، خداوند او را از وحشت روز قيامت ايمن دارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گروهى را به جهاد با كفّار فرستاد، چون بازگشتند، فرمود: آفرين بر قومى كه جهاد اصغر را انجام دادند، و جهاد اكبرشان باقى مانده ، سؤ ال شد: اى رسول خدا! جهاد اكبر چيست ؟ فرمود: مبارزه با نفس .

ثُمَّ قَالَ أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِى بَيْنَ جَنْبَيْهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترين جهاد، جهاد با نفسى است كه بين دو پهلوى انسان است .

وَ قَالَ مَنْ غَلَبَ عِلْمُهُ هَوَاهُ فَذَلِكَ عِلْمٌ نَافِعٌ وَ مَنْ جَعَلَ شَهْوَتَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ ظِلِّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس علمش بر هواى نفسش ‍ غالب آمد، آن علم سودمند است ، و هر كه شهوتش را زير پا نهاد، شيطان از سايه اش فرار كند.

وَ قَالَ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِى الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِى الاْخِرَةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بيمناكترين چيزى را كه بر امتم مى ترسم ؛ پيروى هواى نفس و آرزوى دراز است ، اما هواى نفس انسان را از راه حق باز مى دارد، و اما آرزوى دراز؛ آخرت را به فراموشى مى سپارد.

وَ مِنْ كِتَابِ تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنِ الْجِهَادِ أَ سُنَّةٌ هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ فَجِهَادَانِ فَرِيضَةٌ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرْضٍ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرْضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِى اللَّهِ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ مُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرْضٌ وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِى هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرْضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرْضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ وَ لَوْ تَرَكُوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ وَ هَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ وَحْدَهُ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِى هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَ جَاهَدَ فِى إِقَامَتِهَا وَ بُلُوغِهَا فَالْعَمَلُ وَ السَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا إِحْيَاءُ سُنَّةٍ

جعفر بن حفص بن غياث گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : آيا جهاد واجب است يا مستحب ؟ فرمود: جهاد بر چهار نوع است : دو جهاد واجب ، و يك جهاد مستحب كه با واجب انجام مى گيرد، و يك جهاد هم مستحب است ، اما يكى از دو جهاد واجب ؛ مبارزه مرد با نفس در برابر گناهان مى باشد، كه اين بزرگترين جهاد است ، و جهاد با كفّارى كه به شما حمله مى كنند نيز واجب است ، و اما جهاد مستحبى كه فقط با واجب انجام مى گيرد جهاد با دشمن است ، زيرا جهاد با دشمن بر تمام مردم واجب است ، و اگر آن را ترك نمايند عذاب بر آنان فرود آيد، و اين عذابى است كه همه امّت را فرا مى گيرد، اين جهاد بر امام مستحب است ، و حدّش اين است كه دشمن به مردم حمله ور مى شود و آنها با او مبارزه مى كنند، اما جهادى كه مستحب است ؛ آن هر سنتى است كه مردى اقامه كند و در راه بر آوردنش تلاش نمايد، و عمل و سعى و كوشش در راه آن از بهترين اعمال است ، زيرا زنده كردن سنّت است .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس سنّت خوبى را پايه گذارى كند، پاداشش را و پاداش كسى را كه تا روز قيامت به آن عمل كند به او مى دهند، بدون اينكه از آنها (عمل كنندگان) چيزى كم شود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهَا كَانَ فِى ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ بِمَا هُوَ سَائِلُهُمْ لَهَا وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رِجْلًا وَ لَمْ يُؤَخِّرْ أُخْرَى حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفِيَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفِى مِنْهَا عَيْباً إِلَّا بَدَا لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغُلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه خصلت است كه اگر همه آنها يا يكى از آنها در كسى باشد در روز قيامت كه هيچ سايه اى جز سايه خدا نخواهد بود او در سايه عرش خداست :

مردى كه آنچه را خود مى خواهد به مردم ببخشد، و مردى كه گامى پس و پيش نگذارد مگر آنكه بداند خدا به آن راضى است يا ناخشنود، و مردى كه از برادر مسلمانش عيبى نگيرد مگر اينكه آن عيب را از خود بزدايد، زيرا عيبى از خود نزدايد مگر آنكه عيبى ديگر برايش پديدار گردد، و انسان را همين بس كه به خود مشغول باشد نه به مردم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: حق نفست بر تو اين است كه آن را در راه طاعت خدا به كار بندى .

وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَا كَانَتِ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَاراً وَ الْحَزَنُ دِثَاراً يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَسْئُولٌ فَأَعِدَّ لَهُ جَوَاباً

امام سجاد عليه‌السلام هميشه مى فرمود: اى فرزند آدم ، همواره در خير و سعادت خواهى بود مادام كه از نفست واعظى داشته باشى ، و همّ و غمت محاسبه نفس باشد، و مادام كه ترس (از خدا) به منزله لباس زير و اندوه (از گناه) به منزله لباس روى تو باشد، اى فرزند آدم ، تو خواهى مرد و دوباره زنده خواهى شد و در مقابل خدا مورد سؤ ال قرار خواهى گرفت ، اكنون براى آن روز پاسخى آماده كن .

قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِى كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَناً اسْتَزَادَ اللَّهَ مِنْهُ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئاً اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: از ما نيست كسى كه هر روز به حساب خود نرسد، اگر كار نيك انجام داده از خدا توفيق فزونيش كند، و اگر كار بدى كرده استغفار نمايد و توبه كند.

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ وَ الْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازَمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ النَّفْسُ تَجْرِى فِى مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ وَ الْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِى فَسَادِهَا وَ مَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِى هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِى قَتْلِ نَفْسِهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: نفس هميشه به طرف بى ادبى كشيده مى شود، و بنده مأ مور به همراهى ادب نيكوست ، و نفس طبيعتا سعى در مخالفت دارد، و بنده مى كوشد تا آن را از انجام كار بد باز دارد، هر گاه افسار نفس را رها كند او نيز در فسادش شريك است ، و هر كس نفسش را در پيروى هوا كمك كند در كشتن نفسش با او شريك است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهِبَ وَ إِذَا اشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ وَ إِذَا سَخِطَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس در هنگام رضا و خشم و هنگام غضب جلوى نفسش را بگيرد، خداوند بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

وَ مِنْ غَيْرِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ يَقَعُ فِى قَلْبِى أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَكُلَّمَا وَقَعَ فِي قَلْبِى قُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَذَهَبَ عَنِّى

جميل بن درّاج گويد: از حضرت صادق عليه‌السلام پرسيدم : گاهى در دلم هول و هراس مى افتد، فرمود: بگو « لا اله الّا اللّه»، وى گفت : هر گاه در چنين حالى قرار مى گرفتم « لا اله الّا اللّه» مى گفتم ، آن حالت از من رفت .

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذَا خِفْتَ حَدِيثَ النَّفْسِ فِى الصَّلَاةِ فَاطْعَنْ يَدَكَ الْيُسْرَى بِيَدِكَ الْيُمْنَى ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه در بين نماز برايت حديث نفس ‍ (دل مشغولى) پيش آمد، دست چپ را در دست راست بزن و بگو: «بسم اللّه و باللّه توكّلت على اللّه أ عوذ بالسميع العليم من الشيطان الرجيم».

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ صَعِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَوَّلَ وُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ يُعَظِّمُ عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ أُخْلِصَ فَيُعْمَلُ بِهِ لَمْ يَكُنِ اخْتِلَافٌ وَ لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ أُخْلِصَ وَ عُمِلَ بِهِ لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجًى وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ ذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ ذَا ضِغْثٌ فَيُخْلَطُ فَيُعْمَلُ بِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْتَوْلِى الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى

محمّد بن مسلم گويد: على عليه‌السلام بالاى منبر رفت ، و پس از حمد و ثناى خداوند فرمود:

اى مردم ! نخستين فتنه از پيروى هواهاى نفس و بدعتهايى كه در دين گذارده شد؛ پديد آمد، رجال و شخصيتهائى از همگنان خود تعريف و تمجيد مى كنند و همديگر را بزرگ مى شمارند، و اگر حق خالص مى شد و به آن عمل مى گشت اختلافى پيش نمى آمد، و اگر باطل واضح و روشن گردد و به آن عمل شود هيچ خردمندى گمراه نمى شود، و لكن مقدارى از حق و مقدارى از باطل گرفته مى شود و به هم آميخته مى شود و به آن عمل مى شود، در آن هنگام است كه شيطان بر اوليائش مسلط گشته ، و آنان كه از جانب خدا سابقه نيكى داشته اند، نجات مى يابند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِيَّاكُمْ وَ جِدَالَ كُلِّ مَفْتُونٍ مُلَقًّى حُجَّتَهُ إِلَى انْقِضَاءِ مُدَّتِهِ فَإِذَا انْقَضَتْ مُدَّتُهُ أَشْغَلَتْهُ خَطِيئَتُهُ فَأَحْرَقَتْهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از جدال با هر فتنه گرى كه برهانش ‍ رسيدن به هدف ، و پايان مهلت اوست بپرهيزيد، هنگامى كه مدتش سپرى شود گناهانش او را مشغول سازد و بسوزاندش .

## فصل دوم : در صفت عقل

(الفصل الثانى فى صفة العقل)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَمَّا أَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى مَا خَلَقْتُ خَلْقاً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ آخُذُ وَ بِكَ أُعْطِى وَ عَلَيْكَ أُثِيبُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفريد به او فرمود: جلو بيا، جلو آمد، سپس فرمود: عقب برو، عقب رفت ، بعد فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، خلقى را محبوبتر از تو نيافريدم ، به وسيله تو مؤ اخذه مى كنم و به وسيله تو مى بخشم و بر تو پاداش مى دهم .

عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ هَبَطَ جَبْرَئِيلُ عَلَى آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا آدَمُ إِنِّى أُمِرْتُ أَنْ أُخَيِّرَكَ فِى ثَلَاثٍ فَاخْتَرْ وَاحِدَةً وَ دَعِ اثْنَتَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ مَا الثَّلَاثُ قَالَ الْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ الدِّينُ فَقَالَ آدَمُ فَإِنِّى قَدِ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرَئِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ انْصَرِفَا وَ دَعَاهُ فَقَالا يَا جَبْرَئِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَأْنَكُمَا وَ عَرَجَ

على عليه‌السلام فرمود: جبرئيل عليهم‌السلام بر آدم فرود آمد و گفت : اى آدم ! من مأ مورم كه تو را بين سه امر مخيّر گردانم ، يكى را برگزين و دو تا را رها كن ، آدم گفت : اى جبرئيل ، آن سه چيز كدام است ؟ گفت : عقل و حيا و دين ، آدم گفت : من عقل را انتخاب مى كنم ، جبرئيل به حيا و دين گفت : شما برويد و رهايش كنيد، آن دو گفتند: اى جبرئيل ، جبرئيل ما ماموريم كه هر كجا عقل باشد همراهش باشيم ، گفت : خود دانيد، و عروج كرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرُ مُسْتَمْتَعٍ قُلْتُ وَ مَا هِيَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ الدِّينُ وَ الْعَقْلُ وَ الْأَدَبُ وَ الْحُرِّيَّةُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پنج خصلت اگر در كسى نباشد از او بهره برده نشود، راوى گويد:

پرسيدم : آنها چيست قربانت گردم ؟ فرمود: دين و عقل و ادب و آزادمنشى و خوش خلقى .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالِهِ فَانْظُرُوا فِى حُسْنِ عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: هر گاه خوبى رفتار كسى نزد شما تعريف شد، در خوبى عقلش ‍ بنگريد، زيرا به ميزان عقلش پاداش يابد.

وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِى لَا زَبْرَ لَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند مؤمن ضعيفى را كه قدرت مقاومت ندارد دوست ندارد.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا عَاقِلًا وَ بَعْضُ النَّبِيِّينَ أَرْجَحُ مِنْ بَعْضٍ وَ مَا اسْتَخْلَفَ دَاوُدُ سُلَيْمَانَ حَتَّى اخْتَبَرَ عَقْلَهُ وَ اسْتَخْلَفَ دَاوُدُ سُلَيْمَانَعليه‌السلام وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ مَكَثَ فِى مُلْكِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: خداوند هيچ پيغمبرى را نفرستاد مگر اينكه عاقل بود، و بعضى از پيامبران بر بعضى برترى داشتند، حضرت داود تا عقل سليمان را نيازمود، او را جانشين خود نساخت ، و داود در سن سيزده سالگى سليمان را جانشين خود كرد، و او چهل سال حكومت نمود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقُولُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْراً أَخَذَ فِيهِ بِعُقُولِ النَّاسِ حَتَّى يُنْفِذَ أَمْرَهُ ثُمَّ يَرُدُّ إِلَيْهِمْ عُقُولَهُمْ أَ لَا تَرَى إِلَى قَوْلِ الرَّجُلِ فَعَلْتُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَانَ عَقْلِى لَيْسَ مَعِى

امام باقر عليه‌السلام از قول امام سجاد عليه‌السلام نقل كند كه مى فرمود: هر گاه خداوند بخواهد كارى را انجام دهد، عقلهاى مردم را مى گيرد و پس ‍ از انجام كارش به آنان باز مى گرداند، مگر نديده اى مردى را كه مى گويد: فلان كار و فلان كار را كردم ، در حالى كه عقلم همراه من نبود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا يَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ امرى مورد اختلاف دو نفر نيست ، مگر اينكه در قرآن حكمى برايش بيان شده ، و لكن عقلهاى مردم به آن نمى رسد.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الرِّضَاعليه‌السلام أَنَّ عِدَّةً مِنْ قُرَيْشٍ جَاءُوا يَعُودُونَهُ بِشَيْءٍ كَانَ أَصَابَهُ مِنْ عَضِّ بِرْذَوْنٍ فَقَالُوا لَوْ كُنْتَ إِذَا رَكِبْتَ كَانَ مَعَكَ الْغُلَامَانِ أَوِ الثَّلَاثَةُ قَرِيباً مِنْ دَابَّتِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ أَمْراً حَالَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ فَإِذَا وَقَعَ الْقَدَرُ وَ نَفَذَ أَمْرُ اللَّهِ رَدَّ إِلَى كُلِّ ذِى عَقْلٍ عَقْلَهُ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: گروهى از قريش به عيادت پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله كه قاطرى او را گاز گرفته و زخمى كرده بود، آمدند و گفتند: چه خوب بود اگر هنگام سوار شدن دو يا سه غلام نزديك مركب سوارى شما بودند! فرمود: خداوند عزّ و جل هر گاه بخواهد كارى كند بين انسان و قلبش پرده اى مى كشد، هر گاه مقدّر انجام شد و كار خدا پايان يافت ، عقل هر عاقلى را به او برگرداند.

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: عقل شمشيرى برّان است ، با عقلت به جنگ هواى نفست برو.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ تَعَالَى التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بالاترين مرتبه عقل بعد از ايمان به خداى متعال اظهار دوستى با مردم است .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ كَمَلَ عَقْلُهُ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ وَ حُسْنُ الطَّاعَةِ لَهُ وَ حُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند عقل را به سه بخش ‍ تقسيم كرد، هر كس اين سه را داشته باشد عقلش كامل است ، و هر كس ‍ نداشته باشد، عقل ندارد: شناخت خوب نسبت به خداوند، خوب انجام دادن طاعتش و به خوبى صبر نمودن در فرمانش

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَمْ يُقْسَمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقَلُّ مِنَ الْخَمْسِ الْيَقِينِ وَ الْقُنُوعِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الَّذِى يَكْمُلُ بِهِ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بين بندگان كمتر از پنج خصلت تقسيم نشده : يقين و قناعت و صبر و شكر، و كامل كننده همه اينها عقل است .

سُئِلَ الرِّضَاعليه‌السلام فَقِيلَ مَا الْعَقْلُ قَالَ التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ وَ مُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ

از امام رضا عليه‌السلام پرسيدند: عقل چيست ؟ فرمود: فرو خوردن غم و غصّه ، و زيركى نمودن با دشمنان ، و سازش با دوستان .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ اعْقِلُوا الْخَيْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رُعَاتَهُ قَلِيلٌ لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ وَ لَا عَقْلَ كَالتَّدْبِيرِ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصاً إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِى مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِى غَيْرِ مُحَرَّمٍ مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلًا إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْماً مَا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: سينه عاقل صندوق راز اوست ، بى نيازى همچون عقل ، و فقرى همانند جهل ، و ميراثى مثل ادب نيست ، اگر خبرى شنيديد روى آن تعقّل كنيد، آن را بسنجيد نه اينكه نقلش كنيد، زيرا راويان علم زيادند و متفكّرين اندك .

هيچ ثروتى استوارتر از عقل نيست ، و عقلى مانند تدبير نيست ، عاقل بايد در سه چيز الگو باشد: اصلاح معاشش ، تفكّر در معادش ، كسب لذّت غير حرام ، خداوند به هيچ انسانى عقل را وديعه نداد، مگر اينكه يك روز آن را بگيرد.

قِيلَ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا الْعَقْلُ قَالَ الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ إِنَّ الْعُمَّالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ

از پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسيدند: عقل چيست ؟ فرمود: عمل نمودن به طاعت خدا، و عمل كنندگان به طاعت خدا همان عقلايند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِى سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِى لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَ الْفَهْمَ رُوحَهُ وَ الزُّهْدَ رَأْسَهُ وَ الْحَيَاءَ عَيْنَيْهِ وَ الحِكْمَةَ لِسَانَهُ وَ الرَّأْفَةَ هِمَّتَهُ وَ الرَّحْمَةَ قَلْبَهُ ثُمَّ حَشَاهُ وَ قَوَّاهُ بِعَشَرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَ الْإِيمَانِ وَ الصِّدْقِ وَ السَّكِينَةِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ الرِّفْقِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ الْقُنُوعِ وَ التَّسْلِيمِ وَ الصَّبْرِ ثُمَّ قَالَ لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَكَلَّمْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَيْسَ لَهُ ضِدٌّ وَ لَا نِدٌّ وَ لَا شَبِيهٌ وَ لَا كُفْوٌ وَ لَا عَدِيلٌ وَ لَا مِثْلٌ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى مَا خَلَقْتُ خَلْقاً أَحْسَنَ مِنْكَ وَ لَا أَطْوَعَ لِى مِنْكَ وَ لَا أَعَزَّ مِنْكَ بِكَ أُوَحَّدُ وَ بِكَ أُعْبَدُ وَ بِكَ أُدْعَى وَ بِكَ ارْتَجَى وَ بِكَ أُبْتَغَى وَ بِكَ أُخَافُ وَ بِكَ أُحْذَرُ وَ بِكَ الثَّوَابُ وَ بِكَ الْعِقَابُ فَخَرَّ الْعَقْلُ عِنْدَ ذَلِكَ سَاجِداً فَكَانَ فِى سُجُودِهِ أَلْفَ عَامٍ فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ارْفَعْ رَأْسَكَ وَ سَلْ تُعْطَ وَ اشْفَعْ تُشَفَّعْ فَرَفَعَ الْعَقْلُ رَأْسَهُ فَقَالَ إِنِّى أَسْأَلُكَ أَنْ تُشَفِّعَنِى فِيمَنْ خَلَقْتَنِى فِيهِ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَائِكَتِهِ أُشْهِدُكُمْ أَنِّى قَدْ شَفَّعْتُهُ فِيمَنْ خَلَقْتُهُ فِيهِ إِذَا أَطَاعَ الْعَقْلَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند تبارك و تعالى عقل را از نورى كه در گنجينه دانش پيشينه خود پنهان بود، و هيچ پيغمبر مرسل و فرشته مقرّبى بدان دسترسى نداشت ؛ آفريد، سپس دانش را جان آن ، و فهم را روان آن ، و پارسايى را سرش ، و شرم را دو چشمش ، و حكمت را زبانش ، و مهربانى را همّتش ، و دلسوزى را قلب آن قرار داد.

بعد از آن به وسيله ده چيز پر و تقويت نمود، و آنها را به منزله امعاء و احشاء آن قرار داد: به يقين و ايمان و راستى و متانت و اخلاص و مدارا و بخشش و قناعت و فرمانبردارى و صبر، سپس به او فرمود: عقب برو! عقب رفت ، بعد فرمود: جلو بيا! جلو آمد، بعد فرمود: سخن بگو، گفت : ستايش مخصوص ‍ پروردگارى است كه نه ضدّى دارد و نه همتايى و نه شبيهى و نه همسرى و نه هم شأ نى و نه نظيرى ، آنكه همه چيز در برابر بزرگيش سر تعظيم فرود آورده ، سپس خداى تبارك و تعالى فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، آفريده اى را بهتر و فرمان برتر و والاتر و شريفتر و گرامى تر از تو نيافريدم ، به وسيله تو به يگانگى شناخته و پرستيده شدم ، و به وسيله تو خوانده شوم ، و به وسيله تو محل اميد (مردم) باشم ، و به واسطه تو از من بترسند و بر حذر باشند و پاداش و كيفر نيز به دليل وجود تو مى باشد، عقل از اين سخنان كرنش نمود و به سجده افتاد، و سجده اش هزار سال طول كشيد.

آنگاه خداى تبارك و تعالى فرمود: سرت را بلند كن و بخواه تا به تو بدهم و شفاعت كن تا پذيرفته گردد، عقل سر برداشت و گفت : از تو مى خواهم كه شفاعت مرا در باره هر عاقلى بپذيرى ، خداوند جلّ جلاله به فرشتگانش ‍ فرمود: شاهد باشيد، من شفاعت او را در باره هر كس كه خرد را به او داده ام خواهم پذيرفت .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام عُقُولُ النِّسَاءِ فِى جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِى عُقُولِهِمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: عقل زنان در جمالشان ، و جمال مردان در عقل آنان مى باشد.

وَ قَالَ أَيْضاً أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَ عَقْلُهُ وَ دِينُهُ وَ مُرُوَّتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ وَ الْأَيَّامُ دُوَلٌ وَ النَّاسُ إِلَى آدَمَ شَرَعٌ سَوَاءٌ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اصل انسان خرد اوست ، و عقلش دين اوست ، و مردانگيش به چيزى كه نفسش را در آن بكار مى بندد شناخته مى شود، و روزگار در حال تغيير و تحوّل است ، و مردم همه در نسب تا آدم يكسانند.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام حَسْبُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَ مُرُوَّتُهُ وَ عَقْلُهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: حسب و نسب انسان به دين و مردانگى و خرد اوست .

رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَكَّبَ الْعَقْلَ فِى الْمَلَائِكَةِ بِدُونِ الشَّهْوَةِ وَ رَكَّبَ الشَّهْوَةَ فِى الْبَهَائِمِ بِدُونِ الْعَقْلِ وَ رَكَّبَهُمَا جَمِيعاً فِى بَنِى آدَمَ فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ كَانَ خَيْراً مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَلَى عَقْلِهِ كَانَ شَرّاً مِنَ الْبَهَائِمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال عقل بدون شهوت را در فرشتگان قرار داد، و شهوت بدون عقل را در حيوانات ، و عقل و شهوت را در انسان ، هر كس عقلش بر شهوتش غالب آيد از فرشتگان بهتر، و هر كه شهوتش بر عقلش غلبه نمود از حيوانات بدتر است .

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: دوست هر مردى خرد او، و دشمنش نادانى اوست .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى خَالِقِهِمْ بِالْبِرِّ فَتَقَرَّبْ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ تَسْبِقْهُمْ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! هر گاه بندگان به وسيله عمل نيك به پروردگارشان تقرّب مى جويند، تو با عقلت تقرّب بجو، تا از آنان پيشى بگيرى ، ما پيامبران با مردم به اندازه خردشان سخن مى گوييم .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ ثَوَابٌ وَ أَفْضَلُ الثَّوَابِ الْعَقْل

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر عمل نيكى ثوابى دارد، و بهترين ثواب عقل است .

وَ قَالَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ نَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْأَحْمَقِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً وَ لَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ كَانَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عَقْلِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ وَ عَسَى أَنْ يَكُونَ فِى أُمَّتِهِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ اجْتِهَاداً مِنْهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند در بين بندگان چيزى را برتر از عقل قسمت نكرد، خوابيدن عاقل از بيدارى احمق بهتر است ، و خداوند هيچ پيامبر و رسولى را بر نيانگيخت مگر اينكه عقلش را كامل گرداند، و عقلش از عقل همه امّتش بيشتر بود، و چه بسا ممكن بود در بين امّتش كسى مى بود كه كوشش او در عبادت بيش از او باشد.

ذُكِرَ بَيْنَ يَدَيْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام ثَرْوَةُ أَهْلِ الشَّامِ وَ فَقْرُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ عَقْلَ الرَّجُلِ مَحْسُوبٌ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِهِ مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ

در حضور امير مؤمنان عليه‌السلام از ثروت شاميان و فقر عراقيها صحبت شد، فرمود: آيا نمى دانيد كه عقل مرد هم جزء روزيش به حساب مى آيد؟

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَاعليه‌السلام قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ فَقَالَ فَوَ عِزَّتِى مَا خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحْسَنُ مِنْكَ إِيَّاكَ آمُرُ وَ إِيَّاكَ أَنْهَى وَ إِيَّاكَ أُعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ

امام باقر، يا امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: چون خداوند عقل را آفريد، به او فرمود: عقب برو! عقب رفت ، بعد فرمود: پيش آى ! جلو آمد، سپس فرمود: به عزّتم سوگند آفريده اى بهتر از تو خلق نكردم ، تو را امر مى كنم و تو را نهى مى كنم ، و تو را عقاب مى كنم و تو را پاداش ‍ مى دهم .

قَالَ أَبُو الْحَسَنِعليه‌السلام إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ وَ أَدْبِرْ فَأَقْبَلَ وَ أَدْبَرَ فَقَالَ وَ عِزَّتِى مَا خَلَقْتُ شَيْئاً أَحْسَنَ مِنْكَ وَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ آخُذُ وَ بِكَ أُعْطِى

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: خداوند عقل را آفريد، سپس به او فرمود: پس و پيش برو، او هم پس و پيش رفت ، سپس فرمود: به عزّتم سوگند، چيزى بهتر و محبوبتر از تو نيافريدم ، به وسيله تو مؤ اخذه مى كنم و مى بخشم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ دِعَامَةُ الْإِسْلَامِ الْعَقْلُ وَ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ وَ بِالْعَقْلِ يَكْمُلُ وَ هُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مِفْتَاحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِماً حَافِظاً زَاكِياً فَطِناً فَهِماً فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَ لِمَ وَ حَيْثُ وَ عَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَ مَنْ غَشَّهُ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَ مَوْصُولَهُ وَ مَفْصُولَهُ وَ أَخْلَصَ لَهُ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَ الْإِقْرَارَ بِالطَّاعَةِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرِكاً لِمَا فَاتَ وَارِداً عَلَى مَا هُوَ آتٍ فَعَرَفَ مَا هُوَ فِيهِ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ هُوَ هَاهُنَا وَ مِنْ أَيْنَ يَأْتِى وَ إِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ وَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ستون اسلام عقل است ، و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سر چشمه مى گيرند، و به وسيله عقل كامل مى شوند، و عقل راهنما و بيناكننده و كليد كار اوست ، و چون عقلش به نور خدايى تأ ييد شود، دانشمند و حافظ و زيرك و فهميده باشد، و از اين رو بداند كه چگونه و چرا و كجاست و خيرخواه و بد خواهش را بشناسد، و چون آن را شناخت راه زندگى و راه رسيدن و جدا شدن خود را بداند، و در يگانگى خدا و اعتراف به فرمانبرداريش مخلص شود، و چون چنين كند آنچه را از دست رفته جبران كند، بر آينده مسلّط گردد و موقعيت خود را بداند، و اينكه براى چه اينجاست ، و از كجا آمده و به كجا خواهد رفت ، تمام اينها از تأ ييدات عقل است .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ عِنْدَهُ عِدَّةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا قَالَ سَمَاعَةُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا نَعْرِفُ إِلَّا مَا عَرَّفْتَنَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ خَلَقَهُ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ خَلَقْتُكَ خَلْقاً عَظِيماً وَ كَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِى قَالَ ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبِلْ فَقَالَ اللَّهُ لَهُ اسْتَكْبَرْتَ فَلَعَنَهُ ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ جُنْداً فَلَمَّا رَأَى الْجَهْلُ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعَقْلَ وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَضْمَرَ لَهُ الْعَدَاوَةَ فَقَالَ الْجَهْلُ يَا رَبِّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِى خَلَقْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ قَوَّيْتَهُ وَ أَنَا ضِدُّهُ وَ لَا قُوَّةَ لِى بِهِ فَأَعْطِنِى مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أَعْطَيْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجْتُكَ وَ جُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِى قَالَ قَدْ رَضِيتُ فَأَعْطَاهُ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ جُنْداً فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى اللَّهُ الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَ السَّبْعِينَ الْجُنْدَ الْخَيْرُ وَ هُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرَّ وَ هُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ وَ الْإِيمَانُ وَ ضِدَّهُ الْكُفْرَ وَ التَّصْدِيقُ وَ ضِدَّهُ الْجُحُودَ وَ الرَّجَاءُ وَ ضِدَّهُ الْقُنُوطَ وَ الْعَدْلُ وَ ضِدَّهُ الْجَوْرَ وَ الرِّضَا وَ ضِدَّهُ السُّخْطَ وَ الشُّكْرُ وَ ضِدَّهُ الْكُفْرَانَ وَ الْيَأْسُ وَ ضِدَّهُ الطَّمَعَ وَ التَّوَكُّلُ وَ ضِدَّهُ الْحِرْصَ وَ الرَّأْفَةُ وَ ضِدَّهَا الْقَسْوَةَ وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدَّهَا الْغَضَبَ وَ الْعِلْمُ وَ ضِدَّهُ الْجَهْلَ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدَّهُ الْحُمْقَ وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدَّهَا التَّهَتُّكَ وَ الزُّهْدُ وَ ضِدَّهُ الرَّغْبَةَ وَ الرِّفْقُ وَ ضِدَّهُ الْخُرْقَ وَ الرَّهْبَةُ وَ ضِدَّهَا الْجُرْأَةَ وَ التَّوَاضُعُ وَ ضِدَّهُ التَّكَبُّرَ وَ التُّؤَدَةُ وَ ضِدَّهَا التَّسَرُّعَ وَ الْحِلْمُ وَ ضِدَّهُ السَّفَهَ وَ الصَّمْتُ وَ ضِدَّهُ الْهَذَرَ وَ الِاسْتِسْلَامُ وَ ضِدَّهُ الِاسْتِكْبَارَ وَ التَّسْلِيمُ وَ ضِدَّهُ التَّجَبُّرَ وَ الْعَفْوُ وَ ضِدَّهُ الْحِقْدَ وَ الرِّقَّةُ وَ ضِدَّهَا الْقَسْوَةَ وَ الْيَقِينُ وَ ضِدَّهُ الشَّكَّ وَ الصَّبْرُ وَ ضِدَّهُ الْجَزَعَ وَ الصَّفْحُ وَ ضِدَّهُ الِانْتِقَامَ وَ الْغِنَى وَ ضِدَّهُ الْفَقْرَ وَ التَّفَكُّرُ وَ ضِدَّهُ السَّهْوَ وَ الْحِفْظُ وَ ضِدَّهُ النِّسْيَانَ وَ التَّعَطُّفُ وَ ضِدَّهُ الْقَطِيعَةَ وَ الطَّاعَةُ وَ ضِدَّهَا الْمَعْصِيَةَ وَ الْقُنُوعُ وَ ضِدَّهُ الْحِرْصَ وَ الْمُوَاسَاةُ وَ ضِدَّهَا الْمَنْعَ وَ الْمَوَدَّةُ وَ ضِدَّهَا الْعَدَاوَةَ وَ الْوَفَاءُ وَ ضِدَّهُ الْغَدْرَ وَ الْخُضُوعُ وَ ضِدَّهُ التَّطَاوُلَ وَ الْحَقُّ وَ ضِدَّهُ الْبَاطِلَ وَ السَّلَامَةُ وَ ضِدَّهَا الْبَلَاءَ وَ الْحُبُّ وَ ضِدَّهُ الْبُغْضَ وَ الصِّدْقُ وَ ضِدَّهُ الْكَذِبَ وَ الْأَمَانَةُ وَ ضِدَّهَا الْخِيَانَةَ وَ الْإِخْلَاصُ وَ ضِدَّهُ الشَّوْبَ وَ الشَّهَامَةُ وَ ضِدَّهَا الْبَلَادَةَ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدَّهُ الْغَبَاوَةَ وَ الْمَعْرِفَةُ وَ ضِدَّهَا الْإِنْكَارَ وَ الْمُدَارَاةُ وَ ضِدَّهَا الْمُكَاشَفَةَ وَ سَلَامَةُ الْغَيْبِ وَ ضِدَّهَا الْمُمَاكَرَةَ وَ الْكِتْمَانُ وَ ضِدَّهُ الْإِفْشَاءَ وَ الصَّلَاةُ وَ ضِدَّهَا الْإِضَاعَةَ وَ الصَّوْمُ وَ ضِدَّهُ الْإِفْطَارَ وَ الْجِهَادُ وَ ضِدَّهُ النُّكُولَ وَ الْحَجُّ وَ ضِدَّهُ نَبْذَ الْمِيثَاقِ وَ صَوْنُ الْحَدِيثِ وَ ضِدَّهُ النَّمِيمَةَ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ ضِدَّهُ الْعُقُوقَ وَ الْحَقِيقَةُ وَ ضِدَّهَا الرِّيَاءَ وَ الْمَعْرُوفُ وَ ضِدَّهُ الْمُنْكَرَ وَ السَّتْرُ وَ ضِدَّهُ التَّبَرُّجَ وَ التَّقِيَّةُ وَ ضِدَّهَا الْإِذَاعَةَ وَ الْإِنْصَافُ وَ ضِدَّهُ الْحَمِيَّةَ وَ التَّهْيِئَةُ وَ ضِدَّهَا الْبَغْيَ وَ النَّظَافَةُ وَ ضِدَّهَا الْقَذَارَةَ وَ الْحَيَاءُ وَ ضِدَّهُ الْخَلْعَ وَ الْقَصْدُ وَ ضِدَّهُ العدان الْعُدْوَانَ وَ الرَّاحَةُ وَ ضِدَّهَا التَّعَبَ وَ السُّهُولَةُ وَ ضِدَّهَا الصُّعُوبَةَ وَ الْبَرَكَةُ وَ ضِدَّهَا الْمَحْقَ وَ الْعَافِيَةُ وَ ضِدَّهَا الْبَلَاءَ وَ الْقَوَامُ وَ ضِدَّهُ الْمُكَاثَرَةَ وَ الْحِكْمَةُ وَ ضِدَّهَا الْهَوَى وَ الْوَقَارُ وَ ضِدَّهُ الْخِفَّةَ وَ السَّعَادَةُ وَ ضِدَّهَا الشَّقَاوَةَ وَ التَّوْبَةُ وَ ضِدَّهَا الْإِصْرَارَ وَ الِاسْتِغْفَارُ وَ ضِدَّهُ الِاغْتِرَارَ وَ الْمُحَافَظَةُ وَ ضِدَّهَا التَّهَاوُنَ وَ الدُّعَاءُ وَ ضِدَّهُ الِاسْتِنْكَافَ وَ النَّشَاطُ وَ ضِدَّهُ الْكَسَلَ وَ الْفَرَحُ وَ ضِدَّهُ الْحَزَنَ وَ الْأُلْفَةُ وَ ضِدَّهَا الْعَصَبِيَّةَ وَ السَّخَاءُ وَ ضِدَّهُ الْبُخْلَ فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِى نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ وَ أَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ وَ يُنَقَّى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِنَّمَا يُدْرَكُ الْفَوْزُ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَ جُنُودِهِ وَ مُجَانَبَةِ الْجَهْلِ وَ جُنُودِهِ وَفَّقَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ لِطَاعَتِهِ وَ مَرْضَاتِهِ

سماعة بن مهران گويد: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام بودم ، و جمعى از دوستان ايشان هم حضور داشتند، صحبت از عقل و جهل به ميان آمد، امام صادق عليه‌السلام فرمود: عقل و لشكريانش را و جهل و لشكريانش را بشناسيد تا هدايت شويد، سماعه گويد: عرض كردم : فدايت شوم ، غير از آنچه شما به ما بفهمانيد نمى دانيم ، امام صادق عليه‌السلام فرمود:

خداوند جلّ ثناؤ ه عقل را آفريد، او اوّلين مخلوقاتش بود كه از نور خويش و از طرف راست عرش آفريد، سپس به او فرمود: پس رو، او پس رفت ، بعد فرمود: پيش آى ، او پيش آمد، خداوند عزّ و جلّ به او فرمود: تو را با عظمت آفريدم ، و بر تمامى آفريدگانم شرافت بخشيدم .

فرمود: سپس جهل را آفريد، به او فرمود: عقب برو، عقب رفت ، بعد فرمود: پيش آى ، او قبول نكرد، خداوند به او فرمود: گردن كشى كردى ، او را از رحمت خود دور ساخت ، سپس براى عقل هفتاد و پنج لشكر قرار داد، چون جهل مكرمت و عطاى خداوند را نسبت به عقل ديد، دشمنى او را به دل گرفت ، و عرض كرد:

پروردگارا، اين هم مخلوقى مثل من است ، او را آفريدى و گراميش داشتى و تقويتش نمودى ، و من ضدّ او هستم و بر او توانايى ندارم ، آنچه از لشكر به او دادى به من هم عطا كن ، فرمود: بلى مى دهم ، امّا اگر بعد از آن نافرمانى كردى تو و لشكريانت را از رحمت خود بيرون كنم ، عرض كرد: خشنود شدم ، به او نيز هفتاد و پنج لشكر عطا فرمود، هفتاد و پنج لشكرى كه خداوند به عقل عنايت كرد بدين قرار است : نيكى و آن وزير عقل است ، و ضد او را بدى قرار داد كه وزير جهل است ، و ايمان و ضدش كفر، و تصديق و حقّ و ضدش انكار حقّ، اميد و ضدش نوميدى ، دادگرى و ضدش ستم ، خشنودى و ضد آن سخط و ناخشنودى ، شكر و ضد آن ناسپاسى ، نااميدى ، از رحمت خدا و ضدش چشم داشت ، توكل بر خدا و ضدش ‍ حرص و آز، نرم دلى و ضدش سخت دلى ، مهربانى و ضدش خشم ، دانش ‍ و ضدش نادانى ، شعور و ضدش حماقت ، پاكدامنى و ضد آن پرده درى ، پارسايى و ضدش دنياپرستى ، خوشرفتارى و ضدش بدرفتارى ، پروا داشتن و ضد آن گستاخى ، فروتنى و ضد آن خود پسندى ، آرامى و ضدش ‍ شتابزدگى ، بردبارى و ضدش بى خردى ، خاموشى و ضدش پرگويى ، رام بودن و ضدش گردنكشى ، تسليم حق شدن و ضدش زورگويى ، گذشت و ضدش كينه ورزى ، نرم دلى و ضد آن انتقام جويى ، بى نيازى و ضدش فقر، تفكّر و ضدش اشتباه ، در خاطر نگهداشتن و ضدش فراموشى ، مهرورزى و ضدش كناره گيرى ، فرمانبردارى و ضد آن نافرمانى ، قناعت و ضد آن حرص ‍ و آز، تشريك مساعى و ضد آن دريغ و خوددارى ، دوستى و ضد آن دشمنى ، پيمان دارى و ضدش پيمان شكنى ، فروتنى و ضد آن بلندى جستن ، حق و ضدش باطل ، سلامتى و ضدش گرفتارى ، دوستى و ضد آن تنفّر، راستى و ضدش دروغگوئى ، امانت

و ضدش خيانت ، اخلاص و ضد آن آميختن با ناخالص ، چالاكى و ضد آن سستى ، فهم و درك و ضدش كودنى ، شناسايى و ضدش انكار، مدارا و ضدش پرده درى ، يك رويى و ضد آن دغلى و مكر، كتمان كردن و ضدش ‍ فاش كردن ، نماز گزاردن و ضدش تباه كردن نماز، روزه گرفتن و ضدش افطار كردن ، جهاد و ضدش فرار از جنگ ، حج و ضدش پيمان حج شكستن ، سخن نگهدارى و ضدش سخن چينى ، نيكى به پدر و مادر و ضدش ‍ نافرمانى از آن دو، حقيقت و ضدش رياكارى ، كار نيك و ضدش كار ناپسند، خود پوشى و ضد آن خود آرايى ، تقيّه و ضدش بى پروايى ، انصاف و ضدش جانبدارى باطل ، خود آرايى براى شوهر و ضد آن زنا، پاكيزگى و ضد آن پليدى ، حيا و ضد آن بى حيايى ، ميانه روى و ضد آن تجاوز از حدّ، آسودگى و ضد آن خود را به رنج انداختن ، آسانى و ضد آن سختى ، بركت و ضد آن بى بركتى ، تندرستى و ضد آن گرفتارى ، اعتدال و ضد آن افزون طلبى ، حكمت و ضد آن پيروى هود، متانت و ضد آن جلفى ، سعادت و ضد آن شقاوت ، توبه و ضد آن اصرار بر گناه ، طلب آمرزش و ضد آن بيهوده طمع بستن ، مراقبت و ضد آن سهل انگارى ، دعا و ضد آن سرباز زدن ، خرّمى و ضد آن كسالت ، خوشدلى و ضد آن اندوه ، انس و ضد آن عصبانى شدن ، سخاوت و ضدش بخل .

تمام اين صفات كه لشكريان عقلند جز در پيغمبر يا جانشين او يا مؤمنى كه خدا دلش را به ايمان آزموده جمع نشود، و اما سايرين از دوستان ما، برخى از اينها را دارند تا تدريجا همه را دريابند، و از لشكريان جهل پرهيز كنند، در اين هنگام اينان در مقام اعلى با پيامبران و جانشينان آنان همراه شوند، و اين سعادت با شناخت عقل و لشكريانش و دورى از جهل و لشكريانش به دست آيد، خداوند ما و شما را در راه فرمانبردارى و جلب رضايتش موفق بدارد.

## فصل سوم : در بيان قلب

(الفصل الثالث فى ذكر القلب)

قال الله تعالى إِنَّ فِى ذلِكَ لَذِكْرى لِمَنْ كانَ لَهُ قَلْبٌ

خداوند متعال فرمود: (در اين (قدرت الهى) تذكرى است براى كسى كه قلب (عقل) دارد).

مِنَ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْقَلْبَ يَتَلَجْلَجُ فِى الْجَوْفِ يَطْلُبُ الْحَقَّ فَإِذَا أَصَابَهُ اطْمَأَنَّ وَ قَرَّ ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذِهِ الاْيَةَ فَمَنْ يُرِدِ اللّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ إِلَى قَوْلِهِ كَأَنَّما يَصَّعَّدُ فِى السَّماءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قلب در باطن انسان جولان مى كند و دنبال حق مى گردد، چون به حق رسيد مطمئن مى گردد و استقرار پيدا مى كند، سپس امام عليه‌السلام اين آيه را تلاوت فرمود: (پس هر كه را خدا بخواهد هدايت كند) تا (گويا مى خواهد به آسمان رود).

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤ ادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا قَالَ يُسْئَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ وَ الْبَصَرُ عَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ وَ الْفُؤَادُ عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام در تفسير آيه (همانا گوش و چشم و قلب ، همه اينها مورد سؤ ال واقع شوند) فرمود: از گوش در مورد آنچه شنيده و از چشم از آنچه ديده و از قلب در مورد تصميماتى كه گرفته سؤ ال مى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنَ الْخَطِيئَةِ إِنَّ الْقَلْبَ لَيُوَاقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ وَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ

امام صادق عليه‌السلام از پدر بزرگوارش نقل كند كه فرمود: هيچ چيز همچون گناه دل را آلوده نكند، قلب با گناه روبرو مى شود و اين روبرويى ادامه دارد تا گناه بر قلب پيروز شود، آنگاه قلب زيرورو مى گردد.

عَنْهُ قَالَ إِذَا الْتَقَيْتُمْ فَتَذَاكَرُوا فَإِنَّ ذَلِكَ حَيَاةٌ لِلْقُلُوبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه يك ديگر را ملاقات كرديد با همديگر مذاكره كنيد، مذاكره كردن مايه زنده نگهداشتن دل است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله فِى الْإِنْسَانِ مُضْغَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ إِذَا هِيَ سَقِمَتْ سَقِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ الْقَلْبُ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در آدمى پاره گوشتى است كه هر گاه سالم باشد تمام بدن سالم است ، و هر گاه بيمار شود تمام بدن بيمار گردد، و آن قلب است .

وَ قَالَ ثَلَاثٌ يُمِتْنَ الْقَلْبَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ وَ إِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه چيز دل را مى ميراند: شنيدن لهو، به دنبال شكار رفتن ، به در خانه سلطان رفتن .

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله أَرْبَعٌ يُفْسِدْنَ الْقَلْبَ وَ يُنْبِتْنَ النِّفَاقَ فِى الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الشَّجَرَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ الْبَذَاءُ وَ إِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چهار چيز قلب را فاسد و در آن نفاق را مى روياند، همان گونه كه آب درخت را مى روياند: شنيدن لهو و سخنان بيهوده ، ياوه سرايى ، و رفتن به در خانه سلطان و دنبال شكار رفتن .

وَ قَالَ أَرْبَعٌ يُمِتْنَ الْقَلْبَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَ كَثْرَةُ مُثَافَنَةِ النِّسَاءِ يَعْنِى مُحَادَثَتَهُنَّ وَ مُمَارَاةُ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَداً وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمَوْتَى قَالَ كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چهار چيز دل را مى ميراند: گناه روى گناه ، زياد حرف زدن و معاشرت كردن با زنان ، مجادله با احمق ، با او گفتگو كنى و او هرگز به سوى خير كشيده نشود، همنشينى با مردگان ، عرض ‍ شد: اى رسول خدا! مردگان كيانند؟ فرمود: هر ثروتمند خوش ‍ گذران .

وَ قَالَ مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِى طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از علامات شقاوت : خشك شدن چشم از اشك و سنگدلى ، و حريص بودن در طلب روزى ، و اصرار بر گناه است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ وَ إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًا وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: دلها خسته مى شوند همان گونه كه بدنها خسته مى شوند، تازه هاى حكمتها را براى آن طلب كنيد، دلها گاهى (به انسان) روى مى آورند، و گاهى پشت مى كنند، هر گاه روى آوردند آنها را با مستحبّات مشغول سازيد، و هر گاه پشت كردند به واجبات اكتفا كنيد.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنَ الْخَطِيئَةِ إِنَّ الْقَلْبَ لَيُوَاقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ وَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَه

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هيچ چيز فاسدكننده تر براى قلب از گناه نيست ، زيرا قلب با گناه مواجه مى شود، و با آن درگير است تا مغلوب آن گردد، در اين هنگام قلب زير و زبر مى شود.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا أَذْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ فِى قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ فَاسْتَغْفَرَ صُقِلَ قَلْبُهُ مِنْهَا وَ إِنْ زَادَ فَذَلِكَ الرَّيْنُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِى كِتَابِهِ كَلاّ بَلْ رانَ عَلى قُلُوبِهِمْ ما كانُوا يَكْسِبُونَ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه انسان گناه كند نقطه سياهى در دل او پيدا مى شود، اگر توبه كند و استغفار نمايد دلش از آن پاك گردد، و اگر گناهش اضافه شود آن نقطه نيز بيشتر گردد، و اين همان رين (زنگارى) است كه خداى متعالى در كتابش فرموده : (نه اين چنين است كه مى پندارند، بلكه اعمالشان چون زنگارى بر دلهايشان نشسته).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اشكها خشك نشد مگر به واسطه قساوت دلها، و دلها سخت نگشت جز به وسيله بسيارى گناهان .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَ مَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: براى هر چيزى معدنى است ، و معدن تقوا دلهاى عارفين است .

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ جَالِسِ الْعُلَمَاءَ وَ زَاحِمْهُمْ بِرُكْبَتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحْيِى الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِى الْأَرْضَ مِنْ مَاءِ السَّمَاءِ

لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم ، با علما تنگاتنگ همنشين شو، و با آنها محشور باش ، زيرا خداى عزّ و جلّ دلها را به نور حكمت زنده مى كند، همان گونه كه زمين را از آب زنده مى دارد.

حَدَّثَنَا الْفَقِيهُ مُوَفَّقُ الدِّينِ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصُّوفِيُّ السَّرْوِيُّ عَنْ شُيُوخِهِ عَنِ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ قَالَ أَجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ وَ أَعْرُوا صُوَرَكُمْ وَ أَشْعِثُوا رُءُوسَكُمْ وَ صُبُّوا عَلَيْكُمْ جِلْبَابَ الْحَزَنِ وَ جَالِسُوا النَّاسَ قَلِيلًا وَ مَعَ اللَّهِ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ الْحَقَّ بِقُلُوبِكُمْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: جگرهاى خود را گرسنه نگه داريد، و صورتهاى خود را برهنه داريد، و موهاى خود را ژوليده كنيد، و لباس اندوه بپوشيد، و با مردم كم نشينيد و با خدا بسيار، شايد حق را با دلهايتان ببينيد.

مِنْ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيَا فِيهِ أُمُورُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: هر كس در مجلسى حاضر شود كه در آن فضائل ما بيان مى شود، دلش نخواهد مرد؛ در آن روزى كه دلها خواهند مرد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنَ الْقَصْدِ إِلَيْهِ بِالْبَدَنِ وَ حَرَكَاتُ الْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ حَرَكَاتِ الْأَعْمَالِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: توجه به خدا به وسيله دلها رساتر از توجه به خدا توسط بدن است ، و حركات دلها از حركات عملها رساتر است .

## فصل چهارم : در تنهايى و گوشه گيرى

(الفصل الرابع فى الخلوة و العزلة و ما يليق بهما)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الْعُزْلَةُ عِبَادَةٌ وَ إِنَّ أَقَلَّ الْعَيْبِ عَلَى الْمَرْءِ قُعُودُهُ فِى مَنْزِلِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: گوشه گيرى عبادت است ، و كمترين عيب يك انسان نشستن او در منزلش مى باشد.

عَنْهُ قَالَ مَا كَانَ عَبْدٌ لِيَحْبِسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر بنده اى كه نفس خويش را براى خدا زندانى نمايد، خداوند او را وارد بهشت نمايد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِى إِسْرَائِيلَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَلْقَانِى غَداً فِى حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فَكُنْ فِى الدُّنْيَا وَحِيداً غَرِيباً مَهْمُوماً مَحْزُوناً مُسْتَوْحِشاً مِنَ النَّاسِ بِمَنْزِلَةِ الطَّيْرِ الَّذِى يَطِيرُ فِى أَرْضِ الْقِفَارِ وَ يَأْكُلُ مِنْ رُءُوسِ الْأَشْجَارِ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْعُيُونِ فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَوَى وَحْدَهُ وَ لَمْ يَأْوِ مَعَ الطُّيُورِ اسْتَأْنَسَ بِرَبِّهِ وَ اسْتَوْحَشَ مِنَ الطُّيُورِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى به پيامبرى از پيامبران بنى اسرائيل وحى فرمود: اگر دوست دارى فرداى قيامت مرا در حظيرة القدس ببينى ، در دنيا تنها و اندوهگين و غمناك باش ، و از مردم بترس همانند پرنده اى كه در زمينى خشك پرواز مى كند و سر شاخ درختان را مى خورد و از آب چشمه ها مى نوشد، هنگام شب تنها به لانه اش پناه مى برد، و به ساير پرندگان پناهنده نمى شود، با پروردگارش مأ نوس و از ساير پرندگان وحشت دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَتْعِبِى مَنْ خَدَمَكِ وَ اخْدُمِى مَنْ رَفَضَكِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِى جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ نَاجَاهُ أَثْبَتَ اللَّهُ النُّورَ فِى قَلْبِهِ فَإِذَا قَالَ يَا رَبِّ نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ لَبَّيْكَ عَبْدِى سَلْنِى أُعْطِكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ مَلَائِكَتِى انْظُرُوا إِلَى عَبْدِى قَدْ تَخَلَّى بِى فِى جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ الْبَطَّالُونَ لَاهُونَ وَ الْغَافِلُونَ يَنَامُونَ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ ثُمَّ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ ازْهَدُوا فِى هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةِ فِيكُمْ فَإِنَّهَا غَدَّارَةٌ دَارُ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ كَمْ مِنْ مُغْتَرٍّ بِهَا قَدْ أَهْلَكَتْهُ وَ كَمْ مِنْ وَاثِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ وَ كَمْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَ أَسْلَمَتْهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَمَامَكُمْ طَرِيقاً مَهُولًا وَ سَفَراً بَعِيداً وَ مَمَرَّكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَ سَافَرَ عَطِبَ وَ هَلَكَ وَ خَيْرُ الزّادِ التَّقْوى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند جلّ جلاله به دنيا وحى فرمود: هر كس به تو خدمت كرد او را به سختى بيانداز، و هر كه تو را ترك كرد به او خدمت نما، هر گاه بنده با مولايش در دل سياه شب خلوت كند و او را بخواند، خداوند نورى در دلش پديد آورد، هر گاه بگويد: پروردگارا! آن با عظمت و شكوه پاسخش دهد: شنيدم بنده من ، حال هر چه از من مى خواهى طلب كن تا عطايت كنم ، و بر من توكّل كن تا تو را كفايت كنم ، سپس به فرشتگان مى فرمايد: اى ملائكه من ، به بنده ام توجه كنيد كه در دل سياه شب با من خلوت كرده ، در حالى كه بى كار و ولگردها وقت خود را به لهو مى گذرانند و غافلان در خوابند، گواه باشيد كه من او را آمرزيدم .

سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از خدا بترسيد و مشغول عبادت باشيد، و از دنيايى كه به شما بى ميل است كناره گيريد، دنيايى كه فريب دهنده و خانه اى گذرا و زوال پذير است ، چه گول خورنده هايى كه به وسيله آن به هلاكت افتادند، و چه اطمينان كنندگان به دنيا كه به آنان خيانت كرد، و چه اعتمادكنندگان بر دنيا كه مورد نيرنگ آن قرار گرفتند و دنيا آنان را به زانو در آورد، بدانيد كه پيش روى شما راهى بس هولناك و سفرى دور است و عبورتان از پل صراط است ، و مسافر بايد زاد و توشه برگيرد، هر كه بى زاد و توشه سفر كند به سختى افتد و هلاك گردد، و بهترين توشه اين راه تقوى است .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام بِرَجُلٍ وَ هُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَ لَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فِى الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: حضرت سجاد عليه‌السلام به مردى برخورد كه دعا مى كرد، خدا به او صبر دهد، حضرت فرمود: اين گونه نگو، بلكه از خدا سلامتى و توفيق شكر بر سلامتى بخواه ، زيرا شكر بر سلامت بهتر از صبر بر گرفتارى است ، پيامبر خدا اين گونه دعا مى فرمود: «خدايا من از تو سلامت و شكر بر سلامت مى طلبم ، و سلامت كامل در دنيا و آخرت».

مِنْ كِتَابِ النُّبُوَّةِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ سَلَامٍ سَأَلَ النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ عَنْ شُعَيْبٍ فَقَالَ النَّبِيُّ هُوَ الَّذِى بَشَّرَ بِى وَ بِأَخِى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فَقَالَ جَلَّ جَلَالُهُ لِشُعَيْبٍ قُمْ فِى قَوْمِكَ فَأَوْحِ عَلَى لِسَانِكَ فَلَمَّا قَامَ شُعَيْبٌ أَنْطَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى لِسَانِهِ بِالْوَحْيِ وَ مِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمَّةِ شُعَيْبٍ كَيْفَ دُعَاؤُهُمْ وَ إِنَّمَا هُوَ قَوْلٌ بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ الْعَمَلُ مِنْ ذَلِكَ بَعِيدٌ وَ إِنِّى قَضَيْتُ يَوْمَ خَلَقْتُ السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ أَنْ أَجْعَلَ النُّبُوَّةَ فِى الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنْ أُحَوِّلَ الْمُلْكَ فِى الدُّعَاءِ الدُّعَاةِ وَ الْعِزَّ فِى الْأَذِلَّاءِ وَ الْقُوَّةَ فِى الضُّعَفَاءِ وَ الْغِنَى فِى الْفُقَرَاءِ

عبد اللّه بن سلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در باره شعيب نبى پرسيد، حضرت فرمود: او همان كسى است كه به رسالت من و برادرم عيسى بن مريم بشارت داد، خداوند به شعيب فرمود: در ميان قومت قيام كن و با زبان خودت با آنان سخن بگو، هنگامى كه شعيب قيام كرد خداوند عزّ و جلّ او را گويا كرد تا زبانش با مردم سخن گويد.

يكى از سخنان خداى عزّ و جلّ به امت شعيب اين بود: چگونه دعا مى كنند، در حالى كه اين فقط سخن زبانشان است و از عمل به دور است ، و من روزى كه آسمان و زمين را خلق كردم نبوت را در انبياء قرار دادم و (لكن) به وسيله دعا ملك را تغيير دادم ، و عزّت را در افراد ناتوان ، و قوّت را در ضعيفان ، و بى نيازى را در فقرا قرار دادم .

## فصل پنجم : در حقيقتها و نجابت

(الفصل الخامس فى الحقائق و النجابة)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِى أَرْبَعٍ أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِى أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّالِثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من دانش مردم را در چهار چيز يافتم : اول آنها اينكه خدايت را بشناسى ، دوم اينكه بدانى با تو چه كرده ، و سوم اينكه بدانى از تو چه مى خواهد، و چهارم اينكه بدانى چه چيز تو را از دينت خارج مى كند.

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا صَامُوا وَ لَا صَلُّوا وَ لَكِنَّهُمْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَاماً وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَاتَّبَعُوهُ

امام صادق عليه‌السلام در باره قول خداى عزّ و جلّ: (آنان دانشمندان و راهبان خود را معبودهايى در مقابل خدا قرار دادند) فرمود: به خدا سوگند، (براى آنان) نماز نخواندند و روزه نگرفتند، لكن بر ايشان حرام را حلال و حلال را حرام كردند و پيرويشان نمودند.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام لَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيجَةً أَ فَلَا تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ وَ قَرَابَةٍ وَ وَلِيجَةٍ وَ بِدْعَةٍ وَ سُنَّةٍ وَ شُبْهَةٍ مُنْقَطِعٌ مُضْمَحِلٌّ كَمَا يَضْمَحِلُّ الْغُبَارُ الَّذِى يَكُونُ عَلَى الْحَجَرِ الصَّلْدِ إِذَا أَصَابَهُ الْمَطَرُ الْجَوْدُ إِلَّا مَا أَثْبَتَهُ الْقُرْآنُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: غير خدا را براى خود تكيه گاه و محرم راز نگيريد، مگر شما مؤمن نيستيد؟ زيرا هر وسيله و نسبتى و هر خويشى و محرم راز و بدعت و سنّت و شبهه اى منقطع و بى اثر است ، مانند غبارى كه روى سنگ صاف نشسته و بارانى شفّاف آن را بر طرف مى كند، به جز آنچه را قرآن اثبات كرده باشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِى عُمَيْرٍ يَرْفَعُهُ قَالَ قِيلَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَا رُوحَ اللَّهِ هَلْ يَقْدِرُ رَبُّكَ عَلَى أَنْ يُدْخِلَ الدُّنْيَا فِى بَيْضَةٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُصَغِّرَ الدُّنْيَا وَ يُكَبِّرَ الْبَيْضَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُنْسَبُ إِلَى عَجْزٍ وَ الَّذِى سَأَلْتُمْ عَنْهُ لَا يَكُونُ

محمّد بن ابى عمير نقل كند: به عيسى بن مريم گفته شد: اى روح خدا! آيا پروردگارت قادر است كه دنيا را در تخم مرغى جاى دهد، بدون اينكه دنيا را كوچك يا تخم مرغ را بزرگ كند؟ فرمود: خداى عزّ و جلّ از هيچ كارى ناتوان نيست ، ولى آنچه شما مى خواهيد نشدنى است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ دِيكاً رِجْلَاهُ فِى الْأَرْضِ وَ رَأْسُهُ فِى السَّمَاءِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ جَنَاحٌ لَهُ فِى الشَّرْقِ وَ جَنَاحٌ لَهُ فِى الْغَرْبِ يَقُولُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْقُدُّوسِ فَإِذَا صَاحَ أَجَابَتْهُ الدُّيُوكُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ أَصْوَاتَهَا فَلْيَقُلْ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند خروسى دارد كه دو پايش در زمين و سرش در آسمان زير عرش خداست ، يك بال او در مشرق و بال ديگريش در مغرب است ، مى گويد:

پروردگارم منزّه و مقدّس است ، هر گاه فرياد مى زند خروسهاى ديگر نيز جوابش را مى دهند، هر گاه يكى از شما صدايش را شنيد، بگويد: پروردگارم منزّه است ، پادشاهى مقدس است .

عَنْهُ قَالَ النَّاسُ مَأْمُورُونَ وَ مَنْهِيُّونَ وَ مَنْ كَانَ لَهُ عُذْرٌ عَذَرَهُ اللَّهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم مورد امر و نهيند، هر كه (در انجام عملى) عذرى داشت خداوند عذرش را مى پذيرد.

عَنْهُ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَاباً فَهُوَ مُنْجِزٌ لَهُ وَ مَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَاباً فَهُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند به هر بنده اى كه در برابر عملى وعده ثواب داده باشد به آن عمل نمايد، و هر كه را بر عملى به عقاب وعده داده باشد، در عمل كردن به آن مخيّر است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الشَّقَاءَ وَ السَّعَادَةَ قَبْلَ خَلْقِهِ فَمَنْ كَانَ شَقِيّاً لَمْ يُسْعِدْهُ اللَّهُ أَبَداً وَ مَنْ كَانَ سَعِيداً لَمْ يُشْقِهِ اللَّهُ أَبَداً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى تبارك و تعالى بدبختى و خوشبختى را قبل از مخلوقاتش آفريد، هر كس شقى باشد خداوند هرگز خوشبختش نكند، و هر كس سعادتمند باشد هرگز او را شقى نكند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ شِرْكِ الشَّيْطَانِ فَقَالَ مَهْمَا شَكَكْتَ فِيهِ فَلَا تَشُكَّنَّ فِى النَّاقِصِ الْخَلْقِ

على بن مغيره گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره شريك شدن با شيطان پرسيدم ، فرمود:

هر گاه شك كردى در شركت شيطان ، در (فرزند) ناقص الخلقه شك نكن (كه حتما شيطان در آن شركت داشته).

عَنْهُ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَنْ كَانَ بَذِيَّ اللِّسَانِ فَحَّاشاً لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ أَوْ قِيلَ فِيهِ فَإِنَّهُ لِغَيَّةٍ أَوْ شِرْكِ الشَّيْطَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بد زبان و فحّاش باشد باكى ندارد كه چه مى گويد يا در باره اش چه گفته مى شود، زيرا نامشروع زاده است يا شيطان در آن شريك است .

و اللغية الرجل الشديد الا كل عَنْهُعليه‌السلام قَالَ النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مَا كَانَ لَهُ فِى الْجَاهِلِيَّةِ أَصْلٌ فَإِنَّهُ لَهُ فِى الْإِسْلَامِ أَصْلٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردم معدنهايى مثل معدنهاى طلا و نقره اند، در زمان جاهليت براى اين معدن اساس و پايه اى نبود، ولى در اسلام داراى اساس و پايه است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَعليه‌السلام حِينَ دَخَلَا عَلَى فِرْعَوْنَ لَمْ يَكُنْ فِى جُلَسَائِهِ يَوْمَئِذٍ وَلَدُ سِفَاحٍ وَ لَوْ كَانَ لَأَمَرُوهُ بِقَتْلِهِمَا قَالُوا أَرْجِهْ وَ أَخَاهُ وَ أَمَرُوهُ بِالتَّأَنِّى وَ النَّظَرِ قَالَ ثُمَّ وَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ وَ كَذَلِكَ نَحْنُ وَ لَا يَتَسَرَّعُ إِلَيْنَا إِلَّا كُلُّ خَبِيثِ الْوِلَادَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه موسى و هارون بر فرعون وارد شدند، در ميان همنشينان او زنازاده اى نبود، و اگر بود حكم به كشتن موسى و هارون مى دادند، از اين جهت گفتند: او را با برادرش حفظ كنيد، و فرعون را به تأ مّل و تدبّر (در باره آنها) واداشتند.

در اينجا امام صادق عليه‌السلام دستش را بر سينه نهاد و فرمود: ما نيز اين چنين هستيم ، هيچ كس در كشتن ما تعجيل ندارد مگر اينكه زنازاده باشد.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِيَّاكَ وَ الْمُرْتَقَى الصَّعْبَ إِذَا كَانَ مُنْحَدَرُهُ وَعْراً وَ إِيَّاكَ أَنْ تُتْبِعَ النَّفْسَ هَوَاهَا فَإِنَّ فِى هَوَاهَا رَدَاهَا

امام رضا عليه‌السلام فرمود: از رفتن به جاهاى بلند و سخت كه شيب دارد و صاف است بپرهيز، و از پيروى از هواى نفس بپرهيز، زيرا پيروى از آن پستى به دنبال دارد.

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونَ ذَلِيلًا وَ لَا يَكُونُ ضَعِيفاً

امام رضا عليه‌السلام فرمود: مؤمن نه خوار و ذليل است و نه ضعيف .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ فِى قَوْلِهِ تَعَالَى قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ قُلْتُ كَيْفَ أَقِيهِمْ قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ

ابو بصير گويد: از امام صادق عليه‌السلام در باره قول خداى تعالى (خود و خانواده تان را حفظ كنيد) پرسيدم ، كه چگونه آنان را حفظ كنم ؟ فرمود: آنان را به آنچه خدا امر فرموده امر كن و از آنچه نهى فرموده نهى كن ، اگر اطاعت كردند تو آنها را حفظ كرده اى ، و اگر نافرمانيت كردند تو وظيفه ات را انجام داده اى . عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الاْيَةُ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِى فَقَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِى كُلِّفْتُ أَهْلِى فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه اين آيه نازل شد (خودتان و خانواده تان را از دوزخ حفظ كنيد) مردى از مسلمانان نشست و شروع به گريه كرد و گفت : من از حفظ خودم عاجزم ، خانواده ام را هم بر عهده من گذاشتند! رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: براى تو همين بس كه به آنچه خودت امرشده اى امرشان كنى ، و از آنچه خودت نهى شده اى نهيشان كنى .

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَعِظُ أَهْلَهُ وَ نِسَاءَهُ وَ هُوَ يَقُولُ لَهُنَّ لَا تَقُلْنَ فِى سُجُودِكُنَّ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِ تَسْبِيحَاتٍ فَإِنْ كُنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ لَمْ يَكُنْ أَحْسَنَ عَمَلًا مِنْكُنَّ

اسحاق بن عمّار گويد: شنيدم كه امام صادق عليه‌السلام خانواده و زنهايش را موعظه مى كند و به آنها مى فرمايد: در سجده هايتان كمتر از سه تسبيح نگوييد، اگر چنين كنيد، عملى بهتر از عمل شما نخواهد بود.

## فصل ششم : در آسايش

(الفصل السادس فى الرفاهية)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا يُحَاسَبُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ وَ ثَوْبٌ يَلْبَسُهُ وَ زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعَاوِنُهُ وَ تُحْصِنُ فَرْجَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن در باره سه چيز مورد محاسبه قرار نمى گيرد: غذايى كه مى خورد، لباسى كه مى پوشد، زن صالحه اى كه كمكش ‍ مى كند و دامنش را پاك نگه مى دارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِى عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ وَ بِنْتٌ أَوْ أُخْتٌ أَخْرَجَهَا مِنْ بَيْتِهِ بِمَوْتٍ أَوْ تَزْوِيجٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن در سه چيز راحت است : خانه بزرگى كه ناموسش و بدى حالش را از مردم حفظ كند، زن صالحه اى كه بر امر دنيا و آخرت كمك كارش باشد، دختر يا خواهرى كه او را به مرگ يا ازدواج از خانه اش بيرون برد.

عَنِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَصْبَحَ مُعَافاً فِى سَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ عَقْلِهِ آمِناً فِى سَرْبِهِ مِنَ السُّلْطَانِ وَ لَهُ رِزْقُ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ فَقَدْ أُعْطِيَ خير خَيْراً مِمَّا أَشْرَقَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس وارد صبح شود در حالى كه چشم و گوش و عقلش سالم باشد، و از سلطان وقت در امان باشد، و روزى صبح تا شبش مهيّا باشد، به اين شخص بهتر از آنچه خورشيد بر آن بتابد و غروب كند عطا شده است .

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِى لَيْلَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ أَنَّهُ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِى الْحَسَنِ أَيَّامَ حَبْسِهِ بِبَغْدَادَ وَ كَانَ لِى شَعْرٌ فَقَالَ جُزَّ شَعْرَكَ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَتَرَكَهُنَّ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِنَّ أَبَداً مَنْ كَانَ لَهُ شَعْرٌ فَطَمَّهُ لَمْ يَعُدْ يُوَفِّرُ شَعْرَهُ أَبَداً لِمَا يُصِيبُ مِنَ اللَّذَّةِ وَ الرَّاحَةِ وَ مَنْ كَانَ يَلْبَسُ ثَوْباً طَوِيلًا فَشَمَّرَ لَمْ يَعُدْ يَلْبَسُ ثَوْباً طَوِيلًا لِمَا يَجِدُ مِنَ الرَّاحَةِ وَ مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ حُرَّةٌ فَطَلَّقَهَا وَ اتَّخَذَ الْإِمَاءَ لَمْ يَعُدْ إِلَى حُرَّةٍ أَبَداً لِخِفَّةِ مَئُونَةِ الْإِمَاءِ وَ مُتَابَعَتِهِنَّ فِى جَمِيعِ الْحَالاتِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ وَ ثِيابَكَ فَطَهِّرْ وَ كَانَتْ ثِيَابُهُ طَاهِرَةً وَ إِنَّمَا أَمَرَهُ بِالتَّشْمِيرِ

عبد الرحمن بن ابى ليلى گويد: با امام كاظم عليه‌السلام در زندان بودم ، مويم بلند بود، فرمود:مويت را كوتاه كن ، سپس فرمود: سه خصلت است كه اگر در كسى باشد و آنها را ترك كند، ديگر به سراغشان نرود: كسى كه موى بلند داشته و آن را كوتاه كند، ديگر موهاى خود را بلند نكند به خاطر لذّت و راحتى (كه در موى كوتاه هست)، و هر كس لباس بلندى بپوشد، بعد پايين آن را كوتاه كند، هرگز لباس بلند نخواهد پوشيد، به دليل راحتى ، و هر كه زن آزادش را طلاق دهد و كنيزى بگيرد، ديگر آن زن آزاد را نخواهد گرفت ، و اين به خاطر كم خرج بودن كنيزها و پيروى كردنشان در همه حال مى باشد.

حضرت فرمود: خداوند عزّ و جلّ به پيامبرش صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: (و لباست را پاكيزه گردان) در حالى كه لباس ايشان طاهر بود، و فقط ايشان را امر به كوتاه نمودن لباس كرد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتْجَرُهُ فِى بِلَادِهِ وَ يَكُونَ خُلَطَاؤُهُ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ وَ مِنْ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ يُعْجَبُ بِهَا وَ هِيَ تَخُونُهُ فِى نَفْسِهَا

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: از خوشبختى انسان اين است كه محل كسبش در شهرش باشد، و رفقايش افراد صالح باشند، و فرزندى داشته باشد كه كمكش كند، و از بدبختى انسان اين است كه زنى داشته باشد كه به او مباهات مى كند، در حالى كه آن زن در نفسش به او خيانت مى ورزد.

قَالَ عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ لِلنَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنِّى قَدْ هَمَمْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَنْ أَخْتَصِيَ فَقَالَ مَهْلًا يَا عُثْمَانُ فَإِنَّ الِاخْتِصَاءَ فِى أُمَّتِى الصِّيَامُ وَ الصَّلَاةُ قَالَ فَإِنِّى قَدْ هَمَمْتُ بِالسِّيَاحَةِ فَقَالَ مَهْلًا يَا عُثْمَانُ فَإِنَّ السِّيَاحَةَ فِى أُمَّتِى لُزُومُ الْمَسَاجِدِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ قَالَ فَإِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ لَا آكُلَ لَحْماً فَقَالَ مَهْلًا يَا عُثْمَانُ فَإِنِّى آكُلُ اللَّحْمَ وَ أُحِبُّهُ وَ لَوْ وَجَدْتُ كُلَّ يَوْمٍ لَأَكَلْتُهُ وَ لَوْ سَأَلْتُ اللَّهَ لَأَطْعَمَنِيهِ قَالَ فَإِنِّى يَا نَبِيَّ اللَّهِ بِأَبِى أَنْتَ وَ أُمِّى قَدْ هَمَمْتُ أَنْ لَا أَتَطَيَّبَ أَبَداً قَالَ مَهْلًا يَا عُثْمَانُ فَإِنِّى أَتَطَيَّبُ وَ أُحِبُّ الطِّيبَ الطِّيبُ مِنْ سُنَّتِى وَ سُنَّةِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِى

عثمان بن مظعون به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى رسول خدا! من قصد كرده ام خود را از مردى بياندازم ، فرمود: اى عثمان ! آرام باش ، اخته كردن در امت من به روزه گرفتن و نماز خواندن است . عرض كرد: من به گردش خيلى اهميّت مى دهم ، فرمود: اى عثمان ! صبر كن ، گردش امت من حضور هميشگى در مسجدها و انتظار كشيدن نماز بعد از نماز است ، گفت : من قصد كرده ام كه ديگر گوشت نخورم . فرمود: اى عثمان ! مهلت بده ، من گوشت مى خورم و آن را دوست دارم و اگر هر روز هم آن را بيابم خواهم خورد، و اگر هم از خدا بخواهم به من مى خوراند، گفت : اى پيامبر خدا! پدر و مادرم قربانت ، من قصد كرده ام كه ديگر عطر نزنم . فرمود: اى عثمان ! تأمل كن ، من خود را معطّر مى كنم و بوى خوش را دوست دارم ، بوى خوش از سنّت من و سنّت پيامبران قبل از من است .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنِ اتَّخَذَ شَعْراً فَلْيُحْسِنْ وِلَايَتَهُ أَوْ ليحزه لِيَجُزَّهُ وَ مَنِ اتَّخَذَ نَعْلًا فَلْيَسْتَجِدْهَا وَ مَنِ اتَّخَذَ دَابَّةً فَلْيَسْتَفْرِهْهَا وَ مَنِ اتَّخَذَ ثَوْباً فَلْيَسْتَنْظِفْهُ أَوْ لِيَسْتَجِدَّ أَيْ فَلْيَأْخُذْ جَدِيداً

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس مويش را بلند گذاشت بايد آن را تميز نگهدارد يا كوتاهش كند، و هر كس كفشى خريد بايد آن را تميز نگهدارد، يا كفش نو بخرد، و هر كس حيوانى نگهدارى مى كند بايد نيكو مواظبتش كند تا فربه شود، و هر كس جامه اى تهيه نمود بايد آن را پاكيزه نگهدارد، يا جامه اى نو بخرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ النَّائِمُونَ أَكْثَرَ مِنَ الْمُنْتَبِهِينَ خَرَجَ عَنْهُمُ الْمُنْتَبِهُونَ أَكْثَرَ مِمَّا خَرَجَ عَنْهُمُ النَّائِمُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه خوابيدگان بيش از بيداران باشند، خوابيدگان بيشتر از آگاهان و بيداران به آگاهى مى رسند.

## فصل هفتم : در مذمّت دنيا

(الفصل السابع فى ذم الدنيا)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ فِى وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ عُمُرَكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ وَ يَقِرُّ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: لقمان در وصيتى به فرزندش فرمود: فرزندم ! بدان كه دنيا كوتاه است و عمر تو اندك ، بنا بر اين از اندك فقط اندك حاصل مى شود.

عَنْ مُهَاجِرٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَ طَيْرُهَا وَ دَوَابُّهَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسَخْطَةٍ وَ لَوْ مَاتُوا مُتَفَرِّقِينَ لَتَدَافَنُوا فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَنَجْتَنِبَهَا فَدَعَا عِيسَى رَبَّهُ فَنُودِيَ مِنَ الْجَوِّ أَنْ نَادِهِمْ فَقَامَ عِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِاللَّيْلِ عَلَى شَرَفٍ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ فَقَالَ وَيْحَكُمْ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالَ عِبَادَةُ الطَّاغُوتِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ وَ أَمَلٍ بَعِيدٍ فِى غَفْلَةٍ وَ لَهْوٍ وَ لَعِبٍ قَالَ كَيْفَ حُبُّكُمُ الدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَ سُرِرْنَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَ حَزِنَّا قَالَ كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاغُوتِ قَالَ الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِى قَالَ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ قَالَ بِتْنَا لَيْلَةً فِى عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِى الْهَاوِيَةِ قَالَ وَ مَا الْهَاوِيَةُ قَالَ سِجِّينٌ قَالَ وَ مَا السِّجِّينُ قَالَ جِبَالٌ مِنْ جَمْرٍ تُوقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَمَا قُلْتُمْ وَ مَا قِيلَ لَكُمْ قَالَ قُلْنَا رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَنَزْهَدَ فِيهَا فَقِيلَ لَنَا كَذَبْتُمْ قَالَ وَيْحَكَ كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِى غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلُجُمٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِى مَلَائِكَةٍ غِلَاظٍ شِدَادٍ وَ إِنِّى كُنْتُ فِيهِمْ وَ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ عَمَّنِى مَعَهُمْ فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَا أَدْرِى أُكَبْكَبُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا فَالْتَفَتَ عِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَكْلُ الْخُبْزِ الْيَابِسِ بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَ النَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: عيسى بن مريم عليهم‌السلام از آباديى عبور مى كرد كه مردم آن و پرندگان و حيواناتش همگى مرده بودند، عيسى عليه‌السلام فرمود: اينها نمرده اند مگر به غضب خدا، و اگر يكى يكى مرده بودند همديگر را دفن مى كردند، حواريون گفتند: اى روح اللّه ! از خدا بخواه آنان را براى ما زنده كند، تا با ما از اعمالشان سخن بگويند، و ما از آن عملها دورى كنيم ، عيسى پروردگارش را خواند، ندايى از آسمان گفت : آنان را صدا بزن ، عيسى عليهم‌السلام شب هنگام برخاست و روى بلندى رفت و گفت : اى كسانى كه اهل اين آبادى هستيد، كسى از بين آنان جوابش ‍ داد: بفرماييد اى روح خدا.

فرمود: واى بر شما! عملهاى شما چه بوده است ؟ گفت : پرستش طاغوت و دوستى دنيا با كمى ترس (از خدا) و آرزويى دور و دراز، فرو رفته در غفلت و لهو و لعب ، فرمود:

دنيا را چگونه دوست داشتيد؟ گفت : مانند دوست داشتن طفل نسبت به مادرش ، هر گاه به ما روى مى نمود شاد و مسرور مى شديم ، و هر گاه پشت مى كرد گريه مى كرديم و غمناك مى شديم ، فرمود: چگونه طاغوت را مى پرستيديد؟ گفت : با پيروى از گنهكاران ، فرمود: عاقبت كارتان چه شد؟ گفت : شب در سلامت خوابيديم و صبح خود را در هاويه ديديم . فرمود: هاويه چيست ؟ گفت : سجّين است ، فرمود: سجّين چيست ؟

گفت : كوههايى از آتش كه تا روز قيامت بر ما گداخته مى شوند، فرمود: شما چه گفتيد و به شما چه گفته شد؟ گفت : گفتيم ما را به دنيا بر گردانيد تا در آن پرهيزگارى پيشه كنيم ، به ما گفته شد: دروغ گفتيد، فرمود: واى بر تو! چرا از ميان آنان فقط تو با من سخن مى گويى ؟ گفت : اى روح خدا! آنان لگامهاى آتشين در دهان دارند و در دست ملائك غلاظ و شداد اسيرند، و من در بين آنهايم ولى جزء آنها نمى باشم ، ولى چون عذاب فرود آمد مرا هم با آنان در بر گرفت ، و من اكنون به مويى از لبه جهنم آويزان شده ام ، نمى دانم در آن فرود خواهم آمد، يا از آن نجات پيدا مى كنم ؟ عيسى عليهم‌السلام رو به اصحابش كرد و فرمود: اى اولياى خدا! خوردن نان خشك با نمك زبر و خوابيدن در زباله دان اگر به همراه سلامت دنيا و آخرت باشد بهترين سعادت است .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ سُبْحَانَ مَنْ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا خَيْراً كُلُّهَا لَمَا ابْتَلَى فِيهَا مَنْ أَحَبَّ سُبْحَانَ مَنْ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا كُلُّهَا شَرّاً لَمَا نَجَا مِنْهَا مَنْ أَرَادَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: منزّه است خدايى كه ؛ اگر تمامى دنيا خير بود كسى را كه دوست داشت در آن گرفتار نمى نمود، و اگر تمامش شرّ بود هر كه را مى خواست از آن نجات نمى داد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِى بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِى بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدَ فِى الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: همه بدى در اطاقى نهاده شده و كليدش ‍ محبت دنياست ، و تمامى خير در خانه اى قرار داده شده و كليدش زهد در دنياست .

عَنْهُ قَالَ نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ هَذِهِ بَطْحَاءُ مَكَّةَ تَكُونُ لَكَ رَضْرَاضُهُ ذَهَبٌ وَ لَا تَنْقُصُ مِمَّا ادَّخَرْتُ لَكَ شَيْئاً قَالَ فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْبَطْحَاءِ فَقَالَ لَا يَا رَبِّ وَ لَكِنْ أَشْبَعُ يَوْماً فَأَحْمَدُكَ وَ أَجُوعُ يَوْماً فَأَسْأَلُكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جبرئيل بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد و عرض كرد: خدايت سلام مى رساند و مى فرمايد: ريگزارهاى مكه را برايت تبديل به تكه هاى طلا مى كنم و از مقامات اخروى هم چيزى كم نمى كنم ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نگاهى به بيابان كرد و عرض ‍ كرد: پروردگارا! اگر روزى سير باشم تو را سپاس گويم ، و اگر روزى گرسنه باشم از خودت مى خواهم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا لِى وَ لِلدُّنْيَا وَ مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِى وَ مَثَلُهَا كَمَثَلِ رَاكِبٍ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِى يَوْمٍ صَائِفٍ فَنَامَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: مرا چه به دنيا و من با دنيا چه كار دارم ، حكايت من و دنيا حكايت سوارى است كه در روزى گرم به درختى برخورد، و زير سايه آن درخت خواب كوتاهى نموده ، سپس كوچ كرده و درخت را واگذاشته .

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ فِى كِتَابِ عَلِيٍّ إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا وَ فِى جَوْفِهَا السَّمُّ النَّاقِعُ يَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَ يَهْوِى إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در كتاب على عليه‌السلام است كه : حكايت دنيا حكايت مارى است كه به نرمى لمس مى شود ولى درونش ‍ زهرى كشنده است ، مرد عاقل از آن بپرهيزد، و كودك نادان به سويش ‍ گرايد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفّاً كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمّاً

امام صادق عليه‌السلام از حضرت باقر عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: حكايت شخص حريص بر دنيا، حكايت كرم ابريشمى است كه هر چه به دور خود پيله مى پيچد خارج شدنش از آن سخت تر مى شود، تا بالاخره از غصه مى ميرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِى وَ مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ لَهَا فَيْءٌ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَهَا فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ وَ ذَهَبَ وَ تَرَكَهَا

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: مرا چه با دنيا، حكايت من و دنيا حكايت سوارى است كه به درختى مى رسد و زير سايه اش استراحت مى كند، و چون سايه اش بر طرف شد از آنجا كوچ كند و درخت را ترك گويد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ شَتَّتَ أَمْرَهُ وَ لَمْ يَنَلْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الاْخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِى قَلْبِهِ وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس شب را به صبح و صبحى را به شب برساند و تمام همّ و غمش دنيا باشد، خداوند فقر را بر او مسلط نمايد و كارش را پريشان سازد، و جز به آنچه خدا روزيش نموده نرسد، و هر كه شب را به صبح و صبح را به شب رساند و تمام همّ و غمش آخرت باشد، خداوند بى نيازى را در دلش اندازد و كارش را مرتب كند.

عَنْهُ قَالَ لَوْ فَقَدَ الْقَلْبُ حُبَّ الدُّنْيَا وَزْنَ ذَرَّةٍ فَلَا يُخْدَعُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر دل ؛ دوستى دنيا را به اندازه ذره اى هم از دست دهد فريب نخورده .

عَنْهُ قَالَ أَحْكِمْ دِينَكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِداً تَعْرِفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الاْخِرَةِ بِهَا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِاعْتِبَارٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دينت را محكم كن ، همان گونه كه اهل دنيا؛ دنياى خود را محكم مى كنند، دنيا گواهى قرار داده شده كه امور آخرت كه پنهان از آن است به وسيله اش شناخته شود، آخرت را به وسيله دنيا بشناس ، و به دنيا فقط به نظر عبرت بنگر

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا وَ مُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا فَلَا يَشْغَلَنَّكَ طَلَبُهَا عَنْ عَمَلِكَ وَ الْتَمِسْهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَ مَالِكِهَا فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ وَ اشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ عَمَلِ آخر آخِرَتِهِ حَتَّى انْقَضَى عُمُرُهُ وَ أَدْرَكَ أَجَلَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چه بسا جوينده دنيا كه بدان نرسد، و رسندگانى كه تركش كرده اند، مبادا دنياجويى تو را از عمل باز دارد، و همواره دنيا را از بخشنده و مالك آن بخواه ، چه افراد حريص و آزمند بر دنيا؛ كه او را از پا در آورده ، و به آنچه از دنيا به دست آورده از آخرتش باز مانده ، تا اينكه عمرش سپرى شده و مرگش در رسيده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الدُّنْيَا وَ الدِّرْهَمَ أَهْلَكَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: دينار و درهم گذشتگان شما را نابود ساختند، و اين دو نابودكننده شما نيز هستند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلِيَّهُ غَرَضاً لِلْعَدُوِّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خدا همواره دوستانش را در معرض تير دشمنان قرار داده است .

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ غَمُّ الْمُؤْمِنِ وَ إِنَّ الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ رَوْحُ الْكَافِرِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنيا زندان مؤمن و باعث اندوه اوست ، و دنيا بهشت كافر و باعث سرور اوست .

عَنْهُصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنيا زندان مؤمن است ، كدام زندان باعث خير است ؟

عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الضِّيقَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا ذَنْبِى أَنْتُمْ اخْتَرْتُمُوهُ قَالَ الرَّجُلُ وَ مَتَى اخْتَرْنَاهُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةَ فَاخْتَرْتُمُ الاْخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ الْمُؤْمِنُ ضَيْفٌ عَلَى الْكَافِرِ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا وَ أَنْتُمُ الاْنَ تَأْكُلُونَ وَ تَشْرَبُونَ وَ تَلْبَسُونَ وَ تَنْكِحُونَ وَ هُمْ فِي الاْخِرَةِ لَا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَشْرَبُونَ وَ لَا يَلْبَسُونَ وَ لَا يَنْكِحُونَ وَ يَسْتَشْفِعُونَكُمْ فِي الاْخِرَةِ فَلَا تَشْفَعُونَ فِيهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَفِيضُوا عَلَيْنا مِنَ الْماءِ أَوْ مِمّا رَزَقَكُمُ اللّهُ فَيُجِيبُونَهُمْ أَنَّ اللّهَ حَرَّمَهُما عَلَى الْكافِرِينَ

ابان بن عثمان گويد: مردى نزد امام صادق عليه‌السلام از سختى زندگيش شكايت كرد، امام عليه‌السلام به او فرمود: گناه من چيست ؟ شما خودتان انتخابش كرديد! مرد گفت : چه وقت انتخابش كرديم ؟ فرمود: خداوند دنيا و آخرت را بر شما عرضه داشت ، شما آخرت را بر دنيا ترجيح داديد، مؤمن در اين دنيا مهمان كافر است ، شما هم اكنون مى خوريد و مى آشاميد و مى پوشيد و ازدواج مى كنيد، و آنان در آخرت نه مى خورند و نه مى نوشند و نه مى پوشند و نه ازدواج مى كنند، آنان در آخرت از شما طلب شفاعت مى كنند و شما شفاعتشان نمى كنيد، خداوند مى فرمايد: (به ما از آب گوارا يا آنچه خدا روزيتان گردانده بدهيد)، به آنها جواب مى دهند: خداوند اينها را بر كافرين حرام كرده .

سُئِلَ زَيْنُ الْعَابِدِينَعليه‌السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا وَ إِنَّ لِذَلِكَ لَشُعَباً كَثِيرَةً وَ لِلْمَعَاصِى شُعَبٌ فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ وَ هُوَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كانَ مِنَ الْكافِرِينَ ثُمَّ الْحِرْصُ وَ هُوَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوَّاءَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَكُلا مِنْ حَيْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونا مِنَ الظّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ثُمَّ الْحَسَدُ وَ هُوَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حِينَ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ الْكَلَامِ وَ حُبُّ الْعُلُوِّ وَ حُبُّ الثَّرْوَةِ فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِى حُبِّ الدُّنْيَا فَقَالَتِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُنْيَيَانِ دُنْيَا بَلَاغٌ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ

از امام سجاد عليه‌السلام سؤ ال شد: كدام اعمال نزد خداوند از همه بهتر است ؟ فرمود: هيچ عملى بعد از شناخت خدا و رسولش بهتر از دشمنى با دنيا نيست ، دشمنى با دنيا اقسامى و گناهان نيز اقسامى دارد، نخستين معصيتى كه نسبت به خداوند واقع شد تكبر بود، و آن نافرمانى شيطان بود كه (سرپيچى كرد و كبر ورزيد و از كافران شد) معصيت ديگر حرص و طمع است كه آن معصيت آدم و حوّا (صلوات اللّه عليهما) بود، آن هنگام كه خداوند فرمود: (از هر چه مى خواهيد بخوريد ولى به اين درخت نزديك نشويد كه از ظلم كنندگان خواهيد بود)، آنها با اينكه احتياجى به آن (درخت) نداشتند، آن را خوردند و اين حرص تا روز قيامت بين فرزندانشان باقى ماند، و از اين روست كه فرزندان آدم چيزهايى را جمع مى كنند كه به آنها نيازى ندارند.

بعد از آن حسد است ، كه گناهى است كه فرزند آدم گرفتارش شد، آن هنگام كه برادرش را به خاطر حسادت كشت ، از حسد چند چيز منشعب مى شود: دوستى زنان ، دوستى دنيا، دوستى رياست ، دوستى راحتى ، دوستى سخن گفتن ، دوستى مقام و دوستى ثروت كه جمعا هفت خصلت مى شود، و تمام آنها در دوستى دنيا جمعند، از اين رو پيامبران و دانشمندان بعد از شناخت آن گفته اند: دوستى دنيا سرآغاز همه گناهان است ، و دنيا دو قسم است : دنياى كفاف و دنياى ملعون .

عَنْ أَبِى جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَصلى‌الله‌عليه‌وآله إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَعِظُهُ أُوصِيكَ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ مَنْ لَا تَحِلُّ مَعْصِيَتُهُ وَ لَا يُرْجَى غَيْرُهُ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِهِ فَإِنَّ مَنِ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ قَوِىَ وَ شَبِعَ وَ رَوِيَ وَ رُفِعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنٌ لِلاْخِرَةِ فَأَطْفَأَ بِضَوْءِ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَرَ حَرَامَهَا وَ جَانَبَ شُبُهَاتِهَا وَ أَضَرَّ وَ اللَّهِ بِالْحَلَالِ الصَّافِى إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ يَشُدُّ بِهَا صُلْبَهُ وَ ثَوْبٍ يُوَارِى بِهِ عَوْرَتَهُ مِنْ أَغْلَظِ مَا يَجِدُ وَ أَخْشَنِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيمَا لَا بُدَّ مِنْهُ ثِقَةٌ وَ لَا رَجَاءٌ فَوَقَعَتْ ثِقَتُهُ وَ رَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ فَجَدَّ وَ اجْتَهَدَ وَ أَتْعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتِ الْأَضْلَاعُ وَ غَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِى بَدَنِهِ وَ شِدَّةً فِى عَقْلِهِ وَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الاْخِرَةِ أَكْثَرُ فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِى وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمُ وَ يُذِلُّ الرِّقَابَ فَتَدَارَكْ مَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِكَ وَ لَا تَقُلْ غَداً وَ بَعْدَ غَدٍ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ مَضَى قَبْلَكُمْ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَ التَّسْوِيفِ حَتَّى أَتَاهُمْ مِنَ اللَّهِ أَمْرُهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ غَافِلُونَ فَنُقِلُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمُ الْمُظْلِمَةِ الضَّيِّقَةِ وَ قَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَهْلُونَ وَ الْأَوْلَادُ فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا وَ عَزْمٍ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَ لَا انْخِذَالٌ أَعَانَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَفَّقَنَا وَ إِيَّاكَ لِمَرْضَاتِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امير المؤمنين عليهم‌السلام به يكى از يارانش نامه اى به عنوان موعظه نوشت : تو و خودم را به تقواى الهى سفارش مى كنم ، آن خدايى كه نافرمانيش روا نيست و به غير او اميدى نمى باشد، و بى نيازى فقط به دست اوست ، هر كه از خدا پروا كرد عزيز و قوى شد، و سير و سيرآب گشت ، و عقلش از اهل دنيا بالا گرفت ، پيكرش با اهل دنياست ولى دل و خردش متوجّه آخرت است ، آنچه از دنيا دوستى چشمش ديده پرتو دلش خاموش نموده ، حرامش را پليد شمرده و از شبهاتش دورى جسته ، به خدا قسم حلال خالص دنيا را هم رها كرده و جز به مقدارى كه ناچار از آن است ، توجه ننموده ، و آن پاره نانى است كه به پيكرش نيرو دهد، و جامه اى كه عورتش را بپوشاند، كه آنهم از درشت ترين خوراك و زبر ترين لباسى است كه به دستش آمده ، و نسبت به آنچه هم ناچار است اطمينان و اميد ندارد، و فقط اميد و اطمينانش به آفريننده جهان است .

بنا بر اين تلاش و كوشش نمايد و تنش را به زحمت اندازد تا استخوانهايش ‍ نمودار شود، و ديدگانش به گودى رود، خداوند هم در عوض نيروى بدنى و توان عقليش دهد، و آنچه در آخرت برايش اندوخته بيشتر باشد، دنيا را رها كن ، زيرا محبت به دنيا كور و كر و گنگ و زبون مى كند، بقيّه عمرت را جبران كن ، زيرا پيشينيانت به خاطر پايدارى بر آرزوها و امروز و فردا كردن هلاك شدند، تا آنگاه كه ناگهان فرمان خدا (مرگ) به سويشان آمد در حالى كه آنان غافل بودند، سپس بر روى تابوتهايشان به سوى گورهاى تنگ و تاريك رهسپار گشته و خانواده و فرزندان آنان را رها كردند، با دلى متوجه و از همه بريده و ترك دنيا نموده و با تصميمى قاطع به سوى خدا رو، خدا ما و تو را بر طاعتش يارى كند، و به موجبات رضايش موفق بدارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسَرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا وَ مَنْ أَتْبَعَ بَصَرَهُ مَا فِى أَيْدِي النَّاسِ كَثُرَ هَمُّهُ وَ لَمْ يُشْفَ غَيْظُهُ وَ مَنْ لَمْ يَرَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِى مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: هر كه با دلجويى خدا دلش آرام نگرفت ، نفسش از حسرتهاى دنيايى قطع نمى شود، و هر كه چشم به آنچه در دست مردم است داشته باشد اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذيرد، و هر كه جز در خوردن يا نوشيدن يا پوشيدن لباس نعمتى از خدا را در خودش نبيند، حقيقتا كردارش ‍ كم و كوتاه و عذابش نزديك شود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا الدُّنْيَا فِي الاْخِرَةِ إِلَّا مِثْلَ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ فَلْيَنْظُرْ بِمَ يَرْجِعُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنيا در برابر آخرت مانند اين است كه يكى از شماها انگشتانش را در دريا فرو برد، بايد ببيند چه چيز بر مى گيرد.

قَالَ الْمَسِيحُعليه‌السلام مَثَلُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ لَهُ ضَرَّتَانِ إِنْ أَرْضَى إِحْدَاهُمَا سَخِطَتِ الْأُخْرَى

مسيح عليه‌السلام فرمود: حكايت دنيا و آخرت حكايت مردى است كه دو زن (هوو) دارد، هر كدام را راضى كند ديگرى به خشم آيد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ مَالُ مَنْ لَا مَالَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ شَهَوَاتِهَا يَطْلُبُ مَنْ لَا فَهْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يُعَادِى مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يَحْسُدُ مَنْ لَا فِقْهَ لَهُ وَ لَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنيا خانه كسى است كه خانه ندارد، و سرمايه كسى است كه سرمايه ندارد، و كسى آن را جمع مى كند كه عقل ندارد، و كسى به دنبال شهواتش مى رود كه فهم ندارد، و كسى با دنيا دشمنى مى ورزد كه علم ندارد، و كسى به آن حسادت مى كند كه شعور ندارد، و كسى برايش تلاش مى كند كه يقين ندارد.

رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّصلى‌الله‌عليه‌وآله قَرَأَ أَ فَمَنْ شَرَحَ اللّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَقَالَ إِنَّ النُّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْفَسَحَ لَهُ وَ انْشَرَحَ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لِذَلِكَ عَلَامَةٌ يُعْرَفُ بِهَا قَالَ التَّجَافِى عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَوْتِ

روايت شده كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله اين آيه را تلاوت كرد (آيا كسى كه خدا سينه اش را براى اسلام گشاده است و بر فراز مركبى از نور الهى قرار گرفته (همچون كور دلان گمراه است» فرمود: هنگامى كه نور در دل جاى گيرد آن را باز مى كند و روشن مى گرداند، پرسيده شد: اى رسول خدا! آيا براى اين علامتى هست كه شناخته شود؟ فرمود:

كناره گيرى از دنيا و روى كردن به آخرت ، و آمادگى براى مرگ قبل از رسيدن وقتش .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام يَا دُنْيَا إِلَيْكِ عَنِّى أَ بِى تَعَرَّضْتِ أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقْتِ لَا حَانَ حِينُكِ هَيْهَاتَ غُرِّى غَيْرِى لَا حَاجَةَ لِى فِيكِ قَدْ طَلَّقْتُكِ ثَلَاثاً لَا رَجْعَةَ لِى فِيكِ فَعَيْشُكِ قَصِيرٌ وَ خَطَرُكِ يَسِيرٌ وَ أَمَلُكِ حَقِيرٌ آهِ مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ وَ خُشُونَةِ الْمَضْجَعِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اى دنيا! از من دور شو، آيا مرا مى فريبى ، يا مشتاق من شده اى ؟

تو هرگز توان اين را ندارى ، برو ديگرى را فريب ده ، من نيازى به تو ندارم ، من تو را سه طلاقه كرده ام ، و ديگر رجوعى به تو نخواهم داشت ، زندگى در تو كوتاه است و مشكلاتت بسيار، و آرزوهايت پست و بى مقدار، آه از كمى توشه و راه طولانى و دور بودن سفر و بزرگى محل ورود، و ناسازگارى خوابگاه .

وَ قَالَ الدُّنْيَا تَغُرُّ وَ تَضُرُّ وَ تَمُرُّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَاباً لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَا عِقَاباً لِأَعْدَائِهِ وَ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكْبٍ بَيْنَا هُمْ حَلُّوا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحِلُوا

على عليه‌السلام فرمود: دنيا گول مى زند و زيان مى رساند و مى گذرد، خداوند متعال دنيا را پاداش دوستان خود و عقاب دشمنانش قرار ندارد، اهل دنيا همچون كاروانى هستند كه بين راه استراحتى كوتاه دارند، ناگهان قافله سالار فرياد زند كه حركت كنيد.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله الرَّغْبَةُ فِى الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ وَ الزُّهْدُ فِى الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدَنَ

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: ميل به دنيا غم و اندوه را زياد مى كند، و پرهيز از دنيا دل و جسم را آسوده مى گرداند.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هَمٍّ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٍ لَا يُدْرَكُ وَ رَجَاءٍ لَا يُنَالُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس دلبستگى به دنيا پيدا كند، به سه چيز چنگ زده : اندوه دائمى ، آرزويى بر آورده نشدنى ، اميدى نرسيدنى .

وَ قَالَ أَيْضاً عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخَلُ بِالدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخَلُ بِهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقُ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَ لَا الْإِمْسَاكُ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در شگفتم از كسى كه به دنيا بخل مى ورزد در حالى كه دنيا به او روى نموده ، يا به دنيا بخل مى ورزد و دنيا به او پشت كرده ، نه بخشيدن با روى كردن ضررش مى زند، و نه خساست با پشت كردن سودش مى دهد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام فِى بَعْضِ خُطَبِه أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ الاْخِرَةَ دَارُ بَقَاءٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ وَ لَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ فَفِى الدُّنْيَا حَيِيتُمْ وَ لِلاْخِرَةِ خُلِقْتُمْ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَاتَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ مَا قَدَّمَ وَ قَالَ النَّاسُ مَا أَخَّرَ فَقَدِّمُوا فَضْلًا يَكُنْ لَكُمْ وَ لَا تُؤَخِّرُوا كُلًّا يَكُنْ عَلَيْكُمْ فَإِنَّ الْمَحْرُومَ مَنْ حُرِمَ خَيْرَ مَالِهِ وَ الْمَغْبُوطَ ثَقَّلَ بِالْخَيْرَاتِ وَ الصَّدَقَاتِ مَوَازِينَهُ وَ أَحْسَنَ فِى الْجَنَّةِ بِهَا مِهَادَهُ وَ طَيَّبَ عَلَى الصِّرَاطِ بِهَا مَسْلَكَهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام در يكى از خطبه هايش فرمود: اى مردم ! دنيا خانه اى از بين رفتنى و آخرت خانه اى جاودان است ، اينك از اين خانه كه گذرگاه شماست براى خانه هميشگى خود توشه بر گيريد، نزد كسانى كه اسرارتان را مى دانند پرده درى نكنيد، و دلهاى خود را از اين دنيا بيرون بريد قبل از اينكه بدنهايتان از آن بيرون رود، در دنيا زندگى مى كنيد اما براى آخرت آفريده شده ايد، دنيا همچون سمّى است كه كسى كه نمى شناسدش ‍ و آن را مى خورد، هر گاه بنده اى بميرد فرشتگان گويند: چه فرستاده ؟

و مردم گويند: چه چيز جمع كرده ؟ اكنون فضيلتى پيش فرستيد كه براى شما بماند، و (در دنيا) چيزى باقى نگذاريد كه برايتان وزر و وبال باشد، زيرا محروم آن است كه از صرف بهترين مالش (در راه خدا) محروم شود، و غبطه خورنده آن است كه ميزانش در خيرات و صدقات سنگين باشد، و باعث نيكويى جايگاهش در بهشت شود و راهش را در پل صراط آسان گرداند.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: عيسى بن مريم عليه‌السلام به حواريون گفت : اى بنى اسرائيل ! بر آنچه از دنيا از دستتان رفته غصه نخوريد، تا هنگامى كه دين شما در سلامت است ، همان گونه كه اهل دنيا تا دنيايشان باقى است بر دنياى از دست رفته شان غمگين نشوند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى إِنْسَانٍ أَعْطَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه دنيا به كسى روى آورد زيباييهاى ديگران را هم به او مى دهد، و اگر پشت كرد خوبيهاى خودش را هم از او مى گيرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا أَصِفُ دَاراً أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ فِى حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِى حَرَامِهَا عِقَابٌ مَنِ اسْتَغْنَى فِيهَا فُتِنَ وَ مَنِ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ وَ مَنْ سَاعَاهَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَانَتْهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَّرَتْهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: چگونه خانه اى را وصف كنم كه اوّلش ‍ مشقّت و پايانش نيستى است ، در حلالش حساب و در حرامش عقاب است ، هر كه در آن بى نياز شود طغيان كند، و هر كه محتاج شود غمگين گردد، هر كه دنبالش رود آن را از دست بدهد، و هر كه تركش گويد به دنبال او آيد، هر كس به آن بينايى جويد بينايى گيرد، و هر كس به آن چشم بدوزد كور گردد.

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِمَجْنُونٍ فَقَالَ مَا لَهُ فَقِيلَ إِنَّهُ مَجْنُونٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ مُصَابٌ إِنَّمَا الْمَجْنُونُ مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الاْخِرَةِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از كنار مجنونى گذشت ، فرمود: او را چه شده ؟ گفتند: مجنون است ، فرمود: او عقلش آسيب ديده ، مجنون واقعى كسى است كه دنيا را بر آخرت ترجيح دهد.

وَ قَالَ اللَّهُمَّ مَنْ آمَنَ بِكَ وَ شَهِدَ أَنِّى رَسُولُكَ فَحَبِّبْ إِلَيْهِ لِقَاءَكَ وَ سَهِّلْ عَلَيْهِ قَضَاءَكَ وَ أَقْلِلْ مَالَهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پروردگارا! هر كس به تو ايمان آورد و گواهى به رسالت من داد، او را به ملاقات خودت خوشنود كن ، و قضا و قدرت را بر وى آسان گردان ، و به او مال كمى بده .

مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِى صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ كَمْ تَزَوَّجْتِ فَقَالَتْ كَثِيراً قَالَ أَ فَكُلٌّ طَلَّقَكِ قَالَتْ لَا بَلْ كُلًّا قَتَلْتُ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِينَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دنيا به شكل زنى چشم سبز بر حضرت مسيح عليهم‌السلام ظاهر شد، حضرت فرمود: اى زن تا به حال چند مرتبه ازدواج كرده اى ؟ گفت : بسيار.

فرمود: آيا همه آنها تو را طلاق دادند؟ گفت : نه ، بلكه همه را كشتم . فرمود: واى بر شوهران باقيمانده ات كه چگونه از گذشتگان عبرت نمى گيرند!

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام انْزِلِ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلٍ نَزَلْتَهُ ثُمَّ أَرَدْتَ التَّحَوُّلَ عَنْهُ مِنْ يَوْمِكَ أَوْ كَمَالٍ اكْتَسَبْتَهُ فِى مَنَامِكَ وَ اسْتَيْقَظْتَ فَلَيْسَ فِى يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ وَ إِذَا حَضَرْتَ فِى جَنَازَةٍ فَكُنْ كَأَنَّكَ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ كَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا فَرَدَّكَ فَاعْمَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: دنيا را مانند منزلى بدان كه در آن فرود آمده اى و مى خواهى همان روز از آن بگذرى ، و يا همچون مالى است كه در خواب به دست آورده باشى ، و هنگامى كه بيدار شدى چيزى از آن در دستت نباشد، هر گاه جنازه اى را ديدى خودت را جاى او فرض كن ، و خيال كن از پروردگارت خواسته اى كه دوباره تو را به دنيا برگرداند و او هم برگردانده ، اينك چون كسى عمل كن كه نتيجه عملش را به چشم ديده .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى يَا مُوسَى إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ عَاقَبْتُ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ وَ جَعَلْتُهَا مَلْعُونَةً مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ مِنْهَا لِى يَا مُوسَى إِنَّ عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ زَهِدُوا فِيهَا بِقَدْرِ عِلْمِهِمْ بِى وَ سَائِرُهُمْ مِنْ خَلْقِى رَغِبُوا فِيهَا بِقَدْرِ جَهْلِهِمْ بِى وَ مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِى عَظَّمَهَا فَقَرَّتْ عَيْنُهُ فِيهَا وَ لَمْ يُحَقِّرْهَا أَحَدٌ إِلَّا انْتَفَعَ بِهَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ لَا تُعْرَفُوا فَافْعَلُوا وَ مَا عَلَيْكَ إِنْ لَمْ يُثْنِ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ عِنْدَ النَّاسِ مَذْمُوماً إِذَا كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُوداً إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا خَيْرَ فِى الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدِ رَجُلَيْنِ رَجُلٍ يَزْدَادُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَاناً وَ رَجُلٍ يَتَدَارَكُ سَيِّئَتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ اللَّهِ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَلَا وَ مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ رَجَا الثَّوَابَ فِينَا وَ رَضِيَ بِقُوتِهِ وَ مَا يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَ مَا يُكِنُّ رَأْسَهُ وَ هُمْ فِى ذَلِكَ خَائِفُونَ وَجِلُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال به موسى عليه‌السلام فرمود: اى موسى ! دنيا خانه كيفرى است كه آدم را به خاطر اشتباهش در آن عقوبت نمودم ، و دنيا را ملعون قرار دادم ، هر چه در آن است ملعون است مگر آنچه براى من باشد، اى موسى ! بندگان صالحم به اندازه شناختى كه از من داشتند در آن زاهد شدند، بقيّه آنان به خاطر جهلشان نسبت به من ميل به دنيا پيدا كردند، و كسى از بندگانم نيست كه آن را بزرگ شمارد و چشمش ‍ در آن روشن گردد، و هيچ كس آن را پست نشمرد جز آنكه بدان بهره مند شود.

سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر توانايى داريد كه شناخته نشويد اين كار را بكنيد، و باكى نداشته باشيد كه نزد مردم سرزنش شويد، و حال آنكه نزد خدا ستايش مى شويد، امير مؤمنان عليه‌السلام مى فرمود: در دنيا خيرى نيست مگر براى دو نفر: مردى كه هر روز به نيكيهايش مى افزايد، و مردى كه گناهش را به توبه جبران مى كند، ولى از كجا معلوم توبه اش ‍ پذيرفته شود؟ به خدا قسم اگر آنقدر سجده كند كه گردنش قطع شود خداوند توبه اش را نپذيرد مگر به واسطه ولايت ما اهل بيت ، بدان ! (فرد ديگرى كه خير دنيا را دارد) هر كسى است كه حق ما را بشناسد و در ما اميد ثواب داشته باشد، و به زندگيش و لباسش و سرپوشش راضى باشد، و آنان در اين امر ترسان و وحشت زده اند.

مِنْ عُيُونِ الْأَخْبَارِ قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ خَمْسٍ بِبُخْلٍ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ رَحِمٍ وَ إِيثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الاْخِرَةِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: مال جمع نمى شود مگر با وجود پنج خصلت : بخل شديد، آرزوى طولانى ، حرص زياد، قطع رحم ، ترجيح دنيا بر آخرت .

مِنْ كِتَابِ الصَّبْرِ وَ التَّأْدِيبِ مِنْ رِوَايَةِ نَصْرِ بْنِ الصَّبَّاحِ الْبَلْخِيِّ قَالَ شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الْحَاجَةَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرَجاً ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً وَ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَالَ أَخْبِرْنِى عَنْ سِجْنِ الْكُوفَةِ كَيْفَ هُوَ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ضَيِّقٌ مُنْتِنٌ وَ أَهْلُهُ مِنْهُ بِسُوءِ حَالٍ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّمَا أَنْتَ فِى السِّجْنِ أَ تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِى سَعَةٍ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ

نصر بن صباح بلخى گويد: مردى نزد امام صادق عليه‌السلام از نيازمندى خود شكايت كرد، حضرت فرمود: صبر كن ، كه خداوند به زودى برايت گشايش دهد، سپس مقدارى سكوت نمود و رو به مرد كرد و فرمود: به من بگو زندان كوفه چگونه است ؟ گفت : خدا به سلامتت بدارد، تنگ و بدبوست ، و زندانيان در حالت بدى هستند، امام عليه‌السلام به او فرمود: تو هم در زندان هستى ، آيا مى خواهى گشايش داشته باشى ؟ آيا مى دانى كه دنيا زندان مؤمن است ؟

كَانَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الاْخِرَةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هميشه مى فرمود: پروردگارا! من از دنيا به تو پناه مى برم ، زيرا دنيا مانع از رسيدن به آخرت مى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ الْمَسِيحُعليه‌السلام فِى أَرْضِ فَلَاةٍ وَ مَعَهُ أَصْحَابُهُ فَنَظَرَ إِلَى مَالٍ مَرْكُوزٍ فَنَظَرَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّهُ الْمَوْتُ فَجُوزُوا فَجَازُوا وَ تَخَلَّفَ ثَلَاثَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ عِنْدَ الْمَالِ فَقَالُوا لِبَعْضِهِمْ امْضِ إِلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ فَإِنَّهَا بِالْقُرْبِ فَابْتَعْ لَنَا مِنْهَا طَعَاماً فَإِنَّا جِيَاعٌ حَتَّى إِذَا جِئْتَ قَسَمْنَا الْمَالَ فِيمَا بَيْنَنَا فَلَمَّا أَنْ مَضَى الرَّجُلُ فَقَالَ الرَّجُلَانِ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ يَا أَبَا فُلَانٍ لَوْ كَانَ الْمَالُ بَيْنِى وَ بَيْنَكَ مَا كَانَ أَجْوَدَ وَ أَوْفَى فَاتَّفَقَا عَلَى أَنْ يَقْتُلَا الرَّجُلَ إِذَا انْصَرَفَ إِلَيْهِمَا قَالَ الرَّجُلُ وَ هُوَ يَمْضِى إِلَى السُّوقِ لِيَبْتَاعَ لَهُمُ الطَّعَامَ لَوْ كَانَ هَذَا الْمَالُ لِى وَحْدِى لَكَانَ أَوْفَقَ فَاعْتَزَمَ عَلَى أَنْ يَشْتَرِيَ سَمّاً يَسُمُّ الطَّعَامَ فَفَعَلَ وَ انْصَرَفَ إِلَيْهِمَا بِالطَّعَامِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَا إِلَيْهِ وَثَبَا بِهِ وَ قَتَلَاهُ وَ جَلَسَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ فَحِينَ اسْتَقَرَّ فِى أَجْوَافِهِمَا مَاتَا جَمِيعاً وَ انْصَرَفَ الْمَسِيحُ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِى كَانَ مَضَى إِلَيْهِ فَوَقَفَ عَلَى الْمَالِ وَ هُمْ صَرْعَى حَوْلَهُ فَقَالَعليه‌السلام أَ لَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّهُ الْمَوْتُ جُوزُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حضرت مسيح عليه‌السلام به همراه اصحابش از زمينى خشك و بى آب و علف عبور مى كرد، نظرش به مالى بدون صاحب و رها شده افتاد، رو به اصحابش نموده و فرمود: اين مرگ است ، از آن بگذريد، اصحاب به غير از سه نفر از آن گذشتند. آن دو به يك نفرشان گفتند: به اين شهر نزديك برو و براى ما غذايى بخر كه ما گرسنه ايم ، تا وقتى برگشتى مال را بين خود تقسيم كنيم . چون آن مرد رفت ، يكى از آن دو به رفيقش گفت :

فلانى ، اگر مال بين من و تو تقسيم شود بهتر است ، مرد در حالى كه براى خريد غذا به بازار مى رفت با خود گفت : اگر اين مال براى خودم تنها باشد مطلوبتر است ، و قصد كرد كه سمّى بخرد و در غذا بريزد، اين كار را كرد و با غذا به طرف آن دو برگشت ، چون آن دو او را ديدند به رويش جهيدند و او را كشتند، و هر دو شروع به خوردن غذا كردند، هنگامى كه غذا وارد معده آنان شد آن دو نيز مردند، حضرت عيسى عليه‌السلام بار ديگر از همان محل بازگشت ، بالاى سر مال ايستاد در حالى كه دست نخورده بود، و آنان اطرافش افتاده بودند، فرمود: به شما نگفتم اين مرگ است ، از آن بگذريد؟

## فصل هشتم : در ثروت اندوزى و زيانى كه بر مؤمن از اين ناحيه وارد مى شود

(الفصل الثامن فيما جاء فى جمع المال و ما يدخل على المؤمن من النقص فى جمعه)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ رَزِيَّةٍ تَدْخُلُ عَلَى عَبْدٍ مُسْلِمٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ مَالٍ يُصِيبُهُ وَ أَهْوَنُ مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَأْتِيَهُ أَخُوهُ فَيَقُولَ زَوِّجْنِى فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مصيبتى بر بنده مسلمان بالاتر از اين نيست كه ناگهان مالى به او برسد (موجب خود فراموشى او گردد)، و از اين بدتر اينكه برادر مؤمنش نزد او آيد و تقاضاى ازدواج و پيوند خويشاوندى نمايد، او بگويد: نه ، من از تو بى نيازترم .

عَنْهُ قَالَ مَا شَيْءٌ يَسْتَفِيدُ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ أَضَرَّ عَلَيْهِ مِنْ مَالٍ يَسْتَفِيدُهُ وَ أَيْسَرُهُ أَنْ يَخْطُبَ إِلَيْهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ أَوْ مِثْلُهُ فِى الدِّينِ فَيَقُولَ لَا لَيْسَ لَهُ مَالٌ لَا أُزَوِّجُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى بنده مسلمان چيزى پر ضررتر از مالى كه به دست مى آورد نمى باشد، و كمتر از آن اينكه كسى براى خواستگارى نزد او آيد كه يا از او بهتر باشد يا از نظر دين مانند او باشد، او جواب ردّ دهد و بگويد: چون مال ندارد دخترم را به او نمى دهم .

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه علاقه اش به دنيا بيشتر باشد، حسرتش هنگام ترك دنيا بيشتر است .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقِيرٌ مُؤْمِنٌ عَابِدٌ شَدِيدُ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ وَ كَانَ مُلَازِماً لِرَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ عَلَيْهَا لَا يَفْقِدُهُ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَرِقُّ لَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى حَاجَتِهِ وَ عِزَّتِهِ وَ كَانَ يَقُولُ يَا سَعْدُ لَوْ كَانَ جَاءَنِى شَيْءٌ لَأَغْنَيْتُكَ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ فَأَعْطَاهُ دِرْهَمَيْنِ فَقَالَ أَعْطِهِ إِيَّاهُمَا وَ مُرْهُ أَنْ يَتَّجِرَ بِهِمَا وَ يَنْصَرِفَ لِرِزْقِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمَا سَعْدٌ فَلَمَّا صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ قَالَ قُمْ يَا سَعْدُ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ قَدْ كُنْتُ بِحَالِكَ مُغْتَمّاً فَأَقْبَلَ سَعْدٌ لَا يَشْتَرِى بِدِرْهَمٍ شَيْئاً إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ وَ لَا يَشْتَرِى بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةٍ وَ أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَ مَالُهُ وَ عَظُمَتْ تِجَارَتُهُ فَأَخَذَ عَلَى بَابِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ حَانُوتاً فَجَلَسَ فِيهِ يَجْمَعُ تِجَارَتَهُ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا قَالَ بِلَالٌ الصَّلَاةَ يَخْرُجُ وَ سَعْدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا فَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَ لَمْ يَتَهَيَّأْ لِلصَّلَاةِ فَيَقُولُ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ شَغَلَتْكَ دُنْيَاكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَ كَانَ سَعْدٌ يَقُولُ فَمَا أَصْنَعُ أُضَيِّعُ مَالِى هَذَا رَجُلٌ قَدْ بِعْتُهُ فَأُرِيدُ أَنْ أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ وَ هَذَا رَجُلٌ قَدِ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُوفِيَهُ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْمَالُ وَ الدُّنْيَا فِيهِ مَشْغَلَةٌ عَنِ الاْخِرَةِ فَقُلْ لِسَعْدٍ يَرُدَّ عَلَيْكَ الدِّرْهَمَيْنِ الَّذَيْنِ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ أَ مَا تَرُدُّ الدِّرْهَمَيْنِ عَلَيْنَا فَقَالَ سَعْدٌ بَلَى وَ مِائَتَيْنِ فَقَالَ لَسْتُ أُرِيدُ إِلَّا الدِّرْهَمَيْنِ فَأَعْطَاهُ سَعْدٌ دِرْهَمَيْنِ فَأَدْبَرَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ جَمِيعُ مَا كَانَ جَمَعَ وَ عَادَ إِلَى حَالَةِ الَّتِى كَانَ عَلَيْهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: در زمان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله يكى از اصحاب صفّه كه شخصى فقير و با ايمان و عابد و بسيار محتاج بود، و هميشه هنگام نماز ملازم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بود و از ايشان جدا نمى گشت ، و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هم وقتى به احتياج و عزّت نفس او توجّه مى كرد دلش مى سوخت ، روزى به او فرمود: اى سعد! اگر چيزى به دستم رسيد تو را بى نياز مى كنم . جبرئيل بر او نازل شد و دو درهم به حضرت داد و گفت : اين دو درهم را به او بده و امرش كن كه با آنها تجارت كند و با روزى خدا زندگى كند، سعد دو درهم را گرفت ، بعد از اينكه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نماز ظهر و عصر را خواند، فرمود: اى سعد! برخيز و به دنبال روزى برو، من نسبت به حال تو غمگينم ، سعد به طرف تجارت رفت ، و چيزى را به يك درهم نمى خريد مگر اينكه آن را به دو درهم مى فروخت ، و به دو درهم نمى خريد جز آنكه آن را به چهار درهم مى فروخت ، دنيا به سعد رو كرد به حدّى كه مال و اموالش بسيار شد و تجارتش رونق گرفت ، و نزديك مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دكّانى تهيه كرد و در آن به جمع سود تجارت پرداخت ، هر گاه بلال مى گفت (الصلاة)، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به طرف مسجد مى رفت ولى سعد مشغول دنيا بود، و وضو نمى گرفت و آماده نماز نمى شد.

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به او فرمود: اى سعد! دنيا تو را از نماز باز داشته ! سعد مى گفت : چه كنم ، اموالم از بين مى رود، اين مرد مى آيد و به او چيزى مى فروشم و پولش را از او مى گيرم ، و از اين مرد چيزى مى خرم و بايد پولش ‍ را به او بدهم . در اين هنگام جبرئيل نازل شد و گفت : اى محمّد! مال و دنيا انسان را از آخرت دور مى كند، به سعد بگو دو درهمى را كه به تو دادم به من بازگردان ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى سعد! آن دو درهم را به ما نمى دهى ؟

سعد گفت : چرا، بلكه دويست درهم مى دهم ، فرمود: من فقط همان دو درهم را مى خواهم . سعد دو درهم را به ايشان داد، ناگاه دنيا به سعد پشت نمود، به طورى كه تمامى آنچه را جمع كرده بود از بين رفت ، و به همان حالتى برگشت كه اوّل داشت .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا أَعْطَى اللَّهُ عَبْداً ثَلَاثِينَ أَلْفاً وَ هُوَ يُرِيدُ بِهِ الْخَيْرَ وَ مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشَرَةَ آلَافٍ مِنْ حِلٍّ وَ قَدْ يَجْمَعُ اللَّهُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةَ لِأَقْوَامٍ إِذَا أَعْطَوُا الْقَرِيبَ وَ رُزِقُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ فَقَدْ جُمِعَتْ لَهُمُ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هرگز خداوند به بنده اى سى هزار (درهم) نداد براى اينكه او به خير و سعادت برسد، و هيچ مردى ده هزار (درهم) از راه حلال كسب نكرد، و گاهى خداوند دنيا و آخرت را براى گروهى جمع مى كند، و آن هنگامى است كه روزيشان را داده و موفق به عمل شايسته اى نمايد، اينجاست كه دنيا و آخرت بر ايشان جمع مى شود.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ حُقُوقٌ مِنْهَا الزَّكَاةُ فِى مَالِهِ وَ مِنْهَا الْمُوَاسَاةُ لِإِخْوَانِهِ وَ مِنْهَا الصِّلَةُ لِرَحِمِهِ وَ التَّوْسِعَةُ لِعِيَالِهِ وَ غَيْرُ ذَلِكَ مِنَ الْحُقُوقِ ثُمَّ قَالَعليه‌السلام رُبَّمَا صَارَتْ إِلَيَّ النِّعْمَةُ فَمَا أَتَهَنَّأُ بِهَا حَتَّى أَعْلَمَ أَنِّى قَدْ أَدَّيْتُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهَا

امام رضا عليه‌السلام فرمود: بر صاحب نعمت حقوقى واجب است : يكى از آنها، پرداخت زكات مال ، و ديگرى برابرى با برادران دينى ، و ديگر بجا آوردن صله رحم و فراهم كردن آسايش خانواده و غير اينها از حقوق است . سپس فرمود: گاهى نعمتى به من مى رسد و بر من گوارا نمى شود؛ مگر اينكه بدانم آنچه را در آن بر من واجب گرديده بجا آورده ام .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَا عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ قَطُّ إِلَّا ازْدَادَ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْهِ عِظَماً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هرگز نعمت خداوند بر كسى بزرگ نگرديد، مگر اينكه حق خدا در آن زياد شد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ نَالَ بِسُلْطَانِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا نَقَصَ حَظُّهُ مِنَ الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مؤمنى با چيرگيش به مال و منال دنيا نرسيد، مگر اينكه بهره اش از آخرت كم شد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ هَذِهِ الْفُضُولَ لِتُوَجِّهُوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمُوهَا لِتَكْنِزُوهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند مال دنيا را به شما داد تا فقط آن را در راهى كه خداوند مقرر فرموده مصرف كنيد، نه اينكه آن را اندوخته و پس انداز نمائيد.

عَنْهُ قَالَ مَا أَعْطَى اللَّهُ عَبْداً مِنَ الدُّنْيَا كَثِيراً ثُمَّ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا كَانَ أَقَلَّ لِحَظِّهِ فِيهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند به هيچ بنده اى از دنيا بسيار نداد و سپس او را به بهشت نبرد، مگر اينكه بهره اش از بهشت كم خواهد بود.

عَنْ جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ نُحِبُّ الْمَالَ وَ لَا نُؤْتَى إِلَّا خَيْراً وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا كَانَ نقص أَنْقَصَ لِحَظِّهِ فِى الاْخِرَةِ وَ مَا مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ دِرْهَمٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: ما مال را دوست داريم ، و آن را فقط در راه خير مصرف مى كنيم ، و هر بنده اى در اين دنيا مال بسيار به دست آورد بهره اش از آخرت كم گردد، و شيعه ما نخواهد بود كسى كه داراى صد هزار درهم باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَا أَعْطَى اللَّهُ مُؤْمِناً أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ أَلْفاً لِخَيْرٍ يُرِيدُ بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند به هيچ مؤمنى بيشتر از چهل هزار (درهم) نمى دهد، زيرا خير او را مى خواهد.

عَنْهُ قَالَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ مَلَكَ عَشَرَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ إِلَّا مَنْ أَعْطَى يَمِيناً وَ شِمَالًا وَ مِنْ قُدَّامٍ وَ خَلْفٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيعه ما نيست كسى كه ده هزار درهم را تملك كند، مگر كسى كه به دست چپ و راست و از جلو و پشت سر، انفاق كند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ الاْيَةَ قَالَ إِنَّمَا عَنَى ذَلِكَ مَا جَازُوا أَلْفَيْ دِرْهَمٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُحَاسِبُونَ أَنْفُسَهُمْ كُلَّ لَيْلَةٍ فَإِنْ كَانَ عِنْدَهُمْ مِنَ الْعَيْنِ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفَيْ دِرْهَمٍ أَخْرَجُوهُ فَقَسَّمُوهُ وَ لَا يَثْبُتُ عِنْدَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفَيْ دِرْهَمٍ

امام باقر عليه‌السلام در باره آيه شريفه (و كسانى كه طلا و نقره را پنهان مى كنند) فرمود: مقصود كسانى هستند كه بيش از دو هزار درهم جمع كنند.

گفته شده كه : علماء همواره هنگام شب به محاسبه خود مى پردازند، اگر نزد آنان بيش از دو هزار درهم بود آن را جدا نموده و تقسيم مى كردند، و هرگز بيش از دو هزار درهم نزد خود نگاه نمى داشتند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّا لَنَصْبِرُ وَ إِنَّ شِيعَتَنَا لَأَصْبَرُ مِنَّا قَالَ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ فَقُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ فَقَالَ إِنَّا لَنَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ تَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا تَعْلَمُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ما شكيبائيم و شيعيان ما از ما شكيباترند. راوى گويد: اين سخن بر من سنگين آمد و عرض كردم : چگونه شكيبائى شيعيانتان از شما بيشتر است ؟

فرمود: ما بر آنچه (از عاقبت كار) مى دانيم شكيبائيم ، ولى شما بر آنچه نمى دانيد شكيبائى مى كنيد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ قَوْماً يَلْقَوْنَ فِيَّ مِنَ الْأَذَى وَ التَّشْدِيدِ وَ الْقَتْلِ وَ التَّنْكِيلِ مَا لَمْ يَلْقَهُ أَحَدٌ فِى الْأُمَمِ السَّالِفَةِ أَلَا وَ إِنَّ الصَّابِرَ مِنْهُمُ الْمُوقِنَ بِى الْعَارِفَ فَضْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ فِيَّ لَمَعِى فِى دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ تَنَفَّسَ الصُّعَدَاءَ فَقَالَ آهِ آهِ عَلَى تِلْكَ الْأَنْفُسِ الزَّاكِيَةِ وَ الْقُلُوبِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ أُولَئِكَ أَخِلَّائِى هُمْ مِنِّى وَ أَنَا مِنْهُمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بعد از شما گروهى خواهند آمد كه به خاطر من مورد آزار و شكنجه و كشته شدن و اسارت قرار مى گيرند، و در امّتهاى گذشته نيز هيچ كس نظيرش را نديده ، بدانيد؛ هر كدام از آنها كه صبر كند و يقين به من داشته باشد، و آگاه به برترى من باشد، با من (در قيامت) در يك مقام خواهد بود، سپس آه سردى كشيد و فرمود: آنها از من هستند و من از آنهايم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لِمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ يَا مُفَضَّلُ إِيَّاكَ وَ الذُّنُوبَ وَ حَذِّرْ شِيعَتَنَا مِنَ الذُّنُوبِ فَوَ اللَّهِ مَا هِيَ إِلَى شَيْءٍ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ وَ اللَّهِ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيُرْمَى بِالسُّقْمِ فِى بَدَنِهِ وَ مَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيُحْجَبُ مِنَ الرِّزْقِ فَيَقُولُ مَا لِى وَ مَا شَأْنِى وَ مَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَ إِنَّهُ لَتُصِيبُهُ الْمَعَرَّةُ مِنَ السُّلْطَانِ فَيَقُولُ مَا لِى وَ مَا هُوَ إِلَّا بِالذُّنُوبِ وَ ذَاكَ وَ اللَّهِ إِنَّكُمْ لَا تُؤَاخَذُونَ بِهَا فِى الاْخِرَةِ

امام صادق عليه‌السلام به مفضّل بن عمر فرمود: اى مفضّل ! از گناه بپرهيز و شيعيان ما را از گناهان بترسان ، به خدا قسم گناهان بيش از هر چيز به سراغ شما مى آيند، و به خدا سوگند هر كدام از شما كه بيمارى در بدنش ‍ پيدا شود به خاطر گناهانى است كه مرتكب شده ، و هر يك از شما كه محروم از روزى گردد و بگويد: مرا چه به اين سختيها! اين نيز به خاطر گناهانش است ، و اگر هم از ناحيه پادشاهى به او ظلمى رسد و بگويد: مرا چه به پادشاه ! اين نيز بسبب گناهانش است ، و به خدا قسم شما به خاطر اين گناهان در آخرت مؤ اخذه نمى شويد.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُحْوِجِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَعْتَذِرُ أَخٌ إِلَى أَخِيهِ فَيَقُولُ وَ عِزَّتِى مَا أَفْقَرْتُكَ لِهَوَانٍ كَانَ لَكَ عَلَيَّ ارْفَعْ هَذَا الْغِطَاءَ فَانْظُرْ مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا قَالَ فَيَكْشِفُ فَيَنْظُرُ إِلَى مَا عَوَّضَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا فَيَقُولُ مَا ضَرَّنِى يَا رَبِّ مَا مَنَعْتَنِى مَعَ مَا قَدْ عَوَّضْتَنِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند (روز قيامت) از بنده مؤمن محتاج پوزش مى خواهد، چنان كه برادرى از برادرش عذر مى خواهد، و مى فرمايد: به عزّتم سوگند، تو را براى اينكه در نظرم خوار شوى محتاج نكردم ، اين پرده را كنار بزن تا ببينى عوض آن در دنيا به تو چه داده ام . فرمود: او پرده را كنار مى زند و به آنچه خداى متعال به عوض دنيا به او داده نظر مى كند، و مى گويد: با اين عوض كه به من عطا فرمودى آنچه از دنيا از من باز گرفتى زيانى برايم نداشت .

عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ رَفَعَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَيُّهَا النَّاسُ سَيَكُونُ بَعْدِى أُمَرَاءُ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمُ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَ التَّجَبُّرِ وَ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمُ الْغَنَاءُ إِلَّا بِالْبُخْلِ وَ التَّكَبُّرِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ مِنْكُمْ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغَنَاءِ مِنْهُمْ وَ صَبَرَ عَلَى الْبَغْضَاءِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ مِنْهُمْ وَ صَبَرَ عَلَى الذُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ مِنْهُمْ وَ يُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الاْخِرَةَ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ خَمْسِينَ شَهِيداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى مردم ! به زودى پس از من حاكمانى خواهند آمد كه سلطنت آنان جز با كشتار و زورگويى ميسّر نخواهد بود، و مال و ثروت نياندوزند مگر با بخل و تكبر، هر كس اين زمان را درك كند و بر فقر صبر نمايد با اينكه قادر بر كسب ثروت از آنان است ، و بر دشمنى آنان صبر كند در حالى كه مى تواند از آنان جلب محبت كند، و بر خوارى صبر كند با اينكه توان تحصيل عزّت از آنان را دارد، و صبرش به خاطر خدا و ثواب آخرت باشد، خداوند به او ثواب پنجاه و دو شهيد را مى دهد.

# باب هفتم در بيان مصيبتها و سختيها و بلاها و وعده هاى ثواب خداوند و ياد آورى مرگ و در آن نه فصل است

الباب السابع فى ذكر المصائب و الشدائد و البلايا و ما وعد الله من الثواب و ذكر الموت تسعة فصول

## فصل اول : در بيان صبر بر مصيبتها

الفصل الاول فيما جاء فى الصبر على المصائب

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ مُوسَىعليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمَنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرَّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ الرَّخَاءِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: شما هرگز مؤمن نخواهيد بود مگر اينكه مورد اعتماد مردم باشيد، و بلا را نعمت بدانيد، و وسعت را مصيبت شماريد، زيرا صبر بر بلا از آسايش هنگام وسعت بهتر است .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ أُعْطِيَ قَلْباً شَاكِراً وَ لِسَاناً ذَاكِراً وَ جَسَداً عَلَى الْبَلَاءِ صَابِراً وَ زَوْجَةً صَالِحَةً إِلَّا وَ قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الاْخِرَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: به هيچ بنده اى دل شكرگزار و زبان ذكركننده و بدن صبركننده در مقابل سختيها و زن پارسا داده نشد، مگر اينكه خير دنيا و آخرت به او داده شد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ تَنْزِلُ بِهِ بَلِيَّةٌ فَيَصْبِرُ ثَلَاثاً لَا يَشْكُو إِلَى أَحَدٍ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ

امام سجاد عليه‌السلام فرمود: هيچ بنده مؤمنى در مقابل مصيبتها سه روز صبر نكرد و به كسى شكايت ننمود، بجز آنكه خداوند گرفتاريش را بر طرف كند.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام مَا الصَّبْرُ الْجَمِيلُ فَقَالَ ذَاكَ الصَّبْرُ الَّذِى لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ بَعَثَ يَعْقُوبَ إِلَى رَاهِبٍ مِنَ الرُّهْبَانِ عَابِدٍ مِنَ الْعُبَّادِ فِى حَاجَةٍ فَلَمَّا رَآهُ الرَّاهِبُ حَسِبَهُ إِبْرَاهِيمَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ فَاعْتَنَقَهُ ثُمَّ قَالَ مَرْحَباً بِخَلِيلِ الرَّحْمَنِ قَالَ لَا وَ لكن لَكِنِّى يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ لَهُ الرَّاهِبُ فَمَا بَلَغَ بِكَ مَا أَرَى بِكَ الْكِبَرُ فَقَالَ الْهَمُّ وَ الْحَزَنُ وَ السُّقْمُ فَمَا جَاوَزَ عَتَبَةَ الْبَابِ حَتَّى أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا يَعْقُوبُ تَشْكُونِى إِلَى عَبْدِى فَخَرَّ سَاجِداً عِنْدَ الْبَابِ فَقَالَ يَا رَبِّ لَا أَعُودُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنِّى قَدْ غَفَرْتُ لَكَ فَلَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا فَمَا شَكَا مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ نَوَائِبِ الدُّنْيَا إِلَّا أَنَّهُ قَالَ يَوْماًنَّما أَشْكُوا بَثِّى وَ حُزْنِى إِلَى اللّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ

جابر گويد: به امام باقر عليه‌السلام عرض كردم : صبر جميل چيست ؟ فرمود: صبرى است كه در كنارش شكايتى نزد مردم نبرد، ابراهيم عليه‌السلام حضرت يعقوب را براى حاجتى نزد راهبى از راهبان و عابدى از عابدان فرستاد، چون راهب يعقوب را ديد گمان كرد او ابراهيم است ، به طرف او خيزش نمود و او را در آغوش گرفت ، سپس گفت : اى دوست خدا! خوش آمدى .

يعقوب گفت : من يعقوب بن اسحاق بن ابراهيم هستم ، راهب گفت : پس ‍ چرا اين قدر سالخورده شده اى ؟ فرمود: غم و اندوه و بيمارى چنينم نموده ، هنوز از آستانه در خارج نشده بود كه خداوند به او وحى فرمود: اى يعقوب ! شكايت مرا نزد بنده ام نمودى ؟ در اينجا حضرت كنار در به سجده افتاد، و گفت : خدايا! ديگر تكرار نخواهم كرد، خداوند به او وحى فرمود: من تو را آمرزيدم ، ديگر مثل اين سخن را نگو، پس از آن ديگر يعقوب از هيچ مصيبتى شكايت ننمود، فقط يك روز گفت : من از غم و اندوه فقط به خدا شكايت مى برم ، و من از خدا چيزى مى دانم كه شما نمى دانيد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا أَنْزِعُ كَرِيمَتَيْ عَبْدٍ فَيَصْبِرَ لِحُكْمِى وَ يُسَلِّمَ بِقَضَائِى فَأَرْضَى لَهُ ثَوَاباً دُونَ الْجَنَّةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرمود: دو چشم بنده ام را گرفتم و او بر حكم من صبر نمود و تسليم قضايم شد، در برابر آن بهشت را به او دادم .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا سَلَبَ اللَّهُ مُؤْمِناً كَرِيمَتَيْهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عِوَضَهُ مِنْهَا الْجَنَّةَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: خداوند ديدگان هيچ مؤمنى را از او نگرفت مگر اينكه عوضش را بهشت قرار داد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْعَمَى سِجْنٌ يَسْجُنُ اللَّهُ فِى الْأَرْضِ بِهِ عَبْدَهُ مَا شَاءَ إِلَى مَتَى شَاءَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: كورى زندانى است كه خداوند به واسطه آن هر بنده اش را كه بخواهد در زمين زندانى مى كند تا هر وقت بخواهد.

جَاءَ أَعْمَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَكْشِفَ بَصَرِى قَالَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ أَدْعُوَ فَعَسَى أَنْ يَكْشِفَ بَصَرَكَ وَ إِنْ شِئْتَ تَلْقَاهُ وَ لَا حِسَابَ عَلَيْكَ فَقَالَ أَلْقَاهُ وَ لَا حِسَابَ عَلَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَسْلُبَ امْرَءاً كَرِيمَتَيْهِ ثُمَّ يُعَذِّبَهُ

مردى نابينا خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! دعا كن چشمانم بينا شود. فرمود: اگر دوست دارى دعا كنم تا چشمانت بينا شود، و اگر مى خواهى (به همين شكل) خدا را بدون حساب و كتاب ملاقات كنى ؟ گفت : او را بدون حساب و كتاب ملاقات كنم ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند بزرگوارتر از آن است كه دو چشم انسانى را بگيرد، سپس او را عذاب نمايد.

كَانَ مَكْفُوفٌ مِنْ أَصْحَابِ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ وَ كَانَ يَرِقُّ لَهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْوَقَّاصِ أَ لَا أُحَدِّثُكَ حَدِيثاً عَنْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْحَوَارِيِّينَ قَالُوا لِعِيسَى يَا كَلِمَةَ اللَّهِ نُحِبُّ أَنْ تُرِيَنَا شَيْئاً نَعْرِفُ أَنَّكَ بِالْمَنْزِلِ الَّذِى أَنْتَ بِهِ مِنَ اللَّهِ فَقَالَ يَا بَنِى إِسْرَائِيلَ وَ مَا أَنْكَرْتُمْ قَالُوا مَا أَنْكَرْنَا شَيْئاً وَ لَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ تُرِيَنَا قَالَ وَ مَا تُرِيدُونَ قَالُوا سَلْ رَبَّكَ أَنْ يَرُدَّ عَلَى مَكْفُوفٍ مِنَّا بَصَرَهُ قَالَ فَاجْمَعُوا مَنْ أَحْبَبْتُمْ قَالَ فَاجْتَمَعُوا فَأَجْلَسَهُمْ عَلَى شَاطِئِ نَهْرٍ ثُمَّ قَالَ ...

در بين ياران محمّد بن حنفيه نابينايى بود كه مردم برايش دلسوزى مى كردند، ابن حنفيه به او گفت : اى ابو الوقاص ! آيا حديثى از عيسى بن مريم برايت بگويم ؟ سپس گفت :

حواريون به عيسى گفتند: اى كلمة اللّه ! دوست داريم معجزه اى نشان دهى تا منزلت تو را نزد خدا ببينيم ، عيسى گفت : اى بنى اسرائيل ! چه چيز را منكريد؟ گفتند: چيزى را انكار نمى كنيم ، ولى دوست داريم به ما (معجزه اى) نشان دهى ، گفت : چه چيز مى خواهيد؟

گفتند: از پروردگارت بخواه كه چشمان نابينايى از ما را بينا كند، گفت : هر كه را دوست داريد بياوريد، آنان جمع شدند و عيسى آنها را در كنار نهرى نشاند، سپس گفت : .....

(در اصل كتاب سفيد است)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّمَا جُعِلَتِ الْعَاهَاتُ فِى أَهْلِ الْحَاجَةِ لِئَلَّا يَسْتَتِرُوا وَ لَوْ جُعِلَتْ فِى الْأَغْنِيَاءِ اسْتَتَرَتْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نواقص جسمانى در فقرا نهاده شد، تا نتوانند آن را پنهان سازند و اگر در توانگران قرار داده مى شد آن را مى پوشاندند.

دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ كَلَّمَهُ فَلَمْ يَسْمَعْ كَلَامَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ وَ شَكَا إِلَيْهِ ثِقْلًا فِى أُذُنَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا يَمْنَعُكَ أَوْ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَعليه‌السلام فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ فَقَالَ تُكَبِّرُ اللَّهَ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ وَ تُحَمِّدُ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ تُسَبِّحُ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ تَمَامَ الْمِائَةِ قَالَ فَمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ إِلَّا يَسِيراً حَتَّى ذَهَبَ عَنِّى مَا كُنْتُ أَجِدُهُ

مردى خدمت حضرت صادق عليه‌السلام رسيد و امام با او به سخن گفتن پرداخت ، آن مرد سخنان امام را نشنيد، و از سنگينى گوشش شكايت كرد، امام فرمود: چرا تسبيح فاطمه عليها‌السلام را نمى خوانى ؟ گفت : فدايت شوم ! تسبيح فاطمه چيست ؟ فرمود: سى و چهار مرتبه اللّه اكبر و سى و سه مرتبه الحمد للّه و سى و سه مرتبه سبحان اللّه ، تا جمعا صد مرتبه گردد، وى گفت : مدت كمى اين ذكر را گفتم تا اينكه سنگينى گوشم از بين رفت .

عَنْهُ قَالَ لَا يُصْبِحُ الْمُسْلِمُ إِلَّا عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ التَّفَقُّهِ فِى الدِّينِ وَ حُسْنِ التَّقْدِيرِ فِى الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرِ عَلَى النَّائِبَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مسلمان همواره داراى سه خصلت است : تفقّه در دين ، تدبير نيكو براى زندگانى ، صبر بر سختيها.

عَنْهُ قَالَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پنهان كردن مصيبت يكى از نيكوترين گنجهاست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ قَوْماً يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَتَخَلَّلُونَ رِقَابَ النَّاسِ حَتَّى يَضْرِبُوا بَابَ الْجَنَّةِ قَبْلَ الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ لَهُمْ بِمَ تَسْتَحِقُّونَ الدُّخُولَ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَ الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ كُنَّا مِنَ الصَّابِرِينَ فِى الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روز قيامت گروهى از بالاى گردنهاى مردم عبور مى كنند تا به در بهشت مى رسند، و قبل از محاسبه خود را داخل بهشت مى كنند، به آنها مى گويند: چرا شما قبل از محاسبه مستحق رفتن به بهشت شديد؟ آنان مى گويند: ما در دنيا جزء صبركنندگان بوديم .

عَنْهُ قَالَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ وَ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: صبر نسبت به ايمان همانند سر نسبت به بدن مى باشد، هر گاه سر برود تن مى رود، همچنين هنگامى كه صبر برود ايمان مى رود.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ حُمَّى وَ لَا صُدَاعٍ وَ لَا عِرْقٍ يَضْرِبُ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ تب يا سر درد و يا ناراحتى عصبى براى انسان پيش نمى آيد مگر به واسطه گناه ، و آن گناهانى كه خداوند مى بخشد بسيار است .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَسْتَرْجِعُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمُصِيبَةِ وَ يَصْبِرُ حِينَ تَفْجَأُهُ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ كُلَّمَا ذَكَر مُصِيبَةً فَاسْتَرْجَعَ عِنْدَ ذِكْرِهِ الْمُصِيبَةَ غَفَرَ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ اكْتَسَبَهُ فِيمَا بَيْنَهُمَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر بنده اى كه گرفتار مصيبت شود، و هر گاه مصيبت به يادش آمد بگويد: (إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) و هنگامى كه برايش ‍ ناگوار آمد صبر كند، خداوند تمامى گناهان گذشته اش را مى بخشد، و هر وقت به ياد مصيبتى افتاد و كلمه استرجاع را به زبان آورد، گناهانى را كه بين دو استرجاع مرتكب شده بخشيده مى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الشَّكْوَى أَنْ يَقُولَ لَقَدِ ابْتُلِيتُ بِمَا لَمْ يُبْتَلَ بِهِ أَحَدٌ وَ يَقُولَ لَقَدْ أَصَابَنِى مَا لَمْ يُصِبْ أَحَداً وَ لَيْسَ الشَّكْوَى أَنْ يَقُولَ سَهِرْتُ الْبَارِحَةَ وَ حُمِمْتُ الْيَوْمَ وَ نَحْوَ هَذَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شكايت (از مصيبت) به اين است كه انسان بگويد: به مصيبتى گرفتار شدم كه تاكنون هيچ كس گرفتار آن نشده ، و بگويد: مصيبتى به من رسيد كه به كسى نرسيد، و شكايت (از مصيبت) به اين نيست كه بگويد: تمام ديشب را بيدار بودم و امروز تب كردم و مانند اين .

عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا أُصِيبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بَعَثَنِى الْحَسَنُ إِلَى الْحُسَيْنِعليه‌السلام وَ هُوَ بِالْمَدَائِنِ فَلَمَّا قَرَأَ الْكِتَابَ قَالَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا مَعَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ أُصِيبَ مِنْكُمْ بِمُصِيبَةٍ فَلْيَذْكُرْ مُصَابَهُ بِى فَإِنَّهُ لَنْ يُصَابَ بِمُصِيبَةٍ أَعْظَمَ مِنْهَا وَ صَدَقَ ص

مردى از پدرش نقل كند كه گفت : هنگامى كه امير مؤمنان عليه‌السلام ضربت خورد، امام حسن عليه‌السلام مرا (با نامه اى) به مدائن نزد امام حسين عليه‌السلام فرستاد، چون امام نامه را خواند فرمود: چه مصيبت بزرگى ! با اينكه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كدام از شما مصيبت زده شد مصيبتهاى مرا ياد كند، زيرا مصيبتى بزرگتر از مصيبتهاى من نيست ، و پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله درست فرمود.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام إِنْ أُصِبْتَ بِمُصِيبَةٍ فِى نَفْسِكَ أَوْ مَالِكَ أَوْ وُلْدِكَ فَاذْكُرْ مُصَابَكَ بِرَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: اگر به مصيبتى در جانت يا مالت يا فرزندت گرفتار شدى ، مصيبت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را بياد آور، زيرا هيچ كس از مخلوقات مانند او گرفتار نشدند.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَشَكَا إِلَيْهِ مُصِيبَةً أُصِيبَ بِهَا فَقَالَ لَهُ أَمَا إِنَّكَ إِنْ تَصْبِرْ تُؤْجَرْ وَ إِنْ لَمْ تَصْبِرْ يُمْضَى عَلَيْكَ قَدَرُ اللَّهِ الَّذِى قَدَّرَ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ مَأْزُورٌ

صفوان جمّال گويد: خدمت امام صادق عليه‌السلام بوديم كه مردى آمد و از مصيبتى كه به او رسيده بود شكايت نمود، امام عليه‌السلام به او فرمود: اگر صبر كنى ثواب مى برى و اگر صبر نكنى قضا و قدر الهى كه بر تو مقدر شده مى گذرد، و تو هم به ثوابى نمى رسى .

عَنْهُ قَالَ مَنْ عَزَّى حَزِيناً كُسِيَ فِى الْمَوْقِفِ حُلَّةً يُحْبَى بِهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس اندوهگينى را تسليت گويد، روز قيامت جامه اى به او بپوشانند كه باعث احترامش شود.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله التَّعْزِيَةُ تُورِثُ الْجَنَّةَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تسليت گفتن موجب دخول به بهشت است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنِّى جَعَلْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِى قَرْضاً فَمَنْ أَقْرَضَنِى مِنْهَا قَرْضاً أَعْطَيْتُهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عَشْراً إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ وَ مَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يُقْرِضْنِى مِنْهَا قَرْضاً وَ أَخَذْتُ شَيْئاً مِنْهُ قَسْراً أَعْطَيْتُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَوْ أَعْطَيْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ مَلَائِكَتِى لَرَضُوا بِهَا مِنِّى ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ الَّذِينَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قالُوا إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ أُولئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَ رَحْمَةٌ اثْنَتَانِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ثَلَاثٌ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذَا لِمَنْ أَخَذَ اللَّهُ شَيْئاً مِنْهُ قَسْراً

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: خداوند تبارك و تعالى مى فرمايد:

من دنيا را بين بندگانم قرض قرار دادم ، و هر كس از آن به من قرض دهد، در مقابل هر يك از آنها ده تا هفتصد برابر و آنچه خواهم به او بدهم ، و هر كس ‍ از آن به من قرض ندهد و چيزى از او بر خلاف ميلش بگيرم ، سه خصلت به او مى دهم كه اگر يكى از آنها را به فرشتگانم بدهم از من راضى خواهند شد.

سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد: (آنان كه چون مصيبتى ببينند، گويند: ما متعلق به خداييم و به سوى او بازمى گرديم ، براى آنها رحمتهايى از سوى پروردگارشان است)، اين يكى از آن سه خصلت است ، و «رحمت» خصلت دوّمين آن ، و «ايشانند هدايت شدگان» خصلت سوم . امام صادق عليه‌السلام فرمود: اين براى كسى است كه خدا چيزى را از او بر خلاف ميلش بگيرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ وَ يُمْسِى عَلَى شَلَلٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُمْسِيَ وَ يُصْبِحَ عَلَى الْجَرَبِ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْجَرَبِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى كه شب و روز فلج باشد برايش بهتر از اين است كه شب و روزش به بيمارى گرى بگذرد، ما به خدا پناه مى بريم از بيمارى گرى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ مِيرَاثُ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ إِذَا قَبَضَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فرزند صالح ميراث خداوند است هر گاه او را از مؤمن بگيرد.

عَنْ مِهْرَانَ قَالَ كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام يَشْكُو إِلَيْهِ مُصَابَهُ بِوَلَدِهِ وَ شِدَّةَ مَا دَخَلَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَ مِنْ وُلْدِهِ أَنْفَسَهُ لِيَأْجُرَهُ عَلَى ذَلِكَ

مهران گويد: مردى به امام باقر عليه‌السلام نامه اى نوشت ، و از مصيبت فرزندش و سختيهايى كه بر او وارد شده بود شكايت نمود، امام عليه‌السلام به او نوشت : آيا نمى دانى كه خداوند مال مؤمن و فرزندانش را مى گيرد تا در مقابل پاداشش دهد؟

فصل دوم : در بيان فضيلت بيمارى و پنهان كردن آن

الفصل الثانى فيفضل المرض و كتمانه)

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ الْجَسَدُ إِذَا لَمْ يَمْرَضْ أَشِرَ وَ لَا خَيْرَ فِى جَسَدٍ يَأْشَرُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه بدن بيمار نشود شرارتش بيشتر است ، و بدنى كه شرارت برساند خير ندارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنُ فِى قَلْبِهِ لَعَصَّبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعِصَابَةِ حَدِيدٍ لَا يُصَدَّعُ رَأْسُهُ أَبَداً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد: اگر بنده مؤمنم دل آزرده نمى شد، سر كافر را با دستمال آهنى مى بستم تا هرگز سرش درد نگيرد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيَاحُ كَذَا وَ كَذَا وَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَّةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِى لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفَهُ قَصْفاً

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: حكايت مؤمن حكايت ساقه گياهى است كه بادها او را به اين سو و آن سو حركت مى دهند، مؤمن را هم دردها و بيماريها خم و راست مى كنند، و حكايت منافق حكايت عصاى آهنين راستى است كه آسيبى به آن نرسد، تا مرگش فرا رسد و او را درهم شكند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ عُودُوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُوهُمُ الدُّعَاءَ يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ مَرِضَ لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِبَادَةَ سِتِّينَ سَنَةً قُلْتُ مَا مَعْنَى قَبُولِهَا قَالَ لَا يَشْكُو مَا أَصَابَهُ فِيهَا إِلَى أَحَدٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از بيمارانتان عيادت كنيد و از آنان بخواهيد تا برايتان دعا كنند، زيرا دعاى آنان با دعاى فرشتگان برابرى مى كند، و هر كس شبى بيمار شود و آن را به خوشنودى بپذيرد، خداوند ثواب عبادت شصت سال را برايش بنويسد، پرسيدم :

معناى پذيرفتن آن چيست ؟ فرمود: از مصيبتى كه برايش پيش آمده نزد كسى شكايت نكند.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ عُودُوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُوا أَنْ يَدْعُوا اللَّهَ لَكُمْ فَإِنَّ دُعَاءَهُمْ يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ مَرِضَ لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَ أَدَّى شُكْرَهَا إِلَى اللَّهِ كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قَالَ أَبِى قُلْتُ لَهُ مَا قَبُولُهَا قَالَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا وَ لَا يُخْبِرُ بِمَا كَانَ فِيهَا فَإِذَا أَصْبَحَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا كَانَ فِيهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: به عيادت بيمارانتان برويد و از آنان بخواهيد تا برايتان دعا كنند، زيرا دعاى آنان با دعاى فرشتگان برابر است ، هر كس ‍ شبى مريض شود و آن را به خوشنودى بپذيرد و شكرش را بجا آورد، اين شكر معادل با شصت سال عبادت است .

راوى گويد: از امام پرسيدم : معناى قبولش چيست ؟ فرمود: بر آن صبر كند، و كسى را به گرفتاريش خبر ندهد، و هر گاه شبش را به صبح رساند خدا را بر آنچه مبتلايش بوده سپاس گويد.

## فصل سوم : در بيان حزن و اندوه

(الفصل الثالث فى الحزن)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَهَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه گناهان بنده زياد شود و عملى هم كه پوشاننده گناهان باشد نداشته باشد، خداوند او را به اندوه مبتلا مى سازد تا كفّاره گناهانش باشد.

وَ قِيلَ عَزَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام الْأَشْعَثَ بْنَ قَيْسٍ عَلَى ابْنِهِ فَقَالَ إِنْ تَحْزَنْ فَقَدِ اسْتَحَقَّ ذَلِكَ مِنْكَ الرَّحِمُ وَ إِنْ تَصْبِرْ فَفِى اللَّهِ خَلَفُكَ مِنِ ابْنِكَ وَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَ أَنْتَ مَأْجُورٌ وَ إِنْ جَزِعْتَ جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَ أَنْتَ مَأْثُومٌ

حضرت على عليه‌السلام به اشعث بن قيس كه فرزندش را از دست داده بود تسليت گفت و فرمود: اگر غمگين شوى به خاطر فرزندت بوده و مانعى ندارد، و اگر صبر كنى خداوند به جاى فرزندت به تو پاداش دهد، و اگر صبر كنى مقدّر الهى بر تو جارى مى شود و تو اجر مى برى ، ولى اگر بيتابى كنى قضا و قدر بر تو جارى شود و تو گناهكار باشى .

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَمْ يَجِدْ مَا يُكَفِّرُهَا بِهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْحُزْنِ فِى الدُّنْيَا لِيُكَفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا عَذَّبَهُ فِى قَبْرِهِ فَيَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس گناهانش زياد شود، و كفّاره اى براى آن نيابد خداوند در دنيا او را به غم و اندوه گرفتار سازد تا كفّاره گناهانش باشد، اگر هم اين كار را با او نكند او را در قبرش عذاب دهد، و در روز ملاقات با خدا در حالى باشد كه چيزى از گناهانش باقى نباشد تا بر ضرر او شهادت دهد.

وَ مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال هر دل محزون و غمگينى را دوست دارد.

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِنِّى رُبَّمَا حَزِنْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِى أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا وَلَدٍ وَ رُبَّمَا فَرِحْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِى أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا وَلَدٍ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكٌ وَ شَيْطَانٌ فَإِذَا كَانَ فَرَحُهُ كَانَ دُنُوُّ الْمَلَكِ مِنْهُ وَ إِذَا كَانَ حَزَنُهُ كَانَ دُنُوُّ الشَّيْطَانِ مِنْهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّيْطانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشاءِ وَ اللّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ

عبد الرحمن گويد: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام عرض كردم : من گاهى به اندازه اى غمگين مى شوم كه خانواده و مال و فرزندم را نمى شناسم ، و گاهى چنان خوشحال هستم كه خانواده و مال و فرزندم را نمى شناسم .

امام عليه‌السلام فرمود: هر شخصى براى خود شيطان و فرشته اى دارد، هر گاه خوشحال باشد فرشته اى به او نزديك شود، و هر گاه غمگين شود شيطان ، و اين معناى سخن خداوند عزّ و جلّ است كه مى فرمايد: (شيطان به شما وعده فقر مى دهد و شما را وادار به كارهاى زشت مى كند، و خداوند شما را به آمرزش و فزونيش بشارت مى دهد، و خداوند گشايشگر و داناست).

## فصل چهارم : در بيان آرامش دل

(الفصل الرابع فى التسلية)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَوْ لَا إِلْحَاحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِى طَلَبِ الرِّزْقِ لَنَقَلَهُمْ مِنَ الْحَالِ الَّتِى هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ هِيَ أَضْيَقُ مِنْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر مؤمنين براى طلب روزى نزد خداى عزّ و جلّ اصرار نمى ورزيدند، خداوند آنان را از حالى كه در آن هستند به معيشت تنگترى مبتلا مى كرد.

شَكَا الْحَوَارِيُّونَ إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ تَهَاوُنَ النَّاسِ بِهِمْ وَ بُغْضَهُمْ لَهُمْ فَقَالَ اصْبِرُوا كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُونَ مُبْغَضُونَ فِى النَّاسِ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الْقَمْحِ مَا أَحْلَى مَذَاقَهَا وَ أَكْثَرَ أَعْدَاءَهَا وَ الْقَمْحُ الْبُرُّ

حواريون به حضرت عيسى عليه‌السلام از مردم نسبت به خوار نمودنشان و دشمنى كردنشان با آنان شكايت كردند، فرمود: صبر كنيد، مؤمنان هميشه در بين مردم مورد دشمنى هستند، حكايت آنان حكايت گندم است كه طعمى شيرين دارد و دشمنانش بسيارند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُذْكَرَ خَمَلَ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخْمُلَ ذُكِرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كه دوست داشته باشد كه مشهور شود گمنام گردد، و هر كه دوست بدارد گمنام بماند مشهور شود.

عَنْهُعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ ثُمَّ قَالَ أَ مَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَكُونُ فِى الْقَبِيلَةِ صَالِحاً فَيُقَالُ إِنَّ فُلَاناً لَغَرِيبٌ فِيهِمْ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: اسلام در آغاز غريب بود، و به زودى به همان حالى كه آغاز شد بر مى گردد، خوشا به حال غريبان ، سپس فرمود: آيا مرد صالحى را در قبيله اى نديده اى كه در باره اش مى گويند: فلانى در بين آنان غريب است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بِرَاعِى إِبِلٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ فَقَالَ أَمَّا مَا فِى ضُرُوعِهَا فَصَبُوحُ الْحَيِّ وَ أَمَّا مَا فِي آنِيَتِهَا فَغَبُوقُهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَ وُلْدَهُ ثُمَّ مَرَّ بِرَاعِى غَنَمٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ فَحَلَبَ لَهُ مَا فِى ضُرُوعِهَا وَ أَكْفَأَ مَا فِى إِنَائِهِ فِى إِنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَعَثَ إِلَيْهِ بِشَاةٍ وَ قَالَ هَذَا مَا عِنْدَنَا وَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ نَزِيدَكَ زِدْنَاكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكَفَافَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعَوْتَ لِلَّذِى رَدَّكَ بِدُعَاءٍ عَامَّتُنَا نُحِبُّهُ وَ دَعَوْتَ لِلَّذِى أَسْعَفَكَ بِحَاجَتِكَ بِدُعَاءٍ كُلُّنَا نَكْرَهُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ مَا قَلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ

حضرت سجاد عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به شترچرانى گذر كرد و كسى را فرستاد تا از او شير بخواهد، شتربان گفت : آنچه در پستان شتران است صبحانه قبيله و آنچه در ظرفهاست شام ايشان است ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خدايا! مال و فرزندانش را زياد كن .سپس از كنار گوسفندچرانى گذر كرد، و كسى را فرستاد تا از او شير بگيرد، چوپان گوسفندها را دوشيد و هر چه در ظرف داشت در ظرف رسول خدا ريخت و گوسفندى هم براى حضرت فرستاد، و عرض كرد: همين مقدار نزد ما بود، و اگر بيش از اين هم بخواهى به شما مى دهيم ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پروردگارا! او را به قدر كفايت روزى ده ، يكى از اصحاب عرض كرد: اى رسول خدا! براى كسى كه ردّت كرد دعائى فرمودى كه همه ما آن را دوست داريم ، و براى كسى كه حاجتت را بر آورد دعايى كردى كه همه ما ناخوش داريم ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آنچه كم باشد و كفايت كند بهتر از زيادى است كه دل را مشغول دارد، پروردگارا! به محمّد و آلش به قدر كفاف روزى عطا كن .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام إِذَا بَلَغْتَ سِتِّينَ سَنَةً فَاحْسُبْ نَفْسَكَ فِى الْمَوْتَى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه به شصت سالگى رسيدى ، خودت را جزء مردگان به حساب آور.

## فصل پنجم : در بيان گرفتاريهاى مؤمن

(الفصل الخامس فى ذكر ما جاء فى المؤمن و ما يلقى من أ ذى الناس و بغضهم إ ياه)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى حَمْزَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَا أَبَا حَمْزَةَ إِنْ تَرَكْتَ النَّاسَ لَمْ يَتْرُكُوكَ وَ إِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ يَرْفُضُوكَ قُلْتُ وَ مَا أَصْنَعُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَعْطِهِمْ مِنْ عِرْضِكَ لِيَوْمِ فَقْرِكَ

ابو حمزه گويد: امام سجاد عليه‌السلام فرمود: اى ابو حمزه ! اگر مردم را هم ترك كنى تو را ترك نكنند، و اگر از آنان فاصله بگيرى از تو فاصله نگيرند، گفتم : فدايت شوم ، چه كنم ؟

فرمود: از آبرو و اعتبارات خود به آنان بده ، تا ذخيره روز نيازمنديت شود.

عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ لِى يَا مُرَازِمُ لَا يَكُنْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ إِلَّا خَيْرٌ وَ إِنْ شَتَمُونَا

مرازم گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى مرازم ! همواره با مردم به نيكى رفتار كن ، گرچه به ما فحش دهند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ وَ لَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ نَبِيٌّ وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نبوده و نخواهد بود تا روز قيامت پيامبر و مؤمنى مگر اينكه براى او همسايه اى باشد كه آزارش دهد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ وَ لَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ نَبِيٌّ وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ رَحِمٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كند كه فرمود: نبوده و نخواهد بود تا روز قيامت پيامبر و مؤمنى ، مگر اينكه براى او خويشاوندى است كه اذيّتش مى كند.

عَنْهُ قَالَ مَا أَفْلَتَ الْمُؤْمِنُ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ وَ لَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِمَّا بَعْضُ مَنْ يَكُونُ مَعَهُ فِى الدَّارِ يُغْلِقُ عَلَيْهِ بَابَهُ وَ يُؤْذِيهِ أَوْ جَارٌ يُؤْذِيهِ أَوْ مَنْ فِى طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِناً عَلَى قُلَّةِ جَبَلٍ لَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ شَيْطَاناً يُؤْذِيهِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيمَانِهِ أُنْساً لَا يَسْتَوْحِشُ مَعَهُ إِلَى أَحَدٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن همواره گرفتار يكى از سه چيز است ، و گاهى هر سه بر وى گرد آيند:

يا دشمنى كسى كه با او در خانه اى است ، كه در را به رويش مى بندد و اذيّتش مى كند، يا همسايه اى كه آزارش مى دهد، يا كسى كه در راه محلّ كارش او را اذيّت مى كند، و اگر مؤمنى بر قلّه كوهى هم باشد خداوند شيطانى را بر مى انگيزد تا او را اذيّت كند، و خداوند از ايمانش براى او مونسى قرار مى دهد كه از وحشت به كسى پناه نبرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِناً عَلَى لَوْحٍ فِى الْبَحْرِ لَقَيَّضَ اللَّهُ لَهُ شَيْطَاناً يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر مؤمنى بر روى تخته پاره اى در دريا باشد، خداوند شيطانى را بگمارد كه اذيّتش كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيَأْذَنْ بِحَرْبٍ مِنِّى مَنْ آذَى عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ وَ لْيَأْمَنْ غَضَبِى مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنْ خَلْقِى فِى الْأَرْضِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَاسْتَغْنَيْتُ بِهِمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ فِي أَرْضِى وَ لَقَامَتْ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَ أَرَضِينَ بِهِمَا وَ جَعَلْتُ لَهُمَا مِنْ إِيمَانِهِمَا أُنْساً لَا يَحْتَاجَانِ إِلَى أُنْسٍ سِوَاهُمَا

امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: بايد به من اعلان جنگ دهد آن كسى كه بنده مؤمنم را اذيت كرده است ، و از غضبم در امان خواهد بود آن كس كه بنده مؤمنم را گرامى داشت ، اگر از مخلوقاتم در زمين بين مشرق و مغرب فقط يك مؤمن به همراه امامى عادل باشد، از تمامى آنچه روى زمين خلق نموده ام بى نياز مى شوم ، و به وسيله همين دو نفر آسمانها و زمين به پاى داشته مى شود، و از ايمانشان براى آنان انسى قرار دهم كه به انسى غير از آن نيازمند نگردند.

قَالَعليه‌السلام أَرْبَعَةٌ لَا يَخْلُو مِنْهُنَّ الْمُؤْمِنُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ وَ هِيَ أَيْسَرُهُنَّ وَ مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ عَدُوٌّ يُجَاهِدُهُ وَ شَيْطَانٌ يَفْتِنُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن از چهار چيز يا يكى از آنها جدا نيست : مؤمنى كه به او حسادت مى ورزد، كه اين از همه برايش آسان تر است ، منافقى كه دائما در تعقيب اوست ، دشمنى كه با او ستيزه مى كند، شيطانى كه فريبش مى دهد.

عَنْ أَبِى الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ شَيْخٌ كَبِيرٌ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ وُلْدِى وَ عُقُوقَهُمْ وَ إِخْوَانِى وَ جَفَاهُمْ لِى عِنْدَ كِبَرِ سِنِّى فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا هَذَا إِنَّ لِلْحَقِّ دَوْلَةً وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةً وَاحِدٌ مِنْهُمَا ذَلِيلٌ فِى دَوْلَةِ صَاحِبِهِ وَ إِنَّ أَدْنَى مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ فِى دَوْلَةِ الْبَاطِلِ الْعُقُوقُ مِنْ وُلْدِهِ وَ الْجَفَاءُ مِنْ إِخْوَانِهِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُصِيبُ شَيْئاً مِنَ الرَّفَاهِيَةِ فِى دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا ابْتُلِيَ قَبْلَ مَوْتِهِ إِمَّا فِى بَدَنِهِ وَ إِمَّا فِى وُلْدِهِ وَ مَالِهِ حَتَّى يُخَلِّصَهُ اللَّهُ بِمَا اكْتَسَبَ فِى دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ يُوَفِّرَ لَهُ حَظَّهُ فِى دَوْلَةِ الْحَقِّ فَاصْبِرْ وَ اسْتُرْ

ابو الصباح كنانى گويد: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام بودم كه پير مردى وارد شد و گفت : يا ابا عبد اللّه ! من از فرزندانم و ناسپاسيشان و از برادرانم و جفا كاريشان نسبت به خود با وجود سالخوردگى شكايت دارم ، امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى پير مرد! براى حق دولتى است و براى باطل دولتى ، و هر يك از اين دو نزد دولت رفيقش خوار است ، و كمترين مصيبتى كه مؤمن از دولت باطل مى بيند آزار ديدن از فرزندان و جفا كارى برادرانش است ، و هيچ مؤمنى نباشد كه در دولت باطل آسايشى بيند، جز آنكه قبل از مرگش گرفتار گردد، يا در بدنش يا در فرزندش يا در مالش ، تا خداوند او را از آنچه در دوران حكومت باطل به دست آورده رها سازد، و بهره اش را در دولت حق بسيار گرداند، اينك صبر كن و تو را مژده باد.

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ عَاشَ مُدَارِياً مَاتَ شَهِيداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه در زندگانى با مردم مدارا كند شهيد مى ميرد.

وَ قَالَ مُدَارَاةُ النَّاسِ صَدَقَةٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مدارا نمودن با مردم صدقه است .

وَ رُوِيَ أَنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ إِلَهِى فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَبَرَ عَلَى أَذَى النَّاسِ وَ شَتْمِهِمْ فِيكَ قَالَ أُعِينُهُ عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

نقل شده كه موسى بن عمران عليه‌السلام عرض كرد: خدايا! پاداش ‍ كسى كه در برابر اذيّت و كتك مردم صبر كند چيست ؟ فرمود: او را در مقابل وحشت و هراس روز قيامت يارى مى كنم .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَا يَنْفَكُّ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ يُغْوِيهِ وَ مُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ قَالَ سَمَاعَةُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ قَالَ يَا سَمَاعَةُ أَمَا إِنَّهُ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُولُ الْقَوْلَ فِيهِ فَيُصَدَّقُ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن از چهار خصلت جدا نيست : از همسايه اى كه اذيّتش مى كند، و شيطانى كه او را گمراه مى نمايد، و منافقى كه دائما تعقيبش مى كند، و مؤمنى كه نسبت به او حسادت مى ورزد.

سماعه گويد: عرض كردم : فدايت شوم ، مؤمنى كه نسبت به او حسادت مى ورزد؟

فرمود: اى سماعه بدان ! حسد مؤمن از همه بر او سخت تر است . گفتم : چگونه ؟ فرمود:

زيرا در باره اش بد گويى مى كند و مردم هم تصديقش مى كنند.

عَنْهُ قَالَ إِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ لَا تُعْرَفُوا فَافْعَلُوا وَ مَا عَلَيْكَ إِنْ لَمْ يُثْنِ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ أَنْ تَكُونَ عِنْدَ النَّاسِ مَذْمُوماً إِذَا كُنْتَ وَ كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُوداً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر توانستيد گمنام بمانيد، اين كار را بكنيد، تو را چه مى شود اگر مردم تمجيدت نكنند، و اينكه نزد مردم مورد مذمّت باشى در حالى كه نزد خداوندت ستوده باشى .

مِنَ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ لَمْ يَحْتَمِلِ الْجَفَاءَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ مِنْ غَيْرِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس تحمّل بدگويى مردم را نداشته باشد، در برابر نعمت شكرگزار نيست .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى بَلَايَا أَرْبَعٍ أَشَدُّهَا عَلَيْهِ مُؤْمِنٌ مِثْلُهُ يَقُولُ مِثْلَ قَوْلِهِ وَ يَحْسُدُهُ وَ الثَّانِى مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ الثَّالِثُ شَيْطَانٌ يَتَعَرَّضُ بِنَفْسِهِ وَ يُضِلُّهُ وَ الرَّابِعُ كَافِرٌ بِالَّذِى آمَنَ بِهِ الْمُؤْمِنُ يَرَى جِهَادَهُ جِهَاداً فَمَا بَقَاءُ الْمُؤْمِنِ عَلَى هَذَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند از مؤمن در مورد چهار گرفتارى پيمان گرفته : سخت ترين آنها بر او، مؤمنى مانند خودش است كه مثل سخن او را مى گويد و نسبت به وى حسادت مى ورزد، و دوم منافقى كه هميشه در تعقيب اوست ، سوم شيطانى كه در جانش رخنه كند و گمراهش سازد، چهارم كافرى كه به باورهاى مؤمن عقيده نداشته باشد، و مبارزه مؤمن را براى خود جهادى بداند، بنا بر اين چگونه مؤمن صبر و شكيبائى بر چنين گرفتارى نمايد؟

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَكُونُوا إِخْوَانِى وَ أَصْحَابِى فَوَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ مِنَ النَّاسِ وَ إِلَّا فَلَسْتُمْ لِي بِأَصْحَابٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر خواستيد از برادران و اصحاب من باشيد، بايد خود را براى دشمنى و كينه مردم نسبت به خود آماده سازيد، و گر نه اصحاب من نيستيد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْحَوَارِيِّينَ شَكَوْا إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مَا يَلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَزَالُوا مُبْغَضِينَ فِى النَّاسِ كَحَبَّةِ الْقَمْحِ مَا أَحْلَى مَذَاقَهَا وَ أَكْثَرَ أَعْدَاءَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حواريّون از اذيّت و آزار مردم نسبت به خودشان به عيسى بن مريم شكايت كردند، عيسى فرمود: مؤمنان همواره مورد خشم مردمند، مانند دانه گندم كه داخلش شيرين و دشمنانش ‍ بسيارند.

عَنْهُ قَالَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْداً إِلَّا أَغْرَى بِهِ هَذَا الْخَلْقَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند هيچ بنده اى را دوست ندارد، مگر اينكه مردم نسبت به او دشمنى مى ورزند.

عَنْهُ قَالَ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتَّى يَكُونَ أَبْغَضَ عِنْدَ النَّاسِ مِنْ جِيفَةِ حِمَارٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ايمان مؤمن به اثبات نرسد، مگر اينكه نزد مردم از لاشه الاغى پست تر باشد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُؤْمِنَ عَلَى أَنْ لَا يُقْبَلَ قَوْلُهُ وَ لَا يَنْتَصِفَ مِنْ عَدُوِّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند مؤمن را در حالتى قرار دهد كه سخنش مورد قبول واقع نشود، و (در موقع درگيرى با دشمن) در باره اش به عدالت رفتار نشود.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُؤْمِنَ فِى الدُّنْيَا غَرَضاً لِعَدُوِّهِ فِى قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَقاهُ اللّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَقَدْ سَطَوْا عَلَيْهِ فَقَتَلُوهُ وَ لَكِنْ وَقَاهُ أَنْ يَفْتِنُوهُ فِى دِينِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند مؤمن را در دنيا در تيررس ‍ دشمنش قرار داده ، و فرمود:

(خداوند او را از بديهاى مكر و حيله حفظ كرد). سپس امام عليه‌السلام فرمود: بدانيد، به خدا قسم دشمنان محاصره اش كردند و او را كشتند، ولى خداوند او را از ضربه خوردن به دينش حفظ نمود.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ إِنَّ مَنْ قِبَلَنَا يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً نَوَّهَ مُنَوِّهٌ بِاسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَاناً فَأَحِبُّوهُ فَيُلْقِى اللَّهُ مَحَبَّتَهُ فِى قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْداً نَوَّهَ مُنَوِّهٌ بِاسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ فُلَاناً فَأَبْغِضُوهُ فَيُلْقِى اللَّهُ لَهُ الْبَغْضَاءَ فِى قُلُوبِ الْعِبَادِ قَالَ وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُتَّكِياً فَاسْتَوَى قَاعِداً ثُمَّ نَفَضَ كُمَّهُ وَ قَالَ لَيْسَ هَكَذَا وَ لَكِنْ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْداً أَغْرَى بِهِ النَّاسَ لِيَقُولُوا فِيهِ مَا يُؤْجِرُهُ وَ يُؤْثِمُهُمْ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْداً أَلْقَى الْمَحَبَّةَ فِى قُلُوبِ الْعِبَادِ لِيَقُولُوا فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ فَيُؤْثِمَهُمْ وَ إِيَّاهُ ثُمَّ قَالَ مَنْ كَانَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا ثُمَّ أُغْرِيَ بِهِ جَمِيعُ مَنْ رَأَيْتَ حَتَّى صَنَعُوا بِهِ مَا صَنَعُوا وَ مَنْ كَانَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّعليه‌السلام ثُمَّ أُغْرِيَ بِهِ مَنْ أُغْرِيَ مِنَ النَّاسِ حَتَّى قَتَلُوهُ لَيْسَ كَمَا قَالُوا

مفضّل بن عمر گويد: مردى خدمت حضرت صادق عليه‌السلام در حالى كه من هم حضور داشتم عرض كرد: پيشينيان ما بر اين عقيده بوده اند كه هر گاه خداوند بنده اى را دوست بدارد، نداكننده اى او را از آسمان به نامش صدا زند، كه خداوند فلانى را دوست دارد، شما نيز دوستش بداريد، در اين هنگام خداوند محبتش را در دلهاى بندگان جاى دهد، و هر گاه بنده اى مورد خشم خدا واقع شود، منادى از آسمان اسم او را صدا زند و گويد:

فلانى مورد خشم خداوند قرار گرفته ، شما هم نسبت به او غضب كنيد، در اين هنگام خداوند كينه او را در دل بندگان قرار مى دهد.

مفضل گويد: امام صادق عليه‌السلام (كه تا آن موقع) تكيه كرده بود، پس از شنيدن كلام آن مرد راست نشست و تكانى به آستينش داد، سپس فرمود: اين چنين نيست ، بلكه خداوند هر گاه بنده اى را دوست بدارد مردم را به توسط او امتحان مى كند، تا در باره او سخنانى بگويند كه او اجر ببرد و آنان به گناه آلوده گردند، و هر گاه بنده اى را مورد غضب قرار دهد، محبتش را در دل مردم اندازد تا در باره اش سخنانى بگويند كه در او نيست ، تا هم خود و هم آنان به گناه آلوده گردند.

سپس فرمود: چه كسى از يحيى بن زكريا نزد خدا محبوبتر بود؟ همه مردم را بر انگيخت تا او را آن طور كشتند، و چه كسى از حسين بن على عليه‌السلام نزد خداوند محبوبتر است ؟ نسبت به او عده اى از مردم را بر انگيخت تا اينكه او را كشتند، مطلب آن طور كه مى گويند نيست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِمَّنْ هُوَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لَيُؤْخَذُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فَتُقْطَعُ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ وَ يُصْلَبُ عَلَى جُذُوعِ النَّخْلِ وَ يُشَقُّ بِالْمِنْشَارِ فَلَا يَعْدُو ذَلِكَ نَفْسَهُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْساءُ وَ الضَّرّاءُ الاْيَةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قبل از شما نيز كسانى بودند و عقيده شما را داشتند، ولى وقتى يكى از آنان (توسط كفّار) گرفته مى شد دست و پايش ‍ را قطع مى كردند و بر شاخه هاى خرما دار مى زدند، و به وسيله ارّه قطعه قطعه مى شدند، ولى او ناراحت نمى شد و صبر مى نمود. سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (آيا گمان كرديد كه وارد بهشت مى شويد بدون امتحانى كه پيش از شما بر گذشتگان آمد كه بر آنان رنج و سختيها رسيد).

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ لَيُوضَعُ الْمِنْشَارُ عَلَى مَفْرِقِ رَأْسِهِ فَيُخْرَجُ بَيْنَ رِجْلَيْهِ فَلَا يَعْدُو نَفْسَهُ وَ إِنَّ أَحَدَ هَؤُلَاءِ لَوْ بُلِيَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ لَأَهْلَكَ أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: قبل از شما كسانى بودند كه بر فرق سرش ‍ ارّه قرار داده مى شد، و از بين دو پايش بيرون مى آمد، ولى آنان صبر مى كردند، اگر يكى از آنها به يكى از اين مصيبتها گرفتار مى شد (و صبر مى كرد) امتى را هلاك مى ساخت .

عَنْهُ قَالَ فِى قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كانُوا يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذلِكَ بِما عَصَوْا وَ كانُوا يَعْتَدُونَ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا وَ اللَّهِ مَا حَارَبُوهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ لَا قَتَلُوهُمْ بِأَسْيَافِهِمْ وَ لَكِنْ سَمِعُوا أَحَادِيثَهُمْ فَأَذَاعُوهَا عَلَيْهِمْ فَأُخِذُوا وَ قُتِلُوا فَصَارَ قَتْلًا وَ اعْتِدَاءً وَ مَعْصِيَةً

امام صادق عليه‌السلام در تفسير آيه شريفه (اين به خاطر كفرشان به آيات خداوند بود و پيامبران را به ناحق كشتن ، همه اينها به خاطر آن بود كه گناهكار و متجاوز بودند) فرمود: به خدا قسم آنان با پيامبران با دستانشان نجنگيدند و آنها را با شمشيرهايشان نكشتند، بلكه اسرار آنها را شنيدند و بر عليه آنان (در بين دشمن) پخش كردند، در نتيجه پيامبران به بند كشيده شدند و كشته شدند، از اين رو عملشان كشتار و تجاوز و گناه به حساب آمد.

عَنْهُ قَالَ الشَّيَاطِينُ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَكْثَرُ مِنَ الذُّبَابِ عَلَى اللَّحْمِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شيطانهاى پيرامون مؤمن بيش از مگسهاى چسبيده به گوشت است .

عَنْهُ قَالَ مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ وَ لَيْسَ بِكَائِنٍ نَبِيٌّ وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ قَدْ سُلِّطَ عَلَيْهِمْ حَمِيمٌ يُؤْذِيهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ حَمِيمٌ فَجَارٌ يُؤْذِيهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذلِكَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نبوده و نخواهد بود پيامبر و مؤمنى ، جز آنكه خويشاوندى دارد كه او را آزار مى دهد، اگر خويشاوند ندارد همسايه اى كه اذيّتش كند، و اين معناى قول خداى عزّ و جلّ است كه : (و اين چنين براى هر پيامبرى دشمنى از مجرمان قرار داديم).

عَنْهُ قَالَ إِنْ أَصَابَكُمْ تَمْحِيصٌ فَاصْبِرُوا فَإِنَّمَا يَبْتَلِى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَمْ يَزَلْ إِخْوَانُكُمْ قَلِيلًا أَلَا وَ إِنَّ أَقَلَّ أَهْلِ الْمَحْشَرِ الْمُؤْمِنُونَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر برايتان گرفتارى پيش آمد صبر كنيد، زيرا خداوند مؤمنين را در بوته آزمايش قرار مى دهد، و برادران دينيتان هميشه اندك مى باشند، و كمترين افراد در محشر مؤمنين هستند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ أَصَابَ الْقَحْطُ قَوْماً فِى زَمَانِ هُودٍ النَّبِيِّ فَأَتَوْهُ لِيَسْتَسْقِيَ لَهُمْ فَخَرَجَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ مَنْزِلِهِ عَجُوزٌ سَلِيطَةٌ صَيَّاحَةٌ فَقَالَتْ فَلِمَ لَا يَسْتَسْقِى لِنَفْسِهِ فَقَالُوا أَرْشِدِينَا إِلَيْهِ قَالَتْ هُوَ فِى زَرْعٍ لَهُ يَسْتَسْقِيهِ فَأَتَوْهُ فَأَتَيْنَاهُ فَإِذَا هُوَ كُلَّمَا زَرَعَ بَاباً قَامَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا حَاجَتُكُمْ قَالُوا جِئْنَاكَ فِى حَاجَةٍ فَرَأَيْنَا أَعْجَبَ مِمَّا جِئْنَا قَالَ وَ مَا رَأَيْتُمْ قَالُوا رَأَيْنَا عَجُوزاً خَرَجَتْ مِنْ مَنْزِلِكَ سَلِيطَةً صَيَّاحَةً فَصَاحَتْ فِى وُجُوهِنَا فَقَالَ تِلْكَ امْرَأَتِى وَ إِنِّى لَأُحِبُّ طُولَ بَقَائِهَا فَقَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ مَا تُحِبُّ مِنْ طُولِ بَقَائِهَا قَالَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ فَأَنَا أَحْمَدُ اللَّهَ أَنْ جَعَلَ الَّذِى يُؤْذِينِى تَحْتَ يَدِى وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَلَّطَ عَلَيَّ شَرّاً مِنْهَا

امام باقر عليه‌السلام فرمود: در زمان حضرت هود عليه‌السلام عدّه اى گرفتار قحطى شدند، آنان نزد هود رفتند تا دعا كند خداوند باران رحمتش را نازل كند، در اين هنگام پير زنى بد زبان و فحّاش از منزل هود خارج شد و گفت : چرا هود براى خودش چنين دعايى نمى كند؟

مردم گفتند: ما را به نزد او ببر، گفت : او اكنون در ميان مزرعه مشغول آبيارى است ، به آنجا برويد، ما نزد او رفتيم ، هود هر قسمتى را كه زراعت مى كرد مى ايستاد و دو ركعت نماز مى خواند، در اين هنگام هود متوجه آنان گشت و گفت : حاجت شما چيست ؟

گفتند: ما براى حاجتى آمديم ولى چيزى شگفت انگيزتر از حاجت خود مشاهده كرديم .

گفت : چه ديديد؟ گفتند: پير زن بد زبان و فحّاشى را ديديم كه از منزلت خارج شد و بر سر ما فرياد كشيد.

فرمود: او همسر من است و من دوست دارم كه سالها زنده بماند، گفتند: اى پيامبر خدا! چرا خواهان طول عمر او هستى ؟ گفت : زيرا هيچ مؤمنى نيست ، جز آنكه كسى را دارد كه اذيّتش كند، من هم خدا را شكر مى كنم كه اذيّت كننده ام را زير دستم قرار داده ، و اگر چنين نبود كسى بدتر از او بر من مسلّط مى شد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَوْ كَانَ الْمُؤْمِنُ فِى جُحْرِ فَأْرَةٍ لَقَيَّضَ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كند كه فرمود: اگر مؤمن در سوراخ موشى هم باشد، خداوند آزار دهنده اى را بر او مى گمارد.

وَ قَالَ الْمُؤْمِنُ مُكَفَّرٌ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن آمرزيده شده است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوبَ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ وَ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ أَذَلَّ مِنْ شَاةٍ مَيِّتَةٍ

امير مؤمنان عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دنيا به آخر نرسد، تا اينكه قلب مؤمن آب شود، و دنيا تمام نمى شود مگر اينكه مؤمن از يك گوسفند مرده خوارتر شود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ ابْتُلِيَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْخَاصَّةِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلُ بَيْتٍ فَجَارُهُ الْأَدْنَى فَالْأَدْنَى

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مؤمن همواره در زندگى خصوصيش گرفتار است ، اگر هم خانواده اى نداشته باشد گرفتار نزديكترين همسايگانش ‍ است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍعليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا يُضِرُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا أَيَّ مِيتَةٍ يَمُوتُ أَكْلُ السَّبُعِ أَوِ احْتِرَاقٌ بِالنَّارِ أَوْ إِغْرَاقٌ بِالْمَاءِ أَوْ صَلْبٌ أَوْ قَتْلٌ هُوَ وَ اللَّهِ صِدِّيقٌ شَهِيدٌ

امام حسن مجتبى عليه‌السلام فرمود: از پدرم شنيدم كه مى فرمود: شيعه به هر صورتى بميرد زيان نمى بيند، چه خوراك درندگان شود، يا به آتش ‍ سوزانده شود، يا در آب غرق شود، يا به دار آويخته شود، يا كشته شود، بخدا قسم ، او به هر حال جزء صدّيقان و شهيدان است .

## فصل ششم : در بيان گرفتارى و امتحان مؤمن

(الفصل السادس فى الابتلاء و الاختبار)

مِنْ كِتَابِ الصَّبْرِ وَ التَّأْدِيبِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى فِى حَاجَةٍ فَيَقُولُ اللَّهُ أَخَّرْتُ حَاجَتَهُ شَوْقاً إِلَى دُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدِى دَعَوْتَنِى فِى كَذَا فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابُكَ كَذَا وَ دَعَوْتَنِى فِى كَذَا فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابُكَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِى الدُّنْيَا لِمَا يَرَى مِنْ حُسْنِ ثَوَابِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن براى حاجتى خداوند را مى خواند و لكن خداوند مى فرمايد: حاجتش را به خاطر اشتياق به دعايش به تأ خير انداختم ، هنگامى كه روز قيامت رسد خداوند متعال مى فرمايد: بنده من ! تو از من (در دنيا) حاجتى خواستى و من اجابتش را به تأ خير انداختم ، ولى ثوابش را به تو مى دهم ، و باز حاجت ديگرى خواستى و من اجابتش را به تأ خير انداختم ، و ثوابت دهم ، امام فرمود: در اين هنگام مؤمن آرزو مى كند اى كاش ! هرگز حاجتهاى من در دنيا بر آورده نشده بود، و اين به خاطر ثوابهاى خوبش است .

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ مُوسَىعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنِّى لَمْ أُغْنِ الْغَنِيَّ لِكَرَامَةٍ لَهُ عَلَيَّ وَ لَمْ أُفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانٍ بِهِ عَلَيَّ وَ هُوَ مِمَّا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَغْنِيَاءَ بِالْفُقَرَاءِ وَ لَوْ لَا الْفُقَرَاءُ لَمْ يَسْتَوْجِبِ الْأَغْنِيَاءُ الْجَنَّةَ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ مى فرمايد: من توانگر را به خاطر شرافتش نزد خودم توانگر نساختم ، و فقير را براى خواريش در نظرم فقير نكردم ، بلكه اين از چيزهايى است كه توانگران را به وسيله فقرا آزمودم ، و اگر فقرا نبودند، توانگران سزاوار بهشت نمى شدند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مَلَكَيْنِ هَبَطَا مِنَ السَّمَاءِ فَالْتَقَيَا فِى الْهَوَاءِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ فِيمَ هَبَطْتَ قَالَ بَعَثَنِيَ اللَّهُ إِلَى بَحْرِ أَيْلَةَ أَحُشُّ سَمَكَةً إِلَى جَبَّارٍ مِنَ الْجَبَابِرَةِ تَشَهَّى عَلَيْهِ سَمَكَةً فِى ذَلِكَ الْبَحْرِ فَأَمَرَنِى أَحُشُّ إِلَى الصَّيَّادِ سَمَكَ ذَلِكَ الْبَحْرِ حَتَّى يَأْخُذَهَا لَهُ لِيَبْلُغَ اللَّهُ بِالْكَافِرِ غَايَةَ مُنَاهُ فِى كُفْرِهِ وَ قَالَ الاْخَرُ فَفِيمَ بُعِثْتَ أَنْتَ فَقَالَ بَعَثَنِيَ اللَّهُ فِى أَعْجَبَ مِنَ الَّذِى بَعَثَكَ فِيهِ بَعَثَنِى إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجْتَهِدِ الْمَعْرُوفِ دُعَاؤُهُ وَ صَلَاتُهُ فِى السَّمَاءِ لِأُكْفِئَ قِدْرَهُ الَّتِى طَبَخَهَا لِإِفْطَارِهِ لِيَبْلُغَ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِ الْغَايَةَ فِي اخْتِبَارِ إِيمَانِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: دو فرشته هنگام فرودشان از آسمان به زمين با يك ديگر ملاقات كردند، يكى از آن دو به ديگرى گفت : چرا به طرف زمين مى روى ؟ گفت : خداوند مرا به طرف درياى ابلّه مأ مور كرد تا يك ماهى را به سوى ستمگرى از ستمگران كه ميل به آن پيدا كرده بود برانم ، لذا به من فرمان داد كه ماهيهاى اين دريا را به سوى صيّاد سوق دهم كه آن ماهى را براى آن ستمگر صيد كند، تا خداوند نهايت آرزوى كافر را بر آورد.

فرشته ديگر گفت : تو براى چه فرستاده شده اى ؟ گفت : مأ موريت من از جانب خداوند از كار تو نيز شگفت انگيزتر است ، خداوند مرا به سوى مؤ منى روزه دار شب زنده دار كوشاى در عبادت كه دعا و نمازش در آسمان مشهور است ، فرستاده تا ظرف غذايى را كه براى افطارش آماده نموده وارونه سازم ، تا خداوند بدين وسيله ايمانش را به خوبى امتحان كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْبَطَ مَلَكاً إِلَى الْأَرْضِ فَلَبِثَ فِيهَا دَهْراً طَوِيلًا ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ فَقِيلَ لَهُ مَا رَأَيْتَ قَالَ رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً وَ مِنْ أَعْجَبِ مَا رَأَيْتُ أَنِّى رَأَيْتُ مُتَقَلِّباً فِى نِعَمِكَ يَأْكُلُ رِزْقَكَ وَ يَدَّعِى الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ فَعَجِبْتُ مِنْ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ وَ مِنْ حِلْمِكَ مِنْهُ فَقَالَ اللَّهُ أَ فَمِنْ حِلْمِى عَجِبْتَ فَإِنِّى قَدْ أَمْلَكْتُهُ أَرْبَعَمِائَةِ عَامٍ لَا يَضْرِبُ عَلَيْهِ عِرْقٌ وَ لَا يُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً إِلَّا أَتَاهُ وَ لَا يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ مَطْعَمٌ وَ لَا مَشْرَبٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند فرشته اى را به سوى زمين فرستاد، او مدتى طولانى در زمين توقف كرد، سپس به طرف آسمان بازگشت ، از او پرسيده شد: چه ديدى ؟ گفت :

شگفتيهاى بسيارى ديدم ، و از عجيب ترين مشاهداتم كسى بود كه نعمتهاى تو را وارونه مى كرد، رزق و روزى تو را مى خورد و لكن خودش را خدا مى دانست ، از جرأ ت او و بردبارى تو در شگفت شدم ، خداوند فرمود: آيا از بردبارى من به شگفت نيامدى ؟ من به او چهار صد سال عمر دادم ، هرگز مريض نشد، و از دنيا چيزى نخواست مگر اينكه به او دادم ، و هيچ تغييرى در غذا و نوشيدنى او ندادم .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ مِمَّا يَشْتَهِى الْمُؤْمِنُ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ الْبَعِيرَ الْأَجْرَبَ عَنْ إِبِلِهِ مِمَّا لَيْسَ مِنْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند بنده مؤمن را از آنچه بدش آيد و مؤمن ميل فراوان به آن دارد دور مى كند، همان گونه كه انسان شتر گرى را كه جزء شترانش نيست دور مى كند.

عَنْهُ قَالَ بَيْنَا مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَمْشِى عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ إِذْ جَاءَ صَيَّادٌ فَخَرَّ لِلشَّمْسِ سَاجِداً وَ تَكَلَّمَ بِالشِّرْكِ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا مَمْلُوَّةً ثُمَّ عَادَ فَأَخْرَجَ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى اكْتَفَى ثُمَّ مَضَى فَجَاءَ آخَرُ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى وَ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَلَمْ يَخْرُجْ لَهُ شَيْءٌ ثُمَّ أَعَادَ فَخَرَجَتْ إِلَيْهِ سَمَكَةٌ صَغِيرَةٌ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ انْصَرَفَ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ جَاءَ عَبْدُكَ الْكَافِرُ فَأَلْقَى شَبَكَتَهُ ثَلَاثاً فَخَرَجَتْ لَهُ مَمْلُوَّةً ثُمَّ جَاءَ عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ فَتَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى وَ حَمِدَكَ وَ دَعَاكَ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ ثَلَاثاً فَخَرَجَتْ لَهُ سَمَكَةٌ صَغِيرَةٌ فَحَمِدَكَ وَ انْصَرَفَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى انْظُرْ عَنْ يَمِينِكَ فَنَظَرَ مُوسَى فَكُشِفَ لَهُ الْغِطَاءُ عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ ثُمَّ قِيلَ يَا مُوسَى انْظُرْ عَنْ يَسَارِكَ فَنَظَرَ فَكُشِفَ لَهُ الْغِطَاءُ عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْكَافِرِ ثُمَّ قَالَ يَا مُوسَى مَا ضَرَّ هَذَا مَا صَنَعْتُ بِهِ وَ مَا نَفَعَ هَذَا مَا أَعْطَيْتُهُ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ يَرْضَى بِمَا صَنَعْتَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: روزى موسى عليهم‌السلام در كنار دريا قدم مى زد، ناگهان صيّادى آمد و جلوى خورشيد سجده كرد و كلمات شرك آميز به زبان آورد، سپس دام خود را به دريا انداخت و آن را پر از ماهى بيرون كشيد، دوباره برگشت و مثل دفعه اول مقدار زيادى ماهى صيد كرد و رفت .

بعد شخص ديگرى آمد، وضو گرفت و به نماز ايستاد، و حمد و ستايش ‍ خداوند را بجا آورد، سپس دام خود را به دريا انداخت ، ولى چيزى به دامش نيافتاد، بار ديگر دام را در آب افكند و فقط يك ماهى كوچك صيد كرد، خداوند را سپاس گفت و رفت .

در اين هنگام موسى گفت : پروردگارا! بنده كافرت آمد و دامش را سه مرتبه انداخت و لبريز از ماهى بيرون آورد، سپس بنده مؤمنت وضوى كاملى گرفت و نماز خواند و سپاس تو را گفت و تو را خواند، و دامش را سه مرتبه به آب انداخت و فقط يك ماهى كوچك صيد كرد و تو را ستايش كرد و رفت ! خداوند به موسى وحى فرمود: به طرف راستت بنگر، موسى نگاه كرد از جلوى ديدگانش حجاب بر طرف شد و جايگاهى را كه خدا براى بنده مؤمنش آماده كرده بود مشاهده نمود، سپس گفته شد: اى موسى ! به طرف چپت نگاه كن ، چون نگاه كرد پرده حجاب كنار رفت و جايگاه كافر را كه خدا برايش مهيّا نموده بود مشاهده كرد، سپس فرمود: اى موسى ! آنچه را نسبت به مؤمن انجام دادم ضررى برايش نداشت ، و آنچه را نسبت به كافر نمودم سودى نرساندش ، در اين هنگام موسى گفت : پروردگارا! سزاوار است هر كه تو را شناخت به كردارت راضى باشد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَكْرُمُ عَلَى اللَّهِ حَتَّى لَوْ سَأَلَهُ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا أَعْطَاهُ وَ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْ مُلْكِهِ شَيْءٌ وَ لَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ قَدَمِهِ مِنَ الدُّنْيَا لَيَحْرِمُهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ لَيَهُونُ عَلَى اللَّهِ حَتَّى لَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لَأَعْطَاهُ وَ لَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ قَدَمِهِ مِنَ الْجَنَّةِ لَيَحْرِمُهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِى الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بنده مؤمن نزد خدا به اندازه اى احترام دارد، كه حتى اگر بهشت و هر چه در آن است را بخواهد به او عطا كند، بدون آنكه از ملك او چيزى كم گردد، ولى اگر به مقدار يك قدم از دنيا را بخواهد به او نمى دهد، و بنده كافر به اندازه اى نزد خدا خوار و پست است كه اگر دنيا را با آنچه در آن است از او بخواهد عطايش كند، بدون آنكه از ملك او چيزى كم گردد، و اگر به اندازه يك قدمش از بهشت بخواهد به او نمى دهد، و خدا به وسيله بلا و گرفتارى از بنده مؤمنش دلجويى مى كند، همان طور كه مرد مسافر به وسيله هديه از خانواده اش دلجويى مى كند، و او را از دنيا پرهيز دهد، همان گونه كه پزشك بيمار را پرهيز دهد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِى الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّهُ وَ مَنْ يُبْغِضُهُ وَ لَا يُعْطِى الاْخِرَةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ رَبَّهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ مِنَ الدُّنْيَا لَا يُعْطِيهِ إِيَّاهُ وَ يَسْأَلُهُ الاْخِرَةَ فَيُعْطِيهِ مَا شَاءَ وَ يُعْطِى الْكَافِرَ فِى الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ وَ لَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ فِى الاْخِرَةِ فَلَا يُعْطِيهِ إِيَّاهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند دنيا را به دوستان و دشمنان خود دهد، و آخرت را فقط به دوستانش دهد، و اگر بنده مؤمن از خداوند به اندازه يك جاى تازيانه از دنيا بخواهد به او نمى دهد، و اگر از آخرت بخواهد هر چه خواست به او مى دهد، و به كافر قبل از اينكه بخواهد دنيا دهد، ولى اگر به اندازه جاى تازيانه اى از آخرت بخواهد به او ندهد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُحْتَاجِ فِى الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُ إِلَى أَخِيهِ فَيَقُولُ لَا وَ عِزَّتِى مَا أَفْقَرْتُكَ لِهَوَانٍ بِكَ عَلَيَّ فَارْفَعْ هَذَا الْغِطَاءَ وَ انْظُرْ مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا فَيَكْشِفُ لَهُ فَيَنْظُرُ إِلَى مَا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا فَيَقُولُ يَا رَبِّ مَا ضَرَّنِى مَا مَنَعْتَنِى مَعَ مَا عَوَّضْتَنِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ در دنيا از بنده محتاجش ‍ عذر خواهى كند، همان طور كه برادرى از برادرش معذرت مى خواهد، و مى فرمايد: به عزّتم قسم تو را به جهت خوار شدن در نظرم محتاج نكردم ، اكنون حجاب را كنار زن و ببين به عوض دنيا چه چيز نصيبت كرده ام ، پرده از مقابلش برداشته مى شود و آنچه را خداوند به عوض دنيا عطايش فرموده مى نگرد، و مى گويد: پروردگارا! با عوضى كه دادى از آنچه منعم فرمودى ضرر نكردم .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِى مِنَ الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَ يُبْغِضُ وَ لَا يُعْطِى الْإِيمَانَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند دنيا را به دوست و دشمن مى دهد، ولى ايمان را فقط به مخلوقات برگزيده اش مى دهد.

عَنْهُ قَالَ الْفَقْرُ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ كَالشَّهَادَةِ وَ لَا يُعْطِيهِمَا إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فقر همچون گنجى پنهان نزد خداست مثل شهادت ، و آن را فقط به بندگان مؤمنش كه دوست دارد عطا مى كند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً وَكَّلَ بِهِ مَلَكَيْنِ فَقَالَ عَوِّقَا عَلَيْهِ مَطْلَبَهُ وَ ضَيِّقَا عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ حَتَّى يَدْعُوَنِى فَإِنِّى أُحِبُّ صَوْتَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه خداوند بنده اى را دوست بدارد، دو فرشته را مأمور او مى سازد، و مى فرمايد: خواسته اش را به تأ خير اندازيد، و زندگى را بر او سخت كنيد تا مرا بخواند، من صدايش را دوست دارم .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَ إِلَّا ضَيَّقْتُ عَلَيْهِ فِى رِزْقِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَ إِلَّا شَدَّدْتُ عَلَيْهِ الْمَوْتَ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَ لَا ذَنْبَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ النَّارَ إِلَّا صَحَّحْتُ جِسْمَهُ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَاماً لِطَلِبَتِهِ عِنْدِى وَ إِلَّا أَمَّنْتُ لَهُ مِنْ سُلْطَانِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَاماً لِطَلِبَتِهِ وَ إِلَّا هَوَّنْتُ عَلَيْهِ الْمَوْتَ حَتَّى يَأْتِيَنِى وَ لَا حَسَنَةَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ النَّارَ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: خداى عزّ و جلّ فرمود: هر بنده اى را كه بخواهم وارد بهشت كنم بدنش را بيمار سازم ، اگر به اندازه كفّاره گناهش بود (خوشا به حالش)، و گر نه گرفتار تنگى معيشتش مى كنم ، اگر اين كار كفّاره گناهانش باشد (خوشا به حالش)، و گر نه مرگش را دشوار گردانم تا بدون گناه نزد من آيد، سپس او را وارد بهشت كنم ، و هر بنده اى را كه بخواهم داخل دوزخ نمايم ، بدنش را سالم گردانم ، اگر بدان سبب آنچه از من خواهد كامل شود (حسابش پاك گردد)، و گر نه از ترس سلطه گر آسوده اش گردانم ، اگر خواسته هايش از من به اتمام رسد (راحت شود)، و گر نه مرگش را آسان كنم تا نزد من آيد، در حالى كه هيچ كردار نيكى برايش نباشد، سپس او را به دوزخ برم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةَ السَّنِيَّةَ الْعَظِيمَةَ الشَّرِيفَةَ فَيَبْتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ لِكَيْ يَنَالَ تِلْكَ الدَّرَجَةَ فَيَعْدُو إِلَيْهِ النَّاسُ أَفْوَاجاً يُعَزُّونَهُ وَ يَتَوَجَّعُونَ لَهُ مِمَّا أَصَابَهُ وَ لَوْ عَلِمُوا مَا آتَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الدَّرَجَةِ لَمْ يَتَوَجَّعْ لَهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يُعَزِّهِ أَحَدٌ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ بِالشَّيْءِ لِيُوقِفَ بِهِ آخِرَتَهُ فَيَعْدُو إِلَيْهِ أَفْوَاجٌ يُهَنِّئُونَهُ وَ يَفْرَحُونَ لَهُ لِمَا أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا أُوتِيَ لَهُ مِنْ آخِرَتِهِ لَمْ يُهَنِّئْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَفْرَحْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بنده نزد خداوند داراى مقامى بلند و با عظمت و ارجمند است ، خداوند او را به بلا گرفتار كند تا به آن مقامات برسد، مردم گروه گروه به طرفش هجوم مى برند تا او را تسلّى دهند و با وى در مصيبتش همدردى كنند، اگر مى دانستند خداوند چه مقامى به او داده ، هرگز برايش دلسوزى نمى كردند و او را تسليت نمى گفتند، و نيز بنده اى را خداوند به چيزى گرفتار مى كند تا به وسيله آن آخرتش را تأ مين كند، گروهى به سويش مى شتابند و به او تبريك مى گويند و به خاطر دنيايى كه نصيبش ‍ شده شاد مى گردند، در صورتى كه اگر بدانند چه آخرتى در انتظارش است هرگز به او تبريك نمى گفتند و شاد نمى گشتند.

عَنْ سَلْمَانَ بْنِ غَانِمٍ قَالَ سَأَلَنِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كَيْفَ تَرَكْتَ الشِّيعَةَ فَقُلْتُ تَرَكْتُ الْحَاجَةَ فِيهِمْ وَ الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْمِيزَابِ السَّرِيعِ فِى مَاءِ الْمَطَرِ فَقَالَ اللّهُ الْمُسْتَعانُ ثُمَّ قَالَ أَ يَسُرُّكَ الْأَمْرُ الَّذِى أَنْتَ عَلَيْهِ أَمْ مِائَةُ أَلْفٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ وَ لَا جِبَالُ تِهَامَةَ ذَهَباً فَقَالَ مَنْ أَغْنَى مِنْكَ وَ مِنْ أَصْحَابِكَ مَا عَلَى أَحَدِكُمْ وَ لَوْ سَاحَ فِى الْأَرْضِ يَأْكُلُ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ نَبْتِ الْأَرْضِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ

سلمان بن غانم گويد: امام صادق عليه‌السلام از من پرسيد: شيعيان را چگونه يافتى ؟ عرض كردم : آنان را محتاج يافتم ، در حالى كه سرعت گرفتارى به طرف آنان از آب باران به طرف ناودان بيشتر بود.

حضرت فرمود: خداوند كمك كننده است ، سپس فرمود: آيا از عقيده اى كه بر آن هستى شادمانى يا صد هزار (درهم) كه به تو بدهند؟ گفتم : به خدا قسم ، اگر به اندازه كوههاى مكه به من طلا دهند آن را نمى خواهم . فرمود: چه كسى از تو و يارانت بى نيازتر است ؟ هيچ كدام از شما ضرر نمى كند اگر چه در روى زمين سير كند و از برگ درختان و گياهان زمين بخورد تا مرگش ‍ فرا رسد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ فِى نَفْسِهِ وَ مَالِهِ نَصِيبٌ

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند به كسى كه از مال و بدنش براى او بهره اى نيست نيازى ندارد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً مَا مِنْ بَلِيَّةٍ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ تَقْتِيرٍ فِى الرِّزْقِ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ عَنْهُمْ لَوْ قُسِمَ نُورُ أَحَدِهِمْ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً لَاكْتَفَوْا بِه

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند بندگانى دارد كه هيچ بلايى از آسمان نازل نشود و هيچ تنگى در رزق بر ايشان پيش نيايد، مگر اينكه آن را از ايشان بر طرف سازد، و اگر نور يكى از آنها بين همه اهل زمين تقسيم شود، كفايتشان كند.

عَنْهُعليه‌السلام مَا يَمُرُّ بِالْمُؤْمِنِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَ مَا يُعَاهِدُهُ اللَّهُ إِمَّا بِمَرَضٍ فِى جَسَدِهِ أَوْ بِمُصِيبَةٍ يَأْجُرُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چهل روز بر مؤمن نمى گذرد، و خداوند او را مبتلا مى سازد، يا به بيمارى در بدنش يا به مصيبتى ، كه خداوند بر آنها پاداشش دهد.

عَنْهُ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ فِى الْمَصَائِبِ مِنَ الْأَجْرِ لَتَمَنَّى أَنْ يُقْرَضَ بالمقارض بِالْمَقَارِيضِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر مؤمن مى دانست كه چه پاداشى در مقابل صبر بر مصيبتها نصيبش مى شود، همواره آرزو مى كرد كه با قيچى بدنش تكه تكه شود.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُؤْمِنُ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَنْكَفِئُ وَ تَعْدِلُ وَ الْكَافِرُ كَالْإِرْزَبَّةِ صَحِيحٌ مُصَحَّحٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ إِلَى النَّارِ

امير مؤمنان عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن همانند گياهى ضعيف است كه (در اثر وزش باد) خم و راست مى شود، و كافر مثل ستونى آهنين و آسيب ناپذير است تا مرگش فرا رسد و به دوزخ رود.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أُنَاساً أَتَوْا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِعليه‌السلام وَ عِنْدَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ فَذَكَرُوا لَهُمَا بَلَايَا الشِّيعَةِ وَ مَا يُصِيبُهُمْ مِنْ ذَلِكَ فَأَتَيَا الْحُسَيْنَ فَذَكَرَا ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ الْحُسَيْنُ وَ اللَّهِ الْبَلَاءُ وَ الْفَقْرُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُحِبُّنَا مِنْ رَكْضِ الْبَرَاذِينِ وَ مِنَ السَّيْلِ إِلَى صِمْرِهِ فَقُلْتُ وَ مَا صِمْرُهُ قَالَ مُنْتَهَاهُ وَ مِنْ قَطْرِ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا أَنْ تَكُونُوا كَذَلِكَ لَعَلِمْنَا أَنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنَّا ثُمَّ قَالَ بِنَا يُجْبَرُ يَتِيمُكُمْ وَ بِنَا يُقْضَى دَيْنُكُمْ وَ بِنَا يُغْفَرُ ذُنُوبُكُمْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: گروهى از مردم نزد امام سجاد عليه‌السلام آمدند، در حالى كه نزد ايشان عبد اللّه بن عباس نيز بود، از گرفتاريهاى شيعه و سختيهايى كه مى ديدند سخن گفتند، سپس نزد امام حسين عليه‌السلام رفتند، و همين را بر ايشان گفتند، امام حسين عليه‌السلام فرمود: به خدا قسم ، سرعت گرفتارى و فقر به سوى دوستان ما بيشتر از سرعت دويدن گور خران است ، و بيشتر از سرعت سيل به صمرش مى باشد، گفتم : صمر چيست ؟ فرمود: پايان مسير سيل ، و سريعتر از رسيدن باران به زمين است ، و اگر اين چنين نباشيد مى دانيم كه شما از ما نيستيد، سپس فرمود: به وسيله ما يتيمانتان جبران مى شوند، و به وسيله ما قرضهايتان ادا مى شود، و به وسيله ما گناهانتان آمرزيده مى شود.

ذُكِرَ عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الْبَلَاءُ وَ مَا يَخُصُّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِى الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدُ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَلَحَ إِيمَانُهُ وَ حَسُنَتْ أَعْمَالُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخُفَ إِيمَانُهُ وَ ضَعُفَتْ أَعْمَالُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ

در محضر امام صادق عليه‌السلام از بلا و آنچه خداوند مؤمن را به آن اختصاص داده سخن گفته شد، امام صادق عليه‌السلام فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسيدند: بلاى چه كسى در دنيا از همه سخت تر است ؟ فرمود: پيامبران ، سپس هر كه به آنان شبيه تر است ، و بعد از آنان مؤمن به اندازه ايمانش و نيكى عملهايش گرفتار مى شود، هر كه ايمانش ‍ درست و عملهايش نيكو باشد، گرفتاريش سخت تر است ، و هر كس ‍ ايمانش سست و عملش ضعيف باشد، گرفتاريش كمتر است .

عَنْ أَبِى صَالِحٍ قَالَ اشْتَكَيْتُ رِجْلِى بِالْمَدِينَةِ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام وَ أَنَا عَلَى الْمَنَامَةِ بِالدُّكَّانِ فَقَالَ مَا لَكَ قُلْتُ أَشْتَكِى رِجْلِى فَقَالَ ايتِنِى الْمَنْزِلَ فَأَتَيْتُهُ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ دَعَا لِي ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً وَكَّلَهُ مَلَكاً يَبْتَلِيهِ لِكَيْ يَدْعُوَ فَيَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْداً وَكَّلَ بِهِ مَلَكاً فَيَقُولُ لَا تَبْتَلِهِ بِشَيْءٍ فَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَدْعُوَ وَ أَنْ يَسْأَلَنِى

ابو صالح گويد: در مدينه به درد پا مبتلا شدم ، روزى حضرت صادق عليه‌السلام در حالى كه من در حال استراحت بودم از جلوى مغازه ام رد مى شد، فرمود: چگونه اى ؟ گفتم : پايم درد مى كند، فرمود: به منزل من بيا، به نزد ايشان رفتم ، امام عليه‌السلام دست خود را روى پايم نهاد و برايم دعا كرد، سپس فرمود: هر گاه خداوند بنده اى را دوست بدارد، فرشته اى را مأ مور او مى سازد كه گرفتارش كند تا دعا كند و خداوند صدايش را بشنود، و هر گاه بنده اى مورد غضبش قرار گيرد، فرشته اى را مأ مور او كند و به او مى فرمايد: او را گرفتار چيزى نكند، من خوشم نمى آيد كه او دعا كند و از من چيزى بخواهد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ مَا يَمُنُّ عَلَيْهِ أَنْ يَقُومَ لَيْلَةً إِلَّا تَعَاهَدَهُ بِمَرَضٍ فِى جَسَدِهِ أَوْ بِمُصِيبَةٍ فِى أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ مُصِيبَةٍ مِنْ مَصَائِبِ الدُّنْيَا لِيَأْجُرَهُ عَلَيْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال همواره مؤمن را گرفتار مى سازد، هيچ شبى را به صبح نمى رساند جز آنكه او را گرفتار بيماريى در بدنش يا مصيبتى در خانواده اش يا مالش يا مصيبتى از مصيبتهاى دنيا مى كند، تا او را بر اينها پاداش دهد.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ هُوَ يَذَّكَّرُ فِى كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْماً بِبَلَاءٍ يُصِيبُهُ إِمَّا فِى مَالِهِ أَوْ فِى وَلَدِهِ أَوْ فِى نَفْسِهِ فَيُؤْجَرُ عَلَيْهِ أَوْ هَمٍّ لَا يَدْرِى مِنْ أَيْنَ هُوَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هيچ مؤمنى نيست ، جز آنكه در هر چهل روز به گرفتارى كه به او مى رسد ياد آورى مى شود، يا در مالش يا در فرزندانش يا در خودش ، و بر آن پاداش داده مى شود، يا غم و غصه اى كه نمى داند از كجاست .

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَمْضِى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزُنُهُ وَ يَذَّكَّرُ بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چهل روز بر مؤمن نمى گذرد، جز آنكه برايش مشكلى پيش آيد كه غمگينش كند و متذكرش سازد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّهُ لَتَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَنَالُهَا أَبَداً إِلَّا بِإِحْدَى خَصْلَتَيْنِ إِمَّا بِذَهَابِ مَالِهِ أَوْ بَلِيَّةٍ فِى جَسَدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده نزد خداوند مقامى دارد كه هرگز بدان نرسد مگر به يكى از دو خصلت : يا از بين رفتن مالش ، يا به بيمارى در بدنش .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْداً وَ لَهُ ذَنْبٌ عِنْدَهُ ابْتَلَاهُ بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ ابْتَلَاهُ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ شَدَّدَ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ وَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهِينَ عَبْداً وَ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ صَحَّحَ بَدَنَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِى مَعِيشَتِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ هَوَّنَ عَلَيْهِ مَوْتَهُ حَتَّى يُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر گاه خداوند بخواهد بنده اى را كه در پيشگاهش گنهكار است گرامى بدارد، او را گرفتار بيمارى كند، اگر هم اين كار را نكند به نيازمندى مبتلايش گرداند، و اگر اين كار را هم نكرد مرگ را برايش دشوار سازد تا گناهانش را بدين وسيله جبران كند، و هر گاه بخواهد بنده اى را كه نزدش كار نيكى دارد؛ خوار كند، بدنش را سالم سازد، و اگر اين كار را در باره اش نكند، زندگيش را گشايش دهد، و اگر اين كار را نكند مرگ را بر او آسان كند تا عمل نيكش را جبران نمايد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ فِى الْجَنَّةِ لَمَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِبَلَاءٍ فِى جَسَدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در بهشت مقام و جايگاهى است كه بنده به آن نرسد گر به واسطه بيماريى كه دربدنش پيدا شود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ خَرَجَ مُوسَى فَمَرَّ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِى إِسْرَائِيلَ فَذَهَبَ بِهِ حَتَّى خَرَجَ إِلَى الطُّورِ فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ حَتَّى أَجِيئَكَ وَ خَطَّ عَلَيْهِ خَطَّةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اسْتَوْدَعْتُكَ صَاحِبِى وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ ثُمَّ مَضَى فَنَاجَاهُ اللَّهُ بِمَا أَحَبَّ أَنْ يُنَاجِيَهُ ثُمَّ انْصَرَفَ نَحْوَ صَاحِبِهِ فَإِذَا أَسَدٌ قَدْ وَثَبَ عَلَيْهِ فَشَقَّ بَطْنَهُ وَ فَرَثَ لَحْمَهُ وَ شَرِبَ دَمَهُ قُلْتُ وَ مَا فَرْثُ اللَّحْمِ قَالَ قَطْعُ أَوْصَالِهِ فَرَفَعَ مُوسَى رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ اسْتَوْدَعْتُكَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ فَسَلَّطْتَ عَلَيْهِ شَرَّ كِلَابِكَ فَشَقَّ بَطْنَهُ وَ فَرَثَ لَحْمَهُ وَ شَرِبَ دَمَهُ فَقِيلَ يَا مُوسَى إِنَّ صَاحِبَكَ كَانَتْ لَهُ مَنْزِلَةٌ فِى الْجَنَّةِ لَمْ يَكُنْ يَبْلُغُهَا إِلَّا بِمَا صَنَعْتُ بِهِ يَا مُوسَى انْظُرْ وَ كَشَفَ لَهُ الْغِطَاءَ فَنَظَرَ مُوسَى فَإِذَا بِمَنْزِلٍ شَرِيفٍ فَقَالَ رَبِّ رَضِيتُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: روزى موسى عليه‌السلام از منزل خارج شد، به مردى از بنى اسرائيل رسيد و با او به كوه طور رفت ، و به او گفت : اينجا بنشين تا برگردم ، بعد خطّى به دور او كشيد، سپس سرش را به سوى آسمان بلند كرد و فرمود: دوستم را به تو سپردم و تو بهترين نگهدارنده اى ، سپس ‍ رفت و خداوند با او به صورتى كه دوست داشت مناجات كرد، سپس به طرف دوستش بازگشت ، و ناگاه مشاهده كرد كه شيرى بر او حمله ور شده و شكمش را دريده و گوشتش را خورده و خونش را آشاميده ، راوى گويد: گوشتش را چگونه خورده بود؟ گفت : قطعه قطعه كرده بود، موسى در اين هنگام سرش را بلند كرد و گفت : پروردگارا! به تو سپردمش و تو بهترين نگهدارى ، ولى بدترين سگانت را بر او مسلط نمودى تا شكمش را بدرد، و گوشتش را تكه تكه كند و خونش را بنوشد.

گفته شد: اى موسى ! رفيقت در بهشت جايگاهى داشت كه جز با كارى كه كردم به آن نمى رسيد، اى موسى ! بنگر حجابها كنار رفت موسى نگاه كرد، او را در منزلى با شرافت ديد، موسى گفت : پروردگارا! راضى شدم .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا أَقْبَلَ إِلَى النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ النَّبِيُّ لَهُ مَتَى عَهْدُكَ بِأُمِّ مِلْدَمٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا أُمُّ مِلْدَمٍ فَقَالَ صُدَاعٌ هَاهُنَا وَ سَخَنُهُ عَلَى الرَّأْسِ وَ الصَّدْرِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِى بِهَذَا مِنْ عَهْدٍ ثُمَّ أَدْبَرَ مُوَلِّياً فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِجُلَسَائِهِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الْمُوَلِّى ثُمَّ قَالَ إِنَّ مَثَلَ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ جِذْعٍ أَرَادَ صَاحِبُهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهِ فِى بَعْضِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي بِنَايَةٍ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فِى ذَلِكَ فَيُحَوِّلُهُ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فَكَانَ آخِرُ ذَلِكَ أَنْ يُحْرِقَهُ بِالنَّارِ وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ يُهَيِّجُهَا الرِّيحُ فَتَنْكَفِئُ يَعْنِى يَقْلِبُهَا الرِّيحُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهَا أَوَانُهَا فَتُحْصَدَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد، پيامبر به او فرمود: چه وقت گرفتار ام ملدم شده اى ؟ گفت : اى رسول خدا! ام ملدم چيست ؟ فرمود: سر دردى در اين قسمت سر و حرارتى است در سر و سينه ، گفت : اى رسول خدا! من تاكنون مبتلايش ‍ نشده ام ، بعد آن مرد پشت كرده و از نزد رسول خدا رفت ، سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به ياران خود فرمود: هر كه دوست دارد كه مرد جهنمى را ملاقات كند به اين مرد پشت كننده نگاه كند.

سپس فرمود: مثل منافق مثل تنه درختى است كه صاحبش مى خواهد در قسمتى از ساختمانش از آن استفاده كند، ولى آن تنه مورد استفاده ساختمان قرار نمى گيرد، آن را به جاى ديگر مى برد، باز هم به كارش ‍ نمى آيد، سرانجام آن را به وسيله آتش مى سوزاند، و مثل مؤمن مثل كشت زارى است كه تازه روئيده ، باد آن را به هر طرف خم مى كند و به حال خودش بر مى گردد، يعنى باد دگرگونش مى سازد تا هنگامى كه وقت چيدنش برسد.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا وَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْإِرْزَبَّةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِى لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفَهُ قَصْفاً

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: حكايت مؤمن حكايت كشت زارى است كه تازه روييده ، باد آن را به هر طرف تكان مى دهد، مؤمن را هم دردها و بيماريها كج مى كند تا مرگش فرا رسد، و حكايت منافق حكايت عصاى آهنين راستى است كه آسيبى به آن نمى رسد تا مرگش در رسد، و او را بكشد.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام الْمُؤْمِنُ يُصِيبُهُ الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ فَقَالَ هَذَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ التَّقْصِيرِ وَ ذُنُوبُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُوقِنِينَ مَغْفُورَةٌ لَهُمْ

مفضل بن عمر گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : آيا غم و اندوه به مؤمن روى مى آورد؟

فرمود: غم و اندوهش به خاطر گناهان و اشتباه است ، و گناههاى پيامبران و اهل يقين بخشيده گرديده است .

عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُنَاسِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام جَمَاعَةً وَ فِينَا حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ما أَصابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِما كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ أَ رَأَيْتَ مَا أَصَابَ النَّبِيَّ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنَ الْمَصَائِبِ بِذَنْبٍ فَقَالَ يَا حُمْرَانُ أَصَابَهُمْ مَا أَصَابَهُمْ مِنَ الْمَصَائِبِ بِغَيْرِ ذَنْبٍ وَ لَكِنْ يَطُولُ عَلَيْهِمْ بِالْمَصَائِبِ لِيَأْجُرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ

ضريس كناسى گويد: به همراه جماعتى خدمت امام باقر عليه‌السلام رسيديم ، و در بين ما حمران بن اعين نيز بود، حمران گفت : فدايت شوم ، خداوند فرموده : (آنچه از مصيبت به شما برسد به واسطه كردارتان است)، آيا مصيبت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و امير مؤمنان عليه‌السلام و اهل بيتش به واسطه گناه بود؟ فرمود: اى حمران ! مصيبتهايى كه به آنان رسيد از ناحيه گناه نبود، بلكه مصيبتهايشان طولانى مى شد تا به عوض پاداش داده شوند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لِأَصْحَابِهِ سَلُوا رَبَّكُمُ الْعَافِيَةَ فَإِنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ أَصْحَابِ الْبَلَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به اصحابش فرمود: از پروردگارتان سلامت بطلبيد، زيرا شما به بلا گرفتار نخواهيد شد.

عَنْهُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِعليه‌السلام يَقُولُ إِنِّى لَأَكْرَهُ فِى الرَّجُلِ أَنْ يُعَافَى فِى الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنْ مَصَائِبِهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: امام سجاد عليه‌السلام مى فرمود: من مردى را كه همواره در آسايش و سلامتى به سر مى برد و هيچ گاه گرفتار مصيبت نمى شود دوست ندارم .

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَاداً لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ السُّقْمِ فِى أَبْدَانِهِمْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ مى فرمايد: برخى از بندگان مؤمنم كسانيند كه دينشان جز با فقر و تنگدستى و بيمارى در بدنهايشان كامل نگردد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ يَعْرِفُ الدُّعَاءَ فَتَنْزِلُ بِهِ الشِدَّةُ وَ الضَّرُورَةُ فَيَدْعُو بِهِ فَيُعْرَفُ صَوْتُهُ وَ إِنَّ الَّذِى لَيْسَ كَذَلِكَ يَنْزِلُ بِهِ الشِدَّةُ وَ الضَّرُورَةُ فَيَدْعُو فَيُقَالُ مَا يُعْرَفُ قَالَ مَا عَرَضَ لِى أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَ الاْخَرُ لِلاْخِرَةِ فَآثَرْتُ الَّذِى لِلدُّنْيَا إِلَّا رَأَيْتُ مَا أَكْرَهُ قَبْلَ أَنْ أُمْسِيَ ثُمَّ قَالَ عَجَباً لِبَنِى أُمَيَّةَ إِنَّهُمْ يُؤْثِرُونَ الدُّنْيَا عَلَى الاْخِرَةِ مُنْذُ كَانُوا وَ لَا يُرِيدُونَ شَيْئاً يَكْرَهُونَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردى كه اهل دعاست ،

هنگامى كه گرفتار سختى و مشكل مى شود و دعا مى كند، صدايش شناخته مى شود، اما آنكه چنين نيست ، اگر دچار مشكل و گرفتارى شود و دعا كند گفته مى شود: شناخته نشد.

فرمود: هنگامى كه دو موضوع برايم پيش مى آيد كه يكى مربوط به دنيا و ديگرى مربوط به آخرت است ، دنيا را مقدم نكردم جز آنكه هنوز شب فرا نرسيده برايم يك ناراحتى پيش مى آيد، سپس فرمود: از بنى اميّه در شگفتم كه همواره دنيا را بر آخرت بر مى گزيدند، و هرگز به دنبال چيزى كه ناراحتشان كند نمى رفتند.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ لَمَّا صَرَعْتُ تِلْكَ الصَّرْعَةَ وَ كَانَ سَقَطَ عَنْ بَعِيرِهِ قَالَ جَعَلْتُ فِى ذَلِكَ أَقُولُ فِى نَفْسِى لِذَنْبٍ كَانَ عُقُوبَةَ مَا أَرَى قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لِى مُبْتَدِئاً إِنَّ أَيُّوبَ ابْتُلِيَ بِغَيْرِ ذَنْبٍ أَوْ قَالَ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ فَلَمْ يَسْأَلْ رَبَّهُ الْعَافِيَةَ حَتَّى أَتَاهُ قَوْمٌ يَعُودُونَهُ فَلَمْ تَتَقَدَّمْ عَلَيْهِمْ دَوَابُّهُمْ مِنْ رِيحِهِ فَنَادَاهُ بَعْضُهُمْ أَيْ أَيُّوبُ لَوْ لَا أَنَّكَ مُذْنِبٌ مَا أَصَابَكَ الَّذِى أَصَابَكَ فَقَالَ عِنْدَهَا يَا رَبِّ يَا رَبِّ فَصَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ

اسماعيل بن جرير گويد: هنگامى كه شترم رم كرد و من به زمين افتادم ، با خودم مى گفتم :

شايد اين عقوبت گناهى است كه مرتكب شده ام ؟ روزى خدمت حضرت صادق عليه‌السلام رسيدم ، قبل از اينكه چيزى بگويم فرمود: ايّوب بدون گناه گرفتار شد، ولى از پروردگارش طلب بهبودى ننمود، تا اينكه گروهى به عيادتش آمدند، امّا چهار پايانشان از بوى بد ايّوب جلو نيامدند، يكى از آنان صدا زد: اى ايّوب ! اگر گناهكار نبودى گرفتار اين مصيبت نمى شدى ، در اين هنگام ايّوب پروردگارش را خواند، و خداوند هم شفايش داد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَوْ لا أَنْ يَكُونَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً لَجَعَلْنا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفاً مِنْ فِضَّةٍ الاْيَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعاً

امام صادق عليه‌السلام در تفسير آيه شريفه : (اگر (تمكن كفّار از مواهب مادى) سبب نمى شد كه همه مردم امّت واحد (گمراه) شوند، ما براى كسانى كه به (خداى) رحمان كافر مى شدند خانه هايى قرار مى داديم با سقفهايى از نقره)، فرمود: اگر خداوند چنين مى كرد همه مردم كافر مى شدند.

عَنْهُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِى فِى نَفْسِهِ لَتَوَّجْتُ عَبْدِيَ الْكَافِرَ تَاجاً مِنْ ذَهَبٍ لَا يَرَى بُؤْساً حَتَّى يَلْقَانِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد: اگر بنده ام محزون نمى شد، بنده كافرم را تاجى از طلا مى دادم كه هيچ گرفتارى نبيند تا روزى كه مرا ملاقات كند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ دَاراً وَ خَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَ هِيَ الدُّنْيَا وَ جَعَلَ أَوْلِيَاءَهُ أَضْيَافاً عَلَيْهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند خانه اى آفريد و براى آن ساكنينى قرار داد، آن خانه دنياست ، و دوستانش را مهمان اهل دنيا قرار داد.

عَنْهُ قَالَ مَا يَضُرُّ مَنْ كَانَ عَلَى هَذَا الرَّأْيِ وَ لَا يَكُونُ لَهُ أَنْ يَسْتَظِلَّ فِيهِ إِلَّا الشَّجَرَ وَ لَا يَأْكُلُ إِلَّا فِى رِزْقِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كسى كه بر اين عقيده است ضرر نمى كند، و سزاوار نيست سر پناهى غير از درختان داشته باشد، و چنين كسى فقط از برگ درختان مى خورد.

## فصل هفتم : در بيان گرفتاريها و بلاها

(الفصل السابع فى الشدائد و البلايا)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّعَبْداً غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتّاً وَ ثَجَّهُ بِالْبَلَاءِ ثَجّاً فَإِذَا دَعَاهُ قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِى لَئِنْعَجَّلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّى عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَ لَئِنِ ادَّخَرْتُ لَكَ فَمَا ادَّخَرْتُ لَكَ خَيْرٌ لَكَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال هر گاه بنده اى را دوست بدارد او را در بلا غوطه ور سازد، و باران بلا را بر سرش ريزد، و چون به درگاه خدا دعا كند، خداوند مى فرمايد: اى بنده من دعايت را شنيدم ، اگر بخواهم خواسته ات را به زودى انجام دهم قدرتش را دارم ، ولى آن را برايت ذخيره مى كنم ، و آنچه را برايت ذخيره كنم بهتر است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمُ الْجَزَاءِ فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْداً ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرِّضَا وَ مَنْ سَخِطَ الْبَلَاءَ فَلَهُ السَّخَطُ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: گرفتارى بزرگ پاداش بزرگ دارد، هر گاه خداوند بنده اى را دوست بدارد او را به گرفتاريهاى بزرگ اندازد، هر كه راضى شد خدا هم از او راضى شود، و هر كسى از بلا ناراحت شد خدا هم از وى ناراحت گردد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِى الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ لَيْسَ يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ تُحْفَةً إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ وَ لَا يَنْزِلُ بَلَاءٌ إِلَّا صَرَفَهُ إِلَيْهِمْ وَ هُمْ شِيعَةُ عَلِيٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند در زمين بندگان ويژه و خالصى دارد، از آسمان هديه اى را فرو نمى فرستد جز آنكه آنان را از آن محروم سازد، و بلايى را فرو نمى فرستد، جز آنكه نصيب آنان گرداند، و آنها شيعه على عليه‌السلام هستند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَطْلُبُ الْإِمَارَةَ وَ التِّجَارَةَ فَإِذَا أَشْرَفَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا يَهْوَى بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكاً فَقَالَ اصْرِفْ عَبْدِى أَوْ صُدَّهُ عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَمْسَكَ فِيهِ أَدْخَلَهُ النَّارَ فَيَنْزِلُ الْمَلَكُ فَيَصُدُّهُ بِلُطْفِ اللَّهِ فَيُصْبِحُ وَ هُوَ يَقُولُ لَقَدْ دَهَانِى مَنْ دَهَانِى فَعَلَ اللَّهُ بِهِ وَ فَعَلَ وَ مَا يَدْرِى إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَلَا لَنَاظِرٌ لَهُ فِى ذَلِكَ وَ لَوْ ظَفِرَ بِهِ أَدْخَلَهُ النَّارَ

امام باقر عليه‌السلام از قول امام سجاد عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: بنده مؤمن به دنبال كسب امارت و تجارت مى رود، هنگامى كه به آنچه مى خواست دست پيدا كرد، خداوند فرشته اى را به سويش مى فرستد و مى فرمايد: بنده ام را از اين كار باز داريد، و جلوگيرى نمائيد از كارى كه اگر ادامه دهد او را وارد دوزخ كنم ، فرشته اى نازل مى شود، و به لطف خدا مانعش مى شود، صبح روز بعد مى گويد: باز دارنده اى مرا از اين كار بازداشت ، البته خداوند اين كار را در باره اش انجام داد و او نمى داند كه خداوند (جلّ و علا) در اين كار شاهد او بود، و اگر موفق به انجام آن كار مى شد، او را داخل دوزخ مى كرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْماً إِلَّا ابْتَلَاهُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: پاداش بزرگ هميشه همراه گرفتارى بزرگ است ، و خداوند هيچ قومى را دوست ندارد، مگر آنكه گرفتارشان كند، و خداوند هر قومى را دوست دارد، گرفتارشان سازد.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَ اللَّهِ مَا كَرُمَ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ إِلَّا ازْدَادَتْ عَلَيْهِ الْبَلَايَا

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: به خدا قسم هيچ بنده اى نزد خداوند گرامى نشد، مگر آنكه گرفتاريهايش زياد گرديد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَمَاثِلُ فَالْأَمَاثِلُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: گرفتارترين مردم پيامبرانند، بعد از آنان هر كه به پيامبران شبيه تر باشد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: گرفتارترين مردم پيامبرانند، بعد كسانى كه پيرو آنانند، سپس شبيه ترين مردم به پيامبران .

عَنْهُ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِى الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدُ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخُفَ إِيمَانُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤ ال شد: در دنيا بلاى كداميك از مردمان سخت تر است ؟ فرمود: پيامبران ، سپس هر كه به آنان شبيه تر است ، بعد از آن مؤمن به اندازه ايمان و نيكى اعمالش مبتلا مى گردد، پس هر كه ايمانش درست و عملش نيكو باشد گرفتاريش سخت تر است ، و هر كه ايمانش سست و عملش ضعيف باشد گرفتاريش كمتر است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِى إِيمَانِهِ زِيدَ فِى بَلَائِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن همانند كفّه ترازوست ، هر قدر بر ايمانش بيافزايد بر بلايش افزوده گردد.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمَنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرَّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْغَفْلَةِ عِنْدَ الرَّخَاءِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: شما مؤمن (واقعى) نخواهيد بود مگر اينكه امانت دار باشيد، و بلا را نعمت ، و آسايش را مصيبت بشماريد، زيرا صبر در برابر بلا بهتر از غفلت هنگام آسايش است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِى الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ دِينِهِ أَوْ قَالَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مؤمن در دنيا به اندازه ديانتش مبتلا شود، يا فرمود: بر حسب ديانتش .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ كَانُوا فِى شِدَّةٍ أَمَا إِنَّ ذَلِكَ إِلَى مُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَ عَافِيَةٍ طَوِيلَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اهل حق همواره در سختى بوده اند، ولى اين سختى مدت كوتاهى دارد، و آسايشى طولانى به دنبال دارد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّهُ لَيَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَنَالُهَا إِلَّا بِإِحْدَى خَصْلَتَيْنِ إِمَّا بِذَهَابِ مَالِهِ وَ إِمَّا بِبَلِيَّةٍ فِى جَسَدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده نزد خدا مقامى دارد كه به آن نرسد مگر با دو خصيصه : يا از بين رفتن مالش ، و يا به بيمارى در بدنش .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مِمَّا يَحْتَجُّ اللَّهُ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُولَ لَهُ أَ لَمْ أُجْمِلْ ذِكْرَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: يكى از چيزهايى كه خداوند متعال در روز قيامت بر بنده اش احتجاج مى كند اين است كه به او مى فرمايد: آيا يادت را نيكو نگرداندم ؟

عَنْهُ قَالَ إِنَّ فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله يَا مُوسَى مَا خَلَقْتُ خَلْقاً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ وَ إِنِّى إِنَّمَا ابْتَلَيْتُهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أُعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَزْوِى عَنْهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَعْطَيْتُهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِى فَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِى وَ لْيَشْكُرْ نَعْمَائِى وَ لْيَرْضَ بقضاى بِقَضَائِى أَكْتُبْهُ فِى الصِّدِّيقِينَ عِنْدِى إِذَا عَمِلَ بِرِضَايَ وَ أَطَاعَ أَمْرِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند در يكى از وحى هايش به موسى بن عمران عليهم‌السلام فرمود: اى موسى ! هيچ مخلوقى را محبوبتر از بنده مؤمنم نيافريدم ، من او را براى چيزى كه برايش بهتر است مبتلا مى سازم ، و به او چيزى دهم كه برايش بهتر باشد، و من به آنچه برايش بهتر است آگاه ترم ، او بايد در برابر بلاهاى من صبر كند، و نعمتهايم را شكرگزار باشد، و به حكم من راضى باشد، اگر به حكم من عمل كند و امرم را اطاعت نمايد، او را جزء صدّيقين نزد خودم قرار دهم .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام سَلُوا رَبَّكُمُ الْعَافِيَةَ فَإِنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِى إِسْرَائِيلَ شُقُّوا بِالْمَنَاشِيرِ عَلَى أَنْ يُعْطُوا الْكُفْرَ فَلَمْ يُعْطُوا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از پروردگارتان سلامت بخواهيد، زيرا شما اهل بلا نيستيد، كسانى از بنى اسرائيل قبل از شما بودند كه به وسيله ارّه تكه تكه مى شدند تا كافر شوند، اما آنان كافر نمى شدند.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام يَقُولُ إِنَّ رَجُلًا فِيمَا مَضَى عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الدَّهْرِ كَانَ مُتَوَاخِياً فِى الْقَضَاءِ وَ كَانَ لَا يُرْفَعُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْحَسَنَاتِ مَا يُرْفَعُ لَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ سَيِّئَةٌ فَأَحَبَّهُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَسَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ فَيَنْزِلَ إِلَيْهِ فَيُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ فَنَزَلَ فَإِذَا الرَّجُلُ قَائِمٌ يُصَلِّى فَجَلَسَ الْمَلَكُ وَ جَاءَ أَسَدٌ فَوَثَبَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَطَعَهُ أَرْبَعَةَ إ رب آرَابٍ وَ فَرَّقَ فِى كُلِّ جِهَةٍ مِنَ الْأَرْبَعَةِ إِرْباً وَ انْطَلَقَ فَقَامَ الْمَلَكُ فَجَمَعَ تِلْكَ الْأَعْضَاءَ فَدَفَنَهَا ثُمَّ مَضَى عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ فَمَرَّ بِرَجُلٍ مُشْرِكٍ تُعْرَضُ عَلَيْهِ أَلْوَانُ الْأَطْعِمَةِ فِى آنِيَةٍ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ هُوَ مَلِكُ الْهِنْدِ وَ هُوَ كَذَلِكَ إِذْ تَكَلَّمَ بِالشِّرْكِ فَصَعِدَ الْمَلَكُ فَدُعِيَ فَقِيلَ لَهُ مَا رَأَيْتَ فَقَالَ مِنْ أَعْجَبِ مَا رَأَيْتُ عَبْدُكَ فُلَانٌ الَّذِى لَمْ يَكُنْ يُرْفَعُ لِأَحَدٍ مِنَ الاْدَمِيِّينَ مِنَ الْحَسَنَاتِ مِثْلُ مَا يُرْفَعُ لَهُ سَلَّطْتَ عَلَيْهِ كَلْباً فَقَطَعَهُ إِرْباً ثُمَّ مَرَرْتُ بِعَبْدٍ لَكَ قَدْ مَلَّكْتَهُ تُعْرَضُ عَلَيْهِ آنِيَةُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فِيهَا أَلْوَانُ الْأَطْعِمَةِ فَيُشْرِكُ بِكَ وَ هُوَ سَوِيٌّ قَالَ فَلَا تَعْجَبَنَّ مِنْ عَبْدِيَ الْأَوَّلِ فَإِنَّهُ سَأَلَنِى مَنْزِلَةً مِنَ الْجَنَّةِ لَمْ يَبْلُغْهَا بِعَمَلٍ فَسَلَّطْتُ عَلَيْهِ الْكَلْبَ لِأُبْلِغَهُ الدَّرَجَةَ الَّتِى أَرَادَهَا وَ أَمَّا عَبْدِيَ الاْخَرُ فَإِنِّى لَمْ أَسْتَكْثِرْ لَهُ شَيْئاً صَنَعْتُهُ بِهِ لِمَا يَصِيرُ إِلَيْهِ غَداً مِنْ عَذَابِى

معاوية بن عمّار گويد: از امام صادق عليه‌السلام شنيدم كه مى فرمود: در روزگاران قبل از شما مردى مى زيست كه به قضا و قدر گردن مى نهاد، و آنچه از حسنات برايش ثبت مى شد براى اهل زمين ثبت نمى شد، و هرگز مرتكب گناه نمى شد، يكى از فرشتگان كه او را دوست مى داشت ، از خدا خواست تا اجازه دهد نزد او (به زمين) رود، و ملاقاتش نمايد، خداوند به او اجازه داد و فرشته پايين آمد، و مشاهده كرد كه مرد به نماز ايستاده ، فرشته نزد او نشست ، ناگاه شيرى به روى مرد جهيد و او را چهار قطعه كرد، و هر قطعه اى را به يكى از چهار طرف انداخت و رفت ، آن فرشته برخاست و تكه هاى بدن مرد را جمع كرد و دفن نمود، سپس به كنار دريا رفت و در آنجا مرد مشركى را ديد كه در ظرفهاى طلا و نقره غذاهاى گوناگون برايش ‍ مى آورند، اين مرد پادشاه هند بود و مشرك بود، زيرا كلمات شرك آميز مى گفت .

فرشته به آسمان رفت ، او را صدا زدند و پرسيدند: چه ديدى ؟ گفت : عجيبترين چيز كه ديدم اين بود كه فلان بنده ات را كه حسنات را فقط به او مى دادى نه به ديگران ، طعمه شيرى ساختى كه او را قطعه قطعه كرد، سپس ‍ بنده ديگرت را ديدم كه او را پادشاهى داده بودى ، و برايش در ظروف طلا و نقره غذاهاى رنگارنگ مى آوردند، و او در سلامت كامل به تو مشرك بود.

خداوند فرمود: از بنده اولى من در شگفت مباش ، زيرا او از من در بهشت مقام و جايگاهى خواست كه به آن نمى رسيد مگر با يك عمل ، من هم آن شير را بر او غلبه دادم تا او را به آن مقام برسانم ، و اما بنده ديگرم ؛ كار زيادى برايش نكردم به خاطر آنچه فرداى قيامت از عذابم به او مى رسد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ اللَّهَ لَيَكْتُبُ الدَّرَجَةَ الْعَالِيَةَ فِى الْجَنَّةِ فَلَا يَبْلُغُهَا عَبْدُهُ فَلَا يَزَالُ يَتَعَهَّدُ بِالْبَلَاءِ حَتَّى يَبْلُغَهَا وَ إِذَا أُصِبْتُمْ بِمُصِيبَةٍ فَاذْكُرُوا مُصِيبَتِى فَإِنَّهَا أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند در بهشت درجات ممتازى قرار داده كه بنده اش به آن نرسد، جز آنكه گرفتار بلا شود تا به آن رسد، هر گاه گرفتار مصيبتى شديد، مصيبت مرا به ياد آريد كه از بزرگترين مصيبتهاست .

وَ قَالَ إِنَّ أَعْظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ وَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْماً ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَ مَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بزرگترين پاداش همراه بزرگترين گرفتارى است ، هر گاه خداوند قومى را دوست بدارد گرفتار بلا سازد، هر كه راضى بود خدا از او راضى شود، و هر كه ناراحت شد خدا از وى ناراحت گردد.

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام الْعَبْدُ بَيْنَ ثَلَاثَةٍ بَلَاءٍ وَ قَضَاءٍ وَ نِعْمَةٍ وَ عَلَيْهِ فِى الْبَلَاءِ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةً وَ عَلَيْهِ فِى الْقَضَاءِ مِنَ اللَّهِ التَّسْلِيمُ فَرِيضَةً وَ عَلَيْهِ فِى النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ الشُّكْرُ فَرِيضَةً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: بنده همواره بين سه چيز است : بلا، قضا و قدر، نعمت ؛ در برابر بلاى نازل از طرف خدا واجب است صبر كند، و در برابر قضا و قدر خدا واجب است تسليم باشد، و در برابر نعمت خدا واجب است شكرگزار باشد.

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ رَأَى الصَّادِقُعليه‌السلام رَجُلًا قَدِ اشْتَدَّ جَزَعُهُ عَلَى وَلَدِهِ فَقَالَ يَا هَذَا جَزِعْتَ لِلْمُصِيبَةِ الصُّغْرَى وَ غَفَلْتَ عَنِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى لَوْ كُنْتَ لِمَا صَارَ إِلَيْهِ وَلَدُكَ مُسْتَعِدّاً لَمَا اشْتَدَّ عَلَيْهِ جَزَعُكَ فَمُصَابُكَ بِتَرْكِكَ الِاسْتِعْدَادَ أَعْظَمُ مِنْ مُصَابِكَ بِوَلَدِكَ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: امام صادق عليه‌السلام مردى را ديد كه در مرگ فرزندش بسيار بيتابى مى كرد، فرمود: اى مرد! در برابر مصيبت كوچك بى تابى مى كنى ، و از مصيبت بزرگ غفلت دارى ! اگر تو خودت را به سوى آنچه فرزندت رفته آماده مى ساختى هرگز چنين بيتابى نمى كردى ، پس ‍ مصيبت فراموش كردن آمادگى براى مرگ بزرگتر از مصيبت مرگ فرزندت مى باشد.

مِنْ كِتَابِ جَمْعِ الْجَوَامِعِ فِى التَّفْسِيرِ عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ إِذَا نُشِرَتِ الدَّوَاوِينُ وَ نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ لَمْ يُنْصَبْ لِأَهْلِ الْبَلَاءِ مِيزَانٌ وَ لَمْ يُنْشَرْ لَهُمْ دِيوَانٌ وَ تَلَا هَذِهِ الاْيَةَ يا عِبادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِى هذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللّهِ واسِعَةٌ إِنَّما يُوَفَّى الصّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه نامه هاى اعمال باز شود و ميزان سنجها نصب شود، براى اهل بلا هيچ ميزان و نامه اى وجود ندارد، و اين آيه را قرائت فرمود: (اى ايمان آوردگان ! پرهيزگار باشيد، براى كسانى كه در اين دنيا نيكى كرده اند پاداشى نيك است ، و زمين خدا وسيع است ، همانا صابران پاداش خود را بدون حساب دريافت مى كنند).

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا صَلَّى الْمَغْرِبَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الْجُذَامُ وَ الْبَرَصُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بعد از نماز صبح و قبل از آغاز سخن هفت مرتبه بگويد:

«بسم اللّه الرحمن الرحيم ، لا حول و لا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم» خداوند هفتاد نوع بلا از انواع بلاها را از وى دفع مى كند، و هر كس آن را بعد از نماز مغرب قبل از سخن گفتن بگويد، خداوند هفتاد نوع بلا از انواع بلاها را از وى بگرداند، كه آسانترين آن بلاها جذام و پيسى است .

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ يُحِبُّ أَنْ يُصْبِحَ فَلَا يَسْقُمَ فَابْتَدَرْنَا فَقُلْنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَعَرَفْنَا مَا فِى وَجْهِهِ فَقَالَ أَ تُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا كَالْحَمِيرِ الضَّالَّةِ فَقَالُوا لَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَقَالَ أَ لَا تُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا أَصْحَابَ بَلَاءٍ وَ كَفَّارَاتٍ فَوَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ مَا يَبْتَلِى إِلَّا لِلْكَرَامَةِ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَهُ مَنْزِلًا لَمْ يَبْلُغْهُ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ دُونَ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ مَا يَبْلُغُ بِهِ ذَلِكَ الْمَنْزِلَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چه كسى دوست دارد كه شب را به صبح برساند و بيمار نشود، همگى با شتاب گفتيم : اى پيامبر خدا! راه آن را به ما بفهمانيد. فرمود: آيا دوست داريد كه همچون الاغى گمشده باشيد؟ گفتند: نه ، اى پيامبر خدا. فرمود: آيا دوست نداريد كه همواره گرفتار بلا و مصيبت باشيد تا كفّاره گناهتان باشد؟ قسم به آنكه جانم در دست اوست ، خداوند مؤمن را گرفتار بلا نكند مگر به خاطر گرامى داشت او، خداوند او را به مقامى برساند كه با عمل خودش اگر همراه بلا نباشد به آن نمى رسد.

## فصل هشتم : در بيان وجوب تسليم مؤمن در برابر قضا و قدر

(الفصل الثامن فى ذكر ما يجب على المؤمن من التسليم لا مر الله و الرضا بقضائه)

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ قَضَى فَأَمْضَى قَضَاءَهُ وَ حَكَمَ فَعَدَلَ فِى حُكُومَتِهِ فَلَمْ يَكُ لِقَضَائِهِ رَادٌّ وَ لَا لِحُكْمِهِ مُعَقِّبٌ فَأَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلِّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَعَالَى وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءَ مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَه

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند آنچه را مقدّر فرموده انجام مى دهد، و در اجراى حكمش به عدالت رفتار مى كند، كسى نمى تواند مقدّرات خدا را برگرداند و يا حكمش را به تأ خير اندازد، بهترين مخلوقات خدا كسى است كه در برابر حكم خدا تسليم باشد، هر كه خداوند متعال را شناخت و هر كه به قضاى خدا راضى شد، حكم خدا بر او جارى مى شود و خداوند پاداشش را افزون كند، و هر كس از قضا و قدر خوشش نيايد، حكم خدا بر او جارى شده و اجرش ضايع گرديده است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَأُحِبُّ الرَّجُلَ إِذَا جَاءَ أَمْرٌ يَكْرَهُهُ أَنْ لَا يُرَى ذَلِكَ فِى وَجْهِهِ وَ إِذَا جَاءَ مَا يَسُرُّهُ أَنْ لَا يُرَى ذَلِكَ فِى وَجْهِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: محبوبترين مردم نزد من كسى است كه هر گاه از كارى ناراحت شد، ناراحتيش در چهره اش پديدار نگردد، و هر گاه از كارى خوشحال شد، خوشحالى در صورتش پيدا نباشد.

عَنْهُ قَالَ كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً وَ هُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ وَ يَحْتَقِرُ مَنْزِلَتَهُ وَ الْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ فَأَنَا ضَامِنٌ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِى قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ دعا يَدْعُوَ اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن چگونه ادعاى ايمان دارد در حالتى كه از آنچه براى او مقدّر شده ناراضى است ، و مقام خود را كوچك مى شمارد، در صورتى كه سرنوشت او در دست خداست ، و من ضامنم براى كسى كه جز رضاى خدا در دلش خطور كند، اگر دعا كرد دعايش ‍ مستجاب شود.

عَنْهُ قَالَ تَحَرَّوْا قُلُوبَكُمْ فَإِنْ أَنْقَاهَا اللَّهُ مِنْ حَرَكَةِ الْوَاحِشِ لِسَخَطِ شَيْءٍ مِنْ صُنْعِهِ فَسَلُوهُ مَا شِئْتُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دلهاى خود را وارسى كنيد، اگر ديديد كه خداوند آن را از اضطراب و دهشت نسبت به كارهاى خويش پاكيزه ساخته ، آنگاه هر چه خواستيد از خدا طلب كنيد.

قَالَ الْمُسْلِمُ لَا يَقْضِى اللَّهُ لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنْ قُطِعَ قِطَعاً كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا كَانَ خَيْراً لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند براى مسلمان سرنوشتى معيّن نكند جز آنكه برايش خير باشد، و اگر قطعه قطعه هم شود برايش خير باشد، و اگر تمام مشرق زمين و مغرب زمين را هم مالك شود، برايش خير است .

عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْأَوَّلِعليه‌السلام قَالَ يَنْبَغِى لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِى رِزْقِهِ وَ لَا يَتَّهِمَهُ فِى قَضَائِهِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: كسى كه از خدا غافل شد، سزاوار نيست كه نسبت كندى در رزق و روزى را به خدا دهد، و او را در حكمش متهم سازد.

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام سُئِلَ عَنْ كَنْزِ الْيَتِيمِ مِمَّ كَانَ فَقَالَ كَانَ لَوْحاً مِنْ ذَهَبٍ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ كَيْفَ يَحْزَنُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَ تَقَلُّبَهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَرْكَنُ إِلَيْهَا وَ يَنْبَغِى لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِى رِزْقِهِ وَ لَا يَتَّهِمَهُ فِى قَضَائِهِ

از حضرت رضا عليه‌السلام در مورد گنج يتيم (كه در قرآن آمده) سؤ ال شد، حضرت فرمود: آن گنج لوحى از طلا بود كه روى آن نوشته شده بود: «بنام خداوند بخشنده مهربان ، هيچ خدايى جز اللّه نيست ، و محمّد پيامبر خداست ، در شگفتم از كسى كه يقين به مرگ دارد چگونه خوشحالى مى كند، و در شگفتم از كسى كه يقين به مقدّرات دارد چگونه غمگين مى شود، و در شگفتم از كسى كه دنيا و دگرگونى آن را نسبت به مردم مى بيند چگونه به آن دل بسته»، و سزاوار است كسانى كه خدا را درك نموده اند در صورتى كه روزى آنان اندكى به تأ خير افتاد ناراحت نشوند، و او را در حكمش متهم نسازند.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَجَباً لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْضِى عَلَيْهِ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْراً لَهُ سَرَّهُ ذَلِكَ أَمْ سَاءَهُ وَ إِنِ ابْتَلَاهُ كَانَ كَفَّارَةً لِذَنْبِهِ وَ إِنْ أَعْطَاهُ وَ أَكْرَمَهُ فَقَدْ حَبَاهُ

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از مؤمن تعجب مى كنم ، خداوند هر حكمى بر او مقدر نموده برايش خير است ، چه خوشحالش كند و چه ناراحت ، و اگر گرفتار بلايش سازد كفّاره گناهش باشد، و اگر چيزى به او عطا كند و او را احترام كند، هديه است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ عَجِبْتُ لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْضِى لَهُ بِقَضَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْراً لَهُ إِنْ أَغْنَاهُ كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنِ ابْتَلَاهُ كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنْ مَلَّكَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ كَانَ خَيْراً لَهُ وَ إِنْ قُرِّضَ بالمقارض بِالْمَقَارِيضِ كَانَ خَيْراً لَهُ وَ فِى قَضَاءِ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ كُلُّ خَيْرٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از مؤمن در شگفتم ، خداوند براى او سرنوشتى مقدّر نكند مگر آنكه خير او باشد، اگر بى نيازش كند برايش خير است ، و اگر گرفتارش كند نيز برايش خير است ، و اگر ما بين مشرق و مغرب را به ملكش در آورد خيرش باشد، و اگر با قيچى ها تكه تكه اش كنند برايش ‍ خير باشد، و براى مؤمن در تمام احكام خدا خير است .

عَنْهُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ فِى دُعَائِهِ اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِيضِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدَرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا قَدَّمْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: على عليه‌السلام در دعاى خود مى فرمود: «پروردگارا! توفيق توكل بر خودت و واگذارى امور به خود و راضى بودن به مقدراتت و تسليم بودن به امرت را نصيبم گردان ، تا اينكه دوست نداشته باشم مقدم شدن آنچه را مؤ خّر كرده اى ، و يا به تأ خير افتادن آنچه را مقدم ساخته اى ، اى پروردگار جهانيان».

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نَتَمَتَّعَ بِالْأَهْلِ وَ اللُّحْمَةِ وَ الْخَوَلِ وَ لَنَا أَنْ نَدْعُوَ اللَّهَ بِمَا لَمْ يَنْزِلْ أَمْرُ اللَّهِ فَإِذَا نَزَلَ أَمْرُ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّهُ اللَّهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: ما واقعا دوست داريم كه از خانواده و خويشاوندان و كارگزاران خود بهره مند شويم ، و براى ما حق است از خدا بخواهيم كه گرفتاريها بر ما نازل نشود، و هر گاه مقدّر خدا واقع شد براى ما جايز نيست دوست داشته باشيم آنچه را كه خدا دوست نداشته است .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ يَا رَبِّ رَضِيتُ بِمَا قَضَيْتَ تُمِيتُ الْكَبِيرَ وَ تُبْقِى الطِّفْلَ الصَّغِيرَ فَقَالَ اللَّهُ يَا مُوسَى أَ مَا تَرْضَانِى لَهُمْ رَازِقاً وَ كَفِيلًا قَالَ بَلَى يَا رَبِّ فَنِعْمَ الْكَفِيلُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: موسى بن عمران عليهم‌السلام عرض ‍ كرد: پروردگارا! به حكمت راضيم ، بزرگان را مى ميرانى و كودكان را نگاه مى دارى ، خداوند فرمود: اى موسى ! آيا از اينكه آنان را روزى مى دهم و سرپرستى مى كنم راضى نيستى ؟ گفت : آرى اى پروردگار، تو چه خوب سرپرست و وكيلى هستى .

## فصل نهم : در بيان مرگ

(الفصل التاسع فى الموت)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِى إِنْ قُلْتُمْ سَمِعَ وَ إِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ وَ بَادِرُوا لِلْمَوْتِ الَّذِى إِنْ هَرَبْتُمْ أَدْرَكَكُمْ وَ إِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَ إِنْ نَسِيتُمُوهُ ذَكَّرَكُمْ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: اى مردم ! بترسيد از خدايى كه اگر سخنى بگوييد مى شنود، و اگر امرى را پنهان كنيد مى داند، به استقبال مرگ برويد، آن مرگى كه اگر از آن فرار كنيد شما را دريابد، و اگر هم سر جاى خود بمانيد شما را فرا گيرد، و اگر آن را از ياد ببريد، او شما را به ياد مى آورد.

رُوِيَ أَنَّ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ اشْتَرَى وَلِيدَةً بِمِائَةِ دِينَارٍ إِلَى شَهْرٍ فَسَمِعَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ أَ لَا تَعْجَبُونَ مِنْ أُسَامَةَ الْمُشْتَرِى إِلَى شَهْرٍ إِنَّ أُسَامَةَ لَطَوِيلُ الْأَمَلِ وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا طَرَفَتْ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنَّ شُفْرَيَّ لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِى وَ لَا رَفَعْتُ طَرْفِى وَ ظَنَنْتُ أَنِّى خَافِضُهُ حَتَّى أُقْبَضَ وَ لَا لَقَمْتُ لُقْمَةً إِلَّا وَ ظَنَنْتُ أَنِّى لَا أُسِيغُهَا أَنْحَصِرُ بِهَا مِنَ الْمَوْتِ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِى آدَمَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتَى وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ إِنَّ ما تُوعَدُونَ لاَتٍ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

روايت شده كه اسامة بن زيد كنيزى را به صد دينار به صورت نسيه تا يك ماه خريد، خبر به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد، فرمود: آيا شما از اسامه كه آن را به مدت يك ماه خريده تعجب نمى كنيد؟ اسامه آرزويى دراز دارد، قسم به آنكه جانم در دست اوست حتى به اندازه چشم بر هم زدن گمان زنده ماندن ندارم ، و هر لحظه منتظرم خداوند جانم را بستاند، و لقمه اى را نخوردم مگر اينكه گمان كردم قبل از فرو بردنش جانم گرفته شود.

سپس فرمود: اى فرزندان آدم ! اگر عاقل هستيد خود را براى مرگ آماده سازيد، قسم به آنكه جانم در دست اوست (آنچه وعده داده شده ايد خواهد آمد، و شما نمى توانيد نسبت عجز به خدا بدهيد).

سُئِلَ الرِّضَا عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَضَرْبَةٌ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ مَوْتٍ عَلَى فِرَاشٍ قَالَعليه‌السلام فِى سَبِيلِ اللَّهِ

از امام رضا عليه‌السلام در باره اين سخن امير مؤمنان عليه‌السلام سؤ ال شد كه فرمود: كشته شدن با شمشير بهتر از مرگ در بستر است ، امام عليه‌السلام فرمود: يعنى در راه خدا.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام بِالْكُوفَةِ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الاْخِرَةَ يُنَادِى النَّاسَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَسْمَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ أَيُّهَا النَّاسُ تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ فَمَا التَّعَرُّجُ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَ نِدَاءٍ فِيهَا بِالرَّحِيلِ تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ انْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ هُوَ التَّقْوَى وَ اعْلَمُوا أَنَّ طَرِيقَكُمْ إِلَى الْمَعَادِ وَ مَمَرَّكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ الْهَوْلَ الْأَعْظَمَ أَمَامَكُمْ وَ عَلَى طَرِيقِكُمْ عَقَبَةٌ كَئُودٌ وَ مَنَازِلُ مَهُولَةٌ مَخُوفَةٌ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ الْمَمَرِّ عَلَيْهَا وَ الْوُقُوفِ بِهَا فَإِمَّا بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ فَنَجَاةٌ مِنْ هَوْلِهَا وَ عَظِيمِ خَطَرِهَا وَ فَظَاعَةِ مَنْظَرِهَا وَ شِدَّةِ مُخْتَبَرِهَا وَ إِمَّا بِهَلَكَةٍ لَيْسَ بَعْدَهَا نَجَاةٌ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: امير مؤمنان عليه‌السلام هنگامى كه در كوفه نماز عشا را مى خواندند، با صداى بلند به طورى كه همه اهل مسجد بشنوند مردم را صدا مى زد، و مى فرمود: اى مردم ، خداوند رحمت كند شما را، براى مرگ آماده شويد، اينك بانگ كوچ كردن بر آورده شده ، پس ‍ چرا بعد از اين نداء شما به دنيا دل بسته ايد؟ آماده شويد، خدا رحمتتان كند، و بهترين زاد و توشه خود را كه تقوى است اختيار كنيد، و بدانيد كه راهتان به سوى آخرت است و بايد از پل صراط بگذريد، و اضطرابى بزرگ در پيش روى شماست ، و در بين راهتان گردنه هاى صعب العبور و منزلهايى هولناك و وحشت آور مى باشد، كه ناچار هستيد از آنها بگذريد و در آنها توقف كنيد، يا شما به وسيله رحمت خدا مى توانيد از هراس آن راه و سختيهايى كه دارد و منظره هاى ترسناكش و آزمايش سختش بگذريد و نجات پيدا كنيد، و يا هلاكتى نصيب شما گردد كه ديگر بعد از آن نجاتى نخواهد بود.

وَ قَالَصلى‌الله‌عليه‌وآله لِابْنِ عُمَرَ كُنْ فِى الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ وَ عُدَّ نَفْسَكَ مِنَ الْمَوْتَى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به عبد اللّه بن عمر فرمود: در دنيا همانند غريبه ها و رهگذرها زندگى كن ، و خودت را براى مرگ آماده ساز.

وَ مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَهُ فِى الْمَوْتِ رَاحَةٌ مِنْ فِرَاقِ مَنْ يَحْذَرُهُ وَ سُرْعَةِ الْقُدُومِ عَلَى مَنْ يَرْجُوهُ وَ يَأْمُلُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: براى مؤمن در مرگ آسايشى است به خاطر ترك دنيايى كه از آن مى ترسيد، و حركتى سريع به سوى چيزى است كه انتظارش را داشت و آرزويش را مى كشيد.

مِنْ كِتَابِ الرَّوْضَةِ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا لِى لَا أُحِبُّ الْمَوْتَ قَالَ هَلْ لَكَ مَالٌ قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قَدِّمْ مَالَكَ فَإِنَّ قَلْبَ الرَّجُلِ مَعَ مَالِهِ إِنْ قَدَّمَهُ أَحَبَّ أَنْ يَلْحَقَهُ وَ إِنْ خَلَّفَهُ أَحَبَّ أَنْ يَتَخَلَّفَ مَعَهُ

يكى از انصار به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: چرا من مرگ را دوست ندارم ؟ فرمود: آيا مال و ثروتى دارى ؟ گفت : بلى اى رسول خدا، فرمود: مالت را قبل از خود بفرست ، زيرا دل آدمى هميشه همراه مالش ‍ مى باشد، اگر آن را پيش بفرستد دوست دارد به او ملحق شود، و اگر به جاى مانده باشد دوست دارد خودش هم همراه مال بماند.

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَتَى جَبْرَئِيلُ رَسُولَ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ اعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ لَاقِيهِ وَ أَحْبِبْ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ يَا مُحَمَّدُ صَلَاةُ اللَّيْلِ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِى لِسَانِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جبرئيل خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض كرد: اى محمّد! خداوند به تو سلام مى رساند و مى فرمايد: هر كارى مى خواهى انجام بده زيرا به آن خواهى رسيد، و هر كه را مى خواهى دوست بدار، زيرا از وى جدا خواهى شد، و هر چه مى خواهى زندگى كن زيرا تو خواهى مرد، اى محمّد! نماز شب شرافتى براى مؤمن است ، و عزّت مؤمن در گرو زبان اوست .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام إِنَّ مَلَكاً يُنَادِى فِى كُلِّ يَوْمٍ ابْنَ آدَمَ لِدْ لِلْمَوْتِ وَ اجْمَعْ لِلْفَنَاءِ وَ ابْنِ لِلْخَرَابِ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: فرشته اى هر روز صدا مى زند: اى فرزند آدم ! براى مرگ بزاى ، و براى از بين رفتن ؛ مال جمع كن ، و خانه ات را براى خراب شدن بساز.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مَنْ عَدَّ غَداً مِنْ أَجَلِهِ وَ مَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ وَ كَانَ يَقُولُ لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهُ وَ سُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ طَلَبَ الدُّنْيَا

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كس خودش را براى فردا (ى دنيا) آماده سازد، حقيقت مرگ را درك نكرده ، و بنده اى آرزوى طولانى نداشت جز آنكه به گناه گرفتار شد و كار زشت انجام داد، و مى فرمود: اگر بنده مرگ خود و سرعتش را به سوى خويش مى ديد، از آرزوى دراز و دنيا خواهى نفرت مى داشت .

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام أَكْثِرْ ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ عَبْدٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهِدَ فِى الدُّنْيَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بسيار به ياد مرگ باش ، زيرا بنده اى زياد به ياد مرگ نبود مگر اينكه از دنيا دل بر كند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَلَا إِنَّ الْقُبُورَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفَرِ النِّيرَانِ أَلَا وَ إِنَّهُ يَتَكَلَّمُ فِى كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ أَنَا بَيْتُ الدُّودِ أَلَا وَ إِنَّ وَرَاءَ ذَلِكَ يَوْماً تَذْهَلُ فِيهِ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمّا أَرْضَعَتْ وَ يَكُونُ الْوِلْدانَ شِيباً السَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ وَ تَضَعُ كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَى النّاسَ سُكارى وَ ما هُمْ بِسُكارى وَ لكِنَّ عَذابَ اللّهِ شَدِيدٌ أَلَا إِنَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ جَنَّةً عَرْضُهَا السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ أَعَاذَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَ رَحِمَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بدانيد كه قبرها باغى از باغهاى بهشت و يا گودالى از گودالهاى جهنمند، هشيار باشيد كه قبر هر روز سه مرتبه مى گويد: من خانه تنهائيم ، من خانه كرمهايم ، آگاه باشيد! بعد از اين روزى خواهد آمد كه از شدّت ترس و هول هر زن شير دهى كودك شير خوارش را رها مى كند، و كودكان پير مى شوند و آسمان از هم پاشيده مى شود، و هر زن حامله اى بچه اش را سقط مى كند، و مردم را به نظرت مست مى بينى ، در حالى كه آنان مست نيستند، بلكه عذاب الهى سخت است .

آگاه باش ! ما وراء اين قبرها (بهشتى است كه وسعت آن به اندازه آسمانها و زمين است)، خداوند ما و شما را از عذاب دردناك حفظ كند، و به ما و شما از عذاب خواركننده رحم كند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَوْلٌ لَا تَدْرِى مَتَى يَغْشَاكَ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْتَعِدَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يُفَاجِئَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: عيسى بن مريم عليه‌السلام مى فرمود: (مرگ) هراسى است كه نمى دانى چه موقع تو را در بر مى گيرد، چرا آماده مرگ نمى شوى قبل از اينكه ناگهانى تو را دريابد؟

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِعليه‌السلام قَالَ نُعِيَ إِلَى الصَّادِقِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ وَ هُوَ أَكْبَرُ أَوْلَادِهِ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَأْكُلَ وَ قَدِ اجْتَمَعَ نُدَمَاؤُهُ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ دَعَا بِطَعَامِهِ وَ قَعَدَ مَعَ نُدَمَائِهِ وَ جَعَلَ يَأْكُلُ أَحْسَنَ مِنْ أَكْلِهِ سَائِرَ الْأَيَّامِ وَ يَحُثُّ نُدَمَاءَهُ وَ يَضَعُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ يَعْجَبُونَ مِنْهُ أَنْ لَا يَرَوْا لِلْحُزْنِ أَثَراً فَلَمَّا فَرَغَ قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ رَأَيْنَا عَجَباً أُصِبْتَ بِمِثْلِ هَذَا الِابْنِ وَ أَنْتَ كَمَا تُرَى قَالَ وَ مَا لِى لَا أَكُونُ كَمَا تَرَوْنَ وَ قَدْ جَاءَنِى خَبَرُ أَصْدَقِ الْقَائِلِينَ أَنِّى مَيِّتٌ وَ إِيَّاكُمْ وَ أَنَّ قَوْماً عَرَفُوا الْمَوْتَ فَجَعَلُوهُ نُصْبَ أَعْيُنِهِمْ وَ لَمْ يُنْكِرُوا مَنْ يَخْطَفُهُ الْمَوْتُ مِنْهُمْ وَ سَلَّمُوا لِأَمْرِ خَالِقِهِمْ

امام رضا عليه‌السلام از قول پدر بزرگوارش مى فرمايد: هنگامى كه خبر مرگ اسماعيل كه فرزند بزرگ امام صادق عليه‌السلام بود به ايشان رسيد، آن حضرت با دوستان خود مشغول غذا خوردن بود، حضرت لبخندى زدند و فرمود غذا را آماده كنيد، و با دوستان خود نشستند و بهتر از روزهاى ديگر شروع به غذا خوردن نمودند، و دوستان خود را تشويق به خوردن مى نمودند و به آنها تعارف مى كردند، آنان از اينكه هيچ اثر اندوهى در چهره امام نبود متعجب شدند.

چون غذا تمام شد گفتند: يا ابن رسول اللّه ! ما از اين وضع در شگفت شديم ، چنين فرزندى از شما مرده و شما اين گونه ايد؟ فرمود: چرا اين گونه نباشم كه مى بينيد؛ در حالى كه خبر راستگوترين گويندگان به من رسيد، كه من و شما نيز خواهيم مرد، گروهى هستند كه مرگ را شناخته اند و خود را برايش آماده ساخته اند، و كسى را كه مرگ از بين آنان ربوده منكر نيستند، و تسليم امر خداوند مى باشند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَوْ تَعْلَمُ الْبَهَائِمُ مِنَ الْمَوْتِ مَا تَعْلَمُونَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْهَا سَمِيناً أَبَداً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر چهارپايان آنچه را شما از مرگ مى دانيد؛ مى دانستند، هرگز شما حيوان فربهى از آنان را نمى خورديد.

# باب هشتم در بيان خصلتهاى مذموم اين باب ده فصل دارد

الباب الثامن فى ذكر الخصال المنهى عنها و ما يناسبها عشرة فصول

## فصل اول : در بيان غضب

الفصل الاول فى الغضب

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ

على بن اسباط گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از ادب كردن هنگام غضب نهى فرمود [چون غضب از صفات بدى است كه مبتلاى به آن نمى تواند مؤ دّب باشد]

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خشم كليد هر بدى است .

وَ قَالَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أَعْلِمْنَا أَيُّ الْأَشْيَاءِ أَشَدُّ قَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءِ غَضَبُ اللَّهِ قَالُوا فِيمَ يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ قَالَ بِأَنْ لَا تَغْضَبُوا قَالُوا وَ مَا بَدْءُ الْغَضَبِ قَالَ الْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحْقَرَةُ النَّاسِ

امام صادق عليه‌السلام از قول پدر بزرگوارشان مى فرمايند: حواريون به عيسى بن مريم گفتند:

اى تعليم دهنده خوبيها، به ما بياموز كه كدامين اعمال سخت تر است ؟ گفت :

سخت ترين آنها خشم خداوند است ، گفتند: چگونه مى شود از خشم خدا بر كنار بود؟

گفت : به اينكه غضب نكنيد، گفتند: غضب چگونه شروع مى شود؟ گفت : به وسيله كبر و خود پسندى و كوچك شمردن مردم .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنِ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ الضَّجَرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس گرفتار مشكلات شود، آسايشش سلب گردد.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهِبَ وَ إِذَا اشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ وَ إِذَا سَخِطَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس نفس خود را هنگام ميل به شهوت و هنگام ترسيدن و هنگام ميل به خوردن و هنگام خشم و غضب و هنگام راضى بودن و هنگام ناراضى بودن حفظ نمايد، خداوند جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

ذَكَرُوا الْغَضَبَ عِنْدَ الْبَاقِرِعليه‌السلام فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ حَتَّى مَا يَرْضَى أَبَداً وَ يَدْخُلُ بِذَلِكَ النَّارَ فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَ إِنْ كَانَ جَالِساً فَلْيَقُمْ وَ أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذَوِى رَحِمِهِ فَلْيَقُمْ إِلَيْهِ وَ لْيَدْنُ مِنْهُ وَ لْيَمَسَّهُ فَإِنَّ الرَّحِمَ إِذَا مَسَّتِ الرَّحِمَ سَكَنَتْ

در محضر حضرت باقر عليه‌السلام سخن از غضب به ميان آمد، فرمود: مرد خشمگين مى شود به حدّى كه راضى نشود (و خشمش باعث گناه شود) و بدين سبب داخل دوزخ گردد، اگر مردى در حال ايستاده خشمگين شد بايد بنشيند، تا پليدى شيطان از او دور شود، و اگر نشسته بايد بايستد، و هر كس بر خويشاوندش غضب كند بايد برخيزد و به طرف او رود تا به او نزديك شود و او را لمس كند، زيرا هر گاه با خويشاوند تماس بگيرد آرام گيرد.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ هُمْ أَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ رَجُلٌ لَمْ تَدْعُهُ قُدْرَتُهُ فِى حَالِ غَضَبِهِ إِلَى أَنْ يَحِيفَ عَلَى مَنْ تَحْتَ يَدَيْهِ وَ رَجُلٌ مَشَى بَيْنَ اثْنَيْنِ فَلَمْ يَمِلْ مِنْ أَحَدِهِمَا عَلَى الاْخَرِ بِشَعِيرَةٍ وَ رَجُلٌ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: سه گروه در روز قيامت نزديكترين مخلوقات به خداوند هستند تا حسابرسى تمام شود: مردى كه در حال قدرت غضبش او را وادار به ظلم كردن نسبت به زير دستان نكند، و مردى كه بين دو نفر ميانجى شود و به اندازه دانه جوى از يكى بر عليه ديگر طرفدارى نكند، و مردى كه حق را بگويد چه به سودش باشد چه به زيانش .

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِى يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مردانگى به نيروى جسمانى نيست ، بلكه جوانمرد آن است كه بتواند خشمش را فرو خورد.

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِى ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْتَ الَّذِى نَفَاكَ فُلَانٌ مِنَ الْبَلَدِ لَوْ كَانَ فِيكَ خَيْرٌ مَا نَفَاكَ فَقَالَ يَا ابْنَ أَخِى إِنَّ قُدَّامِى عَقَبَةً كَئُوداً إِنْ نَجَوْتُ مِنْهَا لَمْ يَضُرَّنِى مَا قُلْتَ وَ إِنْ لَمْ أَنْجُ مِنْهَا فَأَنَا شَرٌّ مِمَّا قُلْتَ لِى

مردى به ابوذر رحمه‌الله گفت : تو همان كسى هستى كه فلانى از شهر تبعيدت كرد، اگر آدم خوبى بودى تبعيدت نمى كرد، گفت : اى برادر زاده ! جلوى روى من گردنه هاى صعب العبورى است كه اگر از آنها نجات پيدا كنم سخن تو به حالم ضررى ندارد، و اگر نجات نيابم از آنچه در باره ام گفتى بدترم .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ أُوتِينَا مَا أُوتِيَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُؤْتَوْا وَ عُلِّمْنَا مَا عُلِّمَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُعَلَّمُوا فَلَمْ نَجِدْ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فِى الْمَغِيبِ وَ الْمَشْهَدِ وَ الْقَصْدِ فِى الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ كَلِمَةِ الْحَقِّ فِى الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سليمان بن داود گفت : هر آنچه را كه مردم دارند و يا ندارند نزد ما هست ، و هر آنچه را كه مردم مى دانند يا نمى دانند ما بدان آگاهيم ، ما چيزى بهتر از ترس از خدا در پنهان و آشكار نديديم ، و چيزى بهتر از ميانه روى در حال توانگرى و فقر و گفتن سخن حق چه در حالت رضا، و چه در حالت خشم ، و خضوع و خشوع در برابر خداوند در هر حال ؛ نيست .

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ إِذَا أَصْبَحْتَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْتَقْبِلُكَ فَكُلْهُ وَ الثَّانِى فَاكْتُمْهُ وَ الثَّالِثُ فَاقْبَلْهُ وَ الرَّابِعُ فَلَا تُؤْيِسْهُ وَ الْخَامِسُ فَاهْرُبْ مِنْهُ قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحَ مَضَى فَاسْتَقْبَلَهُ جَبَلٌ أَسْوَدُ عَظِيمٌ فَوَقَفَ وَ قَالَ أَمَرَنِى رَبِّى عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ آكُلَ هَذَا وَ بَقِيَ مُتَحَيِّراً ثُمَّ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ إِنَّ رَبِّى جَلَّ جَلَالُهُ لَا يَأْمُرُنِى إِلَّا بِمَا أُطِيقُ فَمَشَى إِلَيْهِ لِيَأْكُلَهُ فَكُلَّمَا دَنَا مِنْهُ صَغُرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ فَوَجَدَهُ لُقْمَةً فَأَكَلَهَا فَوَجَدَهَا أَطْيَبَ شَيْءٍ أَكَلَهُ ثُمَّ مَضَى فَوَجَدَ طَسْتاً مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ أَمَرَنِى رَبِّى أَنْ أَكْتُمَ هَذَا فَحَفَرَ لَهُ حُفْرَةً وَ جَعَلَهُ فِيهَا وَ أَلْقَى عَلَيْهِ التُّرَابَ ثُمَّ مَضَى فَالْتَفَتَ فَإِذَا الطَّسْتُ قَدْ ظَهَرَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرَنِى رَبِّى عَزَّ وَ جَلَّ فَمَضَى فَإِذَا هُوَ بِطَيْرٍ وَ خَلْفَهُ بَازِيٌّ فَطَافَ الطَّيْرُ حَوْلَهُ فَقَالَ أَمَرَنِى رَبِّى أَنْ أَقْبَلَ هَذَا فَفَتَحَ كُمَّهُ فَدَخَلَ الطَّيْرُ فِيهِ فَقَالَ لَهُ الْبَازِى أَخَذْتَ صَيْدِى وَ أَنَا خَلْفَهُ مُنْذُ أَيَّامٍ فَقَالَ إِنَّ رَبِّى أَمَرَنِى أَنْ لَا أُؤْيِسَ هَذَا فَقَطَعَ مِنْ فَخِذِهِ قِطْعَةً فَأَلْقَاهَا إِلَيْهِ ثُمَّ مَضَى فَلَمَّا مَضَى فَإِذَا هُوَ بِلَحْمِ مَيْتَةٍ مُنْتِنٍ مَدُودٍ فَقَالَ أَمَرَنِى رَبِّى أَنْ أَهْرُبَ مِنْ هَذَا فَهَرَبَ مِنْهُ وَ رَجَعَ وَ رَأَى فِى الْمَنَامِ كَأَنَّهُ قَدْ قِيلَ لَهُ إِنَّكَ قَدْ فَعَلْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ فَهَلْ تَدْرِى مَا ذَاكَ كَانَ قَالَ لَا قِيلَ لَهُ أَمَّا الْجَبَلُ فَهُوَ الْغَضَبُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يَرَ نَفْسَهُ وَ جَهِلَ قَدْرَهُ مِنْ عِظَمِ الْغَضَبِ فَإِذَا حَفِظَ نَفْسَهُ وَ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ سَكَنَ غَضَبُهُ كَانَتْ عَاقِبَتُهُ كَاللُّقْمَةِ الطَّيِّبَةِ الَّتِى أَكَلَهَا وَ أَمَّا الطَّسْتُ فَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ إِذَا كَتَمَهُ الْعَبْدُ وَ أَخْفَاهُ أَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُظْهِرَهُ لِيُزَيِّنَهُ بِهِ مَعَ مَا ادَّخَرَ لَهُ مِنْ ثَوَابِ الاْخِرَةِ وَ أَمَّا الطَّيْرُ فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِى يَأْتِيكَ بِنَصِيحَةٍ فَاقْبَلْهُ وَ اقْبَلْ نَصِيحَتَهُ وَ أَمَّا الْبَازِى فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِى يَأْتِيكَ فِى حَاجَةٍ فَلَا تُؤْيِسْهُ وَ أَمَّا اللَّحْمُ الْمُنْتِنُ فَهُوَ الْغِيبَةُ فَاهْرُبْ مِنْهَا

امام رضا عليه‌السلام فرمود: خداى عزّوجلّ به پيامبرى از پيامبرانش ‍ وحى فرمود: هنگامى كه صبح از خانه بيرون آمدى نخستين چيزى را كه با آن روبرو شدى بخور، و دومين آن را مخفى بدار، و سومى را قبول كن ، و چهارمى را نااميد نكن ، و از پنجمى بگريز.

آن پيامبر هنگام صبح كه بيرون آمد با كوه بزرگ و سياهى روبرو شد، ايستاد و گفت :

پروردگارم به من فرمان داده كه اين را بخورم ، او سرگردان ماند، سپس با خود گفت :

پروردگارم مرا به كارى كه طاقتش را ندارم فرمان ندهد، او به طرف كوه حركت كرد تا آن را بخورد، هر چه به آن نزديكتر مى شد كوه كوچكتر مى گرديد، تا وقتى كه به آن رسيد به اندازه لقمه اى شده بود، آن را خورد و بسيار خوشمزه يافت ، سپس به راه خود ادامه داد، و در راه طشتى از طلا پيدا كرد، و گفت : پروردگارم به من فرموده كه آن را پنهان سازم ، گودالى حفر كرد و پنهانش كرد و روى آن خاك ريخت ، سپس حركت كرد، در اين هنگام متوجه شد كه آن طشت از زير خاك بيرون آمده ، با خود گفت : آنچه را پروردگارم فرمان داده بود انجام دادم ، بعد به راهش ادامه داد، و ناگهان پرنده اى را مشاهده كرد كه بازى شكارى دنبال اوست ، پرنده پيرامون او پرواز مى كرد، آن پيامبر فرمود: پروردگارم فرمان داده كه اين را بپذيرم ، در اين هنگام آستين خود را باز كرد و پرنده داخلش شد، باز شكارى به آن پيامبر گفت : شكارى را كه من چند روز دنبالش بودم گرفتى ، با خود گفت :

پروردگارم به من امر كرده كه اين را مأ يوس نكنم ، از ران پرنده تكه اى بريد و جلوى او انداخت و رفت ، در بين راه به گوشت گنديده كرم زده اى بر خورد، با خود گفت :

پروردگارم به من فرمود كه از اين دورى بجويم ، از آنجا گريخت .

وقتى به خانه بازگشت در خواب ديد گويا به او گفته مى شود: تو آنچه را به آن مأ مور بودى به انجام رساندى ، آيا مى دانى قضيه چه بود؟ گفت : نه ، به او گفته شد: اما آن كوه در واقع غضب بود، زيرا هر بنده اى هنگامى كه غضب مى كند خود را نمى بيند و به خاطر شدّت خشمش مقام خود را فراموش ‍ مى كند، هر گاه در حال غضب خود را نگاه داشت و منزلت خود را شناخت و خشمش را فرو خورد پايان كارش مانند لقمه لذيذى مى شود كه آن را خوردى ، و اما آن طشت نيز در حقيقت كارهاى شايسته بنده است كه آن را پنهان داشته ، خداوند هم آن را ظاهرش كند تا بنده اش را به آن زينت دهد، به علاوه ثوابى كه براى آخرتش ذخيره مى سازد، و اما قضيّه آن پرنده ، او به حقيقت مردى است كه تو را نصيحت مى كند، نصيحتش را بپذير، و آن باز شكارى نيز مردى است كه نزد تو مى آيد و از تو حاجتى مى خواهد، او را نااميد نكن ، و اما آن گوشت متعفّن همان غيبت (برادر مؤمن) است كه بايد از آن دورى گزينى .

مِنْ كِتَابِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله وَجَبَتْ مَحَبَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَنْ أُغْضِبَ فَحَلُمَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: محبت خدا بر كسى كه به خشم آورده شد، و از خود بردبارى نشان داده واجب است .

## فصل دوم : در بيان حسد

(الفصل الثانى فى الحسد)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ مَا فِى الْأَرْضِ رَجُلٌ أَعْظَمَ مِنَّةً عَلَيَّ مِنْكَ دَعَوْتَ اللَّهَ عَلَى هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ فَأَرَحْتَنِى مِنْهُمْ أَ لَا أُعَلِّمُكَ خَصْلَتَيْنِ إِيَّاكَ وَ الْحَسَدَ فَهُوَ الَّذِى فَعَلَ بِى وَ إِيَّاكَ وَ الْحِرْصَ فَهُوَ الَّذِى فَعَلَ بِآدَمَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه حضرت نوح از كشتى پياده شد، شيطان نزد او رفت و گفت : در روى زمين مردى كه بر من منّتى بزرگتر از تو داشته باشد وجود ندارد، تو از خدا خواستى كه اين بدكاران را نابود سازد و مرا از دست آنان آسوده كردى ، آيا دو خصلت به تو بياموزم ؟ از حسد بپرهيز كه مرا اين چنين كرد، و از حرص و طمع دورى كن كه آدم گرفتارش ‍ شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ أَنْهَاكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ عِظَامٍ الْحَسَدِ وَ الْكَذِبِ وَ الْحِرْصِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اى على ! از سه خصلت بزرگ تو را نهى مى كنم : حسد، دروغ ، حرص .

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ يَضْمَنْ لِى خَمْساً أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ النَّصِيحَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ النَّصِيحَةَ لِرَسُولِهِ وَ النَّصِيحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةَ لِدِينِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس به انجام پنج چيز خودش ‍ را ملزم سازد من بهشت را برايش ضمانت كنم : خير خواهى براى خداى عزّ و جلّ، خير خواهى براى رسول خدا، خير خواهى براى كتاب خدا، خير خواهى براى دين خدا، خير خواهى براى تمامى مسلمانان .

وَ قَالَ الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: حسد نيكيها را از بين مى برد همان طور كه آتش هيزم را نابود مى كند.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ فِيهِ الشُّحُّ وَ الْحَسَدُ وَ الْجُبْنُ وَ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَاناً وَ لَا حَرِيصاً وَ لَا شَحِيحاً

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى كه در او بخل ، و حسادت ، و ترس ‍ باشد ايمان ندارد، چون مؤمن ترسو، و حريص ، و بخيل نيست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرحمه‌الله وَ يَبْتَلِيَكَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: برادر مؤمنت را [بر كار بد]شماتت نكن ، زيرا ممكن است او مورد رحمت خدا قرار گيرد و تو را [به آن ]مبتلا كند.

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَعليه‌السلام أَنِّى مُوصِيكَ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءَ لَا تَحْسُدَنَّ أَحَداً مِنْ عِبَادِى وَ لَا تَغْتَابَنَّ صَالِحَ عِبَادِى قَالَ يَا رَبِّ حَسْبِى هَذَانِ

خداوند به سليمان بن داود وحى فرمود: تو را به هفت چيز سفارش ‍ مى كنم : بر كسى از بندگان من حسادت مبر، از بندگان شايسته ام غيبت نكن . گفت : پروردگارا! مرا همين دو بس است .

رُوِيَ أَنَّهُ رَأَى مُوسَى رَجُلًا عِنْدَ الْعَرْشِ فَغَبَطَهُ بِمَكَانِهِ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ كَانَ لَا يَحْسُدُ النّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ

روايت شده كه : موسى مردى را نزديك عرش ديد و به مقام او غبطه خورد، از حال وى جويا شد، گفتند: هرگز آنچه خداوند از فضلش به كسى داده بود حسادت نمى ورزيد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغَيُّرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَ أَغْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أَسِيراً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: غافلترين مردم كسى است كه از تغييرات دنيا پند نگيرد و متحول نشود، و بى نيازترين مردم كسى است كه اسير حرص نباشد.

## فصل سوم : در بيان رياء

(الفصل الثالث فى الرياء)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَ مَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر ريايى شرك است ، هر كه براى مردم كار كند بايد ثوابش را از مردم بخواهد، و هر كه براى خدا كار كند پاداشش ‍ به عهده خداست .

وَ قَالَ أَيْضاً اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لَهُ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِلَّهِ يَكُنْ فِى حَاجَتِهِ وَ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از خدا بترسيد و براى او كار كنيد، زيرا هر كه كارش براى خدا باشد حاجتش را بر آورد، و هر كس براى غير خدا كار كند خداوند او را به همان كس وامى گذارد.

عَنِ ابْنِ عَرَفَةَ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ لِى وَيْحَكَ مَا عَمِلَ أَحَدٌ عَمَلًا إِلَّا رَدَّاهُ اللَّهُ بِهِ إِنْ خَيْراً فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَرٌّ

ابن عرفه گويد: امام رضا عليه‌السلام به من فرمود: واى بر تو! هيچ كس ‍ كارى نكند مگر آنكه خداوند همان عمل را مانند ردائى به او بپوشاند؛ اگر عملش خوب باشد ردايش هم خوب خواهد بود، و اگر عملش بد باشد رداى او نيز بد خواهد بود.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ إِنِّى كُنْتُ أَتَعَشَّى مَعَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام إِذْ تَلَا هَذِهِ الاْيَةَ بَلِ الْإِنْسانُ عَلى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَ لَوْ أَلْقى مَعاذِيرَهُ

عمر بن يزيد گويد: با حضرت صادق عليه‌السلام مشغول شام خوردن بودم كه اين آيه را تلاوت فرمود: (بلكه انسان نسبت به وجودش آگاه است ، اگر چه عذرتراشى كند)،

وَ قَالَ يَا أَبَا حَفْصٍ مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى النَّاسِ بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاءَهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْراً وَ إِنْ شَرّاً فَشَرّاً

و فرمود:

اى ابو حفص ! انسان چگونه بر خلاف آنچه خدا مى داند خود را به مردم نزديك سازد؟

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمود: هر كه نيّتى در دل داشته باشد، خداوند لباس همان نيّت را بر او بپوشاند، اگر خير باشد آنهم خير است ، و اگر بد باشد آنهم بد است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ وَ لَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَ مَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ وَ لَا تُخَاصِمُوا النَّاسَ بِدِينِكُمْ فَإِنَّ الْمُخَاصَمَةَ مَمْرَضَةٌ لِلْقَلْبِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ إِنَّكَ لا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لكِنَّ اللّهَ يَهْدِى مَنْ يَشاءُ وَ قَالَ أَ فَأَنْتَ تُكْرِهُ النّاسَ حَتّى يَكُونُوا مُؤْمِنِين

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كارهاى خود را فقط براى خدا انجام دهيد، و آن را براى مردم انجام ندهيد، زيرا آنچه براى خداست نزد خدا محفوظ مى ماند، و آنچه براى مردم باشد به سوى خدا نرود، بر سر دين خود با مردم نزاع نكنيد، زيرا نزاع بيماركننده دل است ، خداوند عزّ و جلّ به پيامبرش فرمود: (تو نمى توانى كسانى را كه دوست دارى هدايت كنى ، بلكه خداوند هر كه را بخواهد هدايت كند) و فرمود: (آيا تو مردم را به اجبار به سوى ايمان دعوت مى كنى).

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قَالَ اعْمَلُوا لِلَّهِ فِى غَيْرِ رِيَاءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى عَمَلِهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: براى خدا بدون ريا و شهرت طلبى كار كنيد، زيرا هر كس براى غير خدا كار كند، خداوند او را به عملش ‍ واگذارد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ يَسْمَعُ أَهْلُ الْجَمْعِ أَيْنَ الَّذِينَ كَانُوا يَعْبُدُونَ النَّاسَ قُومُوا خُذُوا أُجُورَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ فَإِنِّى لَا أَقْبَلُ عَمَلًا خَالَطَهُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه روز قيامت شود مناديى در حالى كه همه مى شنوند صدا مى زند: كجايند كسانى كه مردم را مى پرستيدند؟ برخيزيد و مزد خود را از آنان كه برايشان كار كرده ايد بگيريد، من كارى را كه با مسائل دنيايى و اهل دنيا مخلوط شده نمى پذيرم .

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعَ الْعِلْمِ وَ الْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عُمِلَ بِهِ وَ الْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مُخْلَصاً وَ الْإِخْلَاصُ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يُخْتَمُ لَهُ

امام رضا عليه‌السلام از قول پدر و پدران بزرگوارش از امير مؤمنان عليه‌السلام نقل فرمود: تمامى دنيا به جهل آلوده است ، مگر جاهايى كه نور علم در آن باشد، و علم فقط يك راهنماست ، مگر اينكه به آن عمل شود، و عمل تماما رياست ، مگر اينكه از روى اخلاص باشد، و اخلاص در معرض ‍ خطر است ، تا آن هنگام كه بنده پايان كارش را ببيند.

## فصل چهارم : در بيان خود پسندى

(الفصل الرابع فى العجب)

قال الله سبحانه و تعالى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى و المن نتيجة استعظام العمل و هو العجب

خداوند متعال مى فرمايد: (اى كسانى كه ايمان آورده ايد صدقات خود را با منّت گذاردن و اذيّت كردن از بين نبريد)، و منّت گذاشتن ، نتيجه بزرگ جلوه دادن عمل است كه او همان خود پسندى است .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَسْأَلُنِى الشَّيْءَ مِنْ طَاعَتِى فَأُحِبُّهُ فَأَصْرِفُ ذَلِكَ عَنْهُ لِكَيْ لَا يُعْجِبَهُ عَمَلُهُ

خداوند متعال مى فرمايد: بعضى از بندگان مؤمنم از من طلب توفيق در طاعتم را مى كنند، من هم چون او را دوست دارم اين توفيق را از او سلب مى كنم تا بر اثر آن عمل گرفتار خود پسندى نگردد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا بَشَّرَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْخُلَّةِ أَوْحَى إِلَى جَبْرَئِيلَ يَا جَبْرَئِيلُ أَدْرِكْ إِبْرَاهِيمَ لَا يَهْلِكْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هنگامى كه خداى عزّ و جلّ به ابراهيم عليه‌السلام مژده دوستى با خودش را داد، به جبرئيل وحى فرمود: اى جبرئيل ، مواظب ابراهيم باش كه (به واسطه عجب) هلاك نشود.

فِى رِوَايَةٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَسْأَلُنِى الشَّيْءَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ مَخَافَةَ الْإِعْجَابِ بِنَفْسِهِ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى الْغِنَى لَهَلَكَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد: بعضى از بندگان مؤمنم از من طلب توفيق در عبادت را مى كنند، من اين توفيق را نصيبشان نمى كنم چون مى ترسم موجب خود بزرگ بينى او شود، و بعضى از بندگان مؤمنم كسانيند كه فقط در حال فقر ساخته مى شوند، و اگر او را توانگر سازم هلاك شود.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِى لَعِبَاداً لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَى وَ السَّعَةِ وَ الصِّحَّةِ فِى الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَى وَ السَّعَةِ وَ صِحَّةِ الْبَدَنِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ عِبَاداً لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ السُّقْمِ فِى أَبْدَانِهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ السُّقْمِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِى عِبَادَتِى فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِيذِ وِسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِيَ اللَّيَالِيَ فَيُتْعِبُ نَفْسَهُ فِى عِبَادَتِى فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَ اللَّيْلَتَيْنِ نَظَراً مِنِّى إِلَيْهِ وَ إِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارٍ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخَلِّى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ فِى عِبَادَتِى لَدَاخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ الْعُجْبُ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَكَانَ يَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِى عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَبَاعَدُ مِنِّى عَنْهُ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد: بعضى از بندگانم كسانيند كه امر دينشان جز با توانگرى و گشايش در زندگى و تندرستى اصلاح نشود، آنان را با توانگرى و گشايش و سلامتى بدن مى آزمايم تا امر دينشان اصلاح گردد، و بعضى از بندگان مؤمنم كسانيند كه امر دينشان فقط با فقر و تهيدستى و بيمارى در بدنهايشان اصلاح مى شود، و من آنان را با تنگدستى و فقر و بيمارى مى آزمايم ، و امر دينشان را اصلاح مى كنم ، و من به آنچه امر دين بندگان مؤمنم را اصلاح مى كند آگاه ترم ، و بعضى از بندگان مؤمنم كسانيند كه در عبادتم كوشا هستند، از بستر خواب و بالش نرم بر مى خيزند و براى من شب زنده دارى مى كنند و خود را در عبادتم به مشقّت مى اندازند، من او را يك شب يا دو شب به چرت مى اندازم به خاطر لطفى كه نسبت به او دارم و سلامتش را مى خواهم ، او هم تا صبح مى خوابد، سپس بر مى خيزد و خود را سرزنش و توبيخ مى كند، در صورتى كه اگر او را رها مى كردم تا هر چه مى خواهد مرا عبادت كند، اين كار باعث خود بينى اش مى شد، و اين خود بينى او را نسبت به اعمالش ‍ مى فريفت ، و اين امر باعث هلاك و نابوديش مى شد، به خاطر بزرگ بينى اعمالش و از خود راضى بودنش ، تا جايى كه گمان مى كرد كه بر همه عبادت كنندگان برترى دارد و در عبادتش از حدّ تقصير گذشته ، در اين هنگام از من دور مى شود، در حالى كه گمان مى كند به من نزديك است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام لَا حَسَبَ كَالتَّوَاضُعِ وَ لَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَ عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِى كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ غَداً جِيفَةً

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هيچ مقامى بالاتر از تواضع و فروتنى نيست ، و هيچ تنهايى ترسناكتر از خودپسندى نيست ، من از انسان متكبرى كه تا ديروز نطفه بود و فردا مردارى خواهد بود در شگفتم .

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله بَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَصلى‌الله‌عليه‌وآله ‍ جَالِسٌ إِذْ أَقْبَلَ إِبْلِيسُ وَ عَلَيْهِ بُرْنُسٌ ذُو أَلْوَانٍ فَلَمَّا دَنَا مِنْ مُوسَى خَلَعَ الْبُرْنُسَ وَ أَقْبَلَ إِلَى مُوسَى فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَى مَنْ أَنْتَ فَقَالَ أَنَا إِبْلِيسُ قَالَ أَنْتَ فَلَا قَرَّبَكَ اللَّهُ قَالَ جِئْتُ لِأُسَلِّمَ عَلَيْكَ لِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ قَالَ مُوسَى فَمَا هَذَا الْبُرْنُسُ قَالَ بِهِ أَخْتَطِفُ قُلُوبَ بَنِى آدَمَ قَالَ مُوسَى فَأَخْبِرْنِى بِالذَّنْبِ الَّذِى إِذَا أَذْنَبَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذْتَ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ وَ اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَ صَغُرَ فِى عَيْنِهِ ذَنْبُهُ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: روزى موسى بن عمران عليهم‌السلام در جايى نشسته بود، در اين هنگام شيطان در حالى كه كلاهى رنگين بر سر داشت نزد او آمد، چون نزديك موسى شد كلاه را برداشت ، و به طرف موسى رفت و سلام كرد، موسى گفت : كيستى ؟ گفت : شيطان ، گفت : تويى ! خدا تو را به خود نزديك نكند، گفت :

آمده ام به جهت مقامى كه نزد خداوند دارى به تو سلام كنم ، موسى گفت : اين كلاه چيست ؟ گفت : به وسيله آن دلهاى مردم را جلب مى كنم ، موسى گفت : به من بگو آن چه گناهى است كه اگر انسان مرتكب شود بر او مسلط مى شوى ؟ گفت : هنگامى كه گرفتار خودپسندى شود، و اعمالش را بسيار و گناهانش را در نظرش كوچك مى شمارد.

وَ قَالَعليه‌السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِدَاوُدَ بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ وَ أَنْذِرِ الصِّدِّيقِينَ قَالَ كَيْفَ أُبَشِّرُ الْمُذْنِبِينَ وَ أُنْذِرُ الصِّدِّيقِينَ قَالَ يَا دَاوُدُ بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ أَنِّى أَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ أَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ وَ أَنْذِرِ الصِّدِّيقِينَ أَلَّا يتعجبوا يُعْجَبُوا بِأَعْمَالِهِمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يتعجب يُعْجَبُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا هَلَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ به داود فرمود: به گناهكاران بشارت ده ، و صدّيقان را بترسان ، گفت : چگونه گنهكاران را بشارت دهم و صدّيقان را بترسانم ؟! فرمود: اى داود! گناهكاران را بشارت ده كه من توبه پذيرم و از گناه مى گذرم ، و صدّيقان را از عجب در عملهايشان بترسان ، زيرا هر بنده اى كه به كارهاى نيكش عجب بورزد نابود شود.

مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام سَيِّئَةٌ تَسُوؤُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: گناهى كه تو را ناراحت كند، نزد خدا از عمل نيكى كه خود پسندت نمايد، بهتر است .

وَ قَالَ عُجْبُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ أَحَدُ حُسَّادِ عَقْلِهِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: عجب و خودبينى انسان يكى از چيزهايى است كه بر عقل او حسد مى برد.

وَ قَالَ أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ الْعُجْبُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: بالاترين وحشت عجب و خودبينى است .

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ لَا أَنَّ الذَّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ مَا خَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ بَيْنَ ذَنْبٍ أَبَداً

امام صادق عليه‌السلام از قول پدران بزرگوارش از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر گناه براى مؤمن بهتر از عجب نبود، خداوند هرگز نمى گذاشت كه بنده مؤمنش گناه كند.

مِنْ كِتَابِ زُهْدِ النَّبِيِّ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِى عِبَادَتِى فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِيذِ وِسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِيَ اللَّيَالِيَ فَيُتْعِبُ نَفْسَهُ فِى عِبَادَتِى فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَ اللَّيْلَتَيْنِ نَظَراً مِنِّى لَهُ وَ إِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارٍ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخَلِّى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِى لَدَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ الْعُجْبُ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِى عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَبَاعَدُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنِّى وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ فَلَا يَتَّكِلِ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِى فَإِنَّهُمْ لَوِ اجْتَهَدُوا وَ أَتْعَبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمَارَهُمْ فِى عِبَادَتِى كَانُوا مُقَصِّرِينَ غَيْرَ بَالِغِينَ فِى عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِى فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِى مِنْ كَرَامَتِى وَ النَّعِيمِ فِى جَنَّاتِى وَ عَظِيمِ عِنَايَتِى وَ جَزِيلِ جِنَانِى وَ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِى جِوَارِى وَ لَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَثِقُوا وَ بِفَضْلِى فَلْيَفْرَحُوا وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِى فَلْيَطْمَئِنُّوا تداركهم فَإِنَّ رَحْمَتِى عِنْدَ ذَلِكَ تُدْرِكُهُمْ وَ بِمَنِّى أُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِى وَ مَغْفِرَتِى وَ أُلْبِسُهُمْ عَفْوِى فَإِنِّى أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسَمَّيْتُ

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: من به آنچه امر دينم را اصلاح مى كند داناترم ، بعضى از بندگان مؤمنم كسانيند كه در عبادتم كوشش مى كنند، (شبها) از بستر خواب خويش و بالش لطيفش بر مى خيزد و برايم شب زنده دارى مى كند، و خودش را براى عبادتم به زحمت مى اندازد، پس يك يا دو شب او را به چرت وامى دارم ، به خاطر علاقه ام به او و سلامتيش ، او نيز تا صبح به خواب مى رود، وقتى برخاست نفس خويش را سرزنش و توبيخ مى كند، در حالى كه اگر او را واگذارم تا هر چه مى خواهد عبادتم كند، در اعمالش ‍ خود بين شود، و در اين صورت به هلاكت افتد، و اين به خاطر عجب و از خود راضى بودنش مى باشد به حدّى كه گمان مى كند از همه عبادت كنندگان برتر است ، و در عبادتش از حدّ تقصير گذشته ، و همين باعث مى شود كه از من دور شود و گمان كند كه به من نزديك است ، پس ‍ عمل كنندگان نبايد به اعمالى كه به خاطر ثواب بردن از من انجام مى دهند متّكى باشند، زيرا اگر آنان كوشش كنند نفس خود را به زحمت اندازند، و عمرهاى خود را تلف نمايند، و در عبادتم صرف نمايند، باز هم مقصرند و در بندگيشان به كنه بندگيم نرسند، و آنچه را از كرامتم و نعمتهاى بهشتيم و توجّهات والايم و درجات عالى را كه در جوارم طلب كنند به آن نرسند، ولى بايد فقط به رحمتم اعتماد كنند، و به فضلم شادمان شوند، و با گمان نيكو نسبت به من ؛ اطمينان حاصل كنند، در اين هنگام رحمتم دستگيرشان شود، و به بخششم آنان را به بهشت برم و بيامرزم ، و بر آنان لباس گذشت و عفو بپوشانم ، زيرا من خداى رحمان رحيم هستم كه به اين نام منسوب شده ام .

مِنْ كِتَابِ الشِّهَابِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَالثَّلَاثُ الْمُهْلِكَاتُ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ هَوًى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ الثَّلَاثُ الْمُنْجِيَاتُ خَشْيَةُ اللَّهِ فِى السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِى الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ الْعَدْلُ فِى الْغَضَبِ وَ الرِّضَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سه چيز هلاك كننده انسان ، و سه چيز نجات دهنده اوست : اما سه خصلتى كه هلاك كننده است : اطاعت از بخل و هواى نفس مسلط و خود بينى است .

و آن سه كه نجات دهنده است : ترس از خدا در آشكار و نهان ، ميانه روى در حالت فقر و توانمندى ، و عدالت در هنگام خشم و خوشنودى .

قال مطرف لا ن أ بيت نائما و أ صبح نادما أ حب إ لى من أ ن أ بيت قائما و أ صبح متعجبا و العجب هو الفرحة التامة بكمال الحال و العمل و النفس و غيرها و الركون إ ليها مع نسيان إ ضافتها إ لى المنعم

مطرف گويد: اگر شب تا صبح بخوابم و صبح در حال پشيمانى از خواب بيدار شوم ، بهتر از اين است كه شب زنده دار باشم و با خودبينى صبح را شروع كنم .

معنى عجب : عبارت از خوشحالى كامل نسبت به كامل بودن صفت و عمل و نفس انسان و غير اينهاست ، و اينكه به اينها اعتماد شود و نعمت دهنده حقيقى را فراموش كند.

## فصل پنجم : در بيان ظلم و حرام

(الفصل الخامس فى الظلم و الحرام)

مِنْ مَجْمُوعِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّهُ يُخَرِّبُ قُلُوبَكُمْ

امام رضا عليه‌السلام از قول پدر بزرگوارش از امير مؤمنان عليه‌السلام نقل كند كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

از ظلم بپرهيزيد، زيرا ظلم كردن دلهاى شما را خراب مى كند.

وَ قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيُعِينَهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس ظالمى را همراهى كند و كمك نمايد و داند كه او ظالم است ، از اسلام خارج گشته .

وَ قَالَ لَرَدُّ الْمُؤْمِنِ حَرَاماً يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: دور كردن مؤمن از حرام نزد خداوند برابر هفتاد حج مقبول است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا وَقَعَتِ اللُّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِى جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْخَبَرَ بِطُولِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يك لقمه حرام در معده بنده قرار گيرد، تمامى فرشتگان آسمانها و زمين او را لعنت كنند.

وَ قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ فِى دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ قَبِلَهَا شَكَرَ وَ إِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ لِيَزْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَخَطاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر بنده اى كه از جانب خداوند نصيحتى در رابطه با دينش دريافت كند، در واقع نعمتى از خداست كه به او رسيده ، اگر آن را به كار بندد شكرگزارى نموده ، و گر نه آن نصيحت حجّتى از جانب خدا بر اوست تا خشم خدا نسبت به او بيشتر گردد.

وَ قَالَ عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٍ لَيْلُهَا وَ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَ جَوْرُ سَاعَةٍ فِى حُكْمٍ أَشَدُّ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمَعَاصِى سِتِّينَ سَنَةً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: يك ساعت به عدالت رفتار كردن بهتر از هفتاد سال عبادت است ؛ كه شبهايش را بيدار و روزهايش را روزه دار باشد، و يك ساعت حكم به ظلم كردن نزد خدا از گناهان شصت سال سخت تر و بزرگتر است .

وَ قَالَ مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ غُفِرَ لَهُ مَا اجْتَرَمَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس شب را به صبح رساند و قصد ظلم به كسى را نداشته باشد، گناهانش آمرزيده شود.

## فصل ششم : در بيان ارتباط با سلاطين و اطاعت از بندگان

الفصل السادس فيالدخول على السلاطين و أ حوالهم و ذكر طاعة المخلوق)

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِى الْبَرَكَاتِ رَوَاهُ عَنِ الشَّيْخِ أَبِى جَعْفَرِ بْنِ بَابَوَيْهِ مِنْ كِتَابِ الْمُقْنِعِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ وَلِيَ عَشَرَةً فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمْ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ وَ رَأْسُهُ فِى ثَقْبِ فَأْس

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس ده نفر را سرپرستى كند و بين آنان به عدالت رفتار نكند، روز قيامت در حالى محشور مى شود كه دو دست و دو پا و سرش در سوراخ تبرى قرار دارد.

وَ قَالَ مَنْ وَلِيَ شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَّعَهُمْ ضَيَّعَهُ اللَّهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس متولى كارى از امور مسلمانان شود و در كارشان كوتاهى كند، خداوند هم در كارش كوتاهى كند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام أَيُّمَا رَجُلٍ وَلِيَ شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَأَغْلَقَ بَابَهُ دُونَهُمْ وَ أَرْخَى سِتْرَهُ فَهُوَ فِى مَقْتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَعْنَتِهِ حَتَّى يَفْتَحَ بَابَهُ فَيَدْخُلَ إِلَيْهِ ذُو الْحَاجَةِ وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلِمَةٌ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كس انجام كارى از كارهاى مسلمانان را عهده دار شد، و در خانه اش را به روى آنان بست ، و خود را پنهان نمود، مورد خشم و غضب و نفرين خداوند قرار گيرد، تا اينكه در خانه اش را باز كند و نيازمندان و شاكيان به خانه اش وارد شوند.

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَبْوَابِ الْجَبَّارِينَ خَلْقاً مِنْ خَلْقِهِ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ أُولَئِكَ عُتَقَاءُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ در درگاه سلاطين جور، بندگانى دارد كه به وسيله آنان از دوستان خود ظلم را بر طرف مى سازد، آنان آزاد شدگان خداوند از آتشند.

وَ قَالَ كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: كفّاره كار كردن براى پادشاه ، بر آوردن حوائج برادران ايمانى است .

وَ قَالَ لَا تُكَلِّفُوهُمْ قَضَاءَ الْحَوَائِجِ فَيُكَلِّفُونَّا غَداً قَضَاءَ حَوَائِجِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از سلاطين طلب بر آوردن حاجت نكنيد، كه آنان روز قيامت بر آورده شدن حاجاتشان را از ما مى خواهند.

قَالَ الرِّضَاعليه‌السلام إِنَّ لِلَّهِ مَعَ السُّلْطَانِ أَوْلِيَاءَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَ فِى حَدِيثٍ آخَرَ أُولَئِكَ عُتَقَاءُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: خداوند در بارگاه پادشاهان دوستانى دارد كه به وسيله آنان از دوستانش دفع گرفتارى مى كند.

و در حديث ديگر است كه : آنان آزادشدگان خدا از آتشند.

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ لِلَّهِ أَقْوَاماً مَا اخْتَصَّهُمْ بِالنِّعَمِ وَ مَنَافِعُ الْعِبَادِ يُقِرُّهَا فِيهِمْ مَا بَذَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا عَنْهُمْ فَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ

امام صادق عليه‌السلام به نقل از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند مردمانى دارد كه آنان را به نعمتهايش مخصوص گردانده و منافع بندگان را در اختيار آنان گذارده ، تا به مردم انفاق كنند، اما اگر آن را انفاق نكنند از آنها مى گيرد و به غيرشان مى سپارد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً مِنْ خَلْقِهِ يَفْزَعُ النَّاسُ إِلَيْهِمْ فِى حَوَائِجِهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الاْمِنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند در ميان مخلوقاتش بندگانى دارد كه مردم براى بر آوردن حاجاتشان به آنان پناه مى برند، آنها از عذاب خداوند در امانند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام شِرَارُ الْخَلْقِ الْمُلُوكُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ ضِدُّ صَاحِبِ الْحَقِّ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بدترين مخلوقات پادشاهانند، زيرا هميشه مقابل حق طلبان قرار مى گيرند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ كُنَّا جَمَاعَةً عِنْدَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فَذَكَرُوا السُّلْطَانَ فَسَبَّهُمْ مَنْ كَانَ فِى الْمَجْلِسِ وَ دَعَا عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَا تَسُبُّوا السُّلْطَانَ فَإِنَّ السُّلْطَانَ ظِلُّ اللَّهِ فِى الْأَرْضِ وَ لَكِنِ ادْعُوا اللَّهَ يُصْلِحْهُمْ فَإِنَّ صَلَاحَهُمْ لَكُمْ صَلَاحٌ

عبد اللّه بن سنان گويد: ما گروهى محضر حضرت صادق عليه‌السلام بوديم ، از حاكم وقت سخن به ميان آوردند و حاضرين در مجلس او را لعن نمودند و نفرينش كردند، امام صادق عليه‌السلام فرمود: به حاكم فحش ‍ ندهيد، زيرا وى سايه خداوند در زمين است ، بلكه از خدا بخواهيد كه او را اصلاح كند زيرا خوب شدن آنان به نفع شماست .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنِّى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَلِكُ الْمُلُوكِ وَ قُلُوبُ الْمُلُوكِ بِيَدِى فَأَيُّ قَوْمٍ أَطَاعُونِى جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ رَحْمَةً وَ أَيُّ قَوْمٍ عَصَوْنِى جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ نَقِمَةً أَلَا لَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تُوبُوا إِلَيَّ أَعْطِفْ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكُمْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: منم خدايى كه جز او خدايى نيست ، من پادشاه پادشاهانم ، و دلهاى پادشاهان در اختيار من است ، هر جماعتى كه از من اطاعت كنند دل سلاطين را بر آنان نرم گردانم ، و هر گروهى كه از من نافرمانى كنند پادشاهان را وسيله اذيّتشان سازم ، آگاه باشيد؛ خودتان را به فحش دادن به پادشاهان مشغول نداريد، به سوى من توبه كنيد تا دلهاى آنان را بر شما مهربان گردانم .

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ مِنْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهَا وَ لَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس حاجتش را نزد سلطان ظالمى ببرد و بلايى از ناحيه سلطان به او رسد، اجرى ندارد، و نيز اجر صبر بر آن نصيبش نگرديده است .

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام اتَّقُوا السُّلْطَانَ فَإِنَّ شَرَرَهُ مِنَ النَّارِ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: از سلطان بترسيد، زيرا شرارتهايش از آتش است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِ أَجْلِسُ إِلَى السُّلْطَانِ فَإِنْ رَأَيْتُ يَتَعَدَّى الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَلَا آخُذَنَّ عَلَى نَهْيِهِ وَ كَلَامِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ

حسن بن جهم گويد: به امام كاظم عليه‌السلام عرض كردم : من به نزد سلطان مى روم ، اگر ديدم كه حق را مراعات نمى كند و بر خلاف فرمان خداوند عمل مى نمايد، و من نمى توانم او را نهى كنم ؟ فرمود: مانعى ندارد.

نهى شده

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهَ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ ذَامّاً وَ مَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهِ بِمَا يُغْضِبُ النَّاسَ كَفَاهُ اللَّهُ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَ حَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَ بَغْيَ كُلِّ بَاغٍ وَ كَانَ اللَّهُ لَهُ نَاصِراً وَ ظَهِيراً

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس خوشنودى مردم را در به خشم در آوردن خدا بجويد، ستاينده او از مردم نكوهشش كنند، و هر كس اطاعت از خدا را بر خشم مردم مقدم بدارد، خداوند در مقابل دشمنى هر دشمنى و حسادت هر حسودى ، و ظلم هر ظالمى از او حمايت مى كند، و خداوند ياور و پشتيبان اوست .

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَرْضَى سُلْطَاناً بِسَخَطِ اللَّهِ خَرَجَ مِنْ دِينِ اللَّهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه سلطانى را به وسيله خشم خدا خشنود سازد از دين خدا بيرون مى رود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ اللَّهِ نُصْرَةً أَنْ يَرَى عَدُوَّهُ يَعْمَلُ بِمَعَاصِى اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: براى مؤمن همين يارى خداوند كافى است كه ببيند دشمنش به معصيت خدا مشغول است .

## فصل هفتم : در خصلتهاى نهى شده

(الفصل السابع فى الخصال المنهى عنها)

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ تَرْكِ مَا أَمَرَ بِهِ أَنْ يُتْرَكَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چيزى نزد خداوند محبوبتر از ايمان و عمل صالح و دورى از منهيّات الهى نيست .

وَ قَالَ لَا تُشِيرُوا إِلَى الْمَطَرِ بِالْأَصَابِعِ وَ لَا إِلَى الْهِلَالِ بِالْأَصَابِعِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: با انگشتان خود به طرف باران اشاره نكنيد، همچنين با انگشتان به طرف ماه نو اشاره نكنيد.

وَ قَالَ مُطْعِمُ الرِّبَا وَ آكِلُهُ وَ شَارِبُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدَاهُ وَ الْوَاشِمَةُ وَ الْمُتَوَشِّمَةُ وَ النَّاجِشُ وَ الْمَنْجُوشُ لَهُ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: كسى كه با پول بدست آمده از ربا به مردم غذا دهد، يا براى خود غذا و نوشيدنى تهيه كند، و كسى كه ربا را در دفتر ثبت مى كند، و دو شاهد ربا، و كسى كه خالكوبى مى كند، و كسى كه بدنش را خال دار مى سازد، و شكارچى ، و راهنماى او، همگى در زبان محمّد مورد لعن قرار گرفته اند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام مَنْ تَخَلَّى عَلَى قَبْرٍ أَوْ بَالَ قَائِماً أَوْ بَالَ فِى مَاءٍ قَائِماً أَوْ مَشَى فِى حِذَاءٍ وَاحِدٍ أَوْ شَرِبَ قَائِماً أَوْ خَلَا فِى بَيْتٍ وَحْدَهُ أَوْ بَاتَ عَلَى غَمَرٍ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَدَعْهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ الشَّيْطَانُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْحَالاتِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ خَرَجَ فِى سَرِيَّةٍ فَأَتَى وَادِيَ مَجَنَّةَ فَنَادَى أَصْحَابَهُ أَلَا فَلْيَأْخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِيَدِ صَاحِبِهِ وَ لَا يَدْخُلَنَّ رَجُلٌ وَحْدَهُ أَوْ لَا يَمْضِى رَجُلٌ وَحْدَهُ قَالَ فَتَقَدَّمَ رَجُلٌ وَحْدَهُ فَانْتَهَى إِلَيْهِ وَ قَدْ صُرِعَ فَأُخْبِرَ رَسُولُ اللَّهِ بِذَلِكَ قَالَ فَأَخَذَ بِإِبْهَامِهِ فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ اخْرُجْ خَبِيثُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ قَالَ فَقَامَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: كسى كه در قبرستان قضاى حاجت كند يا ايستاده ادرار كند، يا در آب ادرار نمايد، يا با يك كفش راه رود، يا ايستاده آب بنوشد، يا تنها در يك اطاق بسر برد، يا با دست چرب بخوابد، شيطان بر او چيره شود، تا وقتى خدا نخواهد شيطان رهايش نسازد، و سريعترين راه مسلط شدن شيطان بر انسان يكى از اين حالات است .

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در يكى از جنگها از بيابانى كه محل جنّيان بود مى گذشت ، به يارانش فرمود: مواظب باشيد، دست يك ديگر را بگيريد، و به تنهايى وارد اين بيابان نشويد، و كسى تنها عبور نكند.

راوى گويد: يكى از آنان به تنهايى از آنجا گذشت و وقتى به پايانش رسيد گرفتار سر درد شد، خبر به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد، ايشان انگشت ابهام آن مرد را گرفتند و فشار دادند، سپس فرمود: اى خبيث ! به نام خدا خارج شو، من رسول خدايم ، راوى گويد: آن مرد بلافاصله (خوب شد) و از جا برخاست .

وَ فِى رِوَايَةٍ أَنَّ الشَّيْطَانَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ إِلَى الْعَبْدِ إِذَا كَانَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْأَحْوَالِ وَ قَالَ إِنَّهُ مَا أَصَابَ أَحَداً شَيْءٌ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فَكَانَ أَنْ يُفَارِقَهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

در روايت ديگر است كه : بهترين وقتى كه شيطان بر بنده چيره مى شود زمانى است كه در يكى از اين حالات باشد، و فرمود: به هر كس در اين حالات گرفتارى روى كند، به زودى از وى دست بر ندارد، مگر اينكه خدا بخواهد.

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ ثَلَاثَةً يُتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِى خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَحْدَهُ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: در سه حالت احتمال ديوانگى مى رود: قضاء حاجت كردن در ميان قبرها، با يك كفش راه رفتن ، و به تنهايى خوابيدن .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يَهُمُّ بِالْإِنْسَانِ حِينَ يَكُونُ وَحْدَهُ خَالِياً لَا أَرَى أَنْ يَرْقُدَ وَحْدَهُ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: سريعترين وقتى كه شيطان بر انسان چيره مى شود هنگامى است كه تنهايى در جايى بخوابد، نبينم كسى تنها بخوابد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بَهَاؤُكَ لَا تُمَارِيَنَّ حَلِيماً وَ لَا سَفِيهاً فَإِنَّ الْحَلِيمَ يَغْلِبُكَ وَ السَّفِيهَ يُرْدِيكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: جدال نكن كه آبرويت مى رود، همچنين با مردم بردبار و نادان مجادله نكنيد، زيرا شخص بردبار بر تو پيروز مى شود، و نادان تو را خوار مى سازد.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ خَبِيثٍ قَدْ لَقِيَ مِنْهُ جُهْداً هَلْ تَرَى مُكَاشَفَتَهُ أَمْ مُدَارَاتَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْمُدَارَاةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ وَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً فَ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

از امام باقر عليه‌السلام در مورد مردى كه بد زبان بود سؤ ال شد كه : بفرماييد او را در بين مردم رسوا كنيم يا با او مدارا كنيم ؟ امام عليه‌السلام فرمود: مدارا كردن بهتر از رسوا كردن است ، و هر مشكلى يك آسانى به دنبال دارد، و پايانى نيك براى پرهيزگاران است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ الْعَالِمُ لَا يَتَكَلَّمُ بِالْفُضُولِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دانشمند هرگز سخن بيهوده و زائد نمى گويد.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنْ كَانَ فِى شَيْءٍ شُؤْمٌ فَفِى اللِّسَانِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر در چيزى نحوست يا شرى باشد، در زبان است .

كَانَ فِى وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ مَتَى تَدْخُلْ مَدَاخِلَ السَّوْءِ تُتَّهَمْ

لقمان در وصيت به فرزندش گويد: فرزندم ! هر گاه وارد مكانهاى بد شوى ، مورد اتهام قرار گيرى .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِى قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاثُ الْمِلْحُ فِى الْمَاءِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه مؤمنى برادرش را متهم سازد، ايمان در دلش از بين برود، همان طور كه نمك در آب حل مى شود.

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مؤمن هرگز از يك سوراخ دو مرتبه گزيده نمى شود.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أُرْسِلُ نَاقَتِى وَ أَتَوَكَّلُ أَوْ أَعْقِلُهَا وَ أَتَوَكَّلُ قَالَ اعْقِلْهَا وَ تَوَكَّلْ

مردى خدمت پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسيد و عرض كرد: اى رسول خدا! شترم را بدون مهار و با توكل بر خدا رها سازم ، و يا مهارش كنم و با توكل بفرستم ؟ فرمود: مهارش كن و توكل بر خدا كن .

قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام اتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَ هُوَ لَكَ نَاصِحٌ وَ لَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَ هُوَ لَكَ غَاشٌّ وَ سَتَرِدُونَ إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً فَتَعْلَمُونَ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: از كسى پيروى كن كه تو را بگرياند و خير خواه تو باشد، و از كسى كه تو را مى خنداند و گول مى زند پيروى نكن ، به زودى همگى شما نزد خدا حاضر شويد و بدانيد.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ الْمَمْلُوكُ يَرَى شَعْرَ مَوْلَاتِهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ سَاقَهَا

معاوية بن عمّار گويد: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام عرض كردم : آيا برده مى تواند موى صاحبش را كه زن است ببيند؟ فرمود: بلى ، ساق پايش را هم مى تواند ببينيد.

عَنْهُ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْخَصِيُّ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ مُؤْمِنٍ وَ لَا وَالِدَاهُ وَ لَا وُلْدُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى كه اخته شده به شفاعت مؤمن يا پدر و مادر و يا فرزندش به بهشت نمى رود .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْخَصِيَّ لَا يَنْجُبُ لَيْسَ لِلَّهِ فِى عَبْدٍ حَاجَةٌ فَيَنْجُبَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مرد اخته بچّه دار نمى شود، خداوند به بنده اى نظر ندارد تا اينكه بچه دار شود.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِعليه‌السلام عَنِ الْخَادِمِ الَّذِى اشْتَرَاهُ أَبُوهُ كَيْفَ وَجَدْتَهُ فَقَالَ عَلَى الْخِصْيَانِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَإِنَّهُمْ شَرُّ مَا يَكُونُونَ

على بن مهزيار گويد: از امام كاظم عليه‌السلام در مورد خدمتكارى كه پدرش خريده بود پرسيدم كه او را چگونه ديدى ؟ فرمود: اخته بود، لعنت خدا بر اختگان ، زيرا كه آنان بدترين مخلوقاتند .

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ

امام كاظم عليه‌السلام به يكى از فرزندانش فرمود: مبادا خودت را در عبادت و اطاعت از خداوند بى تقصير بدانى ، زيرا خداى عزّ و جلّ چنان كه شايسته است عبادت نمى شود.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُعليه‌السلام يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَ التَّقْصِير

جابر گويد: امام باقر عليه‌السلام فرمود: اى جابر! خداوند تو را از ناقص ‍ دانستن عملت و مقصر دانستن در عبادت بيرون نبرد. .

## فصل هشتم : در بيان شهرت

(الفصل الثامن فى الشهرة و السرائر)

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله كَفَى بِالرَّجُلِ بَلَاءً أَنْ يُشَارَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ فِى دِينٍ أَوْ دُنْيَا

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: همين اندازه گرفتارى براى مرد بس است كه [ به واسطه مشهور شدن بين مردم]براى دين يا دنيا مورد اشاره انگشتان قرار گيرد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشُّهْرَتَيْنِ شُهْرَةَ اللِّبَاسِ وَ شُهْرَةَ الصَّلَاةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دو شهرت نزد خداوند مبغوض است : مشهور شدن به وسيله لباس ، و مشهور شدن به واسطه نماز خواندن .

عَنْهُ قَالَ الشُّهْرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا النَّارُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شهرت چه خيرش و چه شرّش در آتش ‍ است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ مَنْ لَبِسَ ثَوْبَ شُهْرَةٍ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْباً مِنَ النَّارِ

امام حسن مجتبى عليه‌السلام فرمود: هر كس در دنيا لباس شهرت به تن كند، خداوند در روز قيامت لباسى از آتش به او بپوشاند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَا يَصْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُظْهِرَ حُسْناً وَ يُسِرَّ شَيْئاً فَإِذَا رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ عَلِمَ أَنَّهُ لَيْسَ كَذَلِكَ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَلِ الْإِنْسانُ عَلى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ فَمَنْ صَحَّتْ سَرِيرَتُهُ قَوِيَتْ عَلَانِيَتُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: چه مى كند يكى از شما اگر خوبيهايش را آشكار و بديهايش را پنهان كند، و وقتى به باطن خود رجوع كند بفهمد اين چنين نيست ، و خداوند متعال هم مى فرمايد: (بلكه انسان به باطن خود بيناست)، باطن هر كس درست شد ظاهرش هم خوب مى گردد.

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اسْتَوَتْ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَهُوَ عَبْدِى حَقّاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه باطن و ظاهر بنده اى يكسان باشد، خداى عزّ و جلّ مى فرمايد: اين بنده واقعى من است .

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً أَظْهَرَ اللَّهُ رِدَاءَهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَرٌّ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه باطنش را پنهان دارد، خداوند آن را به صورت لباسى بر او ظاهر گرداند، اگر باطنش خير باشد لباس خير، و اگر بد باشد لباس بد است .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لَهُ جَوَّانِيٌّ وَ بَرَّانِيٌّ فَمَنْ أَصْلَحَ جَوَّانِيَّهُ أَصْلَحَ اللَّهُ بَرَّانِيَّهُ وَ مَنْ أَفْسَدَ جَوَّانِيَّهُ أَفْسَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَّانِيَّهُ

امير مؤمنان عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ بنده اى نيست مگر اينكه ظاهرى دارد و باطنى ، هر كس باطن خود را پاك كند، خداوند ظاهرش را نيز پاك گرداند، و هر كس باطنش را تباه كند خداوند ظاهرش را نيز تباه سازد.

وَ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لَهُ صِيتٌ فِى أَهْلِ السَّمَاءِ وَ صِيتٌ فِى أَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا حَسُنَ صِيتُهُ فِى أَهْلِ السَّمَاءِ رُفِعَ فِى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ إِذَا سَاءَ صِيتُهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وُضِعَ فِى أَهْلِ الْأَرْضِ قَالَ فَسَأَلْنَا عَنِ الصِّيتِ مَا هُوَ فَقَالَ ذِكْرُهُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ بنده اى نيست مگر آنكه شهرتى در ميان اهل آسمان و شهرتى در ميان اهل زمين دارد، هر گاه شهرتش در ميان اهل آسمان نيكو باشد، در بين اهل زمين نيز خوشنام گردد، و هر گاه شهرتش در ميان اهل آسمان بد باشد، در بين اهل زمين پست گردد. راوى گويد: عرض كردم : شهرت چيست ؟ فرمود: ياد او در بين مردم .

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ غَداً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: هر كس ظاهرش از باطنش بهتر باشد، ترازوى اعمالش روز قيامت سبك گردد.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ تَزَيَّنَ لِلنَّاسِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ بَارَزَ اللَّهَ بِمَا يَكْرَهُهُ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ غَضْبَانُ آسِفٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس خود را براى مردم به آنچه خدا دوست دارد زينت كند، ولى نزد خدا به آنچه دوست ندارد ظاهر شود، خداوند را در حالت خشم ملاقات كند.

وَ قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاءَهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْراً وَ إِنْ شَرّاً فَشَرّاً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كه در دل نيّتى داشته باشد، خداوند لباس مناسب نيّتش به او مى پوشاند، اگر خوب باشد خوب و اگر بد باشد بد است .

## فصل نهم : در بيان تحقير مؤمن

(الفصل التاسع فيمن حقر مؤمنا)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِى حَمْزَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِناً مِسْكِيناً لَمْ يَزَلِ اللَّهُ لَهُ حَاقِراً حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحْقَرَتِهِ إِيَّاهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس مؤمن فقيرى را كوچك بشمارد، خداوند همواره او را كوچك شمارد تا زمانى كه او دست از تحقير مؤمن بردارد.

عَنْهُ قَالَ مَنِ اسْتَذَلَّ مُؤْمِناً أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا يَفْضَحُهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ لَا مَحَالَةَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس مؤمنى را به خاطر فقرش و كمى مالش خوار كند يا كوچك شمارد، سرانجام خداوند روز قيامت بين مردم او را به چيزى مشهور نمايد كه او را رسوا نمايد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَهَانَ لِى وَلِيّاً فَقَدْ أَرْصَدَ فِى مُحَارَبَتِى

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس به يكى از دوستانم اهانتى كند، با من اعلان جنگ نموده است .

عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تُحَقِّرُوا فُقَرَاءَ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِناً مِنْهُمْ فَقِيراً وَ اسْتَخَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَزَلْ مَاقِتاً لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحْقَرَتِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فقيران شيعه ما را تحقير نكنيد، زيرا هر كس مؤمن فقير شيعه اى را تحقير كند و او را خوار سازد، خداوند او را تحقير كند، و همواره در اين خوارى مى ماند تا دست از تحقيرش بردارد.

عَنِ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تَسْتَخِّفُوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُشَفَّعُ فِى مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به فقيران شيعه على عليه‌السلام توهين نكنيد، زيرا يك نفر از آنان روز قيامت مى تواند به اندازه قبيله ربيعه و مضر شفاعت كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ أَهَانَ لِى وَلِيّاً فَقَدِ اسْتَقْبَلَنِى بِمُحَارَبَتِى

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس يكى از دوستان مرا مورد اهانت قرار دهد، با من اعلان جنگ نموده است .

عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَيَأْذَنُنِى بِحَرْبٍ مَنِ اسْتَذَلَّ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ وَ أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِى

معلّى بن خنيس گويد: از امام صادق عليه‌السلام شنيدم كه فرمود: خداوند متعال مى فرمايد:

هر كس بنده مؤمنم را خوار كند بايد آماده جنگ با من شود، و من زودتر از همه به يارى دوستانم مى شتابم .

عَنِ ابْنِ أَبِى يَعْفُورٍ عَنْهُ قَالَ مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس دين خدا را بزرگ بدارد، حق برادرانش را بزرگ داشته است .

عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَأْذَنُنِى بِحَرْبٍ مَنْ أَذَلَّ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ وَ لْيَأْمَنْ غَضَبِى مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: هر كس بنده مؤمنم را خوار سازد با من اعلان جنگ نموده ، و هر كس بنده مؤمن مرا گرامى دارد از غضب من در آسايش است .

عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ قَضَى حَاجَةَ الْمُؤْمِنِ مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس بدون منّت و تحقير نمودن حاجت مؤمنى را بر آورد، در بهشت جاى داده شود.

## فصل دهم : در راز دارى

(الفصل العاشر فى كتمان السر و ما يتصل به)

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتِ الْخِيَرَةُ فِى يَدِهِ وَ زَادَ فِيهِ غَيْرُهُ وَ أَيُّمَا حَدِيثٍ جَاوَزَ اثْنَيْنِ فَقَدْ فَشَا

امام صادق عليه‌السلام از قول امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: هر كس ‍ سرّ خود را پنهان دارد اختيارش به دست اوست ، و هر سخنى كه از دو نفر تجاوز كرد پخش مى شود.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوِ أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ عَدُوَّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوّاً يَوْماً مَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دوست خود را از سرّت آگاه مكن ، مگر آن سرّى كه اگر دشمنت آن را بفهمد به زيانت نباشد، زيرا روزى مى رسد كه همين دوست ، دشمن مى شود.

عَنْ أَبِى الْحَسَنِعليه‌السلام قَالَ إِنْ كَانَ فِى يَدِكَ هَذِهِ شَيْءٌ فَاسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَعْلَمَ هَذِهِ فَافْعَلْ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: اگر در يك دستت چيزى دارى و مى توانى كارى كنى كه دست ديگرت از آن اطلاع پيدا نكند، حتما اين كار را نكن .

وَجَدْتُ بِخَطِّ أَمِينِ الدِّينِ رحمه‌الله عَنِ الصَّادِقِ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِنَّ فُلَاناً يَنْسِبُكَ إِلَى أَنَّكَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَا رَعَيْتَ حَقَّ مُجَالَسَةِ الرَّجُلِ حَيْثُ نَقَلْتَ إِلَيْنَا حَدِيثَهُ وَ لَا أَدَّيْتَ حَقِّى حَيْثُ أَبْلَغْتَنِى عَنْ أَخِى مَا لَسْتُ أَعْلَمُهُ إِنَّ الْمَوْتَ يَعُمُّنَا وَ الْبَعْثَ مَحْشَرُنَا وَ الْقِيَامَةَ مَوْعِدُنَا وَ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَنَا إِيَّاكَ وَ الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ أَهْلِ النَّارِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ عُيُوبِ النَّاسِ شَهِدَ عَلَيْهِ الْإِكْثَارُ أَنَّهُ إِنَّمَا يَطْلُبُهَا بِقَدْرِ مَا فِيهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مردى به امام سجاد عليه‌السلام عرض ‍ كرد: فلانى تو را به گمراهى و بدعت گذارى متهم مى كند، امام سجاد عليه‌السلام فرمود: تو حق همنشينى او را مراعات نكردى كه گفته او را براى من نقل نمودى ، و حق مرا هم ادا نكردى كه گفته برادرم را كه من از آن خبر نداشتم برايم نقل نمودى ، همه ما خواهيم مرد، و همه ما روز قيامت بر انگيخته خواهيم شد، و خداوند بين ما قضاوت مى نمايد، از غيبت دورى كن ! زيرا غيبت خورش سگهاى دوزخ است ، و بدان ! هر كس عيبهاى مردم را بين ديگران شايع كند، غيبت كننده او نيز بسيار مى گرداند، و از او هم به اندازه اى كه در اوست طلب مى شود.

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ قَبِيلَتِهِ وَ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَقِّ الْوَاجِبِ وَ صِدْقِ الْإِخَاءِ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَإِنَّهَا مَعْرِفَةٌ حَمْقَاءُ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه يكى از شما برادر مسلمانش را دوست بدارد، بايد نامش و نام پدرش و نام قبيله و خويشاوندانش را بپرسد، زيرا از جمله حقوق واجب و صميميت در دوستى اين است كه اينها را از او بپرسد، و گر نه اين آشنايى احمقانه است .

عَنِ الْكَاظِمِعليه‌السلام قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ

امام كاظم عليه‌السلام فرمود: پرده شرم و حياى ميان خود و برادر دينيت را بر مدار، و آن را باقى گذار، زيرا از ميان بردن آن باعث برداشتن حياء است .

عَنِ الرِّضَاعليه‌السلام قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِراً فَكَنِّهِ وَ إِنْ كَانَ غَائِباً فَسَمِّهِ

امام رضا عليه‌السلام فرمود: هر گاه مرد در مجلس حاضر بود، او را با كنيه اش صدا بزن ، و هر گاه غايب بود، با نامش از او ياد كن .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الرَّجُلُ الصَّالِحُ يَأْتِى بِالْخَبَرِ الصَّالِحِ وَ الرَّجُلُ السَّوْءُ يَأْتِى بِالْخَبَرِ السَّوْءِ

امام صادق عليه‌السلام از پدران بزرگوارش از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مرد درستكار هميشه خبر درست مى آورد، و مرد بد هميشه خبر بد مى آورد.

وَ قَالَ إِسْمَاعُ الْأَصَمِّ مِنْ غَيْرِ تَضَجُّرٍ صَدَقَةٌ هَنِيئَةٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: شنواندن شخص ناشنوا بدون اينكه دلتنگ شود، صدقه اى گواراست .

# باب نهم : در بيان مواعظ

الباب التاسع فى ذكر المواعظ

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعليه‌السلام قُوتُ الْأَجْسَادِ الطَّعَامُ وَ قُوتُ الْأَرْوَاحِ الْإِطْعَامُ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: غذاى بدنها طعام است ، و غذاى جانها اطعام مى باشد.

وَ قَالَ مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ بِالْإِثْمِ وَ الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ

امير مؤمنان عليه‌السلام فرمود: كسى كه به وسيله گناه پيروز شود به پيروزى نرسيده است ، برترى از راه بدى مغلوب و شكست خورده است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام مَنِ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ كَلِمَةٌ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ فَاتَّهِمُوهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْكُمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كسى كه در بين مردم به خوبى معروف شده ، او را متهم بدانيد، زيرا او از شما نيست .

وَ عَنْهُ قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ مُعْتَقِداً لِذُنُوبِ النَّاسِ نَاسِياً لِذُنُوبِهِ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مُكِرَ بِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه با بنده اى روبرو شديد كه در جستجوى گناهان مردم است ، و گناهان خود را فراموش نموده ، بدانيد او گرفتار مكر شده است .

وَ عَنْهُ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا الناس لِبَاسَ أَعْدَائِى وَ لَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِى وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِى فَتَكُونُوا أَعْدَائِى كَمَا هُمْ أَعْدَائِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند به يكى از پيامبرانش وحى فرمود: به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا به تن نكنيد، و از غذاى دشمنان من نخوريد، و راه دشمنانم را نپوييد، زيرا در غير اين صورت شما نيز از دشمنانم خواهيد بود، همان طور كه آنان دشمن من هستند.

عَنْهُ قَالَ لَقِيَ يُوسُفُ رَجُلًا فَقَالَ الرَّجُلُ وَ اللَّهِ إِنِّى لَأُحِبُّكَ فَقَالَ لَهُ يُوسُفُ فِى الْحُبِّ لَقِيتُ مَا لَقِيتُ أَحَبَّنِى أَبِى فَلَقِيتُ مِنْ إِخْوَتِى مَا لَقِيتُ وَ أَحَبَّتْنِى امْرَأَةُ الْعَزِيزِ فَلَقِيتُ مَا لَقِيتُ فَلَسْتُ أُرِيدُ أَنْ يُحِبَّنِى إِلَّا رَبِّى تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: حضرت يوسف عليه‌السلام مردى را ملاقات كرد، مرد به او گفت : به خدا قسم ، من تو را دوست دارم ، يوسف به او گفت : آنچه بايد به من برسد در چاه رسيد؛ پدرم مرا دوست مى داشت ، و من از برادرانم ديدم آنچه را بايد ببينم ، زن عزيز مصر به من اظهار محبت نمود و ديدم آنچه را بايد مى ديدم ، اكنون ديگر نمى خواهم غير خدا كسى مرا دوست بدارد.

عَنْهُ قَالَ نَحْنُ عَلَوِيُّونَ وَ شِيعَتُنَا عَلَوِيُّونَ وَ هُمْ خَيْرٌ مِنَّا لِأَنَّهُمْ يُقْتَلُونَ فِينَا وَ لَا نُقْتَلُ فِيهِمْ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ما مقامى والا داريم ، و شيعيانمان صاحب مقامى والا هستند، آنان از ما بهترند، زيرا آنان در راه ما كشته مى شوند، ولى ما در راه آنان كشته نمى شويم .

عَنْ عُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ وَ كَانَ شَيْخاً كَبِيراً قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَ تِسْعُونَ سَنَةً قَالَ كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا حَضَرَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُعليه‌السلام الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ آخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ مِنْ مَالِكٍ فَقَالَ لِى يَوْماً إِنِّى رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَ مَعَ ذَلِكَ لِى أَوْرَادٌ فِى كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِى عَنْ وِرْدِى فَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ اخْتَلِفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ قُلْتُ فِى نَفْسِى لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْراً لَمَا زَجَرَنِى عَنِ الِاخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذِ عَنْهُ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْغَدِ إِلَى الرَّوْضَةِ وَ صَلَّيْتُ فِيهَا رَكْعَتَيْنِ وَ قُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ وَ تَرْزُقَنِى مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِى بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ رَجَعْتُ إِلَى دَارِى مُغْتَمّاً حَزِيناً وَ لَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِى مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِى إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عِيلَ صَبْرِى فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِى تَنَعَّلْتُ وَ تَرَدَّيْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَراً وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ مَا حَاجَتُكَ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ فَقَالَ هُوَ قَائِمٌ فِى مُصَلَّاهُ فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيراً إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ لَهُ قَالَ ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ وَ قَالَ اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيّاً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ أَبُو مَنْ قُلْتُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ثَبَّتَ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَ وَفَّقَكَ لِمَرْضَاتِهِ قُلْتُ فِى نَفْسِى لَوْ لَمْ يَكُنْ لِى مِنْ زِيَارَتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيراً ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيّاً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَاجَتُكَ قُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَرْزُقَنِى مِنْ عِلْمِكَ وَ أَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِى فِى الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِى قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يُبْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا مِنْ نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفَهِّمْكَ قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِلْكاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَ لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيراً وَ جُمْلَةُ اشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُراً وَ تَفَاخُراً وَ لَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَ عُلُوّاً وَ لَا يَدَعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى تِلْكَ الدّارُ الاْخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِينَ لايُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى الْأَرْضِ وَ ل ا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِى فَقَالَ أُوصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِى لِمُرِيدِى الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهَ أَسْأَلُ أَنْ يُوَفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِى رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِى الْحِلْمِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِى الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَاوُنَ بِهَا قَالَ عُنْوَانُ فَفَرَّغْتُ قَلْبِى لَهُ فَقَالَ أَمَّا اللَّوَاتِى فِى الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَ الْبَلَهَ وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمِّ اللَّهَ وَ اذْكُرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ مَا مَلَأَ آدَمِيٌّ وِعَاءً شَرّاً مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَثُلُثٌ لِطَعَامِهِ وَ ثُلُثٌ لِشَرَابِهِ وَ ثُلُثٌ لِنَفَسِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِى فِى الْحِلْمِ فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْراً فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْراً لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ إِنْ كُنْتَ صَادِقاً فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهَ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لِى وَ إِنْ كُنْتَ كَاذِباً فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهَ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لَكَ وَ مَنْ وَعَدَكَ بِالْجَفَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَ الدُّعَاءِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِى فِى الْعِلْمِ فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعَنُّتاً وَ تَجْرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئاً وَ خُذْ بِالاحْتِيَاطِ فِى جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْراً قُمْ عَنِّى يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وِرْدِى فَإِنِّى امرئ امْرُؤٌ ضَنِينٌ بِنَفْسِي وَ السَّلَامُ

عنوان بصرى كه پيرمردى نود و چهار ساله اى بود گويد: حدود دو سال با مالك بن انس رفت و آمد داشتم ، هنگامى كه امام صادق عليه‌السلام وارد مدينه شد، خدمت آن حضرت مى رسيدم و دوست داشتم آنچه را از مالك مى آموختم از آن حضرت بياموزم ، روزى حضرت به من فرمود: من از طرف حكومت تحت نظر مى باشم ، بعلاوه اينكه در هر ساعت از شب و روز نيز اوراد و اذكارى دارم كه بايد بگويم ، مرا از گفتن ذكر باز مدار، و همان طور كه قبلا نزد مالك مى رفتى حالا هم برو و مسائلت را از او بپرس ، من از اين سخنان غمگين شدم ، و از نزد ايشان رفتم ، و با خود گفتم : اگر در من خيرى مى ديد مرا از خود نمى راند، و به مالك حواله نمى نمود، بار ديگر وارد مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شدم و بر امام عليه‌السلام سلام كردم ، سپس از كنار قبر پيامبر وارد حرم شدم و در آنجا دو ركعت نماز خواندم ، و گفتم : خدايا! از تو مى خواهم كه دل جعفر را به طرف من متمايل سازى ، و از علم او نصيبم گردانى تا با آن به راه راست هدايت شوم .

بعد با غم و اندوه به طرف خانه ام رفتم ، و چون محبت جعفر در دلم جاى گرفته بود ديگر نزد مالك هم نرفتم ، از آن به بعد از منزلم خارج نشدم مگر براى خواندن نماز واجب ، تا اينكه صبرم تمام شد، و چون دلتنگ شدم كفشم را پوشيدم و رداء بر دوش انداختم و بعد از خواندن نماز عصر به طرف منزل جعفر حركت نمودم ، چون بدان جا رسيدم اجازه ورود خواستم ، خادم ايشان بيرون آمد و گفت : چه مى خواهى ؟ گفتم :

خواستم خدمت آن بزرگوار برسم و سلامى بدهم ، گفت : ايشان نماز مى خوانند، كنار در توقف نمودم ، بعد از مدت كمى خادم بار ديگر آمد و گفت : بر بركت خدا وارد شو، وارد شدم و سلام كردم ، ايشان پاسخم را دادند و فرمود: بنشين خدا تو را رحمت كند، نشستم و ايشان بعد از احوال پرسى سرش را بلند كرد و فرمود: كنيه ات چيست ؟ گفتم : أ بو عبد اللّه . فرمود: خداوند كنيه ات را مستدام بدارد، و در آنچه رضاى اوست موفق بدارد، با خود گفتم : اگر از اين ملاقات و عرض سلام خدمت حضرت هيچ بهره ديگرى غير از اين دعا نداشته باشد، برايم خير بسيارى است .

سپس حضرت اندكى تأ مّل نمود، آنگاه سرش را بلند كرد و فرمود: يا أ با عبد اللّه ! چه مى خواهى ؟ گفتم : از خدا خواسته ام كه دلت را بر من متمايل گرداند و از علمت به من نصيب گرداند، و از خداوند اميد دارم كه هر چه من از آن بزرگوار مى پرسم پاسخم گويد.

حضرت فرمود: يا أ با عبد اللّه ! علم و دانش به يادگيرى نيست ، بلكه نورى است در دل كسى كه خداى متعال مى خواهد او را هدايت كند، اگر طالب علم هستى ابتدا بندگى حقيقى را در خود به وجود آور، و علم را براى عمل كردن بياموز، و از خداوند فهم بخواه تا تو را فهيم گرداند، گفتم : اى شريف ! فرمود: بگو: يا أ با عبد اللّه ، گفتم : يا ابا عبد اللّه ! حقيقت بندگى چيست ؟ فرمود: به سه چيز است : اول اينكه بنده آنچه را خدا به او بخشيده ملك خود نداند، زيرا بندگان مالك نيستند، بلكه مال را از آن خدا مى بينند، و هر كجا خدا فرمان داد مصرفش مى كنند، دوم اينكه : بنده تدبير امور خودش را نمى نمايد، سوم اينكه : تمام وقت خود را صرف انجام اوامر خدا و ترك نواهى او كند، بنا بر اين ؛ هر گاه بنده چيزى را كه خدا به او بخشيده ملك خود نداند انفاقش در راه خدا بر وى آسان گردد، و هر گاه تدبير امورش را به دست مدبّر واقعى سپرد، سختيهاى دنيا برايش آسان شود، و هر گاه بنده به امر و نهى خدا گردن نهاد، هيچ گاه با مردم جدال نمى كند، و به آنان فخر نمى فروشد.

هر گاه خداوند به بنده اين سه خصلت را عطا فرمود، دنيا و شيطان و مردم در نظرش خوار مى شود، و به خاطر مال جمع كردن و فخر فروشى به دنبال دنيا نمى رود، و از مردم عزّت و مقام نمى طلبد، و اوقاتش را هدر نمى دهد، اين اوّلين درجه پرهيزگاران است ، خداوند متعال مى فرمايد: (جهان آخرت را براى كسانى مهيّا نموديم كه در روى زمين دنبال مقام پرستى نرفته و مرتكب فساد نشده باشند و پايان نيك براى پرهيزگاران است).

گفتم : يا ابا عبد اللّه ! مرا نصيحتى فرما، فرمود: تو را به نه چيز سفارش ‍ مى كنم ، و اين نه چيز سفارش من است به كسانى كه پويندگان راه به سوى خدا هستند، و از خداوند مى خواهم كه تو را در عمل به آنها توفيق عنايت فرمايد، سه تاى آنها در تربيت نفس است ، و سه تاى آنها در بردبارى ، و سه تاى آنها در علم ، آنها را به خاطر بسپار، و در مورد آنها سهل انگارى مكن ، عنوان گويد: دلم را براى شنيدن آماده ساختم .

حضرت فرمود: اما سه وصيتى كه به تربيت نفس مربوط مى شود: اول اينكه : آنچه را دوست ندارى نخور، زيرا موجب حماقت و نادانى مى شود، دوّم اينكه : تا گرسنه نشدى غذا نخور، و هر گاه خواستى غذا بخورى غذايت حلال باشد و بسم اللّه بگو، و به ياد آور سخن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را كه فرمود: آدمى ظرفى را بدتر از شكمش پر نكند، در اين صورت اگر ناچار شد يك سوم آن را براى غذايش ، و يك سومش را براى نوشيدنى ، و يك سوم ديگر را براى نفس كشيدن بگذارد.

اما آن سه خصلت كه در بردبارى است : اول اينكه ، اگر كسى به تو گفت : اگر يكى بگويى ده تا مى شنوى ، بگو: اگر ده تا هم بگويى يكى نمى شنوى ، دوم اينكه ، اگر كسى دشنامت داد بگو: اگر تو راست مى گويى از خدا مى خواهم كه مرا ببخشد، و اگر دروغ مى گويى از خدا مى خواهم كه تو را ببخشد، سوم اينكه : اگر كسى تو را تهديد نمود تو او را اندرز ده و برايش دعا كن .

و اما آن سه خصلت كه در علم است : اول اينكه ، آنچه را نمى دانى از علما بپرس ، و هرگز براى سرزنش كردن و آزمايش نمودن آنها سؤ ال نكنى ، از عمل كردن به رأ ى خود بر حذر باش ، و در هر چه احتياط را مناسب مى بينى احتياط كن ، و از فتوى دادن بگريز همان گونه كه از دست شير مى گريزى ، و گردن خود را پل براى مردم قرار مده ، بعد فرمود: اينك برخيز و برو يا ابا عبد اللّه ، من نصايح خود را به تو گفتم ، و مزاحم ذكر گفتنم نشو، زيرا من انسانى هستم كه بر اوقاتم مواظبم ، و السّلام .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ تَعَالَى أَنَا مَعَ الْإِنْسَانِ فِى نَبَإٍ عَظِيمٍ أَخْلُقُهُ وَ يَعْبُدُ غَيْرِى وَ أُعْطِيهِ وَ يَحْمَدُ غَيْرِى وَ أَمْنَعُهُ وَ يَشْكُو غَيْرِى

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند متعال مى فرمايد: مرا با انسان امرى بزرگ است ، او را آفريدم و او غير مرا مى پرستد، به او رزق و روزى دادم ولى او ديگرى را ستايش نمود، روزيش را قطع نمودم و او به ديگرى شكوه كرد.

وَ أَيْضاً قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى أَنِّى وَضَعْتُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ فِى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَ فِى خَمْسَةٍ أُخْرَى فَمَتَى يَجِدُونَ إِنِّي وَضَعْتُ عِزَّ عِبَادِى فِى طَاعَتِى فَهُمْ يَطْلُبُونَ مِنْ بَابِ السُّلْطَانِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَ إِنِّى وَضَعْتُ الْعِلْمَ وَ الْحِكْمَةَ فِى الْجُوعِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَ فِي الشِّبَعِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَ إِنِّى وَضَعْتُ الْغِنَى فِى الْقَنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَ فِى الْمَالِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَ إِنِّى وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِى الاْخِرَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَ فِى الدُّنْيَا فَمَتَى يَجِدُونَ وَ إِنِّى وَضَعْتُ رِضَايَ فِى مُخَالَفَةِ هَوَاهُمْ وَ هُمْ يَطْلُبُونَ فِى مُوَافَقَةِ هَوَاهُمْ فَمَتَى يَجِدُونَ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداى متعال به موسى عليه‌السلام وحى فرمود: من پنج چيز را در گرو پنج چيز قرار دادم ، ولى مردم آن را در پنج چيز ديگر مى جويند، كى آن را مى يابند؟

نخست اينكه : عزّت بندگانم را در اطاعت از خود قرار دادم ، ولى آنان عزّت را در خانه سلطان مى جويند، چه زمانى آن را مى يابند؟ دوم اينكه : من علم و دانش را در گرسنگى قرار دادم ، و آنان در سيرى شكم آن را طلب مى كنند، كى آن را مى يابند؟ سوم اينكه : من بى نيازى را در قناعت قرار دادم ، و آنان در اندوختن ثروت مى جويند، كى آن را مى يابند؟ چهارم اينكه : من آسايش را در آخرت قرار دادم ، در حالى كه آنان در دنيا به دنبالش مى روند، كى به آن مى رسند؟ پنجم اينكه : من خوشنوديم را در مخالفت آنان با هواى نفس قرار دادم ، ولى آنان در پيروى از هواى نفس مى جويند، كى به آن برسند؟

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِى عُمَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍعليه‌السلام يَقُولُ لَا يُخَلِّدُ اللَّهُ فِى النَّارِ إِلَّا أَهْلَ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ أَهْلَ الضَّلَالِ وَ الشِّرْكِ وَ مَنِ اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يُسْأَلْ عَنِ الصَّغَائِرِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيماً قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَالشَّفَاعَةُ لِمَنْ تَجِبُ مِنَ الْمُذْنِبِينَ قَالَ حَدَّثَنِى أَبِى عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّعليه‌السلام قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّمَا شَفَاعَتِى لِأَهْلِ الْكَبَائِرِ مِنْ أُمَّتِى فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ مِنْهُمْ فَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ قَالَ ابْنُ أَبِى عُمَيْرٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ تَكُونُ الشَّفَاعَةُ لِأَهْلِ الْكَبَائِرِ وَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ يَقُولُ وَ لا يَشْفَعُونَ إِلاّ لِمَنِ ارْتَضى وَ مَنِ ارْتَكَبَ الْكَبَائِرَ لَا يَكُونُ مُرْتَضًى فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَرْتَكِبُ ذَنْباً إِلَّا سَاءَهُ ذَلِكَ وَ نَدِمَ عَلَيْهِ وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ كَفَى بِالنَّدَمِ تَوْبَةً وَ قَالَ مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ فَمَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَمْ تَجِبْ لَهُ الشَّفَاعَةُ وَ كَانَ ظَالِماً وَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ يَقُولُ ما لِلظّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لا شَفِيعٍ يُطاعُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ لَا يَكُونُ مُؤْمِناً مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَرْتَكِبُ كَبِيرَةً مِنَ الْمَعَاصِى وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيُعَاقَبُ عَلَيْهَا إِلَّا نَدِمَ عَلَى مَا ارْتَكَبَ وَ مَتَى نَدِمَ كَانَ تَائِباً مُسْتَحِقّاً لِلشَّفَاعَةِ وَ مَتَى لَمْ يَنْدَمْ عَلَيْهَا كَانَ مُصِرّاً وَ الْمُصِرُّ لَا يُغْفَرُ لَهُ لِأَنَّهُ غَيْرُ مُؤْمِنٍ بِعُقُوبَةِ مَا ارْتَكَبَ وَ لَوْ كَانَ مُؤْمِناً بِالْعُقُوبَةِ لَنَدِمَ وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الِاسْتِغْفَارِ وَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ لا يَشْفَعُونَ إِلاّ لِمَنِ ارْتَضى فَإِنَّهُمْ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى اللَّهُ دِينَهُ وَ الدِّينُ الْإِقْرَارُ بِالْجَزَاءِ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ فَمَنِ ارْتَضَى اللَّهُ دِينَهُ نَدِمَ عَلَى مَا ارْتَكَبَهُ مِنَ الذُّنُوبِ لِمَعْرِفَتِهِ بِعَاقِبَتِهِ فِى الْقِيَامَةِ

محمّد بن ابى عمير گويد: از امام كاظم عليه‌السلام شنيدم كه مى فرمود: خداوند در آتش جاودان ننمايد مگر كفّار و منكران و گمراهان و مشركان ، و هر مؤمنى كه از گناهان كبيره دورى كند خداوند او را از گناهان صغيره باز خواست نمى كند، خداوند متعال مى فرمايد: (اگر از گناهان كبيره اى كه از آن نهى شده ايد دورى كنيد ما گناهان (صغيره) شما را پرده پوشى مى كنيم ، و شما را در جايگاهى بزرگ قرار مى دهيم).

راوى گويد: گفتم : يا ابن رسول اللّه ! پس شفاعت شامل كداميك از گناهكاران مى شود؟ فرمود: پدرم از پدرانش از على عليه‌السلام نقل كند كه فرمود: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم كه مى فرمود: شفاعت من براى كسانى از امّتم است كه گناه كبيره اى مرتكب شده اند، و اما نيكوكاران نيازى به شفاعت ندارند.

ابن ابى عمير گويد: عرض كردم : يا ابن رسول اللّه ! چگونه شفاعت شامل اهل كبائر مى شود، در حالى كه خداوند متعال مى فرمايد: (شفاعت نمى كنند مگر براى كسانى كه خدا رضايت دهد) و هر كه مرتكب گناه كبيره شود مورد رضايت خدا نيست ؟

فرمود: اى ابا احمد! هيچ مؤمنى مرتكب گناه نمى شود مگر آنكه از كارش ‍ ناراحت و پشيمان مى شود، و پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: پشيمانى خود توبه است ، و فرمود: هر كس از كار خوبش خوشش آيد و از كار بدش آزرده شود مؤمن است ، و فرمود: هر كس بر گناهى كه كرده پشيمان نشود مؤمن نيست ، و مورد شفاعت قرار نگيرد و ظالم خواهد بود، و خداوند متعالى فرمود: (ظالمان حمايت نشوند و مورد شفاعت قرار نگيرند).

عرض كردم : يا ابن رسول اللّه ! چگونه كسى كه بر ارتكاب گناهش پشيمان نشود مؤمن به حساب نمى آيد؟ فرمود: اى ابا احمد! هيچ كسى نيست كه گناهى كبيره را مرتكب شود و بداند كه بر آن عقاب مى شود و از كارش ‍ پشيمان نشود، و چون پشيمان شد همين توبه است و سزاوار شفاعت مى شود، و هر گاه پشيمان نشد اصراركننده بر گناه به حساب آيد، و چنين كسى هرگز آمرزيده نخواهد شد، زيرا او به واسطه عقوبت گناهى كه مرتكب شده ديگر مؤمن نيست ، چون اگر ايمان به عقوبت داشت پشيمان مى شد، و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: با توبه ، كبيره از بين مى رود و با اصرار بر گناه ، صغيره تبديل به كبيره مى شود.

و اما سخن خداى متعالى كه فرمود: (شفاعت نمى كنند مگر كسى را كه خدا رضايت دهد يعنى): آنان براى كسى كه دينش را خدا نپذيرد شفاعت نمى كنند، و دين عبارتست از اقرار به پاداش بر نيكى ها و بدى ها، هر كس ‍ دينش مورد قبول خدا باشد نسبت به گناهانى كه مرتكب شده پشيمان مى شود، چون نسبت به عاقبتش در قيامت آگاه است .

# باب دهم : متفرقات و در آن نه فصل است

الباب العاشر فى المتفرقات

## فصل اول : دعا براى برادران مؤمن

فى الدعاء لا خيك بظهر الغيب

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِناً فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ وَ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ دَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس مؤمنى را گرامى بدارد خدا را گرامى داشته ، و هر كس برادر مؤمنش را دعا كند خداوند بلا را از او بر طرف كند و روزيش را زياد گرداند.

وَ قَالَ دُعَاءُ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَدْفَعُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ يُدِرُّ عَلَيْهِ الرِّزْقَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: دعا مؤمن براى مؤمن در نهان بلا را از او دور مى كند و روزيش را زياد مى گرداند.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكاً يَقُولُ لَهُ وَ لَكَ مِثْلُ مَا دَعَوْتَ لِأَخِيكَ

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هيچ مردى براى برادرش پنهانى دعا نكرد، مگر اينكه خداوند فرشته اى را موظّف مى كند كه برايش دعا كند و بگويد: براى تو هم مثل آنچه براى برادرت دعا كردى نصيب گردد.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْعُوَ لِنَفْسِهِ اسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِى نَفْسِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس قبل از دعا كردن براى خودش ‍ چهل نفر از برادرانش را بر خود مقدم بدارد، خداوند دعايش را در مورد آنها و در مورد خودش اجابت كند.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِ مُوسَىعليه‌السلام أَ رَأَيْتَ إِنِ احْتَجْتُ إِلَى الطَّبِيبِ وَ هُوَ نَصْرَانِيٌّ أُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ أَدْعُو لَهُ قَالَ نَعَمْ لَا يَنْفَعُهُ دُعَاؤُكَ فى القرعة

عبد الرحمن بن حجاج گويد: خدمت حضرت كاظم عليه‌السلام عرض ‍ كردم : جايز است كه هر گاه به طبيب نصرانى احتياج پيدا كردم و نزد وى رفتم به او سلام كنم و برايش دعا كنم ؟

فرمود: بلى ، و لكن دعاى شما سودى به حالش ندارد.

## فصل دوم : قرعه

(فصل دوم : قرعه)

عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلُودٍ لَيْسَ لَهُ مَا لِلرِّجَالِ وَ لَيْسَ لَهُ مَا لِلنِّسَاءِ فَقَالَ هَذَا يُقْرَعُ عَلَيْهِ يُكْتَبُ عَلَى سَهْمٍ عَبْدُ اللَّهِ وَ يُكْتَبُ عَلَى الاْخَرِ أَمَةُ اللَّهِ ثُمَّ يَقُولُ الْإِمَامُ أَوِ الْمُقْرِعُ اللَّهُمَّ أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِى ما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ بَيِّنْ لَنَا أَمْرَ هَذَا الْمَوْلُودِ حَتَّى نُوَرِّثَهُ مَا فَرَضْتَ لَهُ فِى كِتَابِكَ قَالَ ثُمَّ يُطْرَحُ السَّهْمَانِ فِى سِهَامٍ مُبْهَمَةٍ ثُمَّ تُجَالُ فَأَيُّهُمَا خَرَجَ يُورَثُ عَلَيْهِ

فضيل بن سيار گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم : طفلى متولد شده كه نه علامت مرد دارد، و نه علامت زن ، فرمود: در اين مورد بايد امام بر او قرعه اندازد، روى برگه اى نام عبد اللّه و روى برگه ديگر نام امة اللّه نوشته مى شود، سپس امام يا قرعه زننده مى گويد:

«پروردگارا! هيچ خدايى جز تو نيست ، از نهان و آشكار آگاهى ، تو روز قيامت بين بندگانت در اختلافاتشان حكم مى كنى ، امر اين نوزاد را براى ما روشن گردان تا آنچه را در كتابت واجب نموده اى از ارث به او بدهيم»، فرمود: سپس اين دو را در ميان چند اسم نامشخص قرار داده و مخلوط مى كنند، هر كدام از آن دو در آمد سهم ارثش را مى دهند.

سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَقَالَ هَذِهِ تُخْرَجُ فِى الْقُرْعَةِ ثُمَّ قَالَ وَ أَيُّ قَضِيَّةٍ أَعْدَلُ مِنَ الْقُرْعَةِ إِذَا فُوِّضَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ لَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ فَساهَمَ فَكانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

يكى از اصحاب ما از امام صادق عليه‌السلام در باره مسأ له اى پرسيد، امام فرمود: اين مطلب با قرعه مشخص مى شود، سپس فرمود: كدام حكم از قرعه عادل تر است ، هر گاه مطلب به خداوند واگذار شود؟ مگر خداوند در قرآن نفرموده : (آنان قرعه زدند و يونس جزء غرق شوندگان قرار گرفت)؟

## فصل سوم : در بيان حفظ نفس و تهذيب آن

(فى الصيانة و المراشد و التهذيب)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِذَا ظَنَنْتَ أَنَّ الْحَقَّ مُهْلِكُكَ فَهُوَ مُنْجِيكَ وَ إِذَا ظَنَنْتَ أَنَّ الْبَاطِلَ مُنْجِيكَ فَإِنَّهُ مُهْلِكُكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه گمان كنى كه حق ؛ هلاك كننده توست ، حق نجات دهنده ات شود، و هر گاه گمان كنى كه باطل نجات دهنده توست ، تو را هلاك سازد.

عَنْهُ قَالَ إِنِّى لَأُحِبُّ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ دَاعِيَةً إِلَى دِينِهِ وَ قِسْمَتِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من دوست دارم براى مرد مسلمان كه : براى حفظ دين و روزيش دعا كند.

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِى النِّعَمِ قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا بَادِى النِّعَمِ قَالَ طِيبُ الْمَوْلِدِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس خنكى محبّت ما را در دلش ‍ احساس كرد، بايد نخست خداوند را بر اوّلين نعمتها سپاس گويد، پرسيده شد: فرزند رسول خدا! اوّلين نعمتها چيست ؟ فرمود: حلال زادگى .

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَانَ يُحِبُّنَا وَ هُوَ فِى مَوْضِعٍ لَا يَشِينُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ قُلْتُ وَ مَا هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِى لَا يَشِينُهُ قَالَ لَا يُرْمَى فِى مَوْلِدِهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس كه ما را دوست بدارد در موقعيتى است كه ننگى بر دامنش نباشد، و او از بندگان ويژه خداست ، پرسيدم : موردى كه رسوايى داشته باشد؛ چيست ؟ فرمود: پاكى مولدش .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله رَأَيْتُ عَجَباً بَيِّناً رَجُلٌ يَسُوقُ دَابَّتَهُ إِذْ عَثَرَتْ فَقَالَ تَعَسْتِ فَقَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ وَ اللَّهِ مَا هِيَ حَسَنَةٌ فَأَكْتُبَهَا وَ قَالَ صَاحِبُ الشِّمَالِ مَا هِيَ سَيِّئَةٌ فَأَكْتُبَهَا فَنُودِيَ مِنَ السَّمَاءِ يَا صَاحِبَ الشِّمَالِ مَا تَرَكَهُ صَاحِبُ الْيَمِينِ فَاكْتُبْهُ فى نوادر الحب و البغض و التوفيق

امام صادق عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چيز عجيبى ديدم ، مردى را ديدم كه چهار پايى را جلو انداخته و حركت مى كرد، ناگاه چهار پا لغزيد و به زمين افتاد، مرد گفت : هلاك شوى كه به زمين افتادى ، فرشته موكّل طرف راست گفت : به خدا قسم ، اين كار نيكى نبود تا ضبطش كنم ، فرشته طرف چپ نيز گفت : اين يك گناه هم نبود تا ضبطش كنم ، در اين هنگام از طرف آسمان ندايى آمد كه : اى فرشته طرف چپ آنچه را فرشته طرف راست رها كرد تو ثبت كن .

## فصل چهارم : در دوستى و دشمنى و توفيق

(فصل چهارم : در دوستى و دشمنى و توفيق)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ وَضَعَ حُبَّهُ فِى غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس محبّتش را در غير موردش به كار گيرد، در واقع مرتكب قطع خويشاوندى گرديده .

رُوِيَ أَنَّهُ مَرَّ رَجُلٌ فِى الْمَسْجِدِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ جَالِسٌ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ وَ اللَّهِ إِنِّى لَأُحِبُّ هَذَا الرَّجُلَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أَمَّا مَنْ لَا يَعْلَمُ فَأَعْلِمْهُ فَإِنَّهُ أَبْقَى فِى الْمَوَدَّةِ وَ خَيْرٌ فِى الْأُلْفَةِ

روايت شده كه مردى از مسجد عبور مى كرد، و امام باقر عليه‌السلام در آنجا نشسته بود، يكى از همنشينان امام عرض كرد: به خدا قسم ، من اين مرد را دوست دارم ، امام باقر عليه‌السلام فرمود:

كسى را كه نمى داند دوستش دارى به او بگو، زيرا اين كار دوستى را محكم و براى الفت گرفتن بهتر است .

قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام وَلَايَتِى لاِبَائِى أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَسَبِى وَلَايَتِى لَهُمْ تَنْفَعُنِى مِنْ غَيْرِ نَسَبٍ وَ نَسَبِى لَا يَنْفَعُنِى بِغَيْرِ وَلَايَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ولايت من نسبت به پدرانم نزد من محبوبتر از نسبت من است ، ولايت من به آنها بدون نسب مرا سود مى دهد، اما نسب من بدون ولايت سودى برايم ندارد.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ لَا يَسْتَغْنِى الْمُؤْمِنُ عَنْ خَصْلَةٍ وَ بِهِ الْحَاجَةُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن از خصلتى بى نياز نيست در حالى كه همواره احتياج به سه خصلت دارد: توفيق از طرف خداوند، پند دهنده اى از درون جانش و پند پذيرى .

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْهُ قَالَ مَا كُلُّ مَنْ نَوَى شَيْئاً قَدَرَ عَلَيْهِ وَ لَا كُلُّ مَنْ قَدَرَ عَلَى شَيْءٍ وُفِّقَ لَهُ وَ لَا كُلُّ مَنْ أَصَابَ لَهُ مَوْضِعاً فَإِذَا اجْتَمَعَتِ النِّيَّةُ وَ الْقُدْرَةُ وَ التَّوْفِيقُ وَ الْإِصَابَةُ فَهُنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اين طور نيست كه هر چه را انسان نيّت كند بتواند انجام دهد، و هر چه را قدرت بر آن دارد توفيق به دست آوردنش ‍ را پيدا كند، و هر چه را توفيق پيدا كرد به محل آن برسد، اما هر گاه نيّت و قدرت و توفيق و ثواب جمع شد، سعادت كامل گردد.

## فصل پنجم : در ياد آورى نعمتها و اسباب آن

(فى التذكر بالنعم و مؤ نها)

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مُوسَى أَحِبَّنِى وَ أَحْبِبْنِى إِلَى خَلْقِى قَالَ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ فَكَيْفَ لِى بِقُلُوبِ الْعِبَادِ قَالَ ذَكِّرْهُمْ نعماى نَعْمَائِى وَ آلَائِى فَإِنَّهُمْ لَا يَذْكُرُونَ مِنِّى إِلَّا حَسَناً

امام باقر عليه‌السلام فرمود: خداوند فرمود: اى موسى ! مرا دوست بدار، و مردم را با من دوست گردان ، عرض كرد: پروردگارا! تو مى دانى كه هيچ چيز از تو برايم محبوبتر نيست ، پس چگونه دلهاى بندگان را متوجه تو سازم ؟ فرمود: نعمتهاى مرا به آنان ياد آورى كن ، زيرا آنان جز نيكى از من يادشان نمى ماند.

عَنِ الْبَاقِرِعليه‌السلام قَالَ لَا تُجَالِسُوا الْأَغْنِيَاءَ فَتَحْقِرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

امام باقر عليه‌السلام فرمود: با توانگران همنشين نشويد، زيرا نعمتهائى كه خداوند به شما داده حقير مى شماريد.

عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ وَ إِنْ لَمْ يَقْضِهَا أُسْكِنَ نَارَ جَهَنَّمَ وَ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَ لَمْ يَنَلْ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر گاه خداوند بر بنده اى نعمتى دهد، حوايج مردم را نيز به عهده او قرار دهد، اگر او بدون منّت خواسته هاى آنان را بر آورد، خداوند او را وارد بهشت نمايد، و اگر حاجت آنان را روا نسازد جايگاهش در جهنم است ، و خداوند هم همه خوبيهايى را كه به او داده مى گيرد، و روز قيامت شفاعت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شامل حالش نشود.

عَنْهُ قَالَ مَا عَظُمَتْ نِعْمَةُ عَبْدٍ إِلَّا اشْتَدَّتْ مَئُونَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ فَإِنْ تَضَجَّرَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِسَلْبِ النِّعْمَةِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نعمت بر بنده اى زياد نشد مگر اينكه حاجتهاى مردم نسبت به او بيشتر شد، اگر او (از مراجعه مردم) دلتنگ شود، خود را در معرض دورى از نعمت قرار داده است .

## فصل ششم : در واگذارى بنده و كفران نعمتها

(فى الاستدراج و كفر النعم)

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرّاً فَأَذْنَبَ ذَنْباً أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ لِيُنْسِيَهُ الِاسْتِغْفَارَ وَ يَتَمَادَى بِهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَعْلَمُونَ بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند متعال هر گاه براى بنده اى بدى بخواهد، و او گناهى كند به دنبال آن نعمتى به او مى دهد تا استغفار را از يادش ببرد، و او در همان حال مى ماند، و اين است سخن خداى عزّ و جلّ كه : (به تدريج آنها را از راهى كه نمى دانند غافلگير مى كنيم ، يعنى به) وسيله نعمت دادن هنگام گناه كردن .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَدْرِجَ عَبْداً ابْتَلَاهُ بِذَنْبٍ ثُمَّ أَنْعَمَ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ الذَّنْبِ بِنِعْمَةٍ فَيُنْسِيهِ ذَلِكَ الذَّنْبُ الِاسْتِغْفَارَ فَذَلِكَ الِاسْتِدْرَاجُ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند هر گاه بخواهد بنده اى را واگذارد، او را به گناهى مبتلا مى سازد، سپس به او نعمتى مى دهد، و او گناه خود را فراموش مى كند و استغفار نمى كند، اين معناى استدراج است .

قَالَ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ قَالَ إِنِّى مِنْ خَيْرِ النَّاسِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ النَّاسِ وَ مَنْ قَالَ إِنِّى فِى الْجَنَّةِ فَهُوَ فِى النَّارِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس بگويد من بهترين مردم هستم ، او بدترين مردم است ، و هر كه بگويد من اهل بهشتم ، او در واقع اهل دوزخ است .

عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام قَالَ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النِّعْمَةِ بِمِزْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا وَ مَنْ أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ الْمُصِيبَةِ بِنَائِحَةٍ فَقَدْ فَجَعَهَا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند به هر كس نعمتى داد و او با آن مشغول لهويات شد، كفران نعمت نموده ، و هر كس گرفتار مصيبتى شود، و در هنگام مصيبت نوحه سرايى و بيتابى كند، بر اندوهش افزوده گردد.

## فصل هفتم : جاه طلبى و رياست

(فى الرئاسة)

عَنِ الصَّادِقِعليه‌السلام قَالَ مَنْ دَعَا إِلَى نَفْسِهِ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُتَكَلِّفٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس مردم را به طرف خود بخواند، در حالى كه در ميان آنان داناتر از او باشد، چنين شخصى گمراه و از حدّش ‍ تجاوز كرده است .

عَنْهُ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتَرَأَّسُونَ فَوَ اللَّهِ مَا خَفَقَتِ النِّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: از اين رؤ سا دورى كنيد، كسانى كه خود را به زور رئيس بر مردم مى دانند، به خدا قسم صداى كفشها پشت سر كسى شنيده نشد، مگر اينكه خود هلاك شد و ديگران را نيز هلاك ساخت .

عَنْهُ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَأْتُوا الرُّؤَسَاءَ ذَرْهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَاباً لَا تَتَّخِذُوا الرِّجَالَ وَلِيجَةً مِنْ دُونِ اللَّهِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اى جوانان ! از خداوند بترسيد و دنبال رؤ ساء نرويد، آنان را واگذاريد تا دنباله رو باشند، و مردم را به جاى خدا معتمد خود قرار ندهيد.

عَنْهُ إِنَّ شِرَارَكُمُ الْمُتَرَئِّسُونَ الَّذِينَ يَجْمَعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِمْ وَ يُحِبُّونَ أَنْ تُوطَأَ أَعْنَاقُكُمْ وَ يَشْهَرُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ يَشْتَهِرُونَ أَوْ نَتَّخِذَهُمْ وَلَائِجَ لَا بُدَّ مِنْ كَذَّابٍ أَوْ عَاجِزِ الرَّأْيِ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بدترين شما كسانيند كه به زور بر مردم رياست مى كنند، كسانى كه مردم گرد آنان جمع مى شوند و دوست دارند كه بر گردنهاى شما سوار شوند، و خود را مشهور مى سازند و مشهور مى شوند، يا آنان را مورد اعتماد قرار مى دهيم ، و به ناچار بايد كذّاب يا ناتوان در عقيده باشد.

## فصل هشتم : در اطاعت و عدم اطاعت از خدا

(فى القبض و البسط و غيرهما)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِعليه‌السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ كانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سالِمُونَ قَالَ وَ هُمْ يَسْتَطِيعُونَ الْأَخْذَ بِمَا أُمِرُوا بِهِ وَ التَّرْكَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ بِذَلِكَ ابْتُلُوا

امام صادق عليه‌السلام در باره آيه (آنان قبل از اين دعوت به سجود مى شدند در حالى كه سالم بودند) فرمود: آنان قدرت عمل كردن به اوامر الهى را داشتند، و مى توانستند نواهى خدا را ترك كنند، (ولى اين كار را نكردند) و بدين وسيله آزمايش شدند.

وَ قَالَ لَيْسَ لِلْعَبْدِ قَبْضٌ وَ لَا بَسْطٌ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَوْ نَهَى عَنْهُ إِلَّا وَ مِنَ اللَّهِ فِيهِ ابْتِلَاءٌ وَ قَضَاءٌ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بنده نمى تواند نسبت به آنچه خدا به او امر كرده و يا از آنچه خدا نهى كرده كم يا زياد كند، مگر آنچه در او آزمايش و قضا و قدر الهى باشد.

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله الْإِنَاءَةُ مِنَ اللَّهِ وَ الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

امام باقر عليه‌السلام از قول رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: به آرامى كار كردن كارى خدايى است و عجله كردن از شيطان است .

## فصل نهم : در بيان وصيت كردن

(فى ذكر الوصية)

قال الله تعالى فى سورة البقرة كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُتَّقِينَ. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خداوند متعال در سوره بقره فرموده : (واجب است بر شما هنگامى كه يكى از شما را مرگ فرا مى رسد، اگر چيز خوبى از خود بجاى گذارده ، براى پدر و مادر و نزديكان به طور شايسته وصيت كند، اين حقى است بر پرهيزگاران ، پس كسانى كه بعد از شنيدنش آن را تغيير دهند، گناه آن تنها بر كسانى است كه آن (وصيت) را تغيير مى دهند، خداوند شنوا و داناست).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس بدون وصيت بميرد، به نوع مردن جاهلى مرده است .

وَ قَالَ مَا يَنْبَغِى لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: سزاوار نيست كه مسلمانى يك شب بخوابد، مگر اينكه وصيتش زير سرش باشد.

وَ قَالَ الصَّادِقُعليه‌السلام الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: وصيت كردن بر هر مسلمانى واجب است .

وَ قَالَ مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِى قَرَابَتِهِ مِمَّنْ لَا يَرِثُ فَقَدْ خُتِمَ عَمَلُهُ بِمَعْصِيَةٍ

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس هنگام مردن براى اقوامش كه ارثى ندارند وصيتى نكند، كارش با گناه تمام شده است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وآله مَنْ لَمْ يُحْسِنْ وَصِيَّتَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ كَانَ نَقْصاً فِى مُرُوَّتِهِ وَ عَقْلِهِ

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر كس هنگام مرگ نيكو وصيت نكند، در مردانگى و عقلش نقصان است .

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين الطيبين الا خيار الا برار و سلم تسليما كثيرا

و درود خداوند بر سرور ما محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله و اولاد پاكش كه همگى از برگزيدگان و از نيكانند.

فهرست مطالب